

ادب حضور

(ترجمہ فلاح السائل)

نویسنده: علامہ بزرگوار سیّد بن طاووس (رحمت اللہ علیہ)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة على محمد و آله الأطيبين الأطهرين، و اللعن على
اعدائهم أجمعين

سخن گفتن از شخصیت عظیمی که با چشم باطن فرشتگان درگاه ربوبی را مشاهده می‌نموده¹، و بدون استهلال و رجوع به تقویم از اول ماه و هلال آن باخبر بوده² تصریح به درک شب قدر می‌نموده³ بلکه بالاتر از آن، از درک مقام نورانیت خبر می‌دهد، و قلم فرسایی درباره‌ی عارف برجسته‌ای که ره یافتگان به کوی دوست گواهی به نیل او به معرفت کامل حق سبحانه می‌دهند، بلکه از نادر عارفان متمکن در توحید به شمارش می‌آورند و بالأخره شخصیت گرانسنگی که در دنیا در ملاقات میان او و حضرت حجّت بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باز بوده، و در برزخ روح مافوق ملکوتش همواره همدم جدّ بزرگوارش امیر المؤمنین - عليه السلام - است و حتی یک لحظه از آن بزرگوار جدا نمی‌گردد، یعنی: جمال سالکان، سیّد مراقبان، نور عارفان، عالم ربّانی، صاحب کرامات باهره، ذوالحسبین⁴ رضی الدین، ابوالقاسم، علی بن موسی طاووس⁵ از افق اندیشه‌ی قاصر نگارنده‌ی این سطور بسی بلندتر است، لذا نخست زندگینامه‌ی شناسنامه‌ای آن بزرگوار را به اختصار ذکر نموده، سپس خامه را به دست دانشمندان برجسته و به ویژه شخصیت‌های گرانسنگی که هر کدام اوحدیّ دوران خویش به شمار می‌روند می‌سپاریم، و از اشارات آنان در رابطه با مقامات اخلاقی، عرفانی و توحیدی سیّد اهل مراقبه، سیّد بن طاووس قدس سرّه بهره می‌گیریم:

شرح حال کوتاه مؤلف

مؤلف بزرگوار در ظهر روز پنجشنبه‌ی نیمه‌ی محرم الحرام سال 589 هجری قمری، در حله عراق دیده به جهان گشود، و دوران کودکی و نوجوانی و بخشی از جوانی خود را در آن سامان گذرانید، و نزد اساتید بسیار، به ویژه دو شخصیت بزرگوار: یکی پدرش سعد الدین موسی و دیگری جدش عارف و زاهد نامی ورام بن ابی فراس نخعی شاگردی نمود. و بنا به فرموده‌ی خود، این دو بزرگوار در تربیت و آموختن تقوی و تواضع به وی از همه بیشتر نقش داشته‌اند.

تا اینکه رخت سفر بر بسته و به سوی مشهد امام کاظم (علیه السلام) و شهر بغداد هجرت نموده، و طی اقامت در آنجا پس از استخاره و مشورت با حضرت حق سبحانه با زهرا خاتون دختر ناصر بن مهدی وزیر پیوند ازدواج بر قرار می‌کرده، و حدود پانزده سال در زمان حکومت عباسیان در بغداد اقامت می‌گزیند.

وی در طول این مدت مورد احترام و تعظیم رجال حکومتی آن دوران بوده، و عهده‌دار شدن مناصب سیاسی از نقابت طالبین و سفارت در نزد حاکم مغول گرفته تا حتی سپردن وزارت به وی پیشنهاد شد، ولی به ثمر نشست.

مؤلف؛ اواخر عهد حکومت مستنصر - متوفی به سال 640 ه ق - و یا اندکی بعد از وفات وی در سال 641 ه ق به حله بازگشت و مدت زمانی در آنجا اقامت نمود، ولی دل بی قرار او آرام نگرفت، و دوباره در سال 645 به نجف اشرف رهسپار گردید، و به صورت متناوب سه سال در آنجا، و سه سال دیگر در کربلای معلی، و سه سال دیگر در کاظمین اقامت نمود، و سرانجام در سال 652 عزم سفر به سوی سامراء و اقامت سه ساله در آنجا را داشت، لیکن هنگام عبور از بغداد، باز به مصلحت وقت که مقارن با حمله‌ی مغول بود، در

دارالخلافتی بغداد اقامت گزید، و هنگام سقوط بغداد به دست مغولان، یعنی 18 محرم الحرام سال 656 ه ق - در بغداد بوده است.

جریان فتوای او به عنوان یک مسأله جالب تاریخی - سیاسی معروف است، زیرا هنگامی که هولاکر بغداد را فتح کرد، دانشمندان را در مستنصریه گرد آورد، و از آنان درباره‌ی این مسأله که سلطان کافر عادل افضل است، یا سلطان مسلمان ستمگر؟ استفتا نمود، پس از سلوک همه، سید قدس سره مبادرت به پاسخ نمود و از روی تقیه و حفظ جان مسلمین نگاشت: کافر عادل از مسلمان جائز افضل است و دیگران نیز به پیروی از وی فتوای او تأیید کردند.

تاریخ زندگی وی گویای آن است که در دهم صفر الخیر سال 656، هلاکو وی را به حضور می‌طلبد و به او امان می‌دهد و سید قدس سره دوباره به حله مراجعت می‌نماید، و سرانجام قلم قضای الهی چنین رقم می‌زند که آن بزرگوار در نهم محرم الحرام سال 658 در نجف اشرف، و در چهاردهم ربیع الاول سال 658 در بغداد باشد، و در سال 656 از سوی هلاکو به عنوان نقیب بغداد، و در سال 661 به نقابت تمام طالبین گمارده شود، و روح ملکوتی او در صبح روز دوشنبه پنجم ذی القعدةی سال 664 در بغداد به ملکوت اعلی پیوست، و طبق آرزوی دیرینه‌ی خود در جوار مزار جدش مولی الموحّدین امیر المؤمنین (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

مؤلف بزرگوار کتابخانه‌ی بسیار بزرگی داشته که از کتابخانه‌های مهم تاریخ به شمار می‌رود، و نیز فرزندان فاضل و بزرگوار او از باقیات صالحات و آثار ماندگار او محسوب می‌شوند. از همه بالاتر تألیفات بسیاری از او به یادگار مانده که همگی بیانگر اوج مقام علمی و معنوی او، و نشان دهنده‌ی انس و

توجه و عمل وی به کلمات معصومین (علیهم السلام) می باشد. حدود پنجاه کتاب و رساله از او نام برده شده است که معروفترین آثار وی عبارتند از:

1 - اللهوف یا الملهوف علی قتلی الطفوف.

2 - الاقبال بالاعمال الحسنة.

3 - كشف المحجة لثمره المهجة.

4 - محاسبة النفس.

5 - جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع.

6 - مهج الدعوات و منهج العنايات.

7 - فلاح السائل و نجاح المسائل. که کتاب حاضر ترجمه‌ی آن است.

این بود گوشه‌ای از زندگینامه‌ی مؤلف که در کتابهای شرح حال از آن سخن به میان آمده است؛⁶ ولی مگر زندگی مردان الهی و وارستگان از عالم ماده، و پیوستگان به ملکوت اعلی که بنا بر تعبیر امیر المؤمنین - عَلَيْهِ السَّلَام - با تن خویش با دنیا مصاحبت دارند، ولی روحشان به محلّ اعلی آویخته است.⁷ در این چند سطر خلاصه می شود؟

آری، در پشت این همه تکاپو، دلدادگی و شیفتگی و اسراری دیگر نهفته است که پاره‌ای از آن در کلام و نوشتار بزرگان و برجستگان نمایان است:

سید بن طاووس از دیدگاه بزرگان

- 1 - علامه‌ی حلّی در کتاب منهاج الصلاة در مبحث استخاره می‌نگارد: سید سند سعید، رضی‌الدین علیّ بن موسی بن طاووس عابدترین شخصیت اهل روزگار خویش بوده است.⁸
- 2 - شیخ حرّ عاملی، صاحب وسائل الشیعه در تذکرة المتبحرین می‌نویسد: علامه‌ی حلّی فرموده است: رضی‌الدین علیّ، صاحب کرامات بوده است، که برخی از آنها را خود وی، و پاره‌ای دیگر را پدرم برای من نقل کرده است.⁹ و نیز در جای دیگر گفته است: سید رضی‌الدین، زاهدترین شخصیت روزگار خود بوده است.¹⁰
- 3 - هم او در امل الآمل می‌نگارد: حال وی در علم، فضل، زهد، عبادت، وثاقت، فقه، بزرگواری، و پرهیزگاری مشهورتر از آن است که ذکر شود. نیز وی شاعر ادیب، سراینده‌ی بلیغی بوده است.¹¹
- 4 - علامه‌ی مجلسی در حقّ وی چنین تعبیر می‌کند: سید نقیب مورد اعتماد و زاهد، جمال عارفان....¹²
- 5 - محدّث نوری درباره‌ی وی نگاشته است: سید اجلّ اکمل اسعد اورع ازهد، صاحب کرامات باهره، رضی‌الدین ابوالقاسم و ابوالحسن، علیّ بن سعد الدین موسی بن جعفر، طاووس آل طاووس، هم او که اصحاب ما امامیه (با اختلاف مشارب و طریقه‌شان) در صدور کرامات درباره‌ی هیچ کس دیگر غیر از او از متقدّمین از او گرفته تا متأخّرین از او، متّفنّ الکلمه نیستند....¹³ سپس به ذکر برخی از کرامات او تبرّک جُسته است.

- 6 - هم او می‌نویسد: سید رحمه الله از عظمای تعظیم کنندگان از شعائر الهی بوده، به گونه‌ای که در هیچ یک از تصنیفاتش اسم مبارک جلاله الله را بدون آوردن لفظ جلّ جلاله در پی آن ذکر نمی‌کند.¹⁴
- 7 - نیز وی می‌نویسد: از جای جای کتابهای او خصوصاً کتاب کشف المحجّة ظاهر می‌شود که در ملاقات با حضرت حجّت - علیه السلام - برای او باز بوده است.¹⁵
- 8 - سید محسن عاملی می‌فرماید: رضی الدین به گواه تألیف و آثارش بهره‌ی وافری از دانش و فضل و معرفت داشته است ... تا اینکه سرانجام برخی از بزرگان معاصر وی به خاطر اعتماد بر فقه ژرف و پرهیزگاری تردید ناپذیر او، از وی خواستند که منصب افتاء و قضاوت شرعی را عهده‌دار شود.¹⁶
- 9 - تستری در کتاب مقابس از او چنین تعبیر می‌کند: سید سند بزرگوار و مورد اعتماد، عالم عابد زاهد، طیب و طاهر، مالکازمه‌ی مناقب و مفاخر، صاحب دعاها و مقامات و مکاشفات و کرامات، مظهر فیض سنی و لطف خفی و جلیّ حضرت حقّ¹⁷
- 10 - ماحوزی در کتاب بلغه درباره‌ی وی می‌نویسد: صاحب کرامات و مقامات، که در میان اصحاب ما امامیه کسی عابدتر و پرهیزگارتر از او وجود ندارد.¹⁸
- 11 - شیخ عباس قمی درباره‌ی او می‌نگارد: رضی الدین ابی القاسم، علیّ بن موسی بن جعفر بن طاووس حسنی حسینی، سید اجلّ و اورع و ازهد، مقتدای عارفان وی رحمه الله مجمع کمالات سامیه حتی شعر، ادب و انشاء بوده است، و این تفضلی است که خداوند به هر کس که بخواهد عنایت می‌فرماید.¹⁹

12 - هم او چنين تعبير مي‌کند: سيّد رضیّ الدين ابوالقاسم، اجلّ و اورع و ازهد و اسعد، مقتدای عارفان و مصباح متهجّدان، صاحب کرامات باهره، و مناقب فاخره، طاووسِ آل طاووس - قدس سرّه و رفع في الملاء الأعلى ذکره -

20
...

اينکه گوش جان مي‌سپاريم به سخنان گوهر شناسان بزرگ معاصر، و اظهارات ايشان را درباره‌ی سيّد اهل مراقبه مي‌گيريم:

سید بن طاووس از دیدگاه عالمان ربّانی معاصر

13. جمال سالکان، نخبه‌ی علماء ربّانی، مربّی نفوس مستعدّه، مولانا حسینقلی همدانی - قدّس الله روحه الزکیّة - پیوسته می‌فرمود:

ما جاء مثله في علم المراقبة في الأئمة من طبقة الرعيّة²¹

- در میان امت محمّدی (ﷺ) و از ره پویان معصومین (علیهم‌السلام) کسی چونان سید جلیل ابن طاووس - قدّس الله سرّه العزیز - در علم مراقبه نیامده است.

14 - دیگر اینکه: تبعیت آن بزرگوار از شیوه‌ی تربیتی سید قدّس سرّه چنان نمایان بود که شاگردان صدره در کتاب تکلمه می‌نگارد:

وَ كَانَ عَلَى مِنْهَاجِ السَّيِّدِ جَمَالِ الدِّينِ بْنِ طَاوُوسٍ فِي الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ²²

- وی در گفتار و کردار شیوه‌ی سید جمال الدین بن طاووس را داشت.

15 - آیت حقّ، عالم ربّانی، عارف نامی، حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در جای جای تألیفاتش از او به سید سنّد، سیدنا و مولانا و سیدنا الأوحد و قدوتنا و مولانا، اسوه و معلّم و مقتدای اهل مراقبه یاد نموده²³ و بخصوص در خاتمه‌ی کتاب شریف المراقبات می‌فرماید:

سرور ما، مقتدای اهل علم و عمل، طاووس اهل مراقبه و معلّم آنان و مروج این علم - قدّس الله سرّه - در کتاب شریف اقبال اصول مراقبه اعمال سال را بر بهترین شیوه‌ی ممکن نگاشته، به گونه‌ای که در این معنی نظیری برای آن یافت نمی‌شود. بخصوص از دعا و مناجاتی که در خاتمه‌ی آن انشاء فرموده معلوم می‌شود که وی - که سلام خدا و سلام اجداد بزرگوارش بر او باد - در نگارش این کتاب نیز مراقبه‌ی خداوند - جلّ جلاله - را کاملاً به عمل آورده و می‌نگارد:

قَدَامْتَلْتُ مَرُؤْمَكَ اللَّهُمَّ، فِيمَا اعْتَمَدْتُ عَلَيْهِ، مُجْتَهِدًا بِكَ فِي الْإِخْلَاصِ فِيمَا
هَدَيْتَنِي إِلَيْهِ²⁴

- بار خدایا، در نگارش نوشتاری که به تو منتسب است، امر تو را در آنچه
در نظرم بود و بدان اعتماد داشتم، با کوشش در اخلاص و رزی در آنچه که خود
مرا بدان راهنمایی کردی، امثال نمودم.

16 - آیت حق، عالم ربّانی، عارف نامی، نادره‌ی روزگار، مربّی نفوس
مستعدّه، حضرت سیّد علی آقای قاضی - رضوان الله تعالی علیه - درباره‌ی آن
بزرگوار و سیّد بحرالعلوم و ابن فهد حلّی صاحب کتاب عُدّة الدّاعی - رضوان
الله علیهم اجمعین - فرموده است: سه شخصیت بزرگوار نامبرده از میان
متأخرین، تمکّن در توحید داشته‌اند.²⁵

و این مقامی بس عظیم است که افراد نادری از امت محمّدی
(ﷺ)، بدان دست یافته‌اند. وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَبَّهُوا. ²⁶

17 - مجدد قرن، فریادگر اسلام ناب محمّدی ﷺ، حضرت امام خمینی
قدّس سرّه درباره‌ی وی می‌نگارد: از علمای بزرگ معرفت و اخلاق، آنها را که
پیش همی علما مسلمند، پیروی کن. مثل جناب عارف بالله و مجاهد فی سبیل
الله، مولانا سیّد بن طاووس - رضی الله عنه -²⁷

18. کشف معارف ناب قرآن کریم و سنت شریف، مفسّر بزرگ، صاحب
تفسیر وزین المیزان، علامه سیّد محمّد حسین طباطبائی - قدّس سرّه - به دو
نفر از علمای اسلام بسیار ارج می‌نهادند و مقام و منزلت آنان را به عظمت یاد
می‌کردند:

اول: سیّد اجلّ علیّ بن طاووس - اعلی الله تعالی مقامه الشریف - و به
کتاب اقبال او اهمّیت می‌دادند، و او را سیّد اهل المراقبه می‌خواندند.

دوم: سید مهدی بحر العلوم - اعلی الله تعالی مقامه - و از کیفیت زندگی و سلوک علمی و عملی و مراقبات او بسیار تحسین می نمودند.

و تشرّف او و سید بن طاووس را به خدمت حضرت امام زمان - ارواحنا فداه - کراراً و مراراً نقل می نمودند، و نسبت به نداشتن هوای نفس، مجاهدات آنان در راه وصول به مقصود، و کیفیت زندگی و سعی و اهتمام در تحصیل مرضات خدای تعالی، مُعجب بوده و با دیده اُبّهت و تجلیل و تکریم می نگریستند.²⁸

19 - نیز نقل شده که حضرت آیت الله علامه طباطبائی می فرمود: برادر من (حاج سید محمد حسن الهی طباطبائی) شاگردی در تبریز داشت که به او درس فلسفه می گفت، و توسط آن شاگرد با بسیاری از ارواح ارتباط برقرار می کرد و بعضی از سوالات مشکله‌ی حکمت را از مؤلفین آنها می پرسید.

آن مرحوم می فرمود: ما روح بسیاری از علما را حاضر کردیم و سئوالاتی نمودیم، مگر روح دو نفر را که نتوانستیم احضار کنیم: یکی روح مرحوم سید بن طاووس، و دیگری روح مرحوم سید مهدی بحر العلوم - رضوان الله علیهما - این دو نفر گفته بودند: ما وقف خدمت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) هستیم و ابداً مجالی برای پایین آمدن نداریم.²⁹

20 - در پایان به عنوان ختامه مسک³⁰ تبرک می جوییم به کلام سلمان زمان، اوحدی دوران، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، تندیس تقوی، زهد و ورع، عارف کامل، استاذنا الاجل، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمد تقی بهجت - أفاض الله علينا مما یفیض علیه من نثاراته - که می فرمود: مطالعه همه‌ی کتابهای سید قدس سره برای اهل علم لازم است.

همچنین می‌فرمود: اگر کسی اقبال سید بن طاووس قدس سره را نداشت، اساتید ما او را رفیق خود نمی‌شمردند. هر مقدار از اقبال را که مطالعه کردنی است مطالعه، و هر مقدار را که عمل کردنی است، به هر اندازه حال دارید عمل کنید.

و بخصوص هنگام درخواست دستورالعمل از محضرش در ماههای مبارک رجب و شعبان و رمضان، می‌فرماید: مطالعه و عمل به اقبال سید قدس سره کافی است.

فلاح السائل کتاب شریف فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیلة چنانکه از نام آن پیداست درباره‌ی اعمال عبادی شبانه روز نگاشته شده است، و همان گونه که از مقدمه مؤلف بر همین کتاب بر می‌آید، آن را به عنوان یکی از مجموعه کتابهای دعا تألیف کرده که هر کدام به منظور جمع آوری اعمال خاص (سال، ماه، هفته، شبانه روز، و...) مهیا شده است.

به نظر می‌رسد تحقیق در رابطه با صحت اسناد این کتاب به مؤلفش، و نیز پیرامون احادیث آن در این مقدمه کوتاه ضرورت ندارد؛ زیرا اولاً - محدث خبیر، صاحب مستدرک الوسائل در این باره تنها به این بسنده می‌کند که جلالت قدر مؤلف کتاب فلاح السائل و اتقان و دقت و تحقیق او در تمام روایاتی که نقل می‌کند، در نزد معاصرین آن بزرگوار و متأخرین از او، مشهورتر از آن است که ذکر شود.³¹

نیز خود مؤلف در مقدمه تحقیق مبسوط و جوابیه‌ای درباره احادیث آن نگاشته، و افزون بر آن اغلب احادیث کتاب در چاپ جدید از دیگر منابع (متقدم و متأخر) اخراج و آدرس داده شده است. ولی در رابطه با محتوای کتاب

و ویژگیهایی که آن را از دیگر کتابهای حدیث و دعا ممتاز می‌کند، توجه به نکات زیر لازم است:

1 - مؤلف تنها به جمع آوری ادعیه همّت نگماشته، بلکه همان گونه که خود وی در همین کتاب تصریح می‌فرماید، از بیان نکات و اسرار و مشاهدات شخصی خود درباره‌ی مقامات اولیا، نحوه‌ی تحصیل اخلاص در عبادات و پرداختن اعمال از نواقص، و حضور قلب و زدودن حالت غفلت، و به طور کلی ریز بیان آداب معنوی و اسرار نماز، دعا و سایر اعمال شبانه روز کوتاهی ننموده است، و بی جهت نیست که عارفان بلند پایه از او با نام سید المراقبین و معلّم مراقبه یاد می‌کنند.

2 - بیانات مؤلف تقلیدی نبوده، بلکه وی نکاتی را که خود بدان دست یافته و با دل و جان لمس نموده و با سرّ و سويدای خویش چشیده، سالکان طریق الی الله را هشدار داده است. برای پی بردن به این نکته کافی است خواننده‌ی محترم، کتابهای اخلاقی و یا رساله‌هایی را که در حدیث و دعا و اسرار نماز نگاشته شده مقابله کند، و آنگاه با تأمل و دقت در زمینه‌ی مورد نظر به کتابهای مؤلف توجه کند.

3 - دیگر ویژگی آثار سید قدّس سرّه از جمله این رساله آن است که عقل و نقل و عرفان به هم آمیخته است، یعنی وی با تمام مقام علمی و عملی و عرفانی که دارد سرسپرده‌ی تامّ بیانات الهی و معصومین (علیهم‌السلام) است و همواره نخست به آنها استشهاد می‌کند؛ ولی هنر او در این تمام نمی‌شود، بلکه وی با اندیشه ژرف و ملکوتی خویش، اسرار آیات و روایات را برای اندیشمندانی که حظّی از ذوق و عرفان ندارند تابناک می‌نماید، و احکام و آداب اسلام را چنان توجیه می‌کند که هر عاقلی مُلزم به اعتقاد و عمل به آن می‌گردد، با این همه به این نیز

بسندہ نمی‌کند، بلکه گاه با تصریح و گاه با اشاره، از تجربه‌ی شخصی و مشاهده‌ی درونی خود پرده بر می‌دارد، و با این کار خواننده را به عمل بر احکام و آداب ظاهری و معنوی اعمال و عبادات ترغیب می‌نماید.

گرچه سخن در این مقام بسیار است، ولی به همین مقدار اکتفا می‌شود. ادب حضور، ترجمه‌ی فلاح السائل اینک به برخی از مطالبی که از ویژگیهای این ترجمه محسوب می‌شود، اشاره می‌کنیم:

1 - دو نسخه چاپی از کتاب فلاح السائل در دست است:

یک: نسخه‌ی چاپی رقعی، که توسط محقق گمنام برای اولین بار تحقیق و تصحیح و چاپ شده، و پس از مدتی به وسیله دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه‌ی قم افست شده است. این نسخه نواقصی از جهت مطالب دارد که در توضیحی که پیرامون نسخه‌ی دوّم خواهیم داد روشن می‌شود، ولی از آنچه که محقق آن شخص فاضلی بوده، از جهت تصحیح عبارات سید قدس سره از نسخه‌ی دوّم کاملتر و بهتر است.

دوّم: نسخه‌ی چاپی وزیری که به تحقیق آقای غلام حسین مجیدی و باز توسط دفتر تبلیغات اسلامی انتشار یافته است. این نسخه کمبودهایی را که نسخه‌ی اوّل داشته برطرف نموده، و تصحیح و تحقیق آن بر مبنای نسخه‌ی خطّی موجود در کتابخانه‌ی روضه‌ی مقدّسه‌ی رضویّه و نیز با عنایت به نسخه‌های دیگر عمل شده، و مواردی که در کتاب بحارالانوار از کتاب فلاح السائل نقل شده ولی در نسخه‌ی چاپی نخست نبوده، در این نسخه‌ی وجود دارد. همچنین ذکر منابع اصلی و فرعی و نیز زیبای چاپ و علامت گذاری و تنظیم فهرستهای گوناگون بر حُسن آن افزوده است. به نظر قاصر مترجم، این دو

نسخه‌ی مکمل یکدیگر هستند و در این مقدمه در صدد بر شمردن محسنات و یا معایت این دو نسخه نیستم.

با توجه به نکات گذشته ترجمه‌ی حاضر با دقت و سواس گونه با هر دو نسخه تطبیق گردیده است.

2 - چنانکه مؤلف در مقدمه کتاب متذکر شده، نحوه‌ی نگارش کتاب، به این صورت بوده که پس از نوشتن بخشهایی از کتاب، آن را در اختیار ناسخی یا کاتبی می‌گذاشته و وی از روی آن بازنویسی می‌کرده است، کاتب در مواردی (حدود 40 مورد) ابتدا سید قدس سره را با القاب و کنی و دعا برای او ستوده و بعد بیانات وی را می‌نگارد، و اینها به صورتهای گوناگون و مشابه یکدیگر هستند و عبارات دو نسخه‌ی کتاب نیز گاهی با هم فرق می‌کند. از آن جمله در آغاز کتاب (بر اساس نسخه‌ی دوّم) می‌نویسد:

يقول سيّدنا الامام و العامل، الفقيه، الفاضل، العلّامه الكامل، المحقّق المخلص البارع الورع، رضیّ الدين، ركن الاسلام، جمال العارفين، افضل السادة، عمدة أهل بيت النبوة، شرف العتره الطاهرة، ذوالحسبين، ابوالقاسم، علیّ بن موسى بن جعفر بن محمّد الطاووس الحسنی، اكمل الله لديه فضله و كرم فرعه و اصله تمام این موارد به دلیل اینکه مسلماً از بیانات مؤلف نیست، حذف شده است.

3 - با بوزش از تمام راویان بزرگوار و ارج نهادن به مقام منیع آنان به جهت سهولت در انتقال خواننده‌ی پارسی زبان، اسناد روایات حذف شده است، لذا از دادن آدرس روایات و ارجاع به مدارک نیز خودداری شده است، مگر در موارد ضروری که مطلبی ویژه در روایات بوده که و در متن نیامده باشد، که تذکر داده شده است.

4 - گزینش متن ترجمه بر اساس بهترین متن از دو نسخه، و در مواقع تردید با ذکر هر دو نسخه صورت گرفته است.

5 - متن ادعیه‌ی تمام نسخه‌ها آورده شده و اگر نسخه‌ای قطعاً اشتباه بوده در پاورقی یادآوری شده است.

5 - در مواردی روایات و مطالب کتاب، شماره‌گذاری و تقسیم بندی شده است.

6 - عنوان سر فصل‌های کتاب تلخیص شده، و اگر خوانندگان بخواهند از عبارت سیّد قدّس سرّه اطلاع حاصل کنند، به آخر مقدمه کتاب رجوع نمایند که فهرست دقیق همه‌ی آنها توسط مؤلف در آنجا آمده است.

7 - برای تمام مطالب داخل فصلهای کتاب، عنوانهای فرعی مناسب گذاشته شده است، و بیشتر عنوانهای فرعی از مترجم، و اندکی از مؤلف بزرگوار و یا کاتب می‌باشد. و پاره‌ای از عنوانهای فرعی مؤلف نیز به خاطر دراز بودن در متن گنجانده شده، و عنوان فرعی دیگر توسط مترجم انتخاب شده است.

8 - برای استفاده‌ی بیشتر اهل عمل، متن عربی آیات و نیز متن دعاها تماماً ذکر و با دقت اعراب گذاری شده است.

در پایان تذکر نکاتی چند ضروری است:

1 - خواننده‌ی محترم باید در عمل به احکامی که مراجع تقلید در آن نظرهای خاص دارند، به مرجع تقلید خود مراجعه نماید، ولی در انجام آداب و مستحبات و ترک مکروهات می‌توانند به مطالب این کتاب اعتماد کنند، زیرا یا فقها آنها را مستحبّ می‌دانند، و یا بجا آوردن آن را به امید اینکه مورد قبول پروردگار قرار گیرد (نیّت رجاء) مستحبّ و بلامانع می‌دانند؛ در هر حال، این کتاب رساله‌ی عملیه نیست.

2 - از خوانندگان عزیز درخواست می‌شود اگر در جایی به اشتباهی برخورد نمودند به آدرس ناشر با مترجم در میان بگذارند، تا در چاپهای بعدی از نظرات آنها استفاده شود.

3 - از تمام برادرانی که در تمام مراحل (ترجمه، ویراستاری، بازنگری، حروفچینی، چاپ) مترجم را یاری نمودند، کمال تشکر را دارم، و هُوَ الشُّكُورُ.
با چشم دوختن به عنایات حضرت ولیّ عصر، امام زمان حجّة بن الحسن العسکری - عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف - و به امید اینکه مشمول ادعیه قدسی آن بزرگوار و اُمنای ایشان بخصوص مؤلّف بزرگوار گردیم، گوش جان می‌سپاریم به بیانات ملکوتی سیّد اهل المراقبه، جمال السالکین، مقتدای عارفان، سیّد بن طاووس قدّس سرّه.
حوزه‌ی علمیّه‌ی قم.

م - ر

مقدمه‌ی مؤلف

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش می‌کنم خداوند - جلّ جلاله - را با زبان و دلی که از جُود آقا و معبودم به وجود آمده، و از کَرَم آن خداوندگار ستوده سرچشمه گرفته‌اند؛ و اعتراف می‌کنم که خداوند - جلّ جلاله - خود بر من منت نهاد و زبانم را به ستایش خود گشود، و شایستگی ستودن مجد و عظمت مقدّسش را به من عنایت فرمود.

و احساس می‌کنم که قلب و عقلم به خاطر تضييع حقوق آن مقام والا، و آزاد گذاشتن زبان و دیگر اعضايم در اشتغال شرمنده‌اند؛ به غیر وظایف ستایش خدا و تمجید بی در پی اش خوار و می‌بینم که دل و خردم با زبان حال بر زمانها و مکانهایی که در اشتغال به غیر او - جلّ جلاله - ضایع شده می‌گیرند و ناله سر می‌دهند، و برای طلب عفو او به مهربانیها و بزرگواریهایش توسّل می‌جویند، و از زبان حال آن بزرگواری و نیکوکاری گسترده سخنانی را می‌شنوند، که از سویی، به واسطه موافقت و امتثال اوامر الهی نوازشگرانه، و به جهت دوری گرفتن و سرپیچی همراه با سرزنش است، و شایسته‌ی آنند که از محضر ربوبی به آن دو خطاب شود:

حمد و ستایش، وظیفه‌ی کسی است که در حال حمد، از بندهای بی‌ادبی رسته، و به مراقبه و توجّه به مولایش که مالک روز حساب است اشتغال داشته باشد، اما کسی که حقّ حرمت اشراف ما را فرو گذارده، و به جای توجّه به دوام احسان و ما، به امور دیگر مشغول باشد، و وقتی به ستایش ما زبان می‌گشاید، نمودار شناخت هیبت جلال و عظمت ما، و یا خواری بندگی و در برابر اقبال و توجّه ما به او، و یا خضوعی که در اثر تعظیم در برابر شکوه تسلّطمان حاصل

می‌شود و یا اثر خوف و هراس به خاطر پی بردن به تقصیر در برابر حقوق نیکوکاری ما به او بر چهره‌ی ستایش او نقش نبسته باشد، وظیفه چنین بنده‌ی بیمار آن است که از خداوندگار مهربان و بردبار و بزرگوار طلب عفو نماید؛ و گر نه اوقاتی را که می‌توانست به طهارت قلب و زبان و دیگر اعضایش بپردازد، ضایع نموده، و به جای احسان و ثنای ما به ثنای خود مشغول گشته، و هم اکنون نیز فرصت مجدد خویش را با کوتاهی و آرزوهای بیهوده و اصلاح نکردن اشتباهش تزیین می‌کند، و اگر بر این امر باقی بماند، از خطر هلاکت و گمراهی ایمن نخواهد بود.

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، گواهی دادنی که از جود او سرچشمه گرفته و به این بنده‌اش عنایت شده، و به واسطه‌ی آن، خداوند بر تمام و بندگانی که او را نشناخته‌اند، برتری یافته است.

و نیز گواهی می‌دهم که جدّم حضرت محمد بنده و فرستاده‌ی خدا، گرامی‌ترین شخصیت از خواصّ درگاه الهی، و برترین عارفی است که خداوند - جلّ جلاله - خلعت برگزیدگی را به تن او نمود. برترین دروده‌های خداوند بر او و خاندانش باد، درودهایی که آن بزرگوار و خاندان او را به اوج کاملترین کمالات انسانی نایل گرداند!

و همچنین گواهی می‌دهم که خداوند - جلّ جلاله - با دلیلهای عقلی و نقلی، عذری برای مردم نگذاشته، و پیشوایان و گواهانی را به بندگانش عنایت فرمود، و به وجودشان حجّت را بر همه اهل مغرب و مشرق تمام، و آنچه را که مکلفین بدان نیاز دارند در ایشان به ودیعه گذاشت، و به رحمت و جُود خود پرده از روی نشانه‌های درخشان و راهنمایان روشنگری برداشته که کسانی را که به پیشوایی آنان اعتقاد دارند به سوی خدا رهنمون می‌گردند، هم آنان که

مقام و جایگاهشان با دیگران اشتباه نمی‌شود، و نور و نمودارشان بر هر کس که گفتار خداوند - جل جلاله را (که عارفان آن را دریافته و بدان عمل نموده‌اند) باور داشته باشد، پوشیده نمی‌ماند، آنجا که می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ، إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.³²

و جن و انس را تنها برای این آفریدم که مرا پرستند.

زیرا از آنجا که مقصود خداوند - جل جلاله - از آفرینش بندگان این است که آنان به واسطه‌ی شناخت و عبادت او به سعادت‌مندی نایل آمده به بندگی و مراقبه و توجه به او مشرف گردند³³ و از سوی دیگر، اگر حق از دیدگاهها و خواهشهای نفسانی مردم پیروی می‌کرد، تدبیر خداوند نسبت به امور جهان تباه می‌شد، چنانکه کتاب محفوظ خداوند - جل جلاله - بدان ناطق است، آنجا که می‌فرماید:

وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ، لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ، بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ، فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ.³⁴

و اگر حق، از خواهشهای نفسانی آنان پیروی می‌نمود، مسلماً آسمانها و زمین و تمام کسانی که در آنها وجود دارند تباه می‌شدند، بلکه ما می‌خواهیم آنان را تذکر دهیم، ولی آنان از ذکر و یادآوری روی گردانند.

بنابر این، لازم است شخصیتی وجود داشته باشد که جلو تباهی خواهشهای نفسانی بندگان را گرفته و آنان را از اینکه دیدگاهها و نظریاتشان، خود و دیگران را نابود سازد باز دارند، یعنی کاملاً صفات حق را دارا باشد، به گونه‌ای که اگر از هوا و هوس آنها پیروی کند، موجب تباهی آنان شود. و این ویژگی معصوم است که بر همگان واجب است راه هدایت را به راهنمایی او پیموده و به او اقتدا نمایند.

و مگر ممکن است دیدگاه‌ها و خواهش‌های نفسانی بندگان در تدبیر امور دینی و دنیوی آنان کافی باشد، و حال آنکه خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید:

وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ³⁵.

و مردم پیوسته با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

از این رو، خداوند - جلّ جلاله - با اصلاح برخی از گزینشها و دیدگاه‌های عده‌ای از پیامبران و فرستادگانش (ﷺ) به خوبی روشن فرموده که هرکس مقامش از معصومین - ﷺ - پایین‌تر باشد، به اختیار و گزینش او، حجّت خدا بر مردم به صورت آشکار و یقیناً تمام نمی‌شود. چنانکه برای حضرت آدم (ﷺ) در گزینش خوردن از درخت بهشتی - بر اساس آنچه که صریح آیات قرآن در بردارد -³⁶ و برای حضرت داود (ﷺ) - چنانکه قرآن پیرامون برخی از دادرسیهای او بدان ناطق است -³⁷ و برای حضرت موسی (ﷺ) در گزینش هفتاد نفر از قوم خود برای وعده‌گاه دیدار پروردگار پیش آمد.³⁸

بنابراین، اگر پسند و گزینش پیامبران، که به منتهی و نهایت مکاشفات و عنایات الهی نایل گشته‌اند، چنین باشد، و براستی نیازمند باشند که خداوند - جلّ جلاله - اموری را علیه و بلکه در بعضی از موارد بر له آنان اصلاح نماید، تدبیر کسانی که در کمال تدبیر و اراده، از آنان پایین‌ترند چگونه کافی خواهد بود؟

و اگر اختلاف اهل امانت و پرهیزگاری و کوشندگان در عبادت خدا، و فرهیختگان و زاهدان تمام فرقه‌های مسلمین را در نظر بگیری، می‌بینی که در تفسیر مقصود خداوند - جلّ جلاله - از بیشتر آیات کتاب خدا، و در توضیح سنن و آداب وارده در احادیث اختلاف نظر دارند، و خود نیک می‌دانی که

بسیاری از آنان در ترک راه صواب عناد نداشته‌اند، بلکه برخی از اختلاف تأویلهای و توجیهاتی که واقع شده، حقیقتاً در بیشتر آیات و روایات محتمل است. بدین ترتیب، اگر قابلیت پذیرش الطاف الهی را داشته و یا حداقل مُنصف باشی، با این دلیل روشن می‌شود که به واسطه گزینشها و پسندِ بندگان غیر معصوم، دلیل رسا و عذر شکن از سوی خداوندی که پادشاه عالمیان است برای مردم تمام نمی‌شود، و این گزینشها در امور دنیا و حفظ دین برای آنان کافی نخواهد بود.

لذا ناچار باید پیشوایی وجود داشته باشد که خداوند - جلّ جلاله - به لطف و مهر خویش عهده‌دار پیراستنِ گزینش و تأدیب باطن و تکمیل صفات او بوده، و از ورای حرکات و سکنات و اعمال وی با عنایات معنوی و ظاهری اش اعمال او را امداد، و با هدایای یاری‌گرش آنها را بیاید - چنانکه از ورای تدبیر پیامبران و فرستادگان و نیز ملائکه و مقربانی که گسیل می‌دارد، چنین می‌کند. و این مطلب برای خردمندان پوشیده نیست.

و علاوه آن پیشوا حجّت خداوندی که پادشاه روز قیامت و حساب است باشد، و گفتار و کردارش (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الگوی دیگران گردد، به گونه‌ای که احتمال اختلاف تأویل و توجیه در آنها راه نداشته، و از مقصود واقعی خداوند - جلّ جلاله - از آیات، و روایات پرده بردارد.

سبب تألیف کتاب

از آنجا به واسطه عنایت‌های خداوند - جلّ جلاله - که از سرچشمه‌ی عنایت او و در آینه‌ی جُودِ همان مهربانیها و بزرگواریهای ربّانی به من ارزانی می‌شود، که چگونه خداوند مرا پدید آورد و پروراند و در کشتیهای نجات بر پشت پدران حمل نموده و در شکم مادران به ودیعه گذاشت، و از رخدادهایی که موجب هلاکت اُمم گذشته بود، سالم نگاه داشته و به معرفت خویش رهنمون شد؛ و دانستم که پروردگارم به هر چیز بگوید: موجود شو، موجود می‌شود؛ و به وسیله‌ی او - جلّ جلاله - به مرادش از آیه شریفه که می‌فرماید:

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ، فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ.³⁹

و بی‌گمان به نشاه‌ی نخست آگاهی داشتید، پس ای کاش که متذکر می‌شدید! آگاهی یافتم، و خداوند خود مقصود خویش را از آفرینش من، به من شناسانید، و از راه عقل و نقل از آنچه که مورد رضای اوست پرده برداشت از همه‌ی این امور دریافتم که خداوند - جلّ جلاله - در راهنمایی کردن من به راه سعادت‌مندی‌ام - که در اخلاص عبادت برای ذات او بدون تعلق خاطر به طلب پاداش و بخشش، و یا خوف عذاب و کیفرش حاصل می‌شود - بر من منت نهاده است، و یقین دادم که خداوند - جلّ جلاله - مالک زندگانی من بوده، و همواره نسبت به من از خویشتن سزاوار، و زیبایی آن است که بزرگی جلال و عظمت و اقبال و توجه او به من، مرا به خود مشغول سازد.

آیا مگر عقلها می‌توانند از درگاه ذات خدا و اخلاص عبادت برای او، سرپیچی کنند؟! در حالی که شناخت ذات و صفات خداوند، و پیوسته ملازم رعایت ادب در محضر وجود او بودن و عمل کردن بر اساس اراده‌ی او، و نیز مناجات با او، پیش از شناخت ثواب و عقاب حاصل می‌شود؛ بنابراین، هر کس

که در این امور بیاندهد و نسبت به آنها معرفت داشته باشد، خداوند -
جلّ جلاله - را از آن جهت که شایسته‌ی عبادت است پرستش می‌کند.
و نیز مگر کمال و جلال و عظمت حضرت حقّ، در نزد کسانی که به حقّ
پادشاهی و سروری او اعتراف دارند، نیازمند بذل رشوه‌ی ثواب یا خوف از
عقاب می‌باشد؟! پاک و منزّه است آن خداوندگار اعظمّ و آن مقام والا از اینکه
بنده‌اش با دادن رشوه، به محبّت و قرب و بندگی او تمایل داشته باشد، بلکه بر
بندگان واجب است که تمام توان خویش را بکار زنند تا اینکه خداوند ایشان را
پذیرفته، و اهلیتّ بندگی و عبادتش را به آنان ارزانی دارد.

از این رو، عقلهای سلیم، همواره به آنچه که به جهت شناخت خداوند بدان
موظّف هستند - مانند حقّ آفرینش و پرورش و هدایت - سرگرم بود، و
شیفته‌ی حفظ حرمت ذات و هیبت و عظمت او گردیده، و به هدفی که برای آن
آفریده شده‌اند - یعنی کمال شناخت و عبادت خدا - مشرف می‌باشند.

و آنگهی، سعادت‌مندیها و اقبال و توجّهی که من به واسطه‌ی هدایت خداوند -
جلّ جلاله - یافته‌ام، و آنچه که او از لطف و مکاشفه و لذّت سخن گفتن با خود
به گونه‌ای که از هر چیزی است که سزاوار کمال ربوبیتش نباشد منزّه است، به
من شناسانیده، به حدّی است که با گفتار نمی‌توانم آن را توصیف کنم.

آیا نمی‌بینی هر پادشاه و فرمانروایی وقتی می‌خواهد به بنده خود نیکی بسیار
بنماید، او را در محضر خویش راه داده، و با بذل خلعت جُود خویش به او، وی
را مشرفّ گردانیده، و با او سخن گفته و به او اجازه‌ی گفتگو در پیشگاهش را
می‌دهد، یعنی گاه با اجازه‌ی خطاب و گاه به اجازه‌ی پاسخ دادن مشرفّش
می‌گرداند؟!!

به بعضی از عارفان که بسیار خلوت می‌گزید، گفته شد: آیا از جدایی گرفتن از بستگان خود و اجتماع احساس تنهایی نمی‌کنی؟ گفت: من با پروردگارم همنشین هستم، اگر بخواهم او با من سخن بگوید، کتاب او را تلاوت می‌کنم، و وقتی بخواهم با او سخن بگویم، به درگاه او دعا نموده و با او پیوسته سخن می‌گویم.

و واقعاً چه مطالب پرمایه و چه پناهگاهها و دژهای محفوظ و ایمنی بخش⁴⁰ که در خلوت با خداوند مالکُ القلوب وجود دارد، و چه قرب دوست داشتنی به خداوند و اسرار بی‌پرده که در آنجا یافت می‌شود!

بنابر این، چون به فوائد خلوت و مناجات با خدا، و آنچه که خداوند در خلوت و مناجات با خود برای بنده‌اش اراده فرموده: (که عبارت است از عزت و جاه و نیل به نجات، و سعادت‌مندی در دنیا و بعد از مرگ) آگاهی یافتیم، دیدیم که کتاب الْمِصْبَاحُ الْكَبِيرُ نوشته‌ی جدّ مادری‌ام ابو جعفر محمد بن حسن طوسی - رحمه‌الله بخش عمده‌ای از اعمال عبادی را در بردارد، و بعد از آن بر مطالب مکمل و مهمّی دست یافتیم که می‌توانست مطلوب کسانی باشد که دوستدار رسیدن به منتهای مقامات بوده، و به کم بسنده ننموده، و به معامله‌ای که زیانکاران با خدا می‌کنند، راضی نمی‌گردند.

و از سوی دیگر دیدیم که خداوندگار معبود با زبان حال، به هر بنده‌ی نیکبخت می‌فرماید:

ای بنده‌ی من، گذشتگان از اهل یقین و مراقبه و تقوی و اصحاب یمین را با مرگ در بند نمودم و لذا نمی‌توانند عملی انجام دهند، آرزو می‌کنند ولی قدرت بر صعود به درجات ایمانی را ندارند؛ لیکن تو در میدان مسابقه‌ی دنیا آزاد و رها هستی، پس چه چیز تو را از پیشی گرفتن از آنان به وسیله‌ی اسب

تاراجگر و تکتازِ فرصت که در اختیار توست، و یا حدّ اقلّ از پیوستن به آنان در مقامات بهشت رضوان و خشنودی حضرت حقّ باز داشته است؟

لذا تصمیم جدّی گرفتم که بخشی از روایات و مطالب افزون بر مصباح بدان دست یافته بودم، و اسراری را که خداوند - جلّ جلاله - اجازه‌ی اظهار آن را به من می‌دهد، و به طور کلی هر چه را که خداوند مرا به آن رهنمون می‌گردد، به همان صورت، همراه با مطالبی را که درباره‌ی کیفیت اخلاص و مقامات اختصاص و برگزیدگی در درگاه الهی را که خداوند - جلّ جلاله - به عقل و قلبم ارائه داده، و اموری را که به لطف خداوند مالک کشف و شهود - برای من آشکار گردیده، مانند عیوب اعمال و علّت گرفتاری به غفلت و کوتاهی در انجام دستورات الهی، به اضافه‌ی دیگر مطالب که اینک نسبت به آنها حضور ذهن ندارم، همگی را در کتابی گرد آورده و نام آن را *مُهَمَّاتٌ فِی صِلَاحِ الْمُتَعَبِّدِ*، وَ تَتِمَّاتٌ لِمُصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ بگذارم. و اینک به یاری خداوند - جلّ جلاله⁴¹ - در چندین جلد مرتّب، و به صورت ذیل نامگذاری می‌نمایم:

جلد اول: *فَلَاحُ السَّائِلِ وَ نَجَاحُ الْمَسْأَلِ فِی عَمَلِ یَوْمِهِ وَ کَیْلِهِ*. که در دو مجلد خواهد بود.⁴²

جلد سوم: *زَهْرَةُ الرَّبِيعِ فِی ادْعِيَةِ الْاَسَابِي*.

جلد چهارم: *جَمَالُ الْاَسْبُوعِ بِكَمَالِ الْعَمَلِ الْمَشْرُوعِ*.

جلد پنجم: *الدُّرُوعُ الْوَاقِيَةُ مِنَ الْاَخْطَارِ فِيمَا يُعْمَلُ مِثْلُهُ كُلَّ شَهْرٍ عَلَي التَّكْرَارِ*.

جلد ششم: *الْمِضْمَارُ لِلْسَّبَاقِ وَاللِّحَاقِ بِصَوْمِ شَهْرِ اِطْلَاقِ الْاَرْزَاقِ وَعِتَاقِ*

الْاَغْنَاقِ.

جلد هفتم: *اَلْسَالِكُ الْمَحْتَاغُ اِلَى مَعْرِفَةِ مَنَاسِكِ الْحُجَّاجِ*.

جلد هشتم و نهم: الأقبال بالأعمال الحسنة فيما نذكره مما يعمل ميقاتاً
واحداً [أ] كل سنة.

جلد دهم: السعادات بالعبادات التي ليس لها وقت محتوم معلوم في الروايات،
بل وقتها بحسب الحادثات المقتضية والأرادات المتعلقة بها.

و اگر خداوند - جلّ جلاله - چنانکه از فضل او امید دارم، این کتابها را
کامل گرداند، آرزو دارم هر کدام از آنها به گونه‌ای باشد که هیچ کس بر من -
بنابر آنچه که اطلاع دارم - به چنین تألیفی پیشی نگرفته باشد، و نیز آنها مورد
نیاز کسانی باشد که خواهان قبولی عبادات بوده، و جویای آمادگی برای معاد
پیش از مرگ می‌باشند.

دفع یک شبهه

1 - طریق و سند من در نقل روایاتی که در این کتاب ذکر می‌کنم، خواصّ اصحاب مورد اعتماد ما امامیه می‌باشد، ولی گاهی در برخی از احادیث بین راویان ثقه‌ای که بدان اشاره نمودیم و بین پیامبر اکرم (ﷺ) و یا یکی از ائمه - علیّه صلوات - که روایت از آنان نقل شده، اشخاصی یافت می‌شوند که بر آنان خرده گرفته شده، و این طعن نیز به چندین صورت است:

الف - طعن از طریق خبر واحد نقل شده است.

ب - طعن به واسطه‌ی روایتی نقل شده که راوی آن نیز مطعون است.

ج - احتمال می‌رود که و شخصی که مورد خرده و طعن قرار گرفته به علّتی⁴³ معذور بوده باشد. که البته گاهی این انگیزه برای ما معلوم است، و یا حداقل در نزد منتقدان احتمال آن می‌رود.

2 - دلیل دیگر من در نقل روایت از برخی از کسانی که مورد طعن قرار گرفته‌اند، آن است که می‌بینم بعضی از اصحاب ثقه‌ی ما - که مورد اعتماد من نیز می‌باشند و من به واسطه همان شخص مَطْعُونٌ عَلَیْهِ به آنان سند رسانیده و از ایشان روایت می‌کنم، و یا به واسطه‌ی ایشان از وی روایت نقل می‌کنم - درست همان روایت را از او نقل کرده و کنار نگذاشته و هیچ خرده‌ای بر آن روایت نگرفته، و از نقل آن خودداری نکرده‌اند، لذا من نیز آن روایت را از ایشان پذیرفته و احتمال می‌دهم که:

الف - شاید آنان به طریق دیگری که راویان آن مورد تحقیق قرار گرفته و مورد سپاس واقع شده‌اند، بر صحّت و درستی روایت مذکور اطلاع یافته‌اند.

ب - و یا به علّت عمل کردن طایفه امامیه به مضمون آن روایت بر آن اعتماد کرده‌اند.

ج - اصلاً راوی که اعتقادش مورد طعن است، در نقل حدیث و امانت در نزد آنان مورد اعتماد بوده است.

زیرا کسانی در میان کفار پیدا می‌شوند که در نقل و حکایت اخبار مورد اعتمادند، چنانکه علمای مسلمین بر اخبار پزشکان کافر ذمی درباره‌ی اموری که برای بهبودی از بیماریها صلاح است، اعتماد دارند.

بنابر این، اگر مانعی از اعتماد بر روایت کسانی که بکلی از عموم لفظِ اتّباع و پیروی از تمامی اهل بیت و یا برخی از آنان - علیهم افضل السّلام - خارج هستند، و اعتقادی به امامت ائمه - (علیهم‌السلام) - یا برخی از آنان ندارند وجود نداشت، مسلماً عمل کردن به روایت تمام افرادی که از سایر فرقه‌های مسلمین به صدق و امانت در نقل حدیث معروف هستند، جایز بود.

3 - دلیل دیگر من در نقل برخی از روایاتی که بر بعضی از روایانش خرده گرفته شده، آن است که اصحاب ائمه - (علیهم‌السلام) - در زمانی بسر می‌بردند که باید سخت تقیه می‌کردند، از این رو امکان دارد که در بیشتر و یا در بعضی از اوقات مطالبی را بر خلاف آنچه که در نهاد و دلشان بوده اظهار نموده باشند، (به خاطر ضرورتی که آن را به جهت ممکن نبودنش مباح نموده) و چه بسا که ضرورت اقتضا کرده که امر اعتقادی خلافی را بر طریق تقیه بازگو نمایند، و این مطلب از ایشان نقل و پخش شده، به گونه‌ای که شاید اگر عذر هم می‌آوردند کسی آن را نمی‌پذیرفت.

3 - دیگر عذر من در نقل روایت از کسانی که مورد طعن قرار گرفته‌اند، این است که می‌بینیم گاهی طعن از غیر معصوم وارد شده، و یا از معصوم است ولی اسناد طعن به معصوم ثابت نیست، زیرا می‌دانیم که خود طعن نیز نیازمند آن است که یا با شهادت ثابت و مورد پسند در شریعت محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، و یا

به طریق دیگری که در نزد جلالت الهی عذر واضح محسوب می‌شود، اثبات شود.

4 - دلیل دیگر من این است که ملاحظه می‌کنیم گاهی انسان بر شخصی خشم می‌گیرد، و در حال غضب اموری را که واقعیت ندارد - چه به عمد، و چه از روی فراموشی - از او نقل می‌کند، سپس آن مطالب پخش می‌شود، به گونه‌ای که بسیاری از شنوندگان باور و یا گمان می‌کنند که آن مطلب واقعیت دارد و قطعی و یقینی است، ولی بعد از مدتی برای برخی از کسانی که اهل پرس و جو هستند روشن می‌گردد که هیچ کدام از آن امور واقع نشده است، و چه بسا کسی که آن مطالب را در حال خشم و غضب گفته اعتراف کند که در خرده‌گیری و گفتار خود خطا کرده، ولی تنها کسی که این اعتراف را از وی شنیده از حقیقت آگاه می‌شود، و کسانی که این اعتراف را از او شنیده‌اند بر اعتقاد سابق خود نسبت به طعن نخست باقی می‌مانند. و ما این مطلب را در بسیاری احوال و موارد به چشم خود دیده‌ایم.

5 - از دیگر عذرهای من این است که ملاحظه می‌کنیم خداوند - جلّ جلاله - و خواصّ بندگانش، و تمام کسانی که حال دشمنان و حسودانشان را مورد توجه قرار می‌دهیم، هیچ کس از آنان را نمی‌یابیم که از نسبت امور غیر واقع به خود سالم باشند، لذا لازم است انسان خرده‌گیری را ترک گوید مگر اینکه قطع و یقین داشته باشد، و یا اعتقادی چیزی که مانند آفتاب و به صورت واضح و قطعی جانشین قطع و یقین بوده و از طعن و غلط و اشتباه سالم باشد. این همه در جواب از طعن در امور ظاهری کفایت می‌کند.

و اما طعن و خرده‌گیری بر فساد عقیده‌ی کسی، نیازمند آن است که به صورت یقینی از سوی کسی که براستی از ناحیه‌ی خداوند - جلّ جلاله - خبر می‌دهد و آگاه به رازها و درون است یعنی معصوم (علیه‌السلام) معلوم شود.

6 - از جمله دلیلهای من آن است که به برخی از روایاتی که بر بعضی از راویان آن طعن وارده شده و من آن را نقل کرده‌ام، راه و سند دیگری دارم، یا به آن حدیث، و یا به همان امام معصوم که روایت از او نقل شده، و یا به حُجَج و معصومین دیگر (علیهم‌السلام) در حدیث مشابه، و یا طریق دیگر به راوی مورد اعتمادی که روایت مَطْعُونٌ عَلَیْهَا از او نقل شده در هر حال، من روایتی را که راه گریز از آن را نداشته باشم ذکر نمی‌کنم.

7 - اگر در تمام آنچه که در این کتاب وجود دارد - چه روایت از کسانی که به سببی طعن بر آنان وارد شده، و یا احادیثی که به جهت عذری سند آن را یادآور نشده‌ام - هیچ عذر روشن و راه گریز شایسته نداشته باشم مگر حدیثی که آن را از عده‌ای از افراد معتبر و راستگو در نقل احادیث روایت می‌کنم، کافی و بس بود.

ایشان به اسناد خود به استادی که همه بر عدالتش اتفاق دارند. یعنی ابی جعفر محمد بن بابویه - که خداوند او را غریق رحمتش بگرداند - در کتاب ثَوَابُ الْأَعْمَالِ نقل می‌کنند که وی از صفوان بن یحیی که همگان بر ورع و پرهیزگاری و امانتش اتفاق دارند، روایت نموده که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

هرکس کار خیری [از ناحیه رسول الله (ﷺ)] به او برسد و بدان عمل کند، برای او پاداش آن منظور خواهد شد، اگرچه رسول الله (ﷺ) آن را نفرموده باشد⁴⁴.

و از آن جمله به واسطه چندین سند از استادی که نزد همگان ستوده است، یعنی محمد بن یعقوب کلینی - رضوان الله جل جلاله علیه - در کتاب کافی در باب مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَصَنَعَهُ دَرَسْتُ بِهِ هَمِينَ الْفَاظَ نَقَلَ مِیْ کُنْمِ که فرمود: علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم روایت کرده که امام صادق (ع) فرمود:

هرکس ثوابی برای عملی بشنود، و آن را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه درست به همان صورت که به او رسیده نبوده باشد.⁴⁵

و نیز به سند خویش به محمد بن یعقوب کلینی، از محمد بن یحیی، از محمد بن حسین، از محمد بن سنان، از عمران زعفرانی نقل می‌کنم که محمد بن مروان می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود:

هرکس ثوابی از ناحیه‌ی خداوند - عزوجل - برای عملی به او برسد، و او به خاطر نیل به آن ثواب، آن عمل را انجام دهد، ثواب به او داده می‌شود، اگرچه حدیث به همان صورت که به او رسیده نبوده باشد.⁴⁶

(1) همین کتاب، فصل بیست و سوم.

(2) اقبال الأعمال، ص 6 و 15.

(3) اقبال الأعمال، ص 66 - حضرت استاد آیت الله حسن حسن زاده‌ی آملی در کتاب در آسمان معرفت، ص 299 در رابطه با این موضوع و موضوع گذشته می‌نویسد: شایسته است سخنی از سید بن طاووس که به فرموده‌ی بعضی از مشایخ ما از افراد کُمَّل بوده است، به عرض برسانم: آن جناب در کتاب شریف اقبال فرموده است: من بدون استهلال و رجوع به جدول تقویم، از اول ماه و هلال آن با خیرم، و نیز از لیلة القدر آگاهی دارم. این سخن را در حالی که

قلم در دست داشت و می‌نگاشت از خود خبر داده است، آنگاه می‌گوید: دانستن اوّل ماه و لیلة القدر مهمّ نیست، مهمّ این است که مقداری آب به نام نطفه رشد و نموّ کرده و بدین صورت در آمده و شخصی این چنین گویا و بینا و نویسا و خوانا و ... شده است.

برای توضیح بیشتر و بررسی دقیق گفتار سیّد بن طاووس قدس سرّه به آدرسهای گذشته رجوع شود.

4) نسبت وی از طرف پدر به امام مجتبی (علیه السلام) و از سوی مادر به امام حسین (علیه السلام) می‌رسد، لذا ذُو الْحَسَنِینِ یعنی دارای دو نسبت شریف، شهرت یافته است.

5) طاووس لقب ابو عبد الله محمد بن اسحاق یکی از اجداد سیّد است، و شهرت وی به ابن طاووس به جهت انتسابش به او می‌باشد.

6) در نگارش این شرح حال مختصر از مقدمه کتابهای ذیل (که از کتابهای منبع برگرفته‌اند)، اقتباس شده است:

الف - فلاح السائل، سیّد بن طاووس، تحقیق غلام حسین مجیدی، چاپ دفتر تبلیغات حوزه‌ی علمیه‌ی قم، %ب - الملهوف علی قتلی الطفوف، تألیف سیّد بن طاووس، تحقیق شیخ فارس تبریزیان الحسون

ج - محاسبة النفس، سیّد بن طاووس، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی.

د - كشف المحجة لثمره المهجة، تألیف سیّد بن طاووس، تحقیق الشیخ محمد الحسون.

و نیز مدارکی که در پاورقیهای مطالب آینده تا شماره‌ی 12 ذکر می‌شود اغلب به واسطه از کتابهای گذشته نقل شده است، و مترجم مستقیماً به مدارک مزبور رجوع نموده است.

7) نهج البلاغه، حکمت 147.

- (8) مستدرک الوسائل (الخاتمة) ج 2، ص 469.
- (9) خاتمه‌ی مستدرک الوسائل، ج 2 ص 446.
- (10) خاتمه‌ی مستدرک الوسائل، ج 2، ص 446.
- (11) امل الآمل، ج 2، ص 205.
- (12) بحار الانوار، ج 1، ص 113.
- (13) خاتمه‌ی مستدرک الوسائل، ج 2، ص 439.
- (14) خاتمه‌ی مستدرک الوسائل، ج 2، ص 441.
- (15) خاتمه‌ی مستدرک الوسائل، ج 2، ص 441.
- (16) أعيان الشيعة، ج 8، ص 360.
- (17) مقابس الأنوار، ص 12.
- (18) منتهی المقال، ص 357.
- (19) الکنی والألقاب، ج 1، ص 327.
- (20) الکنی والألقاب، ج 1، ص 327.
- (21) المراقبات، ص 124.
- (22) مقدّمه المراقبات، به نقل از أعلام الشيعة ج 1، جزء ثانی، ص 674.
- (23) موارد فوق با جستجو و تفحص در سه کتاب لقاء الله، المراقبات و اسرار الصلاة نگارش آقای ملکی تبریزی به دست آمده است.
- (24) المراقبات، ص 288.
- (25) این فرمایش آقای قاضی قدس سره را مترجم به نقل از استادی برجسته و آیتی عظیم که از شاگردان گمنام علامه طباطبائی و حق حیات معنوی بر مترجم دارد، آورده است؛ ولی به جهت عدم رضایت ایشان از ذکر نام گرامی‌اش معذورم. ایشان این سخن را با واسطه علامه طباطبائی، از آقای قاضی - قدس سرهما - نقل می‌فرمود. و این نقل به جهت اتقان عبارت و تناسب آن با مقام سه بزرگوار نامبرده و نقل از آقای قاضی قدس سره، از نقل ذیل دقیقتر می‌نماید. استاد بزرگوار، آیت الله حسن حسن زاده‌ی آملی در کتاب در آسمان معرفت، ص 321 در این باره چنین نگاشته است: مرحوم استاد ما علامه حاج سید محمد حسین طباطبائی، مرحوم سید بحر العلوم، و ابن فهد صاحب عده‌ی الداعی، و سید بن طاووس صاحب اقبال را از کمال می‌دانست و می‌فرمود: اینها کامل بوده‌اند.
- (26) مطفّفین: 26.

- (27) اسرار نماز، ص 42.
- (28) مهر تابان، ص 53 و 54.
- (29) معاد شناسی، ج 1، ص 181 تا 184 - با تلخیص.
- (30) مظفین: 26.
- (31) مستدرک الوسائل، خاتمه، ج 3 ص 361.
- (32) حجر (51): 56.
- (33) چنانکه آیهی گذشته بدان دلالت دارد.
- (34) مؤمنون (23): 71.
- (35) هود (11): 118.
- (36) اشاره به آیات 22 از سورهی اعراف (7)، و آیهی 121 از سورهی طه (20)، و آیهی 36 از سورهی بقره (2).
- (37) اشاره به آیهی 24 از سورهی ص (38).
- (38) اشاره به آیهی 155 از سورهی اعراف (7).
- (39) واقعه (56): 62.
- (40) یعنی ایمنی بخش از خطرات نفس و هوا و هوس و شیطانهای انسی و جنّی، و بطور کلی هر آنچه که انسان را از خدا غافل نموده و به خود مشغول می‌سازد.
- (41) در نسخه‌ای از اینجا به بعد تا آخر عنوان آینده: فهرست مجموعه کتابهای دعابه‌این صورت آمده است: و به صورت ذیل نامگذار می‌نمایم:
- جلد اول: فلاح السائل ونجاح المسائل فی عمل یوم وليلة.
- جلد دوم: زهرة الربیع فی ادعية الاسابيع.
- جلد سوم: الشروع فی زیارات و زیادة صلوات [یا: و زیادات وصلوات] ودعوات الاسبوع فی اللیل والنهار، ودروع واقية من الاخطار فیما یستمر عملُهُ فی کُلِّ [علی التکرار].
- جلد چهارم: الاقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة واحدة فی کُلِّ سنة.
- جلد پنجم: اسرار الصلوات وأنوار الدعوات یا مختار الدعوات وأسرار الصلاة البتة اگر خداوند - جل جلاله - اجازه‌ی تألیف و نگارش این کتاب یعنی (جلد پنجم) را به من بدهد، تا زمانی که در قید حیات هستم، آن را مخفی نگاه داشته و به کسی نشان نخواهم داد، مگر اینکه کسی که اجازه من به دست اوست، دستور دهد که پیش از وفاتم به کسی ارائه بدهم.

42) ناگفته نماند که سید (رضوان الله تعالی علیه) در اینجا و نیز در آخر کتاب، تصریح فرموده که فلاح السائل دو، مجلد خواهد بود، که جلد دوم در بردارنده ی بقیه ی اعمال عبادی شبانه روز می باشد، ولی افسوس و هزاران افسوس که جلد دوم آن از بین رفته است. امید آنکه روزی پیدا شود. ان شاء الله.

43) مانند تقیّه و غیر آن.

44) ثواب الاعمال، ص 16، روایت 1 (با مختصر اختلاف در لفظ).

45) کافی، ج 2، ص 87، روایت 1.

46) کافی، ج 2، ص 87، روایت 2.

قابل توجه است که: شنیده‌ام بعضی بر محمد بن سنان خرده می‌گیرند. شاید وی تنها به روایتی که در مورد طعن اوست دسترسی پیدا کرده، و بر تزکیه و ثنای بر او دسترسی نداشته است، چنانکه در بیشتر طعن‌ها این احتمال می‌رود. شیخ بزرگوار و مورد اطمینان مفید، محمد بن محمد بن نعمان، در کتاب کمال شهر رمضان هنگام ذکر محمد بن سنان، درست به این لفظ می‌گوید که:

وآنچه از سروران ما (علیه السلام) در وصف این مرد (محمد بن سنان) وارد شده، خلاف آن چیزی است که شیخ ما آورده و او را بدان توصیف نموده، و آنچه از روایات ظاهر می‌شود درست ضد اوصافی است که وی برای ابن سنان ذکر نموده. مانند فرمایش امام باقر (علیه السلام) در روایت عبدالله بن صلت قمی که می‌گوید: در اواخر عمر شریف امام باقر (علیه السلام) بر او وارد شدم و از آن بزرگوار شنیدم که می‌فرمود:

خداوند، محمد بن سنان را در رابطه من جزای خیر دهد، که بی‌گمان وی نسبت به من وفا نمود.

و مانند فرمایش دیگر آن بزرگوار (علیه السلام) در روایت علی بن حسین بن داود که می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدیم که محمد بن سنان را به نیکی یاد نموده و فرمود:

خداوند، به واسطه‌ی خشنودی من از او، از او خرسند و راضی باشد، که هرگز با من و پدر بزرگوارم مخالفت نمود.

گذشته از اینها، با بزرگی و جلالتی که او در میان شیعیان دارد، و برتری و علو مقام و ریاست و بزرگی قدر و ارج و ملاقاتش با سه تن از ائمه (علیهم السلام) و روایت از ایشان، و داشتن مقام والا در نزد آن بزرگواران (یعنی

ابو ابراهیم موسی بن جعفر، و ابوالحسن علی بن موسی، و ابو جعفر محمد بن علی، علیهم افضل السلام) و با وجود معجزه‌ی امام جواد (علیه السلام) که خداوند متعال در حق وی آشکار ساخت و نشانه‌ی روشنی که خداوند او را بدان مکرم گردانید، دیگر جای هیچ شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

در روایت محمد بن حسین بن ابی الخطاب آمده که:

محمد بن سنان نابینا بود، ابو جعفر ثانی امام جواد (علیه السلام) دست مبارکش را بر آن کشید و وی از کوری نجات پیدا کرده و بینا گردید.

بنابراین، از جمله خطرهای خرده‌گیری بر نیکان این است که انسان بر طعن دسترسی داشته باشد، ولی در اخباری که در مورد راوی مورد طعن قرار گرفته است، کاملاً تأمل ننماید. چنانکه در رابطه با محمد بن سنان - رحمة الله علیه - یادآور شدیم. لذا هیچ کس نباید در مطالبی که بدان اشاره نمودیم و یا کسی از طریق کتابهای من بدان دسترسی پیدا می‌کند، نباید پیش‌پیشدستی نموده و طعن وارد کند؛ زیرا شاید ما عذری داشته باشیم که خرده‌گیر بر آن اطلاع پیدا نکرده است.

محمد بن همّام می‌گوید: حسین بن احمد مالکی به ما گفت که به احمد بن هلیک [یا هلیل] کرخی گفتم: آیا آنچه درباره‌ی غلو محمد بن سنان گفته می‌شود درست است؟ وی گفت: پناه بر خدا، به خدا سوگند، او بود که به من طهارت و جلوگیری از بیرون آمدن همسرم از خانه را آموخت، وی بسیار زاهد و متعبد بود.

ابو علی بن همّام گفت: احمد بن هلیل در سال 180 هجری قمری متولد، و در سال 267 از دنیا رفته است.

اسناد روایات این کتاب

گاهی به خاطر عدم تطویل، اول سند خویش را در احادیث این کتاب ذکر نمی‌کنم. و کافی است که در اینجا طریق خویش را به تمام روایاتی که جدّ سعادت‌مندم ابو جعفر طوسی - که خداوند با برآوردن آرزوی او، با او ملاقات نماید! - نقل فرموده ذکر می‌کنم:

از جمله‌ی روایاتی که وی نقل کرده، تمام روایاتی است که شیخ بسیار راستگو هارون بن موسی تلعبکری - که خداوند روحش را پاک، و آرامگاهش را منور گرداند! نقل کرده است، و روایت این شیخ بسیار راستگو، تمام اصول و مصنّفات تازمان خویش را در برداشته. خداوند - جلّ جلاله - با خرسندی از او، با او ملاقات فرماید!

جدّم ابو جعفر طوسی در اواخر کتابی که در اسماء رجال تصنیف فرموده، درست به این لفظ فرموده که:

هارون بن موسی تلعبکری - که کنیه‌اش ابو محمد است - شخصیتی است جلیل‌القدر، دارای منزلتی عظیم و روایات بسیار، بی‌نظیر، ثقه و مورد اعتماد، که تمام اصول و مصنّفات را نقل فرموده است. در سال 385 از دنیا رفته. و عده‌ای از اصحاب او، از او برای ما روایت نقل کرده‌اند.⁴⁸

و از سوی دیگر، تمام روایاتی را که محمّد بن یعقوب کلینی، و ابو جعفر محمّد بن بابویه، و شیخ سعادت‌مند مفید محمّد بن محمّد بن نعمان، و سیّد بزرگوار مرتضی و همه کسانی را که کتاب فهرست و اسماء الرجال و غیر این دو کتاب در بردارد، و جدّم ابی جعفر طوسی از ایشان نقل کرده - که خداوند جلّ جلاله از ایشان خشنود گردد، و احسان خویش را به آنان دو چندان گرداند! - به چندین طریق از جدّم ابی جعفر طوسی نقل می‌کنم.

از جمله راهها و اسناد من در روایت از تمام روایاتی که جدّم ابو جعفر در کتاب الفهرست و کتاب اسماء الرجال و روایات دیگر غیر این دو کتاب نقل فرموده، عدّه‌ای از راویان مورد اعتماد هستند که آنها برای من روایت نمودند، از آن جمله شیخ حسین بن احمد سوراوی در جمادی الثّانیه سال 609 که به واسطه‌ی نقل از محمّد بن ابی القاسم طبری، از شیخ مُفید ابی علی، از پدرش یعنی جدّ سعادت‌مندم ابو جعفر طوسی به من اجازه‌ی روایت داد.

و از دیگر اسناد من اینک: شیخ علی بن یحیی خیّاط [یا: حنّاط] حلّی در تاریخ ماه ربیع الاوّل سال 607 به واسطه‌ی نقل از شیخ عربی بن مسافر عبادی، از محمّد بن ابی القاسم طبری، از ابی علی، از پدر بزرگوارش یعنی جدّم ابو جعفر طوسی به من اجازه‌ی روایت داد.

و از جمله اسناد من در روایت اینک: شیخ فاضل اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی در محلّ سکونت در سمت شرق بغداد - که خلیفه مستنصر بالله که خداوند جلّ جلاله در رابطه من جزای نیکوکاران را بدو عنایت فرماید، منزلی در آنجا به من داده بود - در صفر سال 635، به واسطه‌ی نقل از ابی الفرج علیّ بن سعید ابی الحسن [یا: الحسین] راوندی، از شیخ ابی جعفر محمّد بن علیّ بن محسن حلّی، از جدّ سعادت‌مندم ابو جعفر محمّد بن حسن طوسی به من اجازه‌ی روایت داد.

و این روایت من از اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی مشتمل بر روایت تمام کتابها و اصول و مصنّفات اصحاب است. و بعید است که چیزی از روایاتی که در این کتاب ذکر می‌کنم، در آن نباشد.

روش تألیف این کتاب

اینک می‌گویم: باید توجه داشت که پیش از شروع به تألیف این کتاب، سیاهه و پیش نویسی که از قبل آماده و مهیا کرده باشم نداشتم، بلکه ناسخ را در نزد خود حاضر می‌ساختم و شروع به نوشتن برگی از کتاب می‌نمودم، سپس آن را به او می‌دادم و وی از روی آن می‌نوشت، و به همین صورت ورقه به ورقه می‌نوشتیم و به او می‌دادم، و وی یکی بعد از دیگری از روی آنها می‌نوشت.

البته من کارهای دیگری غیر از نوشتن این کتاب داشتم، که مانع از تصنیف آن می‌شد، و علت آن بود که تألیف آن را در ماه رجب و شعبان و ماه رمضان شروع کردم، و در این ماهها وظایف و اعمال عبادی بسیاری است که بیشتر اوقات انسان را فرا می‌گیرد، لذا وقت نمی‌کردم که کتاب را کُرّاس به کُرّاس⁴⁹ بنگارم، زیرا در این صورت نسخه برداری از آن ممکن نمی‌شد. و علاوه بخشی از اوقاتم نیز به برآورده نمودن حوایج مردم بر اساس دستور خداوند - جلّ جلاله - صرف می‌شد؛ ولی با این همه خداوند - جلّ جلاله - درهای قدرت را برای نگارش چیزی که تصمیم بر اتمام و انجام آن را داریم - یعنی تتمه‌ها و مکمل‌های کتاب مِصْبَاحُ الْمُتَهَجِّدِ و امور مهمّی که به مصلحت عبادت کنندگان است - گشود.

بنابراین، اگر کسی در آن نقصی یافت، اموری که ذکر نمودیم مانند عجله داشتن و تنگی وقت، خود عذر ما را می‌خواهد، و اگر آن را کامل و برتر یافت، تنها سپاسگزار خداوند - جلّ جلاله - باشد، زیرا او - جلّ جلاله - بود که قدرت بر آن را به ما ارزانی داشت، و چشم خواسته‌هایمان را برای رسیدن به مقاصدمان روشن نمود.

لذا می‌گوییم: اگر بر این کتاب ما دسترسی پیدا کردی، شاید اموری مانند راهنمایی و هدایت به جلال الهی، و راهنمایی بر لزوم عنایت داشتن به اقبال و توجه خداوند بر بنده، و گشودن راه تحقیق و دسترسی به حقیقت برای اهل توفیق بیابی، که موجب گردد گمان کنی اینها از جستجو و تلاش و کوشش ماست، چنین نیست، بلکه همه از فضل خداوندگار مهربان و دلسوز نشأت گرفته است.

بر این پایه، اگر از این سخنان و اعمال بهره بردی، به شکرگزاری و سپاس خداوند -جلّ جلاله- و تعظیم آن مقام بزرگوار بسنده کن، و به جای آن به یاد و شکر و سپاس من مشغول باش، تا مبادا به جای اشتغال به مالک به بنده اشتغال داشته، و خود را در راههای خطرناک به خطر انداخته، و متعرض اموری که موجب هلاکت و گمراهی است گردی. زیرا خداوند -جلّ جلاله- می‌فرماید:

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ، مَا زَكَيْتُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا⁵⁰

و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، بی‌گمان هیچ کس از شما هیچگاه پاکیزه نمی‌گردید.

و نیز او -جلّ جلاله- می‌فرماید:

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ، فَمِنَ اللَّهِ.⁵¹

و هر نعمتی در وجود شماست، از خداوند است.

برای بنده‌ی او، یعنی مؤلف این کتاب نیز -که خداوند سبحان او را از نیستی، به وجود آورده و از حال ناتوانی و کمبود به سوی توانایی انتقال داده - به تحقیق ثابت شده که اگر فضل و رحمت مولایش بر او نبود، به هیچ یک از چیزهایی که به راهنمایی او بدان واصل گردیده، نایل نمی‌شد، و مسلماً هیچ

نعمتی برای او نیست مگر اینکه به فضل آن خداوندگار معبود، و از درهای رحمت و جُودِ او نشأت گرفته است.

حال که مالک و مملوک (یعنی خداوند - جلّ جلاله - و مؤلف) بر صحّت این مطلب اتفاق دارند (که نگارش مطالب کتاب از خداست، نه مؤلف)، پس چگونه تو با این گفتار مخالفت نموده و می‌گویی آنها از برتری مملوک و بنده می‌باشد، بنده‌ای که خداوند او را به ترتیب مراحل آفرینش از خاک، و گِل، و گِل سیاه بدبوی متغیّر، و آب پست، و نطفه، و خون بسته، و تگّه گوشت، و جنین و شیرخوار و جوان آفریده، و در همه‌ی این مراحل اگر مولای او با رحمت‌هایش بر او تفضّل نمی‌فرمود، سپس آنچه را که به او عنایت فرموده و ارزانی داشته تکمیل نمی‌نمود، و آنچه را که نمی‌دانست به انسان نمی‌آموخت، این بنده نسبت به وجود خود جاهل و نادان بود.

قابل توجه است که وقتی این کتاب را شروع کردم، تصمیم من این بود که تنها مطالب افزون بر مصباح را در آن بیاورم، و امور دیگر را نقل نکنم، ولی دیدم که در این صورت کتاب، نسبت به آنچه مقصود من است، کامل نخواهد بود. لذا تصمیم گرفتم که آن را برای طالبان عمل - یعنی عارفانی که به شرافت بندگی خداوندی که سلطان بندگان است آگاهی دارند، و در آمادگی برای روز معاد می‌کوشند - به صورت کتابی کامل و کافی مرتّب گردانم.

نکته‌ی دیگر اینکه: گاهی در بعضی از دعاهایی که ذکر می‌شود، به خاطر آنچه که با آن آشنایی، یعنی همان اسراری که ویژگیان درگاه او - جلّ جلاله - از او و به اذن او و رسولش (ﷺ) در برخی از اوقات و برای بعضی از انسانها ذکر می‌فرمایند، لفظ و یا معنایی مشابه و همسان ذکر و تکرار شده است،

لذا ما همه را به همان صورت که یافته‌ایم نقل می‌کنیم، هر چند لفظ و یا معنای آن مکرراً باشد.

فهرست جزء اوّل و دوّم کتاب

فصلهای جزء اوّل و دوّم کتاب بدین قرار است که در اوایل آن ذکر می‌کنم، تا هرکس هر مطلبی را خواست باز شناخته و آن را به صورتی که نزدیکتر به صواب است جستجو کند.

و از آنجا که بیشتر اعمال شبانه روز در بردارنده نماز و دعاست، لذا شایسته است که ما نیز این کتاب را با بیان مطالبی از ترغیب و تشویق به آن دو آغاز کنیم، و عقلا و دلها را به آن دو متوجّه نماییم.

فصل اوّل: تعظیم نماز و اینکه هرکس در انجام آن کوتاهی کند از بزرگترین جنایتکاران است.

فصل دوّم: کیفیت نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت و ناپسند باز می‌دارد، و بیان بزرگترین شرط نماز.

فصل سوّم: فضیلت دعا با استفاده از الفاظ صریح قرآن.

فصل چهارم: روایاتی صریح و روشن در فضیلت دعا.

فصل پنجم: برتر بودن دعا و مناجات با خداوند رحمان از تلاوت کلام عظیم الشان خداوند - جلّ جلاله - .

فصل ششم: اموری که از دیدگاه عقل شایسته است دعا کننده آنها را رعایت کند.

فصل هفتم: اموری که سزاوار است دعا کننده از نظر روایات به آنها آراسته باشد.

فصل هشتم: ذکر فواید محافظت بر مناجات بسیار با خداوند، و فضیلت دعا کردن در غیاب برادران دینی، و دعا برای پیشوایان رهایی بخش (علیهم السلام).

فصل نهم: مقدّمات طهارت و کیفیت آبی که در خور طهارت نماز است.

فصل دهم: کیفیت طهارت با استفاده از آنچه که عقل از مقصود حضرت رسول (ﷺ) برای کمال پذیرش عمل درک می‌کند.

فصل یازدهم: کیفیت طهارت به آب، با استفاده از روایات.

فصل دوازدهم: کیفیت خاک و دیگر چیزهایی که جانشین آن می‌شود، و طهارت از حَدِّ اصغر به آن در صورت عدم امکان طهارت با آب.

فصل سیزدهم: کیفیت طهارت و غسل با آب، از دیدگاه عقل و نقل.

فصل چهاردهم: کیفیت طهارت و تیمم کردن با خاک به جای غسل در صورت عدم امکان طهارت با آب، و نیز گزینش لباس و مکان نماز، و ذکر دعاهای داخل شدن در مسجد و رو به قبله ایستادن با استفاده از روایات.

فصل پانزدهم: تعیین نخستین نمازی که بر بندگان واجب شده و اینکه آن همان صَلَوةِ وَسْطَى است.

فصل شانزدهم: اموری که شایسته است هنگام زوال آفتاب و ظهر بدان عمل شود.

فصل هفدهم: نافله‌های نماز ظهر و پاره‌ای از اسرار نماز.

فصل هیجدهم: کیفیت اذان و اقامه و بعضی از اسرار آن دو.

فصل نوزدهم: کیفیت نماز ظهر و بخشی از اسرار و تعقیبات آن و دو سجده‌ی شکر و امور بعد از آن.

فصل بیستم - نافله‌های نماز عصر و گوشه‌ای از اسرار آن.

فصل بیست و یکم - نماز عصر و اشاره به شرح و تعقیب آن.

فصل بیست و دوم - دعای هنگام غروب آفتاب، و اصلاح نامه‌ی عمل که دو فرشته گمارده شده بر انسان ثبت نموده‌اند، و بیان آنچه که شایسته است در

پایان روز انجام شود، تا نامه‌ی عمل به خداوندی که به تمام نهانیها آگاه است، عرضه شود.

فصل بیست و سوم - پیرامون ملاقات با دو فرشته‌ی نگاهبان اعمال در آغاز شب، و درباره‌ی کیفیت نماز مغرب و ذکر شرح و تعقیب آن.

فصل بیست و چهارم - نوافل نماز مغرب و دعاها‌ی بین و در تعقیب آنها.

فصل بیست و پنجم - نمازهایی که بین نافله‌های نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود.

فصل بیست و ششم - نماز عشاء و تعقیب آن.

فصل بیست و هفتم - نماز فرج بعد از نماز عشاء.

فصل بیست و هشتم - نمازی برای طلب روزی و نیز نماز[های] دیگری که بعد از نماز عشاء خوانده می‌شود.

فصل بیست و نهم - نماز وُتیره و نافله‌ی عشاء و تعقیب آن.

فصل سیام - اموری که شایسته است پیش از خواب و یا هنگام بیدار شدن در اثنای خواب و پیش از برخاستن] و نشستن بدان عمل شود. و این فصل، آخر جزء اول کتاب است، اینک می‌گوییم: جزء دوم کتاب به این قرار خواهد بود:

فصل سی و یکم - اموری که شایسته است هنگام بیدار شدن از خواب و نشستن عمل شود. خواه نماز نافله‌ی شب بخواند یا نخواند.

فصل سی و دوم - اموری که سزاوار است انسان پس از برخاستن از خواب و عمل نمودن به آنچه که در فصل قبل گذشته، و هنگام خواندن نافله‌ی شب بدان عمل نماید، و ذکر پاره‌ای از فضایل نماز شب.

فصل سی و سوّم - یک نماز و درخواستها و امور مهمّ و دعاهاى شب، و دو رکعت نمازی که مولایمان زین العابدین (علیه السلام) پیش از شروع نماز شب انجام می داده است.

فصل سی و چهارم - کیفیت نماز شب و بخشی از دعاهاى آن و دعای نماز وتر و دو رکعت فجر نخست.

فصل سی و پنجم - خداحافظی با دو فرشته نگاهبان بر انسان و اصلاح نامه‌ی عمل، که آن دو در شب نوشته‌اند.

فصل سی و ششم - کیفیت نماز صبح و ذکر تعقیبات آن.

فصل سی و هفتم - دعای وقت نگاه کردن به آفتاب.

فصل سی و هشتم - دعایی برای امور مهمّ، هنگام سه ساعت مانده به ظهر.

فصل سی و نهم - نماز و دعایی پیش از زوال برای عافیت و در امان ماندن از هر چیزی که انسان از آن بیم و هراس دارد.

فصل چهلم - نمازی در هنگام ظهر برای حفظ جان و دین و دنیا و اهل و مال.

فصل چهل و یکم - دعاهاى ساعتهاى روز.

فصل چهل و دوّم - ترتیب نماز مسافر، و واجبات و مستحبّات مسافر در شبانه روز.

فصل چهل و سوّم - فضایل قرائت سوره‌هاى قرآن، (زیرا انسان در اعمال شبانه روز ناچار از خواندن قرآن - در نمازهاى واجب و مستحبّ - است).

این بود ذکر اجمالی فصلهای جزء اوّل و دوّم این کتاب که شرح و توضیح آنها برای کسانی که با انجام این امور خواهان سعادت و نیکبختی هستند، کفایت می‌کند.

اینک شرح و توضیح آنها برای کسانی که می‌خواهند نمازهایشان را به صورت کامل ادا نمایند، و ذکر عبادات و دعاها همراه با حذف امور زاید و اضافی، و فوائد بسیار:

فصل اوّل: عظمت نماز و پیامدهای سبک شمردن آن

با حذف اسناد از سرور زنان، فاطمه، دختر سرور پیامبران - که دروذهای خداوند بر او و بر پدر بزرگوار و شوی گرامی و پسران اوصیاء او باد! - نقل می‌کنم که وی از پدر بزرگوارش حضرت محمد (ﷺ) پرسید ای پدر جان! سزای هر مرد و زنی که نماز را سبک بشمارد، چیست؟ فرمود: ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌نماید: شش چیز در دار دنیا، و سه چیز هنگام مرگ، و سه چیز در قبرش، و سه چیز در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

اما مصیبت‌هایی که در دار دنیا بدان مبتلا می‌گردد:

نخست اینکه: خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد.

دوم اینکه: خداوند، خیر و برکت را از روزی‌اش برمی‌دارد.

سوم اینکه: خداوند - عزوجل - نشانه‌ی صالحان را از چهره‌ی او محو

می‌فرماید.

چهارم اینکه: در برابر اعمالی که انجام داده اجر و پاداش به او داده نمی‌شود.

پنجم اینکه: دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد.

ششم اینکه: هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته‌ی خدا نداشته و مشمول

دعای آنان نخواهد بود.

و اما مصائبی که هنگام مرگ به او می‌رسد:

نخست اینکه: با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد.

دوم اینکه: گرسنه می‌میرد.

سوّم اینکه: تشنه جان می‌سپارد، به گونه‌ای که اگر آب تمام رودخانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد.

و اما مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می‌گردد:

اوّل اینکه: خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.

دوّم اینکه: خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند.

سوّم اینکه: قبرش تاریک می‌شود.

و اما مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود:

نخست اینکه: خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را به رو بر زمین بکشد.

دوّم اینکه: سخت از او حساب می‌کشند.

سوّم اینکه: خداوند هرگز نظر [رحمت] به او ننموده و [از بدیها] پاکیزه‌اش نمی‌گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.

فصل دوّم: شرایط نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت باز می‌دارد

کراجکی در کتاب کنزالفوائد ذکر کرده که در حدیث آمده که: ابو جعفر منصور [خلیفه عبّاسی] در روز جمعه‌ای در حالی که بر دست حضرت صادق جعفر بن محمّد (علیه السلام) تکیه زده بود، بیرون آمد. مردی - که رزام آزاد شده‌ی خالد [یا: خادم] بن عبدالله نامیده می‌شد - گفت: این کیست که آنقدر در نزد امیرالمؤمنین یعنی منصور ارجمند است که وی بر دست او تکیه زده است؟

گفته شد: او، جعفر بن محمّد صادق - (علیه السلام) - است؟

وی گفت: به خدا سوگند، نمی‌دانستم [اگر می‌دانستم، بی‌گمان آرزو می‌کردم که گونه‌ی ابی جعفر [منصور، برزیر] نعلین و پای افزار جعفر می‌بود. سپس در جلو منصور ایستاد و گفت: ای امیرالمؤمنین! آیا اجازه هست سؤالی بکنم؟ منصور گفت: از ایشان [یعنی امام صادق (علیه السلام)] پیرس. [وی گفت: من می‌خواهم از تو پیرسم. منصور گفت: از او پیرس.]

پس رزام رو به امام جعفر بن محمّد (علیه السلام) کرد و گفت: مرا از نماز و حدود و احکام آن خبر ده. حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: نماز چهار هزار حدّ و حکم دارد که تو نسبت به همه‌ی آنها مورد بازخواست قرار نمی‌گیری. گفت: تنها حدود و احکامی را که ترک کردن آن جایز نیست و نماز جز به آن کامل نمی‌گردد، بفرما.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: نماز کسی تامّ و کامل است که طهارت کامل داشته، و کامل و بالغ بوده⁵² و ساتر داشته باشد، و راست بایستد، و نسبت به خدا شناخت و معرفت داشته و [در پیشگاه او] بایستد، و آرام گرفته و اظهار خشوع و تواضع نموده و استوار باشد، آنگاه میان حالت نومیدی و آزمندی، و شکیبایی و بی‌تابی بایستد، به گونه‌ای که گویی نوید پروردگار تنها متوجّه او، و

وعده‌ی عذاب تنها برای اوست، و تمام اموال و دارایی خویش [یا: آرمانهای خویش] را در راه خدا بذل نموده و تمام اهداف [یا: وجود و تعلقات خود را] خیال انگاشته، و نفس خود و هرچیز ارجمند در نزد خویش را در راه خشنودی خداوند بذل نموده، و بدون اینکه انتظار چیزی را بکشد، پیش به سوی او وسط راه و راه راست را طی نماید، و وابستگی‌های اهتمام ورزیدن را با چشم توجه به خداوندی که قصد سیر به سوی او را نموده و می‌خواهد به درگاه او وارد شده، قطع نماید، و از او اجازه‌ی ورود بگیرد.

پس هرگاه کسی این چنین عمل کند، نمازش همان نمازی خواهد بود که به خواندن آن امر، و از آن خبر داده شده است که: به راستی نماز انسان را از کردار و گفتار زشت و ناپسند باز می‌دارد.⁵³

آنگاه منصور رو به امام صادق (علیه السلام) کرده و عرض کرد: ای ابا عبد الله، ما پیوسته از دریای [علم] تو استفاده نموده، و به سوی تو نزدیکی می‌جوییم، ما را از کوری باطنی بینا گردانیده، و به نور هدایت خویش، شب تاریک و امور پیچیده را روشن می‌نمایی، و لذا ما همواره در انوار پاکیزه و دریای لبریز دانش تو شناور هستیم. ۵۴

کیفیت نیت در عبادات

ناگفته نماند: از آنجا که در خطبه‌ی این کتاب کیفیت نیت را توجّه دادیم و به روشنی بیان کردیم که: بنده باید خداوند - جلّ جلاله - را تنها از آن جهت که شایسته‌ی عبادت و بندگی است بپرستد، لذا در موارد بسیاری از عبادات، چگونگی الفاظ نیت را یاد آور نمی‌شوم.

و دیگر اینکه - چنانکه اشاره خواهیم کرد - نیت، همان قصد و تصمیم انسان برای انجام عبادت است⁵⁵ و این چیزی نیست که بر او مخفی بماند. آیا نمی‌بینی که مولایمان امام صادق (علیه السلام) هنگامی که شروط نماز را برشمرد، نیازی به ذکر نیت ندید، و جهت آن این است که نیت به خودی خود، در آنچه آن بزرگوار (علیه السلام) بدان اشاره فرمود، داخل است و لذا آن را ذکر نفرمود.

فصل سوّم: فضیلت و آثار دعا از دیدگاه قرآن

1 - خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید:

قُلْ: مَا يَعْجُزُا بِكُمْ رَبِّي، لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ، فَقَدْ كَذَّبْتُمْ، فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا.⁵⁶

- بگو: اگر دعایتان نبود، پروردگارتان چه اعتنایی به شما داشت، زیرا مسلماً

شما تکذیب نمودید، و لذا تکذیبتان همواره ملازم شما خواهد بود.

خداوند در این آیه شریفه برای مخاطبین آن هیچ جایگاه و مقامی در صورتی که دعا نداشته باشد، قرار نداده؛ بنابراین، از این کلام فهمیده می‌شود که جایگاه و منزلت انسان در نزد خداوند - جلّ جلاله - به اندازه‌ی دعا، و ارزش او به قدر اهتمام به مناجات و خواندن اوست.

شاید کسی اشکال کند بگوید: مراد از دعا در این آیه، عبادت و پرستش خداوند است؛ ولی این درست نیست، بلکه حقّ همانی است که روایان مورد اعتماد از امامان و سروران ما (علیهم‌السلام) روایت کرده‌اند که مقصود از دعا در این آیه، بدون کم و کاست همان دعایی است که در عرف شرع فهمیده می‌شود.

2 - خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید:

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا، تَضَرَّعُوا، وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ.⁵⁷

- پس ای کاش هنگامی که سختی و ناگواری از سوی ما به آنان می‌رسید، تضرّع و زاری می‌نمودند، لیکن دل‌هایشان قساوت پیدا نموده و سنگدل گردیده بودند.

خداوند - جلّ جلاله - در این آیه شریفه هشدار می‌دهد که اگر کافران تضرّع و زاری می‌نمودند، خداوند سختی و ناگواری و خشم و عذاب و عقاب خویش را از آنان برمی‌داشت، و ناراحتیهای آنان را برطرف می‌نمود.

ملاحظه می‌شود که خداوند فرمود: ای کاش وقتی سختی و ناگواری از ناحیه‌ی ما به سوی آنان می‌آمد، نماز می‌خواندند، یا روزه می‌گرفتند، یا حجّ بجا

می‌آوردند، یا قرآن قرائت می‌نمودند، و این خود به صراحت مطلب را برای اهل فهم از برجستگان روشن می‌نماید.

3 - باز از جمله آیات، وعده‌ی پاکیزه خداوند - جَلَّ جَلالُه - است به اینکه: دعا، کلید رسیدن به آمال و آرزوهاست. آنجا که می‌فرماید:

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ، أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ⁵⁸

- و هرگاه که بندگانم درباره‌ی من بپرسند، بگو: که من نزدیکم، و دعای هر دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم.

4 - و نیز در این باره است فرمایش دیگر خداوند - جَلَّ جَلالُه - که می‌فرماید:

أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي، سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ⁵⁹

- مرا بخوانید تا دعایتان را برای شما اجابت کنم، به راستی کسانی که از پرستش و عبادت من گردنکشی می‌کنند، با حالت خواری و ذلت وارد جهنم خواهند شد.

خداوند - جَلَّ جَلالُه - با این آیه شریفه توجه می‌دهد که ترک کردن دعا، استکبار و گردنکشی از پرستش و عبادت او، و نیز سبب داخل شدن در آتش جهنم و عذاب خوارکننده‌ی آن است.

از امام صادق (ع) روایت شده که مراد از عبادتی که انسان از آن گردنکشی می‌نماید در این آیه، همان دعا است، و اینکه هرکس با وجود این دستور آن را ترک کند، از مستکبران و گردنکشان خواهد بود.

5 - تنها بخشی از آیاتی که ذکر شد، برای عارفان کفایت می‌کند، و اگر نبود در فضیلت دعا، جز فرمایش خداوند - جَلَّ جَلالُه - به سرور پیامبران - ﷺ - آنجا که می‌فرماید:

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاوَةِ وَالْعِشْيَةِ، يُرِيدُونَ وَجْهَهُ، وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ⁶⁰

- و خویشتن را با کسانی که صبح و شام پروردگارشان را می خوانند، در حالی که تنها خشنودی او را اراده نموده اند، به صبر و شکیبایی وادار کن، و مبادا چشمانت را از آنان برداری.

کفایت می کرد، و این امر بزرگی است؛ زیرا این خطاب در مقام ستایش و مدح کسانی که صبح و شام به درگاه پروردگار دعا می کنند، صادر شده و خداوند - جلّ جلاله - به خاطر دعای آنان در صبح و شام به رسولش (ﷺ) امر فرموده که پیوسته ملازم آنان بوده، و چشمان شریفش را از مصاحبت و همنشینی با ایشان بر ندارد.

فصل چهارم: فضیلت و آثار دعا از دیدگاه روایات

این فصل چندین فایده از فواید دعا را در بردارد: نخست اینکه دعا، محبوبترین اعمال در نزد خداوند - جلّ جلاله - است. چنانکه در روایتی آمده که امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود که علی (علیه السلام) فرمود: محبوبترین اعمال نزد خداوند سبحان در روی زمین، دعا، و برترین عبادت، عفت و پاکدامنی است.

دوم اینکه: دعا، انسان را از گزند دشمنان و مخالفان رهایی بخشیده، و درهای روزی را به روی او می‌گشاید.

چنانکه روایت شده امام جعفر صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود که رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) فرمود: آیا شما را راهنمایی نمایم بر جنگ افزاری که شما را از دشمنانتان نجات داده و روزی‌هایتان را افزون گرداند؟ عرض کردند: بله. فرمود: شب و روز پروردگارتان را بخوانید، زیرا به راستی که دعا، سلاح و جنگ افزار مؤمنان است.

و در حدیث دیگر از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: دعا از جنگ افزار آهنین نافذتر است.

سوم اینکه: دعا، ستون دین، و نور آسمانها و زمینهاست.

چنانکه از امام صادق، جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش (علیه السلام) نقل شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: دعا، سلاح مؤمنین و ستون دین، و علت روشنایی آسمانها و زمین است.

چهارم اینکه: دعا، از وقوع اموری که تقدیر شده و یا نشده جلوگیری می‌کند.

چنانکه عمر بن یزید نقل می‌کند که از حضرت ابی ابراهیم امام کاظم (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: به راستی که دعا از وقوع اموری که تقدیر شده و یا نشده جلوگیری می‌کند.

وی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، امور مقدر معلوم است مقصود از امور غیر مقدر چیست؟ فرمود: خداوند جلوگیری می‌کند تا اینکه مقدر نشود. پنجم اینکه: دعا، بلا را دفع می‌کند.

چنانکه ابی ولاد حفص بن سالم خیاط می‌گوید: در مدینه به خدمت امام ابی الحسن موسی (علیه السلام) وارد شدم، و چیزی همراه من بود که آن را به ایشان رساندم. حضرت فرمود: به اصحاب و یاران خویش اطلاع بده و بگو که: تقوای خداوند عزوجل را پیشه کنید، که شما در عهد پادشاهی شخص سرکشی هستید (و مقصودشان، ابوالدوانیق یعنی منصور خلیفه عباسی بود)، پس زبانهایتان را حفظ کنید، و بر جانها و دینتان محافظت کنید، و اموری را که از وقوع آن بر ما و خودتان بیم دارید با دعا دفع کنید؛ زیرا به خدا سوگند، که دعا و درخواست نمودن از درگاه الهی، بلا را دفع می‌کند در حالی که بلا مقدر شده و اراده‌ی حتمی و قضای الهی به آن تعلق گرفته و تنها امضای آن باقی مانده است؛ ولی وقتی خداوند خوانده می‌شود و از او خواسته می‌شود که بلا را برگرداند، آن را دفع می‌کند، پس در دعا اصرار کنید که خداوند خود شما را از شر آن کفایت فرماید.

ابوولاد می‌گوید: وقتی فرمایش حضرت ابی الحسن (علیه السلام) را به یاران خود رساندم، ایشان بدان عمل نموده و بر ابوالدوانیق نفرین کردند، و درست در سالی به سوی مکه خارج شده بود، در کنار بئر میمون پیش از آنکه مناسک حج را انجام دهد، جان سپرد و خداوند ما را از دست او راحت کرد.

ابوولاد می‌گوید: من نیز در آن سال حاجی بودم، به خدمت حضرت ابی الحسن (علیه السلام) رسیدم، ایشان فرمود: ای اباولاد، چگونه دیدید کامیابی و مستجاب شدن در آنچه را که به شما امر نموده و بر انجام آن تشویق کردم، یعنی نفرین کردن بر ابی الدوانیق؟ ای اباولاد، هیچ بلایی نیست که خداوند بر بنده مؤمن نازل می‌کند و دعا را به او الهام می‌کند، مگر اینکه خداوند بزودی آن بلا را بر طرف می‌نماید. و هیچ بلایی نیست که خداوند بر بنده مؤمنی نازل می‌کند و او از دعا کردن خودداری می‌کند، مگر اینکه آن و گرفتاری طولانی می‌گردد، پس وقتی بلا بر شما نازل شد، بر شما باد به دعا کردن!

ششم اینکه: مقصود از گفتار خداوند - جَلَّ جَلالُه - آنجا که می‌فرماید:

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا.⁶¹

- هر رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید، هیچ کس نمی‌تواند جلو آن را بگیرد.

همان دعاست، چنانکه امام صادق (علیه السلام) در روایتی در رابطه با آیه‌ی شریفه فوق می‌فرماید مقصود همان دعاست.

هفتم اینکه: دعا، سبب تندرستی و بهبودی از هر بیماری است.

چنانکه محمد بن مسلم می‌گوید: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: آیا اینکه می‌گویند که رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) درباره‌ی حبه‌ی سَوْدَاءِ⁶² فرموده که: مایه‌ی شفا و بهبودی از هر بیماری است، جز مرگ. صحیح است؟ فرمود: بله، سپس فرمود: آیا می‌خواهی تو را از چیزی که سبب شفا و بهبودی از هر بیماری و آسیب، حتی مرگ است، آگاه سازم؟ عرض کردم: بله، فرمود: دعا.

هشتم اینکه: دعا، قضای مُبَرَم و اراده‌ی حتمی و استوار الهی را برمی‌گرداند.

چنانکه علی بن عقبه می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: به راستی که دعا، قضا و اراده‌ی حتمی و مُبَرَم را بعد از اینکه سخت و محکم شده

باشد، برمی‌گرداند، پس بسیار دعا بکن، زیرا دعا کلید تمام رحمتها، و سبب کامیابی و برآورده شدن تمام خواسته‌هاست، و جز با دعا کردن نمی‌توان به آنچه نزد خداوند است⁶³ نایل گردید. بی‌گمان هیچ دری نیست که بسیار کوبیده شود، مگر اینکه بزودی به روی کوبنده‌اش گشوده می‌شود.

نهم اینکه: هرکس از نزول بلا بهراسد و بخواهد آن را با دعا برگرداند، خداوند -جلّ جلاله- او را به آرزویش نایل می‌گرداند.

چنانکه در روایتی آمده امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس بیم آن را داشته باشد که بلا و مصیبتی به او برسد، پس با دعا کردن در برابر آن بایستد، [یا: برخیزد و برای مرتفع شدن آن دعا بکند]، هیچگاه خداوند آن بلا را به او نشان نمی‌دهد و وی را به آن گرفتار نمی‌نماید.

تمام فواید دعا را که روایات گذشته مشتمل بر آن است، ما از ناحیه‌ی انعام و احسانی که خداوند - عزوجلّ - بر ما تفضّل فرموده، آشکارا یافته‌ایم، پس هرکس حسن ظنّ به صدق گفتار ما دارد، در حقّ بودن و تحقّق این حالت که از خودمان ذکر نمودیم (یعنی یافتن همه‌ی این نتایج)، شکّ و تردید به خود راه ندهد.

دهم اینکه: دعا، در مقابل نزول بلا قرار گرفته و از آن جلوگیری نموده و آن را تا روز جزا و قیامت به عقب می‌اندازد.

چنانکه در روایتی آمده که امام رضا (علیه السلام) فرمود که از پدر بزرگوارم (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: به راستی که دعا در مقابل بلا و گرفتاری می‌ایستد، و آن دو (یعنی دعا و بلا) تا روز قیامت توافق پیدا می‌کنند.⁶⁴

یازدهم اینکه: دست دعا کننده هرگز خالی از فضل رحمت خداوند -جلّ جلاله- بر نمی‌گردد.

چنانکه محمد بن یعقوب کلینی روایت نموده که امام صادق (ع) فرمود:
هیچ بنده‌ای دستش را به درگاه خداوند سرافراز جبار نمی‌گشاید، مگر اینکه
خداوند - عزوجل - شرم می‌کند که چیزی از فضل رحمت خویش در آن
نگذاشته، دست او را خالی برگرداند، پس هرگاه که دعا می‌کنید، تا دستتان را بر
روی و سر خویش نکشیده‌اید، برنگردانید.⁶⁵

فصل پنجم: برتری دعا و مناجات از تلاوت قرآن

افضل بودن دعا از دیدگاه روایات 1 - در روایتی آمده که فضاله به واسطه‌ی معاویه بن عمّار [یا: فضاله بن معاویه بن عمّار] می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: دو نفر در یک لحظه شروع به خواندن نماز می‌کنند، یکی در نماز قرآن می‌خواند و قرائتش بیشتر از دعاست، و دیگری دعایش افزون از تلاوت قرآن، و در یک لحظه نماز را به آخر می‌رسانند، کدامیک از این دو افضل و برتر است؛ حضرت فرمود: هر دو فضیلت دارد، هر دو زیباست.

وی می‌گوید: عرض کردم: می‌دانم که هر دو زیبا است و فضیلت دارد. کدام برتر است؟ حضرت فرمود: دعا، برتر است. آیا فرمایش خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

وَقَالَ رَبُّكُمْ: ادْعُونِي، أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي، سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ⁶⁶

- و پروردگارتان فرمود که: مرا بخوانید، تا دعایتان را برای شما اجابت کنم، به راستی کسانی که از پرستش و عبادت من گردنکشی کنند، با حالت خواری و ذلت وارد جهنم خواهند شد.

به خدا سوگند مقصود از عبادت در آیه شریفه دعاست، به خدا سوگند آن افضل است. آیا آن عبادت نیست؟ و حضرت دوبار فرمود: به خدا سوگند عبادت همان دعاست و بعد فرمود:، آیا دعا استوارترین عبادت نیست؟! سپس دوبار افزود: به خدا سوگند دعا، محکم‌ترین عبادت است.

2 - در روایت دیگر آمده که از امام باقر (ع) پرسیده شد کدامیک از این دو در نماز افضل است: بیشتر قرآن خواندن، یا طول دادن رکوع و سجود؟ حضرت فرمود: بسیار درنگ کردن در رکوع و سجود. مگر کلام خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

فَأَقْرئُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ، وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ⁶⁷

- پس هر مقدار از قرآن را که مُیسَّر بود قرائت کنید، ولی نماز را کاملاً بپادارید.

مسئلاً مقصود خداوند از اقامه و بپا داشتن نماز بسیار درنگ کردن در رکوع و سجود و طول دادن آن دو است.

راوی می‌گوید عرض کردم: کدامیک از این دو افضل است: قرائت بسیار یا دعای بسیار؟ حضرت فرمود: دعای بیشتر. مگر فرمایش خداوند متعال را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

قُلْ: مَا يَعْבוُّ بِكُمْ رَبِّي، لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ⁶⁸

- بگو: اگر دعایتان نبود، پروردگارتان چه اعتنایی به شما داشت؟!

افضل بودن دعا از دیدگاه عقل اکنون می‌گوییم از لحاظ عقلی نیز می‌توان وجهی موافق با آنچه که پیرامون افضل بودن دعا از قرائت قرآن روایت شده یافت. و آن اینکه:

1 - مسلماً این گونه نیست که هرکس کلام خداوند - جلّ جلاله - را بخواند، به خدا معرفت داشته باشد، و قدر کلام الهی را بشناسد، و با تلاوت خویش خشنودی خدا را بخواهد؛ ولی امکان ندارد کسی دعا و درخواست و آرزو کند و کسی را که می‌خواند و از او درخواست می‌کند و آرزوی خویش را از او می‌خواهد، یعنی خداوند - جلّ جلاله - را نشناسد؛ بنابراین، دعا همواره مشتمل است بر:

الف و ب - معرفت به ذات و صفات خداوندی که او را می‌خواند.

ج - شناخت پیامبری (ﷺ) که مردم را به سوی او دعوت می‌نماید.

د - معرفت به واگذاری امور خود به خدا و درخواست و طلب از پیشگاه او.

ه - ادب نیازمندی به خدا.

و - دلبستگی و تعلق خاطر به اعتماد و تکیه بر خدا.

ز - معجزه‌ها و کراماتی که در نزد هرکس که دعاهایش مستجاب شده و حوایجش برآورده شده و ناراحتیهای شدیدش برطرف شده، تحقق یافته است. و اینها همگی فایده‌ها و مواهبی هستند که فضیلت آنها افزون و جایگاهش دو چندان و بیش از دیگر امور همسان آن است، و برای هر کس که به معنای آنها پی برد، به روشنی بر امور دیگر ترجیح دارد. ممکن است کسی اشکال کند و بگوید: گاهی غیر عارفین به خدا نیز دعا می‌کنند.

جواب این سخن آن است که حتی دشمن خداوند - جلّ جلاله - یعنی ابلیس نیز با دعا کردن و درخواست از خداوند منتفع شده، آنجا که گفت: مرا از مهلت داده شدگان قرار ده، و خداوند - جلّ جلاله - درخواست او را اجابت نموده و فرمود:

إِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ⁶⁹

- به راستی که تا روز مشخص و معلوم، از مهلت داده شدگان هستی. لیکن امکان ندارد همان گونه که ابلیس به خاطر درخواست و دعا کردنش منتفع شد، کسی دشمن خداوند - جلّ جلاله - باشد و در حال عداوت و دشمنی، به خاطر خواندن قرآن شریف ثواب داده شده، و به ثمره‌ی آن نایل گردد.

2 - از دیگر مرجحات عقلی دعا بر تلاوت قرآن این است که: کسی که درخواست و دعا می‌کند، به همان اندازه‌ای که در حاجت خویش به او نیاز و اضطرار دارد، به او توجه نموده و در پیشگاهش اظهار خشوع و فروتنی می‌نماید، بنابراین از آنجا که نیازمندیها و حوائج مردم به خداوند - جلّ جلاله - در زندگانی دنیا بسیار است، دعا کننده نیز بسان شخص مضطرّ، ناچار از

اخلاصِ عبودیت و بندگی است؛ لیکن تلاوت قرآن شریف در غالب اوقات از این حالتها خالی است، بلکه چه بسا انسان قرآن را با حالت غفلت تلاوت می نماید، و در نتیجه خود این کار [در نزد اهل کمال] محسوب می شود.

فصل ششم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه عقل

احساس ذلّت در پیشگاه حضرت حقّ شایسته است دعا کننده در حال دعا توجّه داشته باشد که وی مملوک خداوندگار توانا و قاهری است که بر او آگاهی و اشراف دارد، و اینکه بنده هیچگاه بی نیاز از مولایش نبوده و هیچ زمانی نیست که خواسته‌ای از او نداشته باشد. و نیز توجّه داشته باشد که خداوند - جلّ جلاله - که مالک همه چیز اوست، دارای بزرگترین جلالت و بزرگی و شکوه و والایی است، و وی که بنده‌ی اوست، در پست‌ترین مرتبه‌ی فرومایگی و پستی و کاستی قرار دارد، و از سویی اصل و خاستگاهش به ترتیب مراحل آفرینش از خاک و گل، و گل سیاه بدبوی متغیّر، و آب پست است، و از سوی دیگر دستش از ناحیه‌ی زندگانی و وجود و تندرستی و تدبیر اصول سعادت‌مندی در دنیا و آخرتش، خالی است.

پس اگر بنده با وجود این خصوصیتها، اگر با مولایی که همواره به او نیکی نموده، و توانا و قاهر است و بر او آگاهی و اشراف دارد، مخالفت نموده و این مخالفت را به آن خاستگاه ناتوان و آسیب پذیر و پست و نکوهیده‌اش بیافزاید، و جلالت و اقبال و توجّه خدا به خود را کوچک بشمارد، و در کردار و گفتارش با او ستیز کند، و نظرش بر خلاف نظر او - که در تمام حالات به صلاح بنده است - باشد؛ باید هنگام دعا و مناجات بسان بنده برده خیانت پیشه و دلیل در پیشگاه مولای خویش ایستاده، و همانند شخص فرومایه با شخصیتی عزیز و بزرگوار، و شخص حقیر نیازمند با مالک بی نیاز و والا و بزرگ، و چون فرد ناتوان ناچیز با مولایی که بیم و هراس از او دارد، و گفتگوی خیانت پیشگان و جنایتکاران با کسی که از همه مالکان بزرگتر است و هر وقت که بخواهد توانایی انتقام گرفتن را دارد، او را مورد خطاب قرار دهد.

- 47) این قسمت از مقدمه، ظاهراً به تناسب ذکر محمد بن سنان در سند روایت گذشته آمده است، و در عین حال برخی از مطالب آن، کلی است و مکمل و توضیح مبحث گذشته محسوب می شود.
- 48) رجوع شود به کفایة الاثر، ص 334، ورجال کشی، ج 2، ص 407، شماره ی 1185.
- 49) کُرّاس: بخشی از کتاب که بیشتر مشتمل بر 8 برگ است.
- 50) نور (24): 21.
- 51) نحل (16): 53.
- 52) در مدرک این حدیث، کتاب کنز الفوائد به جای این عبارت آمده است: واهتمام تمام داشته ...
- 53) اشاره به آیه ی شریفه ی 45 از سوره ی عنکبوت (29) که می فرماید:
 إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.
- 54) کنز الفوائد، ج 2 ص 223 - تنها با این تفاوت که به جای جمله آخر یعنی: ولذا، ماهمواره در انوار پاکیزه و دریای لبریز دانش تو شناور هستیم آمده است: بدون اینکه از تو جدا و منحرف گردیم.
- 55) و لذا نیازی به تلفظ مفهوم نیت، و نیز تصوّر و خطور دادن الفاظ خاصّ به ذهن، نیست.
- 56) فرقان (25): 77.
- 57) انعام (6): 43.
- 58) بقره (2): 186.
- 59) غافر: (40) : 60.
- 60) کهف (18): 28.
- 61) فاطر (35): 2.
- 62) حَبَّه ی سَوْدَاء همان شونیز و یا شینیز است که به حَبَّه و دانه ی برکت معروف است.
- 63) یعنی: خشنودی حضرت حقّ و مقامات و کمالات والای توحیدی.
- 64) و در نتیجه تا روز قیامت بلا بر دعا کننده نازل نمی شود.
- 65) کافی، ج 2، ص 471، روایت 2 - با این تفاوت که بعد از فضل رحمت خویش افزوده شده است: هر چه بخواهد
- 66) غافر (40) : 60.
- 67) مزمل (73): 20 .
- 68) فرقان (25): 77.

69) حجر (15): 37 - 38؛ و ص (38): 80 - 81.

مقدم داشتن مقصود حضرت حق و اشتغال به یاد او

همچنین باید هنگام دعا و مناجات مقصود خداوند - جلّ جلاله - از فرا خواندن تو به محضر مقدّس وجود خویش را بر مقصود خویش، که درخواست رحمت و جود و بخشش است، مقدم بداری، به گونه‌ای که هنگام دعا لذتی که از ستایش و تقدیس بزرگی و تعظیم شأن و مقام او، و اعتراف به احسانش احساس می‌کنی، نزد تو محبوبتر از برشمردن حوایج خویش باشد، اگر چه خواسته‌هایت از امور مهمّ دارفنا بوده، و یا برای دفع بزرگترین بلاها و گرفتاریها باشد.

ای بنده، اگر خداوند - جلّ جلاله - را از روی یقین می‌شناختی، مسلماً می‌دیدی که اشتغال داشتن به حفظ حرمت و حق رحمت او، تو را به اجابت و مساعدتی که خواسته‌ی توست، زودتر نایل می‌گرداند. چنانکه در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود:

همانا خداوند - عزّوجلّ - می‌فرماید: هرکس به جای مسئلت نمودن از من، به یاد و ذکر من مشغول گردد، برترین عطایایی را که به درخواست کنندگان از خود می‌دهم، به او عطا می‌کنم.

اینک می‌گویم: آنچه را که من در این مقام از پیشوایان اسلام که مقتدای ما هستند، می‌دانم این است که پیامبر اکرم - ﷺ - فرمود برترین دعا، دعای من و دعای پیامبران پیشین است. آنگاه تنها کلمه‌ی **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را بر زبان جاری نمود، و ستایش خدا را بجا آورد. عرض شد که: کجای این کلام، دعاست؟ حضرت - که دروهای خداوند بر او و خاندان او و بر اصفیاء و برگزیدگان پیش و بعد از او باد! - فرمود که (بدین مضمون) کدامیک از این دو،

به منظور دعا کننده و مسئلت کننده آشناتر، و سزاوارترند که فضایل از او درخواست شود؟ آیا خداوند - جلّ جلاله - یا عبدالله بن جذعان؟ آنجا که امیة بن ابی الصلت او را ستود و گفت:

أَذْكُرُ حَاجَتِي، أَمْ قَدْ كَفَانِي إِذَا أَثْنَى عَلَيْكَ الْمَرْءُ يَوْمًا حَيَاؤُكَ؟ إِنَّ شِمَتَكَ الْحَيَاءُ كَفَاهُ مَنْ تَعَرَّضَهُ الثَّنَاءُ - آیا حاجتم را ذکر کنم، یا شرم و حیای تو از برآورده نکردن خواسته‌ام برای من کافی است؟ زیرا شرم و حیا، سرشت و خوی توست. اگر روزی، کسی ثنای تو را گوید، کسی که مدح و ثنا متوجه اوست (یعنی خود تو) برای او کافی خواهد بود.

بدین ترتیب و طبق معنای این شعر: مدح و ثناگویی ممدوح در برآورده شدن حوایج ستایشگر کفایت می‌کند، پس خداوند - جلّ جلاله - به خاطر کمال بخشش و رحمتش به برآورده کردن حوایج شایسته‌تر است.

عواقب سوء غفلت در حال دعا بنابراین هرگاه دیدی، قلب و عقل و نفس تو هنگام تضرع و بر این اوصاف متّصف است، بدان که در محضر وجود و جود خداوند قرار گرفته‌ای، و چه عنایتها، و چه کلید سعادت‌مندیها و زود مستجاب شدن دعا که نصیبت گشته است!

ولی امر دیدی قلبت به غفلت، و عقلت به فراموشی گرفتار است، و به جای اشتغال به خداوند - جلّ جلاله - امور دیگر به خود سرگرم نموده، و در حال دعا گویی به یقین احساس می‌کنی که گویی در محضر هیچ کس نیستی، و در پیشگاه خداوند بلند پایه‌ای که خداوندگار عالمیان است قرار نداری، و خاکساری عبودیت و بندگی بر چهره‌ات نمایان نیست، و هیچ خوف و هراسی از هیبت و شکوه بزرگ الهی نداری، و حدّ اقلّ حالت جنایت پیشگان و بزهکاران نافرمان را نیز که هنگام دیدن مولایشان لرزه به اندامشان می‌افتد، نداری، مسلماً بدان که به واسطه‌ی گناهانت از خداوندی که به همه نهانها آگاه است، محجوب

گردیده، و به خاطر عیبها و کاستیهای از آن مقام دوست داشتنی بر کنار گشته، و به جهت ویران نمودن قلبت از رسیدن به خواستهات ممنوع شده‌ای، لذا بترس از اینکه خداوند - جلّ جلاله - به عدم ایمان تو گواهی دهد زیرا کسانی را که خداوند - جلّ جلاله - به بی‌ایمانی آنان گواهی بدهد به هلاکت و گمراهی مبتلا خواهند شد. به خداوند بزرگ و پاکیزه می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ، وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ؛ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ، زَادَتْهُمْ إِيمَانًا، وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.⁷⁰

- تنها کسانی مؤمن هستند که وقتی یاد از خدا می‌شود، دل‌هایشان می‌لرزد، و هنگامی که آیات خدا بر آنان خوانده می‌شود، بر ایمانشان افزوده می‌گردد، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌نمایند.

پس بسان بنده‌ای که مولایش بر سوء بندگی و پلیدی درون و شیوه‌ی ناپسند او آگاهی پیدا کرده، و از درگاهش رانده، و از آستانه‌اش دور نموده، او را از جمله این گونه عذاب نموده که به جای مشغول نمودن به شرافت مقام رضا و خشنودی خویش، به دنیا سرگرمش نموده است، بر حالِ نَفْسِ خویشتن گریه کن. بنابراین، اگر با وجود دارا بودن صفات نکوهیده‌ای که ذکر نمودیم، استجابات دعاها به تأخیر افتاد، مسلماً گناه از ناحیه‌ی توست، و تو بودی که بر اساس باور درست، مولای خویش را نخوانده، و بر درِ توفیق او نایستاده‌ای.

فصل هفتم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه روایات

روایت آمده که: امام صادق (علیه السلام) کف دستان مبارکش را به سوی آسمان گشود و فرمود رَغَبْتُ این است، و پشت کف دستان خویش را به سوی آسمان قرار داد و فرمود: رَهَبْتُ این است، و انگشتان شریف خویش را به سمت راست و چپ حرکت داد و فرمود: تَضَرُّ این است، و تنها یک انگشت خود را بالا و پایین برد و فرمود: تَبْتُ این است، و دستش را در برابر صورت مبارکش به سمت قبله دراز کرد و فرمود: اِبْتَهَالَ این است. سپس فرمود: تا قطره‌ی اشک بر صورتت جاری نگشته، ابتهال مکن.

در حدیث دیگری از امام صادق - علیه السلام - آمده که: اِسْتِکَانَتَ در دعا این است که دعا کننده هنگام دعا، دستانش را بر دو شانه‌اش قرار دهد.

یکی از احتمالاتی که ممکن است مقصود از این اشارات باشد آن است که: گشودن دست در حالت رَغَبْتُ، به حال کسی که به خداوند - جَلَّ جلاله - امید دارد، و حسن ظنّش به تفضّل او بر خوف از جلالِ عظمتش فزونی دارد، نزدیکتر است، لذا شخص راغب همواره خواهان ایمنی است، و کف دستش را می‌گشاید تا احسان خداوند به آن فرو ریزد.

و شاید مقصود از حالت رَهَبْتُ و پشت کف دستها را به سوی آسمان نمودن، این باشد که بنده با زبانِ حالِ خاکساری، به مالک دار فنا و بقاء می‌گوید که: من جرأت آن را ندارم که کف دستهایم را به سوی تو بگشایم، لذا از روی ذلّت و شرمندگی در پیشگاهت، کف دستهایم را رو به زمین قرار داده‌ام.

و شاید مراد از حرکت دادن انگشتان به راست و چپ در حالت تَضَرُّ این باشد که شخص تَضَرَّع کننده به شیوه‌ی زنِ فرزند مرده در هنگام مصیبت

بیمناک، دستانش را برگردانده و با پشت و رو نمودن و راست و چپ کردن آنها، گریسته و نوحه سرایی می‌کند.

و شاید منظور از تَبْتُل و بالا و پایین بردن یک انگشت بر اساس معنای تَبْتُل در لغت که انقطاع و بریدن و گسستن است، این باشد که گویا شخصی که تَبْتُل می‌کند می‌خواهد بگوید: من تنها و تنها به سوی تو منقطع گشته‌ام، بخاطر اینکه تنها تو شایسته‌ی پرستش هستی، و با یک انگشت و نه با همه‌ی انگشتان، بر یگانگی و وحدانیت خداوند سبحان اشاره می‌نماید. و این مقام ارجمند و بزرگی است، لذا بنده نباید آن را ادعا کند، جز هنگامی که اشک از چشمانش جاری گردیده، و بسان برده‌ی ذلیل در پیشگاه حضرت حق ایستاده، و به جای درخواست آمال و آرزوها و ذکر خواسته‌ی خویش، توجه تام به خداوند صاحب جلال و عظمت داشته باشد.

و گویا مقصود از اِثْهَال و دراز کردن دست در برابر صورت رو به سمت قبله، نوعی از اقسام بندگی و خاکساری باشد.

و شاید منظور از اِسْتِکَانَت و گذاشتن دستها بر شانه‌ها، این باشد که گویا دعا کننده با این حالت می‌خواهد بگوید: من همانند برده‌ی جنایتکار - که با حالت اسارت، و در حالی که در بند است و او را به غلّ و زنجیر بسته و به سوی مولایش می‌برند و در پیشگاهش قرار می‌دهند - دستهایم را به گردنم بسته‌ام.

بجا آوردن مدح و ثنای خداوند - جَلَّ جلاله - پیش از درخواست حوایج.

در روایتی آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه خواستید حاجتی از خداوند طلب نمایید، ابتدا مدح و ثنای پروردگار را بجا آورید، زیرا هرکس حاجتی از پادشاهی بخواهد، ابتدا نیکوترین گفتاری را توان بر آن را دارد، آماده نموده و بیان می‌کند، پس هرگاه خواستید حاجتی از خدا بخواهید، ابتدا خداوند را ستوده و مدح نموده و به تمام خیر و خوبی ثنای او را بگویید...

و نیز در روایت دیگر محمد بن مسلم می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: در کتاب و دست‌نوشته علی (علیه السلام) آمده است که مدح و ستایش پیش از مسئلت و خواستن حاجت است، پس هرگاه خواستید به درگاه خدا دعا کنید، ابتدا ثنای او را بگویید.

وی می‌گوید به حضرت عرض کردم: چگونه ثنای خدا را بگویم؟ فرمود: می‌گویی:

يا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى [و بِالْأَفُقِ الْمُبِينِ]، يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

- ای خدایی که از رشته‌ی رگ گردن به من نزدیکتری، ای کسی که میان انسان و قلبش حایل می‌گردد و از او به او نزدیکتری، ای کسی که در تماشاگاه و منظر بلند [و در افق و کرانه آشکارا] قرار داری.

و نیز در روایت دیگر معاویه بن عمار می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: [راه دعا کردن این است:] ابتدا بجا آوردن مدح و ثنای الهی، سپس اقرار به گناهان، آنگاه مسئلت کردن. به خدا سوگند هیچ بنده‌ای با وجود اصرار

بر گناه، از گناه خارج نمی‌گردد، و هیچ بنده‌ای از گناه در نمی‌آید مگر اینکه به گناه خویش اقرار و اعتراف کند.

و نیز در روایت دیگر، حلبی می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: کنیزی دارم که از آن خوشم می‌آید، ولی هر فرزندی از آن متولد می‌شود می‌میرد، و اینک پسری از آن متولد شده که شبها می‌ترسد، و می‌ترسم که او نیز زنده نماند و بمیرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: چرا دعا نمی‌کنی؟ در پاسی از آخر شب برخیز و وضو بگیر و حق تمام اعضا را در وضو کاملاً بجا آور، و نماز بگزار و نیکو انجام بده، و پس از نماز ستایش خدا را بکن، مبادا که مدح و ستایش نکرده درخواست نمایی (و حضرت چند بار این جمله را تکرار فرمود و دستور داد که ابتدا مدح و ثنای خدا را بگوید) و پس از مدح و ستایش پروردگارت، بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات بفرست، سپس حاجت را بخواه، که برآورده خواهد شد.

آیا نشنیده‌ای که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دیدند که مردی نماز می‌خواند، وقتی آن مرد نمازش را تمام کرد بلافاصله رو به درگاه خدا کرد و حاجتش را درخواست نمود، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: این بنده در انجام امر پروردگارش عجله و شتاب نمود.

و نیز بار دیگر دیدند کسی نماز می‌خواند، هنگامی که وی نمازش را تمام کرد، ابتدا پروردگارش را ستود، و پس از مدح و ثنای پروردگار بر پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات فرستاد. آنگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دوبار فرمود: درخواست کن که حاجت برآورده می‌شود.

البته این در صورتی است که دعا کننده در حال دعا، امر خویش را به خداوندی که مالک امور اوست، واگذار نموده و از او درخواست نکرده باشد که هرکدام از دو حالت (پنهانی و یا آشکارا دعا کردن) را که می‌خواهد در دل او قرار داده و به او افاضه کند، وگرنه اگر به صورت کامل صفت تفویض را داشته باشد، خداوند - جلّ جلاله - هر کردار و گفتاری را که برای او می‌پسندد، به او الهام می‌فرماید. و این امری است که ما بالوجدان آن را دریافته، و عیاناً بدان یقین و باور داریم.

در روایتی آمده که حضرت ابی الحسن امام کاظم (علیه السلام) فرمود: یک بار پنهانی دعا نمودن، با هفتاد بار آشکار و در حضور مردم دعا نمودن برابر است. و نیز در روایت دیگر آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: بزرگی ثواب دعا و تسبیح گفتن بنده بین خود و خدا را، جز خداوند - تبارک و تعالی - نمی‌داند. و بالاخره در روایت دیگر، صفوان جمال می‌گوید امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - این امر [یعنی ولایت ائمه (علیهم السلام)] را بر اهل این گروه [یعنی شیعیان] به صورت نهانی واجب نموده، و هرگز آن را به صورت آشکارا نخواهد پذیرفت.

صفوان می‌گوید امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می‌رسد، رضوان یعنی گنجینه‌دار بهشت، می‌بیند که گروهی در بهشت هستند ولی از منظر او عبور نکرده‌اند و وی هنگام ورود به بهشت آنها را ندیده است، خطاب آنها می‌گوید: شما چه کسانی هستید و از کجا وارد بهشت شدید؟ حضرت فرمود: می‌گویید: کاری با ما نداشته باش، ما گروهی هستیم که در به صورت نهانی خدا را پرستیدیم، و خداوند نیز ما را به صورت پنهانی داخل بهشت فرمود.

- پاکیزه بودن از مظالم بندگان در حال دعا.

چنانکه در روایت آمده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - به عیسی بن مریم ((علیه السلام)) وحی فرمود که به جماعت [و یا اشراف] بنی اسرائیل بگو: که جز با قلبهایی پاکیزه و چشمان خاشع و دستهای پاکیزه به خانه‌ی من وارد نشوند، و به آنان بگو: دعای هر کدام از شما را که حتی از یک نفر از مردم چیزی را به ظلم و ستم گرفته باشد، اجابت نمی‌کنم.

معذور ندانستن ظالم در ظلم خود.

زیرا در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس، ظالمی را به واسطه‌ی ظلم و ستم او معذور بداند، خداوند شخصی را بر او مسلط می‌گرداند که به او ظلم و ستم نماید، و اگر دعا کند دعای او مستجاب نمی‌گردد، و خداوند به واسطه‌ی ستم کشیدنش به او پاداش نمی‌دهد.

جَبَّار و سرکش نبودن.

زیرا در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - به حضرت داود (علیه السلام) وحی نمود: به جَبَّاران و سرکشان بگو، مرا یاد نکنند، زیرا هر بنده‌ای به یاد من باشد، من نیز از او یاد می‌کنم، و اگر سرکشان مرا یاد کنند، آنان را یاد کرده و لعنتشان نموده و از رحمتم دور می‌گردانم.

دعا با قلب پاک و نیت صادق.

زیرا در روایتی که عمر بن یزید [یا: مزید] می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: مردی در بنی اسرائیل بود، که به مدت سه سال به درگاه خداوند دعا می‌کرد که پسری به او بدهد. وقتی دید که خدا دعایش را مستجاب نمی‌فرماید، گفت: ای پروردگار من، آیا از تو دورم و به من گوش فرا نمی‌دهی، یا به من نزدیکی، پس چرا جوابم نمی‌دهی؟

حضرت فرمود: کسی به خواب او آمد و به او گفت: مدت سه سال است که با زبان بد و دشنام دهنده، و قلب متکبر و ناپاک، و بدون اینکه نیت صادق باشد، خدا را می‌خوانی، پس از اینها دست بکش تقوای الهی را در دل پیشه کن، و نیت را نیکوگردان.

حضرت فرمود: آن مرد چنین کرد و سپس به درگاه خداوند دعا نمود، و پسری برای او متولد شد.

8 - دعا نکردن، درباره‌ی دفع ستمی که مثل آن را به دیگری روا داشته باشد.

زیرا در روایتی علی بن سالم می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - فرمود: به عزت و عظمت سوگند، دعای هیچ ستمدیده‌ای را درباره‌ی ستمی که به او شده، در حالی که به احدی مشابه آن ستم را نموده باشد، مستجاب نمی‌گردانم.

پرهیز از گناه بعد از دعا، تا مبادا گناهانش او را از نیل به آرزویش باز دارد.
چنانکه در روایت آمده که امام باقر (علیه السلام) فرمود: همانا بنده، حاجتی از
حواجج دنیوی را از خداوند - تبارک و تعالی - درخواست می‌کند، و خداوند
می‌خواهد که تا مدّت زمان مشخص (نزدیک یا دور) آن حاجت را برآورد،
سپس بنده در همان زمان گناهی را مرتکب می‌شود، پس خداوند به فرشته‌ای
که برای برآوردن حاجت او گماشته شده می‌فرماید: حاجت او را برآورده مکن
و او را از آن محروم گردان، زیرا او متعرض خشم و غضب من شد، و از
مستحقّ محرومیّت گردید.

توبه از گناهان و صلاح و صدق در حال دعا.

زیرا در روایتی عثمان بن عیسی به نقل از برخی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) آورده که به حضرت عرض کردم: دو آیه در کتاب خدا هست که من تاویل آنها را نمی‌دانم. حضرت فرمود: آن دو کدامند؟ عرض کردم: فرمایش

خداوند متعال که می‌فرماید: **أُدْعُونِي، أَسْتَجِبْ لَكُمْ. 71**

مرا بخوانید، تا [دعایتان را] برای شما اجابت کنم.

و من دعا می‌کنم و مستجاب نمی‌گردد.

حضرت فرمود: آیا مقصودت این است که خداوند - تبارک و تعالی - خلف

و عده می‌نماید؟ عرض کردم: خیر.

فرمود: آیه‌ی دیگر کدام است. وی می‌گوید: عرض کردم: گفتار خداوند

متعال که می‌فرماید: **وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ، وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ. 72**

(و هرچه انفاق کنید، خداوند عوض و جانشین آن را [به شما] برمی‌گرداند، و

او بهترین روزی دهندگان است.)

و من انفاق می‌کنم و عوض و جانشین آن را نمی‌بینم.

حضرت فرمود: آیا منظورت این است که خداوند خلف وعده نموده؟ وی

می‌گوید: عرض کردم: خیر. فرمود: پس چه؟ عرض کردم: نمی‌دانم. فرمود: لیکن

من - ان شاء الله تعالی - برای تو بیان می‌کنم.

توجه داشته باش اگر شما از دستورات خداوند اطاعت می‌کردید و سپس دعا

می‌نمودید، مسلماً خداوند دعای شما را مستجاب می‌فرمود، ولی مخالفت و

نافرمانی خدا را می‌کنید لذا دعایتان را مستجاب نمی‌نماید.

و اما اینکه گفتی: انفاق می‌کنید و جانشین آن را نمی‌بینید، بدان که اگر شما

مال را از راه حلال به دست آورده و سپس در راه حق و موارد درست انفاق

می نمودید، هیچ کس در همتی انفاق نمی کرد مگر آنکه خداوند عوض آن را به او برمی گرداند.

و اگر از سمت و سو و جهت دعا او را می خواندید، حتماً دعای شما را اجابت می نمود، اگرچه نافرمان و گناهکار باشید.

وی می گوید، عرض کردم: روش و جهت دعا چیست؟ حضرت فرمود: هنگامی که نماز واجب را بجا آوردی، خدا را ستوده و او را به بزرگی یاد نموده و با تمام توان مدح و ثنایش را می گویی، و بر پیامبر اکرم (ﷺ) صلوات فرستاده و در صلوات بر او نهایت کوشش را می نمایی، و گواهی می دهی که حضرتش، رسالت خویش را به خوبی تبلیغ نموده، و بر ائمه هدی (علیهم السلام) درود می فرستی.

بعد از ستایش و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر اکرم (ﷺ)، عطایا و نیکیهای خداوند نسبت به خود را یادآور شده و نعمتهای او را ذکر می کنی، آنگاه خدا را ستایش نموده و او را بر تمام این امور شکرگزاری می کنی، و بعد به تک تک گناهانت اعتراف نموده و به آنها و یا به هر کدام که به یاد داری اقرار نموده و به گناهانی که از یادت رفته و بر تو پوشیده است به صورت اجمالی اقرار کرده و از تمامی گناهانت به درگاه خداوند توبه می کنی، و تصمیم می گیری که هرگز به سوی آنها بازنگردی، و با حالت پشیمانی و نیت صادق و احساس هراس و امیدواری، از تمامی گناهانت طلب آمرزش می کنی. و بخشی از گفتارت این باشد که:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعْتَدِرُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي، وَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ، فَأَعِنِّي عَلَى طَاعَتِكَ، وَ وَفَّقْنِي لِمَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ مَا يُرْضِيكَ، فَإِنِّي لَمْ أَرْ أَحَدًا بَلَغَ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِكَ إِلَّا بِنِعْمَتِكَ عَلَيْهِ قَبْلَ طَاعَتِكَ؛ فَأَنْعِمْ عَلَيَّ بِنِعْمَةِ أَنْالُ بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ.

- خداوندا، از گناهانم به درگاه تو پوزش می‌خواهم، و از تو طلب آمرزش نموده و به سوی تو توبه می‌کنم، پس مرا بر طاعت و فرمانبری از خود یاری فرما، و بر هر عمل که موجب خشنودی توست و بر من واجب نموده‌ای، مؤفّقم گردان، زیرا من هیچ کس را ندیده‌ام که به چیزی از اطاعتت نایل شده باشد، مگر اینکه تو پیش از آن طاعت، نعمت را بر او ارزانی داشته‌ای، پس نعمتی را بر من ارزانی دار که به واسطه‌ی آن به خشنودی و بهشتت نایل گردم.

سپس بعد از همه‌ی اینها، خواسته‌های خویش را مسئلت می‌کنی، و من امیدوارم که - ان شاء الله تعالی - خداوند تو را محروم برنگرداند.

توضیح دو نکته پیرامون حدیث گذشته

الف - توضیح فرمایش مولایمان امام صادق علیه السلام - که فرمود: اگر از جهت و سمت و سوی دعا خدا را بخوانید، مسلماً دعایتان را اجابت می‌نماید، اگر چه گناهکار باشید، این است که هرگاه بنده در حالی که گناهکار است، خداوند - جلّ جلاله - را بخواند، خداوند دعای او را استجابت می‌کند؛ ولی استجابت دعایش به تأخیر می‌افتد؛ زیرا از سویی خداوند - جلّ جلاله - از بنده‌اش می‌خواهد که توبه نموده و گناهان را ترک کند، و از سوی دیگر بنده مطالبی را با دعا از خدا درخواست می‌نماید. و وقتی امر چنین باشد، خداوند - جلّ جلاله - با زبان حال به بنده می‌گوید: من از تو چیزی را که حقّ من است - یعنی توبه - را مطالبه می‌نمایم، و تو با دعا چیزی را که حقّ تو نیست از من درخواست می‌کنی، پس وقتی تو چیزی را که من از تو می‌خواهم و حقّ من است، به من نمی‌دهی، چگونه تعجّب می‌کنی که من در برابر کیفر خودداری کردن تو از دادن آنچه که من از تو درخواست نمودم، از دادن چیزی که تو از من می‌خواهی و حقّ تو نیست خودداری کنم؟!!

ب - توضیح گفتار امام صادق (علیه السلام) پیرامون فرمایش خداوند - جلّ جلاله - که فرمود: اگر روزی را از راه حلال به دست آورده و در راه حقّ و موارد درست انفاق می‌نمودید، خداوند عوض آن را به شما برمی‌گرداند، آن است که اگر بنده چیزی را برای هوای نفس خویش کسب کند و خرج کند، و نیتش از این کسب و هزینه کردن معامله‌ی با خداوند - جلّ جلاله - و امتثال امر او نباشد، گویی که اراده‌ی خداوند - جلّ جلاله - و حکمت او را در تدبیر بندگان و مخلوقات برکنار نگاشته، پس چگونه عوض انفاق او بر عهده‌ی خداوند - جلّ جلاله - باشد؟ زیرا تنها در صورتی ضمانت آن بر عهده‌ی خداوند - جلّ جلاله - خواهد بود که بنده به خاطر امتثال امر الهی کسب نموده و به امر خدا در طاعت او انفاق کند.

حضور قلب، و تمایل نداشتن به دنیا.

زیرا در روایتی آمده که: حضرت موسی (علیه السلام) بر روستایی از روستاهای بنی اسرائیل می‌گذشت، دید که توانگران آنان در حالی که لباسهایی بافته شده از مو پوشیده، و خاک بر سرشان می‌ریزند، و بپا ایستاده‌اند، و به درگاه پروردگار اشک بر گونه‌هایشان جاری است، از روی ترحم و دلسوزی برایشان گریست، و به درگاه پروردگار عرض کرد: ای معبود من، اینان بنی اسرائیل هستند که بسان کبوتر سخت می‌گیرند و ناله سر می‌دهند، و همچون گرگ زوزه می‌کشند، و همانند سگ عوعو می‌کنند.

خداوند به او وحی فرمود که: چرا چنین می‌کنند؟ آیا به خاطر اینکه گنجینه‌ی من تمام شده است، یا اینکه داراییها و عنایاتم اندک شده، یا من مهربانترین مهربانها نیستم؟ لیکن به اطلاع آنان برسان که من به آنچه که در دلهایشان است آگاهم، آنان مرا می‌خوانند در حالی که دلهایشان از من غائب، و به دنیا مایل است.

عدم غفلت و اشتغال نداشتن به امور بیهوده.

زیرا در حدیث آمده که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: در حالی که به اجابت دعا یقین دارید دعا کنید، و بدانید که خداوند هرگز دعای کسی را که قلبش غافل و مشغول به لهو و امور بیهوده باشد، مستجاب نمی فرماید.

ترک نکردن امر به معروف و نهی از منکر.

زیرا در روایت آمده که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: بی گمان یا امر به معروف و نهی از منکر خواهید نمود، و یا خداوند اشرار و بدهایتان را بر نیکانتان مسلط خواهد نمود، و در این هنگام نیکانتان دعا خواهند نمود ولی دعای آنان مستجاب نخواهد شد.

نفرین نکردن بر دوست.

زیرا در حدیث آمده که رسول خدا (ﷺ) فرمود: از خدا خواستم که نفرین دوست بر دوست خویش را مستجاب نگرداند.

پاکیزگی خوراک و پرهیز از حرام خوری.

زیرا روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه کسی از شما خواست که دعایش مستجاب شود، کسب خویش را پاکیزه نموده، و از مظالم مردم خارج شود، و به راستی که دعای بنده‌ای که در شکمش مال حرام است، یا در نزد او مظلّم‌های برای احدی از بندگان خدا است، به سوی خدا بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد.

و نیز در روایتی آمده پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: هرگاه خوراک دعا کننده حرام باشد و غذای حرام مصرف کند، کی دعای او مستجاب می‌گردد؟!

داشتن انگشتی نقره با نگین فیروزه.

زیرا در حدیث آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود خداوند سبحان فرمود: به راستی که من شرم دارم دست بنده‌ای را که در آن انگشتی فیروزه است و به سوی آسمان بلند کرده، نوید برگردانم.

داشتن انگشتی عقیق.

روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ کف دستی محبوبتر از کف دستی که در آن انگشتی عقیق باشد، به سوی خداوند - عزوجل - بلند نشده است.

دعا نکردن پیرامون قطع ارتباط با خویشاوندی که قطع آن جایز نیست.

زیرا در اعمال شب نیمه شعبان و غیر آن روایت و ارادت که: دعا در آن شب مستجاب می‌شود، مگر دعای کسی که قطع ارتباط با خویشاوندان خود نموده، و یا دربارهی آن دعا نماید.

در نظر داشتن مقصود خداوند - جل جلاله - از دعا و مقدم داشتن آن بر خواست خود.

به عنوان مثال: وقتی بیمار شد، مقصودش از دعا کردن برای تندرستی‌اش، صرف زنده ماندن برای خواسته‌های نفسانی زودگذر و دنیایی که او را از آخرتش باز می‌دارد، نباشد؛ بلکه برای این دعا کند که بر اساس اراده‌ی خداوند - جل جلاله - که همان طاعت و عبادت اوست، زنده بماند.

و مثال دیگر اینکه: وقتی فرزند و یا کسی که در نزد او عزیز است بیمار شد، دعا کردنش برای تندرستی آنان، به خاطر میل نفسانی خود به زنده ماندن آنان در اموری که به مصلحت آنهاست، یا لذت و شیرین کامی خود، یا برای اینکه

مبادا کسی به او شماتت کند، و مقاصدی از این قبیل نباشد، بلکه دعایش برای تندرستی آنان بدین منظور باشد که ایشان بر اساس طاعت و اراده و نظام حکمت خداوند - جلّ جلاله - پایدار و زنده باشند.

ناگفته نماند که: ممکن است برای برخی به محض اطلاع از شرایط اجابت دعا که یادآور شدیم، زود حالت یأس دست دهد، یا بر بعضی از این روایات طعن و خرده بگیرند.

پس توجه داشته باش که اینها همگی شرایطِ دعایی است که:

الف - مسلماً مستجاب می‌شود.

ب - یا بزودی مستجاب شده و ثمره می‌دهد.

ج - یا درست همان چیزی که درخواست می‌شود و نه عوض آن، حاصل می‌شود.

د - یا تنها کسی که حاجت بسیار دارد، نیازمند این همه احتیاط کاری است.

ه - یا توجیه‌های دیگر از این قبیل که سازگار با تصدیق این روایات باشد.

وگرنه مسلماً می‌دانیم که خداوند متعال دعای ابلیس را با وجود اصرار بر گناه، و نیز دعای افراد بسیاری را که هنگام دعا کردن تمام این شروط را نداشته‌اند اجابت فرموده است.

و در هر حال، سزاوار است که انسان هنگام مناجات، در تحصیل این شروط بکوشد، جهت به برآورده شدن حاجت - ان شاء الله تعالی. - احتیاط کاری نموده باشد.

فصل هشتم : فواید مناجات بسیار و فضیلت دعا.....

در غیاب مؤمنین و برای حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف فواید محافظت بر مناجات از راه عقل 1 - ذکر خداوند - جلّ جلاله - بر دل [یا:عقل] انسان غلبه بیشتری پیدا کرده، و در نتیجه موجب انس بنده با پروردگار می‌گردد، و بنده در عوض اشتغال به خواطر دنیوی و اسباب ناپایدار، به خدا مشغول می‌گردد، و در نتیجه همین مطلب او را به سوی مراقبت مولای خویش، و سلامتی از دوری از حضرت حقّ، و نیل به خشنودی او فرا می‌خواند.

2 - بنده می‌تواند بدین وسیله‌ی به منزلت پروردگار در قلب خویش پی ببرد؛ زیرا اگر دید نفسش به تکرار اذکار میل و رغبت دارد، پی می‌برد که خداوند - جلّ جلاله - در نزد او مقام و منزلت دارد، به گونه‌ای که همین منزلت، وسیله‌ای برای نیل به سلامتی از خطرهای می‌گردد، زیرا هرکس چیزی را دوست بدارد، بسیار از آن یاد می‌کند.

3 - خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید:

أَذْكُرُونِي، أَذْكُرْكُمْ⁷³

و معلوم است که اگر پادشاهی از پادشاهان دنیای فانی به یکی از بردگانش که قدر منزلت والای او را می‌شناسد، بگوید که: به یاد من باش، تا اینکه من نیز به یاد تو باشم. و او همان گونه که در محضر خداوند - جلّ جلاله - است، در حضور آن پادشاه باشد، مسلماً در دوام یاد او کوشش می‌کند، تا مولایش به یاد او بوده، و در دنیا و آخرت او را به ذکر و یاد خود مشرف سازد. آیا به معنای گفته شاعر توجه نمی‌کنی آنجا که درباره‌ی معشوقه‌ی فانی خویش می‌گوید:

يُودُّ بَأْنَ يُمْسِي مَرِيضًا لَعَلَّهَا وَ يَهْتَرُ لِلْمَعْرُوفِ فِي طَلَبِ الْعُلَى إِذَا سَمِعَتْ عَنْهُ،
بِشَكْوَى تُرَاسِلُهُ لِتَذْكَرَ يَوْمًا عِنْدَ سَلْمَى شَمَائِلُهُ - عاشق دوست دارد که شب را

با مریضی سپری نماید، تا شاید وقتی معشوقه‌اش [سَلْمی] خبر او را شنید، شکوه و گله‌ای به سوی او بفرستد.

و در جستجوی بلند پایگی و شرافت، به سوی نیکی حرکت می‌کند، تا خلق و خوی پاکیزه و فضایلش روزی در نزد سلمی ذکر شود.

و لذا بندگان عارف و مؤدّب و فرهیخته همواره می‌کوشند که بسیار به یاد مولای خویش که پیوسته آنان را می‌بیند باشند، تا او نیز از ایشان یاد کند؛ و یا به فضل و کرم خویش از آنان خشنود گردد، و یا آنان را خشنود سازد.

فوائد مواظبت بر مناجات از راه نقل از جمله فوائد محافظت بر مناجات با پروردگار از راه روایات که من یافته‌ام، چندین فائده بزرگ و آرزو کردنی است: نخست اینکه هَلْهَم شدن به دعا، نشانه‌ی کوتاهی بلا و گرفتاری است.

چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: آیا می‌دانید کدام بلا طولانی و کدامیک کوتاه است؟ راوی می‌گوید عرض کردیم: خیر. حضرت فرمود: هرگاه به شما، و یا به یکی از شما⁷⁴ الهام شد که دعا کند، پس بدانند که آن بلا کوتاه خواهد بود.

دوّم اینکه: دعا کردن پیش از گرفتاری، مسلّمأ بلا و گرفتاری را دفع می‌کند، ولی با دعا کردن بعد از بلا گاهی نمی‌توان به امید و آرزوی خود رسید.

چنانکه در روایت آمده که حضرت ابوالحسن امام کاظم (ع) فرمود: حضرت علی بن الحسین (ع) پیوسته می‌فرمود: هرکس پیش از نزول بلا پیشدستی نموده و دعا کند، هنگامی که بلا نازل می‌شود دعایش مستجاب می‌گردد، ولی هرکس پیشتر دعا نکند، و بعد بلا بر او نازل شود و آنگاه دعا کند، دعایش مستجاب نمی‌گردد.

سوّم اینکه: فرشتگان، دعای بنده‌ای را که تنها هنگام گرفتاری دعا می‌کند، ولی در حال آسایش و خوشی دعا نمی‌کند، از رسیدن به مرحله‌ی اجابت جلوگیری می‌کنند.

چنانکه در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه بنده‌ای هنگام بلا و گرفتاری دعا کند، و در حال آسایش و خوشی دعا نکند، ملائکه جلو صدای او را می‌گیرند و می‌گویند: این صدای ناآشنا و غریبی است. پیش از این کجا بودی؟

چهارم اینکه: پافشاری کردن و اصرار در دعا، کلید نجات و رهایی است. چنانکه در حدیث است که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: به خدا سوگند، هیچ بنده‌ی مؤمنی پیرامون حاجتی به درگاه خداوند پافشاری نمی‌نماید، مگر اینکه خداوند حاجت او را برآورده می‌سازد.

و نیز در روایت آمده که امام صادق و امام باقر (علیه السلام) فرمودند: به خدا سوگند، هیچ بنده‌ی مؤمنی به درگاه خداوند اصرار نمی‌کند، مگر اینکه خداوند دعای او را مستجاب می‌گرداند.

صفتی که دعا کننده از دیدگاه عقل و نقل باید دارای آن باشد گذشت⁷⁵. بنابراین شایسته است که الحاح و پافشاری در دعا مُبتنی بر آن اصول باشد.

ذکر فضیلت دعا در غیاب برادران دینی از دیدگاه روایات اینک پس از ذکر شروط مهمّی که موجب قبولی دعا می‌شوند، لازم است فضیلت دعا در غیاب برادران دینی را با استفاده از برخی روایاتی که بدان دست یافته‌ایم یادآور شویم:

1 - در روایتی آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هرکس بگوید:

اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

- خداوندا، مردان و زنان مؤمن را ببامرز.

خداوند، در برابر هر مؤمنی که از زمان آفرینش حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تا برپایی قیامت خلق فرموده، یک کار نیک برای او می‌نویسد، و یک گناه او را محو می‌فرماید، و یک درجه [درجه‌ی ایمانی] او را بالا می‌برد.

2 - نیز در روایت آمده که امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: هرگاه کسی بگوید:

اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَجَمِيعِ الْأَمْوَاتِ.

- خدایا، مردان و زنان مؤمن و مسلمان، و زندگان و تمام مردگان آنها را مورد مغفرت خویش قرار ده.

خداوند به شماره‌ی تمام انسانهای گذشته و آینده، دعا برای او مستجاب می‌گرداند: [یا: دعای آنان را برای وی می‌نویسد]

3 - همچنین در این باره است روایت بنده‌ی صالح خدا عبدالله بن جندب - رضوان الله علیه - از مولایمان امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عبدالله بن سنان می‌گوید: گذرم بر عبدالله بن جندب افتاد که بر صفا به نماز ایستاده - وی پیرمرد کهنسالی بود دیدم که دعا می‌نمود و در دعای خود بسیار می‌گفت: اللَّهُمَّ، فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، اللَّهُمَّ، فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ.

(خداوندا، فلانی پسر فلانی را [ببامرز]⁷⁶)

به اندازه‌ای که نتوانستم بشمارم.

پس وقتی که سلام نماز را گفت. عرض کردم: ای عبدالله، هیچ موقف و جایگاهی بهتر از جایگاه تو ندیده‌ام، ولی از یک خصلت تو اصلاً خوشم نیامد. گفت: چه چیز من خوشایند تو نبود.

گفتم: به بسیاری از برادرانت دعا کردی، ولی نشنیدم که برای خود دعایی بکنی.

گفت: ای عبدالله، از مولایمان امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: هرکس در پشت سر برادر مؤمن خویش برای او دعا کند، از کناره های آسمان ندا می شود: ای فلانی، برای توست مانند آنچه که برای برادرت درخواست نمودی، و برای توست صد هزار برابر آن. لذا دوست نداشتم صد هزار برابر ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی دانم آیا مستجاب می شود یا خیر، ترک کنم.

4 - و نیز از آن جمله است روایت همین بنده ی صالح، عبدالله بن جندب - رضوان الله علیه - از مولایمان موسی بن جعفر امام کاظم (علیه السلام) علی بن ابراهیم بن هاشم می گوید: پدرم به من گفت: عبدالله بن جندب را در موقف دیدم، و هیچ موقفی بهتر از موقف او ندیدم، پیوسته دستهای خویش را به سوی آسمان دراز کرده بود، و اشکهایش بر گونه اش جاری می شد و به زمین می ریخت. پس از رفتن مردم به او گفتم: ای [آبا محمد، هرگز موقفی بهتر از موقف تو ندیدم.

گفت: به خدا سوگند، جز برای برادرانم دعا ننمودم. و این بخاطر آن بود که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) به من خبر داد که: هرکس در غیاب برادرش برای او دعا کند، از سوی عرش ندا می شود که: برای توست صد هزار برابر آن، لذا خوشم نیامد که صد هزار برابر ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی دانم آیا مستجاب می شود یا خیر، فروگذارم.

5 - روایات گرانسنگ دیگری پیرامون دعا در غیاب برادران دینی در قنوت نماز وتر از نماز شب ذکر خواهیم کرد، زیرا دیده‌ام اصحاب ما امامیه، برای کسانی که می‌خواهند دعا کنند، بیشتر در قنوت نماز وتر نماز شب دعا می‌کنند.⁷⁷ فضیلت دعا کردن برای حضرت حجّت عبّالّی تعالی فرجه‌الشریف اینک می‌گوییم: اگر دعا برای برادران دینی این همه فضیلت دارد، پس فضیلت دعا برای سلطان و فرمانروایی که سبب هستی و وجود توست. و تو معتقدی که اگر او نبود، خداوند نه تو و نه هیچ کس از مکلفین زمان او و تو را نمی‌آفرید، و اینکه لطف الهی به وجود او - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - سبب تمام آنچه که تو و غیر تو در آن قرار دارید می‌باشد، و وسیله‌ی تمامی خیراتی است که بدان نایل می‌گردید، چگونه خواهد بود؟

پس مبادا و مبادا که تا حدّی که امکان دارد خود و یا احدی از خلائق را در دوست داشتن و دعا نمودن، بر او مقدّم کنی. و نیز هنگام دعا کردن برای آن مولای عظیم الشان حضور قلبی و زبانی داشته باش.

و مبادا گمان کنی که عدّت ذکر این مطلب برای آن است که آن بزرگوار به دعای تو احتیاج دارد. بسیار دور است، بسیار دور است، اگر چنین اعتقادی داشته باشی، در اعتقاد دوستی‌ات مریض و بیماری؛ بلکه این را برای آن گفتم که حقّ بزرگ و احسان‌گرانبار حضرتش را بر تو بشناسانم.

و دیگر اینکه: اگر پیش از دعا برای خویش و کسانی که نزد تو گرامی هستند، برای آن بزرگوار دعا نمایی، خداوند - جلّ جلاله - زودتر درهای اجابت را به روی تو خواهد گشود؛ زیرا تو - ای بنده، - درهای قبولی دعا را با قفل‌های جنایتها و گناهانت بسته‌ای، پس اگر برای این مولایی که در نزد خداوند مالک زندگان و مردگان خاصّ و ویژه می‌باشد دعا کنی، خداوند به

خاطر او زود درهای اجابت را به روی تو می‌گشاید، و در نتیجه تو نیز به خاطر چنگ زدن به ریسمان او در دعایی که برای خود و دیگران می‌کنی، در زمره‌ی فضل او داخل شده، و رحمت و کَرَم و عنایت خداوند - جَلَّ جلاله - تو را نیز فرا می‌گیرد.

و مبادا بیایی و اساتیدی را که از آنها پیروی می‌کنی، بشماری و بگویی که من ندیده‌ام آنان به آنچه که تو گفتی عمل کنند، و آنها از مولایمان که بدو اشاره نمودی - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - غافل، و نسبت به او بی‌اعتنا هستند. جواب اینکه: به آنچه که گفتم عمل کن، که مطلبِ حقّ است، زیرا هرکس نسبت به مولایمان بی‌اعتنا، و از آنچه که ذکر نمودم غافل باشد، به خدا سوگند، که در اشتباه فضاحت باری می‌باشد.

و حدیثی که جدّم ابو جعفر طوسی - رضوان الله علیه - مطلبی را که ذکر نمودیم، گوشزد می‌کند. وی روایت نموده که بعضی از صالحین یعنی ائمه (عَیْبَتِهِ) فرمود: در شب بیست و سوم ماه رمضان مکرّر - در حال سجده و ایستاده و نشسته و به طور کلی در هر حال که هستی - و نیز در کلّ این ماه و در طول عمرت به هر صورت که ممکن شد، و هرگاه که در طول عمرت به یادت آمد، این دعا را مکرّر می‌خوانی. به این صورت که بعد از حمد و ستایش خداوند متعال، و صلوات بر پیامبر اکرم حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) می‌گویی:

اللَّهُمَّ، كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ ⁷⁸ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَ لِيّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً، وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

- خدایا، در این لحظه و در تمام لحظات، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری‌گر و راهنما و دیدبانِ ولیِّ حضرت حجّة بن الحسن - که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد، - باش، تا اینکه او را به صورتی که خوشایند اوست [و همه از او فرمانبری می‌نمایند] ساکن زمین گردانیده، و مدّت زمان طولانی در آن بهره‌مند سازی.

اینک اهتمام ائمّه (علیهم‌السلام) را نسبت به این دعا برای آن بزرگوار چگونه می‌بینی؟ آیا مانند کوتاهی کردن تو نسبت به آن مقام شریف است؟ بنابراین از بسیار دعا کردن برای او - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - و برای کسانی که دعا کردن برای آنان در نمازهای واجب، جایز است، خودداری مکن؛ که در روایتی آمده که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

هر سخنی که در نماز واجب با آن خداوند متعال را مورد خطاب قرار دهی، کلام آدمی و گفتاری که نماز را باطل کند نیست.

بنابراین، عذری در ترک اهتمام و همّت گماشتن نسبت به این امر برای تو باقی نمی‌ماند.

فصل نهم: احکام و آداب مقدمات طهارت و ادعیه آن

آداب معنوی هنگام رفتن به توالت از جمله مقدمات پیش از طهارت، مطالبی است که انسان هنگام وارد شدن در توالت و هنگام بول و غایط نمودن و این گونه امور ضروری، بدان نیازمند است.

اینک می‌گوییم: ای بنده‌ی بد، ای پست، چه چیز باعث شده که بر پادشاه عالمیان و خداوندگار اولین و آخرین جرأت پیدا کنی؟ و چه چیز تو را از جایگاه خویش، که بنده‌ای نیازمند و ذلیل هستی، در آورده و به فروگذاری و گستاخی و اشتغال داشتن به غیر بندگی و خدمت و معامله با مالکِ روز جزا، واداشته است؟

وای بر تو، آیا نمی‌بینی که خود مخزن و حمال کثافت‌های پست و عهده‌دار تمیز کردن محلّ خروج پلیدیها می‌باشی، و این امور را هر روز و شب مکرر با دستت انجام می‌دهی، و تا هنگام مرگ از این کار پست رهایی نخواهی داشت.

وای بر تو، چگونه از زیر بار نشانه‌ی ذلت و نقص سر به سوی صاحب جبروت و مالک ملک و ملکوت بلند می‌کنی؟ آیا نمی‌دانی که آغاز تو بسان پدرت، از نطفه‌ای بدبو و گندیده بوده، که از محلّ درآمدن پیشاب که ناپاک است بیرون می‌آید، و بعد از آن کارت حمالی و شستن کثافت می‌باشد و بعد از مرگ به صورت مُردار گندیده و زشت می‌گردد.

سرت را از روی ذلت و شرم به زیر انداز و صدایت را از روی بیم و هراس آهسته کن، و زبونی خویش را بشناس، و در تدبیر امور خود تأمل کن، و بکوش که مولایت تو را از اسارت بندگی رها ساخته، و از فرومایگی این امور پست بیرون آورد. دست به دامن او شو و به او توسّل بجوی که تو را از این بردگی اسارت آزاد ساخته و از آزادگان قرار داده و برای سکونت در بهشتی که خانه‌ی

آرامش و محلّ آسودگی است، شایسته گرداند، و بدین وسیله تو را از این کار پست و اشتغال به شستن کثافتها و محلّ خروج پلیدیها بالا برده، و این جسد سخیف و دون را ویران ساخته، و بر بُنیادی والا و پاکیزه‌ی از این پلیدیها آباد کند، به گونه‌ای که برای سکونت در خانه‌ای که خوشبهایش دایمی و جاودانی است، صلاحیت پیدا کنی که این دست به دامن شدن و توسّل جستن تنها در دنیا میسر است، پس اگر به چیز پست و دون بسنده نمایی، زیانکار خواهی بود و گناه از خودت می‌باشد و مصیبت و گرفتاری به خودت برمی‌گردد.

احکام و آداب هنگام رفتن به توالت

بنده‌ای که در دار فنا به این امور مبتلاست، خواست به توالت وارد شود، نیازمند است که پیش از داخل شدن اموری را بداند، تا کارها و گفتارش بر مبنای شناخت و آگاهی باشد.

از جمله‌ی آن امور که در روایات آمده است، این است که:

- 1 - در حال اختیار و توانایی، اگر سرش باز باشد، پیش از وارد شدن آن را بپوشاند.
- 2 - و جای قضای حاجتش از نگاه دیگران به عورتش مصون و محفوظ باشد.
- 3 - وقتی خواست برای این منظور بنشیند، رو و پشت به قبله نباشد.
- 4 - رو به سمتی که باد می‌وزد بول ننماید، زیرا امکان دارد که باد آن را به سوی او برگرداند.
- 5 - رو به آفتاب و ماه نباشد.
- 6 - در سوراخهای حیوانات، بول نکند، زیرا امکان دارد چیزی از آنجا خارج شده و گزندی به او برساند.
- 7 - از نشستن در مکانهایی که موجب آزار و اذیت مردم است، اجتناب کند.
- 8 - در آب جاری یا آب راکد، بول و غائط نکند، البته کراهت دوّمی شدیدتر است. و اگر آب راکد کمتر از مقدار کرّ باشد، بول و غائط کردن آن را، آلوده و نجس می‌کند.
- 9 - در حال اشتغال به قضای حاجت، نخورد و نیاشامد.
- 10 - در این حالت، مسواک نزند؛

11 - سخن نگوید، مگر به یاد خداوند - جلّ جلاله -، و یا اینکه ناچار از سخن گفتن باشد.

12 - هنگامی که از قضای حاجت خویش فراغت پیدا کرد، استنجا نموده و جای بول و غایط را با آب شستشو می دهد. و اگر برای شستن غایط آب پیدا نشد، جای آن را با سه سنگ و پاکیزه یا هر چیز دیگری که شرع مقدّس جانشین آن قرار داده، پاک کند. و اگر عین غایط پیش از استعمال سه سنگ و چیز دیگر برطرف شده باشد، باید آن سه را استعمال کند. و اگر عین نجاست با سه سنگ برطرف نشود، باید بیش از سه عدد سنگ استعمال کند تا اینکه عین غایط برطرف شود.

البته حتی در صورت وجود آب نیز جایز است در رفع غایط به سنگ بسنده کند، به همان صورتی که ذکر کردیم، ولی اگر بین سنگ و آب جمع کند، افضل و بهتر خواهد بود.

13 - وقتی از طهارت کردن محلّ غایط فارغ شد، سه بار به آرامی از مخرج تا بیخ آلت تناسلی را دست کشد، سپس باز به آرامی سه بار از بیخ آلت تا سر آن دست کشد⁷⁹ پس از آن را شستشو دهد، و در شستن مخرج بول، در حالت دسترسی به آب، غیر از آب کفایت نمی کند.

و حکم زن در شستن غایط با آب همانند مرد است، و اما در بول نیازی به کشیدن دست و استبراء ندارد و شستن آن کفایت می کند.

آداب و ادعیهی هنگام رفتن به توالت

اینک بعضی از روایات پیرامون آداب و دعا‌های وقت دخول در توالت تا هنگام خروج از آن را که شایسته است شخص عارف از آن غفلت نرزد، ذکر می‌کنیم:

1 - هنگام وارد شدن، پای چپش را پیش از پای راست در مستراح گذارد، و بگوید آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که وارد توالت شدی و خواستی غایط کنی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخَبِيثِ الْمَخْبَثِ الرَّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.
إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ.

- به نام خدا، و به وسیله‌ی خدا، به خدا پناه می‌برم از پلید پلید کننده و آلوده‌ی ناپاک، شیطان رانده شده، به راستی که خداوند شنوا و بینا و آگاه است.
2 - و اگر روایتی را خواستی که الفاظ کمتر از این را داشته باشد، بگو آنچه را که روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که وارد توالت شدی و خواستی غایط کنی، بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

- به نام خدا، و به [وسیله‌ی] خدا، به خدا پناه می‌برم از [شر] پلید نجس، شیطان رانده شده، به راستی که خداوند شنوا و آگاه است.

3 - و اگر باز کمتر از این الفاظ را خواستی، بگو آنچه را که امام صادق (علیه السلام) پیرامون حکم توالت هنگام ورود به آن فرمود: وقتی انسان داخل توالت شد، بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ

- به نام خدا.

و وقتی برای قضای حاجت نشست، بگوید:

اللَّهُمَّ، اذْهَبْ عَنِّي الْأَذَى، وَ هُنَّتِي طَعَامِي.

- خداوندا، مایه‌ی رنج و آزار را از من برطرف نما، و خوراکم را گوارا فرما.

و هنگامی که قضای حاجت نمود، بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَّاطَ عَنِّي الْأَذَى، وَ هُنَّأَنِي طَعَامِي.

- سپاس خدایی را که مایه‌ی رنج و اذیت را از من دور نمود، و خوراکم را

گوارا فرمود.

سپس فرمود: فرشته‌ای بر بندگان گمارده شده که وقتی قضای حاجت

نمودند، سر او را برگردانده⁸⁰ می‌گوید: ای فرزند آدم، آیا به آنچه که از شکم و

اندرون‌ت بیرون آمده نمی‌نگری، پس جز چیز پاکیزه در آن داخل مکن، و

عورتت را در حرام داخل مکن.

4 - و وقتی که خواست خودش را بشوید، آنچه را که جدّم ابی جعفر طوسی

- رضوان الله علیه - روایت نموده بگوید. که می‌فرمود: هرگاه خواست خودش

را شستشو دهد، بگوید:

اللَّهُمَّ، حَصِّنْ فَرْجِي، وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي، وَ حَرِّمَهُمَا عَلَيَّ النَّارِ، وَ وَقِّنِي لِمَا يُرْضِيكَ

عَنِّي، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ.⁸¹

- خداوندا، شرمگاه و عورت‌م را محفوظ و پوشیده بدار، و آن دو را بر آتش

[جهنّم] حرام فرما، و مرا به هر آنچه که تو را از من خشنود می‌سازد، مؤفّق

گردان. ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

5 - وقتی از غایط فارغ شدی، بگو آنچه را که در روایت آمده که امام

صادق (ع) فرمود: وقتی از غایط فارغ شدی بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَمَّاطَ عَنِّي الْأَذَى، وَ أَذْهَبَ عَنِّي الْغَائِطَ، وَ هُنَّأَسْ وَ عَافَاصْ،

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَسِّرَ الْمَسَاغَ، وَ سَهَّلَ الْمَخْرَجَ، وَ أَمْضَى الْأَذَى.

- سپاس خدایی را که مایه‌ی رنج و اذیت را از من دور، و غایط را از من برطرف نمود، و خوراک مرا گوارا نموده و تندرستی عنایت فرمود. و ستایش خداوندی را که خوراکم را گوارا گردانید، و بیرون آمدن آن را راحت نمود، و مایه‌ی رنج و اذیت را بیرون راند.

و هنگامی که خواستی از توالی بیرون بیایی، دست به شکم مالیده، سپس آنچه را که جدّم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - روایت نموده، بگو که:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَنَأَنِي طَعَامِي وَ شَرَابِي، وَ عَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى

- سپاس خداوندی را که خوراکی و نوشیدنی را برای من گوارا فرموده، و از گرفتاری و [بیماری] عافیت و تندرستی عنایت نمود.

و هنگام بیرون آمدن از توالی پای راست خود را پیش از پای چپ بیرون گذاشته و بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ، وَ أَبْقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ، وَ أَخْرَجَ عَنِّي أَذَاهُ، يَا إِلَهَا نِعْمَةً، يَا إِلَهَا نِعْمَةً، يَا إِلَهَا نِعْمَةً، لَا يَقْدِرُونَ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا.⁸²

- ستایش خدایی را که لذت غذا را به من شناسانید، و نیرویش را در جسمم به جا گذاشت، و مایه‌ی رنج و اذیت آن را از من بیرون راند. چه نعمت بزرگی، چه نعمت بزرگی، چه نعمت بزرگی، که اندازه‌گیران نمی‌توانند اندازه‌ی عظمت آن را مشخص سازند و بدانند.

شرایط آب

آبی در خور طهارت است که: مطلق، و پاکیزه از نجاسات باشد، و انسان از ناحیه‌ی شرع از استعمال آن برای طهارت مأذون باشد.

پس هرگاه چنین آبی پیدا شد بدان تطهیر می‌شود؛ و اگر چنین آبی پیدا نشد و آب قلیل و کمتر از کر بود، اصل آب یقیناً پاک و طاهر است، لذا انسان نباید به خاطر قلیل بودن، از طهارت با آن خودداری کند و به گمان و تخمین بگوید که نجس شده است، زیرا به واسطه‌ی همین خودداری کردن و ترک طهارت و نماز، نَفْسِ خویشتن را به هلاکت انداخته و به صاحب شریعت اهانت نموده، بلکه امور زشت و قبیحی را به فرستاده‌ی خداوند - جَلَّ جلاله - نسبت داده است؛ زیرا اگر مقصودش عبادت خداوند سبحان باشد، نباید در تدبیر و گفتار الهی با او مخالفت نماید.

و مبدا به آنچه که بسیاری از مردم بدان مبتلایند، یعنی ترک طهارت و نماز به خاطر تَوَهُّم‌های وسواس گونه و حکم به نجس بودن آب، مبتلا شود؛ زیرا وسواس، یا بیماری جسمی است؛ و یا بیماری و آسیب در عقیده و دین؛ و یا درماندگی در شناخت خداوند بسیار مهربان است.

(70) انفال (8) : 2.

(71) غافر (40): 60.

(72) سبأ (34): 39.

(73) بقره (2): 152.

مرا یاد نمایید، تا من نیز شما را یاد کنم.

(74) تردید از راوی است.

(75) به فصل ششم و هفتم رجوع شود.

(76) به جای فلان بن فلان، برادران مؤمن خود را ذکر می‌نمود.

- (77) چنانکه سیّد - رضوان اللّٰه تعالیٰ علیہ - در مقدمه تصریح فرموده، این فصل از کتاب در جلد دوّم کتاب فلاح السائل آمده، که متأسّفانه بکلی مفقود شده و در دسترس نیست.
- (78) به جای فلان بن فلان در هر زمان، حجّت وقت (علیه السلام) ذکر می شود، و در زمان ما گفته می شود: الْحُجَّةُ بِنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ.
- (79) و نیز سه بار سر آلت را فشار دهد. ظاهراً عبارتی که ذکر شد از متن افتاده است.
- (80) یعنی او را متوجّه کثافتی که از او خارج شده می کند.
- (81) مصباح المتهجّد، ص 7 - با این تفاوت که به جای لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، لِمَا يُقْرَبُنِي مِنْكَ: (یعنی به آنچه که مرا به تو نزدیک می گرداند.) آمده است.
- (82) مصباح المتهجّد، ص 7.

فصل دهم : آداب معنوی طهارت از دیدگاه عقل

برای کسی که می‌خواهد با آب طهارت کند مهمّ این است که پیش از شستن اعضای خویش، آنها را از چرکِ گناهان و نجاستِ عیبهایش تطهیر کند؛ زیرا اگر هنگام شستشوی آنها، از تطهیر آنها از آنچه که ناخوشایندِ مولایش است - هم او که می‌خواهد در پیشگاه او بایستد - غفلت داشته باشد، و در حال شستشوی اعضا با آب، مبتلای به غفلت و جرأت بر خداوند - جلّ جلاله - بوده، و از حضور او غایب باشد، مانند کسی می‌گردد که خدا را دست انداخته و او را استهزاء می‌کند، زیرا امر مهمّتر را فروگذارده و سرگرم امر کم‌اهمیت شده، و تهدیدی که خداوند - جلّ جلاله - در گفتارش فرموده، ایمن نخواهد بود، آنجا که می‌فرماید:

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ، وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ⁸³

- خداوند آنها را استهزاء می‌نماید و یاری‌شان در طغیان و سرکشی‌شان سرگشته و متحیر شوند.

آیا این روایت را نشنیده‌ای که: حضرت امام حسن بن علی (ع) وقتی وضو می‌گرفت، رنگ صورت مبارکش دگرگون می‌شد، و بندهای بدنش به لرزه درمی‌آمد. در این باره از آن حضرت پرسیده شد. آن بزرگوار فرمود: سزاوار است کسی که در پیشگاه خداوند صاحب عرش می‌ایستد، رنگش زرد گردد، و بندهای بدنش به لرزه درآید.

و مشابه این حدیث نیز درباره‌ی مولایمان حضرت امام حسن (ع) نقل شده است.

و نیز آیا نشنیده‌ای که مولایمان زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام وقتی شروع به طهارت نماز می‌کرد، صورتش زرد شده، و بیم و هراس از آن مقامات والا بر چهره‌اش آشکار می‌گردید.

پس آیا در ترازو و سنجش عقل جایز است که حضرتش (علیه السلام) با آنکه سالم و معصوم [از گناهان و عیوب و اشتباهات] بوده بهراسد، و تو در حالی که بیمار هستی ایمن باشی؟

مسئلاً هرکس که می‌خواهد به منظور مناجات و گفتگوی خصوصی در محضر پادشاهی وارد شود، با آراستن و درست کردن هر چیزی که ممکن است نگاه پادشاه بر آن بیافتد، و با هرچیز که موجب قرب بیشتر در نزد او می‌گردد، خود را آماده و مهیا می‌نماید. و معلوم است که نظر پاک و مقدس خداوند - جلّ جلاله - متوجه طهارت قلب از گناهان، و پاکیزگی اعضا و جوارح از زخمهای گناهان است.

و دیگر اینکه: اگر بنده به تطهیر دل و اعضا و جوارح از چرکهایی که در اثر بکار زدن آنها در غیر هدفی که برای آن آفریده شده، یعنی عبادت و پرستش خداوند، اهتمام ورزد - به این صورت که از خداوند مالک رحمت طلب عفو و گذشت کند، یا با نیت صادق و خالصانه و به شایستگی توبه کند - همین اهتمام ورزیدن به امر مهم‌تر لطف و کمکی از ناحیه پروردگار به او محسوب می‌شود، و او را بهتر به تطهیر کامل اعضا و جوارح با آب می‌کشاند، و وقتی بعد از پاک نمودن آنها از گناهان، آنها را با آب نیز تطهیر نمود، نسبت به اینکه با سلامتی از گناه در محضر مناجات پروردگار وارد شود، و نسیم عطر و بوی خوش آن مقام را استشمام نماید، نزدیکتر خواهد بود.

فصل یازدهم : احکام و آداب و ادعیه‌ی وضو کیفیت وضو گرفتن

در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) با محمد ابن حنفیه نشسته بودند، حضرت فرمود: ای محمد، ظرفی آب بیاور تا برای نماز وضو بگیرم. محمد آب آورد، حضرت آب را با دست چپ، بر دست راستش ریختند و سپس فرمودند:

بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا.

- به نام خدا، سپاس خدایی را که آب را پاکیزه و پاکیزه کننده قرار داد، و آن را نجس و آلوده قرار نداد.

سپس [به توالی رفته] و خود را شستشو داده و فرمودند:

اللَّهُمَّ، حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِفَّهُ، وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي، وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ.

- خدایا، شرمگاهم را محفوظ و پاکدامن بدار، و عورتم را بیوشان، و آن را بر آتش [جهنم] حرام کن.

پس از آن آب در دهان گردانیده و مضمضه نموده و فرمودند:

اللَّهُمَّ، لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْآفَاكِ، وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ [وَشُكْرِكَ].

- خداوندا، روزی که با تو ملاقات می‌کنم، حجّت و دلیلم را به من تلقین نموده و بفهمان، و زبانم را به یاد [و شکر گزاریات] بگشای.

سپس آب داخل بینی کرده و استنشاق نموده و فرمودند:

اللَّهُمَّ، لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَرِيحَانَهَا وَطَيِّبَهَا.

- خدایا، بوی بهشت را بر من حرام منما، و مرا از کسانی قرار ده که بو و نسیم و بوی خوش و عطر بهشت را می‌بویند.

سپس صورت خویش را شسته و فرمودند:

اللَّهُمَّ، بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ، [وَلَا تَسْوَدُ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الْوُجُوهُ].

- خداوندا، روزی که چهره‌ها در آن سیاه می‌گردد، روی مرا سفید گردان، [و در روزی که رویها سفید می‌گردد، مرا رو سیاه مفرما].

آنگاه دست راست خویش را شسته و فرمودند:

اللَّهُمَّ، أَعْظِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي، وَالْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي، وَحَاسِبِي حِسَاباً يَسِيراً.

- خدایا، نامه‌ی عملم را به دست راستم بده، و جاودانگی در بهشتت را به دست چپم، و به صورت آسان از من حساب کشی بفرما.

سپس دست چپ خود را شستشو داده و فرمودند:

اللَّهُمَّ، لَا تُعْظِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي [وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي]، وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّيرانِ.

- خداوندا، کتابم را به دست چپ [و از پشت سرم] به من مده، و آن را بسته بر گردنم قرار مده، و به تو پناه می‌برم از جامه‌های بریده و مهیا شده از آتش.

سپس سر خود را مسح نموده و فرمودند:

اللَّهُمَّ، عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ [وَعَافِيَتِكَ مِنَ الْبَلْوَى].

- خدایا، مرا غرق در رحمت و برکات و عفو و گذشت [و ایمن از بلا] خود بگردان.

پس از آن پاهای خویش را مسح نموده و فرمودند:

اللَّهُمَّ، ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ [الْمُسْتَقِيمِ] يَوْمَ تَنْزَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي.⁸⁴

- خداوندا، در روزی که قدمها می‌لغزند مرا بر صراط [مستقیم] ثابت و استوار گردان، و سعی و کوششم را در چیزی قرار ده که موجب خرسندی تو از من گردد.

سپس حضرت سرشان را بلند کرده و به محمد نگاه نمود و فرمود: ای محمد، هرکس مانند من وضو بگیرد، و همانند من دعا کند، خداوند - عزوجل - از هر قطره‌ی [آبی که در وضوء استفاده نموده] فرشته‌ای می‌آفریند که تقدیس و تسبیح و تکبیر بگوید، و خداوند ثواب آن را تا روز قیامت برای او می‌نویسد.

احکام و آداب وضوء

در روایاتی که از ائمه (علیهم‌السلام) در تفصیل احکام وضوء وارد شده، آمده است که: کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، هنگام شستن صورت از اوّل [رستنگاه] موی جلو سر آغاز نموده تا آخر چانه‌اش را می‌شوید، و هنگام شستن دستها از روی دستها شروع نموده و از آرنج تا سر انگشتان را شستشو می‌دهد، و به اندازه‌ی [پهنای] سه انگشت جلو سرش را مسح می‌کند، البته کمتر از این هم کفایت می‌کند و هنگام مسح کردن روی پاها از سر انگشتان شروع نموده و تا برآمدگی روی پاها را که کعب عالی نامیده می‌شود، مسح می‌کند. و اگر صورت و بازوها و دستهایش را دوبار بشوید جایز است، و بین فضیلت دو روایتی که در این باره نقل شده است جمع نموده است.

مُبطلات وضوء

و جنابت، و مسّ میّت بعد از سرد شدن بدن میّت و پیش از غسل دادن میّت وضو را باطل می‌کند؛ و نیز خوابی که بر گوش و چشم غالب باشد، و همچنین هر چیزی که عقل را از بین می‌برد، و نیز بول و غایط، و خارج شدن قطعی و یقینی باد از انسان آن را باطل می‌کند. و افزون بر اینها در مورد زنان، حیض و نفاس و استحاضه از اموری است که وضو را باطل می‌کند.

فصل دوازدهم : احکام و آداب تیمم بدل از وضو

احکام تیمم این طهارت که در عرف شرع تیمم نامیده می‌شود، رحمت و انعام و بزرگواری و بخششی است از جانب خداوند - جلّ جلاله - نسبت به کسانی که نمی‌توانند با آب طهارت کنند.

و ویژگی خاکی که به آن تیمم می‌شود این است که: باید پاک بوده، و از ناحیه‌ی شرع در استعمال آن مأذو باشیم.

و اگر کسی که وظیفه‌اش تیمم است خاک پیدا نکرد، از گرد و غبار نمد زین اسب و مانند آن تیمم می‌کند. و در صورت نبودن آب و خاک و در حالت اضطرار و ناچاری می‌توان با هر چیز که گرد و غبار داشته باشد، تیمم کرد.

عذرهایی که موجب تیمم می‌شود فقط وقتی می‌توان تیمم کرد که وقت نماز تنگ شده و تنها به اندازه‌ای که بتوان تیمم کرد وقت باشد، و یا بکلی آب یافت نشود؛ یا استعمال آب برای شخص - به خاطر بیماری یا عدم امکان پرداخت بهای آب، و یا به جهت عذرهایی دیگری که در شریعت محمدیّه (ﷺ) مجوز تیمم هستند - ممکن نباشد.

اگر عدم امکان طهارت با آب، به خاطر پیدا نشدن آب بوده و شخصی که آب پیدا نکرده در صحرا باشد، باید هنگام تنگ شدن وقت نماز، در زمین هموار به اندازه‌ی مسافت پرتاب دو تیر، و در زمین سخت و ناهموار به اندازه‌ی مسافت پرتاب یک تیر، در جستجوی آب برود. و جستجوی آب برای هرکس که قدرت بر آن داشته باشد امر مهمّ و بسیار مورد تأکید است.

کیفیت تیمم

اگر انسان در بیابان بود و پس از جستجو آب پیدا نکرد، یا عذری در ترک طهارت به آب برای نماز داشت (مانند برخی از عذرهایی که بدان اشاره نمودیم)، کیفیت تیمم برای طهارت از حَدَث اصغر و بدل از وضو آن است که: تیمم کننده کف دو دستش را بر خاک بزند، سپس آنها را به هم می‌زند تا گرد و غبار آنها بریزد، و کف دستها را بر پیشانی‌اش، (از ابتدای جلوی سر [و رستنگاه مو] تا گوشه‌ی بینی) می‌کشد. البته مقصود از گوشه‌ی بینی، طرفِ سرِ بینی است، و پس از آن کف دست چپش را روی کف دست راستش (از اوّل کف دست راست تا سر انگشتان)، و کف دست راستش را روی کف دست چپش (از اوّل کف دست چپ تا سر انگشتان) می‌کشد.

پس وقتی اینها را انجام داد، وارد شدن در نماز و عباداتی که به طهارت احتیاج دارد، مباح و جایز می‌گردد.

اموری که وضو را باطل می‌کند، و علاوه امکان طهارت با آب و وضو گرفتن تیمم را باطل می‌کند.

فصل سیزدهم: احکام و آداب غسل از دیدگاه عقل و نقل آداب معنوی

غسل

چیزی که در مورد غسل، در نزد عارفان مهم است، این است که پیش از شروع غسل، گناهان و دلهایشان را با آب خشوع و فروتنی، و عیوب اعضا و جوارح خویش را با اشک چشم شستشو داده، و با دستاویز اخلاص، نیت غسل توبه نموده، و هنگام غسل به مقام اختصاص و برگزیدگی در نزد پروردگار داخل شوند.

اقسام غسلها غسلها دوگونه‌اند: واجب و مستحب. و غسلهای واجب بر مکلفین زنده عبارت است از غسل جنابت، و غسل مسّ میّت آدمی بعد از سرد شدن به واسطه‌ی مرگ و پیش از غسل دادن آن. و غسلهای واجب بر زنان نیز عبارت است از: غسل جنابت و همچنین غسل حیض و نفاس و استحاضه و غسل مسّ میّت.

و غسلهای مستحبّ بیست و هشت غسل، و بلکه بیشتر از این عدد است، که در روایات برای هر کدام از آنها فضیلت و ثواب خاصی ذکر شده است. و غسل اموات و مردگانی که غسل دادندشان در شریعت سید المرسلین (ﷺ) واجب است نیز از غسلهای واجب می‌باشد که ما گزیده و اجمالی از مطالب مفصل مربوط به آن را ذکر خواهیم نمود، تا کسانی که خواهان عمل هستند بر معنای آن آگاهی پیدا کنند.

احکام واجب بر جنب

وقتی انسان با همسر خود همبستر شد به گونه‌ای دو ختنه گاه یعنی جای ختنه‌ی مرد در آلت تناسلی با جایگاه ختنه‌ی زن⁸⁵ برخورد نمود و یا به خاطر بیرون آمدن منی که با جهش بیرون آمده و جنابت بودنش معلوم و یقینی باشد - خواه در خواب باشد یا در بیداری، با شهوت باشد یا بدون شهوت - جنب شد،

1 - برای او جایز نیست که در مسجد داخل شود، مگر اینکه ناچار باشد و به صورت گذرا از مسجد بگذرد.

2 - نباید در حال اختیار چیزی در آنجا بگذارد، جز در مسجد الحرام و مسجد مدینه‌ی شریفه که حتی جایز نیست از آن دو عبور کند.

3 - شخص جنب نباید نوشته‌ی مُصْحَف و قرآن شریف و یا اسمی از اسماء خداوند - جلّ جلاله - و نامهای پیامبران خدا و ائمه - صلوات الله جلّ جلاله علیهم اجمعین - را مسّ کند.

4 - برای جنب جایز است که همه‌ی قرآن بجز چهار سوره‌ی عزائم را بخواند، و مادام که جنب است نباید حتی به مقدار کم از این چهار سوره را قرائت کند. و آنها عبارتند از: سوره‌های الم سجده و حم سجده، و والنجم، و **إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ.**

15 - خوردن و آشامیدن در حالت جنابت مکروه است، و اگر شخص جنب، احتیاج به خوردن و آشامیدن پیدا کرد، ابتدا مضمضه و استنشاق نموده و آب در دهان و بینی گردانده و بعد می‌خورد و می‌آشامد.

2 - خوابیدن بعد از جنابت مکروه است مگر بعد از گرفتن وضو،

3 - خضاب کردن و حنا گذاشتن برای جنب مکروه است.

کیفیت غسل

اگر کسی خواست غسل جنابت کند، در صورتی که غسلش به خاطر انزال منی که با جهش می‌آید باشد،

1 - واجب است که ابتدا با بول کردن یا هر چیزی که جانشین آن باشد، استبراء نماید، و این کار بر زنان واجب نیست.

2 - سپس هر جایی از بدنش را که نجس شده شستشو دهد.

3 - مستحب است که سه بار دستش را بشوید.

4 - مستحب است هنگام غسل کردن بگوید:

اللَّهُمَّ، طَهِّرْني، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ اشْرَحْ صَدْرِي، وَ اجْرِ عَلَي لِسَانِي ذِكْرَكَ وَ مِدْحَتَكَ وَ التَّنَاءَ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ، اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- خداوندا، مرا پاکیزه بگردان، و قلبم را پاک نما، و سینه و دلم را بگشای، و یاد و مدح و ثنایت را بر زبانم جاری گردان، خدایا، آن [یعنی غسل کردن] را برای من مایه‌ی پاکیزگی و بهبودی و نور قرار ده، به راستی که تو بر هر چیز توانا هستی.

5 - مستحب است پیش از غسل، مضمضه و استنشاق نموده و آب در دهان و بینی‌اش بگرداند

6 - نیت غسل را می‌تواند هنگام مضمضه و شستن دهان، و یا وقت شروع غسل بکند. و نیت آن به این صورت است که: غسل جنابت می‌کنم به خاطر واجب بودن آن، تا به این وسیله حالت جنابت رفع، و هر چه با غسل کردن مباح می‌گردد⁸⁶ برایم مباح و جایز گردد، در حالی که بد منظورم عبادت خداوند سبحان از آن جهت که شایسته‌ی عبادت است⁸⁷ می‌باشد.

- 7 - خواست غسل را به صورت ارتماسی انجام دهد، کافی است تنها یک بار به گونه‌ای در آب فرو رود که آب به تمام بدنش برسد.
- 8 - اگر خواست به صورت ترتیبی غسل کند، ابتدا سرش را تا بیخ گردن شستشو داده و آب را به بُن موهای سرش می‌رساند، و اگر ریش داشته باشد آب را به بُن موهای آن نیز می‌رساند، سپس سمت راست بدنش را از بالای شانهِی راست تا پایین پای راست شستشو داده، و بعد سمت چپ بدنش را از بالای شانهِی راست تا پایین پای چپش می‌شوید.
- 9 - مقدار آبی که برای غسل کفایت می‌کند، عبارت است از کمترین مقداری که بر اساس انجام غسل که شرح دادیم بر بدن جاری گردد، به گونه‌ای که غسل شرعی نامیده شود.
- 10 - و ترتیب غسل، به ترتیبی که ذکر نمودیم واجب است، ولی مُوالات و پی در پی انجام دادن اعمال غسل واجب نیست.
- 11 - کیفیت تمام غسلها - خواه واجب باشد و خواه مستحبّ - به همین صورتی است که ما از هنگام مضمضه و آب در بینی گرداندن تا آخر فراغت از غسل بیان نمودیم.
- 12 - کیفیت غسل کردن زن مانند غسل حیض و استحاضه‌ی مخصوص⁸⁸ و نفاس به همین صورت است، و تنها فرق آن با غسل مردان این است که زن پیش از غسل نیازی به استبراء کردن ندارد.

احکام غسلهای مخصوص زنان

احکام مربوط به حیض و استحاضه و نفاس زنان را در، کتابهای فقهی به صورت بسیار مفصل ذکر شده است، ولیکن ما مختصری از آن را به صورت زیبا ذکر می‌کنیم، تا این کتاب از اشاره‌ی به آن خالی نباشد:

- 1 - خونی که شرع مقدّس به حیض بودن آن حکم می‌کند، عبارت است از خونی که زن بعد از بالغ شدن ببیند، و با خون زخم و جراحت و خون غایط و غیر آنها مشتبه نگردد، و کمترین مدّت آن سه روز، و بیشترش ده روز می‌باشد.
- 2 - اگر با خون زخم و جراحت درون عورت زن اشتباه شد، زن پنبه‌ای در داخل عورت خود می‌گذارد، اگر خون از سمت چپ بر آن خارج شود خون حیض است، و اگر از غیر سمت چپ خارج شود خون حیض نیست.
- 3 - اگر با خونی که همراه با غایط است اشتباه شد، پنبه را در داخل عورت خود می‌گذارد، اگر خون دَوْر پنبه را گرفته باشد، خون با غایط بیرون آمده است، و گرنه خون حیض است.
- 5 - اگر زن حائض باشد، نماز خواندن و روزه گرفتن و داخل شدن در مساجد و قرائت سوره‌های عزائم و مسّ قرآن بر او حرام است. و نیز بر شوهرش حرام است که در حال حیض با او نزدیکی نماید؛ و بنا بر وجهی، حرام است که در حال حیض طلاقش دهد.
- 6 - اگر زن از حیض پاک شد و غسل بجا آورد و وقت نماز واجب شد، همانند پیش از حیض، نماز خواندن بر او واجب می‌گردد، و بجا آوردن قضای نمازهایی که در ایّام حیض فوت شده بر او واجب نیست؛ ولی قضای روزه‌هایی که در ایّام حیض (اگر فرضاً حایض نبود) بر او واجب بوده، واجب است.

7 - نساء زنی را می‌گویند که هنگام ولادت خون ببیند، و برای مدت کم آن اندازه‌ی مشخصی نیست، ولی بیشترین مدت آن ده روز است، و احکام زن حیض را دارد.

8 - مستحاضه زنی را گویند که خون ببیند و آن خون نه حیض باشد، و نه خون نفاس (به همان صورتی که هر دو را توصیف نمودیم).

9 - خون استحاضه سه گونه است:

الف - اگر خون کم باشد، با پنبه آزمایش می‌شود، هرگاه خون به سمت بالای آن برسد، باید پنبه را عوض کرده و هنگام خواندن هر نماز، طهارت صغری⁸⁹ را تجدید کند، و نمازش صحیح است.

ب - اگر خون در سمت بالای پنبه نمایان گردد و از پنبه به بیرون نریزد، باید علاوه بر تجدید پنبه و گرفتن وضو به همان صورتی که ذکر کردیم، یک غسل مانند غسل جنابت - به نیت غسل استحاضه - برای خصوص نماز صحیح بکند، و بقیه نمازها را به همان صورتی که شرح دادیم با وضو بخواند.

ج - اگر خون استحاضه از سمت بالای پنبه به بیرون بریزد، علاوه بر آنچه ذکر نمودیم، یک غسل برای نماز ظهر و عصر نموده و آن دو نماز را پشت سرهم انجام دهد، و غسل دیگری برای نماز مغرب و عشا نموده و آن دو نماز را پشت سرهم انجام دهد.

10 - زن مستحاضه در تمام آنچه توضیح دادیم حکم زن طاهر را دارد.⁹⁰

تفصیل احکام حیض

اینک تفصیل مسأله‌ها و فروغ مطالب گذشته را ذکر می‌کنیم، به گونه‌ای که اطلاع ندارم کسی در تحریر فروعات آن بر من پیشی گرفته باشد، البتّه ادّعا نمی‌کنم که اهل نظر هیچ اشکالی نمی‌توانند بر آن بگیرند، پس می‌گوییم:

زن وقتی خون دید، دو صورت دارد: یا مبتدئه است و تا آن وقت خون حیض ندیده و یا غیر مبتدئه.

الف - اگر مبتدئه باشد، در صورتی که خویش به صورت مستمرّ بیرون بیآید، چهار حالت دارد:

اوّل اینکه: با اوصافی که مقتضای آن حیض بودن خون است، برای او مشخصّ گردد که آن، خون حیض است، در این صورت بر اساس آن اوصاف عمل می‌کند، و حکم زن حائض را دارد.

دوّم اینکه: با اوصافی که اشاره شد، برای او مشخصّ نشود که آیا آن، خون حیض است و یا خیر؟ در این صورت باید درباره‌ی حیضش به عادت زنان خانواده و فامیل رجوع کند، و بر اساس عادت آنها عمل نماید.

سوّم اینکه: نه حیض بودن آن برای او معلوم گردد و نه زنان خانواده و فامیلی داشته باشد، یا باشد ولی خودشان در عادت، مختلف باشند، در این صورت باید بر عادت زنان همسال خود عمل کند.

چهارم اینکه: نه حیض بودن خون مشخصّ شود، و نه زنان خانواده و فامیل داشته باشد، و نه زن همسال با خود، یا اینکه زن همسال باشد ولی خود آنها در عادت مختلف باشند، در این صورت در هر ماه سه روز - که کمترین مدّت ایّام حیض است - باید نماز را به خاطر رعایت احتیاط در انجام عبادت، ترک کند.

ب - اگر زن هنگام استمرار خون مبتدئه نباشد، و عادت داشته باشد، چهار حالت دارد:

اوّل اینکه: عادت داشته باشد، ولی برای او مشخص نباشد که آن، خون حیض است، در این صورت باید بر اساس عادتش عمل کند.
دوّم اینکه: هم عادت داشته باشد و هم مشخص باشد که آن، خون حیض است، در این صورت باید بر اساس عادتش عمل کند، البته برخی از فقهاء می‌گویند که در این صورت باید بر اساس تمیز و تشخیص اوصاف خون عمل کند و توجهی به عادت نکند.

سوّم اینکه: عادتش اختلاف داشته باشد و حیض بودن خون برای او مشخص گردد، که در این صورت باید بر اساس آن عمل کند.
چهارم اینکه: عادتش مختلف باشد، و برای او مشخص نباشد که آیا آن، خون حیض است یا خیر؟، و عادتش را فراموش کرده باشد، که خود، سه حالت دارد:

اوّل اینکه: شماره‌ی روزهای عادت را به یاد داشته باشد، ولی وقت آن و اینکه از چندم ماه شروع می‌شود را فراموش کرده باشد.
دوّم اینکه: هر دو را فراموش کرده باشد.
سوّم اینکه: وقت را به یاد داشته باشد، ولی شماره‌ی آن یادش نباشد.

1 - در حالت اوّل یعنی اگر عدد روزها را به یاد داشته باشد ولی وقت را فراموش کرده باشد، برای آن دو حالت است: گاهی در بعضی از روزهای حیض برای او یقین حاصل می‌شود، مانند اینکه بگوید: من شش روز از دهه‌ی اوّل ماه را حیض می‌شوم، ولی جای آن شش روز را در دهه نمی‌دانم که آیا از اوّل دهه شروع می‌شد، یا از روز دوّم و... در این صورت حکم او این است که از اوّل

دهه تا آخر روز چهارم از آن مانند زن مستحاضه عمل کند، و در آخر روز ششم، غسل اتمام خون حیض را بکند، زیرا امکان دارد که همان وقت، آخر شش روزی باشد که می‌داند در آن حایض می‌شود، و بعد از آن برای هر نماز یک غسل حیض کند، زیرا امکان دارد که انقطاع خویش هنگام هر نماز باز خون حیض باشد، و بعد از روز ششم عمل زن مستحاضه را انجام دهد.

و گاهی یقین به حیض بودن هیچ روزی ندارد، مانند زنی که می‌گوید: حیض من ده روز در هر ماه بود، ولی جای آن را نمی‌دانم، که در این صورت حکم آن این است که تا آخر دهه‌ی اوّل ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد، سپس برای هر نماز، غسل حیض کند، زیرا امکان دارد که خون حیضش در این هنگام تمام شده باشد، با اینکه عمل زن مستحاضه را تا آخر ماه انجام می‌دهد.

2 - در حالت دوّم، یعنی اگر زن عدد روزها و وقت آن را فراموش کرده باشد، باید در هر ماه سه روز - که کمترین ایّام حیض است - به خاطر رعایت احتیاط به جهت عادت، نماز را ترک کند و در غیر آن سه روز عمل زن مستحاضه را انجام دهد.

3 - در حالت سوّم، یعنی اگر زن وقت را به یاد داشته باشد، ولی عدد روزها را فراموش کرده باشد باز سه حالت دارد:

یکم اینکه: اوّل حیض یادش باشد ولی آخر آن یادش نباشد.

دوّم اینکه: آخرش یادش باشد، ولی اوّل حیض یادش نباشد.

سوّم اینکه: هیچ کدام از اوّل و آخر حیض را به یاد نداشته باشد، بلکه تنها می‌داند که در زمانی حایض بوده ولی اوّل و وسط و آخر حیض را نمی‌داند.

پس اگر اوّل حیض یادش باشد، باید حیضش را سه روز قرار دهد، و در آخر آن غسل حیض بجا آورد، سپس برای هر نماز، غسل حیض انجام دهد، و تا آخر ماه مانند زن مستحاضه عمل کند.

و اگر آخر حیض یادش باشد نه اوّلش، باید در آخرِ وقتی که می‌داند آخرِ حیض است، غسل حیض بجا آورد، و در بقیّه‌ی ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد.

و اگر اوّل و آخر حیض را فراموش کرده باشد، باید وقتی را که یقین به حیض بودن آن دارد، حیض قرار دهد و در آخر آن غسل حیض کند، و پیش از آن، عمل زن مستحاضه را انجام دهد، و بعد از آن برای هر نماز تا آخر ده روز غسل حیض کرده و همانند زن مستحاضه عمل کند. سپس بعد از ده روز غسل حیض نماید، و بعد تا آخر ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد.

و هر جا که ایّام حیض برای او معلوم نباشد، باید ده روز روزه‌ی⁹¹ از آن ماه، بیش⁹² از سه روز نماز را قضا کند.

این تفصیل برای هرکس از صاحبان فهم و دریافت که نسبت به آن آگاهی پیدا کند، نیکوست.

غسلهای مستحبی

غسلهای مستحبی عبارتند از:

- 1- غسل توبه.
- 2 - غسل جمعه.
- 3 - غسل شب اول ماه رمضان.
- 4 - غسل تمام شبهای فرد ماه رمضان، که افضل آنها غسلهای شب نیمه و شب هفدهم، و شب نوزدهم، و شب بیست و یکم، و شب بیست و سوم ماه رمضان می باشد، و دربارهی غسلهای شب بیست و چهارم، و شب بیست و پنجم، و شب بیست و هفتم، و شب بیست و نهم، را نیز روایاتی وارد شده است.
- 5 - غسل شب عید فطر.
- 6 - غسل روز عید فطر.
- 7 - غسل روز عرفه، نهم ذی الحجّة.
- 8 - غسل عید قربان، دهم ذی الحجّة.
- 9 - غسل روز غدیر، هیجدهم ذی الحجّة.
- 10 - غسل روز مباهله، بیست و چهارم ذی الحجّة.
- 11 - غسل روز تولّد پیامبر اکرم (ﷺ)، هفدهم ربیع الاول.
- 12 - غسل نماز خورشید گرفتگی در صورتی که تماماً گرفته شده باشد، و آن را عمداً ترک کرده باشد، در این صورت باید پس از غسل، قضای نماز را بجا آورد.
- 13 - غسل نماز حاجت.
- 14 - غسل نماز استخاره.
- 15 - غسل إحرام.

- 16 - غسل داخل شدن در حَرَم.
- 17 - غسل وارد شدن در مسجد الحرام.
- 18 - غسل داخل شدن در کعبه.
- 19 - غسل داخل شدن در مدینه.
- 20 - غسل ورود به مسجد النَّبِيِّ (ﷺ).
- 21 - غسل هنگام زیارت پیامبر اکرم - عَلَيْهِ أَكْمَلُ الصَّلَاةِ - و هنگام زیارت مزار ائمه‌ای که از عترت و اهل بیت آن بزرگوار عَلَيْهِمُ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ می‌باشند.
- 22 - غسل برداشتن تربت از قبر و مزار امام حسین (علیه السلام) بنا بر بعضی از روایات.
- 23 - ابن بابویه در جزء اوّل کتاب مدینه العلم حدیثی از امام صادق (علیه السلام) پیرامون غسلها روایت نموده، و غسل استخاره، و غسل نماز استسقاء و طلب باران و غسل زیارت را در آنجا ذکر کرده است.
- 24 - و در بعضی از احادیث دیگر نیز آمده که: مولایمان حضرت علیّ (علیه السلام) در شبهای سرد غسل می‌کردند تا برای نماز شب نشاط پیدا کنند.
- و نیز در حدیثی در کتاب مدینه العلم آمده است که: غسل روز برای شب، و غسل شب برای روز کفایت می‌کند.

غسل میّت و امور قبل و بعد از آن مرگ در دیدگاه توده‌ی مردم

مرگ، هول و هراس بیمناک، و امر عظیم فراگیری است که لذّتها را از بین برده، و میان دسته‌ها جدایی انداخته، و با پراکنده نمودن بر آنها تاخته، و میان انسان و لذّت پایدگی و انس با دوستان و زندگان حایل گشته، و ریسمانهای آمال و آرزوها را قطع نموده، و مانع بهره‌مند شدن انسان از اهل و اموال خویش می‌گردد.

این است گوشه‌ای از احوال مرگ نسبت به کسانی که به هول و هراسهای آن ناآگاهند، ولی کسانی که به خطرهای آن آشنا و از رازهایش آگاهی دارند، مرگ میان آنها و آمادگی برای معاد جدایی انداخته، و از اصلاح اعمال که در دار فنا در انجام آن کوتاهی می‌کردند جلوگیری نموده، و غنا و بی‌نیازی که برایشان ممکن بود، مبدّل به بی‌نیازی نموده، و با حالت اسارتِ شرمندگی و خواری آنان را از این جهان به جهان دیگر انتقال می‌دهد، و با پاسخ منفی ردّ و محرومشان می‌کند، آنگاه که می‌گویند:

رَبِّ، ارْجِعُونِ، لَعَلِّيْ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ⁹³

- مرا برگردانید، امیدوارم که درباره‌ی آنچه که ترک نمودم، عمل صالح انجام دهم.

ولی پاسخشان می‌دهند که:

كَلَّا⁹⁴

- هرگز.

در حالی که اگر پیش از آن اعمال صالح و شایسته انجام می‌دادند، به ایشان گفته می‌شد:

مَرْحَبًا وَأَهْلًا.

خوش آمدید.

و نیز در قبر - که چاله‌ی تنهایی و یگانگی است، و انسان از پاشیده شدن
اعضاء [یا: اندرونه‌ها] و بدنش وحشتناک، و از پرسش دو فرشته‌ی منکر و نکیر
بیمها دارد، و خطرهای گناهان کوچک و بزرگ که در گذشته مرتکب شده را به
یاد می‌آورد، و در اولین برخوردها با زلزله‌های تهدید و وعده‌ی عذاب الهی
مواجه می‌گردد، و دری به سوی عذاب سخت الهی به روی او گشوده می‌شود -
انداخته می‌شود.

بنابراین، چه شبیه است حال مرگ به آنچه که مولای ایمن از خطر مرگ،
یعنی مولایمان حضرت علیّ (علیه السلام) توصیف نموده، آنجا که می‌فرماید:
هیچ یقینی که شکّی در آن نباشد ندیده‌ام که همانند مرگ بسان شکّی گردیده
باشد که هیچ یقینی در آن نباشد.

مرگ در دیدگاه اولیاء

اگر از به دراز کشیدن سخن نمی‌ترسیدم، در این باره شرح و تفصیل بسیار می‌دادم. عده‌ای از دلاوران و بزرگان و افراد بی‌نظیر را می‌شناسم که گویی مرگ بر گذشتگان آنان سعادت و رحمت، و بر باقیمانده‌شان مایه‌ی افزونی و نعمت است، و لذا به سپری شدن ایام دار زوال و نیستی بسیار شائق، و به راههای اقبال و روی کردن به خدا بسیار آشنا، و به صفات کمال آراسته، و از بودن در دار دنیا، به خاطر بیم از نقص اعمال و حالاتشان، خوف و هراس دارند.

جلال و عظمت مولایشان برای آنان آشکار گشته و دانسته‌اند که او - جلّ جلاله - آنان را می‌بیند، لذا روح و عقل و قلب و جانسان تنها برای ذات او به او مشغول گردیده، و نور ذات مقدّس و صفات شریفش بر آنان غلبه کرده، و با تمام توان در خدمت و بندگی خدا را می‌کوشند، و بسان کسی که پیوسته در کوتاهی و تضییع اوقات خویش بوده، گریه و زاری می‌کنند.

خداوند آنچه را که از حقیقت و کُنهِ جلال و عظمت اقبالش اراده فرموده به آنان شناسانده، و در نتیجه ایشان را به جلال و هیبت و حرمت و مهربانیا و بزرگواریها و نعمت خویش سرگرم، و از کامیابیهای نفس باز داشته است، و برای آنان نه قلب و نه باطن، و نه زبانی مانده و نه امکان تصرف در آنچه که آنان را از خدا دور کند: اعضا و جوارحشان به بندهای حضور در خدمت معبود بند شده، و عقلهایشان به جهت بیم آن وجود و جُود، سرگشته و حیران گشته است. و در نتیجه، عظمت او - جلّ جلاله - آنان را از خود فراموش، و رحمت کامل او - جلّ جلاله - به خودش مشغول نموده است، زیرا هر کدام از آن دو (عظمت و رحمت) دلهای عارفان را در تحت تصرف خود درآورده، و عقلهای اهل مکاشفه را به خود مشغول می‌کند.

ولیکن اینان کجایند؟ اگر در میان مردم باشند شناخته نمی‌شوند، و اگر غیبت کنند، کسی سراغشان را نمی‌گیرد، البتّه مقصودم این نیست که نامها و وجودشان ناشناخته است، بلکه چهره‌ها و نامهایشان شناخته شده است، ولی اسرار آنان و اسرار مولای آنان در نزدشان ناشناخته است. و اگر به تو گفته می‌شود: دیده می‌شوند، ولی شناخته نمی‌شوند، تعجّب مکن، زیرا خداوند - جلّ جلاله - پیرامون سرور آنان و کسی که از لحاظ کمال و جلال و عظمت از همه آنان بزرگتر است، می‌فرماید:

وَتَرِيهِمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ، وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ⁹⁵

- و ای پیامبر می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند، ولی تو را نمی‌بینند.

اصلاح اعمال و آمادگی برای مرگ

لذا ما سخن از مرگ و غسل اموات را بر اساس حال غالب مردم که در غفلت هستند به مرتب ذکر می‌کنیم - هم آنان که مرگ، زندگی‌شان را که در نزد آنان محبوب است به پایان آورده، و خانه‌هایی را که با آن انس و اُلفت گرفته بودند ویران نموده، و آرامش و آسودگی‌شان را مبدل به پریشانی کرده و برمی‌کند.

بنابراین، عاقل کسی است که غایت اهتمام و همت خویش را برای آماده شدن در روزی که قدمها در آن می‌لغزند بکار بندد، و به اموری که کوتاهی کنندگان بدان سفارش می‌شوند عمل کند؛ زیرا اگر وی کوتاهی کند، کسانی که او را نسبت به تفریط و کوتاهی‌اش سفارش نموده‌اند، معذور خواهند بود، پس مثال او مانند برده‌ای است که مولایش اجازه دهد که در محضرش وارد شود، و هرچه می‌خواهد، درخواست نماید، تا وی زود آن را اجابت نماید، یا اعمال شایسته انجام دهد تا وی کرامت و بخشش خود را نسبت به او دوچندان گرداند، آنگاه آن برده شروع کند به پرس و جو کردن از گوشه‌های مجلس و از بعضی از غلامانی که آنجا هستند، و نوشته‌ای درخواست کند که سفارش خود را در آن بنویسد، تا هنگامی که مولایش او را از محضرش که امکان درخواست و انجام اعمال شایسته بود، بیرون کرد و در راه او بست و به ذلت و خواری و پستی گرفتار گردید، آن را به بعضی از همراهان سلطان که در آنجا هستند برساند. و اتفاقاً سفارشش پیرامون همان اموری باشد که می‌توانست در حال حضور مولایش از او بخواهد و او برآورده سازد، آیا کسانی که از حال او آگاهی دارند، او را به بی‌خردی و نادانی و حماقت نسبت نمی‌دهند و بر او عیب نمی‌گیرند؟!!

پس حال کسی که خداوند - جلّ جلاله - در حال زندگانی به او امکان
مناجات کردن با خود و انجام عبادات و برآوردن خواسته‌هایش را داده، ولی او
کوتاهی و غفلت می‌کند، و می‌خواهد هنگامی که مولایش او را از محضر
زندگانی بیرون کرد و با ذلّت و خواری در زیر اسارت مرگ بیرون راند و در
میان او و پذیرش اعمالش را بست، وصیّت کند، نیز چنین است، و خردمندان و
عاقلان وی را نابخرد و احمق و نادان به شمار درآورده و سرزنش می‌کنند.
پس وقتی بنده پند و اندرز کسی که او را بر احتیاط کاری تشویق می‌نماید،
نپذیرفت، و بر غفلت و اصرار در انجام گناهان ادامه داد، باید حداقل اموری را
که هنگام جان دادن و نزدیکی مرگ و یقین به جدایی زود انجام داده آنها ممکن
است هم اینک در انجام آنها تعجیل کند.

احکام و آداب نوشتن وصیت نامه

اما اموری که وقت برای انجام آن تنگ است، مانند اصلاح حال خویش، و یا امور مربوط به تأمل در امر فرزندان و یا زن یا اموالش که نیاز به صرف وقت است، باید با نوشتن و حضور شهود وصیت کامل بکند، و وصیت را با مهم‌ترین چیزی که در روز موعود بدان نیازمند است شروع کند و سپس آنچه که در مرحله‌ی بعد مهم‌تر است و همینطور... پس ابتدا مسأله تجهیز و دفن و کفن و سایر مراسم خاک سپاری و انتقال خویش به سوی خداوند - جلّ جلاله - را کاملاً ذکر می‌کند. و اگر حالش از انجام این کار تنگ باشد، تا حدّ امکان کوشش خود را می‌کند.

سپس اگر امکان داشته باشد مظالم بندگان خدا را ردّ می‌کند، یا از صاحبان آن به هر صورت که باشد حلالیت می‌طلبد، یا به برادران دینی‌اش وصیت می‌کند که نسبت به حقوق واجب و مستحبّ و ایثار کردن و وجوه خیرات و پرداخت بدهی‌ها و ادای حقوق و انجام واجبات نیز انجام هر عمل واجبی که نیابت بردار است به نیابت از او، به همان ترتیبی که در ردّ مظالم و اصلاح گناهان ذکر نمودیم⁹⁶ او را بریء الذمّة نمایند.

و باید در امور افراد تحت تکفل و اموال خود تأمل کند، و حقیقتاً و در معنی، خداوند - جلّ جلاله - را مخاطب، و او را وصی و وکیل و کارگزار خویش بگیرد، که خداوند برای برآوردن آرزوهای او کفایت می‌کند، بعد صورتاً و ظاهراً هر کس را که در ایام زندگی‌اش به مراقبت و پاییدن خداوند - جلّ جلاله - در گفتار و کردار می‌شناسد، وصی قرار دهد، و اگر امکان نداشت هرکس را که می‌شناسد و یا امید دارد که از جوانمردان و صاحب خاندان و ریشه دار باشد، وصی قرار دهد، و اگر آن نیز امکان نداشت اهل ثروت و توانگران و کسانی که

با وجود قدرت، صاحب حیا هستند، وصی قرار دهد، و اگر این نیز امکان نداشت به همان صورتی که گفتیم با تفویض امور خویش به خداوند - جلّ جلاله - و توکل بر او، او را وصی خود قرار دهد، که اگر در تفویض و توکلش صادق باشد، خداوند - جلّ جلاله - به صورتی بهتر و کامل تر از آنچه که امید می داشت کسی را جانشین او در رابطه با عیال و اموالش می گرداند، و اگر حالتش در حسن ظنّ داشتن و یقین به خداوند - جلّ جلاله - به این مقام والا نرسد، نزدیکترین کس از کسانی که به پیمانهای خویش وفا می کنند و اهل اهتمام هستند و وی امید دارد که بدان عمل کند، وصی خویش قرار می دهد.

اخلاص در باقی گذاشتن اموال برای وارثان از صفات عارفان این است که وقتی در نزد آنان اموالی باشد که بعد از ایشان به وارثان می رسد، به دل و عقل رجوع می کنند، اگر دیدند آنچه را که برای وارثان می گذارند برای خدمت و بندگی خداوند - جلّ جلاله - و برای امتثال امر شریف اوست (مانند کمک رسانی به کسانی که باید به آنها رسیدگی شود مثل وارثان و دیگر کسانی که به آنها می شود وصیت کرد) با همین نیت صادق زود به این امر می شتابند، به گونه ای که گویی آنها را در ایام زندگانی فانی خویش در راه خداوند - جلّ جلاله - خرج نموده و در حقیقت چیزی باقی نگذارده اند، بلکه آن را به عنوان توشه ی راه با خود برداشته، و دستاویزی برای رسیدن به پیروزی و کامیابی در درخواستهایشان که قرب و نزدیکی به خداوندگار رحیم و مهربان است، قرار داده اند.

ولی اگر دیدند دل و عقلشان در ترک اموال این گونه اخلاص را ندارد، بلکه تنها به خاطر عادت و از روی طبع ترک می نمایند، تا مردم فرزندان و وارثان ایشان را در ذلّت احتیاج و بیچارگی نبینند، و کسی به آنان شماتت نکند، یا

برای اندیشه‌هایی غیر این که مقصود از آن عبادت مالک روز معاد نیست، در این صورت پیش از وفات و بیرون آمدن جانشان خودشان را بر مصرف کردن آن اموال در صدقات و اموری که آنها را به خدا نزدیک می‌کند و بر تحصیل صفات کمال، وادار می‌کنند، و به این بسنده نمی‌کنند که اموالشان بعد از آنها بدون نیت قُربت ضایع شود.

ذکر امور مورد نیاز در حال مرگ

و بعد از آن اینجا، ذکر امور مربوط به اصلاح حال و وصیت درباره‌ی وارثان و افراد تحت تکفل به پایان می‌رسد، باقی می‌ماند امور مهمی که بنده هنگام مرگ و بعد از فوت بدان نیاز پیدا می‌کند. از آن جمله عهد و پیمانی است که میّت بدان نیازمند است، و ما ابتدا آن را ذکر می‌کنیم، زیرا عمل به آن نیاز به زمانی است که شهود را گرد آورد تا برای او شهادت دهند.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) از پدران بزرگوارش آمده که رسول خدا (ﷺ) فرمودند: نیکو وصیت نکردن در هنگام مرگ، نقص در عقل و کاستی در جوانمردی انسان محسوب می‌شود.

عرض کردند: ای رسول خدا (ﷺ)، وصیت کردن چگونه است؟ فرمود:

هنگامی که مرگ انسان فرا می‌رسد و مردم به گرد او جمع می‌شوند، بگوید:

اللَّهُمَّ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، إِنِّي أَعْهَدُ
إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ
مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ
أَنَّكَ تَبَعْتُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنْ
النَّعِيمِ مِنَ الْمَأْكُولِ وَالْمَشْرَبِ [يَا: مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشَارِبِ] وَالنِّكَاحَ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ
حَقٌّ، وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ، وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَّفْتَ، وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ، وَأَنَّ الْقَوْلَ
كَمَا قُلْتَ، وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ، وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ.

وَإِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا، أَنِّي رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ السَّلَامِ آلِهِ وَسَلَّمَ، نَبِيًّا، وَبِعَلِيٍّ [وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ أَوْلَادِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ] إِمَامًا، وَبِالْقُرْآنِ
كِتَابًا [وَ بِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً] وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ - عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَام - أُيِّمْتَنِي.

اللَّهُمَّ، أَنْتَ تَقَنَّنِي عِنْدَ شِدَّتِي، وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَعُدَّتِي فِي الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي،
وَ أَنْتَ وَليِّي فِي نِعْمَتِي، وَإِلَهِي وَإِلَهُ آبَائِي. صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى

نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَ آنِسُ فِي قَبْرِی وَحْشَتِي، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
مَنْشُورًا.

- خداوندا، ای پدید آورنده‌ی آسمانها و زمین، ای آگاه به نهان و آشکار، ای خداوند رحمت گستر [بر همگان] و مهربان [به رحمت ویژه بر مؤمنان]، من به راستی در دار دنیا با تو عهد می‌بندم و گواهی می‌دهم که معبودی جز تو نیست، که یگانه‌ای و شریکی برای تو نیست، و حضرت محمد (ﷺ) بنده و فرستاده‌ی توست و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و تمام اهل قبور را برمی‌انگیزی، و حساب کشی و بهشت و تمام نعمتهایی که خداوند در آن وعده داده از جمله خوراکی و پوشاک [یا: خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها] و ازدواج، و آتش [جهنم] حق است، و بی‌گمان دین به همان صورتی است که توصیف فرموده‌ای، و اسلام به همان صورتی است که تشریح نموده‌ای، و گفتار به همان است که فرموده‌ای، و قرآن همان گونه است که فرو فرستاده‌ای، و تو خداوند حق آشکار هستی.

و همانا من با تو در دار دنیا عهد و پیمان می‌بندم که به پروردگاری تو و به دین [حق] بودن اسلام، و به پیامبری حضرت محمد (ﷺ)، و به امامت حضرت علی [و یازده تن از فرزندان و نسل او]، و به کتاب آسمانی بودن قرآن، [و قبله بودن کعبه]، و به امامت اهل بیت پیامبرت (علیهم‌السلام) راضی و خشنودم.

خدایا، تویی تنها مورد اعتماد من در سختی، و امیدم در هنگام ناراحتی سخت، و توشه و ذخیره‌ام در اموری [و مشکلاتی] که بر من فرو می‌آید، و تویی سرپرستم در نعمتم، و معبود من و پدرانم، بر محمد و آل او درود بفرست، و هیچگاه مرا به اندازه‌ی چشم برهم زدنی به خود وامگذار، و در قبرم آنیس و مونس تنهایی من باش، و روزی که با تو ملاقات می‌نمایم، در نزد خود عهد و پیمانی گشوده برای من مقرر بفرما.

این همان عهد و پیمان میّت است که هنگام وصیت کردن به امور مورد نیازش آن را می‌گوید. و وصیت کردن حقی است بر هر مسلمان.

سپس امام صادق (علیه السلام) فرمود: تصدیق این مطلب، فرمایش خداوند - تبارک و تعالی - در سوره‌ی مریم است آنجا که می‌فرماید:

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ، إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا.⁹⁷

- آنان نمی‌توانند شفاعت نمایند، مگر کسانی که عهد و پیمانی از نزد خداوند بسیار مهربان گرفته باشند.

و این همان عهد و پیمان است.

و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود که: آن را به اهل بیت و شیعیانت بیاموز.

بعد امام صادق (علیه السلام) فرمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: آن را جبرئیل (علیه السلام) به من تعلیم نمود.

نسخه‌ی نوشتاری که در کنار جریده⁹⁸ همراه میّت می‌گذارند.

پیش از نوشتن آن می‌گویی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند یگانه نیست، و شریکی برای او وجود ندارد، و گواهی می‌دهم که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) بنده و فرستاده اوست، و بهشت و آتش جهنم حق است، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و خداوند تمام اهل قبور را برمی‌انگیزاند.

سپس می‌نویسی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمَّونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، وَ يَذْكُرُ اسْمَ الرَّجُلِ وَ اسْمَ أَبِيهِ - أَشْهَدُهُمْ وَ اسْتَوْدَعُهُمْ وَ أَقْرَأَهُمْ عِنْدَهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لِشَرِيكَ لَهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله وسلم) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَنَّهُ مُقَرَّبُ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ، وَ أَنَّ عَلِيًّا وَ لِيُّ اللَّهِ وَ إِمَامُهُ، وَ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَ لَدِهِ أَيْمَتُهُ، وَ أَنَّ أَوْلَهُمُ الْحَسَنُ، وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ، وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ النَّارَ حَقٌّ، وَ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله وسلم) رَسُولُ اللَّهِ [جَاءَ بِالْحَقِّ، وَ أَنَّ عَلِيًّا وَ لِيُّ اللَّهِ وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)] وَ مُسْتَخْلَفُهُ فِي أُمَّتِهِ، مُؤَدِيًّا لِأَمْرِ رَبِّهِ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَتُهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، إِبْنَا رَسُولِ اللَّهِ وَ سِبْطَاهُ وَ إِمَامَا الْهُدَى وَ قَائِدَا الرَّحْمَةِ، وَ أَنَّ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ حَسَنًا وَ الْحُجَّةَ - أَيْمَةً وَ قَادَةَ وَ دُعَاةً إِلَى اللَّهِ [جَلَّ وَ عَلا] وَ حُجَّجُهُ عَلَى عِبَادِهِ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، شاهدانی که در این نوشته نام برده شده‌اند گواهی می‌دهند که برادرشان در راه خداوند - عزوجل - فلانی پسر فلانی - و اسم او و نام پدرش را ذکر می‌کند - آنان را گواه گرفت و به آنان سپرد، و در نزد آنان اقرار نمود که شهادت می‌دهد که: معبودی جز خداوند یگانه نیست و شریکی برای او وجود ندارد، و حضرت محمد (ﷺ) بنده و فرستاده خداست، و به تمام پیامبران و فرستادگان اقرار می‌نماید، و اینکه علی فرستاده خدا و امام اوست، و امامانی که از فرزندان علی هستند امامان او، و نخستین آنان حسن، [و سپس] حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی، و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن

محمد و حسن بن علی و قائم حجّت می‌باشند، و اینکه بهشت و آتش جهنم حق است، و قیامت خواهد آمد و شکّی در آن نیست، و خداوند تمام اهل قبور را برمی‌انگیزاند، و اینکه حضرت محمد (ﷺ) رسول خدا است که [دین و حق آورد و اینکه علی، ولی خدا و خلیفه بلافصل بعد از رسول خدا (ﷺ)] او جانشین او در میان امتش بود، در حالی که دستورات پروردگارش - تبارک و تعالی - را ادا نمود، و اینکه حضرت فاطمه دختر رسول خدا، و پسرانش حسن و حسین، دو پسر رسول خدا و نوادگان او و امامان هدایتگر، و راهبران رحمت هستند، و حضرت علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجّت، امامان و راهبران و دعوت کنندگان به سوی خداوند [جل و علا] و حجتهای او بر بندگانش می‌باشند.

سپس به شهود خطاب کرده و می‌گوید: ای فلانی و ای فلانی که در این نوشته نامبرده شده‌اید، این شهادت را در نزد خود برای ما ثابت نگاه دارید، تا اینکه آن را نزد حوض [کوثر] به من باز دهید.

سپس شهود می‌گویند: ای فلانی،

نَسْتَوِدِعُكَ [اللّٰه] وَالشَّهَادَةَ وَالْاِقْرَارَ وَالْاِخْيَاءَ، وَمَوْعُودُهُ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، وَ تَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ [وَرَحْمَةَ اللّٰهِ وَبَرَكَاتِهِ].

- تو و این گواهی و اقرار و برادری [میان یکدیگر] را [به خدا] می‌سپاریم. و وعده‌ی ما در نزد رسول خدا (ﷺ). و بر تو سلام [و رحمت و برکات الهی] می‌فرستیم.

بعد نامه و نوشته را پیچیده و با مهر شهود و میّت مهر کرده و همراه با جریده در سمت راست میّت قرار می‌دهند.

و البته این نوشتار و نامه با کافور و چوب مخصوص که خوشبو نباشد، نوشته می‌شود. ان شاء الله. و توفیق تنها از اوست، و خداوند بر سرورمان حضرت

محمد پیامبر اکرم ﷺ و خاندان برگزیده و نیکوکارش درود فرستد و [آنان را] سلامت و مصون و محفوظ بدارد.

(83) بقره 2 : 15.

(84) در برخی از نسخه‌های کتاب به جای ثَبَّتْنِي لَفْظِ ثَبَّتْ قَدَمَيَّ آمده است.

(85) باید توجه داشت که ختنه کردن برای مرد واجب، و برای زن مستحب است، تعبیر فوق براساس این دو حکم می‌باشد.

(86) مانند نماز خواندن.

(87) یعنی از آن جهت که حضرت حق ذاتاً اهلّیت عبادت را دارد و به جهت محبت و شکر و سپاسگزاری از او، نه از روی ترس از آتش جهنّم، و یا میل و رغبت به بهشت.

(88) ظاهراً مقصود از این استحاضه، همچنانکه بعداً ذکر می‌شود - حالت دوّم و سوّم استحاضه است که اوّلی نیازمند یک غسل، و دوّمی نیازمند سه غسل است.

(89) وضوء و یا تیمّم، بر اساس وظیفه.

(90) یعنی احکامی را که زن حائض و نفساء باید رعایت کند بر او واجب نیست.

(91) یعنی اگر روزه‌اش فوت شده باشد.

(92) یعنی حداقلّ بیش از سه روز.

(93) مؤمنون (23): 99 و 100.

(94) مؤمنون (23): 100.

(95) اعراف (7) : 198.

(96) یعنی با پرداخت، یا حلالیت طلبیدن.

(97) مریم (19) : 87.

(98) جریدتین دو چوب‌تر هستند که همراه با میّت در کفن گذاشته می‌شود. توضیح بیشتر در همین فصل خواهد آمد.

وظایف دیگران نسبت به محتضر

شایسته است که وقتی مرگ انسان فرا رسيد، زیر پاهایش رو به قبله قرار داده شود و یا خودش قرار بدهد، و کسی در نزد او قرآن بخواند - و دو سوره یس والصفات بیشتر از همه سوره‌های قرآن مورد تأکید است -، و نیز به ذکر خداوند متعال مشغول گشته، و شهادتین و اقرار به یکایک ائمه [(عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)] را به ترتیب، و نیز کلمات فرج را به میّت تلقین کند. و کلمات فرج عبارتند از:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمَ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتُهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ.

معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها و در زیر آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می‌باشد. و سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است. و درود و رحمت [ویژه‌ی خداوند] بر حضرت محمد و خاندان پاک او باد.

و نیز شخص جنب و زن حیض در نزد محتضر حاضر نشوند.

بعد قطعات کفن و کافور و دیگر چیزهایی را که برای غسل دادن میّت نیاز است، از پاکیزه‌ترین و بی‌شبهه‌ترین وجهی که مقدور است برداشته می‌شود. البته مستحبّ است که خود انسان در حال حیات خویش آنها را فراهم و آماده کند، تا بعد از وفاتش در تکمیل آن کوتاهی نشود.

ذکر تفصیلی مطالب گذشته

اینک مطالب گذشته را به صورت مشروح ذکر می‌کنیم:

گزینش کفن نیکو و گرانبها برای میت مستحب است که کفن از پارچه‌ی سفید و گران قیمت و زیبا باشد، زیرا در روایت آمده که: 1 - مردم در روز تغابن⁹⁹ به کفنهایشان افتخار نموده و می‌بالند.

2 - و نیز امام صادق (علیه السلام) فرمود: در انتخاب کفنها ی نیکو برای خود بسیار بکوشید، زیرا در روز قیامت با آنها برانگیخته می‌شوید.

3 - از طریق اهل تسنن آمده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بهترین جامه‌های شما، جامه‌ی سفید است، پس خوبان و برگزیدگان آن را بپوشد، و مردگانتان را در آن کفن نمایید، که آن از بهترین جامه‌های شماست.

بر این پایه، این مطلب از طریق فریقین (شیعه و سنی) روایت شده است.

4 - امام صادق (علیه السلام) فرمود: کفنها ی مردگانتان را از جنس خوب برگزینید، که آنها زینت و آرایش مردگانتان می‌باشد.

5 - امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدر بزرگوام (علیه السلام) هنگام مرگ به من وصیت نمود و فرمود: ای جعفر، مرا در جامه‌ای که چنین و چنان باشد و کفنی که این خصوصیات را داشته باشد کفن کن، زیرا مردگان در روز قیامت به کفنها یشان مباحات می‌کنند. (دنباله‌ی روایت ملاحظه شود)

بنابراین، اگر نبود جز اینکه کفن، لباسی است که بنده به امید سلامتی دنیا و سعادت‌مندی در آخرت، با به تن کردن آن در محضر مولایش حاضر می‌شود، و هر بنده‌ای هنگام شرفیاب شدن به حضور آقا ییش خود را آراسته می‌کند، سزاوار بود که انسان نیز خود را برای حضور در محضر آقا یی که امیدوار است او را از تمام مهالک نجات بخشد، بی‌آراید. و حال آنکه کفن عزیزترین و [یا: جلال‌ترین]

و لذت بخش ترین و گرانبها ترین [یا: و والاترین] و برترین و فرازنده ترین جامه
است.

استحباب تهیه کفن از لباس احرام

مستحب است کفن از جامه‌ای باشد که انسان در آن برای حج احرام بسته، زیرا در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در دو پارچه‌ی یمنی، یعنی، یک عبّری، و یک ظفاری¹⁰⁰ احرام بستند، و ایشان را در همان دو کفن کردند.

من نیز با به تن کردن دو حوله از جنس پنبه‌ی سفید احرام نموده، و در موقف عرفات وقوف نمودم، که آن روز جمعه بود، و این وقوف از هنگام وقوف در عرفات، بعد از نماز ظهر و عصر تا بعد از غروب آفتاب، بر اساس آنچه که جود خداوند مالک و مهربان به ما آگاهانید همراه با مناجات برای ما مهیا و فراهم بود، پس وقتی در آن حجّ به جا آورده و به پایان بردم، به منظور ایجاد رابطه (همچون رابطه حسبی و سببی) و توسّل جستن به رحمت خداوند مالک و مهربانتر و گرامی‌تر، آن دو را بر کعبه‌ی شریفه و ارکان بلند مرتبه و استوار آن و بر حجر الاسود مکرم گسترده‌اندیده و پهن کردم.

سپس وقتی به مدینه‌ی النبی (صلی الله علیه و آله) رسیدم، باز به منظور ایجاد رابطه (حسبی و سببی) و توسّل جستن به شفاعت آن مولی و جدّم که بر تمام پیامبران مقدّم است و نیز برای آنکه به واسطه‌ی آن بزرگوار و از خود آن بزرگوار به منتهای آرزوی خویش نایل گردم، باز پشت و روی آن دو را بر حجره‌ی مبارک محمدی (صلی الله علیه و آله) پهن کردم، سپس به سوی ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) که در بقیع مدفونند رهسپار شدم، و باز به منظور ایجاد رابطه و توسّل جهت سلامتی از روز بیمناک و رسواکننده‌ی قیامت چنین کردم.

و وقتی که به مشهد مولای مان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)

رسیدم، بار دیگر آن را به منظور ایجاد رابطه (همچون رابطه حسبی و سببی) و برای اینکه به نهایت امید خود از آن بزرگوار نایل گردم، پشت و روی آن دو را بر ضریح و قبر آن پدر نیکوکارم، که سید و سرور اوصیاء است، پهن کردم. سپس در ایام مصاحبت و زندگی در کربلای مُعلی آن دو را به مشهد مولایمان امام حسین (علیه السلام) بردم و باز به منظور ایجاد رابطه و توسل به حضرتش جهت رسیدن به آرزویم پشت و روی آنها را بر ضریح و قبر آن بزرگوار پهن کردم، سپس در ضریح و قبر مبارک مولایمان امام کاظم، و مولایمان امام جواد، و در ضریح مولایمان امام هادی، و مولایمان امام حسن عسگری، و در محلّ غیبت مولایمان امام مهدی - صلوات الله جلّ جلاله علیهم اجمعین - نیز باز به منظور ایجاد رابطه و توسل جستن به شفاعت آن بزرگواران و خرسندی خداوندگار در روز جزا، چنین کردم.

بعد آن را به اندازه‌ی قطعه‌های کفن بریده و آماده نمودم، و هم اکنون نیز در نزد من است، و بسیار به آن علاقه‌مندم و امیدوارم که با آن به محضر مولای بردبار مهربان نیکوکارم شرفیاب، و در دار رضوان و وارد شوم، تا اینکه خداوند - جلّ جلاله - خلعت‌هایی از محبت و قرب و پذیرایی‌اش را به صورتی که رحمت و جود او اقتضا دارد به این بنده‌اش عطا فرماید، و به آنچه که هنگام وارد شدن و نیل به درگاه او مورد نظر و رضای اوست، مشرف گرداند. ان شاء الله.

آماده کردن کفن و نگاه کردن به آن

گفته نشود که: آماده کردن کفن پیش از مرگ، از ائمه - علیهم السلام - روایت نشده است.

زیرا این مطلب در روایات موجود است، چنانکه مستحب است انسان علاوه بر مهیا کردن کفن پیش از مرگش، در حال زندگانی خویش گاه گاهی به آن نگاه کند.

من نیز گاه گاهی کفن خویش را بیرون می آورم و نیک بدان می نگرم، به گونه ای که گویی می بینم: مرا در آن پیچیده و در پیشگاه حضرت حق قرار دارم و بر خداوند - جل جلاله - عرضه نموده اند.

1 - در کتاب الملحق بتاريخ الطبری تألیف احمد بن کامل بن شجرة، در ضمن حوادث سال 310 هجری قمری آمده است: هنگام غروب آفتاب روز یکشنبه، دو روز مانده از شوال، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید طبری فقیه وفات نمود، و ظهر روز دوشنبه فردای آن روز در خانه اش واقع در رَحَبَه ی یعقوب¹⁰¹ ماند، و در سه جامه ی حَبْرَه¹⁰² که خود وی آنها را در حال حیاتش تهیه، و از جنس خوبی برگزیده بود، کفن و در آنها به خوبی پیچیده شد. و سپس به جهت علائم و نشانه های مخصوص کفن وی، بسیار او را ستوده است.

2 - در جزء دوم کتاب المعجم الکبیر طبرانی، در مسند حذیفه بن یمان دیدم که: حذیفه کسی را فرستاد تا کفنی برای او بخرد، وی کفنی به قیمت سیصد درهم برای او خرید. حذیفه گفت: من این را نمی خواهم، بلکه برای من دو ریطة¹⁰³ سفید خشن بخريد، و این مطلب را به چندین طریق مبسوطتر از این نیز نقل کرده است.¹⁰⁴

3 - و نیز در روایتی آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس کفنش را در خانه‌اش داشته باشد، از غافلان نوشته نمی‌شود؛ و هرگاه که بدان نگاه کند مأجور خواهد بود.

در حدیثی آمده که مولایمان موسی بن جعفر (علیه السلام) پیش از وفاتش - فرمود: ما اهل بیتی هستیم که مهریه‌های زنان و هزینه حج کسی که از ما حج بجا نیاورده، و کفنه‌های مردگانمان از اموال پاکیزه و بی‌شبهه می‌باشد، و کفن من نیز در نزد من است.

و روشن است که مولایمان موسی بن جعفر - (علیه السلام) - بر اساس روایت که بدان اشاره شد، الگوی ما در آماده کردن کفن است.

4 - همچنین در کتاب دلائل الأئمه (علیهم السلام) اخبار و روایات بسیار پیرامون اینکه آن بزرگواران کفن گروهی از شیعیانشان را پیش از مرگشان تهیه نموده و برای آنان فرستاده‌اند، نقل شده است.

احکام و آداب

- 1 - کفن واجب، بر اساس آنچه که از ظاهر مذهب اهل بیت - علیهم السلام - استفاده می‌شود سه قطعه است:
 - الف - لنگ کاملی که به کمر میّت بسته می‌شود.
 - ب - پیراهن کامل.
 - ج - سرتاسری که تمام بدن را فرا گرفته و بپوشاند.
- 2 - مستحبّ است که یک حبره و بُردِ یمنی سرخ یا سفید، و سرتاسری دیگر؛ و نیز پارچه‌ای که بتوان دو رانِ میّت را به هم بست، و بر کمر میّت پیچید، به آنها افزوده شود
- 3 - مستحبّ است جهت احتیاط بیشتر در آمادگی و سعادت‌مندی میّت در پیشگاه الهی، عمامه‌ای بدان اضافه شود.
- 4 - مقدار 3/13 درهم 105 کافوری که آتش بدان نخورده باشد تهیّه می‌شود، که قسمتی از این کافور را برای غسل دوّم از غسل‌های سه گانه میّت، و قسمتی را بعد از انجام غسل‌های سه گانه بر سجده گاه‌های میّت می‌گذارند.
در روایت آمده که: علّت استحباب و افضلیّت 3/13 درهم بودن کافور، به خاطر روایتی است که می‌فرماید: خداوند - جلّ جلاله - - چهل درهم کافور هنگام وفات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به وی هدیه نمود، و حضرت آن را میان خود و مولایمان حضرت علیّ و فاطمه (علیهم السلام) تقسیم نمود. و در نتیجه سهم هر کدام از آن بزرگواران برای مصرف در غسل و حنوط هنگام وفات، 3/13 درهم گردید.
- البته کافور به مقدار کمتر از این نیز، کفایت می‌کند.
- 5 - مستحبّ است بر تمام قطعه‌های کفن نوشته می‌شود که:

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (ﷺ)، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ أَيْمَنَّهُ، أَيْمَنَهُ هُدَى أُبْرَارٍ. [اختیارا] ¹⁰⁶

- فلانی پسر فلانی [به جای این دو کلمه، نام میت و اسم پدر او نوشته می‌شود] گواهی می‌دهد که معبودی جز خدا نیست، و حضرت محمد رسول خدا (ﷺ)، و علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت مهدی (علیهم السلام) امامان او، پیشوایان هدایت‌گر و نیک و برگزیده‌اند.

احکام و آداب 1 - وقتی بنده کفن خویش را مهیا نمود، شایسته است که قبری را که در آن دفن می‌شود نیز آماده نماید، و این کار از امور مهم می‌باشد، زیرا مشاهده می‌شد کسانی که عهده دار تشییع میت به سوی قبر هستند یا غمزده و مشغول به حزن و اندوه هستند، و یا اجیر و مزدبگیرند که تظاهر و تکلف نموده و به جای اشتغال به احتیاط در تجهیز و اصلاح امور میت، سرگرم توجه زندگان به خود می‌شوند.

و گروهی از افراد معتبر بدان عمل نموده‌اند. و در روایت نیز آمده، و خود در روایات (چنانکه ذکرش خواهد آمد) دیده‌ام که: ابا جعفر محمد بن سعید عثمان بن سعید عمری در حال حیات خویش قبر خود را درست نمود.

2 - سزاوار است که قبر به اندازه‌ی تمام قد انسان و یا تا استخوان میان شانه و گلوی انسان باشد، و در سمت قبله‌ی آن لحد و جایی به اندازه‌ی نشستن انسان باشد؛ زیرا قبر منزل خلوت و تنهایی است، و بر حسب عمل به اوامر خداوند - جل جلاله - که موجب قرب و نزدیکی به خشنودیهای الهی می‌شود، وسعت پیدا می‌کند.

من نیز به جوار جدّ و مولایم علیّ بن ابی طالب (علیه السلام) شرفیاب شدم و به کسی دستور دادم که قبری را که خود در آن مکان شریف برگزیده بودم، بکند، در حالی که مقصودم از این کار آن بود که به عنوان مهمان و پناهنده و وارد بر آن بزرگوار شده، و از او درخواست و آرزو نموده، و به تمام آنچه که خلائق بدان توسّل می‌نمایند، توسّل بجویم. و آن را در زیر پاهای پدر و مادرم - **رضوان الله جلّ جلاله علیهما** - قرار دادم، زیرا دیدم که خداوند - جلّ جلاله - به من امر فرموده که نسبت به آن دو تواضع و فروتنی داشته باشم، و سفارش فرموده که به ایشان نیکی و احسان نمایم، لذا خواستم تا زمانی که در قبر هستم، سرم در زیر پاهای آن دو باشد.

گفته نشود که: مگر کسی از عارفان پیش از مرگ، قبر خویش را آماده نموده است؟ زیرا این مطلب در بسیاری از روایات آمده است، از آن جمله:

1 - جدّ نیکبختم ابو جعفر طوسی - رضوان الله علیه - و غیر ایشان در کتاب الغیبة روایت نموده که ابو الحسن علیّ بن احمد دلال قمی می‌گوید: که بر ابی جعفر محمّد بن عثمان، یعنی وکیل مولایمان حضرت مهدی (علیه السلام) وارد شدم تا بر او سلام کنم، دیدم که در پیش روی او چوب ساجه¹⁰⁷ و پارچه‌ی کفنی قرار دارد که آیه‌هایی از قرآن و نامهای ائمه (علیهم السلام) را بر کناره‌های آن می‌نویسد. پرسیدم: ای سرور من، این چوب چیست؟ فرمود: این برای قبر من است، و مرا در قبر بر روی آن می‌گذارند، (یا فرمود: مرا به آن تکیه می‌دهند.) و من اینک نوشتن آن را به پایان بردم، هر روز به داخل قبر می‌روم و بخشهایی از قرآن را در آنجا قرائت می‌کنم و بیرون می‌آیم. [راوی می‌گوید: و گمان می‌کنم که ابو الحسن علیّ بن احمد دلال قمی گفت: وکیل حضرت (علیه السلام) دست مرا گرفت و آن قبر را به من نشان داد و گفت: هنگامی که فلان روز از فلان ماه از

فلان سال شد، من به سوی خداوند متعال رحلت می‌کنم، و در آنجا دفن می‌شوم. و این چوب در آنجا خواهد بود.

وقتی از نزد وی بیرون آمدم، مطلبی را که ذکر فرموده بود ثبت نمودم، و همواره چشم به راه آن بودم، چیزی نگذشت تا اینکه ابو جعفر بیمار شد و درست در همان روز و ماه و سالی که ذکر نموده بود رحلت کرده و در همانجا به خاک سپرده شد.¹⁰⁸

2 - در جزء چهارم کتاب استیعاب آمدم که سفیان بن حرث بن عبدالمطلب سه روز پیش از مرگش قبر خویش را کند، و وی برادر رضاعی رسول خدا (ﷺ) بود.

3 - در جزء هفتم کتاب طبقات آمده که ابوسفیان بن حرث بن عبدالمطلب در حال حیات خویش قبری برای خود کند.¹⁰⁹

گذاشتن نگین انگشتر عقیق در دهان میت

همچنین جدّم ورام بن ابی فراس - قدّس الله روحه - کسی که به کار او اقتدا می‌شود - وصیت نموده بود که بعد از وفاتش نگین انگشتر عقیقی را که نامهای ائمه - صلوات الله علیهم - بر آن حک شده باشد، در دهانش بگذارند. لذا من نیز روی نگین عقیقی نگاشتم:

اللّهُ رَبِّي، وَ مُحَمَّدٌ نَبِيِّ، وَعَلِيٌّ إِمَامِي و پس از نوشتن نام ائمه (علیهم السلام) تا آخر، نوشتم: ائمتی و وسیلتی و وصیت نمودم که آن را بعد از مرگ در دهانم بگذارند، تا هنگام سؤال قبر، پاسخ دو فرشته ای که در قبر از انسان سؤال می‌کنند گردد. ان شاء الله.

و در کتاب ربیع الابرار زمخشری در باب اللباس والحلی دیدم که از بعضی نقل کرده که وی کلمه‌ی شهادت **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را بر نگینی نوشته و وصیت کرده بود که بعد از مرگ در دهانش بگذارند.¹¹⁰

لزوم شادمان بودن نسبت به ملاقات با پروردگار در حال مرگ هنگامی که انسان تمام امور مهمّ مربوط به خود را مهیا نموده و از چیزهایی که به مصلحت حال حیات و بعد از مرگش می‌باشد آسوده گردید، و فرستاده‌ی پروردگار عالمیان و فرشته‌ی مرگ برای انتقال دادن او از دنیا حاضر شد، شایسته است که خوشحال بوده و نسبت به این حالت شادمان باشد؛ زیرا هرکس ملاقات با خداوند را دوست بدارد، خدا نیز ملاقات با او را دوست خواهد داشت، و هرکس ملاقات با خدا را امر ناپسندی بداند، خداوند نیز از ملاقات با او بدش می‌آید.

بنابراین، انسان نباید گول سخن کسانی را بخورد که می‌گویند: ما از مرگ بدمان می‌آید، به خاطر اینکه اگر در دنیا باقی بمانیم، اعمال شایسته بیشتری انجام خواهیم داد.

زیرا اگر مقصودمان از کراهت داشتن از مرگ و انتقال به عالم آخرت این باشد، خود همین شادمانی از ملاقات خداوند از صالح‌ترین و پسندیده‌ترین اعمال می‌باشد. و خرد عقل حکم می‌کند که امر خداوند - جلّ جلاله - را که بر زبان فرشته‌ی مرگ جاری می‌شود آن امتثال نموده، و آن را با پذیرش دریافت کنیم، و با خداوند - جلّ جلاله - ستیزه ننموده، و تدبیر و گزینش خویش را بهتر از تدبیر او نبینیم؛ زیرا بنده نباید در هیچ امری - چه خرد و چه کلان - با مولای خود معارضه و ستیزه نماید.

و نیز هرگز فریفته‌ی سخن کسانی مشو که می‌گویند: ما از آن جهت از مرگ بدمان می‌آید، که مرتکب گناهان شده‌ایم، و دوست داریم که بمانیم و پیش از مرگ آنها را اصلاح کنیم.

زیرا این سخن از فریبه‌های شیطانی است، و گرنه ای کسی که در وقت امکان و توان اصلاح اعمال را از مرگ بدت می‌آید، هم اینک هر چه در توان داری و از آن عاجز نیستی اصلاح نما، که خداوند - جلّ جلاله - عذر تو را پذیرفته و توبه‌ات را مورد قبول قرار می‌دهد، و با کراهت داشتن از پذیرش انتقال به آخرت، میان مخالفت نمودن اوّل و آخر با او - جلّ جلاله - جمع مکن.

و همچنین مبادا گفتار کسانی تو را بفریبد که می‌گویند: ما آخرت خود را ویران کرده و دنیا را آباد نموده‌ایم، لذا بدمان می‌آید که از آبادانی به ویرانه منتقل شویم.

زیرا اینها همه از اشتباهاتی است که برای عاقلان پیش می‌آید، وگرنه، ای کسی که نسبت به مرگ ناخشنودی، هم اینک توان آن را داری که با توبه کردن و پشیمانی از اعمال بد خویش از خطر روز قیامت سالم مانده، و جایگاه اقامت را آباد کنی. و مبادا از غافلان پیروی نمایی، زیرا سرور فرستادگان (ﷺ) بر ادعای یهود خرده گرفته و به آنان خطاب فرموده است که:

فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ، إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.¹¹¹

- پس اگر راست می‌گویید، مرگ را آرزو کنید.

شما نیز ای مسلمانان غافل، اگر از مرگ بدتان می‌آید، سؤال رسول گرامی - ﷺ - به شما برگشته، و مغلوب احتجاجی که بر دشمنان دین نموده، می‌باشید.

اعمال وقت احتضار

- اینک اموری که سزاوار است در حال احتضار بدان عمل شود، ذکر می‌کنیم:
- 1 - واجب است - به کیفیتِ که گذشت - میّت رو به قبله شود، و شاید مقصود از آن این باشد که: خداوندا، همه درها را ترک نموده و با حالت ذلّت بندگی و دلشکستگی از اسباب دنیوی دل بریده، و تنها به سوی تو متوجّه شده‌ام.
 - 2 - مستحبّ است زود دستهای میّت را از سمت راست و چپ دراز نموده و دو طرف بدنش کشیده شود. شاید معنای آن این باشد که پروردگارا، من تسلیم توام و خویشان را با دست و وجود خود در پیشگاه تو انداختم.
 - 3 - مستحبّ است در نزد او قرآن خوانده شود، و دو سوره‌ی یس و صافات فضیلت بیشتری از دیگر سوره‌ها دارند.
 - 4 - چنانکه پیش از این ذکر کردیم مستحبّ است در نزد محتضر کلمات فرج گفته شود، و کم عبارتند از:
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتُهُنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ [الطَّاهِرِينَ].
- معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها و در زیر آنها وجود دارد و پروردگار عرش بزرگ می‌باشد. و سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است. و درود و رحمت [ویژه‌ی خداوند] بر حضرت محمد و خاندان پاک [و پاکیزه‌ی او باد.

5 - از امور مهمّ در این هنگام آن است که شهادت بر یگانگی خداوند - جلّ جلاله و رسالت حضرت محمّد (ﷺ) و امامت و سروری ائمّهی (علیهم السلام) اهل بیت معصوم او را که محتضر بدان اقرار می نمود، به یادش آورده و به او تلقین کنند.

6 - بهتر است کسی که در حضور محتضر است بکوشد که دنیا را در نزد او کوچک جلوه داده، و از دار فنا متنفر و بیزارش نموده، و آرزو و امیدش را به رحمت خداوند - جلّ جلاله - بیشتر و بدان متمایل کند، و گمانش را به خداوند - جلّ جلاله - نیکو، و او را مشتاق ملاقات با او گرداند، تا محتضر در این حالت به جای اشتغال به خداوند - جلّ جلاله - به دار فنا و نیستی مشغول نشده، و روحش با حالت لغزش و کوتاهی و سوء تدبیر و با حالتی که تمام عذرهای [یا: تدبیرهای خود] را پایان یافته می بیند از دنیا خارج نشود.

7 - هنگام سكرات و بی هوشیهای مرگ، سخن گفتن و هر امر دیگری که موجب می شود میّت به آن مشغول می گردد کم کنند.

8 - اگر شخص عارفی نزد مختصر است حاضر است بکوشد که دل و عقل در تمام حرکات و سکنات، به خداوند - جلّ جلاله - توجّه داشته باشد.

احکام مربوط به لحظات بعد از مرگ و هنگامی که میّت به وعدهی خویش وفا نموده و به ملاقات پروردگارش - جلّ جلاله و تقدّس کماله - نایل گردید،

1 - اگر دهانش بسته نبود با پارچه ای آن را از زیر چانه به سرش می بندند، برای اینکه هنگام غسل دادن باز نباشد، و دیگر اینکه: این کار تعظیم میّت مؤمن است، و اکرام و میّت به هر طریق ممکن از جمله توفیقات الهی به بنده می باشد.

2 - اگر چشمانش باز بود آنها را ببندند.

3 - اگر دستها و زانوهایش دراز کشیده نبود، آنها را دراز می کنند.

- 4 - روی میّت را پوشانده و از سر و صورت او محافظت کنند.
- 5 - در انتقال دادن او به سوی مولایش تعجیل می‌کنند.
- 6 - شخص صالح و عارف و مورد اطمینان و خدا ترسی را برای غسل دادنش برگزینند.
- 7 - به اندازه‌ای که برای غسل دادن او کفایت کند، آب آماده کنند.

چگونگی غسل دادن مردگان

- 1 - اگر میّت در همانجایی که فوت نموده غسل داده شود، که هیچ، و گرنه به آرامی و با احترام او را به جایگاه غسل دادنش انتقال دهند.
 - 2 - چالهی مخصوصی برای اینکه آب غسل در آن جاری شود مهیا کنند، زیرا مکروه است که آب غسل به چاه آشغال یا چاه توالت جاری شود، لذا حدّ و مرزی که صاحب شریعت، و تدبیری که خداوند مالک لطیف مقرر فرموده رعایت شود.
 - 3 - لباس میّت را با مهربانی و نهایت احترام و با احساس اینکه این کار زینت میّت است از بدنش درآورند، و اگر ممکن نبود، به آرامی و بدون عجله بشکافند؛ که خداوند - جلّ جلاله - خود نگاهبان و وکیل میّت است و بر این حالت آگاهی و اشراف دارد.
 - 4 - پیش از اینکه عورتش نمایان شود آن را بپوشانند، و تا حاضران نیز از این مصیبت که غیر قابل توصیف است، عبرت گیرند.
 - 5 - غسل دهنده در سمت راست میّت ایستاده و در دل نیّت کند که این میّت را به صورت واجب و برای خدا - جلّ جلاله - غسل می‌دهم.
 - 6 - در حال غسل دادن میّت **اَلْعَفُوْ، اَلْعَفُوْ** گفته و بر او ترحم نماید، و در انجام هر امری که به حال میّت سودمند است کوشش کند.
- زیرا در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام - فرمود: هر مؤمنی که، میّت مؤمنی را غسل داده و هنگام غسل دادن او بگوید:
- رَبِّ، عَفُوْكَ، عَفُوْكَ**.¹¹²
- (پروردگارا، عفو تو، عفو تو را تقاضا می‌کنم.)،
- خداوند او را عفو می‌فرماید.

و نیز در حدیثی آمده که امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر مؤمنی مؤمنی را غسل داده و هنگام برگرداندن میت از سویی به سوی دیگر بگوید:

اللَّهُمَّ، هَذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ، وَقَدْ أُخْرِجَتْ رُوحُهُ مِنْهُ، وَفَرَّقَتْ بَيْنَهُمَا، فَعَفُوكَ عَفُوكَ:

(خداوندا، این بدن بنده‌ی مؤمن توست که روحش از آن بیرون آورده، و میان آن دو جدایی افکندی، پس عفو تو، عفو تو را برای او تقاضا داریم)، خداوند، گناهان یک سال او بجز گناهان کبیره - را می‌آمرزد.

7 - پیش از غسل دادن ابتدا سه بار دستهای میت را می‌شویند.

8 - به آرامی بر شکم میت دست بکشد.

9 - مخرج غایط او را سه بار با اُشنان 113 ساییده شستشو دهند.

10 - به آرامی و وقار و با توجه به خداوندی که از باطن انسانها آگاه و مطلع است، سر میت تا بیخ گردن او را سه بار با آب مخلوط به سدر غسل دهند، سپس باز سه بار سمت راست بدن وی را از بالای شانه تا پایین پا با آب سدر غسل دهند، سپس به آرامی و ملاحظت و مهربانی و عنایت و عطوفت بر میت، او را بر سمت راست بدنش برگردانده و سمت چپ بدن وی را سه مرتبه به همین صورت از بالای شانه تا پایین پا با آب سدر غسل دهند.

11 - در تمام این حرکتها باید عورت میت پوشیده باشد.

12 - هنگامی که غسل با آب سدر را به پایان رسید، چشم از عورت میت برگردانده و پارچه‌ای را که هنگام غسل دادن بر روی میت گذاشته بود برداشته و شستشو دهند، و نیز قسمتی از بدن میت را که زیر پارچه بود، تطهیر نموده و باز همان پارچه و یا پارچه‌ی پاکیزه دیگری را به جای آن بگذارند.

13 - میت را به صورتی که یادآور شدیم، با احترام و تعظیم بر پشت برگردانده و دست بر شکمش کشیده و سر و سمت راست و چپ بدن او را به

همان ترتیب که شرح دادیم با آب مخلوط به کافور غسل دهند. و در برگرداندن میّت از طرفی به طرف دیگر و ترتیب غسل به کیفیتی که توضیح دادیم عمل نمایند.

14 - بار آخر، میّت را با آب خالص - که با سدر و کافور مخلوط نباشد و چیز دیگری بدان اضافه نشده باشد - غسل دهند، و چنانکه یادآور شدیم ابتدا سر و بعد سمت راست و بعد سمت چپ را به کیفیتی که توضیح دادیم، غسل دهند.

15 - اگر غسل دهنده عیبی در بدن میّت باید دید کتمان نماید، زیرا در حدیث آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس، مؤمن میّتی را غسل دهد و امانت را درباره‌ی وی ادا نماید، آمرزیده می‌شود. عرض شد: چگونه امانت را درباره‌ی وی ادا نماید؟ فرمود: هر عیبی از میّت دید به دیگری خبر ندهد. و هرگاه از تمام اموری که یادآور شدیم، فراغت پیدا کردند، شروع کنند شروع به کفن کردن میّت.

چگونگی کفن کردن میّت

- 1 - ابتدا دو چوب تر و سبز را - که مقدارش به اندازه‌ی استخوان بازو باشد - آماده می‌نمایند. و بهتر است که آن دو از چوب سبز درخت خرما باشد.¹¹⁴ و عباراتی را که بر قطعه‌های کفن نوشته می‌شود بر آن دو می‌نویسند.¹¹⁵ زیرا این دو چوب تا زمانی که تر هستند موجب می‌شوند که میّت از عذاب قبر مصون و محفوظ بماند، و مستحبّ هستند.
- 2 - تابوت یا هر چیز دیگر را که قرار است به حسب نیاز، میّت را روی آن گذاشته و حمل نمایند، آماده می‌کنند.
- 3 - سپس شروع به کفن کردن نموده و پارچه‌ای را که خامسه¹¹⁶ نامیده می‌شود، باز نموده و مقداری پنبه در آن گذاشته، و مقداری ذریره که به نام قمحه معروف است¹¹⁷ بر آن پاشیده و با آن عورت (جلو و عقب) میّت را پوشانده و رانهای میّت را محکم می‌بندند. البته همه‌ی این امور را با احترام و مهربانی بر میّت انجام می‌دهند.
- 4 - وقتی از پیچیدن خامسه فراغت پیدا کردند، بر سجده گاههای هفتگانه‌ی¹¹⁸ میّت کافور می‌گذارند، و باقیمانده‌ی کافور را بر سینه‌اش قرار می‌دهند. و باید در تعظیم و اصلاح امر میّت، تقوای خدا - جلّ جلاله - را مراعات کنند.
- 5 - سپس لنگ را از ناف تا هر جایی که عرض آن برسد، به کمر میّت می‌بندند.
- 6 - پیراهن را به او می‌پوشانند، و باید که پیراهن از پشت و جلو دراز باشد به اندازه‌ای که از گامهای میّت زیاده بیاید.

- 7 - چوب‌ترِ راست را در سمت راست بدن میّت بین پیراهن و بدن، متصل به پوست بدن میّت، و چوب دیگر را در سمت چپ بدن او، ما بین پیراهن و سرتاسری قرار می‌دهند.
- 8 - سپس در داخل دهان و گوشهای میّت پنبه و یا هرچه که نیاز باشد می‌گذارند.
- 9 - عمامه بر سر او می‌بندند، و برای عمامه حَنک قرار می‌دهند، به این صورت که: مقداری از گوشه‌ی عمامه را بر سینه میّت گذارده و بعد عمامه را بر سرش می‌بندند، و در آخر نیز مقداری از گوشه‌ی دیگر عمامه را بر سینه میّت قرار می‌دهند.
- 10 - حبره و بُردِ یَمَنی¹¹⁹ و یا هر پارچه‌ی دیگر به جای آن را باز نموده و بعد سرتاسری را باز کرده و پنبه بر آن قرار می‌دهند، و به طور کامل ذریره بر آن می‌پاشند، و سپس با مهربانی بر میّت، او را در سرتاسری و حبره به آرامی می‌پیچند. و دوسر آن را از طرف سر میّت و از سمت پاهایش می‌بندند.
- 11 - میّت را در تابوت یا چیز دیگری که بتوان میّت را روی آن حمل نمود، گذاشته و به سوی جایگاهی که نماز میّت می‌خوانند انتقال می‌دهند.
- 12 - برترین تشییع‌کنندگان کسی است که در پشت سر و در دو سوی تابوت باشد نه جلوی آن؛ زیرا تشییع‌کننده، تابع و پیرو است و لذا صلاح نیست که در پیشاپیش میّت قرار بگیرد.
- 13 - مستحبّ است که تشییع‌کنندگان جنازه را ترییع کنند، به این ترتیب که: ابتدا سمت راست جنازه، و بعد پای راست، و سپس پای چپ، و بعد شانه‌ی چپ را گرفته و بدین ترتیب در پشت و دو سوی جنازه دور زده و او را از هر چهار سو

احکام نماز میت

روش گروهی از اصحاب و نویسندگان ما امامیه در فقه این است که بحث این نماز را به تأخیر انداخته و در کتاب الصلاة می‌آورند، ولی به نظر من ذکر آن در اینجا نزدیکتر به صواب است، زیرا نماز میت مانند نمازهای دیگر نیست، نه طهارت در آن واجب است و نه قرائت و نه شرطهای دیگر نماز که مناجات با پروردگار است. و دیگر اینکه: دوست دارم که اگر کسی به این کتاب دسترسی پیدا کرد و نظرش به آن افتاد، بحث نماز میت را در این باب باز جوید، و نیازی نداشته باشد که آن را از جای دور دست جستجو کند، لذا شاید درست‌تر آن باشد که این بحث در همینجا مطرح شود، اینک احکام نماز میت:

1 - نماز میت واجب کفایی است، یعنی اگر برخی از مکلفین که این نماز بر آنان واجب است، آن را انجام دادند، از دیگران ساقط می‌گردد.

2 - نماز میت بر هر میت مؤمن و شیعه و هرکس که به حکم مؤمن است و شش سال سن دارد واجب است، و مقدم از همه مکلفین در انجام این نماز، فرد مذکوری است که نسبت به میراث و اموال باقی مانده‌ی از میت از همه مقدم‌تر باشد. البته شوهر در نماز خواندن بر همسرش حتی از ولی زن نیز مقدم‌تر است.

3 - در هر وقت از شبانه روز می‌شود بر میت نماز خواند، مگر اینکه وقت یکی از نمازهای واجب یا واجب دیگری که وقتش تنگ شده باشد، در این صورت ابتدا آن واجب را انجام می‌دهند. البته اگر بیم فاسد شدن بدن میت در میان نباشد، وگرنه در این صورت باید ابتدا نماز میت خوانده شود و بر سایر حالات مقدم است [مگر اینکه وقت نماز واجب تنگ شده باشد که در این صورت آنچه که مهم‌تر است انجام می‌شود].^[120]

4 - طهارت نمودن¹²¹ برای نماز میت واجب نیست، ولی اکمل و بهتر است.

5 - آخرین صف در نماز جماعت بر میّت افضل و بهتر از همه‌ی صفوف
می‌باشد.

کیفیت انجام نماز میّت

1 - هنگامی که میّت جهت نماز گزاردن بر زمین گذاشته شد، باید سرش در طرف راست کسی که می خواهد بر او نماز بخواند، و پاهایش در سمت چپ نماز گزار قرار گیرد.

2 - امام جماعت جلوتر از مأمومین قرار می گیرد،

3 - کفشهای خویش را از پا درمی آورد،

4 - امام جماعت اگر میّت مرد باشد روبروی وسط جنازه، و اگر زن باشد روبروی سینهی او می ایستد.

5 - نماز گزار به این صورت نیّت می کند که: نماز می گزارم بر این میّت به صورت واجب و به جهت وجوبش، و برای اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زیندهی پرستش و بندگی است، عبادت نمایم.

6 - در حال بالا بردن دستها تکبیر می گوید.

7 - بعد از تکبیر گفتن، کسانی که در پشت سر او قرار دارند تکبیر می گویند.

8 - تکبیر و دعای بعد از آن به این صورت است:

اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

- خداوند بزرگتر است، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه نیست، و شریکی برای او وجود ندارد، و گواهی می دهم که حضرت محمد (ﷺ) بنده و فرستادهی خداست.

9 - سپس تکبیر دوّم و دعای بعد از آن را چنین می گوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، [وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ]،
وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ
حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

- خداوند بزرگتر است، خدایا، رحمت [ویژه خود را بر محمد و آل او
بفرست، [و بر محمد و آل محمد مبارک گردان]، و محمد و آل محمد را مورد
مهر خویش قرار ده، همانند رحمت و برکتت بر ابراهیم و خاندان ابراهیم،
براستی که تو ستوده‌ی والایی.

10 - سپس تکبیر سوّم و دعای بعد از آن را به این صورت می‌گوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ [وَالْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ]، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ
وَ الْأَمْوَاتِ، وَ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ.

- خداوند بزرگتر است، خدایا، مردان و زنان مؤمن [و مسلمان] و زندگان و
مردگان آنان را مورد مغفرت خویش قرار ده، و خیرات و کارهای نیک را میان
آنان متبادل بگردان، براستی که تو اجابت کننده‌ی دعاها می‌باشی، همانا تو بر
هر چیز توانایی.

11 - بعد تکبیر چهارم و دعای بعد از آن را می‌گوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ، عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ، نَزَلَ بِكَ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ. اللَّهُمَّ، إِنَّا لَا
نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا، وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا. اللَّهُمَّ، إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ، وَ إِنْ كَانَ
مُسيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ [يَا: عَنْ سَيِّئَاتِهِ]، وَ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَ
ارْحَمْنَا إِذَا صَرْنَا إِلَى مَا صَارَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

- خداوند بزرگتر است، خدایا، این بنده و بنده زاده‌ی توست که بر تو وارد
شده، و تو بهترین کسی هستی که بر تو وارد می‌شوند، خداوندا، ما جز خیر و
خوبی از او نمی‌دانیم، و تو به او از ما آگاهتری، خدایا، اگر نیکوکار باشد، در

احسان و نیکوکاری اش بیافزای، و اگر بدکار باشد از [گناهان] او درگذر، و او را با ائمه‌ی اطهار که دوستشان می‌داشت محشور بگردان، و هنگامی که ما نیز به آنجا که او رسید، رسیدیم، بر ما رحم آر، به رحمت ای مهربانترین مهربانها.

12 - و به حسب آنچه از ناحیه‌ی خداوند اکرم الأکرمین بر خاطرش عنایت می‌شود، در دعا کردن بر میت می‌کوشد.

13 - سپس تکبیر پنجم را می‌گوید:

14 - و بعد می‌گوید الْعَفْوُ الْعَفْوُ:

(خداوندا عفو و گذشت، عفو و گذشت را برای او درخواست می‌کنیم)

15 - بر همان حال می‌ایستد تا اینکه جنازه را بردارند.

16 - بعد با خشوع و اقبال و توجه به خدا و در حالی که به ذکر و یاد خدا مشغول است، و با این توجه که خود او نیز در حال وفات و انتقال از دنیا چنین خواهد بود، باز می‌گردد.

17 - اگر میت، دشمن خدا - جلّ جلاله - باشد، و نمازگزار به جهت تقیّه در نماز حاضر شده باشد، بعد از تکبیر چهارم به هرچه که خداوند از آن خشنودتر است، دعا می‌کند.

18 - و اگر میت، مستضعف¹²² باشد، نمازگزار بعد از تکبیر چهارم می‌گوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا، وَاتَّبِعُوا سَبِيلَكَ، وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ.

- خداوندا، کسانی را که توبه نموده و از راه تو پیروی کردند بیآمرز، و از عذاب جهنم نگاهشان بدار.

19 - و اگر میت مجهول باشد و معلوم نشود که دشمن خدا - جلّ جلاله - است، و یا دوست خدا - جلّ جلاله -، بعد از تکبیر چهارم می‌گوید:

اللَّهُمَّ، هَذِهِ نَفْسٌ أَنْتَ أَحْيَيْتَهَا، وَأَنْتَ أَمْتَهَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسِرِّهَا وَعَلَانِيَتِهَا، فَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ تَوَلَّتْ.

- خداوندا، این کسی است که تو زنده‌اش گردانیده و میرانده‌ای، و به نهان و آشکارش آگاهتری، پس او را با هرکس که دوست می‌داشت، محشور فرما.

20 - و اگر میّت بچه بوده و بالغ نباشد، بعد از تکبیر چهارم می‌گوید:

اللَّهُمَّ، اجْعَلْهُ لَنَا وَ لِأَبَوَيْهِ فَرَطًا.

- خدایا، او را پیش فرستاده‌ی ما و پدر و مادرش قرار ده.

تسلیت و اندوه گساری

در روایت آمده که مولایمان علیّ (علیه السلام) فرمود: تسلیت گفتن و اندوه گساری از صاحبان عزا یک بار است، یا پیش از دفن میّت و یا بعد از آن. بعد از انجام نماز با هر سخنی که مایه‌ی عبرت است، و یا به مضامین روایات که خداوند - جلّ جلاله - بر زبانش جاری می‌سازد، به بستگان میّت تسلیت می‌گوید. از بهترین سخنان که از امام صادق - (علیه السلام) - پیرامون تسلیت و اندوه گساری یافته‌ام این است که آن بزرگوار (به این مضمون) فرمود که:

اگر مرگ این میّت موجب شده که تو قرب به پروردگارت پیدا کنی، یا از گناه دور شوی، این مصیبت نیست، بلکه رحمت و نعمتی است بر تو؛ و اگر موجب پندگیری تو نگشته، و تو را از گناه دور ننموده و موجب قرب تو به پروردگارت نشده، پس اگر به پروردگارت معرفت داشته باشی، مصیبت تو به واسطه‌ی قساوت و سنگدلی‌ات از گرفتار شدن به مصیبت میّت بزرگتر می‌باشد. و نیز از جمله سخنانی که هنگام تسلیت گفته می‌شود این است همانا خداوند - جلّ جلاله - در برابر صبر و خشنودی به مصیبت‌ها پاداشی بزرگتر از بقای زندگان عنایت فرموده، و شخص عاقل همواره به مواهب و مناقب بیشتر میل و رغبت دارد، خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید:

الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ¹²³

- آنان که وقتی به مصیبتی گرفتار می‌شوند، می‌گویند: همانا ما از آن خداییم، و تنها به سوی او بازمی‌گردیم، آنانند که درودها و رحمتی از ناحیه‌ی پروردگارشان برای آنان خواهد بود، و هم ایشانند که هدایت پذیر می‌باشند.

و در تسلیت و اندوه گساری عارفان همین بس که مرگ از تدبیرهای خداوند **أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ** و **أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ** است و خداوند هیچگاه در تدبیر و کارسازی و مهربانی و عطوفتش بر نیکوکاران و حتی بدکاران مورد تهمتِ ظلم و ستم قرار نمی‌گیرد.

و اگر برخی از مصلحتها و سعادت‌مندیهایی که در باطن مرگ نزدیکان است برای بستگان مردگان آشکار می‌شود، مسلماً خود میّت و بستگان وی از خداوند درخواست می‌کردند که هر چه زودتر رُخدادهای ناگوار را بر دیگر چیزها مقدّم بدارد، و اگر نمی‌مردند و این مصلحتها و عنایتها به تأخیر می‌افتاد، به خاطر بدست آوردن آن عنایتها بیشتر از گریه‌ای که هنگام مرگ دارند، می‌گریستند.

و آنچه در نزد خردمندان واقعی مهمّ است، مرگ دل و صفات کمال انسانی است؛ و اما مرگ بدنها و انتقال آنها از جایی که محلّ دگرگون شدن زمانهاست، با وجود سلامتی دین، مایه‌ی سعادت‌مندی و افزونی است.

سپس میّت را به محلّ خلوتش با مالک امر و جایگاه تنهایی و وحشتش در یعنی قبر حمل می‌کنند.

کیفیت دفن اموات

وقتی تشییع کنندگان میت به قبر - یعنی جایی که محلّ خوابیدن و دراز کشیدن میت بر خاک، و مجاورت با اهل قبور به جای مجاورت با مردم، و منزلی که خویشان و برادران انسان را تنها گذاشته و می‌روند، و یاوران و همسایگان یاری نمی‌کنند، و انسان در آنجا تک و تنها، و در حالتی که همگان او را رانده و دور نموده‌اند، اقامت می‌کند - رسیدند،

- 1 - جنازه‌ی میت را اگر مرد باشد از پایین قبر وارد قبر می‌کنند.
- 2 - پیش از گذاشتن در قبر سه بار جنازه را تا لبه‌ی قبر نزدیک می‌کنند و بعد وارد قبر می‌کنند؛ زیرا روایت شده که روح میت با این کار برای سؤال قبر و امور هولناکی که روبرو خواهد شد، آمادگی پیدا می‌کند.
- 3 - و اگر جنازه، زن باشد، در سمت قبله بر جلو قبر قرار می‌دهند.
- 4 و 5 - سپس ولیّ میت یا کسی که ولیّ به وی دستور می‌دهد، در حالی که پا و سربرهنه است از جای پاهای میت در قبر، وارد آن می‌شود.
- 6 - میت را - ابتدا سر میت را - با تعظیم و احترام می‌گیرد، و به یاد می‌آورد که در برابر دید و آگاهی خداوند - جلّ جلاله - است و اینکه او وکیل میت در این جایگاه است.

7 - هنگام فرو بردن میت در قبر می‌گوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ.

- خداوندا! این [قبر] را بوستانی از بوستانهای بهشت قرار بده، و آن را

گودال و چاله‌ای از چاله‌های آتش [جهنم] مگردان.

8 - و نیز می‌گوید:

بِسْمِ اللَّهِ، وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ). اَللّهُمَّ، اِيْمَانًا بِكَ، وَتَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ، هَذَا مَا وَعَدَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ. اَللّهُمَّ، زِدْنَا اِيْمَانًا وَتَسْلِيْمًا.

- به نام خدا، و به [وسیله‌ی] خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (ﷺ)، خدایا، [این کار را] از روی ایمان به تو، و تصدیق کتابت [انجام می‌دهم]، این بود آنچه که خداوند و رسولش وعده داده بودند، و خدا و رسولش راست گفتند. خداوندا، بر ایمان و تسلیم ما بیافزای.

9 - سپس میّت را با حالت تسلیم میّت را به پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - سپرده و نزد او به ودیعه می‌گذارد و در این حالت هر چه که خداوند - جلّ جلاله - بر قلب و کلامش جاری ساخت، می‌گوید.

10 - سپس میّت را بر سمت راست بدن و روبه قبله می‌خواباند.

11 - بندهای کفن او را از سمت سر و پاها می‌گشاید.

12 - و گونه‌ی میّت را از روی خاکساری و ذلّت و برای جلب رحمت و عطف مولايش که پروردگار پروردگاران است، روی خاک می‌نهد.

13 - مقداری از تربت امام حسین (علیه السلام) را همراه او قرار می‌دهد، زیرا در روایت آمده که آن مایه‌ی ایمنی از عذاب است، و چون این منزل، منزل هولناکی است انسان نیاز دارد که تا نهایت امکان برای رهایی از آن توسّل جسته و خود را از آن سلامت بدارد.

14 - در حدیث آمده است که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: نخستین مژده‌ای که به مؤمن داده می‌شود، این است که به او گفته می‌شود: خوش آمدی، براستی که خداوند تمام تشییع کنندگان تو را آمرزید، و دعای تمام استغفار کنندگان برای تو را استجابت فرمود، و گواهی تمام کسانی را که به نفع تو شهادت دادند، قبول فرمود.¹²⁴

15 - سپس اموری را که میّت در حال حیاتش بدان معتقد بود (از آن جمله شهادت به یگانگی خداوند - جلّ جلاله - و رسالت رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) - و امامت و بزرگواری [ویا: خلافت و جانشینی] ائمه اهل بیت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را به او تلقین می‌کند،

16 - باید تلقین به وسیله کسی که از اهل یقین است، و نیز به نیّت اینکه جواب دو فرشته‌ی پرسش کننده در قبر است صورت بگیرد، تا اینکه خداوند - جلّ جلاله - به رحمت خویش به واسطه‌ی همین تلقین، میّت را از سؤال منکر و نکیر کفایت فرموده و او را خشنود و چشم روشن گرداند.

17 - سپس خشت روی قبر چیده و می‌گوید:

اللَّهُمَّ، صَلِّ وَحَدِّثْهُ، وَ آنسْ وَحُشَّتْهُ، وَ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، وَ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ.

- خداوند، با او ارتباط برقرار کن و از تنهایی نجاتش بده، و مونس وحشت و احساس تنهایی‌اش باش، و بر غربت او رحم آر، و از رحمت خویش چنان رحمتی به سوی او گسیل بدار، که از رحمت غیر تو بی‌نیاز گردد، و با کسانی که دوستشان می‌داشت محشور فرما.

18 - وقتی چیدن خشت بر قبر را به پایان برد، از سمت پاهای میّت از قبر خارج می‌شود.

19 - خاک روی قبر می‌ریزد، و نیز تمام کسانی که حضور دارند با کف دست، خاک بر روی قبر می‌ریزند، مگر کسانی که نسبتی با میّت دارند.

20 - حال ریختن خاک می‌گویند:

إِنَّا لِلَّهِ، وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، هَذَا مَا وَعَدَ اللَّهُ، وَ صَدَقَ [الْمُرْسَلُونَ]، اللَّهُمَّ، زِدْنَا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا.

- همانا ما از آن خداییم، و تنها به سوی او باز می‌گردیم، این بود آنچه که خداوند به ما وعده داده بود، و [فرستادگان خدا] راست گفتند، خدایا، بر ایمان و تسلیم ما بیافزای.

21 - قبر را با خاک پُر نموده و به اندازه‌ی چهار انگشت از زمین بلند می‌نمایند.

22 - قبر را مسطح درست می‌کنند.

23 - روی قبر آب می‌پاشند.

24 - پاشیدن آب را از سمت سر قبر شروع می‌نمایند، و سپس چهار سوی قبر را دور می‌زنند تا اینکه باز به سر قبر برگردند. و اگر چیزی از آب اضافه ماند، بر وسط قبر می‌ریزند.

(99) یعنی روز قیامت که زیانکاری و فریب خوردگی توده‌ی مردم آشکار می‌گردد.

(100) عِبْر نام بلد یا کناره‌ی درّه‌ای است، و ظَفَّار: بلدی است در یَمَن در نزدیکی صَنْعَاء (به نقل از مجمع البحرین، ج 2، ص 1157 و 1137 مادة ظفر و عبر.)

(101) رَحْبَهْدَر لعنت به معنای فضا و محوطه وسیع است.

(102) حَبْرَه و یا حَبْرَه که جمع آن حَبْر است، در لعنت به نوعی بالاپوش مخصوص از بُرْدَها و لباسهای یَمَنی گفته می‌شود که تمام بدن را می‌پوشاند.

(103) رِبْطَهْدَر لعنت نوعی بالاپوش را می‌گویند که تمام بدن را بیوشاند و دو قطعه نباشد، بلکه یک بافت و یک دست باشد.

(104) المعجم الکبیر، ج 3، ص 163، حدیث 3006 - البتّه در مدرک حدیث یعنی المعجم الکبیر، به جای 300 درهم، 3 درهم، و به جای دو ریطه‌ی سفید خشن، دو ریطه‌ی سفید زیبا و نیکو آمده است. که ظاهراً همین درست است و با بحث مناسبت دارد.

(105) هر درهم شرعی برابر با 21/40 مثقال رایج در بازار و حدود 2/5 گرم است. رک: تحریر الوسیله جلد 2 ص 201 مساله 7. و شرایع الاسلام ص 806 پانوش 50.

(106) و در برخی از نسخه‌ها در آخر، لفظ اَخْبَاراً نیز افزوده شده است.

- (107) ساجه: چوب درخت هندی که در برابر رطوبت آب بسیار مقاوم است.
- (108) غبیه طوسی، ص 364، روایت 332 (با اندک تفاوت در چند لفظ)
- (109) الطبقات الکبری، ج 4 ص 53؛ الاستیعاب، ج 4، ص 239.
- (110) ربیع الابرار، ج 4، ص 29.
- (111) جمعه (62): 6.
- (112)
- (113) نوعی گیاه بیابانی با برگهای سوزنی شکل (نگاه شود به لسان‌العرب، ج 13، ص 18، ماده اشن.
- (114) این عبارت در برخی از نسخه‌های کتاب به این صورت است: ابتدا دو چوب‌تر به اندازه‌ی استخوان بازو از چوب‌تر درخت خرما تهیه می‌کنند، و اگر پیدا نشد از هر درخت تر که باشد.
- (115) که در صفحه‌ی 138 گذشت.
- (116) مقصود از خامسه همان سرتاسری مستحب است که در بحث قطعه‌های واجب و مستحب کفن گذشت.
- (117) در عروة الوثقی (ج 1، ص 295) آمده است: ذریه بنا بر آنچه که گفته شده، دانه‌ای شبیه گندم که وقتی کوبیده می‌شود بوی خوبی دارد، و در زمان ما به آن قُمُحَه می‌گویند، و شاید سابقاً ذریه نامیده می‌شده است.
- (118) پیشانی، کف دو دست، دو زانو، و نوک انگشتان شست پا.
- (119) معنای حبره و بُرد در همین فصل تحت عنوان استحباب آماده کردن کفن از دیدگاه روایات و نگاه کردن به آن احياناً گذشت.
- (120) داخل در برخی از نسخه‌های کتاب نیست.
- (121) وضوء و یا تیمم بر اساس وظیفه.
- (122) مقصود از مُسْتَضْعَف در اینجا، کسی است که از تشخیص مذهب حقّ - یعنی شیعه امامیه اثنی عشری - عاجز بوده، و هیچ دشمنی با آن مذهب نداشته، و در عین حال مجهول الحال هم نباشد.
- (123) بقره (2): 156 و 157.
- (124) نگاه نخست به نظر می‌رسد که قسمت 14 به بحث مربوط نیست، ولی ممکن است مقصود این باشد که در این هنگام بهتر است که انسان برای میت استغفار کند و به اهل خیر بودن او شهادت دهد، لذا مؤلف بزرگوار این روایت را در اینجا ذکر فرموده‌اند

نمازی که بعد از دفن میت در کنار قبر خوانده می‌شود این نماز ضرر و آسیب را از میت دور، و در نیکی به او محسوب می‌شود. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که رسول خدا (ﷺ) فرمود: وقتی میت خود را دفن نمودید و از خاکسپاری‌اش فارغ شدید، وارث یا خویشاوند یا دوست او در کنار قبر ایستاده و دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول یک بار سوره‌ی فاتحه و دو سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، و سوره‌ی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ. معوذتین¹²⁵ کیفیت رکعت دوم به این صورت است که سوره‌ی حمد و اگر خواست سوره‌ی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، و سوره‌ی إِنْ أَنْزَلْنَاهُ رَا بخواند، که این دو سوره از سوره‌های مهمی هستند که در نمازهای نافله خوانده می‌شوند، و بعد رکوع و سجده بجا آورده و در سجده‌اش می‌گوید:

سُبْحَانَ مَنْ تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ، وَ قَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ.

- پاک و منزّه است خداوندی که به قدرت خویش، عزیز و سربلند، و با مرگ بر بندگان چیره و سلطه دارد.

سپس سلام نماز را گفته و رو به قبر نموده و می‌گوید: ای فلانی پسر فلانی، این نماز برای تو و یارانت باشد.

مسلماً خداوند، عذاب و تنگی و فشار قبر را از او برطرف می‌کند، و اگر از پروردگارش بخواهد که مردان و زنان مؤمن و مسلمان، اعم از زنده و مرده آنان را بیآمرزد، خداوند دعای وی را درباره‌ی آنان مستجاب می‌فرماید.

و خداوند متعال به دوست او می‌فرماید: ای فلانی پسر فلانی، چشم روشن باش، که خداوند - عزوجل - تو را آمرزید. و به خود نماز گزار نیز در برابر هر حرف، هزار کار نیک عطا می‌شود، و هزار گناه او محو می‌شود. پس وقتی روز قیامت فرا رسید، خداوند متعال یک صف از فرشتگان را برمی‌انگیزاند که او را تا در بهشت تشییع و بدرقه نمایند، و هنگامی که داخل بهشت شد، هفتاد هزار

فرشته به استقبال او می‌آیند، که با هر یک طبقی از نور است که با دستمالی از اِسْتَبْرَق¹²⁶ پوشیده شده، و در دست هر کدام کوزه‌ای از نور است که در آن آب سَلْسَبِيل¹²⁷ است. پس وی از آن طبق خورده و از آن آب می‌آشامد، و خشنودی خداوند بزرگتر است.

شاید برخی به محض اطلاع از این نماز بگویند: تا کنون دیده نشده که کسی در نزد میّت خود بعد از وفات او این نماز را خوانده باشد.

جواب این است که: اگر سنن شرایع و احکام و مستحبات اسلام را در نظر آوری، می‌بینی که بیشتر آنها آثارش از بین رفته و انوارش خاموش گردیده است، و این نماز نیز که نسبت به انجام آن کوتاهی می‌شود، نمونه‌ای است از امثال آن که از بین رفته است. و ما در بعضی از تصنیفات خود احادیثی چند پیرامون این مطلب ذکر کردیم که: اگر حدیثی درباره‌ی عبادتی به مکلف برسد و وی بدان عمل کند، به سعادت آن دست می‌یابد، اگرچه امر به آن صورت که به او رسیده نباشد¹²⁸. و این بخاطر کَرَم و بزرگواری خداوند - جَلَّ جلاله - و کرامت رسول خدا ﷺ (می‌باشد، و ما این مطلب را به سند خود از محمد بن یعقوب و ابن بابویه نقل نمودیم.

و هنگامی که این امور پایان یافت فراغت پیدا کرد، هرکس از حاضران که خواهان نزدیکی جستن به خداوندگار روز جزاست، میّت را زیارت می‌نماید. کیفیت زیارت قبور اموات در روایت آمده که محمد بن مسلم می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم؟ آیا مردگان را زیارت کنیم؟ فرمود: بله. عرض کردم: آیا وقتی ما به زیارت آنها می‌رویم صدای ما را می‌شنوند؟ فرمود: بله، به خدا سوگند، مسلماً آنان از آمدن شما خبردار شده و شادمان می‌گردند و با شما

اُنس می‌گیرند. وی می‌گوید: عرض کردم: وقتی به زیارت ایشان رفتیم چه بگوییم؟ فرمود، بگو:

اللَّهُمَّ، جَافِ الْأَرْضَ عَنِ جُنُوبِهِمْ، وَ صَاعِدِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ، وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا،
وَأَسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحَدَّتْهُمْ، وَ تُؤْنِسُ بِهِ وَحَشَّتْهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- خداوندا، زمین را از پهلوهایشان بر کنار فرموده و جایگاهشان را وسعت ده، و ارواح آنان را به سوی خود بالا بر، و خشنودیی از جانب خود به ایشان ارزانی دار، و از رحمت خویش چنان رحمتی به سوی آنان گسیل دار که و با ارتباط بر قرار کردن با آنان ایشان را از تنهایی نجات ده، و مُونس وحشت و احساس تنهایی‌شان گردی، برستی که تو بر هر چیز توانایی.

در روایت دیگر صفوان بن یحیی می‌گوید: به حضرت ابوالحسن امام کاظم (علیه السلام) عرض کردم: آیا میت سلام کسی را که به او سلام می‌کند، و دعایی را که شخص در نزد قبر او برای وی می‌کند می‌شنود؟ فرمود: بله، آیا مردگان کفار می‌شنوند و مؤمنان نمی‌شنوند؟! (البته ما این روایت را به صورت اختصار نقل نمودیم.)

شاید مقصود از فرمایش حضرت (علیه السلام) که فرمود: مردگان کفار می‌شنوند، همان کافرانی باشد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از کشتن و به چاه انداختن آنان در جنگ بدر به آنها خطاب نمود که: واقعاً آنچه را که پروردگارم به من وعده داده بود، به صورت حق و راست یافتم.

بعد فرمود: برستی که آنان می‌شنوند، همان گونه که شما می‌شنوید.

و درباره زیارت اموات، روایات فراوانی است که ما آنها را در کتاب المزار

الکبیر ذکر نموده‌ایم.¹²⁹

اشکال و جواب

ممکن است که گفته شود: این توضیحات در رابطه با احکام و آداب اموات از اعمال شبانه روز نیست. در پاسخ می‌گوییم: بر اهل توفیق پوشیده نیست که طهارت با اقسام غسلها از توابع نماز است، و مطالبی که ما مشروحاً پیرامون حالات اموات و دیگر مطالبی که ذکر نمودیم، همگی از توابع آن امور مهم است. و نیز همه‌ی آنچه که ما به شرح بیان کردیم، به صورت مفصل‌تر از این در فقه مطرح شده است، که ما به خاطر ترس از اطاله کلام، آنها را ذکر نکردیم.

فرستادن غذا برای افراد خانواده میّت و اقامه‌ی مجلس عزا از جمله مستحبات مؤکد بُردن غذا و خوراکی برای افراد خانواده و بستگان میّت است، و در این مورد روایتی از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل شده است. و نیز روایت شده که سه روز برای میّت مجلس عزا اقامه کنند، چنانکه در حدیث آمده که امام باقر (ع) فرمود: از روز مرگ عملی که میّت، سه روز برای او مجلس سوگواری اقامه شود.

ذکر عملی که پیش¹³⁰ از شب اول دفن انجام می‌شود حدیفة بن یمان می‌گوید: رسول خدا (ﷺ) فرمودند: هیچ لحظه‌ای سخت‌تر از شب اول دفن برای میّت نیست، پس با صدقه دادن نسبت به مردگانتان مهربانی کنید؛ و اگر نیافتید، دو رکعت نماز بخوانید، به این صورت که: در رکعت اول یک بار فاتحة الكتاب و یک بار آیه الكرسي و دوباره سوره قل هو الله احد؛ و در رکعت دوم یک بار فاتحة الكتاب و ده بار سوره الهمم التکائر قرائت می‌شود. و نمازگزار بعد از سلام نماز بگوید:

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْ ثَوَابَهُمَا إِلَى قَبْرِ ذَلِكَ الْمَيِّتِ، فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

- خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و ثواب این دو رکعت نماز، را
به قبر آن میّت، فلانی پسر فلانی، برسان.

که خداوند در همان لحظه، هزار فرشته را به سوی قبر میّت گسیل می‌دارد که
هر کدام از آنان یک جامه و حُلّه¹³¹ دارد، و تا روزی که در صور قیامت دمیده
می‌شود تنگی قبر او را مبدّل به وسعت می‌کند، و به شماره‌ی هر چیز که آفتاب
بر آن می‌تابد به نماز گزار حسنه و کار نیک عطا شده، و مقامش چهل درجه
بالا برده می‌شود.

با وفا بودن نسبت به اموات

نسبت به مردگان با وفا باش، و حال که رشته‌ی امیدواری میان تو و آنان گسسته است، نسبت به آنان کوتاهی مکن، و به یاد آور که خداوند سبحان - جلّ جلاله - در برابر این وفاداری، چندین برابر آنچه را که آرزو داری، و چندین برابر اخوتی که میان تو و زندگان است، عطا عنایت فرموده، پس اگر باز نسبت به بذل و بخشش خداوند بی‌اعتنایی کنی، شاید اصلاً گفتار و وعده الهی را تصدیق نموده‌ای.

نمازی هدیه به اموات و اگر خواست، دو رکعت نماز بخواند و ثواب آن را به اهل قبور مؤمن آن قبرستان هدیه نماید، و من آن دو رکعت را از مالک بن دینار نقل می‌کنم که وی گفت: شب جمعه بر گورستانی وارد شدم و ناگهان دیدم که نوری درخشان است. از روی تعجب گفتم: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**، گویی که خداوند - عزوجلّ - اهل این گورستان را آمرزیده است. ناگهان شنیدم که هاتقی از دور ندا می‌کند و می‌گوید: ای مالک بن دینار، این هدیه‌ی مؤمنان به برادران ایمانی‌شان از اهل قبور است. گفتم: سوگند به خدایی که تو را به زبان آورد، از تو می‌خواهم که به من بگویی که آن هدیه چیست؟ گفت: مؤمنی در این شب برخاست و وضوی کامل گرفت و دو رکعت نماز خواند و در هر رکعت یک بار سوره **فَاتِحَةُ الْكِتَابِ** و سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ**، و سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** قرائت نمود، و گفت:

اللَّهُمَّ، إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ ثَوَابَهَا لِأَهْلِ الْمَقَابِرِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

- خداوندا، براستی که من ثواب آن را به مؤمنین این قبرستان هدیه نمودم. و خداوند، روشنایی و نور و گشایش و شادمانی را از شرق و غرب و از هر سو بر ما داخل نمود.

مالک می‌گوید: من همواره آن را در شبهای جمعه می‌خواندم، تا اینکه پیامبر اکرم (ﷺ) را در خواب دیدم و ایشان به من فرمود: ای مالک، خداوند در برابر نوری که به اُمّت من هدیه نمودی، ثواب آن را آمرزش تو قرار داد. سپس فرمود: خداوند در قصری بهشتی که مُنیف نامیده می‌شود، خانه‌ای برای تو بنا نمود.

عرض کردم: معنای مُنیف چیست؟ فرمود یعنی مُشْرِفِ بر اهل بهشت. اکنون می‌گوییم: ما هیچ چیز را از کرامت الهی دور نمی‌شماریم، و نسبت به عقیده‌ی و ضمیر این شخص مالک بن دینار خداوند آگاه‌تر است، زیرا وی در زمانی می‌زیسته که تقیّه شدید در آن بوده است.

فصل چهاردهم: احکام و آداب تیمم بدل از غسل، و شرایط لباس و مکان نماز، و ادعیه‌ی هنگام ورود به مسجد

احکام و آداب تیمم گذشت که طهارت با خاک و تیمم هنگام تنگی وقت و ترس از فوت نماز انجام می‌شود، و نیز اموری که آن را باطل می‌کند ذکر شد¹³². چنانکه گفتیم: تیمم در رحمتی است که خداوند - جلّ جلاله - گشوده، و به واسطه‌ی آن بندگان را بر اسباب نیل به خشنودی‌اش رهنمون گردیده، و با این کار هشدار داده که نماز از مهم‌ترین عبادتهاست، و حتی هنگام ضرورت و در هیچ حالتی، از هیچ یک از مکلفین ساقط نمی‌گردد.

کیفیت تیمم بدل از غسل

1 - هرگاه که وقت نماز - خواه واجب باشد و خواه مستحب - تنگ شد، و غسلی بر انسان واجب بود که داخل شدن در نماز جز بعد از طهارت از آن جایز نبود، اگر نمازی که می‌خواهد برای آن طهارت کند واجب باشد، نیت تیمم آن نیز به این صورت است: تیمم واجب بجا می‌آورم، به جهت وجوب، آن، به گونه‌ای که هر چیز که با غسل کردن مباح می‌گردد با آن نیز مباح و جایز شود، و بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زینده‌ی عبادت و پرستش است، عبادت می‌نمایم.

2 - اگر نماز، مستحب باشد، تیمم نیز مستحب و بقیه‌ی نیت آن به همان صورتی است که توضیح دادیم.

3 - سپس مکلف دستهایش را بر زمین یا هر چیزی که در صورت پیدا نشدن خاک به جای آن می‌نشیند، می‌زند، و دستها را به هم می‌زند تا گرد و غبارش بریزد، و با هر دو دست از ابتدای رستنگاه موی سر از بالای پیشانی و تمام جبین و کنار پیشانی تا سرِ بینی که در سمت دهان قرار دارد (به همان صورتی که پیش از این ذکر نمودیم) می‌کشد، و بعد دوباره دستها را بر زمین یا هر چیز دیگر جانشین آن می‌زند، و آنها را به هم می‌زند تا گردش بریزد، و با کف دست چپ، پشت دست راست را از مفصلی که بین کف و بازو قرار دارد تا سر انگشتان دست راست مسح می‌کند، و نیز با کف دست راست، پشت دست چپ را از مفصلی که بین کف و بازو قرار دارد تا سر انگشتان دست چپ مسح می‌نماید.

4 - وقتی اینها را انجام داد، هر چیز که به واسطه‌ی غسل، مباح و جایز بود، بدون کم و کاست جایز و مباح می‌گردد. و هر چیز که غسل را باطل می‌کند،

تیمّم بدل از طهارت کبری یعنی غسل، و تیمّم بدل از طهارت صغری یعنی وضوء را نیز باطل می‌کند. و این مطلب در فصل دوازدهم نیز ذکر شده بود.

5 - اگر برای غسل دادن میّت نیز، امکان نداشته باشد که انسان از آب استفاده کند، بی‌کم و کاست به ترتیبی که شخص زنده‌ی مکلف به غسل، تیمّم می‌کند، میّت را تیمّم بدل از غسل می‌کند.

شرایط لباس و مکان نماز

در رابطه با گزینش جامه و مکان نماز، مهمّ این است که لباس و مکان نماز پاکیزه باشند، به گونه‌ای که نماز خواندن در آن دو برای انسان مباح و جایز باشد. خواه ملّکِ انسان باشند و یا از کسی عاریه و یا اجاره نموده و یا به صورتی غیر از اینها برای او مباح باشند.

صدق در پوشیدن لباس و مقصود از آن

و دیگر اینکه نماز گزار در پوشیدن لباس برای نماز، صادق باشد، و معنای صادق آن است که: باطنش با ظاهرش که می‌گوید آن لباسها را جز برای خدا و جز برای انجام عباداتی که خداوند اراده نموده پوشیده‌ام، باهم سازگار و موافق باشند؛ زیرا اگر قصدش از پوشیدن لباس، لذت نفس و دل باشد، در نزد خدا از این جهت که ادعا می‌کند لباس را تنها برای نماز یا برای پروردگارش پوشیده، دروغگو محسوب می‌شود؛ و همچنین اگر لباس را برای افزون طلبی و فخر و نزدیکی جستن به دلهای بندگان پوشیده باشد، ولی چنین اظهار کند که آن را برای خدمت و بندگی خداوندی که سلطان معاد است پوشیده، دروغگو خواهد بود.

بنابراین، واجب است که در پوشیدن لباس صادق باشد، و گرنه حضرت حق را کوچک شمرده، و مستحق آن است که خداوند - جل جلاله - از خطاب و پاسخ و پاداش دادن به او روی گردان باشد.

دیگر احکام لباس نمازگزار نماز خواندن مرد در لباس ابریشم خالص که ساتر عورت باشد، در صورتی که نمازگزار بداند که لباس ابریشمی پوشیده صحیح نیست، مگر اینکه در جنگ بپوشد و پوشیدن آن به صلاح جنگجو بوده و ناچار از پوشیدن آن باشد. البته توضیح بحث لباس نمازگزار و لباس حلال و مستحب و حرام و مکروه مفصل است که اگر در اینجا ذکر شود، بیم آن است که مطلب به درازا بکشد.

اخلاص و حضور قلب

در انتخاب مکان نماز در رابطه با گزینش مکان نماز نیز بهترین جا برای نمازگزار، مکانی است که بنده در آنجا حضور قلب داشته و با دل به یاد خداوند - جلّ جلاله - بوده، و حقّ حرمت عظمت الهی و ادب خاکساری عبودیت و بندگی را مراعات نماید، و نسبت به اخلاص و اختصاص اعمال برای پروردگار نزدیکتر بوده، و به دور از چیزهایی باشد که باطن و ظاهر انسان را از ایستادن در پیشگاه خداوندی که مولی و مالک انسان و با عظمت‌تر از همگان و خداوندگار دنیا و آخرت است، به خود سرگرم می‌سازند.

صدق در انتخاب مکان نماز و مقصود از آن و نیز نمازگزار باید در اختیار مکان برای خدمت و بندگی خداوند پادشاه بسیار پاداش دهنده، صادق باشد، و معنای صادق بودن آن است که باطنش با ظاهرش که می‌گوید: قصدم از حضور در این مکان و ایستادن در اینجا جز برای خداوند - جلّ جلاله - و طلب خشنودیهای او نیست، موافقت داشته باشند.

در بعضی از داستانها آمده است که: یکی از خواصّ و برگزیدگان در خلوت و تنهایی مشغول عبادت خداوند - جلّ جلاله - بود، و در نزدیکی او درختی وجود داشت که پرنده‌هایی در آن زندگی می‌کردند. وی سجّاده‌ی خود را به زیر آن درخت انتقال داد، تا به درخت و آواز پرندگان که در درخت بودند اُنس بگیرد، ولی از ناحیه‌ی خداوند - جلّ جلاله - معاقب شده و به او گفته شد که: آیا اُنس با ما آن قدر ارزش نداشت که تو را از درخت و پرندگان بی‌نیاز نماید؟ وی توبه نمود و دانست که با این اُنس گرفتن، خود را به خطر انداخته است.

و نیز در برخی از داستانهای اهل محاسبه و مراقبه دیدم که بعضی از آنها که با نشاط و اهتمام و سرور مشغول نماز بود، به درگاه خدا عرض کرد: ای

پروردگار من، آیا در رابطه با حضور قلب و اقبال و توجه قلبی در نماز چیزی باقی مانده که من نیاز داشته باشم پیش از مرگ اصلاحش کنم؟ گفته شد: بله، تو به نسیم سحرگاهان اُنس می‌گیری، و چیز دیگری غیر از ما، تو را به نشاط می‌آورد، و صفات خواص ابرار و برگزیدگان چنین نمی‌باشد، پس در خدمت و بندگی تو شرک، و انگیزه‌ی دیگر غیر از آنچه که ما از اخلاص عبودیت می‌خواهیم، وجود دارد.

بهترین مکان برای نماز اگر حال بنده‌ای که به نماز مکلف است مقاوم و استوار باشد، به گونه‌ای که به تغییر مکانها، اخلاص و اختصاصش دیگرگون نگردد، افضل آن است که در انتخاب مکانهای نماز و جایگاههای دعا، هر مکان و جایگاهی را که شرع مقدّس به آن فضیلت داده انتخاب و پیروی نماید، که با فضیلت‌ترین آنها خانه‌های خداوند - متعال و جلّ جلاله - و مساجد است که مخصوص عبادت اوست، و برترین مسجدها، مسجد الحرام و مسجد مدینه باشد. و البته مطلب در این رابطه بسیار است و ما تنها مقداری از آن را که آماده است، در این راستا و بر اساس روایت ذکر می‌کنیم.

ذکر فضیلت بعضی از مساجد و تفاوت نماز خواندن در آنها

- 1 - از آن جمله در روایت آمده که مولایمان علی بن ابی طالب (علیه السلام) پیوسته می فرمود: هرکس به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را به دست می آورد: برادری که در راه خشنودی خدا از او بهره ببرد، یا علم و دانشی نو و زیبا، یا آیه محکم از قرآن کریم، یا سخنی که او را بر هدایت رهنمون گردد، یا کلامی که او را از هلاکت رهایی بخشیده و برگرداند، یا سنت و روشی که از آن پیروی کند، یا رحمتی از جانب خداوند که انتظارش را می کشیده، یا گناهی که آن را به خاطر ترس از پروردگار یا از روی شرم ترک می کند.
 - 2 - نیز در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس به مسجد برود، بر هیچ تر و خشک قدم نمی گذارد، مگر اینکه آن چیز تا زمینهای هفتگانه برای او تسبیح می گوید.
 - 3 - همچنین در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوار از پدران بزرگوارش از علی (علیه السلام) فرمود: یک نماز در بیت المقدس هزار و یک نماز سپاس شود، و در مسجد اعظم صد و یک نماز، و در مسجد قبيله بیست و پنج نماز، و در مسجد بازار دوزاده نماز، و نماز خواندن در خانه به تنهایی، تنها یک نماز محسوب می گردد.
- ناگفته نماند که در فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام و مسجد النبی - صلی الله علیه و آله و سلم - و مسجد کوفه احادیث معروف و فراوانی نقل شده است.

کیفیت دخول در مسجد کیفیت

دخول در مسجد بر اساس دو روایتی که از مولایمان امام صادق - علیه السلام - و امام حسن عسگری (علیه السلام) که از ابتدای وارد شدن در مسجد تا روبه قبله ایستادن در جای خواندن نماز را شامل می‌شوند، و ما آن دو را باهم مخلوط نموده و باهم ذکر می‌کنیم، بدین ترتیب وقتی انسان خواست وارد مسجد شود، روبه قبله ایستاده و می‌گوید:

بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ، وَ إِلَى اللَّهِ، وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ، وَ اغْلِقْ عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ زُورِكَ وَ عُمَارِ مَسَاجِدِكَ، وَ مِمَّنْ يُنَاجِيكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ مِنَ الَّذِينَ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ، وَ اذْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ [الرَّجِيمَ] وَ جُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ.

- به نام خدا، و به وسیله‌ی خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و بهترین نامها [و کمالات] برای خداست، بر خداوند توکل می‌نمایم، و هیچ دگرگونی و نیرویی به غیر خداوند وجود ندارد، خداوندا، در رحمت و توبه‌ات را بر من بگشای، و درهای معصیت و نافرمانی‌ات را به روی من ببند، و مرا از زیارت کنندگان خود و آباد کنندگان مساجد، و از کسانی که شبانه روز با تو مناجات می‌نمایند، و از آنان که بر نمازهایشان محافظت دارند، قرار ده، و شیطان [رانده شده] و همه‌ی لشگرهای ابلیس را از من دور فرما.

سپس با پای راست وارد مسجد شده و می‌گوید:

اللَّهُمَّ، افْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ، وَ اغْلِقْ عَنِّي بَابَ سَخَطِكَ وَ بَابَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ هِيَ لَكَ. اللَّهُمَّ، اعْظِنِي فِي مَقَامِي هَذَا جَمِيعَ مَا أُعْطِيتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنَ الْخَيْرِ، وَ اصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا صَرَفْتَهُ عَنْهُمْ مِنَ الْأَسْوَاءِ وَ الْمَكَارِهِ، رَبَّنَا، لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أخطَأْنَا، رَبَّنَا، وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا. رَبَّنَا، وَ لَا

تَحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَاعْفُ عَنَّا، وَاعْفِرْ لَنَا، وَارْحَمْنَا. أَنْتَ مَوْلَانَا، فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ¹³³

اللَّهُمَّ، افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ، وَارزُقْنِي نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَتَبَتَّنِي عَلَى أَمْرِهِمْ، وَ
صِلْ مَا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ، وَاحْفَظْهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ
شَمَائِلِهِمْ، وَامْنَعُهُمْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِمْ بِسُوءٍ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ. وَعَلَى كُلِّ مَا تَيَّحْتُ حَقَّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ أَكْرَمُ
مَا تَيَّحْتُ وَخَيْرُ مَزُورٍ وَخَيْرُ مَنْ طُلِبَ إِلَيْهِ الْحَاجَاتُ، وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا
رَحِيمُ، بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِحَقِّ الْوِلَايَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ، وَتَمَنَّ عَلَيَّ بِفِكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

- خدایا، در رحمت و توبهات را به روی من بگشای، و در ناخشنودی و در
تمام گناهان و معاصی را به روی من ببند. خداوندا، در همین جا تمام خیراتی را
که به اولیاء خویش عنایت فرمودی به من نیز ارزانی دار، و همه‌ی بدیها و
ناخوشایندیهایی را که از آنان بازداشتی از من باز دار. پروردگارا، اگر فراموش
یا خطا کردیم بر ما مگیر، [پروردگارا، سنگینی و تکلیف سخت بر دوش ما مینهد،
همچنانکه بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی] پروردگارا، ما را به آنچه
که توان آن را نداریم مکلف منما، و از ما درگذر، و مورد مغفرت و رحمت
خویش قرار ده، تویی سرپرست ما، پس ما را بر گروه کافران یاری فرما.

خدایا، گوشهای دلم را به ذکر و یادت بگشای، و یآوری آل محمد را روزی ام
گردان، و مرا بر امر [ولایت] آن بزرگواران استوار بدار، و پیوند میان من و
ایشان را برقرار دار، و ایشان را از [گزند دشمنان] از پیشارو و پشت سر و دست
راست و چپشان محافظت فرما، و از رسیدن شر و بدی به ایشان جلوگیری
نما. خداوندا، من به خانه تو و به زیارت تو آمده‌ام، و هر که به سوی کسی برود
و زیارتش نماید بر کسی که زیارتش نموده حقی دارد. و تو بهترین کسی هستی

که بر تو وارد می‌شوند و بهترین زیارت شونده و بهترین کسی هستی که حوایج از درگاهت درخواست می‌شود. ای خدا، ای رحمان، ای رحیم، به خاطر آن رحمتت که هر چیز را فراگرفته، و به حق ولایت، از تو خواستارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا وارد بهشت گردانی، و به من منت بگذار و از آتش جهنم آزاد نما.

و هنگامی که به جایی که می‌خواهی نماز بخوانی رسیدی، رو به قبله نما و بگو:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَوْصِيَاءَ الْمَرْضِيِّينَ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي، وَ أَتَوَجَّهُ بِهِمْ إِلَيْكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. اللَّهُمَّ، اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا، وَ انظُرْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً أَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ وَ الْإِيمَانَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهُ إِلَّا بِمَغْفِرَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ. (ربَّنَا، لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ¹³⁴)

اللَّهُمَّ، إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ رِضَاكَ طَلَبْتُ، وَ ثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُمَّ، أَقْبِلْ عَلَيَّ [يا: إلی] بِوَجْهِكَ، وَ أَقْبِلْ إِلَيْكَ بِقَلْبِي، اللَّهُمَّ، أَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ حُسْنِ عِبَادَتِكَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا رَزَقْتَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي، اللَّهُمَّ، تَقَبَّلْ صَلَاتِي، وَ تَقَبَّلْ دُعَائِي، وَ اغْفِرْ لِي، وَ ارْحَمْنِي، وَ تَبَّ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

- خدایا، براستی که من حضرت محمد، پیامبرت، پیامبر رحمت، و اهل بیتش اوصیاء مورد پسندت را در پیشاپیش خواسته‌هایم مقدم می‌دارم، و به واسطه‌ی آنان به سوی تو توسل می‌جویم، پس مرا به واسطه‌ی ایشان در دنیا و آخرت در نزد خویش آبرومند، و از مقربان درگاهت قرار ده. خداوندا، نمازم را به

واسطه‌ی آنان قبول، و دعایم را به خاطر آنان مستجاب، و گناهانم را به جهت آنان آمرزیده، و روزی‌ام را به خاطر آنان وسعت ده، و به وجه [و اسماء و صفات] گرامی‌ات، یک نگاه و گوشه‌ی چشمی به من بنما به گونه‌ای که کرامت و ایمانم به آن کامل گردد، آنگاه نگاهت را از من برگردان مگر اینکه مرا آمرزیده و توبه‌ام را پذیرفته باشی.

پروردگارا، بعد از آنکه هدایت‌مان فرمودی دل‌هایمان را منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش ارزانی‌مان دار، براستی که تویی بسیار بخشنده.

خداوندا، تنها به سوی تو متوجه شدم، و تنها خشنودی تو را خواستارم و فقط ثواب تو را خواهانم، و تنها به تو ایمان آورده و فقط بر تو توکل نمودم. خدایا، با وجه [و اسماء و صفات]ات به سوی من روی کن، و دل مرا رو به سوی خود کن، خداوندا، مرا بر ذکر و شکر و سپاسگزاری و عبادت نیکویت یاری فرما، سپاس خدایی را که مرا از کسانی قرار داد که با او مناجات می‌کنند، خدایا، حمد و ستایش بر تو به خاطر اینکه مرا هدایت فرمودی، و سپاس تو را به جهت اینکه مرا فضیلت دادی، و ستایش تو را به خاطر اینکه مرا روزی دادی، و سپاس تو را به جهت هر گرفتاری نیکویی که مرا بدان گرفتار و امتحان نمودی، خدایا نمازم را قبول، و دعایم را مستجاب فرما، و مرا بیا مرز و بر من رحم آر، و توبه‌ام را بپذیر، براستی که بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

بهترین مکان برای خواندن نماز واجب و مستحب و توجه داشته باش که خواندن نماز نافله در غیر مسجد افضل است، و پیا داشتن نماز واجب در مساجد اکمل می‌باشد، و ما این مطلب را به تفصیل در آینده بر اساس آنچه که خداوند - جلّ جلاله - ما را آگاه نموده با استفاده از آنچه که خداوند به ما آموخته و احسان فرموده، ذکر خواهیم نمود. ان شاء الله تعالی.

فصل پانزدهم: تعیین نخستین نماز واجب

و اینکه آن همان صَلَاةٍ وَسْطَى است. نماز ظهر نخستین نماز واجب مفهوم روایاتی که در این باره وارد شده و به اعتقاد ما به صِحّت و صواب نزدیکتر است، آن است که نخستین نمازی که بر بندگان واجب شده، نماز ظهر است، که دو رکعت بوده. و روایات در این باره بسیار است، و نیازی به ذکر آنها نیست، زیرا این مطلب در نزد برگزیدگان و حضرات معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) که الگوی ما هستند روشن است.

نماز ظهر، همان صَلَوَة وَسْطَى است 1 - و اما اینکه آن همان صَلَاةٍ وَسْطَى است، در روایتی از امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در پاسخ پرسش از فرمایش خداوند که می‌فرماید:

حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى¹³⁵

- بر تمام نمازها و بخصوص بر نماز میانه محافظت کنید.

آمده که فرمود: آن نماز ظهر است، و در همان وقت خداوند نماز جمعه را واجب فرمود، در آن روز، وقتی است که هیچ بنده‌ی مسلمانی در آن لحظه از خداوند خیری را نمی‌خواهد، مگر اینکه خدا به او عطا می‌فرماید.

2 - و نیز از امام باقر (عَلَيْهِ السَّلَامُ) روایت شده که: زن حسن بن علیّ دستور داد که مُصْحَف و قرآنی بنویسند، هنگامی که نویسنده به آیهی حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَوَاتِ الْوَسْطَى رسید حضرت امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَامُ) به او فرمود: حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَوَاتِ الْوَسْطَى وَالصَّلَوَاتِ الْعَصْرِ، وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ. یعنی بر تمام نمازها و به خصوص نماز وسطی و نماز عصر محافظت کنید، و با حالت فروتنی برای خدا قیام نموده و خدا را عبادت کنید.

3 - در حدیث است که امام صادق (ع) فرمود: بر تمام نمازها، و بویژه بر نماز وسطی و نماز عصر محافظت نمایید، و با حالت خضوع و فروتنی برای خدا قیام کنید و خدا را عبادت کنید.

4 - همچنین از طریق اهل تسنن وارد شده که ابن عمر گفت: حفصه دختر عمر دستور داد که مصحف و قرآنی برای او نوشته شود، و به نویسنده گفت: وقتی به آیه‌ی نماز رسیدی، به من نشان ده تا دستور دهم که آن را به همان صورت که از رسول خدا (ﷺ) شنیده‌ام بنویسی، وقتی وی آن را به او ارائه داد، دستور داد که بنویسد: بر همه‌ی نمازها و به خصوص بر نماز وسطی و نماز عصر محافظت نمایید، و با حالت خضوع و فروتنی برای خدا قیام نموده و خدا را عبادت کنید.

5 - و ابو جعفر بن بابویه نیز در کتاب معانی الاخبار در باب معنای نماز وسطی مشابه این حدیث را از عایشه روایت نموده است.¹³⁶

6 - و نیز عبدالله بن سلیمان بن اشعث سجستانی در جزء اول کتاب جمع المصاحف شش حدیث پیرامون اینکه این آیه‌ی شریفه به همین صورت در مصحف عایشه بوده، و هشت حدیث درباره‌ی اینکه آیه شریفه به همین صورت در مصحف حفصه، و دو حدیث درباره‌ی اینکه به همین صورت در مصحف ام سلمه بوده، ذکر کرده است.

بنابراین، تعیین اینکه نماز وسطی همان نماز ظهر است از هر طریق فریقین (شیعه و سنی) روایت شده است.

8 - همچنین شیخ بزرگوار محمد بن علی کراجکی در نامه‌ای که به فرزند خویش نوشته، در رابطه با فضیلت نماز ظهر روز جمعه ذکر کرده (درست به همین لفظ) که: ای فرزند عزیزم، برای نماز ظهر این روز شرافت بزرگی است،

و آن اولین نمازی است که بر سرورمان رسول خدا (ﷺ) واجب شده است. و روایت شده که آن، همان نماز وُسْطی است که خداوند متعال در امر به محافظت بر تمام نمازها، آن را به صورت جداگانه ذکر نموده و فرموده - جَلَّ مِنْ قَائِلٍ - که: حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى.

9 - و کراجکی نیز حدیثی را که ما پیشتر به نقل از زراره از محمد بن مسلم ذکر نمودیم، روایت کرده است.

10 - همچنین در یکی از کتابهای اصول به نقل از ابی بصیر آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: نماز وسطی همان نماز ظهر است، و آن نخستین نمازی است که خداوند بر پیامبر گرامی اش (ﷺ) نازل فرموده است.

11 - و باز در نسخه‌ی قدیمی و زیبای کتاب تفسیر قرآن از صادقین (امام صادق و باقر) (علیه السلام) که هم اینک نیز در نزد ما موجود است، چهار حدیث به چند طریق از امام باقر و صادق (علیه السلام) دیدم که: نماز وسطی همان نماز ظهر است. و رسول خدا (ﷺ) پیوسته می‌فرمودند: بر همه نمازها و به خصوص بر نماز وسطی محافظت نمایید.

12 - همچنین در آن کتاب بعد از این احادیث، دو حدیث دیگر نیز در این باره ذکر نموده است.

13 - افزون بر این، ابوجعفر محمد بن بابویه در کتاب معانی الاخبار نیز نظرش این است که: نماز وُسْطی، همان نماز ظهر است و روایاتی از سوی طریقین (شیعه و سنی) در این باره ذکر نموده است.

14 - همچنین وی در کتاب مدینة العلم روایت کرده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: نماز وسطی همان نماز ظهر، و نخستین نمازی است که خداوند بر پیامبرش (ﷺ) واجب فرموده است.

معنای وُسْطَى

1 - شاید مراد از وُسْطَى همان عَظْمَى و نماز بزرگ باشد، چنانکه خداوند متعال در جای دیگر می‌فرماید:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا¹³⁷

- و اینچنین خداوند شما را اُمَّت بزرگی قرار داد.

2 - ممکن است که به معنای نماز میانه باشد، زیرا نماز ظهر ما بین دو نماز از نمازهای روز (صبح و عصر) واقع است، و نیز در میانه و وسطِ ظهر قرار دارد.

در شگفتی که چگونه تعظیم نماز ظهر و اینکه آن همان نماز وسطی است بر بعضی مخفی مانده است، با اینکه:

اولاً: همگان اتفاق دارند که آن، اولین نمازی است که واجب شده.

ثانیاً: که نماز جمعه‌ای که واجب است در آن وقت واقع است.

ثالثاً: وقتی که دعا در آن مستجاب می‌شود در آن قرار دارد.

رابعاً: آن هنگام، وقت گشوده شدن درهای آسمان و وقت نماز اوّابین است.

خامساً: وجود اینکه در روایت نماز عصر بر آن عطف شده¹³⁸ و امور دیگر از این قبیل.

فصل شانزدهم: اعمال وقت زوال آفتاب و ظهر

دعا و تضرع و زاری وقت زوال و ظهر، جایگاه ویژه برای اجابت دعا، و تضرع و زاری است.

1 - در روایت آمده که عبدالله بن حماد انصاری می گوید: شنیدم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که آفتاب به نقطه‌ی زوال می‌رسد و ظهر می‌شود، درهای آسمان و درهای بهشت‌ها گشوده می‌شود، و حاجتهای بزرگ برآورده می‌گردد. وی می‌گوید: عرض کردم: تاچه هنگام؟ فرمود: به مقداری که بتوان چهار رکعت نماز به آرامی بجا آورد.

2 - نیز در روایتی محمد بن مسلم می‌گوید که از امام باقر (علیه السلام) درباره‌ی رکود و بر جای ماندن آفتاب در هنگام زوال و ظهر پرسیدم. حضرت (در ضمن حدیث طولانی که ما مطالب غیر مرتبط به بحث را حذف نموده‌ایم) فرمود: ای محمد، چقدر جثه تو کوچک و پرسشت مشکل است. ولی تو شایسته‌ی جواب هستی، سپس فرمود: وقتی شعاع آفتاب به مُنتهای عرش می‌رسد، فرشتگان ندا می‌دهند که:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

- معبودی جز خداوند نیست، خداوند بزرگتر است، و پاک و منزّه است خداوند، و حمد و سپاس خدایی را که کسی را به فرزندى نگرفته، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرست و یاری‌گری از روی ذلت و ناتوانی برای او وجود ندارد، و او را با بزرگ دانستن ویژه بزرگتر بدان. وی می‌گوید: عرض کردم: فدایت گردم، آیا برگفتن این سخن در هنگام زوال محافظت نمایم؟ فرمود: بله، بر آن محافظت کن، چنانکه از چشمانت محافظت

می‌کنی، همواره ملائکه با همین تسبیح، خداوند متعال را در آن فضا تسبیح می‌گویند، تا اینکه آفتاب غروب می‌کند.

3 - همچنین در روایتی آورده، آمده است: امام باقر (علیه السلام) فرمود که رسول خدا (ﷺ) فرمودند: هنگامی که آفتاب به نقطه‌ی زوال رسید و ظهر شد، درهای آسمان و درهای بهشتها گشوده می‌گردد، و دعا مستجاب می‌شود، پس خوشا به حال کسی که عمل شایسته‌ای از او در این هنگام بالا برده شود!

4 - به نقل دیگر در ادامه‌ی روایت فوق از امام باقر (علیه السلام) آمده است پس خوشحال به حال کسی که در این هنگام عمل شایسته‌ای برای او به بالا برده شود. در فصل چهل و یکم همین کتاب که پیرامون دعاهای ساعات می‌باشد نیز برخی از روایات پیرامون علت گشوده شدن درهای آسمان برای دعا در هنگام زوال را ذکر خواهیم کرد.¹³⁹

6 - باز در حدیثی آمده که امام باقر (علیه السلام) فرمود: هنگامی که آفتاب به نقطه‌ی زوال می‌رسد، درهای آسمان گشوده می‌گردد، و بادهای رحمت الهی به وزش در می‌آید، و حاجتهای بزرگ در آن هنگام برآورده می‌شود.

7 - در روایت دیگر به نقل از امام صادق (علیه السلام) آمده که: اگر حاجتی به درگاه خداوند داشتی، در هنگام زوال آفتاب آن را بخواه.

8 - و بالاخره روایت شده که امام باقر (علیه السلام) فرمود: پدر بزرگوارم پیوسته می‌فرمود: اگر حاجتی به درگاه الهی داشتی، در همین ساعت و لحظه، یعنی هنگام زوال آفتاب بخواه.

ذکر دعاهایی که جهت استجاب دعا پیش از آن خوانده می‌شود حال که این وقت، وقت ویژه‌ی اجابت دعا و رسیدن به امید، و در گشوده‌ی رحمت الهی است که خداوند - جلّ جلاله - به سوی آن رهنمون شده است. ما نیز افزون بر

ذکر صفاتی که سزاوار است دعا کننده متّصف به آن باشد که گذشت¹⁴⁰ در اینجا نیز دعاهایی چند که شایسته است کسی که می‌خواهد دعایش ردّ نشود، انجام دهد، ذکر می‌نماییم:

1 - در روایت آمده که حضرت ابی الحسن علیّ بن محمّد عسگری (علیه السلام) به نقل از پدران بزرگوارش (علیهم السلام) فرمود: هرکس این دعا را [که در ذیل می‌آید] پیش از دعا بخواند، دعایش مستجاب می‌گردد.

2 - در روایت دیگر آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس دوست داشته باشد که دعایش ردّ نشود، پیش از دعا بگوید:

ما شاءَ اللهُ تَوَجُّهًا إِلَى اللهِ، ما شاءَ اللهُ تَعَبُّدًا لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ تَطْفُؤًا لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ تَذُلًّا لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ اسْتِنصَارًا بِاللَّهِ، ما شاءَ اللهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ، ما شاءَ اللهُ تَضَرُّعًا إِلَى اللهِ، ما شاءَ اللهُ اسْتِغَاثَةً بِاللَّهِ، ما شاءَ اللهُ اسْتِعَانَةً بِاللَّهِ، ما شاءَ اللهُ لِحَوْلٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

- ما شاءَ اللهُ (یعنی هر چه خدا خواست همان می‌شود) از روی توجّه به سوی خدا، ما شاءَ اللهُ از روی پرستش خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی اظهار فروتنی به درگاه الهی، ما شاءَ اللهُ از روی اظهار ذلّت و افتادگی به درگاه الهی، ما شاءَ اللهُ از روی یاری جویی از خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی خضوع و استکانت برای خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی تضرّع و زاری به درگاه الهی، ما شاءَ اللهُ از روی کمک طلبی و پناهنده شدن به خداوند، ما شاءَ اللهُ از روی یآوری جستن از خداوند، هر چه خدا بخواهد همان می‌شود، هیچ دگرگونی و نیرویی وجود ندارد مگر به [وسیله‌ی] خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ.

3 - از جمله دعاها و تضرّعاتی که هنگام ظهر گفته می‌شود، دعایی است که جدّم ابی جعفر طوسی در مصباح کبیر¹⁴¹ ذکر فرموده، که از دعاهای سرّ است:

اللَّهُمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ جُمْلَتُهُ وَ تَفْسِيرُهُ، كَمَا اسْتَحْمَدْتَ بِهِ إِلَى أَهْلِهِ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ
 وَ أَلْهَمْتَهُمْ ذَلِكَ الْحَمْدَ كُلَّهُ. اللَّهُمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ الْحَمْدَ رِضَاكَ عَمَّنْ
 بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ، لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ. اللَّهُمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا رَضِيَتْ بِهِ
 لِنَفْسِكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ، حَمْدًا مَرْغُوبًا فِيهِ عِنْدَ [أَهْلِ] الْخَوْفِ مِنْكَ بِمَهَابَتِكَ،
 وَ مَرْهُوبًا عَنْ¹⁴² أَهْلِ الْعِزَّةِ بِكَ لِسَطْوَاتِكَ، وَ مَشْكُورًا عِنْدَ أَهْلِ الْإِنْعَامِ مِنْكَ لِإِنْعَامِكَ.
 سَبِّحَانَكَ رَبَّنَا، مُتَكَبِّرًا فِي مَنْزِلَةٍ، تَدَهْدَهتْ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَ تَحَيَّرَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ
 بُلُوغِ عِلْمِ جَلَالِهَا، تَبَارَكْتَ فِي مَنَازِلِكَ الْعُلَى، وَ تَقَدَّسْتَ فِي الْآلَاءِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا. يَا
 أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ، لِلْفَنَاءِ خَلَقْتَنَا وَ أَنْتَ الْكَائِنُ لِلْبَقَاءِ، فَلَاتَفْنِي وَ لَا
 نَبْقِي، وَ أَنْتَ الْعَالِمُ بِنَا، وَ نَحْنُ أَهْلُ الْغُرَّةِ بِكَ وَ الْغَفْلَةِ عَنْ شَأْنِكَ، وَ أَنْتَ الَّذِي لَا تَغْفُلُ،
 وَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ، بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَجْرْنِي مِنْ
 تَحْوِيلِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، يَا كَرِيمُ.

- خداوندا، پروردگارا، حمد و ستایش همگی همراه با تفسیر و توضیحش
 [یا: حمد و ستایش، خواه به صورت اجمال و خواه به صورت تفصیلی] برای
 توست، به همان صورتی که از اهل حمد و ستایش آنان را برای آن آفریده و
 آن گونه ستایش کردن را به طور کامل را به آنان الهام فرمودی - می خواهی که
 آن گونه ستایش کنند، خداوندا، پروردگارا، تو را ستایش می نمایم، همچنانکه
 ستایشت را مایه‌ی خشنودی خود از کسانی قرار دادی که به واسطه ستایشت از
 آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمتت را بجا آورند. خداوندا،
 پروردگارا، تو را ستایش می نمایم، چنان ستایشی که آن را برای خود پسندیده و
 بر بندگانت واجب نمودی، ستایش که مورد پسند کسانی باشد که به واسطه
 هیبت و بیم از تو می هراسند، و کسانی که به واسطه‌ی سلطه و غلبه‌ی تو، به تو
 سرافراز گشته‌اند، از آن بیم دارند، و در نزد کسانی که به آنان انعام نموده‌ای، به
 واسطه‌ی انعامت مورد سپاس آنان است.

پاک و منزّهی تو پروردگارا، در حالی که در منزلت خود متکبر هستی، چنان مقام و منزلتی که دیده‌های بینندگان از نیل به دانش جلال و عظمت تو واژگون، و عقلا سرگشته‌اند. و در منازل والایت بلند مرتبه‌ای، و در نعمتهایی که در آن قرار داری پاک و بی‌آلایشی، ای اهل کبریا و بزرگمنشی، معبودی بزرگ جز تو وجود ندارد، ما را برای فنا و نابودی آفریدی، و تو برای بقاء و پابندگی هستی، پس تو نابود نمی‌شوی و ما پایدار نمی‌مانیم، و تو به ما آگاهی، و ما به تو فریفته شده و از مقام تو غفلت داریم، و تو هیچگاه دچار غفلت نمی‌گرددی، و نه چرت تو را فراموش می‌گیرد و نه خواب، ای سرور من، به حقّ خویش بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از تغییر نعمتهایی که در دین و دنیا به من ارزانی داشته‌ای، در پناه خویش درآور، ای بزرگوار.

راوی حدیث می‌گوید: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود که خداوند متعال فرمود: هرگاه بنده این کلمات را بگوید، تمام اموری را که برای بندگان صالح و شایسته‌ام کفایت می‌کنم، برای او نیز عهده‌دار می‌شوم، و به خشنودی خویش از او درمی‌گذرم، و او را ولیّ و دوست خود قرار می‌دهم.

(125) اینجا در اصل نسخه کتاب نیز خالی مانده و چیزی نوشته نشده است.

(126) پارچه‌ی ابریشمی ضخیم.

(127) نام چشمه‌ای مخصوص در بهشت که اولیای خدا از آن می‌نوشند.

(128) به مقدمه مؤلف بزرگوار بر همین کتاب رجوع شود.

(129) مصباح الزائر، ص 512 و 513.

(130) روایتی که خواهد آمد متذکر دو مطلب (صدقه و نماز) است که هر دو در شب اول دفن انجام می‌شود، و نه پیش از آن. لذا شاید لفظ پیش از مؤلف بزرگوار نباشد.

(131) دُله: لباس نو و دو تکه که تمام بدن را بپوشاند.

(132) به فصل دوازدهم رجوع شود.

- (133) بقره (2): 286.
- (134) آل عمران (3): 8.
- (135) بقره (2): 238.
- (136) معانی الاخبار، ص 331، روایت 2 و 4.
- (137) بقره (2): 143.
- (138) لذا مسلماً مقصود از آن، همان نماز پیش از نماز عصر، یعنی نماز ظهر می باشد.
- (139) این فصل از کتاب طبق تقسیم مؤلف بزرگوار - رضوان الله تعالی علیه - در جلد دوم کتاب بوده که متأسفانه بکلی مفقود شده است و در دسترس نیست.
- (140) به فصل ششم و هفتم رجوع شود.
- (141) مصباح المتهدج، ص 31.
- (142) ظاهراً این عبارت در اصل چنین بوده است: *مَرْهُوباً عِنْدَ أَهْلِ الْعِزَّةِ بِكَ...* و ترجمه بر همین اساس است.

فصل هفدهم: اسرار نماز و ذکر نافله‌های ظهر

قابل توجه است که این فصل مطالب چندی را در بردارد:
مطلب اول: اسرار نماز، و مراقبه قلبی و مراعات ادب و حفظ حرکات و
سکنتات در نماز.

مطلب دوم: ذکر نافله‌های نماز ظهر، که نماز اوّابین نامیده می‌شود، و اینکه
دعا در آن هنگام در نزد خداوند اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ مستجاب می‌گردد.
مطلب سوم: ذکر استخاره هنگام نافله‌های نماز ظهر، بر اساس روایتی که در
این باره ذکر خواهد شد.

اسرار نماز باید توجه کرد که نماز مشتمل است بر:

- 1 - نیت نماز.
- 2 - لفظ تکبیر.
- 3 - لفظ **وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ** ::
(روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین
را پدید آورد.)
- 4 - حمد و ستایش و تمجید خدا.
- 5 - ادّعی عبادت و یاری جستن از خداوند جلّ جلاله.
- 6 - دعاهای مختلف.
- 7 - قرائت قرآن.
- 8 - اظهار فروتنی و رکوع.
- 9 - سجده و کرنش و خشوع.
- 10 - شهادت به یگانگی خداوند جلّ جلاله.

11 - شهادت به رسالت ربّانی رسول خدا، حضرت محمد (ﷺ)

12 - صلوات بر او و خاندانش.

13 - سلام نماز.

1 - نیت نماز

پیرامون نیت نماز، باید دانست که اگر از بندگانی باشی که در تمام حرکتهای و سکون خود با خداوند - جلّ جلاله - معامله نموده، و همواره متوجه او هستند، به معنای فرمایش خداوند - جلّ جلاله - معرفت دارند، آنجا که در آیات محکم خویش می‌فرماید:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ¹⁴³

و جنیان و انسانها را نیافریدم، مگر اینکه مرا پرستند.

مسئلاً همواره خود را مهبّی فرمانبری از اوامر او نموده، و دستور خدا به نماز را امتثال کرده، و او را برای اینکه ذاتاً مستحقّ عبادت است پرستش می‌کنی، چنانکه اگر خود را برای ورود شخصیت بزرگوار و ارجمندی آماده کرده باشی، حتماً وقتی او را می‌بینی برای احترام و تعظیم او پیا ایستاده، و به محض دیدن او به وی روی آورده و توجه می‌کنی، و یا اگر خود را برای ورود پیک که در نزدت ارجمند است مهبّاً نموده باشی، وقتی چشم تو به او، و چشم او بر تو افتاد و پیام پیک را شنیدی، بدون تردّد و دودلی زود او را پذیرفته، و نیازی به تجدید نیت پیدا نمی‌کنی.

اما اگر از پروردگارت غافل باشی و توجهت به دنیا و هوا و هوس خویش باشد، هنگام حضور در نماز نیاز پیدا می‌کنی که دل گریخته‌ات را با افسار رشته‌ی عقل و لبّ خویش حاضر ساخته، و آن را به ایستادن در پیشگاه مولایت وادار نمایی، و به یادش آوری که او تو را خوانده و تو را می‌بیند، و با

عقل و قلب خویش قصد کنی که او را از آن جهت که شایسته‌ی عبادت است
بپرستی، و در محضر مناجات با او همانند سعادت‌مندان وارد شوی.
و اگر نماز، نماز واجب و آدا باشد، نیت می‌کنی که: این عبادت را به جهت
وجوبش به صورت آدا به جا می‌آورم، و اگر قضا باشد، قصد می‌کنی که آن را به
صورت قضا بجا می‌آورم، و چه آدا باشد و چه قضا، نیت می‌کنی آن را برای
عبادت و پرستش خداوند - جلّ جلاله - انجام می‌دهم.

2 - ذکر تکبیرة الاحرام

شایسته است هنگام گفتن الله اکبر آن را به عنوان معامله‌ی با خداوند - جلّ
جلاله و قصد عبادت بگویی، نه با حال غفلت و بر طبق عادت. و دیگر اینکه در
گفتن آن صادق باشی.

معنای تکبیر

اما درباره‌ی معنای **اللَّهُ أَكْبَرُ** در روایت آمده که مردی در محضر امام صادق (ع) گفت: **اللَّهُ أَكْبَرُ**، حضرت فرمود: خداوند از چه چیز بزرگتر است؟ آن مرد گفت: از هر چیز. امام صادق (ع) فرمود: خدا را محدود نمودی. آن مرد گفت: چگونه بگوییم؟ حضرت فرمود: بگو خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود.

علّت اینکه حضرت (ع) فرمود: خدا را محدود نمودی، آن است که وقتی خداوند - جلّ جلاله - با اشیاء مقایسه شود و در حالی که همه اشیاء غیر او مُحدَث و پدید آمده هستند، و هر پدید آمده‌ای محدود است، مسلماً هرکس به این صورت معتقد باشد و خداوند را در ردیف و بزرگتر از آنها بداند، خداوند - جلّ جلاله - را محدود قرار داده است.

و علّت اینکه حضرت (ع) فرمود: خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. آن است که علی التّحقیق صفات خداوند - جلّ جلاله - بر او احاطه ندارند، بلکه تنها به خاطر ضیق عبارت بر اهل توفیق و تصدیق، خداوند - جلّ جلاله - و رسولش (ع) الفاظی را پیرامون توصیف جلال الهی به اندازه‌ی قصور [یا: تصوّر] دانش‌بندگان به آنان آموخته‌اند تا هنگامی که می‌خواهند خدا را توصیف کنند بر زبان جاری سازند.

مقصود از عبادت بودن تکبیر و معنای به قصد عبادت گفتن تکبیر این است که: خداوند - جلّ جلاله - در قلب عقلت، به همان اندازه‌ای که خدا از شناخت ذات و صفات کاملش به تو عنایت فرموده، عظمت داشته باشد، و مقصودت از این اعتقادی که به عظمت خداوند داری، و از **اللَّهُ اكْبَرُ** گفتن، تنها عبادت او باشد از آن جهت که او زینده‌ی عبادت است.

مقصود از صدق در گفتن تکبیر

و مقصودم از صدق در گفتن تکبیر آن است که کردارت با گفتارت موافق باشد، به گونه‌ای که هنگام گفتن آن باطنت با ظاهرت - در اینکه ادعا می‌کنی چیزی بزرگتر از خداوندی جلّ جلاله در قلب و عقل و نفس و نیت و وجود ندارد، و هیچ چیز نزد من از او عزیزتر نیست - با هم موافق باشند، و هیچ چیز در آن حال تو را به خود مشغول نسازد، چنانکه خداوند - جلّ جلاله - با بیان صریح قرآن مبین در تهدید کسانی که دیگری را بر خدا مقدم می‌دارند، می‌فرماید:

قُلْ: إِنَّ كَانِ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
اَقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا، أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ، فَتَرْبِصُوا، حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ¹⁴⁴

- بگو: اگر پدران و پسران و برادران و همسران و بستگان و تبارتان و اموالی که بدست آورده‌اید، و تجارتی که بیم کساد و بی‌رواجی آن را دارید، و مسکنهایی که می‌پسندید، در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه خدا محبوبتر است، پس منتظر بمانید تا خداوند امر خویش را بیاورد، و خداوند گروه گناهکار و فاسق را هدایت نمی‌نماید.

بنابراین، هرگاه دیدی عقل و قلب و نفس تو، غیر خدا را بر خداوند - جلّ جلاله - برگزیده و مقدم می‌دارد، بدان که به خاطر همین گناهت، مشمول تهدید و خشم خداوند عالمیان - جلّ جلاله - شده، و هدایت او شامل حال تو نشده و از فاسقین به حساب می‌آیی.

در روایات نیز مشابه این مطلب با توضیح بیشتر از آنچه که در قرآن وجود دارد و مورد قبول عقل نیز هست، آمده است. چنانکه روایت شده‌امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ کس ایمانش به خداوند خالص و ناب نمی‌گردد، تا اینکه

خداوند در نزد او محبوب‌تر از خویشتن و پدر و مادر و فرزندان و فامیل و از همه مردم باشد.

و باز پیرامون اینکه با مقدم داشتن دیگری بر رسول خدا - ﷺ - ایمان حقیقی برای مردم حاصل نمی‌شود، رساتر از این در روایت آمده است، که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: هیچ بنده‌ای ایمان نمی‌آورد، تا اینکه من در نزد وی، محبوبتر از خود وی باشم، و اهل‌بیتم در نزد او محبوبتر از اهل و فامیلش باشند، و فرزندانم محبوبتر از فرزندانش باشند، و وجود من محبوبتر از وجودش باشد. بنابراین، وقتی رسول خدا - ﷺ - مقدم داشتن دیگری بر خود را، صحیح و درست نداند، چگونه با ترجیح غیر بر خداوند - جلّ جلاله -، ایمان حاصل خواهد شد؟!

3 - ذکر توجّه و گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...

پیرامون توجّه، در نماز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: وقتی حضرت علی (ع) برای اقامه‌ی نماز می‌ایستاد، وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ:.

(روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد.)

می‌فرمود، رنگ صورت مبارکش دگرگون می‌شد، به حدّی که در چهره‌اش نمایان می‌گردید.

2 - نیز در حدیث آمده که: حضرت امام حسن بن علی (ع) هرگاه از وضوء گرفتن فارغ می‌شد، رنگ چهره‌اش دگرگون می‌شد.

در این باره از آن بزرگوار پرسیده شد. فرمود: کسی که می‌خواهد بر خداوند صاحب عرش - جلّ و عزّ - وارد شود، شایسته است که رنگش دگرگون شود.

3 - همچنین روایت شده که مولایمان امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که وقت نماز می‌رسید، پوست بدن علی بن الحسین (ع) می‌لرزید، و رنگش زرد می‌شد، و مانند شاخه [ویا: برگ] خشک درخت خرما به خود می‌لرزید.

4 - مشابه آنچه که درباره‌ی مولایمان علی (ع) در هنگام گفتن لفظ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ نقل نمودیم، درباره‌ی مولایمان امام زین العابدین (ع) نیز روایت شده است.

5 - همچنین این دو بزرگوار هنگامی که شروع به خواندن دعای توجّه می‌نمودند، رنگشان زرد گشته، و خوف از خداوند - جلّ جلاله - بر آنان

نمایان می‌شده، زیرا به شکوه و هیبت پادشاهی که در پیشگاهش می‌ایستاده‌اند، معرفت و آگاهی داشته‌اند.

6 - باز در جای دیگران کتاب مطالبی پیرامون خوف پیامبر اکرم (ﷺ) و اهل بیت معصوم او (علیهم‌السلام) هنگام ادای نماز خواهد آمد¹⁴⁵. که یقیناً از این جهت، از ایشان و تبعیت نمی‌کنی و بر خلاف آنچه که ایشان با پادشاه عالمیان معامله می‌کرده‌اند، می‌باشی.

حضور قلب در هنگام ورود در نماز

اکنون می‌گوییم: بر ما همگی واجب است، به خاطر هیبت و احترامی که خداوند - جلّ جلاله - ذاتاً مستحقّ آن است از او بیم داشته باشیم، ولی چنان غافلیم که نه تنها از او بیم نداریم، بلکه به جهت پیروی از خوف معصومین (علیهم‌السلام) که مقتدا و الگوی ما در عبادات الهی هستند، از خدا نمی‌هراسیم، و همچنین به خاطر مخالفت‌های پی‌درپی خود با خواسته‌های او و کوچک شمردن امر و نهی و حبّ و قرب و مناجات مقدّسش نیز از او بیم نداریم. و این نادانی بزرگی به معبود است که به جهل منکران و کافران نزدیک است.

بنابراین، شایسته است که بنده هنگام گفتن **وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ: تحقیقاً توجه کند که در محضر حضرت حقّ است، و اینکه مقصود خداوند - جلّ جلاله - و رسولش (ﷺ) از گفتن **وَجْهَتُ وَجْهِي... این نیست که: تنها صورتم را برای خداوندی که آسمانها و زمین را پدید آورد، رو به قبله نموده‌ام؛ بلکه منظور این است که صورت قلب و عقل خویش را از منحرف شدن و توجه به غیر او - جلّ جلاله - از تمام امور خوشایند و ناخوشایند، به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد.****

به بعضی از عارفان گفته شد: چه نیکو با صورت ظاهر در نماز اقبال و توجه داری؟ فرمود: اگر صورت ظاهر من منحرف نشود، صورت دلم بسیار منحرف می‌شود.

بنابراین، وقتی صورت قلب بکلی به خداوند - جلّ جلاله - اقبال و توجه داشته باشد، اعضا و جوارح نیز بر اساس هدفی که برای آن آفریده شده‌اند یعنی

عبادت و پرستش حضرت حقّ، بر خداوند - جلّ جلاله - توجّه می‌کنند، زیرا
رابطه آنها با قلب مانند فرمانروا و رعیت است.

اختلاف حالات نمازگزاران در هنگام دخول در نماز

1 - اگر نمازگزار با این حالت وارد نماز شود، همانند کسانی که به خدا توجه دارند وارد نماز شده است، و اگر این حالت تا پایان نماز استمرار داشته باشد، به آمال و آرزوی خویش نایل و کامیاب خواهد شد.

2 - اگر نمازگزار در حالی که مولای او وی را مشاهده می‌کند، بلغزد و از او روی برگرداند، حالش بسان حال لغزش کنندگان خواهد بود که هنگام گام برداشتن در مسیر، گاهی افتاده و گاهی می‌ایستند، و چه بسا همین لغزش، دنیا و آخرت وی را تباه نموده و به واسطه‌ی آن، اقبال و توجه به پروردگارش - جلّ جلاله - و خشنودی او از دستش برود.

3 - اگر نمازگزار در حال گفتن **وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي**

فَطَرَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ از هیبت قرار گرفتن در محضر حضرت حق و رعایت حرمت او که واجب است، غفلت داشته باشد و یا خود را به غفلت بزند، در این گفتارش که می‌گوید: با تمام وجود به خداوندی که آسمانها و زمین را پدید آورده، توجه نموده و روی آورده‌ام. دروغگو بوده، و نمازش را با خیانت و دروغ و بهتان آغاز نموده است. و حال کسی که آغاز نمازش تصریح به دروغ و باطل و دشمنی باشد، چگونه خواهد بود؟ آیا مستحق ذلت و خواری نخواهد بود؟!

4 - اگر نمازگزار در حال قیام برای انجام نماز و وارد شدن در آن صفت شخص تنبیل و کسی را داشته باشد که نماز را بر خود سنگین می‌داند، لازم است حال کسانی را که با حالت کسالت و تنبلی به نماز می‌ایستند در صریح قرآن بنگرد¹⁴⁶ و با خود بیاندهد که اگر پیش از حضور در این نماز، دوستی یا برخی از یاوران پادشاه، که محبوب اوست بر او وارد می‌شدند، چگونه برای احترام

آنان بپا می‌خواست و بدون احساس تبدیلی و سنگینی بر آنان و توجه می‌نمود، و لازم است بدانند که خداوند - جلّ جلاله - محققاً در نزد او از بندگانش پست‌تر است. و چه خطر هولناکی!

4 - آداب ستایش و ثنای پروردگار

در خطبه‌ی کتاب گذشت که: ستایش و تمجید از وظایف کسانی است که میان خود و خداوند - جلّ جلاله - از تمام خیانتها و گناهان رسته باشد، و اما کسی که امر واجب مهمّی که وقتش تنگ شده بر گردن اوست، باید ابتدا چیزی را که مهمّتر است انجام دهد و بعد چیز مهمّتر در مرحله‌ی بعد و... و مهمّترین واجب بر او پیش از وارد شدن در نماز و ستایش و تمجید پروردگار، توبه نمودن و بجا آوردن واجبات عینی متعیّن بر اوست، خواه واجبات قلبی باشند و یا بدنی و یا مالی و یا مربوط به اعمال دیگر.

1 - از جمله آدابی که انسان باید هنگام ستایش و ثنای الهی رعایت کند، آن است که:

1 - لذّت و تعلق خاطرش به ستایش خداوند - جلّ و جلاله - و تمجید و ثنای و سپاسگزاری از او نزد او لذّت بخش تر و محبوبتر از ستودن و مدح و ثنای تمام بندگانی باشد که در نزد او عزیز هستند و نیز از مدح و ستایش تمام اهل دنیا برای او در تمام امور باشد. و این ترجیح در محبت مدح و ستایش خداوند - جلّ جلاله - و شکر و سپاسگزاری از او باید به اندازه‌ی تفاوتی باشد که او - جلّ جلاله - در جلال و عظمت و حقّ انعام و بخشش با بندگانش دارد.

2 - اگر بنده از بجا آوردن حقّ این مقام عاجز و ناتوان باشد، حداقل باید محبت مدح و ستایش و شکر و سپاسگزاری از خداوند - جلّ جلاله - در دلش، از مدح و ثنای اهل انعام از خلائق، یا شکر و سپاس از پادشاهان اسلامی ترجیح داشته باشد.

3 - اما اگر حال بنده از این مقام نیز ناقص باشد، و در مدح و ثنای خداوند - جَلّ جلاله - و شکر و سپاسگزاری او سبحانه، از بردگان و بندگانش پست تر باشد، مسلماً ستایش و تمجید خدا را بسیار کوچک و سبک شمرده، و مستحقّ اموری خواهد بود که وعده‌ی عذاب و تهدید الهی متضمّن آن است.

آداب در هنگام گفتن: **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** 147

توجه داشته باش که یوم الدّین، روز حساب و عرضه بر پادشاه عالمیان و آشکار شدن باطن انسانهاست در محضر تمام کسانی که بنده اسرار خود را از آنان پنهان می‌کرد، لذا شایسته است که نمازگزار در این حال از اموری که در روز حساب و سؤال بیم آن می‌رود، بیم و هراس داشته باشد.

در روایت آمده که مولایمان امام زین العابدین (علیه السلام)، هم او که صاحب مقام والایی، در عبادت خداوند بود، هنگامی که **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** می‌فرمود، مکرراً آن را قرائت می‌نمود، تا بحدّی که هرکس آن حضرت را می‌دید، گمان می‌کرد که حضرتش نزدیک است جان بسپارد.

وَمَا الْخَوْفَ مِنْهُ يَحْذَرُونَ، وَلَا الْخَنَا عَلَيْهِمْ، وَلَكِنْ هَيْبَةٌ هِيَ مَا هِيَ 148 - این بزرگواران به خاطر خوف گناه، از خدا نمی‌هراسند، و هیچ نقصی در اعمالشان، و یا سخن نامربوطی در گفتارشان نیست، بلکه به خاطر هیبت و بیم از عظمت الهی چنینند، هیبتی آنچنانی که قابل توصیف نیست.

و خود آگاهی که مولایمان امام زین العابدین (علیه السلام) الگو و مقتدای ما در امور دنیوی و آخروی است، پس با توسّل جستن به هدایت و انوار خداوند - جَلّ جلاله - سوار بر مرکبهای یقین، گام به گام از او پیروی کن، که خداوند - جَلّ جلاله - قادر است تو را به مقامات عارفان که خود سبحانه زینده‌ی آن است، نایل گرداند.

5 - آداب در هنگام گفتن: **إِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**

149

توجه داشته باش که شایسته است بنده در هنگام گفتن **إِيَّاكَ نَعْبُدُ**. صادق باشد. و مقصودم از این سخن آن است که: هنگام به زبان آوردن آن مقصود عبادت خداوند - **جَلَّ جَلَالُهُ** - به امید نیل به منافع زودرس دنیوی یا ثواب دیررس آخروی، یا دفع اموری که در دنیا یا در روز قیامت که مردگان به اراده‌ی خداوند سبحان زنده می‌شوند - از آن بیم‌داری باشد، در حقیقت **نَفْسُ** خود را عبادت نموده‌ای، و عبادتت به خاطر **نَفْسِ** خویش و برای امیال و خواسته‌ها و لذات بوده، و از آن جهت که خداوند - **جَلَّ جَلَالُهُ** - شایسته عبادت است او را عبادت نموده‌ای، لذا **إِيَّاكَ نَعْبُدُ** گفتن تو دروغ و بهتان بوده، و تو را از نیل به کامیابی و رسیدن به سلامت و نیکبختی جلوگیری نموده، و نامت در دیوان و دفتر دروغگویان ثبت خواهد شد، و مسلماً با این کار **نَفْسِ** خویش را در معرض هلاکت و نابودی قرار خواهی داد. آیا کلام پاک و خجسته الهی را نشنیده‌ای که می‌فرماید:

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ¹⁵⁰

- تنها کسانی که ایمان نیاورده‌اند، به دروغ به دیگران افتراء می‌بندند. و همچنین سزاوار است در گفتن **وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** نیز صادق باشی، و در دل حقیقتاً و یقیناً جز از خداوند - **جَلَّ جَلَالُهُ** - یاری نجویی؛ زیرا اگر در این حال در دل از نیرو و قدرت خویش و یا از دنیا و یا مال یا از افراد نیرومند طرفدار خویش یا از آمال و آرزوها و امور دیگر غیر از اینها یاری بجویی، ولی در هنگام گفتن **إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ** قصد کنی که یار و یآوری جز خدا نداری، دروغ گفته

و خود را به خطر انداخته‌ای و خدا را خوار و کوچک شمرده، و به او بهتان زده‌ای، و مستحقّ عواقب کوچک شمردن مولای خود می‌گردی.

6 - آداب نمازگزار در دعاهای نماز

اینک آدابی را که بنده باید در دعاهای نماز مانند **إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** و در هر جایی از نماز که از او خواسته شده با قلب سلیم و دل پاک دعا نماید - رعایت کند، ذکر می‌کنیم:

بخشی از مواردی را که تضرع کنندگان به درگاه الهی باید رعایت کنند، همراه با شرح آن از دیدگاه عقل و نقل، پیش از این ذکر نمودیم¹⁵¹. اینک می‌گوییم:

مبادا به خصوص در هنگام مخاطب قرار دادن مولی و پروردگار خویش، از تهذیب نفس و دل خویش کوتاهی کنی؛ زیرا اگر در حال خواستن چیزی از خداوند - جلّ جلاله - حضور قلب نداشته باشی، یا غفلت داشته باشی، یا نسبت به جلالت و آن مقام کم احترامی نموده و کوچک بشماری، حال تو مانند آن خواهد بود که هنگام مورد خطاب قرار دادن پادشاهی از پادشاهان دنیا برای برآورده ساختن حاجتی، پشت به او نمایی. آیا نمی‌دانی که اگر در حال سخن گفتن با پادشاهان پشت به آنها بکنی، یا به جای اقبال و توجه به آنان، به غفلت و کوچک شمردن آن سرگرم باشی، مستحق آن می‌گرددی که در جواب این عمل تو، تو را از حضورشان برانند، و از مهر و رحمتشان محروم گردانند؟ و چه بسا که اگر تو را در اثر این بی‌احترامی و اهانت به زندان بباندازند، و شکنجه و آزار بسیار دهند، باز باورت این خواهد بود که گناه شکنجه‌هایی که می‌کشی، از توست. و خویشتن را مستحق مؤاخذه بر کوتاهی‌ات می‌بینی؛ بنابراین، نکند که احترام مالک دنیا و آخرت در نزد تو از حرمت پادشاهانی که یکی از بندگان او در این دنیای حقیر و فانی‌اند، کمتر باشد.

و اگر با ابتلا به این حالت غفلت که ذکر نمودیم، اجابت دعاهایت به تأخیر افتاد، گناه از توست، و خداوند - جَلَّ جلاله - به تو نیکی فرموده که عقوبت آن جنایتها و گناهانت را عفو نموده است.

و مبادا به قلبت خطور کند یا با زبان بگویی - چنانکه از برخی از غافلانی که حقیقت دین و ایمان در دلشان وارد نشده شنیده می‌شود که بر شیوه‌ی افزون طلبی می‌گویند - : ما دعا می‌کنیم و استجاب آن را به صورتی که در قرآن ذکر شده، نمی‌بینیم. به گونه‌ای که گویی به پندار آنان خداوند - جَلَّ جلاله - در استجاب دعا، خُلف وعده نموده است. که این کار در نزد اهل ایمان بسان کفر است.

زیرا اگر شناخت یقینی به خداوند - جَلَّ جلاله - داشتند، بر گفتن این سخن اقدام نمی‌کردند که در محضرش - که عقل را می‌رُبايد - بگویند که: تو به ما وعده دادی که دعایمان را مستجاب نمایی، ولی در اجابت آن خُلف وعده نمودی. بلکه این سخنان به خاطر آن است که یا آنان هنگام دعا به حضرت حق معرفت و شناخت ندارند، یا هنگام ایستادن در محضر خداوند - جَلَّ جلاله - متذکر نیستند که در محضر مالک دنیا و دین قرار دارند. اینان شایسته آنند که خداوند - جَلَّ جلاله - از استجاب دعاهایشان روی برگرداند، و ایشان را همین بس که او - جَلَّ جلاله - از مؤاخذه‌ی آنان بر غفلتها و نادانی‌هایشان عفو نموده است.

در روایت آمده که به مولایمان امام صادق - عَلَيْهِ السَّلَامُ - عرض شد: چه شده ما را که به درگاه خداوند - جَلَّ جلاله - دعا می‌کنیم، ولی دعایمان مستجاب نمی‌گردد؟ فرمود: زیرا شما نسبت به کسی که می‌خوانید، آگاهی و شناخت ندارید.

7 - ذکر آداب معنوی قرائت قرآن

اینک آدابی را که باید بنده در نمازها به صورت اجمالی در هنگام قرائت تمام آیات قرآن رعایت کند ذکر می‌کنیم:

قابل توجه است که از جمله آدابی که باید بنده هنگام تکلم با مولایش که می‌داند به او می‌نگرد، رعایت کند این است که: ابتدا به مقام والای او توجه کند و متذکر شود که در محضر او قرار دارد. و نیز گوش فرا دادن به کلام او را برای خود مایه‌ی شرافت بداند و از آن احساس لذت کند، و در برابر عظمت او مؤدب باشد، سپس کلام مقدس او را به نیت نیابت از خداوند - جلّ جلاله - و اینکه گویی خداوند خود کلامش را قرائت می‌نماید و نیز خداوند - جلّ جلاله - به او توجه نموده و کلام پاکش را از او می‌شنود، تلاوت نماید.

بنابراین، مبدا حال تو در هنگام تلاوت قرآن شریف پست‌تر از هنگامی باشد که برخی از کتابهای نگاشته شده را به منظور نزدیکی جستن به نویسندگان آنها که در تمام امور به آنان محتاج هستی - در حضور آنان قرائت می‌کنی؛ زیرا خود آگاهی که هنگام خواندن کتابی حضور نویسنده‌ی آن تمام تلاش خود را در حضور قلب بذل می‌نمایی، و در پاکیزه ساختن زبان خویش نهایت کوشش را می‌کنی، و با تمام باطن و حفظ نمودن نفس خویش در حرکتهای و سکناات، توجه خویش را منعطف به او و خواندن کتابش می‌کنی، پس مبدا خداوند - جلّ جلاله - در هنگام قرائت کلامش در نزد تو کمتر از سایر نویسندگان باشد، زیرا اگر خداوند - جلّ جلاله - را پست‌تر از این حال بشماری، نسبت به هلاکت و استحقاق عقوبت نزدیکتر خواهی بود.

در این باره، به کسی اقتدا کن که ادعا می‌کند به انوارش هدایت یافته و از راه و روشش الگو می‌گیری، که روایت شده مولایمان جعفر بن محمد صادق (علیه السلام) در حال قرائت قرآن در نماز، حالت بی‌هوشی به او دست داد، وقتی به هوش آمد، از آن بزرگوار پرسیده شد: چه چیز باعث شد که شما به این حالت مبتلا شدید؟ حضرت فرمود (به این مضمون) که: پیوسته آیات قرآن را تکرار می‌نمودم، تا اینکه به حالتی رسیدم که گویی آن را از کسی که نازل فرمود شفاهاً و به مکاشفه و عیان می‌شنوم، لذا قوه‌ی بشری تاب مکاشفه‌ی جلال الهی را نیاورد.

ای کسی که از حقیقت این مطلب آگاه نیستی، مبدا آن را بعید بشماری، یا شیطان در صحت آنچه که روایت نمودیم، شک و تردید در تو ایجاد نماید، بلکه آن را باور کن، آیا نشنیدی که خداوند - جل جلاله - می‌فرماید:

فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ، جَعَلَهُ دَكًّا، وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا¹⁵²

- پس هنگامی که پروردگارش به کوه تجلّی فرمود، آن را فروپاشانند، و حضرت موسی (علیه السلام) بی‌هوش به زمین افتاد.

و نیز در حدیث آمده که از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیده شد: چگونه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای مردم نماز می‌گزارد و قرآن قرائت می‌فرمود، ولی دل‌های اهل ایمان خاشع و نرم نمی‌شد؟ فرمود: پیامبر اکرم - ﷺ - به اندازه‌ای که حال آنان تحمّل و توان داشت قرآن را برای آنان قرائت می‌فرمود. (البته ما این حدیث را به صورت مختصر ذکر نمودیم.)

بخشی دیگر صفات و حالات ابرار و نیکان در هنگام تلاوت قرآن کریم نیز که در جای جای این کتاب خواهد آمد، خود هشدار کاملی برای خردمندان است.

8 - آداب معنوی رکوع

شایسته است بنده هنگام گفتن تکبیر رکوع، با حالت ذلت و خاکساری و خضوع، و حضور قلب، رکوع نموده، و نیتش این باشد: مقصودم از رکوع، عبادت خداوند و مالک دنیا و آخرت من است، و در حال رکوع ذلت بندگی را در برابر کمال جلال الهی نشان دهد. چه نیکو خداوند به گوینده‌ی این شعر الهام نموده که:

إِذَا كَانَ مِنْ تَهْوِي عَزِيْزًا، وَلَمْ تَكُنْ ذَلِيْلًا لَهُ، فَاقْرَأِ السَّلَامَ عَلَي الْوَصْلِ - هرگاه کسی که دوستش می‌داری عزیز و سرافراز بود، و تو ذلیل و خاکسار او نشدی، پس بر وصل او بدرود گوی.

آیا نمی‌بینی که از ادب بندگان با پادشاهان دار نیستی و زوال این است که: وقتی با آنها ملاقات نموده و بر آنان روی می‌آورند، به قصد تعظیم و اجلال آنان برای آنان رکوع می‌کنند، و در این حالت متذکر می‌شوند که در پیشگاه آنان قرار دارند، و مقصودشان از این کار بزرگداشت آنان می‌باشد، پس چگونه تو برای خداوند که به اسرار انسان آگاه است و از هر بزرگی بزرگتر است، بدون حضور قلب در پیشگاه خداوند و توجه به او در برابر او رکوع و فروتنی می‌کنی.¹⁵³

از دیگر آدابی که نمازگزار باید در حال رکوع رعایت کند، آن است که اگر در حال رکوع این دعا را بخواند¹⁵⁴ که:

اَللّٰهُمَّ، اَلِكْ خَشَعْتُ، وَ بِكَ اٰمَنْتُ، وَ لَكَ اَسَلَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّيْ، خَشَعَ لَكَ سَمْعِيْ وَ بَصْرِيْ وَ مَخْيِيْ وَ عَصْبِيْ [وَ عِظَامِيْ] وَ مَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ، لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ.

- [خداوندا،] تنها برای تو خشوع نمودم، و فقط به تو ایمان آوردم، و تنها تسلیم توام، و فقط بر توکل نمودم، و تویی پروردگارم، گوش و چشم و مغز و عصب [و استخوانها] و هر چه که قدمه‌هایم آنها را حمل می‌نماید [یعنی تمام اعضای بدنم]، برای تو خشوع و فروتنی نموده است، برای خداوندی که پروردگار عالمیان است.

توجه داشته باشد که در این گفتار، صفات کسانی را ادعا می‌کند که با تمام اعضای خویش حقیقتاً و یقیناً متوجه خداوند گردیده و تسلیم و سرسپرده او گشته و بر او توکل نموده‌اند. پس مبدا عضوی از اعضای تو خضوع و خشوع نداشته و تسلیم خداوند - جلّ جلاله - نباشد، یا در امری از امور دنیا و دین بر خدا توکل نموده، و در نتیجه در این سخن از دروغ‌گویان باشی، که اگر نماز را با دروغ و بهتان بستن به خداوندی که مالک اولین و آخرین است بجا آوری، کدامین نماز برای تو باقی خواهد ماند؟

از جمله آداب رکوع که باید بنده رعایت کند این است که: پیش از آدای کامل انواع خاکساری بندگی برای مولای خود، در برداشتن سر از رکوع شتاب ننماید، چنانکه از مقتدایمان¹⁵⁵ روایت نمودیم و نیز در روایت دیگر آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: علیّ (علیه السلام) به اندازه‌ای رکوع می‌نمود که عرق او جاری می‌شد، بعدی که از طول ایستادن رکوع عرق بر گامهایش می‌ریخت.

ای کسی که نسبت به روح و قلب و بدن و جگر [ویا: درون] خود دلسوزی می‌کنی، این بزرگواران کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده، پس به راهنماییهای ایشان اقتدا کن.

از دیگر آدابی که باید در رکوع رعایت شود آن است که وقتی بنده - بعد از آنچه که ذکر نمودیم - سر از رکوع بلند کرد، باید سر برداشتن او، همراه با وقار و آرامش باشد؛ زیرا مولای او، او را می‌بیند؛ و هنگامی که:

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَالْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ.

- خداوند، ستایش هرکس را که او را می‌ستاید می‌شنود، خداوندی که اهل بزرگ منشی و عظمت و جود و کبر و سرکشی است.

می‌گوید، هنگام ذکر کبریا و عظمت و جبروت الهی دستهایش را به عنوان خاکساری برای معبود خویش دراز نماید، و هنگام ذکر جود و بخشش الهی با امیدواری آنها را بگشاید.

9 - آداب سجده

توجه داشته باش از جمله آدابی که باید بنده در هنگام سجده رعایت کند این است که: خاکساری اش برای معبود در سجده افزون بر رکوع باشد، پس توجه داشته باشد که در محضر خداوند جلّ جلاله است، و اینکه خداوند جلّ جلاله چنان عظمت و جلالی دارد که گفتار هیچ کس بدان احاطه نمی‌کند، و اینکه وی به ناتوانی و ناداری و بیچارگی و گناهای متّصف است که موجب فرومایگی او شده است؛ سپس با ذلّت و خضوع و خشوع افزونتر از آنچه که در رکوع ذکر کردیم، برای انجام سجده به پایین می‌رود؛ زیرا اگر بنده با غفلت از این امور، و از روی عادت و تنها با مراعات ظاهر سجده، و بدون قصد عبادت مولای خویش و اقبال و توجه و مراعات ادب در پیشگاه او سجده بجا آورد، مانند کسی خواهد بود که در سجده اش بازی نموده، یا از مالک و معبود خویش روی گردانده، یا به او استهزا و ریشخند کرده است.

و اهل علم می‌دانند که رکوع و سجده از ارکان نماز هستند، و هرگاه بنده آن دو را در نماز خویش، به عمد یا از روی سهو و فراموشی، ترک کند بر اساس فتوای فقیهان و روایات نمازش باطل می‌شود.

و دیگر اینکه، صاحب شریعت - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بدین جهت این به سوی مردم مبعوث که آنان را به معامله و بندگی غیر خدا دعوت نماید؛ بنابراین، اگر در هدف از این گونه ذلّت و خاکساری و بندگی در هنگام رکوع و سجده توجه نداشته باشی، فرق میان تو و مُنْكَرَان چیست؟ و چه فرقی است میان تو و کسی که یاد خدا را فراموش، و به امور و بیهوده مشغول گشته است؟ بی‌گمان حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) برای آن آمده که مردم را از عادت، به سوی معبود فراخواند،

پس مبدا از کسانی باشی بدون توجه به خداوند - جلّ جلاله - و حضور قلب در انجام خاکساری و بندگی برای او قیام و رکوع و سجده را به حسب عرف و عادت بجا آوری.

اگر در حال سجده این دعا را بخوانی¹⁵⁶

اللَّهُمَّ، لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسَلْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبِّي، سَجَدَلِكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَعَصَبِي وَمُخِّي وَعِظَامِي، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ. تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

- خداوند، تنها برای تو سجده نمودم، و به تو ایمان آوردم، و تسلیم تو شدم، و تنها بر تو توکل نمودم، و تویی پروردگارم، گوش و چشم و موی و عصب و مغز و استخوانهایم از آن توست، روی [و وجود] پوسنده و فناپذیرم برای کسی که آن را آفرید و صورت نگاری نموده و برای او گوش و چشم قرار داده، سجده نموده. منزّه و بلند مرتبه باد خداوند، که بهترین آفرینندگان می باشد.

ولی تمام اعضایت با قصد خاکساری و تسلیم و توکل و خضوع و خشوع برای معبود سجده نکند، گویی که از معنای سجده خبری نداری، و سخن و ادعایت دروغ و بهتان به مولایت خواهد بود. ای بیچاره، وقتی که عبادتت همراه با دروغ و بهتان و اهانت باشد، چگونه نمازت درست خواهد بود؟

دیگر اینکه: اگر در سجدهات آرامش و آسایش و شادمانی ای را که دوست، هنگام قرب به محبوبش دارد احساس می کنی، خوشا به حالت. وگرنه سجدهات نکوهیده و فاسد، و قلبت بیمار و دردمند است، زیرا می دانی که در صریح قرآن آمده که:

وَاسْجُدْ، وَاقْتَرِبْ¹⁵⁷

- و سجده و کرنش نما، و به خدا نزدیک شو.

بنابراین، قرآن شریف سجده را از نشانه‌های قرب عاشق وار به خداوندی که به اسرار آگاه است قرار داده، پس تلاش کن که نفست قرب و نزدیکی به محبوب احساس کند؛ زیرا محبت خداوند - جلّ جلاله - از ثمرات قوت شناخت جلال و بخشش بزرگ الهی است. چنانکه خداوند - جلّ جلاله - گروهی را که به او معرفت دارند، ستوده و می‌فرماید:

يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ 158

- خداوند آنان را دوست می‌دارد، و ایشان نیز او را دوست می‌دارند.

و در توصیف اهل نجات می‌فرماید:

قَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ. 159

- و کسانی که ایمان آورده‌اند محبت بیشتری نسبت به خداوند دارند.

1 - مبدا فریفته‌ی گفتار کسی باشی که می‌گویی: مقصود از دوست داشتن خداوند - جلّ جلاله - همان طاعت و عبادت اوست؛ زیرا اگر این گفتار را از کلام الگو و مقتدا و بزرگی برگرفته و گفته باشد، احتمال دارد که آن فرمایش به خاطر تقیه، و یا به جهت ضعف شنونده نسبت به شناخت اسرار ربّانی باشد.

2 - اگر به خدا معرفت داشته باشی، می‌بینی که محبت تو به خداوند - جلّ جلاله - پیش از طاعت و عبادت توست، زیرا تو ابتدا نسبت به او به عنوان نعمت دهنده شناخت پیدا می‌کنی و آنگاه به او محبت می‌ورزی و سپس او را مستحق طاعت یافته و اطاعتش می‌نمایی. وگرنه این روایت را - که مورد اتفاق و پذیرش همگان است - چگونه معنی می‌کنی که:

جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا.

- دلها بر دوستی هرکس که به آنها نیکی کند، سرشته شده‌اند.

آیا می‌شود که دلها بر محبت بنده‌ی نیکوکار سرشته باشند، ولی نسبت به احسان خداوند - جلّ جلاله - محبت نداشته باشند؟! این را جز عقل غیر سلیم نمی‌پذیرد.

3 - مسلماً می‌دانی که دوست داشتن خداوند - جلّ جلاله - یک عمل قلبی است، ولی طاعت خداوند گاهی تنها عمل قلبی است، و گاهی هم عمل قلبی و هم مربوط به اعضا و جوارح ظاهری؛ پس چگونه می‌شود طاعتی که گاهی قلبی است و گاهی هم قلبی است و هم مربوط اعضا و جوارح ظاهری - و این دو، دو قسم جدا از هم هستند - یک قسم بشوند. و این مکابره و ستیزه جویی با امر روشن و آشکار است، چگونه عملی که به وسیله جوارح ظاهری انجام می‌گیرد، عمل قلبی می‌شود؟! این مطلب در نزد کسی که عقلش محجوب نباشد، محال است.

4 - گاهی انسان طاعات را انجام می‌دهد، در حالی که انجام آن بر انسان سخت است، و گاهی قلبش از آنها یا از مکلف شدن به آنها کراهت دارد، پس اگر منظور از محبت ورزیدن بنده به خداوند - جلّ جلاله - همان طاعت بنده بود، در همان حال می‌بایست از محبت خدا بلکه از خود خداوند - جلّ جلاله - بدش می‌آمد، بلکه می‌بایست نسبت به با خداوند - جلّ جلاله - دشمنی می‌داشت، زیرا دشمنی ضدّ دوستی است؛ بنابراین هرگاه بنده از طاعت خدا - جلّ جلاله - بدش بیاید، باید از دوستی خداوند - جلّ جلاله - بدش بیاید، و با خداوند - جلّ جلاله - دشمنی داشته و کافر گردد.

آیا هیچ مسلمان صاحب معرفت عذر تو را در کافر خواندن کسی که از عبادتی خوشش نمی‌آید می‌پذیرد؟! و یا تو را در این گفتار یاری می‌کند؟!

5 - آیا عقلت می پذیرد که فرمایش الهی - جلّ جلاله - پیش از این ذکر

نمودیم، به این معنی باشد؟! آنجا که می فرماید:

قُلْ: إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
اَقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا، أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ، فَتَرْبِصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. 160

- بگو: اگر پدران و پسران و برادران و همسران و بستگان و تبارتان و
اموالی که بدست آورده‌اید، و تجارتی که بیم کساد و بی‌رواجی آن را دارید، و
مسکنهایی که می‌پسندید، در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه خدا
محبوبتر است، پس منتظر بمانید تا خداوند امر خویش را بیاورد، و خداوند
گروه گناهکار و فاسق را هدایت نمی‌نماید.

آیا عقل هیچ عاقلی می پذیرد که منظور از فرمایش الهی که می فرماید: أَحَبَّ
إِلَيْكُمْ و دوست داشتن چیزهایی را که خداوند سبحانه به شمار درآورد، طاعت و
فرمانبری از آنها باشد؟!

فرض کن که این احتمال را درباره‌ی پدران و پسران و برادران و همسران و
خویشاوندان درست بدانی و دوستی را به معنای فرمانبرداری از آنان معنی‌کنی،
آیا در فرمایش خداوند - جلّ جلاله - که می فرماید: وَأَمْوَالٌ اَقْتَرَفْتُمُوهَا، وَ
تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا، وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا هیچ احتمال می‌دهی که دوست داشتن
این چیزها (اموال و تجارت و مساکین) به معنای طاعت و فرمانبری از آنها
باشد؟!

پس مبادا چیز محال را بر عقل تحمیل کنی، لذا تقلید از کسی را که می‌گوید:
دوست داشتن بنده نسبت به خداوند جلّ جلاله، همان طاعت و فرمانبرداری از
اوست رها کن، و حق را از هرکس که بگویند بپذیر، که دلایلها و حق بودن آن
برای تو روشن گردید.

6 - این بود بیان اینکه محبت بنده به خداوند - جلّ جلاله - امر قلبی است. و دوستی از اموری است که از ثمرات شدت معرفت خداوند - جلّ جلاله - است، و شدت معرفت نیز به احسان اوست، همان معرفت و احسانی که پیش از آگاهی بنده از مکلف بودن به دوستی خداوند - جلّ جلاله -، عقل و قلب بنده خود بخود او را به سوی دوستی مولایش سوق می دهند، پس چگونه خواهد بود وقتی که پی برد عقلاً و نقلاً نیز به دوست داشتن او مأمور است؟! زیرا اگر کسی ذاتاً کامل باشد، به خاطر کمالی که دارد محبوب دلها خواهد بود، و شخص نیکوکار به خاطر احسان و تفضلش، پیش از شناخت و آگاهی از تکلیف به این محبتی که ذکر شد، مورد محبت قرار می گیرد، و حال آنکه شأن و مقام خداوند - جلّ جلاله - بزرگتر، و احسانش فراگیرتر از آن است که توصیفی که ما از کمال و احسان و تفضلش می کنیم، به مقام بزرگ او احاطه داشته باشد، پس لازم است که خداوند محبوب قلوب تمام کسانی باشد که او را به یقین شناخته و نسبت به احسانهای او در امور دنیا و دین آگاهی دارند. فرق محبت و خشنودی خداوند با ثواب و عقاب او شاید در روایات و یا گفتار برخی مشاهده شود که فرموده باشند: مقصود از محبت خداوند - جلّ جلاله - نسبت به بنده مطیع و یا خشنودی اش از او، همان ثواب دادن خداست؛ و منظور از خشم و غضب خداوند - جلّ جلاله - نسبت به بنده نافرمانش، همان عذاب اوست.

ولی پرواضح است که: تقلید از سخنان غیر معصوم که در این باره گفته شده، عقلاً جایز نیست. اما روایت و منقول اگر از طعن و خرده گیری سالم بوده و از معصوم صادر شده باشد؛ شاید آن را از باب تقیه فرموده باشند، زیرا ایشان (علیهم السلام) در تقیه هولناکی بوده اند، و ما در مطلبی که پیرامون اعتذار از

مضمون کتاب کشتی ذکر نمودیم - تقیّه ایشان را روشن ساختیم، زیرا بسیاری از مخالفان ائمه و اهل تسنن قایل به این هستند که: محبت و رضایت خدا همان ثواب او، و غضب خدا، همان عذاب اوست

یا شاید ائمه (علیهم السلام) آن را به خاطر آشنا کردن و تقریب اذهان پرسش کنندگان یا شنوندگان بیان فرموده‌اند، زیرا درک و فهم بسیاری از شنوندگان از درک اسرار صفات خداوندی که پادشاه عالمیان است قاصر و ناتوان می‌باشد، لذا شاید ائمه (علیهم السلام) بیم آن را داشته‌اند که اگر به آنها بگویند که: خداوند - جلّ جلاله - دوست می‌دارد و خشنود می‌شود و غضبناک و خشمگین می‌گردد. زود به ذهن شنونده خطور کند که خداوند - جلّ جلاله - مانند دوستی و خشنودی طبایع بشری دوست می‌دارد و خشنود می‌گردد، یا همانند خشم و غضب دلهای خاکی غضبناک و خشمگین می‌گردد، لذا حضرات ائمه (علیهم السلام) به اندازه‌ی کشش عقل پرسش کنندگان و شنوندگان، با آنان سخن گفته‌اند.

اگر به برخی از روایات مربوط به این مطلب توجه کنی، می‌بینی که دوستی و خشنودی و غضب و خشمی را که مزاجها به واسطه‌ی آنها تغییر می‌کند، و جز درباره‌ی اجسام که قابلیت آن را دارند، درست نیست، نفی نموده‌اند، تا آنجا که همین مطلب را بر بعضی از پرسش کنندگان تقریب نموده و (بدین مضمون) فرموده‌اند که: غضب و خشنودی خداوند - جلّ جلاله - اشاره است به غضب و خشنودی اولیا و ویژگان درگاه الهی. و این در نزد عارفان صحیح است؛ زیرا خواص درگاه الهی - جلّ جلاله - خشمگین و خشنود نمی‌گردند مگر بعد از غضب و خشنودی خداوند، زیرا ایشان (علیهم السلام) تابع و پیرو خداوند - جلّ

جلاله - هستند، و هرگز در گفتار از او پیشی نمی‌گیرند، و تنها به فرمان او عمل می‌نمایند.

2 - و آنگهی عقلهای سالم وجداناً و عیاناً دریافت می‌کنند که معنای واژه‌ی حبّ و رضا، غیر از معنای لفظ ثواب، و همچنین معنای غضب غیر از معنای عقاب است، خواه درباره‌ی بندگان، یا نسبت به رَبُّ الْأَرْبَابِ.

و این مطلب را فرمایش خداوند - جَلَّ جَلالُه - نیز به ما می‌آموزد آنجا که می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ، وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ¹⁶¹

- براستی که خداوند بسیار توبه‌کنندگان و پاکیزگی‌پذیران را دوست می‌دارد.

و نیز خداوند - جَلَّ جَلالُه - می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَاكَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ¹⁶²

- همانا خداوند کسانی را که در راه او با حالت صف‌کشیده می‌جنگند به گونه‌ای که گویی بنیان سُرَبین هستند، دوست می‌دارد.

و همچنین خداوند - جَلَّ جَلالُه - درباره‌ی گروهی که حقیقتاً و یقیناً خداوند را می‌شناسند، می‌فرماید:

يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ¹⁶³

- خداوند آنان را دوست می‌دارد، و ایشان نیز خدا را دوست می‌دارند.

و نسبت به خشم و غضب خود - جَلَّ جَلالُه - می‌فرماید:

فَلَمَّا آسَفُونَا، إِنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ¹⁶⁴

- پس هنگامی که بر ما خشم گرفتند، ما از آنان انتقام گرفتیم.

و گروهی از دانشمندان اهل لغت و مفسران یادآور شده‌اند که فرمایش خداوند - جَلَّ جَلالُه - یعنی آسَفُونَا به معنای أَغْضَبُونَا می‌باشد. جوهری در

کتاب صحاح¹⁶⁵ درست به این لفظ می‌گوید: **وَ أَسْفَ عَلَيْهِ أَسْفًا**، یعنی بر او غضب و خشم نمود، و **آسَفَهُ**، یعنی او را به خشم آورد.

و طبرسی¹⁶⁶ در تفسیر قرآن گفته است که:

فَلَمَّا آسَفُونَا یعنی ما را به خشم آوردند، و غضب و خشم او سبحانه، اراده‌ی عقاب آنان است. و نگفته است که: غضب خداوند همان عقاب آنان است؛ بنابراین خداوند - **جَلَّ جَلالُه** - در این آیه، پیش از عقاب نمودن آنان، بر آنان **آسَفَ** (که همان غضب و خشم او - **جَلَّ جَلالُه** - است) نموده، و این تعبیر دیگر از انتقام است، و این مطلب واضح و آشکار است.

3 - علاوه چگونه مثل این بر صاحبان فهم و دانش مخفی می‌ماند، در حالی

که خداوند - **جَلَّ جَلالُه** - می‌فرماید:

وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا، فَجَزَاءُوهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا، وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا.¹⁶⁷

- و هرکس به عمد مؤمنی را بکشد، جزایش جهنم جاودانی خواهد بود، و خداوند بر او خشم نموده و لعنت فرموده و از رحمتش دور می‌گرداند، و عذاب و کیفر بزرگی برای او آماده خواهد نمود.

آیا نمی‌بینی که خداوند - **جَلَّ جَلالُه** - در صریح قرآن، و بر اساس فهم خردمندان، غضب را بر عذاب و عقاب و بلکه بر اعداد و آماده نمودن عذاب جهنم مقدم داشته است؟!

4 - احادیث و دعاهایی که عبارت ذیل را (به این مضمون و یا به این لفظ)

را به وضوح دربردارند¹⁶⁸ مطلب را بیشتر روشن می‌کنند.

اللَّهُمَّ، إِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي، فَاعْفُ عَنِّي، فَقَدْ يَعْفُو الْمَوْلَى عَنْ عَبْدِهِ وَ هُوَ غَيْرُ رَاضٍ عَنَّهُ.

- خداوندا، اگر از من ناخشنودی پس از من درگذر، زیرا گاهی مولی در حالی که از عبد و بنده خود ناخرسند است، او را عفو می‌کند.

5 - دیگر اینکه: آیا نمی‌دانی کافرانی که خداوند - جلّ جلاله - می‌دانسته بر حال کفر جان خواهند سپرد، به حکم عدل [یا: عقل] در حال حیات مستحقّ عقوبت هستند؟ و اگر مسلمان باشی، مسلماً اعتقاد داری که خداوند - جلّ جلاله - قطعاً در حال کفر آنان نسبت به ایشان خشمگین است، پس خداوند - جلّ جلاله - از زود عقوبت کردن آنان در گذشته، و عقابشان را به بعد از وفاتشان تأخیر انداخته، با اینکه از هنگامی که آنان کفر ورزیده‌اند و خداوند می‌دانسته که پیوسته بر کفر خویش خواهند بود، مورد غضب الهی بوده‌اند.

بنابراین، این مطلب روشن می‌کند که خشم خداوند - جلّ جلاله - پیش از عقوبت اوست، زیرا خداوند - جلّ جلاله - در این صورت با اینکه از بنده ناخشنود است از عقوبت بنده در گذشته و او را عذاب نمی‌کند، چنانکه در دعاها آمده است که: خداوند، با اینکه از مؤمن خشنود است، او را عفو می‌فرماید؛ و نیز حال کافرانی که با حالت کفر می‌میرند و عقوبتشان به تأخیر می‌افتد، با اینکه خداوند بر آنان خشمگین است، به صورتی که بازگو نمودیم نیز چنین است، یعنی با اینکه خداوند - جلّ جلاله - از بنده خشمگین است، از او عفو می‌فرماید.

زیرا اگر خداوند ناخشنود باشد مسلماً خشمگین و غضبناک خواهد بود. و نمی‌شود خداوند در یک وقت و از یک جهت، از مقام رضا و غضب خالی باشد، بنابراین اگر غضب همان عقاب باشد، محال است که بنده‌ای را عفو فرماید و در آن حال بر او خشمگین باشد، و نیز هنگامی که بنده‌ی مسلمان یا کافر را پیش

از وفاتش عفو می‌فرماید، باید خشم و غضبش نسبت به آنان از بین برود. و این بر خلاف مطلبی است که از دین آیین اهل حق و صدق شناخته شده است.

(143) ذاریات (51): 56.

(144) سوره توبه (9)، آیه 24.

(145) به فصل سی‌ام تحت عنوان نمونه‌ای از حالات معصومین (علیهم‌السلام) و شیعیان واقعی آنان در شب رجوع شود.

(146) اشاره به آیه‌ی شریفه 142 از سوره‌ی نساء (4) که درباره‌ی منافقین می‌فرماید: وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ، قَامُوا كُسَالًا! (و هنگامی که به نماز می‌ایستند، با حالت کسالت و بی‌میلی می‌ایستند)؛ و نیز آیه‌ی شریفه‌ی 54 از سوره‌ی توبه (9) که می‌فرماید: وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ، إِلَّا وَهُمْ كُسَالًا! (و همواره حالت کسالت و بی‌میلی به نماز می‌آیند و در آن وارد می‌شوند).

(147) حمد (1): 4.

(148) در برخی از نسخه‌های کتاب، ابتدای شعر به این صورت آمده است: وَمَا لِي خَوْفٍ...

(149) حمد: 5.

(150) نمل (16): 105.

(151) به فصل ششم و هفتم رجوع شود.

(152) اعراف (7): 143.

(153) نسخه‌های کتاب در اینجا مخدوش است، و ظاهراً لَفْظُ ذَلَّلْتُ لَهُدْرَسْتُ است که جایگزین و ترجمه شد.

(154) که خواندن آن در رکوع مستحب است، چنانکه در همین فصل ذکر خواهد شد.

(155) -

(156) که خواندن آن در سجده مستحب است، چنانکه در همین فصل تحت عنوان 7 - كَيْفِيَّةُ انْجَامِ نَافِلَةِ هَايِ ظَهْرٍ خواهد آمد.

(157) علق (96)، 19.

(158) مائده (5): 54.

(159) بقره (2): 165.

(160) توبه (9): 24.

161) بقره (2): 222.

162) صفّ (61): 4.

163) مائده (5): 54.

164) زخرف (43): 55.

165) صحاح، ماده‌ی أسف، ج 4، ص 1330.

166) مجمع البیان، ج 9، ص 80.

167) نساء (4): 93.

168) امکان دارد که لفظ متظاهرة در نسخه برداری از نسخه‌ی اصلی کتاب به جای متظافرة نوشته شده باشد، که در این صورت معنای این جمله چنین می‌شود: این عبارت (به این مضمون و یا به همین لفظ) در احادیث و دعاهای بسیار آمده است.

معنای صحیح محبت و خشنودی و خشم و غضب پروردگار

از آنجا که نصّ صریح قرآن و روایات صحیح به محبت یا رضایت خداوند - جلّ جلاله - و به غضب و خشم او و ثبوت این دو صفت برای او - جلّ جلاله - تصریح نموده‌اند، باید برای حُبّ یا رضایت، و غضب یا خشم او سبحانه - جلّ جلاله - رویکردی معلوم و روشنی وجود داشته باشد، غیر از آنچه که ما از رضایت و محبت و غضب و خشم جسمهای خاکی می‌شناسیم، و غیر از تفسیر و معنایی که ذکر شد که: مقصود از محبت و رضایت خداوند همان ثواب او، و منظور از خشم و غضبش همان عذاب و عقاب اوست چنانکه معنای سایر صفات او - جلّ جلاله - غیر از صفات اجسام می‌باشد، مثلاً قادر و توانا بودن ما اقتضایش داشتن نیرو و قدرت زائد بر ذات و حالتی نو و جدید غیر از عاجز و ناتوان بودن مان می‌باشد، و همچنین اقتضای دانا و زنده بودن و سایر صفاتمان، مقتضای تجدّد حالات و دگرگونی‌ها برای ماست. و این معانی نسبت به خداوند - جلّ جلاله - محال است، لیکن این صفات درباره‌ی خداوند متعال به معنایی دیگر باید باشد که هم زینده‌ی ذات پاک او که مثل و ماندنی برای آن وجود ندارد بوده، و هم شایسته‌ی صفات منزهش باشد که همانند و همگونی برای آن وجود ندارد. و تفسیر و معنای محبت و خشنودی و غضب و خشم نسبت به او - جلّ جلاله - نیز به این صورت خواهد بود. و این مطلب نیز آنچه را که ما در آغاز سخن ادّعا نمودیم برای تردید‌کنندگان روشن ساخته و تعجب آنان را زایل می‌کند.

ناگفته نماند که: دو سال بعد از نگاشتن از قسمت گذشته این کتاب، در جزء
اول از تفسیر قرآن طبری¹⁶⁹ یافتیم که عده‌ای از مفسران همین مطلبی را که ما
پیرامون غضب الهی ذکر نموده و برگزیدیم، ذکر کرده‌اند.
دیگر آداب سجده

اینک می‌گوییم: از دیگر آدابی که باید بنده در حال سجده رعایت کند آن
است که: در برداشتن سر از این خضوع و خشوع برای معبود شتاب ننماید، که
ما معنای فرمایش خداوند - جلّ جلاله - را که در کتابش ذکر نموده برای تو
بازگو نموده و گفتیم که: سجود از مقامات قرب به مولایت می‌باشد.¹⁷⁰ پس به
خاطر چه چیز شتاب می‌نمایی؟ آیا در حالی که او به تو ناظر است، از قرب و
نزدیکی به او کراهت داری؟!!

چنانکه در دنیا از نزدیک شدن به هرچیز که دوست داری بدت نمی‌آید، و در
دور شدن از آن شتاب نمی‌کنی، با پروردگارت - جلّ جلاله - نیز که چاره‌ای
از او نداری، چنان باش، که در روایت آمده امام صادق (علیه السلام) فرمود: همواره
وقتی حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) به نماز بیا می‌خاست، رنگ چهره‌اش
دگرگون می‌شد، و هنگامی که سجده می‌نمود، تا عرق از او فرو نمی‌ریخت سر
بر نمی‌داشت.

10 - تشهّد و گواهی دادن به یگانگی خداوند - جلّ جلاله -

در این باره مهمّ این است که تشهّد گفتن تو، معامله‌ی با خداوند - جلّ جلاله - و عبادت باشد، و قصدت تنها این نباشد که او - جلّ جلاله - در واقع و نفس الامر یگانه است، بلکه از تو خواسته‌اند که اعتقاد داشته باشی او - جلّ جلاله - در واقع یگانه است، و معبودی جز او که شایسته‌ی پرستش باشد وجود ندارد نیست، و چیزی نیست که آن را بر خشنودی او مقدّم بداری؛ زیرا اگر چیزی را بر او - جلّ جلاله - مقدّم کنی، آن چیز نزد تو بر خداوند - جلّ جلاله - ترجیح خواهد داشت، و از آن جهت که آن را مقدّم داشته‌ای، آن معبود تو خواهد بود نه خداوند، و در نتیجه هنگام گواهی دادن به اینکه معبودی جز خداوند نداری، کاملاً صادق نخواهی بود، آیا نمی‌بینی که خداوند - جلّ جلاله - پیرامون کسی که هوا و هوس خویش را بر خدا ترجیح داده می‌فرماید:

إِتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ.¹⁷¹

- هوا و هوس خود را معبود خویش قرار داده است.

و نیز در تفسیر فرمایش خداوند - جلّ جلاله - که می‌فرماید:

إِتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ.¹⁷²

- آنان به جای خدا، دانشمندان و ترسایان خود را به عنوان پروردگاران خویش برگرفتند.

روایت شده که: آنان برای احبار و رهبان و دانشمندان و ترسایان خویش روزه نگرفته و نماز نخواندند، ولیکن در معصیت خداوند از آنان اطاعت نمودند. و لذا حکم کسی را پیدا کردند که آنها را به خدایی گرفتند.

بنابراین، مبادا با مقدّم داشتن هوا و هوس خویش و دنیا و یا چیز دیگر غیر او سبحانه بر او، به او - جلّ جلاله - شرک و یا کفر بورزی، و در نتیجه مستحقّ هلاکت گردی، که در روایتی از امام صادق (علیه السلام) از معنای صدق و راستی پرسیدند، حضرت (به این مضمون) فرمود که: صدق آن است که چیز دیگری را بر خداوند برنگزینی، که خداوند متعال می فرماید:

هُوَ اجْتَبَاكُمْ¹⁷³

- او شما را برگزید.

پس وقتی او تو را برگزیده، تو نیز او را برگزین، و هوا و هوس خویش و یا دنیا را بر او مقدّم مدار.

و نیز در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس کلمه **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را با اخلاص بگوید، داخل بهشت می گردد، و اخلاص آن این است که **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** او را از آنچه خداوند - عزّوجلّ - حرام نموده باز دارد.

11 - شهادت به رسالت حضرت محمد بن عبدالله

رسول خدا ﷺ و نیابتش از خداوند صاحب عظمت و جلال آنچه در رابطه با این شهادت مهم است، آن است که در شهادت دادن به رسالتش صادق باشی، و معنای این سخن آن است که کردارت، گفتارت را در پیروی از پیامبری اش تصدیق کند، زیرا خداوند - جلّ جلاله - در قرآن مبین گروهی را دلشان با گفتارشان سازگار نبوده، و به رسالت او شهادت داده‌اند، دروغگو نامیده است.¹⁷⁴

همچنین نیک می‌دانی که: اگر پیکتی از سوی برخی از پادشاهان به سوی تو بیاید و در پاداش گفتن کلمه‌ای هزار دینار به تو ببخشد، و در جزای گفتن کلمه‌ای تو را با آتش شکنجه کند، و تو خواسته باشی کلمه نخست را نگفته هزار دینار را بگیری، و کلمه‌ی دوّم را ترک گفته و داخل شدن در آتش را چیز کوچک و سبک بشماری، سپس به پیک بگویی: گواهی می‌دهم که تو پیک پادشاهی هستی که من از دینارهایی که به من عطا می‌نماید بی‌نیاز نیستم، و قدرت و نیرویی بر آتشی که مرا به آن تهدید می‌کند ندارم، بی‌گمان آن پیک و دیگر عاقلان به تو می‌گویند: که کردار تو با ظاهر و گفتارت درست در نمی‌آید، اگر تو در دل او را تصدیق نموده بودی، کلمه نخست را می‌گفتی و هزار دینار را می‌گرفتی، و کلمه دوّم را ترک می‌گفتی و از آتش در امان می‌ماندی، زیرا ما عاقلان می‌بینیم که تو را در تمام حرکات و سکانات در دارفنا چنین هستی که وقتی به سود چیزی اطمینان پیدا می‌نمایی به سوی آن می‌شتابی، و هرگاه به صدق و راستگو بودن کسی که خبر از مُضَرّ بودن چیزی می‌دهد باور داری، از آنچه تو را آسیب می‌رساند می‌گریزی.

اینک می‌گوییم: زمانی به کسی که ادعا می‌کرد پیامبری حضرت محمد (ﷺ) را تصدیق نموده (سخنی به این معنی) به او گفتیم: اگر شخص یهودی‌ای به تو خبر دهد که در بعضی از راهها چیزی است که تو را آزار می‌رساند، و در راهی چیزی است که به سود توست، آیا راهی را که از ضرر رساندن آن بیم داری ترک نمی‌کنی، و راهی را که به سودش امید داری نمی‌پیمایی؟ گفت: بله، به او گفتیم: حال اگر حضرت محمد (ﷺ) به تو بفرماید که: من تو را از راه آتش جهنم بر حذر داشته و راه خانه‌ی آسایش و بهشت را به تو می‌شناسم. و اگر آن بزرگوار را تصدیق نموده بودی، حداقل همانند عملی که با خبر یهودی نمودی، با خبر آن حضرت معامله می‌کردی؟! پس آیا جز این است که کافر ذمی و یهودی را بیشتر از پیامبر اکرم (ﷺ) تصدیق می‌نمایی، و این شاهد بر آن است که رسالت و فرمایش او را تصدیق ننموده‌ای؟!

همچنین از اموری که شایسته است هنگام گواهی دادن به رسالت او - ﷺ - بدان اعتقاد داشته باشی آن است که معتقد باشی خداوند - جلّ جلاله - و آن بزرگوار منت و حق بزرگی در هدایت تو به مقام سعادت‌مندی و بزرگواری دارند، و بذل نفس و مال و عیالت در پیشگاه او برای بدست آوردن سعادت جاودانی نیز از جمله بخششها و عطایا و نعمتهای او بر توست که تا زمان پایداری خداوند مالک روز جزا ادامه دارد. خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید: **يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا، قُلْ: لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ، بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَيْكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**¹⁷⁵

- بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند، بگو: بر من به خاطر اسلام آوردنتان منت نگذارید، بلکه این خداست که بر شما منت نهاد و شما را به ایمان هدایت فرمود، اگر راست می‌گویید.

12 - صلوات بر حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

در روایتی آمده که امام صادق - ع - فرمودند: هرکس بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرستد، معنای آن این است که برستی من بر همان پیمان و وفایی که هنگام فرمایش خداوند که فرمود: **أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟! قَالُوا: بَلَىٰ**¹⁷⁶ (آیا من پروردگار شما نیستم؟، گفتند: بله.) گفتم، استوار هستم.

13 - سلام نماز

در حدیث است که عبداللّه بن فضل هاشمی می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی معنای سلام نماز پرسیدم، فرمود: سلام دادن نشانه‌ی امنیّت و آسودگی و حلال کردن اموری است که بجا آوردن آن در نماز حرام است. وی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، چگونه؟ فرمود: در گذشته وقتی شخصی بر مردم وارد می‌شد و بر آنان سلام می‌کرد، از گزند او ایمن می‌شدند، و وقتی آنان جواب سلام وی را می‌گفتند، وی از شرّ آنان آسوده می‌گشت؛ و اگر شخص وارد سلام نمی‌گفت از شرّ او در امان نبودند، و اگر آنان جواب سلام وی را نمی‌دادند وی از شرّ آنان ایمن نبود، و این عادت و روش عرب بود. لذا سلام دادن در نماز نیز به عنوان نشانه‌ی خروج و بیرون آمدن از نماز، و حلال نمودن سخن گفتن، و ایمنی از وقوع اموری که نماز را باطل می‌کند، قرار داده شده، و سلام نامی از نامهای خداوند - عزوجلّ - است، و درودی از ناحیه نمازگزار بر فرشتگانی است که بر او گمارده شده‌اند.

چه بسا گفته شده که: مخاطب سلام نماز همه فرشتگان هستند. ولی از جمله‌ی مرجّحات روایت گذشته که مخاطب سلام را خصوص فرشتگان گمارده شده بر انسان می‌داند، و این است که در روایت دیگر آمده است: دو فرشته‌ای که بر نمازگزار گمارده شده‌اند، عمل او را گرفته و نوشته و آن را بر پروردگار عرضه می‌کنند، و آن دو مانند دو نفری که بر شخص مُشرف باشند، در نزد او حاضر هستند، بنابراین چون تنها آن دو در نزد نمازگزار حضور دارند، نزدیکتر به صواب آن است که سلام مختصّ بر آن دو باشد.

اینک می‌گوییم: حال که معنای سلام دادن را دانستی، متذکر باش که عملی را برای خداوند - جلّ جلاله العظیم نموده‌ای، و می‌خواهی آن را به او سپرده و بر حضرتش عرضه کنی، پس اگر در بخشی از آن غفلت ورزیده، یا قلبت به غیر او مشغول گردیده، یا از خدا روی برگردانده‌ای، توبه نما، توبه‌ای همراه با اخلاص و انابه¹⁷⁷؛ یا حدّ اقلّ عمل خویش را بسان سپردن جنایتکاران و اهل خیانت به حضرتش تسلیم نما.

در کتاب جدّم ورام - که خداوند جلّ جلاله روحش را پاک و قبرش را منور گرداند - حدیثی به این معنی دیدم که: بنده‌ای از بندگان خدا ترس و مراقب خداوند - جلّ جلاله - گفت: نماز سی سال را قضا کردم، در حالی که حتّی یک نماز واجب از آن را ترک ننموده، و آنها را در صف اوّل نماز جماعت بجا می‌آوردم، لیکن به خاطر مصیبتی که از آن غفلت داشتم توجّه پیدا کرده و آنها را قضا نمودم، از او پرسیده شد که: آن مصیبت چه بود؟ گفت: آنها را در صف اوّل با امام جماعت بجا می‌آوردم، روزی آمدم و در صف اوّل جا پیدا نکردم و در صف آخر نماز گزاردم، ولی دیدم که نفّسم خجالت می‌کشد و شرم دارم که مردم مرا در آنجا ببینند، از اینجا پی بردم که آن پیشی گرفتن و رفتن در صف اوّل، یقیناً برای خداوند - جلّ جلاله - نبوده، و قصد و نیّت من از آن تنها ممتاز شدن در نزد حاضران بوده است.

اعمال و صفاتی که موجب عدم قبولی اعمال می‌گردد

از اموری که شایسته است تمام اعمال و نمازهای خود را از آن حفظ نموده و پاکیزه سازی تا در ضمن اعمال صالحی که دو فرشته گمارده شده بر انسان بر خداوند عرضه می‌کنند، بر خداوند - جلّ جلاله - عرضه شود، مواردی است که در روایت معاذبن جبل آمده است.

عبدالواحد به نقل از مردی می‌گوید: به معاذ بن جبل گفتم: یکی از احادیثی را که از رسول خدا (ﷺ) شنیده‌ای و درست حفظ نموده و هر روز با دقت متذکر آن می‌شوی، برای من بازگو کن، گفت: بله، و گریست سپس گفت: سکوت کن، خاموش شدم. سپس گفت: پدر و مادرم به فدایش، در حالی که من در پشت سر او در مرکب سوار بودم و باهم راه می‌پیمودیم، چشم به سوی آسمان بلند نمود و فرمود: سپاس خداوندی را که هر چه را که دوست بدارد درباره‌ی آفریدگانش به طور حتم مقدر و جاری می‌سازد. آنگاه فرمود: ای معاذ، عرض کردم: لبیک ای رسول خدا، ای پیشوای خیر و پیامبر رحمت فرمود: آیا حدیثی را به تو بگویم که هیچ پیامبری به اُمت خویش نفرموده است، که اگر آن را حفظ کنی در طول زندگی به حال تو سودمند خواهد بود، و اگر بشنوی و حفظ نکنی حجت خداوند بر تو تمام می‌شود؟

سپس فرمود: براستی که خداوند پیش از آفریدن آسمانها، هفت فرشته آفرید، و در هر آسمان فرشته‌ای قرار داد، و آن آسمان را با عظمت خویش فرا گرفت، و بر در هر کدام از آنها فرشته‌ای را به عنوان دربان قرار داد. لذا فرشتگانی که نگاهبان عمل بنده هستند از وقت صبح تا شب عمل او را می‌نویسند، آنگاه آن را در حالی که مانند آفتاب می‌درخشد بالا می‌برند، تا اینکه به آسمان زیرین می‌رسند در حالی که آن عمل در نظر آنان پاکیزه و بسیار است. ولی فرشته‌ای

که نگاهبان آسمان زیرین است به آنها می‌گوید: بایست، و این عمل را بر صورت صاحبش بزیند، من فرشته‌ی غیبت هستم، هرکس غیبت کند نمی‌گذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد، و پروردگارم به من چنین دستور فرموده است.

فردای آن روز فرشته‌ی نگاهبان بر عمل بنده همراه با عمل صالح می‌آید، و از فرشته‌ی دربان آسمان زیرین می‌گذرد، در حالی در نظرش آن عمل پاکیزه و بسیار است. تا اینکه به آسمان دوّم می‌رسد، فرشته‌ی دربان آسمان دوّم به او می‌گوید: بایست، و این عمل را بر روی صاحبش بزن، که نیت او از این عمل، متاع اندک و بی‌ارزش دنیا بود، و من فرشته‌ی ویژه‌ی دنیا هستم، و نمی‌گذارم که عمل او از من به سوی دیگری بگذرد.

حضرت فرمود: بار دیگر عمل بنده را در حالی که به صدقه و نماز آن شادمان است، به بالا می‌برد و فرشتگان نگاهبان نیز از آن عمل خوششان می‌آید، و آن را به سوی آسمان سوّم عبور می‌دهد، تا اینکه فرشته دربان آسمان سوّم می‌گوید: بایست و این عمل را به روی و پشت صاحب آن بزن، من فرشته‌ی متکبرترین هستم، و می‌گویم: این عملی است که صاحب آن به واسطه‌ی آن در مجالس مردم بر آنان تکبر می‌نمود، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد.

حضرت فرمود: بار دیگر فرشتگان نگاهبان، عمل بنده را در حالی که مانند ستاره در آسمان می‌درخشد، و آهنگ و صدای تسمیح و روزه و حجّ از آن بلند است بالا برده و به سوی فرشته‌ی آسمان چهارم عبور می‌دهند، ولی فرشته دربان آسمان چهارم می‌گوید: بایست و این عمل را بر روی و شکم صاحب آن بزن، من فرشته‌ی جبّ هستم، زیرا او به خود می‌بالید و این عمل را با حالت

عُجب انجام داده، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد، پس آن را بر روی صاحبش بزن.

حضرت فرمود: دیگر بار ملائکه نگاهبان، عمل بنده را مانند عروسی که به سوی شوهرش برده می‌شود، بالا می‌برند - در حالی که آن عمل همراه با جهاد و نماز نافله بین دو نماز واجب می‌باشد، و به همین خاطر صدای بلندی بسان صدای شتر، و درخششی همسان نورافشانی خورشید دارد - و به سوی فرشته‌ی دربان آسمان پنجم می‌گذرانند، تا اینکه آن فرشته می‌گوید: بایست، من فرشته‌ی حسادت هستم، پس آن عمل را به روی صاحبش بزن، زیرا او نسبت به کسانی که دانش آموخته و به طاعت خدا عمل می‌نمودند حسادت می‌نمود، و بار حسادت را بر دوشش حمل می‌کرد، و هر گاه می‌دید که کسی در عمل و عبادت بر او برتری دارد، نسبت به او حسادت می‌ورزید و بر او خرده گرفته و نکوهش می‌کرد. پس وی عمل خویش را بر دوش گرفته و عملش وی را لعنت می‌کند.

حضرت فرمود: دیگر بار فرشتگان نگاهبان بالا رفته و عمل او را¹⁷⁸ به سوی آسمان ششم عبور می‌دهند، تا اینکه فرشته‌ی دربان آسمان ششم می‌گوید: بایست، من صاحب مهربانی و دلسوزی هستم، این عمل را بر صورت صاحب آن بزن و چشمانش را کورکن، زیرا صاحب این عمل به هیچ کس مهربانی و دلسوزی نمی‌نمود، هر گاه می‌دید بنده‌ای از بندگان خدا گناهی در رابطه با آخرت نموده، و یا ضرری در دنیا به او رسیده، نسبت به او شماتت می‌کرد، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عمل وی از من به سوی دیگری بگذرد. حضرت فرمود: دیگر بار فرشتگان نگاهبان، عمل بنده را بالا می‌برند، اعمالی همراه با فقه و ژرف فهمی و کوشش در عبادت و ورع و پرهیزگاری، که بسان

رعد و آذرخش صدا می‌کند، و پرتوی مانند برق دارد، و سه هزار فرشته همراه آن هستند. تا اینکه آن را به سوی فرشته دربان آسمان هفتم می‌برند، و آن فرشته می‌گوید: بایست و این عمل را بر روی صاحب آن بزن، من فرشته‌ی حجاب هستم، و از عبور هر عملی را که برای خدا نباشد جلوگیری می‌نمایم، زیرا صاحب این عمل خواهان رفعت و بلند پایگی در نزد فرمانروایان و ذکر خیر در مجالس، و شهرت و پیچش صدا در بلاد بود، پروردگرم به من دستور داده که نگذارم عملی از من به سوی دیگری بگذرد، مگر اینکه خالص باشد.

حضرت فرمود: بالاخره ملائکه نگاهبان، با حالت سرور و شادمانی عمل بنده را که در بردارنده‌ی خلق و خوی نیکو و سکوت و یاد فراوان خداست، و همه‌ی فرشتگان آسمانها و ملائکه هفتگانه همگی در پی آن روانند، بالا می‌برند و تمام حجابها را زیر پا می‌گذارند و می‌گذرند، تا اینکه در پیشگاه خداوند ایستاده و به عمل صالح و دعای او گواهی می‌دهند، ولی خداوند می‌فرماید: هر چند شما نگاهبانان عمل بنده من هستید، ولی من مراقب اموری که در نفس او می‌گذرد نیز هستم، مقصود وی از انجام این عمل، من نبودم، لعنت من بر او باد! آنگاه ملائکه می‌گویند: لعنت تو و لعنت ما بر او!

راوی می‌گوید: سپس معاذ گریست و گفت: عرض کردم ای رسول خدا (ﷺ) چه عملی انجام دهم؟ فرمود: ای معاذ، در یقین و باور به پیامبرت اقتدا نما، گفت: عرض کردم: شما پیامبر خداييد و من معاذ بن جبل.

فرمود: ای معاذ، اگر در عملت تقصیر و کوتاهی است، پس زبان خویش را از بدگویی بردارن دینی و حاملان قرآن نگاه‌دار. و گناهانت بر گردن خودت باشد و آنها را بر دوش برادرانت مَنه، و خویشان را با نکوهش و سرزنش نمودن برادرانت ستایش مکن، و با پایین آوردن مقام برادرانت خود را بالا مبر، و عمل

خویش را با قصد ریا انجام مده، و از دَرِ دنیا در آخرت داخل نشو، و در مجلس خود فحش و ناساز مگو، تا مبادا همنشینانت به واسطه‌ی بدخویی تو دوری کنند، و در حضور هیچ کس با دیگری سخن درگوشی مگو، و نسبت به مردم اظهار بزرگی مکن، تا مبادا خیرات دنیا از تو قطع شود، و مردم را پاره پاره مکن تا مبادا سگهای اهل آتش جهنم تو را پاره پاره کنند، که خداوند می‌فرماید:

وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا¹⁷⁹

- سوگند به فرشتگانی که [روح اهل ایمان] را با نشاط و آسایش ویژه‌ای [از بدنهایشان] قبض می‌کنند.

آیا می‌دانی ناشطات چیست؟ آنها سگهایی هستند که گوشت و استخوان اهل آتش جهنم را تکه و پاره می‌کنند. عرض کردم: چه کسی تاب و طاقت عمل به این امور و خصلتها را دارد؟، فرمود: ای معاذ، آگاه باش که مسلماً انجام این امور برای هر کس که خداوند برای او آسان کند، راحت و آسان خواهد بود.

راوی می‌گوید: معاذ حدیث را بیشتر از تلاوت قرآن، می‌خواند

مطلب دوم: نافله‌های نماز ظهر، همان نماز اوّابین¹⁸⁰ است

در روایت آمده که مولایمان علیّ (علیه السلام) فرمود: نماز ظهر، همان نماز اوّابین می‌باشد.

و نیز در احادیث وارده (به این مضمون) آمده که: وقتی هنگام ظهر می‌شود، درهای آسمان برای استجابت دعا‌های نیکو گشوده می‌گردد، و مقصود از نماز اوّابین همان نمازهای نافله‌ی ظهر است، و آنها نزد خداوند - جلّ جلاله - جایگاه ستوده و قابل سپاس دارند. آنجا که خداوند - عزّوجلّ می‌فرماید:

إِنَّهُ كَانَ لِلأَوَّابِينَ غَفُورًا¹⁸¹

- براستی که خداوند نسبت به بسیار رجوع و توبه کنندگان به سوی او، بسیار آمرزنده است.

مطلب سوّم: استخاره کردن در هنگام نوافلهای ظهر
در روایت آمده که امام باقر (علیه السلام) فرمود: استخاره کردن در بین نمازهای نوافله ظهر مستحبّ می باشد.

مقدمات ورود در نماز

اینک می‌گوییم: حال که بخشی از اسرار نماز را یادآور شدیم، لازم است برخی از اموری را که اراده نموده‌ایم، پیش از ذکر نماز از طریق روایات یادآور شویم، از آن جمله شناختن اوقات نماز است:

1 - علّت تعیین اوقات مشخص برای نمازهای پنجگانه

توجه داشته باش که اوقات نمازهای نافله و واجب را در توضیحی که پیش از وارد شدن در آنها یادآور خواهیم شد، در اینجا تنها روایتی را که در بردارنده‌ی علّت تعیین اوقات نمازهای واجب است ذکر می‌کنیم، تا بدین وسیله علّت و سرّ آن روشن گردد:

حسن بن عبدالله به نقل از پدرش از جدّش حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) در ضمن حدیث طولانی که در بردارنده‌ی پرسشهای یهود از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از امور مهمّ است، از جمله‌ی آن پرسشها، روایت نموده که آنان از حضرت (صلی الله علیه و آله) از علّت اوقات نمازها پرسیدند به این صورت که یکی از آنان عرض کرد: ای محمّد، مرا از ناحیه‌ی خداوند - عزّوجلّ - خبر ده که علّت وجوب نمازهای پنجگانه در پنج وقت بر اُمتت در ساعت‌های شبانه روز چیست؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: وقتی که آفتاب به نقطه‌ی زوال می‌رسد، حلقه‌ای دارد که در آن وارد می‌شود، و هنگامی که در آن داخل شد، وقت ظهر و زوال می‌شود و همه‌ی اشیاء مادّونِ عرش در برابر اسماء و صفات پروردگرم تسبیح می‌گویند، و آن همان ساعتی است که پروردگرم در آن بر من درود و رحمت می‌فرستد، لذا خداوند - عزّوجلّ - نماز گزاردن در آن، هنگام را بر من و بر اُمتّم واجب نموده، و فرموده است:

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ¹⁸²

- از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب نماز پیادار.

و آن همان ساعتی است که جهنم را در روز قیامت می آورند، پس هر مؤمنی که در آن ساعت مؤفق به سجده یا رکوع یا قیام شده باشد، خداوند بدن او را بر آتش جهنم حرام می کند.

و اما نماز عصر، همان ساعتی است که حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) از میوهی درخت بهشتی خورد، و در نتیجه خداوند او را از بهشت بیرون راند، لذا خداوند به فرزندانش دستور داده که این نماز را تا روز قیامت بخوانند، و آن نماز را برای اُمّت من برگزید، و آن نماز از محبوبترین نمازها در نزد خداوند - عزوجلّ - می باشد، و خداوند به من سفارش فرموده که بخصوص آن را از میان دیگر نمازها پاس بدارم.

و اما نماز مغرب، همان ساعتی است که خداوند در آن توبه‌ی حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) را پذیرفت، و فاصله‌ی بین خوردن از میوه درخت بهشتی و پذیرش توبه‌اش، سیصد سال از روزهای دنیا نسبت به روزهای آخرت بود، که هر روز از آن مانند هزار سال از سالهای دنیا می باشد، یعنی¹⁸³ از وقت عصر شرعی تا شام و مغرب می باشد، پس حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَام) سه رکعت نماز خواند، یک رکعت برای ترک اولی و خطای خود، و یک رکعت به خاطر خطیئه حوّا، و یک رکعت برای توبه‌اش، لذا خداوند - عزوجلّ - این سه رکعت را بر اُمّت واجب فرمود، و آن همان ساعتی است که دعا در آن مستجاب می شود، و پروردگام وعده داده که هرکس از اُمّت در آن ساعت دعا کند، دعایش را مستجاب نماید، و این همان نمازی است که خداوند - عزوجلّ - به من دستور داد و فرمود:

سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ، وَ حِينَ تُصْبِحُونَ¹⁸⁴.

- پاک و منزّه است خداوند هنگامی که شب می کنید، و آن هنگام که صبح

می کنید.

و اما نماز عشا، براستی که قبر تاریکی و ظلمتی دارد و روز قیامت را تاریکی و ظلمتی است، لذا خداوند به من و اُمّت دستور داده که این نماز را در این هنگام بخوانیم تا قبرهای اُمّت را روشن نموده، و بر روی پُل صراط به آنان نور و روشنایی عنایت شود. هرگامی که برای خواندن نماز عشا برداشته می‌شود، خداوند جسد و بدن صاحب آن گام را بر آتش جهنّم حرام می‌گرداند، و این همان نمازی است که خداوند برای پیامبران فرستاده شده‌ی پیش از من برگزیده بود.

و اما نماز صبح، هنگامی که خورشید طلوع می‌کند، بر شاخهای شیطان طلوع می‌کند، و خداوند - عزوجلّ - به من دستور داده که نماز صبح را پیش از دمیدن آفتاب و پیش از آنکه کافر آفتاب پرست بر آن سجده می‌کند بخوانم، و اُمّت برای خدا سجده و کرنش نمایند، و زود خواندن آن در نزد من محبوبتر است، و آن همان نمازی است که فرشتگان شب و ملائکه‌ی روز آن را مشاهده می‌کنند.

یهودی گفت: راست گفتی ای محمد، سپس ادامه‌ی حدیث را ذکر نموده است.

2 - عظمت نماز از دیدگاه روایات

پیشتر در فصل اول و دوّم اموری را که سبب معرفت تو به لزوم اهتمام در نماز و تعظیم آن می‌گردد، یادآور شدیم؛ ولیکن دیدیم که از اینجا خیلی فاصله دارد، لذا در اینجا می‌خواهیم بیان دیگری افزون بر آن ذکر نماییم:

1 - در روایت آمده که امام صادق - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فرمود: رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: فردای قیامت شفاعت من به کسی که نماز واجب را از وقتش تأخیر بیاندازد، نخواهد رسید.

2 - در روایت دیگر منقول است که ابوبصیر می‌گوید: به منظور تسلیت گفتن به خاطر سوگ امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بر اُمّ حمیده¹⁸⁵ وارد شدم، وی گریست، من نیز به خاطر گریه‌ی او گریستم، سپس گفت: اگر امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را می‌دیدم مسلماً امر عجیبی را مشاهده می‌نمودی. هنگام وفات چشمان مبارکش را باز نمود و سپس فرمود: تمام کسانی را که با من خویشاوندی دارند گرد آورید. و ما هیچ کس را ترک ننموده و همه را حاضر ساختیم، حضرت به آنان نگاه کرد و سپس فرمود: بی‌گمان شفاعت ما به کسی که نمازش را کوچک و سبک بشمارد نخواهد رسید.

3 - رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: از من [یا: از اُمّت من] نیست کسی که نمازش را کوچک و سبک بشمارد، و به خدا سوگند در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. 4 - در روایت دیگر آمده که پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمود: اولین چیزی که بنده از آن بازخواست می‌شود، نماز است، اگر پذیرفته شد اعمال دیگر قبول می‌شود، و اگر پذیرفته نشد اعمال دیگر پذیرفته نمی‌گردد.

ما نکته‌های ظریف و جالبی در این باره در کتاب *غِيَاثُ سُلْطَانِ الْوَرَى لِسُكَّانِ
الْثَّرَى* ذکر نموده و کلام را در آنجا بسط داده‌ایم، به گونه‌ای که عارفان به معانی
آن بهبودی و شفا می‌یابند.

3 - سوره‌هایی که به طور عموم در نافله‌ها قرائت می‌شوند

1 - در روایتی آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**، و سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**، و آیه‌ی **الْكَرْسِيِّ** را در هر رکعت از نماز نافله بخواند، مسلماً بزرگترین دری که برای اعمال آدمیان گشوده می‌شود برای او گشوده شده است، مگر کسی که همانند او و یا افزون بر او بخواند.

2 - روایت دیگر آمده که عالم (علیه السلام)¹⁸⁶ پیرامون ثواب خواندن قرآن در نمازهای واجب و غیر آن فرمود: شگفتا از کسی که در نماز خود **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** نخواند، چگونه نماز او قبول می‌شود؟!

3 - و نیز روایت شده که: نمازی که **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** در آن خوانده نشود، پاکیزه نمی‌گردد.

4 - همچنین در روایت آمده که: هرکس در نماز واجب، سوره‌ی **هُمَزَه** را بخواند، از دنیا برخوردار عطا می‌شود.

آیا جایز است که نمازگزار مثلاً سوره‌ی همزه را بخواند، و سوره‌هایی را که ذکر شد ترک کند، با اینکه روایت شده که نماز بدون آنها قبول و پاکیزه نمی‌گردد؟

جواب: ثواب سوره‌ها به همان صورتی است که روایت شده؛ ولی اگر کسی سوره‌ای را با همه‌ی ثوابی که برای آن نقل شده ترک کند و به جای آن سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را بخواند به خاطر فضیلتی که این دو دارند، هم ثواب سوره‌هایی که قرائت کرده به او عطا می‌شود و هم ثواب سوره‌هایی که ترک کرده. البته جایز است که غیر این دو سوره را بخواند و با آن حال نیز نمازش کامل و درست است، لیکن در این صورت ترک فضیلت نموده است.

و شاید مقصود از این نکته آن باشد که سوره‌ی اخلاص، توصیف خداوند - **جَلَّ جَلَالُهُ** - و توحید اوست، و سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** نیز راهنمای به کسی است که اسرار شب قدر بر او نازل می‌شود ثواب‌هایی است که خداوند (در برابر اعمال به بندگان) عطا می‌فرماید.

4 - سوره‌هایی که معمولاً در نوافل ظهر خوانده می‌شوند در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: در نماز نافله‌ی ظهر، در دو رکعت نخست سوره‌ی اخلاص و **جَحَدٌ**¹⁸⁷ و در رکعت سوم **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ**، در رکعت چهارم **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** آخر سوره‌ی بقره¹⁸⁸ و در رکعت پنجم **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و آیات آخر سوره‌ی آل عمران یعنی آیات **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ**¹⁸⁹ و در رکعت ششم **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و آیه‌ی **سَخَّرَهُ**¹⁹⁰ و در رکعت هفتم **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و آیاتی که در سوره‌ی انعام است یعنی **وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ**¹⁹¹ و در

رکعت هشتم **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و آخر سورهی حشر یعنی **لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ**¹⁹² تا آخر سورهی را قرائت کن. و بعد از تمام کردن نماز، 7 بار بگو:

اللَّهُمَّ، مَقْلَبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَ أَجْرُنِي مِنَ النَّارِ، بِرَحْمَتِكَ.

- خداوندا، ای گردانندهی دلها و دیدگان، دلم را بر دین خود و آیین پیامبرت استوار گردان، و قلبم را بعد از آنکه هدایت فرمودی منحرف مفرما، و از جانب خویش رحمتی به من ارزانی دار، که بی گمان تویی بسیار بخشنده، و مرا به رحمت خویش، از آتش جهنم در پناه خویش درآور.

سپس هفتاد بار از آتش جهنم به خدا پناه برده و بگو:

أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

- از آتش [جهنم] به خدا پناه می برم.

5 - شناخت قبله در روایات

وارد آمده است که: خداوند متعال به حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) دستور داد که به سوی مغرب نماز بخواند، و به حضرت نوح (عَلَيْهِ السَّلَامُ) امر فرمود که به سوی مشرق نماز بگزارد، و به حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) امر فرمود که بین مشرق و مغرب جمع کند، که مقصود همان کعبه است، و هنگامی که حضرت موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را به پیامبری مبعوث فرمود دستور داد که دین حضرت آدم را احیا و کند، و وقتی حضرت عیسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را مبعوث فرمود، دستور داد که دین حضرت نوح را احیا نماید، و هنگامی که حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را مبعوث فرمود، دستور داد که دین حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) را زنده گرداند.

پس کعبه، قبله‌ی کسانی است که در مسجد الحرام هستند، و مسجد الحرام قبله‌ی کسانی که در حرم قرار دارند. و کسانی که در خارج حرم هستند قبله‌شان حرم است، و اهل عراق رو به سوی رکن عراقی می‌کنند، و آن همان رکنی است که حَجْرُ الْأَسْوَدِ در آن است، و اهل یَمَن رو به سوی رکن یمانی، و اهل مغرب رو به سوی رکن غربی، و اهل شام رو به سوی رکن شامی می‌کنند. و سزاوار است که اهل عراق اندکی مایل به سمت چپ بایستند و برای غیر آنان چنین نیست.

اهل عراق قبله‌ی خویش را با چند طریق می‌توانند بشناسند: از آن جمله هنگامی که وقت ظهر و زوال شد، آفتاب درست هنگام زوال و بدون هیچ فاصله‌ای، بر ابروی راست کسی که رو به قبله می‌ایستد قرار می‌گیرد، و هنگامی که وقت نماز مغرب شد، سرخی آفتاب در سمت مشرق در زمان معتدل درست محاذی شانه‌ی چپ کسی که روبه قبله است قرار می‌گیرد، و در وقت نماز عشا

سرخی آفتاب در سمت مغرب در زمان معتدل محاذی شانه‌ی راست کسی که روبه قبله است قرار می‌گیرد، و در وقت نماز صبح پیش از طلوع فجر در زمان معتدل محاذی شانه‌ی چپ کسی که روبه قبله است قرار می‌گیرد.

راههای تشخیص قبله

هرگاه نماز گزار از این راهها پی به قبله نبرد، و آسمان تمام ابری یا به برخی از موانع مانند آب یا غیر آن در اثر تدبیر خداوند حسابگر پوشیده بود، اگر ظن غالب به جهت قبله داشت بر ظن و گمان خویش عمل می‌کند، و اگر گمانش نسبت به تمام جهات مساوی بود، یا اصلاً ظن مساوی به جمیع جهات نداشت، بلکه شک محض نسبت به تمام جهات داشت و راهی نداشت که به وسیله آن بتوان تشخیص جهت قبله را داشته و قطع یا غلبه‌ی ظن بر سایر حالات را به آن استعلام کند، اگر نماز نافله بود به هر جهت که خواست نماز می‌گزارد، و اگر نماز واجب باشد باید آن را چهار بار رو به سوی جهات چهارگانه بخواند، و اگر به خاطر برخی از امور ضروری این کار برای او ممکن نبود باید نماز واجب را یک بار به هر جهت که خواست بخواند.

اگر بعداً جهت قبله روشن شد، چنانچه پیشتر رو به سوی همان جهت نماز خوانده باشد نمازش صحیح خواهد بود، و همچنین اگر در زمین عراق باشد و نمازش رو به سوی جهت ما بین مغرب و مشرق قبله واقع شده باشد، ولی اگر رو به سوی خود مشرق یا مغرب بوده و وقت نیز باقی باشد نماز را دوباره می‌خواند، و اگر وقت گذشته باشد لازم نیست اعاده کند، و اگر نمازش پشت به قبله باشد در هر دو حال¹⁹³ آن را دوباره می‌خواند.

احکام دیگر قبله

جایز است انسان نماز نافله را بر روی شتر و کشتی بخواند (بر حسب حالش در سیر و امکان از روبه قبله بودن)، و بهتر است که بر حسب حال خویش در سیر تکبیرة الاحرام را رو به قبله بگوید، سپس ادامه‌ی نماز را به هر جهت که کشتی یا شتر منحرف می‌شود انجام دهد. این مقدار از احکام قبله در این مقام کافی است.

6 - مواردی که توجّه به هفت تکبیر افتتاح مستحبّ

است مستحبّ است انسان در هفت جا با گفتن هفت تکبیر توجّه کند: رکعت اوّل نافله‌های ظهر، و رکعت اوّل هر نماز واجب، و رکعت اوّل نافله‌های مغرب، و رکعت اوّل و تیره و نافله‌ی عشاء، و رکعت اوّل نماز نافله‌ی شب، و در اوّل دو رکعت نمازِ احرام¹⁹⁴.

و توجّه و تکبیرات هفتگانه در سه جا به صورت مؤکّد روایت شده است: از آن جمله در روایت است که امام باقر (علیه السلام) فرمود: در سه جا نماز را با توجّه و تکبیر آغاز کن، در نماز ظهر، و نماز شب، و نماز یک رکعتی وتر¹⁹⁵ و در غیر این موارد از نمازهای نافله کافی است که برای دو رکعت، تنها یک تکبیر بگویی. و این هفت تکبیر در کتاب ابن‌جانبه نیز روایت شده است.

علّت آغاز نماز با تکبیرهای هفتگانه

در روایت آمده که امام باقر (علیه السلام) فرمود: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای نماز از منزل بیرون آمدند، در حالی که حسن بن علی (علیه السلام) از سخن گفتن وامانده بود، بحدّی که بیم آن را داشتند که اصلاً سخن نگوید و لال شود. تا اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که او را بر گردن و دوش حمل می‌نمود، از خانه بیرون آمد و مردم در پشت حضرتش صف بستند، و حضرت او را در سمت راستش قرار داد، پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تکبیر گفت و نماز را با تکبیر شروع فرمود، امام حسن (علیه السلام) نیز تکبیر گفت. هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش تکبیر او را شنیدند، حضرت دوباره تکبیر گفت، و امام حسن (علیه السلام) تکبیر دیگر گفت، تا اینکه هفت بار تکبیر گفت، و بدین ترتیب افتتاح نماز با هفت تکبیر سنت گردید.

اشکال و جواب

اگر گفته شود که: چگونه تکبیر امام حسن (علیه السلام) در حال کودکی متابعت رسول خدا (ﷺ) از او سنت گردیده؟

جواب آن است که: پیامبر اکرم (ﷺ) از امام حسن (علیه السلام) متابعت ننمود، بلکه وی از رسول الله (ﷺ) متابعت نمود، و سخن گفتن وی بعد از خودداری از سخن گفتن بسان معجزه‌ای از پیامبر اکرم (ﷺ) و در نتیجه معجزه‌ای برای اسلام است، و به همین جهت از شرایع و احکام محسوب شده است.

جواب دیگر آنکه: هیچگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از روی هوا و هوس سخن نمی‌گفت، و سخن آن بزرگوار تنها از ناحیه خدا به او وحی می‌شده است، بنابراین ممکن است که خداوند - جلّ جلاله - به حضرت وحی فرموده که این گونه تکبیر گفتن را به خاطر امام حسن - علیه السلام - سنت قرار دهد. [یا: وحی فرموده که از امام حسن (علیه السلام) متابعت نموده، و آن را سنت قرار دهد].

همچنین در روایتی آمده است که: آغاز تکبیر نماز عید نیز به واسطه سخن گفتن امام حسن بن علی (علیه السلام) بوده است، ولی شیخ طوسی در تهذیب¹⁹⁶ آن را درباره‌ی امام حسین (علیه السلام) نقل کرده است.

دعایی پیش از شروع نافله‌های ظهر از جمله دعاهایی که پیش از شروع نافله‌های ظهر خوانده می‌شود، دعایی است که جدّم ابی جعفر طوسی در مصباح کبیر¹⁹⁷ خود ذکر نموده. به این صورت:

اللَّهُمَّ، إِنَّكَ لَسْتَ بِإِلَهٍ اسْتَحْدَثْنَاكَ، وَلَا بِرَبٍّ يَبِيدُ ذِكْرُكَ، وَلَا كَانَ مَعَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ، وَلَا كَانَ قَبْلَكَ مِنْ إِيَّاهِ فَنَعْبُدُهُ وَنَدْعُكَ، وَلَا أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا أَحَدٌ

فَشْرِكْ فِيكَ. أَنْتَ اللَّهُ [الدِّيَانُ] 198 لاشْرِيكَ لَكَ، وَأَنْتَ الدَّائِمُ لَا يَزُولُ مُلْكُكَ، أَنْتَ
أَوَّلُ الْأَوَّلِينَ وَآخِرُ الْآخِرِينَ وَدِيَانُ يَوْمِ الدِّينِ، يَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ وَيَبْقَى وَجْهَكَ الْكَرِيمُ،
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونَ فِي الْعِزِّ مُشَارِكًا، وَلَمْ تُوَلَدْ فَتَكُونَ مَوْرُوثًا هَالِكًا، وَلَمْ
تُدْرِكْكَ الْأَبْصَارُ فَتُقَدَّرْكَ شَبَحًا مَائِلًا، وَلَمْ تُعَاوِرْكَ زِيَادَةٌ وَلَا تَقْصَانٌ، وَلَا تُوصَفُ
بِأَيْنٍ وَلَا تَمَّ وَلَا مَكَانٍ، بَطْنَتْ فِي حَقِيقَاتِ الْأُمُورِ، وَظَهَرَتْ فِي الْعُقُولِ بِمَا نَرَى مِنْ
خَلْقِكَ مِنْ عِلَامَاتِ التَّدْبِيرِ، أَنْتَ الَّذِي سُئِلَتْ الْأَنْبِيَاءُ عَنْكَ فَلَمْ تَصِفْكَ بِحَدٍّ وَلَا بِيَعْضٍ،
بَلْ دَلَّتْ عَلَيْكَ مِنْ آيَاتِكَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ الْمُنْكَرُونَ جَحْدَهُ، لِأَنَّ مَنْ كَانَتْ السَّمَاوَاتُ
وَالْأَرْضُونَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِطْرَتَهُ، فَهُوَ الصَّانِعُ الَّذِي بَانَ الْخَلْقَ فَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَا بَيْنَهُمَا آيَاتٌ دَلِيلَاتٌ عَلَيْكَ، تُؤَدِّي عَنْكَ
الْحُجَّةَ وَتَشْهَدُ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ، مُوسِمَاتٍ بِيُرْهَانٍ قُدْرَتِكَ وَمَعَالِمٍ تَدْبِيرِكَ، فَأَوْصَلْتَ إِلَى
قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ مَعْرِفَتِكَ مَا آنَسَهَا مِنْ وَحْشَةِ الْفِكْرِ وَسَوْسَةِ الصُّدُورِ، فَهِيَ عَلَى
اعْتِرَافِهَا شَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ قَبْلَ الْقَبْلِ بِلَا قَبْلٍ، وَبَعْدَ الْبَعْدِ بِلَا بَعْدٍ، انْقَطَعَتْ الْغَايَاتُ دُونَكَ.

فَسُبْحَانَكَ لاشْرِيكَ لَكَ، سُبْحَانَكَ فَلَا وَزِيرَ لَكَ، سُبْحَانَكَ لَا عِدْلَ لَكَ، سُبْحَانَكَ
لَا ضِدَّ لَكَ، سُبْحَانَكَ لَانِدْلَكَ، سُبْحَانَكَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، سُبْحَانَكَ لَا تُغَيِّرُكَ
الْأَزْمَانُ، سُبْحَانَكَ لَا تَتَنَقَّلُ بِكَ الْأَحْوَالُ، سُبْحَانَكَ لَا يُعْيِيكَ شَيْءٌ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ، إِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَاصَّتِكَ وَ
أَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَخَازِنِكَ عَلَى عِلْمِكَ، الْهَادِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، الْصَادِعِ بِأَمْرِكَ عَنْ
وَحْيِكَ، الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ فِي عِبَادِكَ، الدَّاعِيَ إِلَيْكَ، الْمُوَالِي أَوْلِيَاءَكَ مَعَكَ، وَالْمُعَادِي
أَعْدَاءَكَ دُونَكَ، أَسْأَلُكَ جُدَدَ الرَّشَادِ إِلَيْكَ، الْقَاصِدِ مَنْهَجِ الْحَقِّ نَحْوَكَ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَفْضَلَ وَأَكْرَمَ وَأَشْرَفَ وَأَعْظَمَ وَأَطْيَبَ وَأَتَمَّ وَأَعَمَّ وَأَزْكَى
وَأَنْمَى وَأَوْفَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَمَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ وَعِبَادِكَ
الصَّالِحِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

اللَّهُمَّ، اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَ ذُنُوبِي بِهِمْ مَغْفُورَةً، وَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا، وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا، وَ أَنْظِرْ إِلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً أَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفُهُ عَنِّي أَبَدًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، براستی که تو معبودی نیستی که ما تو را آفریده انگاشته باشیم، و پروردگاری نیستی که یادت فنا پذیر باشد، و شریکی نداری که همراه با تو حکم براند، و معبودی پیش از تو نبوده که ما او را پیرستیم و تو را رها کنیم، و احدی در آفریدن ما، یاور تو نبوده که ما او را شریک تو قرار دهیم، تویی خداوند بسیار پاداش دهنده [که شریکی برای تو نیست، و تویی پایدار و جاودانی که هرگز سلطنتت زوال نمی پذیرد، تویی اول اولین و آخر آخرین و بسیار پاداش دهنده‌ی روز جزا، هر چیز نابود می شود و وجه [و اسماء و صفات] بزرگوار تو باقی می ماند، معبودی جز تو نیست، نه زاده‌ای تا کسی و در عزت و سرافرازی شریک تو باشد، و نه زاده شده‌ای تا کسی و از تو ارث ببرد و نابود گردی، و دیده‌ها تو را درک نمی کنند تا تو را به صورت شَبَحِ ایستاده [یا: آشکار] فرض کنند، و افزودنی و کاستی بر تو عارض نمی شود، و به کجایی و آنجایی و داشتن مکان توصیف نمی شوی. در امور مخفی نهان گشته، و در عقلا - به واسطه‌ی نشانه‌های تدبیر و کاردانی که در آفریده‌هایت می بینیم - آشکاری، تویی خداوندی که از پیامبران پیرامون تو پرسیدند و ایشان تو را به داشتن حدّ و مرز و داشتن اجزاء توصیف نمودند، بلکه نشانه‌ها و آیات به گونه‌ای بر تو راهنمایند که منکران نمی توانند آن را انکار نمایند؛ زیرا کسی که آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست آفریده‌ی او باشد، تنها او صانعی است که با مخلوقات فرق دارد و لذا چیزی همانند او نیست.

و گواهی می دهیم که آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست نشانه‌هایی هستند که بر تو راهنمایند، حجّت و دلیل را از جانب تو ادا نموده و به ربوبیت

تو گواهی می‌دهند، و داغ و نشانه‌ی بُرهانِ قدرت و نشانه‌های تدبیر و کاردانی‌ات را با خود دارند، و لذا به گونه‌ای معرفت و شناختت را به دل‌های مؤمنان رسانیده‌اند که آنان را از تنهایی و وحشت اندیشه و وسوسه‌ی دل‌ها رها کرده و مونس آنان گردیده‌اند، بنابراین، آنها [یعنی آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست] با اعتراف خویش شهادت می‌دهند که تو پیش از پیش بوده‌ای بدون اینکه پیشی برای تو فرض شود، و بعد از بعد خواهی بود بی آنکه بعد بودن برای تو فرض شود، تمام غایتها در نزد تو پایان پذیرفته است.

پس پاک و منزّه‌ی تو شریکی برای تو نیست، پاک و منزّه‌ی تو وزیری برای تو نیست، پاک و منزّه‌ی تو و همتایی برای تو نیست، پاک و منزّه‌ی تو و ضدّی برای تو نیست، پاک و منزّه‌ی تو مشابهی برای تو نیست، پاک و منزّه‌ی تو هیچگاه چرت و خواب تو را نمی‌گیرد، پاک و منزّه‌ی تو و زمانها تو را تغییر نمی‌دهند، پاک و منزّه‌ی تو و حالات تو را دگرگون نمی‌سازند، پاک و منزّه‌ی تو و هیچ چیز نمی‌تواند تو را ناتوان سازد، پاک و منزّه‌ی تو، براستی که من از ستمکاران بودم، اگر مرا نیامرزی و رحم نیاری، از زیانکاران خواهم بود.

خداوندا، بر حضرت محمد درود فرست، هم او که بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و دوست و ویژه‌ی درگاه و امین تو بروحی، و گنجینه دار دانش تو بود، هم او که به اذن تو مردم را به سوی تو رهنمون گردید، و به دستور تو وحی‌ات را کاملاً آشکار، و حجّتت را در میان بندگان برپا نموده، و به سوی تو دعوت فرمود، و همراه با تو دوستانت را دوست، و دشمنانت را دشمن گرفت، و راه‌های شوسه‌ی رشد و هدایت به سوی تو را پیمود، و راه روشن حقّ به سوی تو را طی نمود.

خداوندا، برترین و گرامی‌ترین و با شرافت‌ترین و بزرگ‌ترین و خوشترین و کاملترین و شاملترین و پاکیزه‌ترین و بالنده‌ترین و کاملترین، و بیشترین درودهایی را که بر پیامبری از پیامبران و فرشتگان و فرستادگان و بندگان شایسته‌ات فرستاده‌ای، بر او بفرست، براستی که ستوده و بلند پایه‌ای.

خداوندا، نماز مرا به واسطه‌ی آنان قبول، و گناهانم را آمرزیده، و سعی و کوششم را مورد سپاس، و دعایم را مستجاب گردان، و روزی‌ام را وسعت ده. و در این لحظه و ساعت با روی [و اسماء و صفات] گرامی‌ات یک نظر رحمتی به من افکن، نگرستی که به واسطه‌ی آن در نزد تو به کمال کرامت نایل گردم، سپس نظرت را هیچگاه از من برنگردان. به رحمتت، این مهربانترین مهربانها.

و بعد از خواندن این نافله‌ی ظهر را شروع می‌کنی.

(169) جامع البیان، ج 1، ص 80.

(170) اشاره است به آیه 19 از سوره‌ی علق که در همین فصل گذشت.

(171) جائیه (45): 23، و فرقان (25): 43.

(172) توبه (9): 31.

(173) حجّ (22): 78.

(174) ظاهراً اشاره است به آیه شریفه از سوره‌ی منافقون (63) که می‌فرماید: إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا: تَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ، وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ، وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ تَكَاذِبُونَ. (هرگاه منافقون نزد تو آمده و گفتند که ما براستی گواهی می‌دهیم که تو حقیقتاً فرستاده‌ی خدا هستی، [آن را قبول منما،] که خداوند براستی می‌داند که تو حقیقتاً فرستاده‌ی خدا هستی، و خداوند گواهی می‌دهد که براستی منافقان حقیقتاً دروغ‌گویند.)

(175) حجرات (49): 17.

(176) اعراف (7): 172.

(177) انابه: عبارت است از توبه‌ای خاص و رجوع به تمام‌وجود به خداوند جلّ جلاله.

- (178) در عده‌ی داعی، ص 228، و نیز در بحارالانوار، ج 70، ص 246، روایت 20 که این حدیث را نقل کرده‌اند در این قسمت آمده است: عمل بنده را که نماز و روزه و حج و عمره است از آن عبور داده بالا می‌برند.
- (179) نازعات (79): 2 - البتّه در رابطه با معنای این آیه شریفه و اصولاً پنج آیه‌ی نخست سوره‌ی نازعات اختلاف بسیار در میان مفسّرین است. به تفسیر شریف المیزان (ج 20، ص 178 - 182) رجوع شود.
- (180) اَوَابٌ یعنی کسی که پیوسته به درگاه الهی توبه و انابه و رجوع می‌نماید.
- (181) اسراء (17): 25.
- (182) اسراء (17): 78.
- (183) در نتیجه: سیصد سال از روزهای دنیا، تقریباً برابر با سه از روزهای آخرت ساعت می‌شود، که فاصله عصر تا شام و نماز مغرب نیز به این مقدار یعنی تقریباً سه ساعت است.
- (184) روم: (30): 17
- (185) همسر امام صادق (علیه‌السلام).
- (186) مقصود از عالم (علیه‌السلام) در روایات، امام کاظم (علیه‌السلام) است.
- (187) یعنی سوره‌ی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ
- (188) ظاهراً مقصود دو آیه‌ی آخر این سوره یعنی از آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ تا آخر سوره است.
- (189) آل عمران (3): 190 - ظاهراً مقصود خواندن تمام این آیه تا آخر آیه 194 می‌باشد.
- (190) ظاهراً مقصود آیه‌ی 54 سوره‌ی اعراف (7) است که پیرامون مسخّر بودن تمام موجودات در برابر امر خداوند - عزّوجلّ - می‌باشد.
- (191) انعام (6): 100.
- (192) حشر (59): 21.
- (193) چه وقت گذشته باشد و چه نگذشته باشد.
- (194) مواردی که به شماره درآمده شش جا می‌باشد، و ظاهراً نماز یک رکعتی و تر از قلم افتاده است که بعداً مؤلف بزرگوار بدان اشاره می‌فرمایند، و در عروة الوثقی (ج 1، ص 481، مسأله 10) نیز همین هفت مورد ذکر شده است.
- (195) در برخی از نسخه‌ها: وُتِيرَه.
- (196) رجوع شود به تهذیب، ج 2، ص 67، روایت 243.
- (197) مصباح المتجهد، ص 33.

198) داخل]] از مصباح المتهدّ افزوده شده اس

7 - کیفیت انجام نافله‌های ظهر

و تعقیب و دعا و ابتهال و تضرّح مخصوص بعد از هر دو رکعت از آن به همان صورتی که شرح و تفصیل آن گذشت¹⁹⁹ بنده باید با ذلّت و بندگی و مراقبه‌ی خداوند - جلّ جلاله - در امور خرد و کلان خود بپا خاسته، و در حالی که توجّه می‌کند که در برابر مولای خویش قرار گرفته و وی را می‌بیند، رو به قبله می‌بایستد، و با حالت شکستگی و خضوع برای معبود خویش، در حال قیام نماز به جای سجده‌اش نگاه کند، و فاصله‌ی میان دو گامش تقریباً به اندازه‌ی چهار انگشت باشد، و نیت کند: که: نافله‌ی ظهر را به جهت استحبابش به جا می‌آورم در حالی که بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - از آن جهت که زیننده‌ی پرستش است، عبادت می‌کنم. سپس دستهایش را تا لاله‌ی دو گوش خود بالا برده و یک بار تکبیر بگوید، و با وقار آنها را بر روی پهلوهایش پایین آورد، سپس به همین صورت تکبیر دوّم و سوّم را گفته و بعد از تکبیر سوّم، در حالی که دستانش را به صورت برخی از انواع حالات دعا کننده که پیشتر شرح دادیم²⁰⁰ بالا برده و دعایی را که از امام صادق (علیه السلام) بعد از تکبیر سوّم روایت شده است بخواند، که:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ [الْمُبِينُ]، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا
وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي ذَنْبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

- خدایا، تویی پادشاه و فرمانروای حق [آشکارا]، معبودی جز تو نیست، تو را همراه با حمد و ستایشت، به پاکی و منزّه بودن از آایشها می‌خوانم، عمل ناپسند انجام دادم و به خود ستم نمودم، پس گناهم را ببامرز، که بی‌گمان جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد.

سپس به صورتی که یاد آور شدیم، دو تکبیر دیگر را بگویند، و دستهایش را بالا ببرد، و با دل و زبان و تمام وجود و با تمام توان به دعوت خداوند - جلّ جلاله - لبیک گفته و آن را اجابت کند، که مولایمان امام زین العابدین (علیه السلام) در حال گفتن لبیک حجّ بیهوش گردید؛ زیرا اگر بنده در حالی که دلش به غیر او مشغول است و با تمام وجود بر خدا توجّه ندارد، به خداوند - جلّ جلاله - لبیک بگوید، به دروغ لبیک گفته است، بنابراین باید کاملاً از این امور بر حذر بوده و قلب و تمام قوای خود را بدان مکلف است جمع نموده و با تمام توان به این صورت لبیک بگوید:

لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، وَ الْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ، وَ الشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ، وَ الْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ، مِنْكَ وَ بِكَ وَ إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنجَى وَ لَا مَفْرَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَ حَنَانِيكَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ.

- آری و آری، خیر تنها در دو دست [جلال و جمال] توست، و شرّ و بدی را به سوی تو راهی نیست، و هدایت شده کسی است که تو راهنمایی اش فرموده باشی، منم بنده و بنده زاده‌ی تو، از تو به وسیله‌ی تو و به سوی تو می‌گریزم، هیچ پناهگاه و محلّ نجات و گریزگاهی از تو جز به سوی تو نیست، پاک و منزّه و مهربانی، پاک و منزّه‌ی ای پروردگار خانه‌ی کعبه.

سپس به صورتی که اشاره نمودیم دو تکبیر دیگر را بگویند و نیز توجّه نموده و بگویند:

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهَاجِ عَلِيِّ حَنِيفاً مُسْلِماً، وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

- روی و تمام وجود خویش را به سوی پدید آورنده‌ی آسمانها و زمین نمودم، بر اساس آیین حضرت ابراهیم و دین حضرت محمد و روش حضرت علی (علیه السلام)، در حالی که استوار و تسلیم هستم، و هرگز از مشرکان نیستم. برآستی که نماز و عبادتها و زندگانی و مردنم از آن خداوندی است که پروردگار عالمیان می‌باشد، شریکی برای او نیست، و به این دستور داده شده‌ام، و از مسلمانان هستم، پناه می‌برم به خدا از گزند شیطان رانده شده.

سپس سوره‌ی حمد و **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را آهسته و با حالت اخفات بخواند، **الْبَتَّةَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** را در تمام نمازها بلند و با حالت جهر می‌خواند، سپس به صورتی که پیش از این شرح دادیم تکبیر رکوع را بگوید و با حالت خشوع و خضوع رکوع می‌کند، و در حال رکوع به میان دو پایش نگاه کند، و با حالت افتادگی و فروتنی که پیش از این نگاشتیم²⁰¹ دعایی را که محمد بن یعقوب از امام باقر (علیه السلام) نقل نموده - و به روایت دیگر مطالب افزون بر آن را دارد - در حال رکوع بگوید، که:

اللَّهُمَّ، لَكَ رَكَعْتُ، وَ لَكَ خَشَعْتُ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ لَكَ أَسَلْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ أَنْتَ رَبِّي، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ مَخْيِي وَ عَصَبِي وَ عِظَامِي وَ مَا أَقَلْتُ [يَا: مَا أَقَلْتُهُ] قَدَمَايَ، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- خدایا، تنها برای تو رکوع نمودم، و فقط برای تو خشوع و فروتنی نمودم، و تنها به تو ایمان آورده و تسلیم تو شده و بر تو توکل نمودم، و تویی پروردگارم، چشم و گوش و مغز و عصب و استخوانهایم و تمام آنچه قدمهایم آن را حمل می‌کند، [یعنی تمام اعضای بدنم] برای تو خشوع و فروتنی نموده، برای خداوندی که پروردگار عالمیان است.

سپس هفت بار بگوید:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ.

- همراه با حمد و ستایش، پاک و منزّه می‌دانم پروردگار بزرگم را.
 البتّه هفت بار گفتن افضل و بهتر است، پنج یا سه بار گفتن آن نیز کفایت می‌کند، و اکتفا نمودن بر یک بار نیز جایز است. بعد از آن سر از رکوع برداشته و راست بایستد به گونه‌ای که تمام اعضایش به همان حالی که در حالت ایستاده بود برگردد، و در تمام این حالات متذکّر این مطلب می‌شود که در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - است، و اینکه این رکوع و خضوع برای عظمت و جلالت او، و برای پرستش او به جهت ذات اوست²⁰² و اینکه این سر بلندکردن نیز به امر او، و به خاطر اوست، و بگوید:

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَهْلِلِ الْكِبْرِيَاءَ [وَالْعِظْمَةَ] وَالْجُودَ وَ
 الْجَبْرُوتَ.

- خداوند، ستایش هرکس را که ستایش او را بکند می‌شنود، سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است، خداوندی که اهل کبریا و بزرگمنشی [و عظمت] و بخشش و کبر و سرکشی است.

سپس همراه با گفتن تکبیر، دستهایش را به همان صورتی که یادآور شدیم بلند نموده و با حالت خضوع و خشوع و فروتنی، در برابر خداوند - جلّ جلاله - به خاطر ذات او - جلّ جلاله - به سجده می‌رود، و ابتدا دو دست خود را بر زمین برمی‌گذارد، و بر هفت استخوان بدن - یعنی پیشانی و دو دست و دو زانو و قسمتی از سر انگشتان دو پا - سجده می‌کند، و سر بینیش را نیز از روی خاکساری و بندگی بر خاک قرار می‌دهد، و حالت تجافی را حفظ نموده و هیچ قسمت از بدنش را بر روی قسمت دیگر نمی‌گذارد، و با نیت صادق و باطن خالص و پاک و از روی عبودیت بندگی که پیش از این ذکر نمودیم²⁰³، دعایی را که محمد بن یعقوب و غیر او از امام صادق (علیه‌السلام) روایت نموده‌اند - و به روایت دیگر مطالب افزون بر آن دارد - بخواند که:

اللَّهُمَّ، لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسَلْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَأَنْتَ رَبِّي،
سَجَدَ لَكَ سَمْعِي وَبَصْرِي وَشَعْرِي وَعَصْبِي وَمُخِّي وَعِظَامِي، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي
الْفَانِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصْرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

- خداوندا، تنها برای تو سجده نمودم، و فقط به تو ایمان آورده، و تسلیم تو
شده، و بر تو توکل نمودم، و تویی پروردگارم، گوش و چشم و موی و عصب و
مغز و استخوانهایم برای تو سجده نموده است. روی [و تمام وجود] پوسنده و
فناپذیرم برای کسی که آن را آفرید و صورت نگاری نموده و برای او گوش و
چشم قرار داده، سجده نموده است. منزّه و بلند مرتبه باد خداوند، که بهترین
آفرینندگان می باشد.

سپس هفت بار بگوید:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ.

- همراه با حمد و ستایش، پاک و منزّه می دانم پروردگار والا و برتر خود را.
البتّه جایز است که بر پنج یا سه یا یک بار بسنده نماید. بعد با حالت وقار و
به آرامی سر از سجده برداشته و بر روی ران چپ خویش می نشیند، به گونه ای
که پشت پای چپش بر روی پای راستش قرار بگیرد. و می گوید:

اللَّهُمَّ، اغْفُ عَنِّي، وَاغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاجْبُرْنِي [يا: وَاجْرِنِي]، وَاهْدِنِي، [وَأِنِّي
لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ].

- خدایا، از من درگذر، و مورد مغفرت و رحمت خویش قرارم ده، و مرا
بی نیاز [و یا: اصلاح، و یا: پاداشم عنایت] فرما، و هدایتم نمای، که من به آنچه
برای من از خیر و خوبی نازل فرموده ای، نیازمندم.

البتّه می تواند دعای دیگری را بخواند، و هرگاه دعا را تمام کرد، به صورتی
که یادآور شدیم دو دستش را همراه با گفتن تکبیر بالا برده، و برای انجام سجده
پایین می آید، و دعا و ذکری را که مشروحاً بیان نمودیم گفته، و بعد با حالت

وقار می‌نشیند، سپس آنچه را که محمد بن یعقوب کلینی از امام صادق (ع) روایت نموده، می‌گوید. که فرمود: هرگاه خواستی پس از انجام یک رکعت بپاخیزی، بر کف دستهای خویش تکیه بده و بگو:

بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقْوَمُ وَ أَقْعَدُ.

- به دگرگون کردن و نیرو و قدرت خداوند برمی‌خیزم و می‌نشینم.

که علی (ع) نیز چنین می‌نمودند.²⁰⁴

و ابتدا سوره‌ی حمد و سپس سوره‌ی **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** را آهسته و با حالت اخفات می‌خواند، و پس از فراغت از آنها به همان صورتی که پیش از این یادآور شدیم، یعنی با حالت ذلت و عبودیت و حضور خاطر و قلب و توجه به اینکه در پیشگاه جلال بزرگوار و معظم الهی قرار دارد، دو دستش را برای گفتن قنوت بالا می‌برد.

و مستحب است که در قنوت کلمات فرج را بخواند، و ما آن را پیش از این ضمن تلقین محتضر ذکر نمودیم، اینک نیز یادآور می‌شویم تا برای جویندگان راحت‌تر باشد. در قنوت خویش می‌گوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ [وَ مَا فَوْقَهُنَّ] وَ مَا تَحْتَهُنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- معبودی جز خداوند بردهار بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها [و بالا] و زیر آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می‌باشد. و درود بر فرستادگان، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است.

سپس برای بزرگوارترین و عزیزترین خلاق²⁰⁵ در نزد خداوند - جلّ جلاله - دعا می‌کنی، تا خداوند درهای دعا را به روی تو بگشاید، و گرنه آن بزرگوار از دعای تو بی‌نیاز است و نیازی به آن ندارد.

بعد از آن به هر چه نیاز دارد به صورتی که خداوند - جلّ جلاله - او را بدان رهنمون می‌گردد، دعا می‌نماید، سپس رکوع و دو سجده را درست به همان صورتی که در رکعت اول بجا آورد انجام می‌دهد.

وقتی سر از سجده‌ی دوم برداشت، به کیفیتی که توضیح دادیم می‌نشیند سپس می‌گوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَالْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى كُلِّهَا لِلَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ.

- به نام خدا، و به [وسیله‌ی] خدا، و نیکوترین نامها [و کمالات] همگی از آن خداست، گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست، و گواهی می‌دهم که حضرت محمد بنده و رسول خداست، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و شفاعت او را درباره‌ی اُمّتش بپذیر، و درجه و منزلتش را بلند گردان.

و اگر تنها بر شهادت به یگانگی خداوند - جلّ جلاله - و رسالت حضرت محمد - (ﷺ) -، و صلوات بر او و خاندانش (ﷺ) - بسنده نماید، کافی است.

سپس سلام نماز را رو به قبله می‌گوید، و با گوشه‌ی دو چشم به سمت راست اشاره نموده و می‌گوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

- سلام و رحمت و برکتها و خیرات خداوند بر شما باد.

تعقیبات و دعاهای نافله‌های ظهر

1 - در حالتی که دو دستش را به سوی لاله‌ی دو گوش خود بالا می‌برد، سه بار تکبیر می‌گوید، سنّت مؤکّدی که پیامبر اکرم (ﷺ) در برخی از بشارتهایی که به آن بزرگوار داده شده، آن را سنّت قرار داد.

3 - سپس شروع می‌کند به گفتن تسبیح حضرت زهراء، فاطمه، دختر رسول خدا (ﷺ) که عبارت است از سی و چهار بار تکبیر و سی و سه بار حمد و سی و سه بار تسبیح، همان گونه که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هنگام گفتن تسبیح حضرت فاطمه (ع) ابتدا سی و چهار بار تکبیر، و سپس سی و سه بار حمد، و سپس سی و سه بار تسبیح می‌گویی.

فضیلت تسبیح حضرت زهراء (ع)

در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: تسبیح حضرت فاطمه (ع) در تعقیب نمازها، از خواندن هزار رکعت نماز [نافله] در هر روز در نزد من محبوبتر است.

البته ترتیب تسبیح حضرت فاطمه (ع) به گونه دیگری نیز روایت شده است، چنانکه در حدیث آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس [بخواهد] تسبیح حضرت زهراء، فاطمه (ع) را بگوید، ابتدا سی و چهار بار تکبیر گفته، و بعد سی و سه بار تسبیح می‌گوید، و تسبیح را به تکبیر متصل می‌کند، و بعد سی و سه بار حمد می‌گوید و حمد را به تسبیح متصل می‌کند.

و بعد از آنکه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** تسبیح حضرت فاطمه زهرا (ع) را به پایان برد

می‌گوید:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، صَلُّوا عَلَيْهِ، وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا²⁰⁶ لَبَّيْكَ رَبَّنَا وَ سَعْدَيْكَ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى

أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَ
أَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَّا لَهُمْ وَالْإِثْمَامَ [يا:الْإِيمَانُ] بِهِمْ وَالتَّصَدِيقَ لَهُمْ، رَبَّنَا، آمَنَّا وَصَدَّقْنَا
وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَآلَ الرَّسُولِ، فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ،

اللَّهُمَّ، صُبَّ عَلَيْنَا الرِّزْقَ صَبًّا صَبًّا، بَلَاغًا لِلْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا
مَنْ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، إِلَّا سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَطَيْبًا مِنْ وَسْعِكَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى عِفَافًا،
لَا مِنْ أَيْدِي لِنَامِ خَلْقِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي
عَمَلِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا
أُبْقَيْتَنِي. اللَّهُمَّ، لَا تَجِدْنِي حَيْثُ نَهَيْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أُعْطَيْتَنِي، وَارْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي،
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خدا نیست، براستی که خداوند و ملائکه اش تقاضای رحمت
بر پیامبر اکرم [ﷺ] می کنند، ای کسانی که ایمان آورده اید، برای او
درخواست رحمت کنید، و براستی تسلیم او شوید. آری، ای پروردگار ما آری،
خداوند، بر محمد و آل محمد و بر اهل بیت و فرزندان حضرت محمد درود
فرست، و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر او و ایشان باد، و گواهی
می دهیم که ما باید تسلیم آنان شویم، و به ایشان اقتدا کنیم، [یا: ایمان آوریم]، و
ایشان را تصدیق کنیم. پروردگارا، ایمان آوردیم و تصدیق نمودیم و از پیامبر و
خاندان او پیروی نمودیم، پس ما را از جمله ی شاهدان و گواهان بنویس.

خدایا، روزی که ما را به [خواسته های] آخرت و دنیا برساند، بسیار بسیار
بر ما فرو بار، بدون اینکه بسیار و سخت بکوشیم و کم بدست آوریم، و یا کسی
از آفریدگانت بر ما منت نهد، بلکه روزی وسیع و گسترده و پاکیزه ات را از
دست پُرتر رحمت خویش همراه با پاکدامنی، و نه از دست خلائق پستت [به من
ارزانی دار].

خداوندا، در دیده‌ام روشنایی، و در دینم بصیرت و روشندلی، و در عملم اخلاص، و در روزی‌ام وسعت، و یادت را در شبانه روز بر زبانم قرار ده، و سپاسگزاری از خویش را پیوسته و تا زمانی که [در این دنیا] پاینده‌ام داشته‌ای، ارزانی‌ام دار، خداوندا، هرگز مرا در آنجا که نهی فرموده‌ای [یعنی گناهان و غفلت] نیاب، و آنچه را که عطا فرموده‌ای پر خیر و برکت گردان، و هنگامی که جانم را می‌ستانی بر من رحم آر، براستی که تو بر هر چیز توانایی.

خداوند، تمام گناهان او را آمرزیده، و از همان روز و ساعت و لحظه و ماه و سال تا سال دیگر از ناداری و نیازمندی و دیوانگی و جذام و پبسی و از مرگ بد، و از هر گرفتاری و بلایی که از آسمان به زمین فرو می‌آید عافیت می‌بخشد. و برای او در برابر این عمل شهادت به کلمه‌ی اخلاص لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ همراه با ثواب آن تا روز قیامت نوشته می‌شود، که ثواب و پاداش آن مسلماً بهشت است.

راوی می‌گوید: عرض کردم: آیا این ثوابها و نتایج برای کسی است که آن را در هر روز، تا یک سال بگوید؟ فرمود: خیر، اینها برای کسی است که از امسال تا سال دیگر یک بار آن را گفته باشد، همه‌ی آن ثوابها برای او نوشته می‌شود، و تا مثل همان روز و ساعت و ماه از امسال تا سال دیگر که گردش خورده و فرا رسد، او را کفایت می‌کند.

3 - جمله دعاهایی که سزاوار است انسان بعد از سلام همه نافله‌های ظهر

بخواند، این دعاست که:

اللَّهُمَّ، إِنِّي ضَعِيفٌ فَقْوَانِي [فِي رِضَاكَ ضَعْفِي، وَ خُذْ إِلَيَّ الْخَيْرَ بِنَاصِيَّتِي، وَ اجْعَلِ
الْإِيْمَانَ مُنْتَهَى رِضَايَ، وَ بَارِكْ لِي فِيْمَا قَسَمْتَ لِي، وَ بَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي أَرْجُو
مِنْكَ، وَ اجْعَلْ لِي وُدًّا وَ سُرُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ، وَ عَهْدًا عِنْدَكَ.

- خداوندا، براستی که من ناتوانم، پس در خشنودی خویش ناتوانی‌ام را
مبدل به نیرومندی گردان، و [موی] پیشانی [و تمام وجودم] را بگیر و به سوی
خیر و خوبی [رهسپار ساز]، و ایمان را منتهای خشنودام قرار ده، و آنچه را که
برای من قسمت و مقدر فرموده‌ای مبارک گردان، و با رحمت خویش مرا به
تمام آنچه که از تو آرزو دارم نایل گردان، و دوستی من و شادمانی از من را در
[دل] مؤمنان، و عهد و پیمانی در نزد خویش [برای من] قرار ده.

4 - از جمله دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نوافل ظهر خوانده

می‌شود این دعاست، که آن را با صدای بلند می‌خوانی:

رَبِّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْرِنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ،
وَ ارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَنُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا
ذَ الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتَكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ، أَسْتَجِيرُ
بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

- پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه
خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت
خویش بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای بسیار
مهربان، ای بسیار بخشنده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خشنودی و

بهشتت را خواهانم، و از آتش جهنم و ناخشنودی‌ات به تو پناه می‌برم، به خدا پناه می‌برم از آتش جهنم.

5 - اینک روایتی مفصل پیرامون دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نافله‌های ظهر خوانده می‌شود، ذکر می‌کنیم:

عبدالله بن حسن بن حسن به نقل از مادرش فاطمه، دختر امام حسن (علیه السلام) از پدر بزرگوارش حسن بن علی (علیه السلام) - روایت می‌کند که: رسول خدا (ﷺ) پیوسته این دعا را بین دو رکعت از نماز نافله‌ی ظهر می‌خواندند:

دعای بعد از دو رکعت اول:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ أَكْرَمُ مَا تَبِيَّ، وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، وَخَيْرٌ مَنْ طُلِبَ إِلَيْهِ الْحَاجَاتُ، وَأَجْوَدُ مَنْ أُعْطِيَ، وَأَرْحَمُ مَنْ اسْتُرْحِمَ، وَأَرْوَفُ مَنْ عَفِيَ، وَأَعَزُّ مَنْ اعْتُمِدَ، اللَّهُمَّ، بِي إِلَيْكَ فَاقَةٌ، وَ لِي إِلَيْكَ حَاجَاتٌ، وَلَكَ عِنْدِي طَلِبَاتٌ مِنْ ذُنُوبِ أَنَا بِهَا مُرْتَهِنٌ، وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي وَأَوْبَقْتَنِي، وَإِنْ لَا تَرْحَمْنِي وَتَغْفِرْ لِي، أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ. اللَّهُمَّ اعْتَمَدْتُكَ فِيهَا تَائِباً إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا قَدِيمَهَا وَحَدِيثَهَا، سِرَّهَا وَعَلَانِيَتَهَا، خَطَايَا وَعَمْدَهَا، صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَأَنَا مُذْنِبُهُ، مَغْفِرَةً عَزْماً جَزْماً لَا تُغَادِرُ ذَنْباً وَاحِداً، وَلَا أَكْتَسِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّماً أَبَداً، وَأَقْبِلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ، وَتَجَاوَزْ لِي [يا: تَجَاوَزْنِي] [عَنِ الْكَثِيرِ] [يا: الْكَبِيرِ] [مِنْ مَعْصِيَتِكَ، يَا عَظِيمُ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ، يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي فِي شَأْنِكَ شَأْنَ حَاجَتِي،] [يا: وَأَقْضِ فِي شَأْنِكَ حَاجَتِي]، وَ حَاجَتِي هِيَ فَكَأَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْأَمَانُ مِنْ سَخَطِكَ، وَالْفَوْزُ بِرِضْوَانِكَ وَجَنَّتِكَ، وَ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَامْنُنْ بِذَلِكَ عَلَيَّ وَبِكُلِّ مَا فِيهِ صَلَاحِي، أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ السَّاطِعِ فِي الظُّلُمَاتِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ، وَكُتِبَ لِي عِتْقًا مِنَ النَّارِ مُتَبَوِّلاً، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَّبِعِينَ إِلَيْكَ، أَتَابِعِينَ لِأَمْرِكَ،
 الْمُخْتَبِينَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرْتَ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ، وَ الْمُسْتَكْمَلِينَ مَنَاسِكُهُمْ، وَالصَّابِرِينَ فِي
 الْبَلَاءِ، وَالشَّاكِرِينَ فِي الرَّخَاءِ، وَالْمُطِيعِينَ لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَهُمْ بِهِ، وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ،
 وَالْمُؤْتِينَ الزَّكَاةَ، وَالْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ، أضعِفْ لِي [يا: أضعِفْنِي]. [207 - يا كَرِيمُ، -
 كَرَامَتِكَ، وَ أَجْزِلْ لِي عَطِيَّتِكَ، وَالْفَضِيلَةَ لَدَيْكَ، وَالرَّاحَةَ مِنْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ
 عِنْدَكَ، مَا تَكْفِينِي بِهِ كُلَّ هَوٍّ دُونَ الْجَنَّةِ، وَ تُظِلُّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا
 ظِلُّكَ، وَ تُعْظِمُ نُورِي، وَ تُعْطِينِي كِتَابِي بِيَمِينِي، وَ تُضْعِفُ حِسَابِي [يا: حَسَنَاتِي]، وَ
 تَحْشُرُنِي فِي أَفْضَلِ الْوَافِدِينَ إِلَيْكَ مِنَ الْمُتَّقِينَ، تُسْكِنُنِي [يا: وَ تُسْكِنُنِي] فِي عِلِّيِّينَ،
 وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْظُرُ إِلَيْهِ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَ تَتَوَقَّأَنِي وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، وَالْحَقِيقِي بِعِبَادِكَ
 الصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاقْبَلْنِي بِذَلِكَ كُلِّهِ مُفْلِحاً مُنْجِحاً، قَدْ غَفَرْتَ لِي
 خَطَايَايَ وَ ذُنُوبِي كُلَّهَا، وَ كَفَّرْتَ عَنِّي سَيِّئَاتِي، وَ حَطَّطْتَ عَنِّي وَرْزِي، وَ شَفَعْتَنِي فِي
 جَمِيعِ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،
 وَ تَخْلِطْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي وَ لَا بِمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً وَ لَا أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا،
 وَاجْعَلْنِي مِنَ الْخَاشِعِينَ لَكَ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالصَّحَّةَ فِي جِسْمِي، وَ
 الْقُوَّةَ فِي بَدَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ، وَ أَعْطِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ عَافِيَتِكَ
 مَا تُسَلِّمُنِي بِهِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا، وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ،
 وَالْخُشُوعَ لَكَ، وَالْوَقَارَ وَالْحَيَاءَ مِنْكَ، وَ التَّعْظِيمَ لِذِكْرِكَ، وَ التَّقْدِيسَ لِمَجْدِكَ أَيَّامَ
 حَيَاتِي، حَتَّى تَتَوَقَّأَنِي وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.

اللَّهُمَّ، وَأَسْأَلُكَ السَّعَةَ وَالِدَّعَةَ وَالْأَمْنَ وَالْكَفَايَةَ وَالسَّلَامَةَ وَالصَّحَّةَ وَالْفُنُوعَ وَالْعِصْمَةَ
 وَالهُدَى وَالرَّحْمَةَ وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ وَ الْمَغْفِرَةَ وَالشُّكْرَ وَالرِّضَا وَ الصَّبْرَ وَالْعِلْمَ
 وَالصِّدْقَ وَ الْبِرَّ وَالتَّقْوَى وَالْحِلْمَ وَالتَّوَاضُعَ وَالْيُسْرَ وَ التَّوْفِيقَ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
 آلِهِ، وَاعْمُمْ بِذَلِكَ أَهْلَ بَيْتِي وَ قَرَابَاتِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ وَ مَنْ أَحْبَبْتُ وَأَحْبَبَنِي فِيكَ أَوْ
 وَكَلْتُهُ وَ وَكَلْتَنِي مِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ.

وَأَسْأَلُكَ يَا رَبُّ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، وَالصِّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ، أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضُرُورَتُهَا عَلَى التَّغَوُّثِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ أَنْ أَكُونَ فِي حَالٍ عُسْرٍ أَوْ يُسْرٍ أَظُنُّ أَنَّ مَعَاصِيكَ أَنْجَحُ فِي طَلِبَتِي مِنْ طَاعَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ تَكْلُفٍ مَالًا تُقَدِّرُنِي فِيهِ رِزْقًا، وَمَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَآتِنِي بِهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، تو گرامی ترین کسی هستی که به سوی تو می آیند، و گرامی ترین زیارت شونده، و بهترین کسی هستی که خواسته ها و حواجی از تو درخواست می شود، و بخشنده ترین کسی هستی که عطا می فرمایی، و مهربانترین کسی هستی که از تو تمنای رحمت و مهربانی می شود، و رؤوف ترین کسی هستی که عفو می فرمایی؟ و سربلندترین کسی هستی که به او اعتماد می شود. خدایا، من به تو نیازمندم و به تو خواسته ها دارم، و تو در نزد من طلبکاریهایی از گناهان داری، و من در گرو آنها هستم، و آنها پشت مرا سنگین و نابودم کرده اند، اگر بر من رحم نفرمایی و مورد مغفرت خویش قرار ندهی، از زیانکاران خواهم بود. خداوندا، در حالی که از گناهانم به سوی توبه می نمایم ولی درباره ی گناهانم به توست، اعتمادم پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و تمامی گناهانم قدیم و جدید، و نهان و آشکار، خطا و عمد، کوچک و بزرگ، و هر گناهی را که از من سرزده، و یا در حال انجام آن هستم، مورد مغفرت خویش قرار ده، مغفرتی مسلم و حتمی، به گونه ای که حتی یک گناه برای من باقی نگذاری، و بعد از آن هیچگاه حتی یک حرام را مرتکب نشوم. طاعت اندکت را از من قبول فرما، و از گناه و نافرمانی بسیار [یا: بزرگم] در گذر. ای بزرگ، بی گمان بزرگ را جز بزرگوار نمی آمرزد، تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او درخواست می کنند، هر روزی خداوند در کار تازه ای است، ای کسی که هر روز در کار [تازه] ای هستی، بر محمد و آل محمد درود فرست، و امر حاجت مرا از جمله

شأن و امور خویش قرار ده [یا: آن را برآورده فرما]، و حاجتم همان رهایی ام از آتش جهنم، و ایمنی از ناخشنودی، و کامیابی به خشنودی و بهشت می‌باشد. و بر محمد و آل محمد درود فرست، و به این امور و هر چیزی که صلاح من در آن است، بر من منت نه. به [حق] نور درخشنده‌ات در تاریکیها از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و میان من و ایشان در دنیا و آخرت جدایی نیاندازی، براستی که تو بر هر چیز توانایی.

خداوندا، و برای من رهایی و آزادی دایمی از آتش جهنم را بنویس، و از انابه و رجوع کنندگان به تمام وجود به سوی خود، که تابع، دستورات می‌باشند، و همواره به تو آرامش حاصل می‌کنند و پیوسته متوجه تو می‌باشند، آنان که وقتی یاد تو برده می‌شود دل‌هایشان لرزان و هراسان می‌گردد، و از کسانی که به عبادات چنگ زده، و در هنگام گرفتاری شکیبایی پیشه نموده و در حالت خوشی سپاسگزارند، و در تمام آنچه بدان امر فرموده‌ای دستورات را اطاعت می‌نمایند، و نماز را بپا داشته، و زکات اموالشان را عطا می‌کنند، و بر تو توکل می‌نمایند، قرار ده. خدایا، کرامت و بخششات را بر من دو چندان گردان، ای کریم، و عطا و فضیلت و شرافت در نزدت و آسودگی‌ای از جانب خویش و دستاویزی به سوی خود و مقام و منزلت یافتن در نزدت را به اندازه‌ای بر من افزون عطا فرما که به واسطه‌ی آن از هر هول و هراسی تا رسیدن به بهشت مرا کفایت نموده، و در روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی رحمت تو وجود ندارد، مرا در سایه‌ی عرش قرار داده، و نور عظیم خویش را بر من عطا فرموده، و نامه‌ی عملم را به دست راستم داده، و اعمال نیکم [یا: حساب رسی‌ام] را دو چندان گردانیده، و در میان برترین وارد شوندگان به محضر خویش از اهل تقوی محشورم ساخته، و در علّیین [و بالاترین مقام در بهشت] جای دهی. و نیز مرا

از کسانی که با روی [و اسماء و صفات] گرامی‌ات به ایشان نظر می‌افکنی قرار داده، و در حالتی که از من راضی و خشنودی، جانم را بستان، و به بندگان شایسته‌ات ملحق فرما. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا همراه با برآورده ساختن همه‌ی این خواسته‌ها برگردان، در حالی که رستگار و کامیاب باشم، و تمام خطاها و گناهانم را آمرزیده، و بدیهایم را پوشانده، و بار گناهان مرا برداشته، و در برآوردن همه‌ی حوایج دنیا و آخرتم همراه با آسانی و عافیت از جانب خویش شفاعت نموده باشی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و هیچ کدام از اعمالم و هرچه را که به واسطه‌ی آن به سوی تو نزدیکی جستیم، به ریاء و سمعه و شادمانی از روی هوی و هوس، و طغیان در استفاده‌ی از نعمتها آمیخته نگردان، و از فروتنان درگاهت قرار ده.

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و وسعت در روزی، و بهبودی در تن، و نیرو و قدرت در بدن بر انجام طاعت و عبادتت را عطایم فرما، و از رحمت و خشنودی و عافیتت به اندازه‌ای به من ارزانی دار که مرا از تمام گرفتاریهای دنیا و آخرت سالم نگاه داری. و بیم و هراس از خود، و میل و رغبت به سویت، و خشوع و فروتنی در برابر خود، و وقار و حیاء و شرم از خود، و تعظیم و بزرگداشت ذکر، و به پاکی یاد کردن بزرگی‌ات را در تمام ایام عمرم روزی‌ام گردان، تا اینکه در حال خرسندی از من، جانم را بستانی.

خداوندا، و از تو وسعت و آرامش و امنیت و ایمنی و کفایت و سلامتی و بهبودی و قناعت [و یا: عبادت] و عصمت [از گناهان] و هدایت و رحمت و عفو و گذشت و عافیت و یقین و مغفرت و شکر و خشنودی و شکیبایی و آگاهی و راستی و نیکی کردن و تقوی و بردباری و تواضع و توانگری و توفیق را درخواست می‌نمایم. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و همه این

خواسته‌ها درباره‌ی خانواده و خویشان و نزدیکان و برادران دینی‌ام در راه تو، و تمام کسانی که دوستشان می‌دارم، و آنان که مرا در راه تو دوست می‌دارند، و تمام مردان و زنان مؤمن و مسلمان که فرزند و نسل من محسوب می‌شوند، و یا من فرزند و از نسل آنان به شما می‌آیم، مستجاب بفرما.

و ای پروردگار من، گمان نیک به تو، و صدق در توکل بر تو را از تو درخواست می‌نمایم. و ای پروردگار من، به تو پناه می‌برم از اینکه مرا به بلایی گرفتار نمایی که مرا به ناچار بر یاری جستن به گناهی از گناهانت وادار کند، و ای پروردگار من، به تو پناه می‌برم از اینکه در حالی (تنگی روزی و یا توانگری) باشم که گمان کنم گناهان و معاصی‌ات در برآوردن خواسته‌ام از طاعت تو زودتر به مقصودم می‌رساند، و به تو پناه می‌برم از به زحمت انداختن خود در چیزی که در آن برای من روزی مقدر نفرموده‌ای. و هر روزی‌ای را که برای من مقدر فرموده‌ای، پس بر محمد و آل او درود فرست و آن را با آسودگی و عافیت از جانب خویش به من ارزانی دارد. ای مهربانترین مهربانها.

و با صدای بلند بگو:

رَبِّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجِرْنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اَللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانَ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ [يَا مَنَّانُ]، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتِكَ، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ، اَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

- پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و به رحمت خویش منزلتم را بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای بسیار مهربان، [ای بسیار بخشنده]، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خشنودی و

بهشتت را خواهانم، و از آتش جهنم و ناخشنودی‌ات به تو پناه می‌برم، به خدا پناه می‌برم از آتش جهنم.

سپس به سجده رفته و می‌گویی:

اللَّهُمَّ، [إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ]، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تُسْتُرَ عَنِّي ذُنُوبِي، وَ تَغْفِرَها لِي، وَ تُقَلِّبِنِي الْيَوْمَ بِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَ لَا تُعَذِّبَنِي بِقَبِيحِ مَا كَانَ مِنِّي، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَرُّ، يَا كَرِيمُ، أَنْتَ أَبْرُؤُ بِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مِنْ نَفْسِي وَ مِنْ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، بِي إِلَيْكَ فَاقَةٌ وَ فَقْرٌ، وَ أَنْتَ عَنِّي غَنِيٌّ [يا: عَنِّي غَنِيٌّ، أَسْأَلُكَ]، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُرَحِّمَ فَقْرِي، وَ تُسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَ تُكْفَ عَنِّي أَنْوَاعَ [يا: أَبْوَابَ] الْبَلَاءِ، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ يَسْعَانِي.

- خداوندا، [به واسطه‌ی جود و کرم‌ت] او به واسطه‌ی حضرت محمد بنده و رسولت و به فرشتگان مقرب درگاهت و پیامبران فرستاده شده‌ات، به سوی تو نزدیکی جسته و آنها را واسطه قرار می‌دهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و لغزش‌ام را نادیده بگیری، و گناهانم را بپوشانی و بیامرزی، و همین امروز مرا با برآورده نمودن خواسته‌ام برگردانی، و به واسطه‌ی اعمال زشتی که از من سرزده عذابم نفرمایی، ای اهل نگاهداری و زیننده‌ی آمرزش، ای نیکوکار، ای بزرگواری، تو نسبت به من از پدر و مادر و از خودم و از همه‌ی مردم نیکوکارتر می‌باشی، من به تو حاجتمند و نیازمندم، و تو از من بی‌نیازی - [از تو درخواست می‌کنم] که بر محمد و آل محمد درود فرستی و بر فقر و ناداری‌ام رحم آورده، و دعایم را مستجاب فرموده، و انواع و اقسام [یا: درها]ی بلا را به رویم ببندی، که مسلماً گذشت و بخشش تو مرا فرا می‌گیرد.

دعای بعد از سلام دو رکعت دوّم:

اللَّهُمَّ، إِلَهَ السَّمَاءِ وَإِلَهَ الْأَرْضِ، وَفَاطِرَ السَّمَاءِ وَفَاطِرَ الْأَرْضِ، وَنُورَ السَّمَاءِ وَنُورَ الْأَرْضِ، وَزَيْنَ السَّمَاءِ وَزَيْنَ الْأَرْضِ، وَعِمَادَ السَّمَاءِ وَعِمَادَ الْأَرْضِ، وَبَدِيعَ السَّمَاءِ وَبَدِيعَ الْأَرْضِ، ذَا 208 الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، صَرِيحَ الْمُسْتَصْرِحِينَ وَغَوْثَ الْمُسْتَعِيثِينَ وَ مُنْتَهَى غَايَةِ الْعَابِدِينَ، أَنْتَ الْمُفْرَجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، أَنْتَ الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، مُفْرَجُ الْكُرْبِ وَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، إِنْ هُوَ الْعَالَمِينَ، الْمَنْزُولُ بِهِ كُلُّ حَاجَةٍ، يَا عَظِيمًا يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا.

- خدایا، ای معبود آسمان و معبود زمین، و پدید آورنده‌ی آسمان و زمین، و نور آسمان و زمین، و زینت آسمان و زمین، و تکیه گاه آسمان و زمین، و نو آفرین آسمان و زمین، صاحب بزرگی و بزرگواری، این فریادرس کمک خواهان و یاور یاری جویان، و منتهای اهداف عابدان، تویی برطرف کننده‌ی ناراحتی کسانی که ناراحتی سخت و گلوگیر دارند، تویی آسوده کننده‌ی اندوهناکان، تویی مهربانترین مهربانها، گشاینده و برطرف کننده ناراحتی سخت، و اجابت کننده‌ی دعای درماندگان، معبود عالمیان، هر حاجتی به درگاه تو آورده می‌شود، ای بزرگی که برای برآورده نمودن هر امر بزرگ به تو امید بسته می‌شود، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن.

و با صدای بلند بگو:

رَبِّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَجِرْنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتِكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

- پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای

مهربان، ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خشنودی و بهشتت را خواهانم، و از آتش جهنم و ناخشنودیات به تو پناه می‌برم، به خدا پناه می‌برم از آتش جهنم.

دعای بعد از سلام دو رکعت سوم:

یا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا حَيُّ يَا عَلِيمُ، يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ، يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ، يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ، يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا نُورَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، تَمُّ نُورٌ وَجْهِكَ، أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيتَ بِهِ أُجِبتَ، وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أُعْطِيتَ، وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ، فَإِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا، أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ، فَيَكُونُ، أَنْ تَصَلِيََ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.

- ای بلند مرتبه، ای بزرگ، ای زنده، ای آگاه، ای بسیار آمرزنده، ای مهربان، ای شنوا، ای بینا، ای یگانه، ای بی‌همتا، ای بی‌نیازی که همگان به او نیازمندند، ای کسی که نه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای و هیچ کس همتای تو نیست، ای رحمان، ای رحیم، ای نور آسمانها و زمین، نور روی [و اسماء و صفات] تو تمام و کامل گشته و همه چیز را فراگرفته است، به نور رویت که آسمانها و زمین بدان روشن گشته از تو مسألت دارم، و به اسم بزرگ بزرگتر بزرگتر بزرگتر که هرگاه به آن خوانده شوی اجابت می‌نمایی، و هرگاه به آن درخواست شوی عطا می‌فرمایی، و به قدرتت بر هر یک از مخلوقات که بخواهی، از تو درخواست می‌نمایم - زیرا هنگامی که چیزی را اراده نموده باشی، تنها کار تو این است که به آن بفرمایی، موجود شو. آنگاه [بی‌درنگ] پدید می‌آید - که بر محمد و آل محمد درود فرستی و به من چنین و چنان نمایی.

و با صدای بلند بگو:

رَبِّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْرِنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَاسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَسَخَطِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

- پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خوشنودی و بهشتت را خواهانم، و از آتش جهنم و ناخشنودیات به تو پناه می‌برم، به خدا پناه می‌برم از آتش جهنم.

دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم:

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، شَجَرَةَ النَّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ، وَ أَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي الْبَحْرِ الْغَامِرَةِ، يَا مَنْ مِنْ رَكِبِهَا، وَيَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهَا، أَلْتَمَقْدَمُ لَهُمْ مَارِقٌ، وَالْمَتَأَخَّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ، وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْكَهْفِ الْحَصِينِ، وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ، وَ مَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَ عَصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضَى، وَ لِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ [يا: آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)] أَدَاءً [وَقَضَاءً]، بِحَوْلِ مِنْكَ وَ قُوَّةِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [الَّذِينَ أَوْجِبَتْ حَقَّهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ، وَ فَرَضْتَ وَلَايَتَهُمْ]، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ اعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ، وَ لَا تُخْرِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَ ارْزُقْنِي مُوَاَسَاةَ مَنْ فَتَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ، مِمَّا [يا: بما] أَوْسَعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمِهِ، وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ.

- خدایا، بر محمد و آل محمد، که درخت نبوت و پیامبری و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و اهل بیت وحی هستند، درود فرست. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، آنان که کشتی روان در موجها [و یا: ژرفای] دریا هستند، که هرکس بر آن سوار شود ایمن و آسوده، و هرکس سوار نشود غرق می‌گردد، هم ایشان که هر کس بر آنان پیشی گیرد [از دین] خارج گشته، و هرکس از آنان عقب ماند و از ایشان تبعیت ننماید، به هلاکت مبتلا می‌گردد، و تنها کسی که پیوسته همراه آنان باشد به ایشان می‌پیوندد. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، هم ایشان که غار مصون و محفوظ، و یاور درمانده‌ی بیچاره ذلیل، و پناهگاه گریختگان و نگاهدارنده‌ی چنگ زندگان و پناه جویان می‌باشند. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، درود و رحمت بسیاری که موجب خشنودی ایشان، و آدا برآورده نمودن حق محمد و آل محمد (ﷺ) گردد، به حول و قدرت تو، ای پروردگار عالمیان، خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، [آنان که حق و مهر و مودتشان را واجب، و سرپرستی و دوستی‌شان را فرض شمرده‌ای]. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و دلم را به طاعت خود زنده بدار، و به معصیت و نافرمانی‌ات رسوایم مگردان، و روزی‌ام کن که با کسانی که روزی‌ات را بر آنان تنگ فرموده‌ای، از [یا: به] آنچه از فضلت بر من وسعت داده‌ای، مواسات و همدردی نمایم. حمد و سپاس برای خدا به خاطر نعمتهایش، و از تمام گناهان به درگاه خدا طلب آمرزش می‌نمایم. و در هر هول و هراس هیچ تحول و دگرگونی و قدرت و نیرویی جز به خدا نیست.

6 - اینک روایت مفصل دیگری را پیرامون دعاهایی که در تعقیب هر دو

رکعت از نافله‌ی ظهر خوانده می‌شود یادآور می‌شویم:

این روایت را به جدّم ابی جعفر طوسی - قدّس الله جلّ جلاله روحه - در کتاب مصباح کبیر²⁰⁹ ذکر می‌کنیم، وی می‌گوید در روایت آمده که در تعقیب سلام اوّل (یعنی بعد از رکعت دوّم) بگو:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نِعْمَتِكَ، [وَأَعُوذُ بِمَغْفِرَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَأْفَتِكَ مِنْ غَضَبِكَ]، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا أُبْلِغُ مِدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ. [أَسْأَلُكَ] أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ حَيَاتِي زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَوَفَاتِي رَاحَةً إِلَيَّ وَ^[210] مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَتَسُدَّ فَاقَتِي بِهُدَاكَ وَتُوفِّقَنِي، وَتُقَوِّئِي ضَعْفِي فِي طَاعَتِكَ، وَتَرْزُقَنِي الرَّاحَةَ وَالْكَرَامَةَ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ وَاللَّذَّةَ وَبَرْدَ الْعَيْشِ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ، وَنَفْسِ الْكُرْبَةِ يَوْمَ الْمَشْهَدِ الْعَظِيمِ، وَارْحَمْنِي يَوْمَ الْفَلَاقِ فَرْدًا، هَذَا نَفْسِي سَلِمٌ لَكَ، مُعْتَرِفٌ بِذُنُوبِي، مُقِرٌّ بِالظُّلْمِ [يَا: بِالذَّنْبِ] عَلَيَّ نَفْسِي، [عَارِفٌ] بِفَضْلِكَ [عَلَيَّ]، أَقْبَلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ. أَسْأَلُكَ لَمَّا صَفَحْتَ عَنِّي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي، وَعَصَمْتَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

- خداوندا، براستی که از عقوبت تو به گذشتت پناه می‌برم، و از ناخشنودی به خشنودی‌ات پناه می‌برم، و از کیفر تو به رحمتت پناه می‌جویم، [و از عذابت به آمرزشت پناه می‌برم، و از خشم و غضبت به رأفت و مهربانی‌ات پناه می‌برم]، و از تو به تو پناه می‌جویم. معبودی جز تو نیست، هرگز من نمی‌توانم به مدح و ثنای تو برسم، تو همانچنانی که خود، خویش را ستوده‌ای. [از تو درخواست می‌نمایم] که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و زندگانی‌ام را مایه‌ی فزونی در اعمال نیک، و مردنم را آسودگی از تمام بدیها قرار دهی، و به هدایت و توفیق خویش نیازم را برطرف نمایی، و ضعف و کوتاهی‌ام در طاعتت را نیرو بخشی، و راحتی و کرامت و نور چشمی و لذت و خنکی و خرمی زندگانی بعد از مرگ را روزی‌ام گردانی، و ناراحتی سخت و گلوگیرم را در روز محضر بزرگ خلاصی

در قیامت برطرف فرما، و در روزی که تنها با تو ملاقات می‌نمایم بر من رحم آر، این نفس من است که تسلیم توست، و به گناهم اعتراف دارم، و به ظلم و ستم [یا: گناهم] بر نفس خویش اقرار می‌نمایم به فضلت [یا: قدر شناس تفضلت بر خویشم] با روی [و اسماء و صفات] گرامیات بر من روی آر، از تو درخواست می‌نمایم که گناهان گذشته‌ام را عفو فرموده، و در باقیمانه‌ی عمرم [از گناه] محفوظم بداری، و بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن.

سپس با صدای بلند بگو:

رَبِّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، أَجْرِنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَاسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ، يَا مَنَّانُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَسَخَطِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

- پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خشنودی و بهشتت را خواهانم، و از آتش جهنم و ناخشنودی‌ات به تو پناه می‌برم، به خدا پناه می‌برم از آتش جهنم.

بعدت در تعقیب رکعت چهارم بگو:

اللَّهُمَّ، مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَثَبِّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ وَ دِينِ نَبِيِّكَ، وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَأَجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي سَعِيدًا، فَإِنَّكَ تَمَحُّو مَاتَشَاءُ وَتُثَبِّتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.

- خداوندا، ای گرداننده‌ی دلها و دیدگان، بر محمد و آل محمد درود فرست، و قلبم را بر دین خود و آیین پیامبرت استوار گردان، و بعد از آنکه هدایتیم فرمودی دلم را منحرف مفرمان، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده‌ای، و مرا به رحمت خویش از آتش جهنم در پناه خویش درآور خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و سعادت‌مندم قرار ده، زیرا تو هرچه را بخواهی محو نموده و یا ثابت می‌فرمایی، و اُمّ‌الکتاب و کتاب مادر در نزد توست.

و در تعقیب رکعت ششم بگو:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، اللَّهُمَّ، أَنْتَ الْغَنِيُّ غَنِّي، وَ بِي الْفَاقَةُ إِلَيْكَ، أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ إِلَيْكَ، أَقْلَتَنِي عَثْرَتِي، وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي، فَاقْضِ يَا اللَّهُ، حَاجَتِي، وَ لَا تُعَذِّبْنِي بِقَبِيحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّي، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ يَسْعَانِي.

- خداوندا، براستی که من واسطه جود و کرم تو و به واسطه‌ی حضرت محمد بنده و رسالت، و به واسطه‌ی فرشتگان مقرب درگاهت و پیامبران فرستاده شده، به سوی تو نزدیکی می‌جویم. خدایا، تو از من بی‌نیازی و من به تو نیاز دارم، تو غنی هستی و من به تو حاجتمندم. از لغزشم در گذشتی، و گناهانم را پوشاندی، پس ای خدا حاجتم را برآورده فرما، و به اعمال زشتی که از من آگاهی داری عذابم مفرما، زیرا مسلماً گذشت و بخششت مرا فرا می‌گیرد.

و در تعقیب رکعت هشتم بگو:

يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ، وَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينُ، وَ يَا رَازِقَ الْمَسَاكِينِ، وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ [الطَّاهِرِينَ]، وَ اغْفِرْ لِي جِدِّي

وَهَزَلِي، وَخَطَايَ وَعَمْدِي، وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَدْبَبْتُهُ، وَاعْصِمْنِي مِنْ
اِقْتِرَافِ مِثْلِهِ، إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ.

- ای اوّل اولین و آخر آخرین، ای خداوند صاحب قدرت، و استوار، و ای
روزی دهنده‌ی بیچارگان، و ای مهربانترین مهربانان، بر محمد و خاندان پاک و
[یاکیزه‌ی] او درود فرست، و [گناهان] جدّی و شوخی، و خطا و عمد، و اسرافم
بر نفس خویش، و هر گناهی را که انجام داده‌ام بی‌آمرز، و از مرتکب شدن
گناهان مشابه آن محفوظ بدار، براستی که تو بر هر چیز که خواهی توانایی.

سپس به سجده برو و بگو:

يَا أَهْلَ التَّقْوَىٰ وَيَا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَرُّ، يَا رَحِيمٌ، إِنَّكَ أَبْرُّ بِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنْ
جَمِيعِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، إِقْلِبْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي مُجَاباً دُعَائِي، مَرْحُوماً صَوْتِي، قَدْ
كَشَفْتَ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّي.

- ای اهل تقوی و نگاهداری، و ای اهل مغفرت و آمرزش، این نیکوکار، این
مهربان، بی گمان تو نسبت به من از پدر و مادرم و از تمام مردمان نیکوکارتر
می‌باشی، پس در حالی که دعایم را اجابت فرموده، و صدایم را مورد رحمت
خویش قرار داده، و انواع گرفتاری‌ها را از من بر طرف نموده‌ای، همراه با بر
آورده ساختن خواسته‌ام، روانه‌ام ساز.

(199) به اوایل همین فصل رجوع شود،

(200) به اوّل فصل هفتم رجوع شود.

(201) در همین فصل گذشت.

(202) یعنی: نه به طمع بهشت و یا خوف از جهنّم.

(203) در همین فصل گذشت.

(204) کافی، ج 3، ص 338، روایت 10.

(205) مقصود امام زمان، حجّة بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است.

206) احزاب (33): 56.

207) در برخیا از نسخه‌ها نیز اَصْنَى است که ظاهراً اشتباه است.

208) در بعضی از نسخه‌ها به جای "ذا" لفظ "ذی" آمده که ظاهراً نادرست است.

209) مصباح المتهدّج، ص 46.

210) ظاهراً لفظ وَ زائد است و به اشتباه اضافه شده است.

فصل هیجدهم: آداب و اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات

اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات ما اسرار عظیم اذان و اقامه را در کتاب غیاثُ سُلطانِ الْوَرَى لِسُكَّانِ الثَّرَى ذکر نموده‌ایم، لذا جویندگان به آنجا رجوع کنند، در اینجا نیز اینک گوشه‌ای از اسرار آن به حسب امکان از روایات برگزیده و یادآور می‌شویم:

روایت منقول از امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ)

1 - شیخ سعید ابوجعفر محمد بن بابویه - رضوان الله علیه - به سند خویش روایت کرده که حضرت موسی بن جعفر به نقل از پدر بزرگوارش حضرت جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش حضرت محمد بن علیّ از پدر بزرگوارش حضرت علیّ بن حسین از پدر بزرگوارش حضرت حسین بن علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: [روزی] در مسجد نشسته بودیم، که مؤذّن [به بالای مناره] رفت و گفت:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ

امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گریست و ما نیز به خاطر گریه‌ی آن بزرگوار گریستیم، هنگامی که مؤذّن اذان را به پایان برد. فرمود: آیا می‌دانید که مؤذّن چه می‌گوید؟ عرض کردیم: خدا و رسول و وصیّ او آگاه‌ترند. فرمود: اگر می‌دانستید که چه می‌گوید، مسلماً کم می‌خندیدید و بسیار می‌گریستید.

اللَّهُ أَكْبَرُ معانی فراوانی دارد، از آن جمله اینکه: مقصود از آن بزرگتر بودن خداوند از جهت قدیم و ازلی [و ابدی] بودن و علم و قدرت و بردباری و بزرگواری و بخشش و عطا و کبریا و بزرگمنشی و عظمت خداوند است، یعنی وقتی مؤذّن اللَّهُ أَكْبَرُ می‌گوید، در واقع می‌گوید: خداوندی که آفرینش از آن

اوست، و امر به دست اوست، و مخلوقات به خواست او پدید آمده‌اند، و همه چیز مخلوقات از اوست، و خلاق به سوی او رجوع می‌کنند، اوست که اول پیش از هر چیز است و ازلی است، و آخر بعد از هر چیز و جاودانی آشکار فوق هر چیز است که نمی‌توان او را درک نمود، و باطن در هر چیز که بی‌حد و مرز است؛ پس اوست پاینده و باقی، و هر چیز غیر او فانی و نابود است.

معنای دوم **اللَّهُ أَكْبَرُ** این است که: خداوند دانای کاردان و خبیر، به هر چه که پدید آمده و پدید می‌آید، پیش از به وجود آمدن آن آگاهی دارد.

معنای سوم **اللَّهُ أَكْبَرُ** اینکه: خداوند بر هر چیز قادر است، و بر هر چیز بخواهد تواناست، و به قدرت خویش نیرومند، و بر مخلوقات مقتدر است، و ذاتاً قوی است، و قدرتش بر تمام اشیا قائم و استوار است، و هرگاه چیزی را به حتم اراده نماید، تنها به آن می‌گوید: موجود شو، و آن چیز [بلافاصله] پدید می‌آید.

معنای چهارم **اللَّهُ أَكْبَرُ** بر اساس معنای حلم و کرم خداوند است، یعنی: خداوند آنچنان حلم و بردباری می‌کند که گویی از گناه بنده آگاهی ندارد، و آنچنان عفو و گذشت می‌کند که گویی نمی‌بیند، و آنچنان گناهان بندگانش را می‌پوشاند که گویی آنان گناه انجام نداده‌اند، و از روی کرم و گذشت و بردباری، در عقوبت شتاب نمی‌کند.

و وجه دیگر در معنای **اللَّهُ أَكْبَرُ** این است که: خداوند بخشنده و بسیار عطا کننده و افعالش بزرگوارانه و با کرامت است.

رویکرد دیگر در معنای **اللَّهُ أَكْبَرُ** اینکه درباره‌ی نفی کیفیت و چگونگی داشتن خداوند است، گویی گوینده‌ی آن می‌گوید: خداوند بزرگتر و منزّه از آن است که توصیف کنندگان اندازه‌ی او صافی را که او بدان متصف است درک کنند، و کسانی که او را می‌ستایند تنها به اندازه‌ی درک خویش می‌ستایند، نه به

اندازه‌ی عظمت و جلالی که او دارد. منزّه و بسیار بلند مرتبه است خداوند از اینکه ستایش کنندگان بتوانند او را آنچنان که هست توصیف کنند.

وجه دیگر در معنای **اللَّهُ أَكْبَرُ** اینکه گویی گوینده‌ی آن می‌گوید: خداوند بلندتر و بزرگوارتر، و از بندگانش بی‌نیاز است، و هیچ نیازی به اعمال مخلوقاتش ندارد.

معنای **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**، اعلام شهادت و گواهی دادن است، و شهادت جز با شناخت قلبی میسر نیست، گویی مؤذن می‌گوید: آگاهی دارم که معبودی جز خداوند - عزوجل - نیست، و تمامی معبودها جز خداوند - عزوجل - باطل و نابود هستند، و با زبان به آگاهی درونی‌ام اقرار می‌نمایم به اینکه: مسلماً معبودی جز خداوند نیست، و شهادت می‌دهم که هیچ پناهگاهی برای گریز از خداوند جز به سوی او نیست، و راه نجاتی از شرّ هیچ بدّ رسان، و فتنه و آسیب هیچ آسیب‌رسان نیست، جز به وسیله‌ی خداوند.

معنای **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** در بارِ دوم این است: شهادت می‌دهم که راهنمایی جز خداوند نیست، و من راهنمایی جز خدا ندارم، و خدا را شاهد می‌گیرم بر اینکه گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، و نیز ساکنان آسمانها و زمینها و تمام فرشتگانی در آنها هستند و همه‌ی مردم و کوهها و درختان و جنبندگان و جانوران وحشی و هر تر و خشکی را که در آنها وجود دارد گواه می‌گیرم که شهادت می‌دهم که آفریدگاری جز خداوند نیست، و جز خداوند هیچ روزی دهنده و معبود و آسیب‌رسان و سود دهنده، و قابض و باسط، و عطا کننده و جلوگیرنده، و دفع کننده و راننده، و خیرخواه و کفایت کننده و بهبودی بخش، و به جلو اندازه و به تأخیر اندازه‌ی امور نیست، و خلق

و امر تنها از آن اوست، و همه‌ی خیر و خوبی منحصرأً به دست اوست. بلند مرتبه و منزّه است خداوندی که پروردگار عالمیان است

معنای **أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ**، که مؤذن می‌گوید این است: گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست، و حضرت محمد (ﷺ) بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و منتخب اوست که خداوند او را همراه با هدایت خود و دین و آیین حقّ به سوی همه‌ی مردم فرستاد، تا بر تمام ادیان چیره و غالب گرداند، هر چند مشرکان بدشان بیاید. و تمام پیامبران و فرستادگان و ملائکه و همه‌ی مردمانی را که در آسمانها و زمین هستند گواه می‌گیرم که حضرت محمد (ﷺ) سرور اولین و آخرین می‌باشد.

و مؤذن دربار دوم **أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** در واقع می‌گوید: گواهی می‌دهم که هیچ کس جز به خداوند یگانه‌ی قهار که از همه بندگان و خلائق بی‌نیاز است، به کس دیگر نیاز ندارد، و مسلماً او حضرت محمد (ﷺ) را به عنوان بشارت دهنده‌ی مؤمنان و بیم دهنده‌ی کافران و گناهکاران به اذن خود، به عنوان دعوت کننده‌ی همگان به سوی خود، و چراغ روشن برای هدایت مردم، به سوی آنان فرستاد، پس هر کس پیامبری او را انکار نمود و نپذیرفت و به او ایمان نیآورده، خداوند - عزوجل - او را وارد آتش جهنم می‌کند، در حالی که جاودانه و پیوسته در آنجا بوده و هیچگاه از آنجا به جای دیگر منتقل نخواهد شد [یا: هرگز از آن جدا نخواهد شد].

معنای **حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ** یعنی اینکه: بیایید به سوی بهترین اعمالتان و آنچه که پروردگار، شما را به سوی آن فراخوانده، و بشتابید به سوی آمرزش از جانب پروردگارتان، و خاموش نمودن آتشی که به واسطه‌ی گناهانتان افروخته‌اید، و آزاد نمودن خود از گرو گناهانتان، تا خداوند بدیهایتان را پوشانده، و گناهانتان

را آمرزیده، و بدیهایتان را به نیکی‌ها مبدل نماید، که او فرمانروای با کرامت و بزرگواری و صاحب بخشش بزرگ است، و به ما جماعت مسلمانان اجازه داده که در خدمت و بندگی او و در محضرش وارد شویم.

معنای **حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ** در بار دوم یعنی اینکه: بپا خیزید به سوی مناجات با پروردگار و عرضه نمودن خواسته‌هایتان بر او، و با کلام او به او توسل جویید، و آن را واسطه‌ی بین خود و او قرار دهید، و بسیار به یاد او قنوت و رکوع و سجود و خشوع و خضوع او پردازید، و حوایج خویش را به [درگاه] او ببرید، که خود اجازه اینها را به ما داده است.

معنای **حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ** این است که در واقع مؤذن می‌گوید: رو آورید به سوی پایداری [یا: مالی] که فنا و نیستی با آن نیست، و رهایی که هیچ‌گونه نابودی با آن نخواهد بود، و بیابید به سوی زندگانی‌ای که مرگی با آن نیست، و به سوی نعمت [معنوی]‌ای که نابود نمی‌گردد، و به سوی سلطنتی که زوال ندارد، و به سوی خوشحالی و سروری که اندوهی همراه آن نیست، و به سوی اُنسی که هیچ احساس تنهایی‌ای با آن نیست، و به سوی نوری که هیچ تاریکی با آن نیست، و به سوی گشایشی که تنگی با آن نیست، و به سوی برافروختگی و شادمانی‌ای که پایان پذیر نیست. و به سوی توانگری‌ای که هیچ نیازی به دیگران با آن نیست، و به سوی تندرستی‌ای که هیچ بیماری با آن نیست، و به سوی سرافرازی که هیچ ذلت و خواری با آن نیست، و به سوی قدرتی که هیچ ناتوانی با آن نیست، و به سوی کرامتی چه کرامت و بزرگواری! بشتابید به سوی شادمانی دنیا و آخرت، و نجات آخرت و این جهان.

در بار دوم **حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ** مؤذن در واقع می‌گوید: از یکدیگر پیشی گیرید به سوی آنچه که شما را بدان دعوت نمودم، و به سوی کرامت بسیار و افزون، و

مَنْت عظیم و نعمت بلند پایه و رستگاری بزرگ و نعمت جاودانی در جوار حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در مقام صدق و راستی، نزد خداوندی که پادشاه مقتدر و تواناست.

معنای **اللَّهُ أَكْبَرُ** این است که در واقع مؤذّن می گوید: خداوند، بالاتر و بزرگتر است از اینکه احدی از مخلوقاتش از کرامتی که او برای بنده اش مهیا نموده، آگاه باشند، آن بنده ای که او را پذیرا گشته و از او اطاعت نموده و او را شناخته و بندگی نموده و به یادش مشغول گردیده و نسبت به او محبت ورزیده و با او انس، و به او آرام گرفته و بر او اعتماد نموده، و از او بیم و هراس داشته و به او مشتاق گشته و با حکم و قضای او موافقت نموده و بدان خشنود باشد.

در بار دوم **اللَّهُ أَكْبَرُ** در واقع می گوید: خداوند، بزرگتر و بالاتر و بزرگوارتر از آن است که احدی اندازه ی کرامت او نسبت به دوستان خویش و اندازه ی عقوبتش نسبت به دشمنانش، و اندازه ی گذشت و آمرزش و نعمتش را برای کسی که دعوت او و رسولش را پذیرفته، و اندازه ی عذاب و عقوبت و اهانتش را نسبت به کسانی که او را انکار نموده و نپذیرفته اند، بدانند.

معنای **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** این است که در واقع مؤذّن می گوید: به واسطه ی فرستادن رسول، و رسالت و روشنگری و دعوت او، حُجّت رسای خداوند بر مردم تمام شده است، و او بزرگتر از آن است که احدی از آنان بر او حُجّت داشته باشند، پس هرکس دعوت او را بپذیرد، فوز و رستگاری و کرامت منحصرأً برای اوست، و هرکس او را انکار نماید، براستی که خداوند از همه ی عالمیان بی نیاز است، و هم او زود حساب رس ترین می باشد.

معنای قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ در اقامه این است: که وقتِ زیارت و دیدار و مناجات و برآورده شدن حوائج و نیل به آرزو و رسیدن و وصول به خداوند - عزوجل - و به کرامت و عفو و خشنودی و آمرزشش فرا رسید.²¹¹

شیخ جلیل ابوجعفر بابویه - رضوان الله علیه - می گوید: راوی به خاطر تَقِيَّه حَيَّ عَلَي خَيْرِ الْعَمَلِ را ذکر ننموده، ولی در روایات دیگر، از امام صادق (ع) درباره‌ی معنای آن پرسیدند، حضرت فرمود: بهترین عمل همان ولایت است.²¹²

و در روایت دیگری فرمود: بهترین عمل، نیکی کردن به حضرت فاطمه و فرزندان او (ع) می باشد.²¹³

روایت منقول از ابن عباس رضوان الله علیه

2 - اینک روایت دیگری را پیرامون اسرار اذان که از ابن عباس رضوان الله علیه نقل شده - هم او که شاگرد مولایمان علی (ع) بوده، و روایاتش در مثل این موارد یا به پیامبر اکرم (ص) منتهی می شود و یا به مولایمان علی (ع) - ذکر می کنیم:

عطاء می گوید: من [ابو العالیة] و سعید بن جبیر و عکرمة، در طائف در نزد ابن عباس بودیم که مؤذن آمد و گفت:

أَنَّ أَكْبَرَ، اللَّهُ أَكْبَرُ.

و نام مؤذن قثم بن عبدالرحمن ثقفی بود.

عطایی گوید که ابن عباس گفت: آیا می دانید مؤذن چه می گوید: ابوالعالیة از او درخواست کرد و گفت که ما را از تفسیر آن آگاه نما.

ابن عباس گفت: وقتی مؤذن می‌گوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ** در واقع می‌گوید: ای کسانی که به زمین [و تعلقات عالم خاکی] سرگرم هستید، نماز واجب شد، پس خود را برای انجام آن آسوده و فارغ کنید.

هنگامی که می‌گوید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** در واقع می‌گوید: روز قیامت بپا خواهد شد، و تمام آنچه در آسمانها و زمین است به نفع من گواهی خواهند داد که در هر روز پنج بار شما را آگاه نمودم.

وقتی می‌گوید: **أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ** در حقیقت می‌گوید: روز قیامت برپا خواهد شد و حضرت محمد (ﷺ) به نفع من بر شما گواهی خواهد داد که من در هر روز پنج بار شما را از این مطلب باخبر نمودم، و حجّت و دلیل من در نزد خدا موجّه و پابرجاست.

هنگامی که می‌گوید: **حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ** در واقع می‌گوید: [بپایید به سوی نماز] همان دین استوار و برپا دارنده²¹⁴ و آن را بپا دارید.

وقتی که می‌گوید: **حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ**، در واقع می‌گوید: بپایید به سوی طاعت خداوند، و بهره‌ی خویشتن را از رحمت خداوند، یعنی نماز جماعت بگیرید. وقتی بنده می‌گوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ** در واقع می‌گوید: بجا آوردن اعمال دیگر غیر از نماز حرام گردید.

و هنگامی که می‌گوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** در حقیقت می‌گوید: امانت آسمانها و زمینهای هفتگانه و کوهها و دریاها بر گردنتان نهاده شد، اگر می‌خواهید روی آورید، و اگر نمی‌خواهید روی گردان شوید.

3 - اینک برخی از اسرار اقامه را بر اساس روایت ذکر می‌کنیم: در روایتی محمد بن مروان [یا: هارون] می‌گوید: امام باقر (ع) فرمود: آیا می‌دانی که تفسیر گفتار کسی که در اقامه می‌گوید **حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ** چیست؟ وی

می‌گوید: عرض کردم: خیر، فرمود: او تو را به سوی نیکی کردن می‌خواند. آیا می‌دانی نیکی نمودن به چه کسی؟ می‌گوید عرض کردم: خیر. فرمود: تو را به نیکی نمودن به حضرت فاطمه و فرزندانش (علیهم‌السلام) فرا می‌خواند.

4 - در حدیث دیگر اصبع بن نباته می‌گوید: در حضور محمد بن حنفیه - رضی الله عنه - اذان گفته شد. وی فرمود: هنگامی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای معراج به آسمان برده شد، و به آسمان ششم رسید، فرشته‌ای از آسمان هفتم - که تا پیش از آن روز هرگز فرود نیامده بود، فرود آمد، و گفت:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ خداوند - جلّ جلاله - فرمود: من چنینم.

آن فرشته گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: من چنینم و معبودی جز من نیست.

وی گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ خداوند - عزوجلّ - فرمود: او بنده‌ی و امین من بر مخلوقات من می‌باشد که او را برای ادای رسالت‌های خویش برگزیده‌ام.

سپس گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: نماز را بر بندگانم واجب نموده و آن را به عنوان دین و آیین خود قرار دادم.

سپس گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: رستگار گردید هرکس که به سوی نماز برود و به خاطر، نیل به خشنودی‌ام بر آن مواظبت نماید.

سپس گفت: حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: نماز برترین و پاکیزه‌ترین اعمال در نزد من است.

سپس گفت: **قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ** و پیامبر اکرم (ﷺ) جلورفت و امام
جماعت شد، و آسمانیان به او اقتدا نمودند، از آنجا بود که پیامبر اکرم (ﷺ)
نزد آسمانیان شناخته شد

وقت اذان ظهر

حال که بخشی از اسرار اذان و اقامه را از طریق روایات نقل نموده و یادآور شدیم، لازم است بعضی از اموری را که اهل استقامت در عمل بدان نیاز پیدا می‌کنند ذکر کنیم، پس می‌گوییم: وقتی انسان از نافله‌های ظهر به همان صورتی که شرح دادیم فراغت پیدا کرد، لازم است به کیفیتی که با گفتار روشن بیان خواهیم کرد اذان بگوید، و اگر خواست اذان را جلوتر، یعنی بعد از بجا آوردن شش رکعت از نافله‌های ظهر می‌گوید، و دو رکعت از رکعت‌های هشتگانه و دعای مربوط به آن دو را بعد از اذان و اقامه بجا می‌آورد، زیرا در این باره روایاتی به طور عموم نقل شده است.

از آن جمله در روایتی آمده که امام صادق و [یا] حضرت ابی الحسن امام کاظم (علیهما السلام) فرمودند: اذان ظهر را بعد از خواندن شش رکعت از نافله‌های ظهر، و اذان نماز عصر را بعد از خواندن شش رکعت از نافله‌های عصر که بعد از نماز ظهر خوانده می‌شود، بگو

کیفیت و بخشی از احکام اذان و اقامه

اذان و اقامه هر دو مستحب هستند، و در آن دو اسراری است که اینک بخشی دیگر از آن را به حسب مصلحت ذکر می‌کنیم:

گفتن اذان و اقامه بر اساس روایات در نمازهای جهریه²¹⁵ و بخصوص در نماز صبح و مغرب بیشتر مورد تأکید واقع است؛ زیرا اذان و اقامه در نماز صبح و مغرب از امور مهمه، و از کمال آن دو، و از نشانه‌های حضور قلب بنده به پروردگار، و بیانگر آن است که بنده خود را برای خدمت و بندگی پادشاه عالمیان آماده نموده، و از رانده شدگان نیست. چنانکه خداوند - جلّ جلاله - درباره جهادگران می‌فرماید:

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ، لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً، وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ، فَثَبَّطَهُمْ، وَقِيلَ: أَقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ.²¹⁶

- و اگر آنان می‌خواستند که برای جنگ خارج شوند، مسلماً توشه و جنگ افزار برای آن آماده می‌کردند، ولیکن خداوند از برانگیخته شدن و حضور آنان ناخوشایند بود، لذا آنان را باز داشته و سرگرم ساخت، و به آنان گفته شد که با نشستگان بنشینید.

بنابراین، باید بنده با طهارت و روی به قبله، و به خاطر تعظیم و بزرگداشت فرستنده (خداوند تبارک و تعالی) و فرستاده شده (رسول اکرم (ﷺ)) و آیین دین مبین اسلام بپا خاسته، و فصول اذان را شمرده شمرده و فصول اقامه را پشت سر هم و تند، و هر کلمه‌ی از آن دو را با صدق و همراه با موافقت باطن با ظاهر همانند صفت اهل استقامت بگوید. بنابراین می‌گوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ.
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ الصَّلَاةِ.
حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ.
حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.
اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ.
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

- خداوند بزرگتر است، خداوند بزرگتر است، خداوند بزرگتر است، خداوند بزرگتر است، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، گواهی می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، گواهی می‌دهم که حضرت محمد (ﷺ) فرستاده خداست، گواهی می‌دهم که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) رسول خداست، بر نماز روی آورید، بر نماز روی آورید، بر رستگاری روی آورید، بر رستگاری روی آورید، بر بهترین عمل روی آورید، بر بهترین عمل روی آورید، خداوند بزرگتر است، خداوند بزرگتر است، معبودی جز خدا نیست، معبودی جز خداوند وجود ندارد.

اعمال بین اذان و اقامه از دیدگاه روایات

1 - مقداری میان اذان و اقامه مقداری فاصله می‌اندازد. چنانکه در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) پیوسته به یاران خویش می‌فرمود: هرکس بین اذان و اقامه سجده نموده و در حال سجده بگوید:

رَبِّ، لَكَ سَجْدَةٌ خَاضِعًا خَاشِعًا ذَلِيلًا.

- پروردگارا، با حالت خضوع و خشوع و خاکساری و ذلت برای تو سجده و کرنش نمودم.

خداوند متعال می‌فرماید: ای ملائکه و فرشتگان من، به عزت و سرافرازی و جلال و عظمتم سوگند، مسلماً محبت او را در دل بندگان مؤمنم، و هیبت و بیم از او را در دل منافقان قرار خواهم داد.

2 - و روایت دیگر اینکه: محمد بن ابی عمیر به نقل از پدرش می‌گوید: دیدم که امام صادق (علیه السلام) اذان گفت سپس برای سجده رفت و بین اذان و اقامه یک سجده نمود، و هنگامی که سر از سجده برداشت، فرمود: ای [با عمیر، هرکس همانند من عمل کند، خداوند متعال تمام گناهان او را می‌آمرزد.

و فرمود: هرکس اذان بگوید و سپس سجده کند و در سجده بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَنْتَ رَبِّي، سَجَدْتُ لَكَ خَاضِعًا خَاشِعًا.

- تویی پروردگار من، با حالت خضوع و خشوع و فروتنی برای تو سجده نمودم.

خداوند، گناهان او را می‌آمرزد.

3 - بعد از سر برداشتن از سجده‌ی (بین اذان و اقامه) دعایی را که معاویه بن وهب به نقل از پدرش نقل کرده، می‌خواند، وی می‌گوید که شنیدم امام صادق (علیه السلام) میان اذان و اقامه می‌فرمود:

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْسَى [مَنْ] ذَكَرَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخِيبُ سَأَلَهُ، سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُغْشَى، وَلَا بَوَابٌ يُرْشَى، وَلَا تَرْجُمَانٌ يُنَاجَى، سُبْحَانَ مَنْ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِمُوسَى، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَ لَا هَكَذَا غَيْرُهُ.

- پاک و منزّه است خداوندی که نشانه‌هایش از بین نمی‌رود پاک و منزّه است خداوندی که یادش فراموش نمی‌گردد [یا: کسانی را که بر یاد او هستند فراموش نمی‌کند]، پاک و منزّه است خداوندی که درخواست کننده‌اش محروم نمی‌گردد، پاک و منزّه است خداوندی که نه پرده‌داری دارد که او را پوشانده [و دور از دسترس نگاه دارد]، و نه دربانی که به او رشوه داده شود، و نه مترجمی که [تنها وی] با او مناجات و به صورت خصوصی گفتگو کند، پاک و منزّه است خداوندی که بهترین نامها [و کمالات] را برای خود برگزید، پاک و منزّه است خداوندی که دریا را بر حضرت موسی (علیه السلام) شکافت، پاک و منزّه است خداوندی که در اثر فراوانی بخشش جز بر بزرگواری و بخشش او افزوده نمی‌گردد، پاک و منزّه است خداوندی که اینچنین است و غیر او چنین نیست.

دعا برای امام زمان (عجل الله فرجه) بین اذان و اقامه

4 - سپس بین اذان و اقامه به هر چه که خداوند - جلّ جلاله - به او می‌آگاهاند دعا می‌نماید، و ابتدا برای بزرگترین و عزیزترین خلایق در زمان خویش در نزد خداوند - جلّ جلاله -²¹⁷ دعا می‌کند، زیرا آن بزرگوار مقام بزرگی را جهت استجاب دعا داراست، البته دعای کسی را مستجاب می‌کند که آن را به همان صورتی که بدان فرا خوانده شده (همراه با شرایطش) بجا آورد.

کیفیت گفتن اقامه

سپس برای اقامه بیا خاسته و می‌گوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ.

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ.²¹⁸

- براستی که نماز بپا شد، براستی که نماز برپا گشت.

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ.

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

لزوم پاسخ به ندای اذان و خواندن نماز در اوّل وقت

ای بنده‌ی ناتوانی که ندانسته فراموش می‌کنی، و ناآگاهانه مغلوب خواب می‌گردد، و ناخواسته بیمار می‌شوی، و ناخواسته پیر و مُسن می‌گردد، و ناآگاهانه به گرفتاریهای سخت مبتلا می‌شوی، و ناخواسته به واسطه‌ی از دست

رفتن اموری که دلخواهت می‌باشد دردمند می‌شوی، و سرانجام ندانسته جان می‌سپاری، چه چیزی تو را بر سوء ادب نسبت به پادشاه عالمیان، توانا و گستاخ گردانیده است، که ندای تلویحی او را که تو را برای قیام به عبودیت و بندگی‌اش فرا می‌خواند، مکرر می‌شنوی، ولی آن را کوچک شمرده و التفاتی به دعوتش نمی‌کنی، تا اینکه تصریحاً ندایش را اعاده نمود و مکرر در اذان و اقامه فرمود:

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

در حالی که تو - ای بیچاره - با دوگوش خویش آن را می‌شنوی ولی التفاتی به پاسخ آن نمی‌کنی. اگر یهود و نصاری آن را می‌شنوند و التفاتی به آن ندارند، و تو نیز مانند آنان می‌شنوی و اصلاً التفاتی به آن نمی‌کنی، پس واقعاً فرق میان و تو آنان چیست؟ آیا بر تو و بر هر شخص عاقل پوشیده است که حال تو، مانند حال تصدیق‌کنندگان نیست، وای بر تو، اگر از اهل بصیرت بودی، احتمال اینکه این ندا ممکن است از سوی پادشاه اولین و آخرین باشد، کافی بود که با شتاب بپا خاسته و نسبت به خواطر و باطن خویش اهتمام ورزی؛ زیرا اگر ندایی را از پشت خانه‌ی خویش بشنوی و گوینده‌ای که از صدقِ گفتارش با خبر نیستی به تو بگوید که این صدایِ فلان خلیفه و پادشاه، و یا صدای کسی است که به بخشش او امید داری - ای بیمار - آیا کارهایت را رها نمی‌کردی و برای پاسخ دادن به آن ندا بر نمی‌خاستی؟ بنابراین، ندای تمام پیامبران و اوصیا(علیهم‌السلام) و تمام دعوت‌کنندگان به سوی پادشاه زمین و آسمان در نزد تو به جای گفتار یک شخص که یقیناً از راستگویی او باخبر نیستی نمی‌نشیند، خود را درمان کن، زیرا اگر عقل خود را بکار بیاندازی می‌بینی که یا بیمار هستی و درد پنهان داری، و یا به هلاکت و نابودی گرفتار آمده‌ای.

پس هنگامی که این ندا را شنیدی، مبادا به آن پشت کنی، بلکه همچون کسی که مزده داده‌اند و مولایش به او اجازه داده که در محضر گفتگو و اقبال و توجه و پذیرش او وارد شود و به او خوشامد گفته است، بیاخیز، که من در مقام خیرخواهی و مهربانی، عذری را برای تو نمی‌یابم.

و اگر خود را معذور می‌دانی، به تو می‌گوییم: خود توجه داری که همه بر انجام نماز مکلف هستند، حتی جنگجو و زخم خورده و کسی که در حال غرق، و یا بیمار و اسیر است، و هیچ شخص [دارای عقل سالم] در انجام ندادن آن عذری ندارد، پس به روح خود رحم کن، که روز سخت و خطر بسیار و بزرگی را در پیش داری.

اگر از کسانی باشی که شدت این تهدید و وعده‌ی عذاب در بیا خاستن تو برای خواندن نماز اول وقت سود بخش نیست، ما برخی از نویدهایی را که درباره‌ی تعجیل در نماز و خواندن آن در اول وقت وارد شده، می‌آوریم: از آن جمله در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: فضیلت اول وقت بر آخر آن، همانند فضیلت آخرت بر دنیا است.

باز شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: مسلماً فضیلت اول وقت بر آخر آن، برای مؤمن از فرزند و دارایی‌اش بهتر است.

حال اگر نه به خاطر وعده‌ی عذاب، و نه به خاطر نویدهای خداوند برای انجام نماز اول وقت بیا نمی‌ایستی، آیا واقعاً به گفتار مقدس او یا حرمت جلال و عظمت او باور داری؟

دعای بعد از اقامه

هنگامی که بنده اقامه‌ی نماز را گفت²¹⁹ و پند و اندرز و دلسوزی ما را که یادآور شدیم پذیرفت، باید دعایی را که از امام رضا (علیه‌السلام) روایت شده بخواند، که فرمود: بعد از اقامه و پیش از استفتاح و گفتن تکبیرهای افتتاح در هر نماز می‌گویی:

اللَّهُمَّ، رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةَ التَّامَّةَ وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةَ، بَلِّغْ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله وسلم) الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ. بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ، وَبِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَآلِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَتَوَجَّهُ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

- خداوندا، ای پروردگار این دعوت کامل و نماز برپا شده، حضرت محمد (ﷺ) را به درجه و دستاویز و فضل و برتری نایل گردان، تنها به خدا طلب گشایش می‌نمایم، و تنها به وسیله‌ی خدا طلب کامیابی می‌کنم، و به واسطه حضرت محمد فرستاده‌ی خدا و خاندان او (ﷺ) به سوی خدا متوجه می‌شوم، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاہت بگردان.

و نیز بخواند دعایی که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هماره امیرالمؤمنین (ع) به یاران خویش می‌فرمود: هرکس اقامه بگوید و پیش از احرام و گفتن تکبیرة الاحرام بگوید:

يَا مُحْسِنُ، قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيُّ، وَقَدْ أَمَرَتِ الْمُحْسِنُ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيِّ، وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيُّ، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَجَاوَزْ عَنِ قَبِيحِ مَا تَعَلَّمَ مِنِّي.

- ای نیکوکار، بدکار به درگاهت آمده، خود امر فرمودی که نیکوکار از بدکار درگذرد، و تو نیکوکاری و من بدکارم، پس به حقّ محمد و آل محمد، بر محمد و آل محمد درود فرست، و از اعمال زشتم که خود آگاهی، درگذر. خداوند متعال می‌فرماید: ای ملائکه‌ی من، شاهد باشید که من او را عفو نمودم و کسانی را که پیامدهای بد²²⁰ از او می‌خواهند، خشنود نمودم.

فصل نوزدهم: آداب و اسرار نماز ظهر و تعقیبات آن نماز

، فرونشاندن آتشی وجودی انسان هنگامی که بنده اقامه و دعای بعد از آن را به پایان رساند، و به صورتی که نگاشتیم با قلب و قالب و دل و تن، همانند ایستادن بنده در پیشگاه مولایش که او را می‌بیند، در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - قرار گرفت، شایسته است که افزون بر آنچه که بیشتر ذکر نمودیم، توجه داشته باشد که: به وسیله این نماز می‌تواند آتشی را که بر خرمن قلب و هرچه که در دنیا و آخرت مالک آن است زده و همگی شروع به سوختن و شعله ور شدن گردیده‌اند، خاموش سازد، و در نتیجه در اهتمام به نماز کاملترین توفیق را داشته باشد، به گونه‌ای که اگر مثلاً خانه‌ی او یا کالایش در دنیا آتش می‌گرفت، و فرزندان یا عیالش را که در نزد او عزیز و ارجمند هستند می‌سوختند، و نزدیک بود که آتش به تن او برسد، چنین می‌کرد.

در روایت آمده که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: وقت هر نماز که فرا می‌رسد، فرشته‌ای در پیشاپیش مردم ندا می‌دهد: بیا خیزید به سوی خاموش کردن آتشی که بر پشتتان شعله‌ور نموده‌اید، و آنها را با نماز خواندن خاموش کنید.

و نیز از طریق امام صادق (علیه السلام) نقل شده که رسول خدا (ﷺ) فرمودند: وقت هیچ نمازی فرا نمی‌رسد، مگر اینکه منادی [یا: فرشته‌ای] در پیشگاه خدا ندا می‌کند: ای مردم، بیا خیزید به سوی خاموش کردن آتشی که بر پشت خویش شعله‌ور ساخته‌اید، و آنها را با نمازتان فرو نشانید.

از طریق اهل تسنن، نیز به نقل از عبدالله بن مسعود آمده که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: آتش گناهان را پیوسته روشن می‌کنید تا اینکه نماز

صبح را می‌خوانید و آن، آتش گناهانتان را می‌شوید، سپس همچنان آتش روشن می‌کنید تا اینکه نماز ظهر را می‌خوانید و آن، آتش گناهانتان را می‌شوید، سپس همچنان آتش گناهانتان را آتش روشن می‌کنید تا اینکه نماز عصر را می‌خوانید و آن، آتش گناهانتان را می‌شوید، سپس پیوسته آتش گناهانتان را روشن می‌کنید تا اینکه نماز مغرب را می‌خوانید و آن، آتش گناهانتان را می‌شوید، سپس همچنان آتش گناهانتان را روشن می‌کنید تا اینکه نماز عشا را می‌خوانید و آن، آتش گناهانتان را می‌شوید، سپس می‌خوابید و تا هنگام بیدار شدن برای شما گناه نوشته نمی‌شود.

بنابراین، این مطلب از طریق فریقین (شیعه و سنی) روایت شده پس کسی که طالب سعادت و چشم روشنی است چگونه آن را کوچک و خوار می‌شمارد؟
همچنین از عبدالله بن مسعود روایت شده که رسول خدا (ﷺ) فرمود:
هنگام فرا رسیدن وقت هر نماز شنیدم که منادی می‌گوید: ای فرزندان آدم، بیا خیزید و آتشی را که علیه نفس خود روشن نموده‌اید خاموش کنید، پس ایشان برمی‌خیزند و طهارت می‌گیرند و خطاها و گناهانشان می‌ریزد، و نماز می‌خوانند و گناهان ما بین دو نماز آمرزیده می‌شود، سپس آتش گناهانشان را ما بین دو نماز روشن می‌کنند، پس هنگامی که وقت نماز نخست فرا می‌رسد، ندا می‌کند که: ای فرزند آدم، بیا خیزید و آتشی را که علیه خود روشن نموده‌اید خاموش کنید، پس برمی‌خیزند و طهارت می‌کنند و نماز می‌خوانند و گناهان ما بین دو نمازشان آمرزیده می‌شود، پس هنگامی که وقت نماز مغرب فرا می‌رسد مانند آن را می‌گوید، و هنگامی که وقت نماز عشا فرا می‌رسد نیز مانند آن را می‌گوید، پس از خواب بیدار می‌شوند در حالی که گناهانشان آمرزیده شده است.

سپس رسول خدا (ﷺ) فرمود: پس شبانگهان گروهی در خیر، و گروهی در شر سیر می‌کنند.

توجه به اینکه این نماز، آخرین نماز اوست از جمله امور مهم برای هرکس که می‌خواهد نماز واجب را بخواند، این است که مانند کسی که زندگانی را بدرود گفته و بیم آن را دارد که دیگر بر انجام مثل آن نماز قادر نباشد، و نیز با مغتنم شمردن برتری جایگاه و تحفه‌های فضیلت نماز بخواند، چنانکه روایت شده که امام صادق (ع) به عبدالله بن یعفر - رضوان الله علیه - فرمود: ای عبدالله، هرگاه نماز واجب را خواندی، آن را در اول وقتش، و مانند کسی که زندگانی را بدرود گفته و بیم آن را دارد که هیچگاه به سوی آن بازنگردد نماز بخوان، و چشمت را به جای سجدهات بدوز، زیرا اگر می‌دانستی که چه کسی در راست و چپ توست، بی‌گمان نماز را نیکو بجا می‌آوری. و بدان که در پیشاپیش کسی هستی که تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی.

نکوهش وارد شدن در نماز با حالت کراهت از دیگر امور مهم برای نماز گزار این است که: با حالت کراهت و ناخوشایندی از نماز، وارد آن نشده، و در بیرون آمدن از آن عجله نکند؛ زیرا خداوند - جلّ جلاله - درباره‌ی برخی از کسانی که آرزوهایشان را نومید، و امکان اقبال و توجهشان به خود را از بین برده، می‌فرماید:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ.²²¹

- و این به خاطر آن بود که آنان از آنچه خداوند فرو فرستاده بودن کراهت داشتند، و لذا خداوند اعمال آنان را نابود گردانید.

و یاد نماز از مصادیق ما أَنْزَلَ اللَّهُ می‌باشد، پس از آن کراهت نداشته باش، تا مبادا به هلاکت و نابودی گرفتار گردی.

مبادا گفتار کسی را بپذیری که می‌گوید: نماز تکلیف است، و انجام تکلیف بر دلها سنگین می‌باشد؛ زیرا این سخن از خشنودی خداوندی که به تمام اسرار آگاه است، بدور است. و تو را همین بس که قرآن به صراحت هشدار داده که نماز برای غیر کسانی که در برابر خداوندِ رحمان خشوع و فروتنی دارند، سخت و گران است، و خاشع نبودن صفت نقص است، آنجا که خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید:

وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ²²²

- و برآستی که نماز جز بر فروتنان سخت و سنگین است.

اگر نماز برای تمام نمازگزاران تکلیف سنگین بود، خداوند - جلّ جلاله - خاشعان و فروتنان را مدح و ستایش ننموده و استثنا نمی‌کرد و نمی‌فرمود که نماز بر آنان سنگین و گران نیست.

همچنین در پاسخ او این کلام مقدّس صریح قرآن را بخوان که خداوند - جلّ

جلاله - می‌فرماید:

حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ، وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ، وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ²²³

- خداوند ایمان را در نزد شما محبوب گردانیده و آن را در دلهایتان بیاراست، و کفر و گناه و بدکاری و نافرمانی را در نزدتان ناخوشایند جلوه داد.

و بگو: تو بر خلاف این سخن می‌گویی، و نسبت به خداوند بهتان روا می‌داری، آیا با وجود کراهت داشتن تو از خدمت و بندگی و تقرّب به او، این گفتار تو که می‌گویی او - جلّ جلاله - از تو خواسته که حضرتش - جلّ جلاله - را دوست بداری، و تو ادّعی می‌کنی که او - جلّ جلاله - را دوست می‌داری، قابل قبول است؟ آیا نزد عقل صحیح است که عاشق از عمل کردن برای کسب خشنودی محبوبش احساس سنگینی کند، یا از اموری که او را به محبوبش نزدیک می‌کند بدش بیاید؟

اینک می‌گوییم: پیرامون مطلبی که بدان اشاره نمودم، روایت نیز وارد شده و عقل را ستوده، از آن جمله محمد بن ابی عمیر به نقل از شخصی که خود از امام صادق (علیه السلام) شنیده آورده که فرمود: هرکس معصیت خدا را بکند، او را دوست ندارد. سپس حضرت شعر زیر را به عنوان شاهد بازگو نموده و فرمود:

تَعْصِي الْإِلَهِ وَ أَنْتَ تُظْهِرُ حُبَّهُ لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا، لِأَطَقْتَهُ هَذَا مَحَالٌ فِي الْقِيَاسِ
 بَدِيعٌ إِنْ الْمَحِبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ - آیا با اظهار محبت معبودت از او نافرمانی می‌کنی؟ مقایسه این دو امر کار نوظهوری است.

اگر محبتت راست بود، مسلماً از او اطاعت می‌نمودی، زیرا عاشق، همواره فرمانبر معشوق خویش است.

شاید کسی بگوید که این دو بیت از محمود و راق است. ولی ما می‌گوییم: امام صادق (علیه السلام) آنها را به عنوان شاهد بازگو نموده، و روایان این حدیث به اتفاق مورد اعتماد هستند، و روایت‌های مُرسَل محمد بن ابی عمیر در نزد همه و شیعیان مانند روایت سنددار می‌باشد.

و نیز در روایت آمده که یونس بن ظبیان می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا این دو مرد را از آن مرد باز نمی‌دارید؟ فرمود: کدام مرد و کدامین دو مرد؟ عرض کردم: آیا حجر بن زایده و عامر بن جذاعه [یا: خزاعه، یا: خداعه] را از مفضل بن عمر باز نمی‌دارید؟ فرمود: ای یونس، از آن دو خواستم که از او دست بکشند ولی این کار را نکردند، سپس آن دو را خواندم و از آنها تقاضا نموده و درخواست کردم، ولی از وی دست برنداشتند، خداوند آن دو را نیامرزد، به خدا سوگند، مسلماً کثیر عزة در مودت و دوستی‌اش از آن دو در آنچه از مودت من به خود انتساب می‌دهند، راستگوتر است آنجا که می‌گوید:

لَقَدْ عَلِمْتُمْ بِالْغَيْبِ أَنْ لَا أُحِبُّهَا إِذَا أَنَا لَمْ يَكْرُمُ عَلَيَّ كَرِيمُهَا مِنْ
کسی را که نزد معشوقه‌ام بزرگووار است گرامی نداشتم، به صورت نهانی دانست
که من عاشق او نیستم و او را دوست نمی‌دارم.
بلکه به خدا سوگند، اگر مرا دوست می‌داشتند، مسلماً هرکس را من دوست
می‌دارم، دوست می‌داشتند.

آیا به کلام منقول از امام صادق (ع) که با عقل نیز سازگار است، گوش
فرا نمی‌دهی که: هرکس معصیت خدا را بکند، او را دوست نمی‌دارد. پس اگر
معصیت کار دوستدار خداوند بزرگووار نباشد، چگونه کسی که اموری را که
موجب قرب او به خداوند سبحان است، سنگین می‌شمارد، دوستدار او به شمار
خواهد آمد، و یا چگونه به بهره‌ها و فواید اقبال خداوند و توجّه معرفت خواهد
داشت؟

و نیز به حدیث دیگر و سوگند پر فروغی که دربردارد بنگر، آنجا که فرمود:
بلکه، به خدا سوگند، اگر مرا دوست می‌داشتند، هرکس را که من دوست
می‌دارم، دوست می‌داشتند

و آنگهی مگر چیزی عقل را از اعتقاد داشتن به این مطلب باز می‌دارد؟ پس
مبادا با عذرهای نادرست و باطل - که در نزد خداوندی که به اسرار آگاه است،
و آنگاه که با سرِ باز و در حضور اولین و آخرین، در پیشگاه او برای محاسبه
می‌ایستی سودی به حال تو نمی‌بخشد - مغالطه کنی. چگونه ممکن است با
وجود کراهت داشتن از نماز و یا سنگین شمردن آن به مقام والای خداوندی که
تو را به سوی نماز فرا خوانده و تشویق نموده معرفت داشته باشی؟ آیا نمی‌دانی
که خداوند با زبان اعلام‌کنندگان و راویانی که تعداد آنها به تواتر [و به حدّ یقین]
مُرْسَل و کار به آنجا رسیده که گویی تو آن سخنان را از زبانِ سرور پیامبران

فرستاده شده یعنی رسول اکرم (ﷺ) می شنوی. باز خداوند - جلّ جلاله - به این قناعت ننموده تا اینکه خود شفاهاً تو را به سوی نماز و محافظت بر آن فرا خوانده، و با جلال و عظمت و حرمت و هیبت خویش بر تو روی آورده و توجه نموده و به تو فرموده است که:

حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى، وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ²²⁴

- بر همه‌ی نماز و بویژه بر نماز میانه محافظت نمایید، و با حالت خضوع برای خداوند بپا خیزید و او را عبادت کنید.

حال که با وجود شناخت و معرفت به تمام آنچه که خداوند از سعادت دنیا و دین تو را به سوی آن فرا خوانده شادمان نمی‌گردی، چگونه از مسلمانان و تسلیم شوندگان و تصدیق کنندگان خواهی بود؟

نکوهش عجله در خروج از نماز اما درباره‌ی شتاب و عجله در خروج از حالت نماز، ای کاش می‌دانستم که به سوی چه چیزی می‌خواهی خارج شوی؟ ای لغزشکار²²⁵ ای سیاه روی و سیاه نامه، ای کسی که نفس خویش را به دست خود در مهالک می‌اندازی، آیا می‌خواهی از سعادت‌مندی‌ات خارج شوی به سوی غفلت و شقاوتت خارج گردی؟

در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که بنده به نماز بایستد، و نمازش را کوتاه بخواند، خداوند - تبارک و تعالی - [به فرشتگان] می‌فرماید: آیا به بنده‌ی من نمی‌نگرید، گویا خیال می‌کند که برآورده شدن حوایجش به دست غیر من است، آیا نمی‌داند که برآورده شدن و خواسته‌هایش به دست من است؟

و نیز روایت شده که مولایمان امام زین العابدین (ع) فرمود: اما حقوق نماز آن است که بدانی نماز وارد شدن به درگاه الهی است، و اینکه در حال نماز در پیشگاه خدا ایستاده‌ای؛ پس هرگاه این را دانستی شایسته است که مانند

شخص ذلیل و کسی که هم میل و رغبت دارد و هم بیم و هراس، و هم می‌ترسد و هم امیدوار است، ایستاده، و اظهار مسکنّت و تضرّع نموده، و با آرامش و وقار [و یا: سر به زیر انداختن] و فروتنی اعضا و تواضع، و مناجات نیکو با کسی که در برابر او ایستاده‌ای مقام او را تعظیم نموده، و از او درخواست نمایی وجودت را که اشتباهاتت بدان احاطه نموده و گناهانت به هلاکت کشانیده، [از آتش جهنّم] آزاد کند. و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست مگر به خداوند.

همچنین در حدیث است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: به خدا سوگند، گاهی پنجاه سال بر انسان می‌گذرد در حالی که خداوند یک نماز او را نپذیرفته است، چه چیز از این سخت تر؟ به خدا سوگند، شما برخی از همسایگان و یارانان را می‌شناسید که اگر برای شما نماز می‌خواندند، به خاطر استخفاف و سبک شمردن وی، آن را نمی‌پذیرفتید، برآستی که خداوند - عزوجل - جز عمل نیکو را نمی‌پذیرد، پس چگونه چیزی را که سبک و کوچک شمرده شده قبول می‌کند؟

ثمره‌ی نماز با حضور قلب پس هنگامی که بنده از این خطرها ایمن، و واقعاً بنده و تسلیم خداوند گردید و به او ایمان آورده، و قلب و باطنش پاک و سالم گردید، و توجه کرد که در پیشگاه خداوندی قرار دارد که سرافراز و بزرگ و چیره و توانا و جبار است، و با مرحمتها و بزرگ منشی‌ها و نیکی‌هایش او را شرمنده نموده، نزدیک است که حالش در نماز به همان صورتی گردد روایت شده امام باقر (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که بنده‌ی مؤمن برای انجام نماز بپا می‌خیزد، خداوند به سوی او نظر رحمت می‌کند (با فرمود: خداوند به سوی او روی آورده و توجه می‌نماید) تا اینکه نماز را به پایان ببرد، و رحمت از بالای سرش تا کرانه‌ی آسمان بر او سایه می‌افکند، و

فرشتگان از گرداگرد - [یا: بالای سر] او تا کرانه آسمان او را در بر می‌گیرند، و خداوند فرشته‌ای را او می‌گمارد که بر سرش ایستاده و بگوید: ای نمازگزار، اگر می‌دانستی که چه کسی به تو می‌نگرد و با چه کسی مناجات می‌کنی، هرگز روی خود را بر نمی‌گرداندی، و هیچگاه از جای تکان نمی‌خوردی.

حالات معصومین (علیهم السلام) در شروع نماز

اینک بعد از ذکر اموری که اراده نموده بودیم پیش از وارد شدن در نماز یادآور شویم، می‌گوییم: بنده باید با حالت احساس بندگی و ذلت و خاکساری که جنایتکاران دارند، به خاطر جنایتشان همانند و مقتدایان خود و اهل نجات رو به قبله بایستند، چنانکه روایت آمده که: وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به نماز می‌ایستاد، به خاطر ترس از خداوند متعال رنگ چهره‌اش دگرگون می‌شد، و از سینه‌ی مبارکش صدایی همانند صدای ظرفی که غذا در آن پخته می‌شود و به جوش می‌آید، شنیده می‌شد.

و در روایت دیگر آمده که: وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به نماز می‌ایستاد، همانند جامه‌ای که به زمین افتاده باشد می‌شدند.

و نیز روایت شده که حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) چنین بود که هنگام فرا رسیدن وقت نماز به خود می‌لرزید و رنگ به رنگ می‌شد. و وقتی به آن بزرگوار گفته می‌شد: چه شده شما را ای امیرالمؤمنین، می‌فرمود: وقت ادای آن امانت الهی فرا رسیده که خداوند آن را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود و آنها از حمل آن سربیزی کرده و هراسیدند و تنها انسان آن را حمل نمود. نمی‌دانم آیا آنچه را که حمل نمودم نیکو آدا خواهم نمود، یا خیر...؟

یا حالت آنچنان باشد که در روایت دیگر آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدر بزرگوارم پیوسته می‌فرمود: وقتی علی بن الحسین (علیه السلام) به نماز می‌ایستاد، به شاخه درختی می‌مانست که هیچ قسمت از آن حرکت نکند، مگر اینکه باد آن را به حرکت درآورد.

و نیز در حدیث آمده که: وقتی امام باقر و صادق (علیهما السلام) به نماز می ایستادند، رنگ چهره شان دگرگون، و گاه سرخ و گاه زرد می شد، و گویی با کسی که می بینند مناجات می نمایند.

- (211) توحید، ص 238، روایت 1؛ معانی الاخبار، ص 38، روایت 1.
- (212) توحید، 241، روایت 2؛ معانی الاخبار، ص 41.
- (213) توحید، 241، روایت 2؛ معانی الاخبار، ص
- (214) یعنی برپا دارنده و تأمین کننده‌ی تمام مصالح دنیوی و اخروی و معنوی همه انسانها.
- (215) نمازهای صبح و مغرب و عشاء.
- (216) توبه (9): 46.
- (217) یعنی امام زمان حضرت حجّة بن الحسن العسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- (218) ترجمه بقیه جملات در ترجمه فصول اذان گذشت.
- (219) ترجمه فوق بر اساس متن أقام العبد للصلاة است، که ظاهراً بهتراز متن نسخه‌های کتاب است که قام العبد للصلاة آورده‌اند.
- (220) ظاهراً مقصود مظالم و حقوقی است که دیگران به گردن او دارند.
- (221) محمد (47): 9.
- (222) بقره (2): 45.
- (223) حجرات (49): 7.
- (224) بقره (2): 238.
- (225) به جای این کلمه، در برخی از نسخه‌های کتاب آمده است: یا مُعْتَرٌّ یعنی: ای کسی که بدون درخواست خواهان نیکی هستی

[کیفیت] انجام نماز ظهر

باید بنده به همان صورتی که در رکعت اول از نافله‌های ظهر و پیش از آن ذکر نمودیم، در نماز وارد شود، و با بجا آوردن نماز به این نیت که: نماز واجب ظهر را به خاطر وجوبش و به منظور اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زینده‌ی عبادت است، پرستش کنم بجا می‌آورم، در اخلاص نیت و پالودن باطن خویش بکوشد، و با انجام تکبیرهای هفتگانه و دعاهای بین آنها نماز را شروع کند.

بهترین سوره‌هایی که در نماز واجب خوانده می‌شود سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** و سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** از بهترین سوره‌هایی هستند که در نمازهای واجب که سوره‌ی معینی بعد از حمد برای آنها مشخص نشده - قرائت می‌شود. چنانکه محمد بن فرج امام کاظم (علیه السلام) نوشت و درباره‌ی بهترین سوره‌هایی که در نماز واجب قرائت می‌شود پرسید. و حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: بهترین سوره‌هایی که در نمازهای واجب قرائت می‌شود، سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ**، و سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** است.

پس بنده دو رکعت اول فریضه‌ی ظهر را به صورت رکعت اول از نافله‌های ظهر که گذشت، بجا می‌آورد، و وقتی نشست و شهادتین را گفت و بر پیامبر اکرم و آل او - **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** - صلوات فرستاد، پیش از دادن سلام، با **كُفْتِنَ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقْوَمٌ وَ أَقْعَدُ**: (به تحویل دادن و نیرو و قدرت خداوند، برمی‌خیزم و می‌نشینم.) در حال قیام برمی‌خیزد، و هنگامی که راست ایستاد، یا سوره‌ی حمد را قرائت می‌کند و آن را با **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** آغاز می‌کند، و یا سه بار

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ می گوید، و در اختیار این دو مخیر است البته خواندن تسبیحات افضل است.

و وقتی سوره‌ی حمد و تسبیحات را به پایان برد، رکوع نموده و از رکوع برخاسته و راست می ایستد، و دو سجده را به همان صورت که قبلاً توصیف نمودیم بجا می آورد، و بعد از دو سجده می نشیند، و با گفتن بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، أَقُومُ وَ أَقْعُدُ در حال قیام برمی خیزد، و رکعت دیگر را درست مانند رکعت گذشته بجا می آورد، و وقتی از دو سجده‌ی رکعت چهارم فراغت پیدا کرد، برای انجام تشهد آخر به همان صورتی که پیش از این کیفیت نشستن در پیشگاه مولی را ذکر نمودیم، می نشیند، و در این تشهد می گوید:

تشهد مستحبی نماز بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى كُتِبَ اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (صلی الله علیه و آله و سلم)، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ الطَّاهِرَاتُ الزَّكَايَاتُ الرَّائِحَاتُ الْغَادِيَاتُ [الدَّمِاحَاتُ الْعَادِيَاتُ] [النَّاعِمَاتُ، لِلَّهِ مَا طَابَ وَ طَهَّرَ وَ زَكَّى وَ خَلَصَ، وَ مَا خَبْتُ فَلِغَيْرِ اللَّهِ.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نِعَمَ الرَّبِّ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا نِعَمَ الرَّسُولِ، أَشْهَدُ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتُ وَ بَارَكْتُ [وَ رَحِمْتُ] وَ تَرَحَّمْتُ وَ تَحَنَّنْتُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

- به نام خدا، و به [وسیله‌ی] خدا، و نامها [و کمالات] نیکوتر همگی از آن خداست، گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی برای او وجود ندارد. و گواهی می‌دهم که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بنده و فرستاده اوست، او را همراه با هدایت و دین حق فرستاده، تا بر تمام ادیان چیره گرداند، هرچند ناخوشایند مشرکان باشد. درودها و رحمت‌های پاک و پاکیزه و بی‌آلایش که شام و صبح به وزش درمی‌آیند [و متواضعانه و جاری و روان] و پر نعمت هستند برای خداست، هرچه پاک و پاکیزه و بی‌آلایش و خالص باشد از آن خداست، و هر چه پلید و آلوده باشد از آن غیر او.

گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند یگانه نیست و شریکی برای او وجود ندارد، و گواهی می‌دهم که حضرت محمد (ﷺ) بنده و فرستاده‌ی اوست، او را همراه با حق و به عنوان مژده دهند و بیم دهندد پیاپی قیامت گسیل داشت، و گواهی می‌دهم به اینکه بهشت و آتش [جهنم] حق است و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و اینکه خداوند تمام اهل قبور را بر خواهد انگیخت، و گواهی می‌دهم که پروردگارم بهترین پروردگار، و حضرت محمد (ﷺ) [بهترین فرستاده است، گواهی می‌دهم که بر فرستاده، جز تبلیغ و رسانیدن آشکار [دین] چیزی نیست.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و محمد و آل محمد را مورد رحمت خویش قرار ده، و بر محمد و آل محمد مبارک و خجسته گردان، چنانکه بهترین درود و برکت [و رحمت] او ترحم و مهربانی و عطوفت خویش را بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، براستی که تو ستوده و بزرگی، و درود و رحمت و برکات خداوند بر تو ای پیامبر، سلام بر تمام پیامبران خدا و فرشتگان

و فرستادگانش، سلام بر امامان هدایتگر هدایت یافته، سلام بر ما و بر بندگان شایسته‌ی خدا.

نحوه‌ی سلام گفتن در نماز فردای و جماعت سپس به همان صورت که گفتیم سلام نماز را می‌گویید، و اگر امام جماعت باشد و یا نماز را به فردای بخواند رو به قبله و با اشاره‌ی گوشه‌ی چشمانش به راست سلام می‌دهد، و اگر مأموم باشد تنها با اشاره به راست سلام می‌دهد، البته اگر کسی در طرف چپ او نیز نشسته باشد بر سمت چپ نیز اشاره نموده و سلام می‌دهد، و اگر کسی نباشد، سلام دادن از راست²²⁶ کفایت می‌کند.

و اینکه گفتیم: اگر بر سمت چپ کسی باشد و نگفتیم: اگر بر سمت راستش کسی باشد. به خاطر این بود که در صورت وجود امام جماعت، مأموم در پشت سر او نماز می‌گزارد، و برای مأموم وقتی تنها باشد، مستحب است که در سمت راست امام بایستد.

تعقیبات مشترک نمازهای واجب

1 - بعد از سلام، به همان صورت که پیش از این در سلام نافله‌های ظهر ذکر نمودیم، سه بار تکبیر بجا می‌آورد.

علّت گفتن سه تکبیر در تعقیب نماز: شیخ فقیه سعید ابومحمد جعفر بن احمد قمی در کتاب *أَدَبُ الْأِمَامِ وَالْمَأْمُومِ* در باب *عَلَّتْ سَهْ بَارِ تَكْبِيرِ* گفتن نماز گزار بعد از سلام نماز روایت نموده که مفضل بن عمر می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: به چه علّت نماز گزار بعد از سلام نماز، سه بار تکبیر می‌گوید؟ حضرت فرمود: هنگامی که رسول خدا (ﷺ) مکه را فتح نمود، و نماز ظهر را با اصحاب خویش در نزد حجر الاسود به جماعت خواند، بعد از گفتن سلام نماز دو دست خویش را بلند نمود و سه بار تکبیر گفت و بعد فرمود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ [يَا: غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، لَا قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند یگانه نیست، که به وعده‌ی خود وفا، و بنده‌اش را یاری نمود، و لشکرش را سرافراز و پیروز گردانید، و به تنهایی و بدون اینکه شریکی داشته باشد - نه پیش از آن و نه بعد از آن - تمام حزبها و گروهها را درهم شکست [یا: بر آنها غلبه کرد]، پس فروانروایی فقط برای اوست، و ستایش تنها او را سزد، زنده می‌کند و می‌میراند، و هم او بر هر چیز تواناست.

سپس رو به اصحاب خویش نموده و فرمود: این تکبیر و این گفتار و دعا را در تعقیب هیچ نماز واجبی ترک نکنید، زیرا هرکس بعد از سلام نماز چنین کند

و این سخن و دعا را بخواند، شکر و سپاس خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام که بر او واجب است، ادا نموده است.

و نیز به طریق دیگر از زراره روایت کرده که باقر (ع) فرمود: وقتی سلام نماز را گفتی، همراه با گفتن سه بار تکبیر دستهای خود را بلند کن.

ثمره‌ی تعقیب با نشاط اینک می‌گوییم: شایسته است انسان همان گونه که برای طلب اموری که موجب سعادت اوست نشاط دارد، تعقیب نماز را با نشاط به جا آورد، چنانکه برای طلب سعادت‌مندیهای خویش نشاط دارد، زیرا در روایت آمده که حضرت جعفر بن محمد صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوار، از پدران بزرگوارش فرمود رسول خدا (ﷺ) فرمودند:

هرکس در جایی که نماز می‌خواند، در حالی که پاهایش را روی هم بگذارد و بنشیند و خدا را یاد کند، خداوند فرشته‌ای را به او می‌گمارد که به او می‌گوید: شرافت افزون باد، حسنات برای تو نوشته می‌شود، و گناهانت پاک می‌گردد، و درجاتی برای تو پایه گذاری می‌گردد، تا اینکه تعقیب نماز را به پایان برده و از آن منصرف شوی.

سجده‌ی شکر 2 - بعد از نماز واجب سجده شکر نماید، چنانکه روایت شده که امام رضا (ع) فرمود: سجده کردن بعد از نماز واجب، به جهت سپاسگزاری از خداوند متعال برای توفیق یافتن بنده به ادای نماز فریضه است، و کمترین سخنی که در آن کفایت می‌کند این است که سه بار بگوید:

شُكْرًا لِلَّهِ

- خدا را شکر و سپاس می‌گوییم.

[راوی می‌گوید:] عرض کردم: معنای این سخن شُكْرًا لِلَّهِ چیست؟ فرمود:

یعنی این سجده من، برای سپاسگزاری از خداست به خاطر اینکه مرا به خدمت

و بندگی و ادای فرایض مؤقق گردانید. و شکر، موجب افزونی است، و اگر کوتاهی و نقصی در نماز باشد که با نمازهای نافله کامل نشده باشد، با این سجده کامل می‌گردد.

روایتی پیرامون سجده و دعا بعد از سلام نماز اهل بیت 3 - منقول است که حسین بن زید بن علی بن حسین - که امام صادق (علیه السلام) بعد از شهادت پدرش او را تربیت نموده و فقیه گردانید و از دیگران بی‌نیاز نمود - گفت ما وقتی سلام نماز را گفتیم و خواستیم که دعا بکنیم، هرچه می‌خواهیم در حال سجده دعا می‌کنیم. و زیرا از اهل بیت (علیهم السلام) را دیدم که چنین می‌کردند، و من نیز چنین می‌کنم.

اینک می‌گوییم: من نیز این عمل را انجام می‌دهم، و افزون بر آن بعد از سلام نماز در حال سجده، از خدا می‌خواهم که تمام نقصهایی را که ممکن است در نماز باشد عفو فرماید و نمازم را به خداوند - جلّ جلاله - می‌سپارم؛ زیرا این مطلب سلام هر روز ماه رمضان در هنگام اخطار نقل شده است و دیگر اینکه: سجده، محلّ قرب و نزدیکی است، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ²²⁷

- و سجده و کرنش نما، و نزدیکی جوی²²⁸

3 - و بگوید آنچه را که شایسته است در تعقیب هر نماز واجبی گفته شود،

که:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا، وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، [لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا، وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ]، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند که معبود یگانه است وجود ندارد، و ما [همگی] تسلیم
 اویم، [معبودی جز خداوند - یگانه - نیست و ما - اعمال خود را - برای او
 خالص و نموده‌ایم،] معبودی جز خدا نیست، در حالی که عبادت خود را برای او
 پاکیزه نموده‌ایم جز او را نمی‌پرستیم، هرچند ناخوشایندِ مشرکان باشد. معبودی
 جز خدا نیست، هم او پروردگار ما و پروردگار پدران نخست ماست. معبودی
 جز خداوند یگانه‌ی یگانه‌ی یگانه نیست، به وعده‌ی خویش وفا نمود، و بنده‌اش
 را یاری فرموده، و به تنهایی احزاب و گروهها را نابود کرد، پس فرمانروایی و
 ستایش تنها از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست.

4 - سپس می‌گوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

- طلب آمرزش می‌کنم از خداوندی که معبودی جز او نیست، و زنده و
 پاینده و برپا دارنده [خلق] است، و به سوی او توبه و بازگشت می‌نمایم.

5 - بعد می‌گوید:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَنْزِلْ
 عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
 الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعاً إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَ أَعُوذُ
 بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَ أَعُوذُ
 بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ، وَ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، [وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ]، وَ
 عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَ قُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا [وَ الآخِرَةِ] وَ شَرِّ
 الأَوْجَاعِ كُلِّهَا، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ،
 وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ [صَاحِبَةً وَ لَا] وَ لَدَاءً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ
 لَهُ وِليٌّ مِنَ الدُّنْيَا وَ كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا.

- خداوندا، مرا از ناحیه‌ی خویش هدایت فرما، و از فضل و بخششت کاملاً بهره‌مند ساز، و از رحمتت بر من بگستران، و از خیرات فراوان و برکاتت بر من فرو فرست. پاک و منزّهی تو، معبودی جز تو نیست، همه‌ی گناهان مرا بیامرزد، زیرا همه‌ی گناهان را کسی جز تو نمی‌تواند بیامرزد، خدایا، براستی که من از تمام خیرات و خوبیهای که آگاهی تو آن را فرا گرفته خواستارم، و از تمام بدیهایی که آگاهی‌ات فراگرفته به تو پناه می‌برم، خداوندا، همانا در تمام امورم عافیت تو را درخواست می‌نمایم، و به تو پناه می‌برم از رسوایی دنیا و عذاب آخرت، و پناه می‌برم - به روی [و اسماء و صفات] گرامی و [سلطنت و فرمانروایی دیرینه و بی‌آغاز]، و عزت و سربلندی‌ات که کسی نمی‌تواند آهنگ آن را بنماید، و به قدرتت که هیچ چیز نمی‌تواند از آن سرپیچی کند - از شرّ دنیا [و آخرت] و شرّ همه‌ی دردها. هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ، توکل کردم بر خداوند زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، و ستایش خدایی را که هیچ کس را [به زنی و] فرزندی نگرفته، و شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و سرپرستی از روی خواری و ذلت برای او نیست، و او را به گونه‌ی ویژه‌ای بزرگتر بدان.

فضیلت تسبیح فاطمه‌ی زهراء (علیها السلام)

6 - سپس تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می‌گویید، که ما شرح آن را با پیش از این با دو روایت که هر کدام مایه‌ی چشم روشنی است، یادآور شدیم. از دیگر روایات درباره‌ی فضیلت تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) در تعقیب نمازهای واجب، این است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس پیش از آنکه از نماز واجب پاهایش را روی هم بگذارد و آسوده بنشیند، تسبیح حضرت زهرا فاطمه (علیها السلام) را بگوید، آمرزیده می‌گردد. البته آن را با تکبیر آغاز می‌کند. و نیز روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس پیش از اینکه پاهایش را باز کرده و آسوده بنشیند تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) را در تعقیب نماز واجب بگوید، خداوند بهشت را برای او واجب می‌گرداند.

7 - از تعقیبات مهمّ جهت استجاب دعا، است در روایت آمده است: هرکس

بعد از نماز واجب بگوید:

یا مَنْ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ، وَ لَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ

- ای خداوندی که هرچه را بخواهی انجام می‌دهی، و غیر تو نمی‌تواند هر چه را خواست انجام دهد.

سپس حاجت خویش را بخواهد، هر چه درخواست کند به او عطا می‌شود.²²⁹

فضیلت تسبیحات اربعه در تعقیبات نماز

8 - از تعقیبات مهمّ در جهت افزونی سعادت و دفع چیزهایی که از آنان هراس دارد، این است که روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزی رسول خدا (ﷺ) به اصحابش فرمود: اگر جامه‌ها و ظروفی را که دارید جمع کنید و روی هم بگذارید، آیا به آسمان می‌رسد؟ عرض کردند: خیر، ای رسول خدا، فرمود: وقتی از خواندن نماز فراغت پیدا کردید، سی بار بگویید:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

- پاک و منزّه است خداوند، و حمد و سپاس مختصّ خداست، و معبودی جز خدا نیست، و خداوند بزرگتر است.

زیرا این کلمات، ویرانی و غرق شدن و سوختن و افتادن در چاه، و خورده شدن به وسیله درندگان، و جان سپردن به صورت بد، و هرگونه نکبت و گرفتاری و مصیبتی را که بر بنده در آن روز فرو می‌آید، دفع می‌کنند، و آنها مُعَقَّبَات²³⁰ هستند.

و در روایت دیگر آمده که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: آنها معقباتی هستند که هر کس آنها را بگوید: (یا فرمود: انجام دهد)، یعنی سی‌وسه بار سُبْحَانَ اللَّهِ، و سی‌وچهار اَلْحَمْدُ لِلَّهِ. بگوید، محروم و نومید نمی‌گردد.

و نیز در حدیث است که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس در تعقیب هر نماز واجب پیش از آنکه پاهایش را روی هم بگذارد و آسوده بنشیند، چهل بار بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

سپس از خداوند درخواست نماید، هر چه بخواهد به او عطا می‌شود.

دعایی جهت محفوظ ماندن از خطرات

9 - از تعقیبات مهمّ جهت محفوظ ماندن خود و خانه و دارایی و فرزندان. این است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس این کلمات را بعد از نمازهای واجب بگوید، خود و خانه و دارایی و فرزندان محفوظ می‌مانند:

أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَأَهْلِي وَ دَارِي وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي، بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، وَ أَجِيرُ نَفْسِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي [وَ أَهْلِي وَ دَارِي] وَ كُلِّ مَا هُوَ مِنِّي، بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (تا آخر سوره) وَ بِرَبِّ النَّاسِ (تا آخر سوره)

- خود و دارایی و فرزندان و خانواده و خانه و هرچه متعلّق به من است را در پناه خداوند یگانه بی‌همتا و بی‌نیاز [ی که همه بدو نیازمندند] که نه زاده و نه زاده شده و هیچ کس همتای او نیست در آوردم، و خود و دارایی و فرزندانم [و خانواده و خانه] و هرچه متعلّق به من است را در پناه پروردگار مخلوقات درمی‌آورم از شرّ هرچه خداوند آفریده (تا آخر سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و در پناه پروردگار مردم (تا آخر سوره قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و...

و نیز آیه الكرسي را تا آخرش می‌خواند.

همچنین منقول است که حضرت حسن بن علی (علیه السلام) فرمود که رسول خدا (ﷺ) فرمود: هرکس آیه الكرسي را در تعقیب نماز واجب بخواند، تا نماز دیگر در ضمانت خداوند خواهد بود.

قرائت سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) 10 - از دیگر تعقیبات مهمّ در تعقیب نماز برای کسانی که خواهان ایمنی از گناهان و پیامدهای بد آنها هستند، این است که نقل شده امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: هرکس دوست دارد که از دنیا بیرون برود، در حالتی که از گناهان خالص باشد چنانکه طلا، خالص و ناب می‌گردد و هیچ کدورتی در آن

باقی نماند باشد. و هیچ کس از او مظلّم‌های نخواهد، بعد از نمازهای پنجگانه
توصیف پروردگار - تبارک و تعالی - یعنی سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را بخواند و
دستهایش را گشوده و بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ [يا: الطُّهْر] الْمُبَارَكِ، وَ
[أَسْأَلُكَ] بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَهَبَ الْعَطَايَا، يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِ، يَا
فَكَكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُغْتِقَ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ، وَ أَخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا، وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ آمِنًا، وَ اجْعَلْ يَوْمِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا، وَ
أَوْسَطَهُ نَجَاحًا، وَ آخِرَهُ صَلَاحًا، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ.

- خداوندا، بدرستی که از تو به اسم پوشیده‌ی مخزون پاکیزه‌ی پاک
خجسته‌ات درخواست می‌نمایم، و به اسم بزرگ و فرمانروایی دیرینه و بی
آغازت تقاضا می‌نمایم، ای بخشنده‌ی عطایا، ای رهاکننده‌ی اسیران، ای آزاد
کننده‌ی بندگان از آتش جهنم، از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود
فرستی، و مرا از آتش جهنم آزاد نمایی، و سالم و بی‌گزند از دنیا خارج، و ایمن
و آسوده در بهشت داخل فرما، و آغاز این روزم را رستگاری، و میان‌ه‌اش را
کامیابی، و پایانش را اصلاح و درستی قرار ده، براستی که تویی بسیار آگاه بر
نہانها.

سپس امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: این دعا از دعاهای مستجابی است که
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من آموخت، و دستور داد که آن را به امام حسن و
حسین (علیهما السلام) بیاموزم.

ناگفته نماند که: روایت دیگری درباره‌ی این دعا به عنوان ذکر دعای مصون
و محفوظی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام)، و امیرالمؤمنین
به امام حسن و حسین (علیهما السلام) آموخت. آمده است امیرالمؤمنین (علیه السلام)
فرمود: هرکس دوست دارد در حالتی از دنیا بیرون رود، که چنانکه طلا خالص

و ناب گردد و هیچ چیز با آب مشوب و مخلوط نیست، از گناهان خالص ورها گردد، و هیچ کس از او مظلّمه‌ای نخواهد، در تعقیب نمازهای پنجگانه، دوازده بار توصیف پروردگار عزوجلّ یعنی سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را بخواند، سپس دستهایش را گشوده و بگوید: ... (و دعایی را که یادآور شدیم ذکر شده است).

11 - از دیگر تعقیبات مهمّ این است که روایت شده امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس به خدا و روز آخرت ایمان دارد قرائت سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را در تعقیب نماز واجب ترک ننماید، زیرا هرکس آن را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع نموده و خود وی و پدر و مادر و فرزندان آن دو آمرزیده می‌شوند.

دعایی جهت آمرزش گناهان

12 - از دیگر تعقیبات مهمّ برای آمرزیده شدن گناهان، آن است در حدیث است محمد بن حنفیه می گوید: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) گرد خانه‌ی خدا طواف می نمود، ناگهان دیدند مردی به پرده‌های کعبه آویخته و می گوید:

يا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ [عَنْ سَمْعٍ]، يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ السَّائِلُونَ، يَا مَنْ لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا الْحَاحُ الْمُلْحِنُ، أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَ حَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ.

- ای خداوندی که شنیدن [دعایی تو را از شنیدن دیگر دعاها] به خود مشغول نمی کند، ای کسی که درخواست کنندگان او را به اشتباه وانی دارند، ای کسی که پافشاری اصرار کنندگان او را به ستوده نمی آورد، خنکی عفو و گذشتت و شیرینی رحمتت را به من بچشان.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: این دعای توست؟ و من خود شنیدم که آن مرد عرض کرد: بله، تو نیز آن را در تعقیب نمازهایت بخوان: به خدا سوگند، هیچ مؤمنی آن را در تعقیب نماز نمی خواند، مگر اینکه خداوند گناهان او را می آمرزد، هر چند گناهانش به شماره‌ی ستارگان آسمان و قطره‌های باران و سنگریزه‌ها و خاکهای زمین باشد.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: دانش این در نزد من است، و خداوند وسعت دهنده و بزرگواری است. آن مرد که حضرت خضر (علیه السلام) بود گفت: به خدا سوگند، راست گفتی، ای امیرالمؤمنین، ولیکن بالای هر صاحب دانشی، دانایی است.

دعا برای طول عمر

13 - از تعقیبات مهمّ برای جهت طول عمر آن است که از جمله‌ی تعقیبش بعد از هر نماز این باشد که در روایت آمده جمیل بن درّاج می‌گوید مردی به خدمت امام صادق (علیه السلام) وارد شد و عرض کرد: ای آقای من، سنّم زیاد شده و بستگانم مرده‌اند و می‌ترسم که مرگ مرا دریاابد، و کسی ندارم که با او اُنس بگیرم و همنشین شوم. حضرت فرمود: از برادران مؤمنت هستند کسانی که از لحاظ نسبی و سببی به تو نزدیکترند، و اُنس تو به آنان از اُنست به بستگان بهتر است، با وجود این بر تو باد که این دعا را بخوانی، و در تعقیب هر نماز واجب بگو:

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ، إِنَّ الصَّادِقَ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّكَ قُلْتَ: مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ [أَنَا] أَكْرَهُ مَسَائَتَهُ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصْرَ، وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي.

- خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، خدایا، براستی که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: که تو فرموده‌ای: من در هیچ کاری همانند تردّد و دودلی‌ای که در گرفتن روح بنده‌ی مؤمن دارم، دودلی ندارم، [زیرا] او از مرگ بدش می‌آید، و من از بدی رساندن به او بدم می‌آید. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و در فرج و تندرستی و پیروزی ولیّات تعجیل فرما، و در رابطه خود و هیچ کدام از دوستانم به من بدی مرسان.

اگر خواستی دوستانت را یکایک نام می‌بری. یا به صورت جداگانه، و یا مجموعاً آن مرد می‌گوید: به خدا سوگند، آن قدر زنده ماندم تا اینکه از زندگانی خسته و رنجور شدم.

ابومحمّد هارون بن موسی - رَحِمَهُ اللهُ - می‌گوید: محمّد بن حسن بن شمون [یا: سمون] بصری پیوسته این دعا را می‌خواند، تا اینکه صدویست و هشت سال همراه با آسایش زندگانی کرد، تا اینکه از زندگانی خسته شد و این دعا را ترک کرد و از دنیا رفت. خداوند رحمتش کند.

دعا جهت حفظ

14 - از تعقیبات مهمّ دعایی است که پیامبر اکرم (ﷺ) به علیّ (ع) روایت کرده که به امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هرگاه خواستی هر چه را که می‌شنوی و می‌خوانی حفظ کنی، این دعا را در تعقیب تمام نمازها بخوان، و آن دعا به این صورت است:

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْأَلْوَانِ
الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ، اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصَرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا،
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- پاک و منزّه است خداوندی که بر اهل مملکت خود ستم و تجاوز روا نمی‌دارد، و پاک و منزّه است خدایی که اهل زمین را به انواع گوناگون عذاب، نمی‌گیرد، پاک و منزّه است خداوند رؤوف مهربان، خداوندا، در قلب من نور و بینایی و فهم و آگاهی قرار ده، براستی که تو بر هر چیز توانایی.

دعا جهت برآورده شدن حوایج

15 - از تعقیبات مهمّ جهت برآورده شدن حوایج، آن است که وقتی از نماز فراغت پیدا کرد، بخواند دعایی را که ادريس بن عبدالله می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمود: وقتی از نماز فراغت پیدا کردی بگو:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ رَسُولِكَ وَوَلَايَةِ الْأَيْمَةِ مِنْ أَوْلِيهِمْ وَ
[يا: إلی] آخِرِهِمْ.

و همه ائمه ((علیهم السلام)) را یکایک نام می بری، سپس می گویی:

اللَّهُمَّ، أَدِينُكَ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَالرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ [يا: مُنْكَرٍ] وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَمَالَمْ يَأْتِنَا، مُؤْمِنٌ مُعْتَرِفٌ مُسَلِّمٌ بِذَلِكَ، رَاضٍ بِمَا رَضِيَتْ بِهِ، يَا رَبِّ، أُرِيدُ بِهِ [وَجْهَكَ الْكَرِيمَ] وَالْدَارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ فِيهِ، فَأَحْبِبْنِي عَلَى ذَلِكَ وَآمِنْنِي إِذَا آمَنْتَنِي عَلَى ذَلِكَ، وَابْعَثْنِي عَلَى ذَلِكَ. وَإِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى، فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِوَلَايَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا تَكْلِنُنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ، إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِحُرْمَةِ اسْمِكَ الْعَظِيمِ وَبِحُرْمَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) وَبِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ (علیهم السلام) و آن بزرگواران را [یک به یک] نام می بری - أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.

خدایا، من به طاعت و ولایت و دوستی تو ولایت رسالت و ولایت امامان از اول تا به آخرشان، از تو اطاعت نموده و می پرستم. خداوندا، من به واسطه اطاعت و ولایت و دوستی آنان، و خشنودی از آنچه که ایشان را به آن برتری دادی، بدون اینکه تکبر نموده [یا: انکار نموده] و یا گردنکشی نمایم، بر اساس آنچه که در کتابت فرو فرستادی، و بر اساس احکام و حدودی که در آن به ما رسیده و یا نرسیده، از تو اطاعت نموده و می پرستم. و به آن ایمان آورده و

معترف و تسلیم آن هستم، و به هرچه که تو بدان خشنودی، خرسندم، پروردگارا، مقصودم از این [روی و اسماء و صفات - گرامیات و رضای تو و [دار آخرت می‌باشد، در حالی که در این باره هم از تو هراسانم و هم به سوی تمایل و رغبت دارم. پس مرا بر همین [اعتقاد] زنده‌دار، و هنگامی که می‌میرانی بر همان بمیرانم، و بر همان [در قیامت] مبعوثم بدار، و اگر در گذشته تقصیر و کوتاهی از من سرزده [از آن] به سوی تو توبه می‌نمایم، و نسبت به آنچه در نزد توست میل و رغبت دارم، و از تو درخواست می‌کنم که مرا به سرپرستی خود از نافرمانیات نگاه داری، و هیچگاه به اندازه‌ی چشم برهم زدن مرا به خود وامگذار، نه کمتر از این و نه بیشتر از آن، زیرا نفس بسیار بدفرماست، مگر اینکه تو رحم آری. ای مهربانترین مهربانان، و از تو درخواست می‌نمایم به حرمت روی [و اسماء و صفات] گرامیات، و به احترام اسم بزرگت، و به حرمت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به احترام اهل بیت رسالت (ع‌السلام) - و ایشان را نام می‌بری - اینکه بر محمد و آل او درود فرستی، و به من چنین و چنان کنی.

به جای این لفظ چنین و چنان کن حوایج خویش را ذکر می‌کنی که **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**. برآورده می‌شود.

دعای امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نمازها

16 - از تعقیبات مهمّ در تعقیب نمازها برای نیل به سعادت‌مندیهای افزونتر، اقتدا به امام صادق (علیه السلام) در دعاهایی است که ذکر می‌کنیم.

در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: روزی به خدمت پدر بزرگوام وارد شدم که [در همان روز] هشت هزار دینار به فقرای اهل مدینه صدقه داده و خانواده‌ای را که به یازده برده می‌رسیدند آزاد فرمود بود، و این کار مرا به شگفت آورد. حضرتش به من نگریست و فرمود: آیا می‌خواهی کاری انجام دهی که اگر آن را یکبار در تعقیب نمازهای واجب انجام دهی، برتر از کاری که من انجام دادم باشد، اگر چه من آن را در هر روز به اندازه‌ی عمرت حضرت نوح (علیه السلام) انجام دهم، حضرت فرمود: عرض کردم آن چیست؟ فرمود بعد از نماز می‌گویی:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ، كُلُّ هَذَا قَلِيلٌ يَا رَبُّ، وَ عَدَدَ خَلْقِكَ وَ مِلاً عَرْشِكَ وَ رِضَى نَفْسِكَ وَ مَبْلَغَ [يَا: يَبْلُغُ] مَشِيَّتِكَ وَ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابِكَ وَ مِلاً مَا أَحْصَى كِتَابِكَ وَ زِنَةَ مَا أَحْصَى كِتَابِكَ وَ مِثْلَ ذَلِكَ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً [إِلَّا تُحْصَى وَ عَدَدَ خَلْقِكَ وَ مِلاً خَلْقِكَ وَ زِنَةَ خَلْقِكَ، وَ مِثْلَ ذَلِكَ أَضْعَافاً لَا تُحْصَى، وَ عَدَدَ بَرِيَّتِكَ وَ مِثْلَ ذَلِكَ وَ مِلاً بَرِيَّتِكَ، وَ زِنَةَ بَرِيَّتِكَ وَ مِثْلَ ذَلِكَ أَضْعَافاً لَا تُحْصَى وَ عَدَدَ مَا تَعْلَمُ، وَ زِنَةَ مَا تَعْلَمُ وَ مِلاً مَا تَعْلَمُ وَ مِثْلَ ذَلِكَ أَضْعَافاً لَا يُحْصَى، وَ مِنَ التَّحْمِيدِ وَ التَّعْظِيمِ وَ التَّقْدِيسِ وَ التَّنَاءِ وَ الشُّكْرِ وَ الْخَيْرِ وَ الْمَدْحِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ -

عليه السلام عَلَيْهِمْ - [مِثْلَ ذَلِكَ] وَأَضْعَافَ ذَلِكَ وَ عَدَدَ مَا خَلَقْتَ وَ ذَرَاتَ وَ بَرَاتَ وَ عَدَدَ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ شَيْءٍ وَ مِثْلَ ذَلِكَ كُلَّهُ وَ أَضْعَافَ ذَلِكَ كُلَّهُ أَضْعَافًا لَوْ خَلَقْتَهُمْ فَتَطَّقُوا بِذَلِكَ مُنْذُ قَطُّ إِلَى الْأَبَدِ لَا انْقِطَاعَ لَهُ يَقُولُونَ كَذَلِكَ، لَا يَسْأَمُونَ وَ لَا يَفْتَرُونَ أَسْرَعَ مِنْ لِحْظِ الْبَصَرِ، وَ كَمَا يَنْبَغِي لَكَ، وَ كَمَا أَنْتَ لَهُ أَهْلٌ، وَ أَضْعَافَ مَا ذَكَرْتُ، وَ رِنَةَ مَا ذَكَرْتُ، وَ عَدَدَ مَا ذَكَرْتُ، وَ مِثْلَ جَمِيعِ ذَلِكَ، كُلُّ هَذَا قَلِيلٌ يَا إِلَهِي، تَبَارَكْتَ وَ تَقَدَّسْتَ وَ تَعَالَيْتَ عُلُوًّا كَبِيرًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، أَسْأَلُكَ عَلَى إِثْرِ هَذَا الدُّعَاءِ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ أَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ، أَنْ تُعَافِنِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

- گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند یگانه وجود ندارد و شریکی برای او نیست، و سلطنت و فرمانروایی تنها از آن توست، و حمد و ستایش مختصّ اوست، زنده می‌گرداند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌گرداند، خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و او بر هر چیز تواناست، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ. پاک و منزّه است خداوند صاحب مُلک و ملکوت، پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت و جبروت، و پاک و منزّه است خداوند صاحب کبریا و عظمت، پاک و منزّه است خداوند زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد. پاک و منزّه است پروردگار برترم. همراه با حمد و ستایش پروردگار بزرگم را به پاکی می‌خوانم، همه‌ی اینها اندک است، ای پروردگار من، بلکه به شماره‌ی مخلوقات و پُریِ عرش و به اندازه خشنودیات و تا آنجا که مشیّت و خواستت می‌رسد و به شماره و پُری و وزن و مشابه آنچه که کتابت به شمار درآورده، و چندین و چندین برابر آن، [که به شمار نمی‌آید و به شماره و پُری و وزن مخلوقات، و مثل و چندین برابر آن که به شمار در نمی‌آید، و به شماره و مشابه ویری، و وزن خلافتت و مثل و چندین برابر آن که به شمار در نمی‌آید، و به شماره و وزن و پُری و مثل آنچه که خود می‌دانی] و چندین برابر آن که به شمار در نمی‌آید] تو را می‌ستایم، و از ستایش و تعظیم و تقدیس

و ثناء و سپاسگزاری و خیر و مدح و درود بر پیامبر اکرم و اهل بیتش که درود خداوند بر او و ایشان باد - [مثل آن] و چندین برابر آن، و به شماره‌ی آنچه آفریده و خلق فرموده و پدید آوردی، و به شماره‌ی اشیا‌یی که می‌آفرینی، و به اندازه‌ی پُری همه اینها و چندین و چندین برابر همه اگر بیافرینی و زبان بگشایند و از ازل تا زمانی که پایانی نداشته باشد، در حالی که به اندازه‌ی کم تر از چشم بر هم زدن نه خسته شده و نه سستی کنند، چنین بگویند، و به همان صورتی که شایسته توست، و تو زبنده‌ی آن هستی، و به اندازه‌ی چندین برابر و وزن و شماره آنچه یادآور شدم، و همانند همه‌ی اینها تو را می‌ستایم، ای معبود من، همه‌ی اینها کم و اندک است، تو بلند مرتبه و مقدّس و برتری، به برتری بزرگ. ای صاحب بزرگی و بزرگواری، در تعقیب این دعا، به حقّ نامها [و کمالات] نیکوتر و صفات والاتر، و کلمات کاملت از تو درخواست می‌کنم که در دنیا و آخرت به من عافیت و تندرستی عنایت فرمایی.

ابویحیی می‌گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: این دعا، مستجاب است.

دعا برای حضرت مهدی (علیه السلام)

17 - از تعقیبات مهمّ نماز ظهر، اقتدا به حضرت صادق (علیه السلام) در دعا برای حضرت مهدی (علیه السلام) است (هم او که حضرت محمّد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایات صحیح بشارتش را به اُمّت خود داده، و نوید داده که حضرتش در آخر زمان ظهور می نماید.) چنانکه عباد بن محمّد مدائنی می گوید: در مدینه به حضور امام صادق (علیه السلام) وارد شدم، در حالی که از نماز واجب ظهر فراغت پیدا نموده و دستانش را به سوی آسمان بالا برده و می فرمود:

أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ، أَيُّ جَامِعٍ كُلِّ فَوْتٍ، [يَا: أَيُّ جَامِعٍ كُلِّ شَمَلٍ]، أَيُّ بَارِيٍّ كُلِّ
نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، أَيُّ بَاعِثٍ، أَيُّ وَارِثٍ، أَيُّ سَيِّدِ السَّادَةِ، أَيُّ إِلَهِ الْأَلِهَةِ، أَيُّ جَبَّارِ
الْجَبَابِرَةِ، أَيُّ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَيُّ رَبِّ الْأَرْبَابِ، أَيُّ مَلِكِ الْمُلُوكِ، أَيُّ بَطَّاشٍ، أَيُّ
ذِي الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، أَيُّ فَعَالَا

لِمَا يُرِيدُ، أَيُّ مُحْصِيٍّ عَدَدِ الْإِنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ، أَيُّ مَنْ السَّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةً، أَيُّ
مُبْدِيٍّ، أَيُّ مُعِيدٍ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ
[عَلَى نَفْسِكَ]، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ، وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفَكَاكِ رَقَبَتِي
مِنَ النَّارِ، وَ أَنْجِزْ لَوْلِيكَ وَ ابْنَ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَ أَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَ
عَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ - عَلَيْهِ صَلَوَاتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ - وَ عُدَّهُ، اللَّهُمَّ،
أَيِّدُهُ بِنَصْرِكَ، وَ انصُرْ عَبْدَكَ، وَ قَوْلًا: [يَا: وَقُقْ] أَصْحَابَهُ، وَ صَبِّرْهُمْ، وَ افْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ
سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ أَمْكِنْهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ،

- ای شنوندهی هر صدا، ای گرد آورنده هر امری که از دست رفته باشد [یا: ای گردآورندهی امور پراکنده] آفرینندهی هر جان دار بعد از مرگ، ای برانگیزاننده، ای وارث، ای سرور سروران، ای معبود معبودها، ای سرکش

سرکشان، ای فرمانروای دنیا و آخرت، ای پروردگار پروردگاران، ای پادشاه پادشاهان، ای خدایی که سخت با سلطه و چیرگی می‌گیری، ای خدایی که هر چه را بخواهی [بی‌درنگ] انجام می‌دهی، ای شمارنده‌ی شماره‌ی نفس‌ها و گام‌های برداشته شده، ای خدایی که نهان در نزد تو آشکار است، ای آغازگر، ای برگرداننده، به حقی که بر برگزیدگان از خلقت داری و به حقی که نسبت به ایشان [برخود] واجب فرموده‌ای، از تو مسألت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی، و در همین لحظه به آزادی‌ام از آتش جهنم منت نهی و به وعده‌ی ولی‌ات و پسر پیامبرت که به اذن تو [بندگان را] به سویت می‌خواند، و امین تو در میان خلق، و حجّت و راهنمای تو بر خلق می‌باشد - که درودها و برکاتت بر او باد - وفا نمایی، خداوندا، به یاری خویش او را یاری فرما، و آن بنده‌ات را یآوری کن، و یارانش را نیرومند [یا: مؤقّق] فرما، و آنان را شکیبیا گردان و از جانب خویش تسلّط یاری‌گری برای ایشان عنایت فرما، و در فرج او تعجیل فرما، و او را بر دشمنانت و دشمنان رسولت چیره گردان، ای مهربانترین مهربانان.

عرض کردم: فدایت شوم، آیا برای خودتان دعا نمودید؟ فرمود: برای نور آل محمد و راهبر و ایشان و کسی که به فرمان خدا از دشمنانشان انتقام می‌گیرد دعا نمودم. عرض کردم: خداوند مرا فدای تو گرداند، آن بزرگوار کی خروج خواهد نمود، فرمود: هر گاه که خداوندی که خلق و امر به دست اوست بخواهد. عرض کردم: آیا او نشانه‌ای پیش از خروج خواهد داشت؟ فرمود: بله، نشانه‌های گوناگون، عرض کردم: مانند چه؟ فرمود: خروج پرچمی از مشرق زمین، و پرچمی از مغرب زمین، و فتنه و آشوبی که بر اهل زوراء (و بغداد) سایه

می‌افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یَمَن، و به غارت و تاراج رفتن پوشش و پرده‌ی خانه‌ی خدا. خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد.

دعای رسول خدا (ﷺ) در تعقیب نماز ظهر

18 - از تعقیبات مهمّ نماز ظهر، دعایی است که روایت شده رسول خدا (ﷺ) آن را بعد از نماز ظهر می خواندند، بنابر روایتی که نقل شده حضرت ابوالحسن علی بن محمد عسگری (ع) به نقل از پدر بزرگوارش از پدرانش از امام صادق - (ع) - از امیرالمؤمنین (ع)، از رسول خدا - (ﷺ) - فرمود که از جمله دعاهاى آن بزرگوار در تعقیب نماز ظهر این بود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا أَمَنْتَهُ، وَلَا سُوءًا إِلَّا صَرَفْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا وَ لِي صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ،

[يا] رَبَّ الْعَالَمِينَ.

- معبودی جز خداوند بزرگ بردبار نیست، معبودی جز خداوندی که پروردگار عرش بزرگوار است وجود ندارد، و ستایش خدایی را که پروردگار عالمیان است، خداوندا، از تو رحمتهای لازم، و آمرزشهای حتمی و مسلم، و بهره مند شدن از هر خیر و خوبی، و سلامتی از هر گناه را درخواست می نمایم. خداوندا، گناهی بر من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی، و نه هم و غمی مگر اینکه برطرف نموده باشی، و نه بیماری و مرضی مگر اینکه بهبودی بخشیده باشی، و نه عیبی مگر اینکه پوشانده باشی، و نه روزی ای مگر اینکه وسعت داده باشی، و نه ترسی مگر اینکه از آن ایمن فرموده باشی، و نه بدی ای مگر اینکه بر طرف نموده باشی، و نه حاجتی که خشنودی تو در آن و به صلاح من است،

مگر اینکه برآورده نموده باشی، ای مهربانترین مهربانان، اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان.

(226) در برخی از نسخه‌های کتاب در ادامه وچپ دارد، که اشتباه است.

(227) علقی (96): 19.

(228) و روشن است که دعا کردن و درخواست عفو نقصهایی که در نماز پیش می‌آید، و سپردن آن به خداوند - جلّ جلاله - از مصادیق قرب به اوست. (مترجم)

(229) کافی، ج 2 ص 549، روایت 9 - البتّه در کافی عبارت به این صورت آمده است: وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ و نیز اینکه تمام دعا را سه بار بگوید.

(230) یعنی امور خوشایند (از آن جمله دفع موارد مذکور در روایت) را در پی دارند.

دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تعقیب نمازظهر

19 - از دیگر تعقیبات مهم، اقتدا به مولایمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دعاهای تعقیب نمازهای پنجگانه واجب است، از آن جمله دعای آن بزرگوار در تعقیب نمازظهر که به این صورت است:

اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، [وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ]، وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ، عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الشَّانِ كُلُّهُ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى غُفْرَانِكَ بَعْدَ غَضَبِكَ [يَا: عَظَمَتِكَ]، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ، مُعْطِيَ السُّؤَالَاتِ [يَا: السُّؤَالَاتِ]، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ، وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، وَ الْمُخْرِجَ إِلَى النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ، وَ قَابِلَ التَّوْبِ، شَدِيدَ الْعِقَابِ، ذَا الطُّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ غُرُوبِهَا، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا، وَ لَا تَنْقُضِي مَدَدًا سَرْمَدًا، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِيمَا مَضَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي مَا بَقِيَ.

اللَّهُمَّ، أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ أَمْرٍ، وَ عُدَّتِي فِي كُلِّ حَاجَةٍ، وَ صَاحِبِي فِي كُلِّ طَلِبَةٍ، وَ أَنْسَى فِي كُلِّ وَحْشَةٍ، وَ عِصْمَتِي عِنْدَ كُلِّ هَلَكَةٍ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ وَسِّعْ لِي فِي رِزْقِي، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي، وَ أَقْضِ عَنِّي دَيْنِي، وَ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي، إِنَّكَ رَوْوْفٌ رَحِيمٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ [يَا: بَرًّا]، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ، لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا

غَفَرْتُهُ، وَ لَاهِمًا إِلَّا فَرَجْتُهُ، وَ لَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتُهُ، وَ لَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتُهُ، وَ لَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتُهُ،
وَ لَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتُهُ، وَ لَا حَاجَةً إِلَّا قَضَيْتَهَا بِمَنْكَ وَ لَطْفِكَ، بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، همه ستایش برای توست، [و فرمانروایی همگی برای توست]، و خوبی همگی به دست [جمال] توست، و تمام امر و آشکار و نهان امور به سوی تو رجوع می‌کند، و تویی منتهی و سرانجام همه‌ی امور. خدایا، ستایش برای توست به جهت عفو و گذشتت با وجود قدرتت، و ستایش برای تو به خاطر آمرزشت با وجود خشم و غضبت [یا: با وجود عظمتت]. خداوندا، ستایش می‌کنم تو را، ای بالا برنده‌ی درجات، اجابت‌کننده‌ی دعاها، فرو فرستنده‌ی نیکیها از بالای آسمانهای هفتگانه، عطا‌کننده‌ی درخواستها و حوایج، [یا: پرستشها] و تبدیل‌کننده‌ی گناهان و بدیها به کارهای خوب و تبدیل‌کننده‌ی حسنات و کارهای نیک به درجات و پایه‌های ایمانی، و بیرون برنده از تاریکیها به سوی نور، خدایا، ستایش برای توست ای آمرزنده‌ی گناه و قبول‌کننده‌ی توبه، سخت‌کیفر دهنده، صاحب عطا و بخشش، معبودی جز تو نیست، و بازگشت همه‌ی مخلوقات تنها به سوی توست، خداوندا، ستایش تو را در هنگامی که شب فرا می‌گیرد، و سپاس تو را هنگامی که روز آشکار می‌گردد، و حمد برای تو در آخرت دنیا. خداوندا، سپاس برای تو در وقتی که شب روی می‌آورد، و پشت می‌کند، و ستایش برای تو هنگامی که صبح گشوده می‌گردد، و سپاس برای تو هنگام طلوع و غروب آفتاب. و سپاس برای تو به جهت نعمتهایت که به شماره در نمی‌آید، و از لحاظ افزونی و جاودانگی پایان نمی‌پذیرد. خدایا، ستایش برای تو در گذشته، و ستایش برای تو در باقی مانده‌ی عمر.

خداوندا، تویی مورد اعتماد من در هر امر، و توشه‌ام در هر حاجت، و دوست و همراهم در هر خواسته، و انیس و مونسَم در هر وحشت و تنهایی، و نگاهدارنده‌ام در هر هلاکت و نابودی. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و روزی‌ام را وسعت ده، و هرچه را که به من عطا فرموده‌ای مبارک گردان، و قرضم را ادا کن، و حالم را اصلاح فرما، براستی که تو رؤوف و مهربانی. معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، معبودی جز پروردگار عالمیان نیست، معبودی جز خداوندی که پروردگار عرش بزرگ است وجود ندارد.

خداوند براستی که از تو رحمت‌های لازم و مغفرت‌های حتمی، و بهره‌مندی از هر خوبی [یا: نیکی]، و سلامتی از هر گناه، و کامیابی به بهشت، و رهایی از آتش جهنم را درخواست می‌نمایم. خداوندا، هیچ گناهی برای من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی، و نه اندوهی مگر اینکه برطرف فرموده، و نه ناراحتی و غمی مگر اینکه زدوده باشی، و نه بیماری‌ای مگر اینکه بهبودی بخشیده، و نه وامی مگر اینکه ادا نموده، و نه خوف و هراسی مگر اینکه ایمنی بخشیده، و نه حاجتی مگر اینکه به منت و لطف خود برآورده باشی. به رحمت، ای مهربانترین مهربانان.

دعای حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) در تعقیب نمازظهر

20 - از تعقیبات مهم نمازهای پنجگانه، دعاهایی است که حضرت زهرا، فاطمه، سرور زنان عالمین (علیها السلام) می خواندند. از آن جمله دعای حضرتش در تعقیب نمازظهر، که به این صورت است:

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ [الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَادِخِ الْعَظِيمِ]، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلِ لَهُ، وَ الرَّغْبَةِ إِلَيْهِ، وَالطَّاعَةِ لِأَمْرِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جاحِدَةً [يا: جاحداً لِشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ، وَ لَا مُتَحَيِّرَةً [يا: مُتَحَيِّرًا] فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي إِلَى دِينِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئاً غَيْرَهُ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَ عَمَلَهُمْ، وَ نَجَاةَ الْمَجَاهِدِينَ وَ ثَوَابَهُمْ، وَ تَصَدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَ تَوْكُلَهُمْ، وَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أَنْتَظِرُهُ، وَ خَيْرَ مُطَّلِعٍ يَطَّلِعُ عَلَيَّ، وَ ارْزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نَزْوِلِهِ وَ فِي غَمْرَاتِهِ، وَ حِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ التَّرَاقِي، وَ حِينَ تَبْلُغُ الْحُلُقُومَ، وَ فِي حَالِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا، وَ تِلْكَ السَّاعَةَ الَّتِي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي فِيهَا ضِراً وَ لَا نَفْعاً وَ لَا شِدَّةً وَ لَا رِخَاءً، رَوْحاً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ حِطّاً مِنْ رِضْوَانِكَ، وَ بُشْرَى مِنْ كَرَامَتِكَ، قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّى نَفْسِي، وَ تَقْبِضَ رُوحِي، وَ تُسَلِّطَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَى إِخْرَاجِ نَفْسِي، بِبُشْرَى مِنْكَ يَا رَبِّ، لَيْسَتْ مِنْ أَحَدٍ غَيْرِكَ، تُنَلِّجُ بِهَا صَدْرِي، وَ تُسِرُّ بِهَا نَفْسِي، وَ تُقَرُّ بِهَا عَيْنِي، وَ يَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِي، وَ يُسْفَرُ بِهَا لَوْنِي، وَ يَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِي، وَ يَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِي، يَعْطِنِي²³¹ بِهَا مَنْ حَضَرَنِي مِنْ خَلْقِكَ، وَ مَنْ سَمِعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ، تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهَا سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَ تُفَرِّجُ عَنِّي بِهَا كُرْبَتَهُ، وَ تُخَفِّفُ عَنِّي بِهَا شِدَّتَهُ، وَ تَكْشِفُ عَنِّي بِهَا سُقْمَهُ، وَ تَذْهَبُ عَنِّي بِهَا هَمُّهُ وَ حَسْرَتَهُ، وَ تَعْصِمُنِي بِهَا مِنْ أَسْفِهِ وَ فِتْنَتِهِ، وَ [تُجِيرُنِي] بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا يَحْضُرُ أَهْلَهُ، وَ تَرْزُقُنِي بِهَا خَيْرَهُ وَ خَيْرَ مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ، وَ خَيْرَ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ.

ثُمَّ إِذَا تَوَفَّيْتَ نَفْسِي، وَ قَبِضْتَ رُوحِي، فَاجْعَلْ رُوحِي فِي الْأَرْوَاحِ الرَّابِحَةِ، وَ اجْعَلْ نَفْسِي فِي الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ، وَ اجْعَلْ جَسَدِي فِي الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ، وَ اجْعَلْ عَمَلِي فِي

الأعمالِ الْمُتَقَبَّلَةِ، ثُمَّ ارزُقْنِي فِي خِطَّتِي مِنَ الْأَرْضِ حِطَّتِي [يا: حِصَّتِي]، وَ مَوْضِعَ جُثَّتِي [يا: جَنبِي] حَيْثُ يُرْفَتُ²³² لَحْمِي، وَ يُدْفَنُ عَظْمِي وَ أُتْرَكَ وَحِيداً لَاحِيَلَةَ لِي، قَدْ لَفَظْتُنِي الْبِلَادُ، وَ تَخَلَّى [يا: يَجَلِي] مِنِّي الْعِبَادُ، وَ افْتَقَرْتُ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَ احْتَجَجْتُ إِلَى صَالِحِ عَمَلِي، وَ أَلْقَى مَا مَهَّدْتُ لِنَفْسِي، وَ قَدَّمْتُ لِآخِرَتِي، وَ عَمَلْتُ فِي أَيَّامِ حَيَاتِي، فَوْزاً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ ضِيَاءً مِنْ نُورِكَ، وَ تَبَيَّنَا مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ، إِنَّكَ تُضِلُّ الظَّالِمِينَ، وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ.

ثُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْبَعْثِ وَالْحِسَابِ إِذَا انشَقَّتِ الْأَرْضُ عَنِّي، وَ تَخَلَّى الْعِبَادُ مِنِّي، وَ عَشِيْبَتِي الصَّيْحَةَ، وَ أَفْرَعَتِي النَّفْحَةَ، وَ نَشَرْتَنِي بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ بَعَثْتَنِي لِلْحِسَابِ، فَأَبْعَثْ مَعِي يَا رَبِّ، نُوراً مِنْ رَحْمَتِكَ، يَسْعَى بَيْنَ يَدَيَّ وَ عَن يَمِينِي، تُؤْمِنِي بِهِ، وَ تَرْتِطُ بِهِ عَلَيَّ قَلْبِي، وَ تُظْهِرُ بِهِ عُذْرِي، وَ تُبَيِّضُ بِهِ وَجْهِي، وَ تُصَدِّقُ بِهَا حَدِيثِي، وَ تُفْلِحُ بِهِ حُجَّتِي، وَ تُبَلِّغُنِي بِهَا الْعُرْوَةَ الْقُصْوَى [يا: الْوُنْقَى] مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ تُحِلِّلُنِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ، وَ تَرزُقُنِي بِهِ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ دَرَجَةً، وَ أَبْلِغُنِي فَضِيلَةَ، وَ أَبْرِّهَا عَطِيَّةً، وَ أَوْفِقْنِي نَفْسَةً، مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَ حَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقاً.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ، وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى أَجْمَعِينَ، آمِينَ، رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَّرْتَنَا بِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ، بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَ أَعْلِ كَعْبَهُ، وَ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَ أْتِمِّ نُورَهُ، وَ ثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَ أَفْسَحْ لَهُ حَتَّى يُرْضَى، وَ بَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ، وَ اجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَ وَسِيلَةً، وَ اقْضُصْ بِنَا أَثْرَهُ، وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ، وَ أُوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَ تَوَفَّنَا عَلَى

مَلَّتِهِ، وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ [يا: سُبُلُهُ]، وَ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ، غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِينَ، وَ لَا شَاكِينَ وَ لَا مُبَدِّلِينَ [يا: مُدَلِّينَ].

يا مَنْ بَأْبِهِ مَفْتُوحٌ لِداِعِيهِ، وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِراِجِيهِ، يا سائِرَ الأَمْرِ القَبِيحِ وَ مُداوِيَ القَلْبِ الجَرِيحِ، لا تَقْضُحْنِي في مَشْهَدِ القِيامَةِ بِمُوبِقاتِ الأَناامِ، وَ لا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ عَنِّي مِنَ الأَناامِ، يا غايَةَ المُضْطَرِّ الفَقِيرِ، وَ يا جابِرَ العُظْمِ الكَسِيرِ، هَبْ لِي مُوبِقاتِ الجَرَائِرِ، وَ اعْفُ عَن فاضِحاتِ السَّرَّائِرِ، وَ اغسِلْ قَلْبِي مِنَ وِزْرِ الخَطايا، وَ ارزُقْنِي حُسْنَ الأِسْتِعْدادِ لِنُزولِ المَنايا، يا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ وَ مُنتَهَى أُمْنِيَّةِ السَّائِلِينَ، أَنْتَ مَوْلای، فَتَحَّتْ لِي بابَ الدُّعاءِ وَ الأِنابَةِ، فلا تُغْلِقْ عَنِّي بابَ القَبولِ وَ الأِجابَةِ، وَ نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَ بَوِّئِي عُرفاتِ الجِنانِ، وَ اجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكاً بِالْعُرْوَةِ الوُثْقَى، وَ اخْتِمِ لِي بِالسَّعادَةِ، وَ أَحْيِنِي بِالسَّلامَةِ، يا ذا الفُضْلِ وَ الكَمالِ وَ العِزَّةِ وَ الجَلالِ، لا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَ لا حاسِداً، وَ لا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلطاناً عَنيداً، وَ لا شَيْطاناً مَرِيداً، بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ العَلِيِّ العَظيمِ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.

- پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت [والا و بلند، پاک و منزّه است خداوند صاحب جلال و عظمت بلند و بزرگ،]پاک و منزّه است خداوند صاحب فرمانروایی بالنده و گرانمایه و دیرینه، حمد و سپاس خدایی را که منحصرأ به وسیلهی نعمت او، به شناخت او، و عمل برای او و میل و رغبت به سوی او و اطاعت از دستورش نایل گشتم، ستایش خداوندی را که مرا منکر چیزی از کتابش نگردانید، و در هیچ امری سرگشته نفرمود، سپاس خداوندی را که مرا به دین خود رهنمون گشت، و به گونه‌ای قرار نداد که چیزی غیر او را بپرستم.

خداوندا، از تو گفتار و عمل توبه کنندگان، و نجات و پاداش جهاد گران، و تصدیق و توکل مؤمنان، و آسودگی در هنگام مرگ، و ایمنی هنگام حساب و

بازپرسی را خواستارم، مرگ را در نزد من بهترین چیز غایبی که انتظارش را می‌کشم، و بهترین چیزی که بر من مُشرف می‌گردد قرار ده، و در هنگام حضور مرگ و در نزد فرود آمدن آن، و در سختیها و ناگواریهای آن، و هنگامی که نفس از میان دو استخوان کنار گلویم فرو می‌آید، و هنگامی که نفسم به گلو می‌رسد، و در حال بیرون رفتنم از دنیا، و در آن ساعت و لحظه‌ای که بر هیچ ضرر و سود و یا سختی و آسایش قادر نیستم، نسیمی از رحمت، و بهره‌ای از خشنودیات، و مژده‌ای از کرامتت را - پیش از آنکه جانم را کاملاً بگیری، و روحم را قبض فرمایی، و فرشته مرگ را بر بیرون آوردن جانم چیره گردانی - همراه با بشارتی از جانب خویش ای پروردگار من، روزی‌ام گردان، به گونه‌ای که آن مژده از جانب هیچ کس جز تو نباشد، و سینه‌ام را بدان خُنک، و جانم را شادمان، و چشمم را روشن گردانی، و چهره‌ام برافروخته، و رنگم باز و روشن، و قلبم آرام و آسوده، و سایر [و یا همه] اعضای بدنم خوشحال گردد [و یا: آنها به یکدیگر بشارت دهند]، به گونه‌ای که هرکس از آفریدگانت که مرا می‌بیند و هر کدام از بندگانت که می‌شنود، به من رشک بَرَد، و به گونه‌ای که بی‌هوشهای مرگ را به واسطه‌ی آن را بر من آسان، و ناراحتی سخت و گلوگیر هنگام مرگ را از من برطرف گردانده، و سختی آن را بر من تخفیف داده، و بیماری و درد آن را برطرف نموده، و غم و اندوه و حسرت آن را از بین برده، و از افسوس خوردن و امتحان و گرفتاری مرگ نگاه داشته، و به واسطه‌ی آن از شرّ مرگ و شرّ آنچه بر اهل مرگ پیش می‌آید، [در پناه خویش درآورده]، و خیر مرگ و خیر آنچه را که در هنگام مرگ و بعد از آن پیش می‌آید روزی‌ام گردانی.

سپس وقتی که نفسم را کاملاً ستانیده و روحم را گرفتی، روحم را در میان ارواح برخوردار، و جانم را در میان جانهای شایسته، و جسمم را در میان

پیکرهای پاکیزه، و عملم را در میان اعمال پذیرفته شده قرار ده، سپس در محدوده‌ی مشخص و سهم من از زمین، و جایگاه جَسَدَم [یا: پهلویم] - همانجا که گوشتم خورد و کوبیده؟، و استخوانم به خاک سپرده شده، و تنها و در حالی که هیچ راه چاره‌ای ندارم رها می‌شوم، و شهرها [و آبادیها] مرا بیرون رانده، و بندگان از من کنار گرفته، و به رحمت نیازمندم، و محتاج عمل صالح خود می‌باشم، و با آنچه که برای خود آماده نموده و برای آخرت خویش پیش فرستاده و در روزگار زندگی‌ام عمل نموده‌ام ملاقات می‌کنم - رستگاری از رحمت، و روشنایی از نورت، و استواری از کرامتت را با گفتار و اعتقاد استوار در زندگانی دنیا و در آخرت روزی‌ام فرما، براستی که تو ستمکاران را گمراه نموده و هر چه بخواهی انجام می‌دهی.

سپس وقت برانگیختن و حساب کشی بر من مبارک گردان، آن هنگام که زمین برای من شکافته شده و بندگان از من کناره گرفته، و صدای آسمانی مرا فرا گرفته، و صدای دمیدن [در صور] هراسناکم نموده، و بعد از مرگ محشورم می‌فرمایی، و برای حساب کشی بر می‌انگیزی ای پروردگار من، پس نوری از رحمتت را همراه من برانگیز، به گونه‌ای که در پیشاپیش و از سمت راستم پیش رفته و مرا به آن ایمنی بخشیده، و قوت قلبم عنایت فرموده، و عُذر و دلیل را آشکار و محکم، و روی و تمام وجودم را بدان سپید گردانیده، و سختم را تصدیق فرموده، و حجّتم را پیروز، و به دستاویز بلند [یا: استوار] از رحمتت نایل گردانیده، و در درجه‌ی والای از بهشتت جای داده، و رفاقت با حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیامبر، بنده و رسولت را در بالاترین درجه‌ی بهشت، و برترین و پر عطاترین، و سازگارترین جای بهشت از لحاظ گشایش و گسترده‌گی، با کسانی که نعمت [ولایت] خویش را بر آنان ارزانی داشته‌ای، یعنی

پیامبران و صدیقان و گواهان [اعمال] و شایستگان - و چه همراهان و رفیقان خوبی، - روزی ام گردان.

خداوندا، بر حضرت محمد خاتم پیامبران و بر تمام پیامبران و فرستادگان و بر همه‌ی فرشتگان و بر خاندان پاک و پاکیزه‌ی او، و بر همه‌ی ائمه‌ی هدی درود فرست. اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان، خدایا، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله‌ی او هدایت فرمودی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه‌ی او مورد رحمت خویش قرار دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه‌ی او سرافراز فرمودی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله‌ی او برتری دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله‌ی او شرافت دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله‌ی او بینا گردانیدی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به او از کناره و پرتگاه گودال آتش جهنم رهایی بخشیدی، خداوندا، روی او را سپید، و شرافت او را افزون و بلند، و حجّتش را پیروز، و نورش را کامل، و میزان و ترازوی [عملش] را سنگین، و برهان و دلیلش را بزرگ گردان، و جای او را بحدّی گسترده بگردان تا اینکه خشنود گردد، و او را به دو مقامِ والای درجه و وسیله از بهشت نایل گردان، و به مقام ستوده‌ای که وعده‌اش داده‌ای برانگیز، و او را برترین پیامبران و فرستادگان از لحاظ منزلت و وسیله قرار ده، و ما را پیرو آثار [و راه و روش آن بزرگوار] قرار ده، و به پیمان‌های او ما را سیراب، و در حوضش وارد، و در گروه آن بزرگوار محشور گردان، و بر آیینش بمیران، و در راهش [یا: راههایش] رهسپار گردان، و به سنت و سیره‌اش بکارمان گیر، بدون اینکه رسوا و پشیمان و یا شکّ و تردید داشته و یا آن را تغییر دهیم. [یا: خوار گردیم].

ای کسی که درِ رحمتش به روی دعا کنندگانش گشوده، و حجاب و پرده‌ی درگاهش برای امیدوارانش برداشته شده و باز است، ای پوشاننده امر زشت و درمان کننده‌ی قلب مجروح، مرا در محلّ حضور [مردمان در روز] قیامت با گناهان هلاک کننده رسوا و مفتضح منما، و میان مردمان روی [و اسماء و صفات] اگرامیات را از من برمگردان، ای منتهای آرزوی شخص درمانده و بیچاره و نیازمند، و ای به هم آورنده‌ی استخوان شکسته، گناهان هلاکت کننده‌ی مرا ببخش، و از امور درونی و نهانی رسوا کننده‌ام درگذر، و قلبم را از بار گناهان شستشو ده، و آمادگی نیکو برای فرود آمدن مرگ را روزی‌ام گردان، ای بزرگوارترین بزرگواران و منتهای آرزوی درخواست کنندگان، تویی مولای من، درِ دعا و توبه و بازگشت و به تمام وجود به سوی خود را برای من گشودی، پس درِ قبول و اجابت را به روی من مبنده، و به رحمت خویش از آتش جهنّم نجات ده، و در طبقات بالای بهشت جایم ده، و از چنگ زندگان به دستاویز استوارت بگردان، و نهایت امر مرا به نیکبختی ختم فرما، و با تندرستی زنده‌ام مدار. ای صاحب فضل و کمال و عزّت و جلال، هیچ دشمن و یا حسودی را نسبت به من دشمن شاد مگردان، و هیچ فرمانروای خیره و سرکش و یا شیطان گردنکش را بر من چیره مگردان، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ، و درود و رحمت و سلامتی و امنیّت بر محمّد و آل او باد.

دعاهای امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب

21 - از دیگر تعقیبات مهم امتثال فرمایش مولایمان حضرت صادق جعفر بن محمد (علیه السلام) در دعاهای وارده در تعقیب نمازهای واجب است، به صورتی که ابوبصیر نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب این دعاهای مبارک را می‌خواندند:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِرَأْتَهُ مِنَ النَّارِ، فَكُتِبَ لَنَا بِرَأْتِنَا، وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا، وَفِي عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا، وَمِنَ الضَّرِيعِ وَالزَّقُومِ فَلَا تُطْعِمْنَا، وَمَعَ الشَّيَاطِينِ فِي النَّارِ فَلَا تَجْعَلْنَا، وَعَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْتُبْنَا، وَمِنْ ثِيَابِ النَّارِ وَ سَرَابِيلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تَلْبِسْنَا، وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَجَنِّبْنَا، وَبِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَأَدْخِلْنَا، وَفِي عَلِيِّينَ فَارْفَعْنَا، وَمِنْ كَأْسٍ مَعِينٍ وَ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا، وَمِنْ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا، وَمِنَ الْوَالِدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لَوْلُوهُ [مَكْنُونٌ] فَأَخْذِمْنَا، وَمِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَالْحُومِ الطَّيْرِ فَاطْمِعْنَا، وَمِنْ ثِيَابِ الْحَرِيرِ وَالسُّنْدُسِ وَالْأَسْتَبْرَقِ فَاكْسُنَا، وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فَارْزُقْنَا، وَ سَدِّدْنَا، وَ قَرَّبْنَا إِلَيْكَ زُلْفَى، وَ صَالِحِ الدُّعَاءِ وَ الْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا، يَا خَالِقَنَا، اِسْمَعْ لَنَا، وَ اسْتَجِبْ [دَعْوَتَنَا]، وَ إِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا، يَا رَبِّ، عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ تَسَاوُكُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

- خداوندا، به حق محمد و آل محمد از تو برائت از آتش جهنم را درخواست می‌نمایم، پس برای ما برائت از آتش جهنم را بنویس، و در جهنم قرارمان مده، و به عذاب و خواریات گرفتار منما، و ضریع و زقوم [دو خوراک اهل جهنم] را خوراک ما قرار مده، و همراه با شیاطین در آتش یک جا جمع مگردان، و به رو بر زمین مزن، و از جامه‌های آتشین و پیراهنهایی را که از مس مذاب هستند به تنمان مفرما، و از هر بدی - ای خدایی که معبودی جز تو

نیست - در روز قیامت نجات بخش، و به رحمت خود ما را در میان صالحان داخل فرما، و در علیین [و والاترین مقام بهشتی] بالایمان بر، و از پیمانہ پر از آب دو چشمه ی معین و سلسبیل سیرابمان گردان، و به رحمتت از حورعین و زنان سیاه و درشت چشم به ازدواجمان درآور، و از پسرانی جاودانه [که همواره در حالت خود باقی هستند و پیر نمی شوند] که گویی لؤلؤ و مرویدند پیش خدمتہمان گردان، و از میوه های بہشت و گوشت پرندگان خوراکمان قرار ده، و از جامہ های ابریشمی سندس و پرنیان نازک و استبرق و پرنیان ضخیم به تن مان کن، و شب قدر و حجّ خانہ ی ارجمندت را روزی مان فرما، و مؤقّق و استوارمان بدار، و مقرب درگاہ خویش بگردان قرب و منزلت یافتن ویژه ای، و دعا و درخواست شایسته ی مان را اجابت فرما، ای آفریدگار ما، از ما بشنو و [دعایمان را] اجابت فرما، و هنگامی که اولین و آخرین را در روز قیامت گردآوردی، بر ما رحم آر، ای پروردگار ما، همسایہ ات بلند و عزیز، و ثنایت بزرگ است، و معبودی غیر تو نیست.

22 - و از دیگر تعقیبات مهمّ، اقتدا به حضرت صادق جعفر بن محمد (علیہ السلام) در دعاهایی است کہ آن بزرگوار در تعقیب هر نماز واجب می خواندند، چنانکہ خادم حضرت صادق، جعفر بن محمد - (علیہ السلام) - می گوید کہ آن بزرگوار (علیہ السلام) در تعقیب هر نماز واجب دعاهایی را می خواندند. به حضرتش عرض کردم: ای پسر رسول خدا، دعاهایی را کہ می خوانی به من بیاموز، حضرت (علیہ السلام) فرموده: وقتی نماز ظهر را خواندی سه بار در تعقیب نماز بگو:

بِاللّٰهِ اعْتَصَمْتُ، وَ بِاللّٰهِ اَتَّقُ، وَ عَلَيْهِ اَتَوَكَّلُ.

- تنها به خدا پناه برد، و چنگ زدم، و فقط به او اعتماد دارم، و تنها بر او توکل نمودم.

سپس بگو:

اللَّهُمَّ، إِنَّ عَظَمْتَ ذُنُوبِي فَأَنْتَ أَعْظَمُ، وَإِنَّ كَبِيرَ تَفْرِيطِي فَأَنْتَ أَكْبَرُ، وَإِنَّ دَامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدَ، اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لِي عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ، وَكَبِيرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ كَرَمِكَ، وَأَقْمِعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ، اللَّهُمَّ، مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَآتُوبُ إِلَيْكَ.

- خداوندا، اگر گناهانم بزرگ است، تو بزرگتری، و اگر کوتاهی و تقصیرم بزرگ است، تو بزرگتری، و اگر بخل و تنگ چشمی ام پیوسته است، تو بخشنده‌تری، خدایا، گناهانم بزرگم را به عفو و گذشت عظیمت، و کوتاهی بزرگ مرا به کرم آشکارت بیامرز، و بخلم را با فزونی بخششت برکن. خدایا، هر نعمتی که داریم از توست، معبودی جز تو نیست، از تو طلب آمرزش نموده و به سوی تو توبه می‌کنم.

دعای امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نماز ظهر 23 - از جمله تعقیبات مهم، عمل به روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب است. معاویه بن عمار دُهنی [ذهبی] می‌گوید: این دعای آقای من ابی عبدالله، جعفر بن محمد (علیه السلام) در تعقیب نمازش می‌باشد که بر من املاء نمود. اولین نمازها، نماز ظهر است، و به همین جهت نماز اولی و نخست نامیده شده، زیرا نخستین نمازی است که خداوند متعال بر بندگانش واجب فرموده است، و دعای آن به این صورت است:

يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ وَأَجْزَلِ وَأَوْفَى وَأَكْمَلِ وَأَحْسَنِ وَأَجْمَلِ وَأَكْبَرَ وَأَظْهَرَ وَأَزْكَى وَأَنُورَ وَأَعْلَى وَأَنْهَى وَأَسْنَى وَأَنْمَى وَأَدْوَمَ [وَأَعَمَّ وَأَتَمَّ] [وَأَبْقَى مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَمَنْنْتَ وَسَلَّمْتَ وَتَرَحَّمْتَ] [وَتَحَنَّنْتَ] عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ [اللَّهُمَّ، آمْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

مَنْتَ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ، وَ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي
 الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ، وَ أُوْرِدْ عَلَيْهِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَزْوَاجِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَصْحَابِهِ وَ أَتْبَاعِهِ مِنْ تَقَرُّ
 بِهِمْ [يَا: بِهِ] عَيْنُهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَ مِمَّنْ تَسْقِيهِ بِكَأْسِهِ، وَ تُورِدُهُ حَوْضَهُ، وَ اخْشُرْنَا فِي
 زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لُؤَائِهِ، وَ ادْخُلْنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ ادْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ اخْرُجْنَا
 مِنْ كُلِّ سُوءٍ اخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ
 طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،
 وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بِلَاءٍ، وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ، [وَ اجْعَلْنِي
 مَعَهُمْ فِي كُلِّ أَمْنٍ وَ خَوْفٍ]، وَ اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي كُلِّ مَثْوَى وَ مُنْقَلَبٍ، اللَّهُمَّ، أَحْيِنِي
 مَحْيَاهُمْ، وَ آمِنِي مَمَاتَهُمْ، وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَ جِيبَهَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُفْرَبِينَ،
 اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اكْشِفْ عَنِّي بِهِمْ، وَ نَفْسَ عَنِّي بِهِمْ كُلَّ هَمٍّ، وَ
 فَرِّجْ بِهِمْ [يَا: بِهِ] عَنِّي كُلَّ غَمٍّ، وَ اكْفِنِي بِهِمْ كُلَّ خَوْفٍ، وَ اصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ مَقَادِيرَ الْبُلَاءِ وَ
 سُوءَ الْقَضَاءِ وَ دَرَكَ الشِّفَاءِ وَ شِمَاتَةَ الْأَعْدَاءِ.

اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَ طَيِّبْ كَسْبِي، وَ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَ لَا تَذْهَبْ
 بِنَفْسِي إِلَى شَيْءٍ صَرَفْتَهُ عَنِّي. اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَ عَاجِلٍ
 يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ، وَ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ. اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ
 الصَّبْرَ عَلَى طَاعَتِكَ، وَ الصَّبْرَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَ الْقِيَامَ بِحَقِّكَ، وَ أَسْأَلُكَ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ،
 وَ صِدْقَ الْيَقِينِ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا، وَ أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،
 عَافِيَةَ الدُّنْيَا مِنَ الْبُلَاءِ، وَ عَافِيَةَ الْآخِرَةِ مِنَ الشَّقَاءِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ
 الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ، وَ أَسْأَلُكَ الظَّفَرَ وَ السَّلَامَةَ وَ حُلُولَ دَارِ
 الْكِرَامَةِ. اللَّهُمَّ، اجْعَلْ فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً إِلَيْكَ، وَ رَاحَةً تَمُنُّ بِهَا
 عَلَيَّ، اللَّهُمَّ، لَا تَحْرِمْنِي سَعَةَ رَحْمَتِكَ وَ سُبُوغَ نِعْمَتِكَ وَ شُمُولَ عَافِيَتِكَ وَ جَزِيلَ
 عَطَايِكَ وَ مَنَحَ مَوَاهِبِكَ لِسُوءِ مَا عِنْدِي، وَ لَا تُجَازِنِي بِقَبِيحِ عَمَلِي، وَ لَا تَصْرِفْ
 وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي، اللَّهُمَّ، لَا تَحْرِمْنِي وَ أَنَا أَدْعُوكَ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي وَ أَنَا أَرْجُوكَ، وَ لَا
 تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَ لَا إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَيَحْرِمْنِي وَ يَسْتَأْثِرَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ، إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أَسْأَلُكَ بِآلِ يَاسِينَ خَيْرَتِكَ مِنْ
 خَلْقِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، وَأَقْدَمَهُمْ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ، إِنْ
 كُنْتُ كَتَبْتَنِي فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا مَحْرُومًا مُقْتَرًّا عَلَيَّ فِي الرِّزْقِ، فَاْمَحْ مِنْ الْكِتَابِ شَقَائِي
 وَحِرْمَانِي، وَأَثْبِتْنِي عِنْدَكَ سَعِيدًا مَرْزُوقًا، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ، وَعِنْدَكَ أُمُّ
 الْكِتَابِ. اللَّهُمَّ، إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، وَأَنَا مِنْكَ خَائِفٌ، وَبِكَ مُسْتَجِيرٌ، وَ
 أَنَا حَقِيرٌ مُسْكِينٌ، أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ،
 يَا مَنْ أَلَّ: أَدْعُونِي، اسْتَجِبْ لَكُمْ²³³ نِعْمَ الْمَجِيبُ أَنْتَ يَا سَيِّدِي، وَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ
 الْمَوْلَى، [وَأَبْسُ الْعَبْدُ أَنَا، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، يَا فَارِحَ الْهَمِّ، وَيَا كَاشِفَ
 الْغَمِّ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، إِرْحَمْنِي رَحْمَةً
 تُغْنِيَنِي بِهَا عَنْ [قَصْدٍ] رَحْمَةٍ مِنْ سِوَاكَ، وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ،
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مُؤَفَّوتًا، [إِرْحَمْتِكَ يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ].

- ای شنواترین شنوها، و ای بیناترین بینندگان، و ای کسی که زودتر از همه
 به حساب می‌رسی، و ای بخشنده‌ترین بخشندگان، و ای بزرگوارترین
 بزرگواران، همانند برترین و فراوان‌ترین و فراگیرترین و کاملترین و نیکوترین و
 زیباترین و بزرگترین و پاکیزه‌ترین و خوشترین و نورانی‌ترین و بالاترین و
 درخشانده‌ترین و والاترین و بالنده‌ترین و پیوسته‌ترین و شاملترین [و کاملترین]
 و پاینده‌ترین درود و برکت و بخشش و سلامتی و ترحم [و مهربانی] ارا که بر
 حضرت ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، بر محمد و آل محمد فرست، براستی که
 تو ستوده‌ی بلند مرتبه هستی. [خداوندا، چنانکه بر حضرت موسی و هارون
 (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) منت نهادی بر محمد و آل محمد منت نه، و بر محمد و آل محمد
 سلام فرست] چنانکه بر حضرت نوح از میان عالمیان سلام فرستادی، خدایا، از
 فرزندان و همسران و اهل بیت و یاران و پیروان آن بزرگوار کسانی را که

چشمش به آنها روشن می‌گردد، بر او وارد گردان، و ما را از آنان و نیز از کسانی که با جام آن بزرگوار سیرایشان نموده و در حوض حضرتش وارد می‌نمایی قرار ده، و ما را در گروه آن بزرگوار و زیر پرچمش محشورگردان، و در هر خیر و خوبی که محمد و آل محمد را در آن وارد گردانده‌ای داخل گردان، و از هر بدی که محمد و آل محمد را از آن خارج نموده‌ای خارج گردان، و هیچگاه به اندازه‌ی چشم برهم زدنی نه کمتر از این و نه بیشتر از آن، میان ما و محمد و آل محمد جدایی میاندا، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را در هر عاقبت و گرفتاری همراه با آنان قرار ده، و در هر سختی و خوشی همراه با ایشان بگردان، [و در حال ایمنی و خوف و هراس با آنان همراه بفرما]، و در هر ایستادن و رفتن همراه با ایشان قرار ده. خداوندا، زندگانی‌مان را بسان زندگانی آن بزرگواران، و مردمان را همانند مرگ ایشان قرار ده، و مرا به واسطه‌ی آنان در دنیا و آخرت در نزد خویش آبرومند و از مقربان درگاهت بگردان، خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست. و تمام اندوههای مرا به واسطه‌ی آنان برطرف نموده و از بین ببر، و تمام غمهایم را بگشای، و به واسطه‌ی آن بزرگواران هر ترس و هراسی را از من کفایت فرما، و گرفتاریهای مقدر شده و قضای بد و درک [و یا: پیامد] بدبختی و شماتت و خوشحالی دشمنان را از من دورگردان.

خداوندا، گناهم را بیامرز، و کسبم را پاکیزه، و به آنچه روزی‌ام فرمویه قانع، و برایم پرخیر و برکت گردان، و نفسم را نسبت به چیزی که از من بازداشته‌ای متمایل مفرما، خدایا، به تو پناه می‌برم از دنیایی که جلو خیر آخرت را می‌گیرد، و از دنیای زودرسی که مانع خیر آخرت آینده می‌گردد، و از زندگانی‌ای که از مردن بهتر جلوگیری می‌کند، و از آرزویی که مانع عمل خیر

می‌گردد، خداوندا، از تو شکیبایی بر طاعتت، و صبر از ارتکاب معصیت و نافرمانی است، و بجا آوردن حَقِّت را خواستارم، و از تو ریشه‌ها و حقایق ایمان و یقین راستین در تمام جایگاهها را مسألت دارم، و از تو عفو و عافیت و تندرستی در دنیا و آخرت، عافیت دنیا از بلا و گرفتاری، و عافیت آخرت از شقاوت و بدبختی را مسألت می‌نمایم. خدایا، عافیت و کمال و دوام عافیت و شکر بر عافیت را از تو درخواست می‌نمایم، و کامیابی و سلامتی و وارد شدن در دارد کرامتت را می‌خواهم. خداوندا، در نماز و دعایم هراس از خود، و میل و رغبت به سویات و راحتی و آسودگی‌ای که بر منت نهی قرار ده، خدایا، به خاطر بدی آنچه که در نزد و وجود من است [یعنی اعمال و صفات بدم] از رحمت گسترده و نعمت گوارا، و عافیت فرا گیر، و عطای فراوان، و بخششهای مواهبت محروم مگردان، و به عمل زشتم پاداش مده، و روی [و اسماء و صفات] اگرامیات را از من برمگردان. خداوندا، در حالی که تو را می‌خوانم محروم مگردان، و در حالی که به تو امیدوارم دست خالی برمگردان، و هیچگاه به اندازه‌ی چشم بر هم زدنی نه به خود و نه به هیچ کس از مخلوقاتت واگذارم مکن، تا مرا محروم گردانده و دیگری را بر من مقدم بدارد. خداوندا، براستی که تو هرچه را بخواهی محو و یا اثبات می‌فرمایی، و کتابِ مادر تنها در نزد توست، به [حق] آل یاسین که برگزیدگان خلق، و ناب‌ترین مخلوقاتت می‌باشند از تو درخواست نموده و آن بزرگواران را پیشاپیش خواسته‌ها و میل و رغبتت به تو مقدم می‌دارم، خدایا، اگر مرا در و کتابِ مادر بدبخت و محروم و گرفتار به تنگی روزی نوشته‌ای، بدبختی و محرومیتت را از آن محو، و در نزد خویش نیکبخت و پر روزی ثبت بفرما، خدایا، بی‌گمان من به هر خیری که به سوی من فرو فرستاده‌ای نیازمندم، و از تو هراسانم، و به تو پناه آورده‌ام، و من حقیر و

بیچاره و درمانده هستم، همان گونه که امر فرموده‌ای می‌خوانمت، پس چنانکه وعده فرمودی، که تو هیچگاه خلف وعده نمی‌نمایی، [دعای] مرا اجابت فرما. ای خدایی که فرمودی: مرا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت نمایم. چه خوب اجابت کننده‌ای هستی تو، ای سرور من، و چه خوب پروردگاری و چه نیکو مولی و سرپرستی، و چه بد بنده‌ای هستم من، و این است ایستادن بنده پناه آورده به تو از آتش جهنم، ای گشاینده‌ی ناراحتی، و ای برطرف کننده‌ی غم و اندوه، ای اجابت کننده‌ی دعای درماندگان، ای رحمان و رحیم دنیا و آخرت، مرا به چنان رحمتی مورد مهر و رحمت خویش قرار ده که به آن از [آرزو کردن و نیت] رحمت غیر خود بی‌نیازم گردانی، و به رحمتت مرا در میان بندگان شایسته‌ات داخل فرما، ستایش خداوندی را که یک نماز از نمازهایی را که بر مؤمنین نوشته و واجب نموده از من برآورد، [به رحمتت، ای مهربانترین مهربانها].

دعای حضرت مهدی (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب

24 - از جمله تعقیبات مهمّ. دعای است که به روایت صحیح از مولایمان

حضرت مهدی (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب وارد شده است.

ابو نعیم محمد بن احمد انصاری می‌گوید: من و گروهی به تعداد سی نفر مرد - که فرد مُخْلِص و شیعه جز محمد بن ابی القاسم در میان آنان نبود، - در روز ششم ذی الحجّة سال 293 [هجری قمری] در مکه نزد مستجار بودیم، که ناگهان جوانی که دو لنگِ ناصح که در آن احرام بسته بود و بر تن داشت و نعلین او در دستش بود، از طوافِ خانه‌ی خدا فراغت پیدا کرد و به سوی ما آمد، وقتی او را دیدیم، همگی به خاطر هیبت و ابّهت او بیا خاستیم و هیچ کس از ما بر زمین نشسته نماند، او بر ما سلام نمود و در وسط نشست و ما در گرد او، سپس به راست و چپ نگاه کرد و آنگاه فرمود: آیا می‌دانید که امام صادق (علیه السلام) در دعای اِلْحاح چه می‌فرمود؟ عرض کردیم: چه چیزی می‌فرمود؟ فرمود که آن بزرگوار می‌فرمودند:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ، وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ، وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ، وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبِحَارِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا.

- خداوندا، به [حق] آن اسمت که به [وسیله‌ی] آن آسمان برپا، و زمین پابرجاست، و میان حق و باطل جدا می‌افکنی، و میان [امور و یا اشخاص] جدا و پراکنده جمع می‌نمایی، و بین جمع جدایی می‌افکنی، و شماره‌ی سنگریزه‌ها و وزن کوهها و پیمانهای دریاها را به آن حساب می‌نمایی، از تو درخواست

می‌نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و در امر من فرج و گشایشی قرار دهی.

سپس برخاست و داخل طواف شد، و ما نیز به واسطه‌ی قیام او بپا خواستیم، تا اینکه رفت، و ما او را از یاد بردیم. و تا فردای همان وقت به خود می‌گفتیم: او چه کسی بود؟ تا اینکه باز فردا از طواف خارج شد، و به سوی ما آمد و مانند روز گذشته در برابر او قیام نمودیم، و در وسط مجلس ما جلوس فرمود، و نظر به راست و چپ انداخت و فرمود: آیا می‌دانید امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بعد از نماز واجب چه می‌فرمود؟ عرض کردیم: چه می‌فرمود؟ فرمودند: حضرتش همواره می‌فرمودند:

إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ، وَلَكَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَخَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا صَادِقُ يَا بَارُّ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعَاءِ وَوَعَدَ بِالْإِجَابَةِ، يَا مَنْ قَالَ: أَدْعُونِي، أَسْتَجِبَ لَكُمْ²³⁴ يَا مَنْ قَالَ: وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ، فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي، وَلْيُؤْمِنُوا بِي، لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ²³⁵ يَا مَنْ قَالَ: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ²³⁶ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، هَا، أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، الْمُسْرِفُ، وَأَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا.

- صداها تنها به سوی تو بلند، و چهره‌ها تنها در برابر تو فروتن، و گردنها فقط برای تو خاضع هستند، و داوری در اعمال تنها به درگاه توست. ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود، و بهترین کسی که عطا می‌فرمایی، ای راستگو، ای نیکوکار، ای کسی که خلف وعده نمی‌فرمایی، ای کسی که دستور دعا کردن و وعده اجابت دادی، ای کسی که فرمودی: مرا بخوانید، تا دعای شما را اجابت نمایم. ای کسی که فرمودی: و هرگاه که بندگانم درباره‌ی من

درخواست نمایند، [بگو] که همانا من نزدیکم و دعای کنندگان را هرگاه که مرا بخوانند اجابت می‌نمایم، پس باید آنان [یعنی بندگان] دعوت مرا پذیرفته و به من ایمان آورند، امید آنکه که رهنمون گردند. و ای کسی که فرمودی: ای بندگان من که بر نفسِ خویش اسراف نمودید، از رحمت خدا نومید نشوید، که بی‌گمان خداوند همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، براستی که اوست بسیار آمرزنده‌ی مهربان. آری و آری، هان، اینک من همان اسراف‌کننده‌ی [بر نفسِ خویش] هستم، و تو فرموده‌ای که: از رحمت خدا نومید نشوید، براستی که خداوند همه‌ی گناهان را می‌آمرزد.

بعد از این دعا، به راست و چپ نظر انداخت و بعد فرمود: آیا می‌دانید که امیرالمؤمنین - (علیه السلام) - در سجده‌ی شکر چه می‌فرمود؟ عرض کردیم: چه چیزی می‌فرمود؟ فرمود: آن بزرگوار می‌فرمودند:

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا سَعَةً وَعَطَاءً، يَا مَنْ لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلٌّ، لَا تَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي الَّذِي أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ، يَا رَبِّ، يَا اللَّهَ، لَا تَفْعَلْ بِي الَّذِي أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنِّي أَهْلُ الْعُقُوبَةِ [وَقَدْ اسْتَحَقَّقْتُهَا، لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ، أَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا، وَاعْتَرَفْتُ بِهَا كَيْ تَعْفُوَ عَنِّي، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، أَبُوءُ لَكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ احْتَمَلْتُهَا [يَا: أَخْطَأْتُهَا]، وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا، رَبِّ، اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ [الْأَجَلُّ] الْأَكْرَمُ.

- ای خدایی که بسیار دعا کردن جز بر گسترش [عنایت] و عطای او نمی‌افزاید، ای کسی که گنجینه‌هایش تمام نمی‌شود، ای کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین از آن اوست، ای خدایی که گنجینه‌های تمام امور کوچک و بزرگ برای اوست؛ بدی من جلوی احسان و نیکی تو را نگیرد که آنچه را که شایسته آن هستی به من روا داری، [زیرا تو اهل بخشش و بزرگواری و عفو و

گذشت هستی. ای پروردگار من، ای خدا، با من آنچه را که سزاوارم مکن، که من زبنده‌ی عذاب هستم،] و اینک مستحقّ عقوبت توام، و حجّت و دلیلی و عُذری در نزد تو ندارم، به همه‌ی گناهانم در نزد تو اقرار و اعتراف می‌کنم تا از من درگذری. و تو نسبت به من از خودم آگاهتر هستی، در درگاه تو به هر گناهی که کردم و هر بدی که مرتکب شدم و هر بدی که انجام دادم اقرار می‌نمایم، پروردگارا، بیامرز و رحم‌آر، و از تمام آنچه می‌دانی درگذر، که تو سرافرازترین [بزرگترین] و بزرگوارترین هستی.

بعد بیا خاست و داخل طواف شد، و ما نیز به خاطر قیام او ایستادیم، فردا نیز در همان وقت بازگشت و باز ما به خاطر روی آمدن او به سوی ما مانند گذشته بیا خاستیم، و او در وسط مجلس نشست و به راست و چپ نظر افکند و فرمود: علیّ بن الحسین، (علیه السلام) سرور عبادت کنندگان پیوسته در سجده‌اش در همین جا - و با دست به حجرِ اسماعیل زیر ناودان اشاره فرمود - می‌فرمودند:

يَبْدُكَ بِفِنَائِكَ، مَسْكِينُكَ بِفِنَائِكَ، فَقَيْرُكَ بِفِنَائِكَ، [سَأئِلُكَ بِفِنَائِكَ]، يَسْأَلُكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ.

- بنده‌ی کوچک تو در آستانه توست، مسکین و بیچاره‌ات در درگاه توست، نیازمند به تو در درگاه توست، [سائل تو در آستانه‌ی توست]، و از تو آنچه را که غیر تو بر آن قادر نیست، درخواست می‌نماید.

سپس به راست و چپ نظر انداخت و از میان ما به محمد بن قاسم نگریست و فرمود: ای محمد بن قاسم، ان شاء الله تو بر عقیده‌ی خوبی هستی، و محمد بن قاسم به این امر [یعنی تشیع و ولایت ائمه (علیهم السلام)] اعتقاد داشت.

بعد بیا خاست و داخل طواف شد و هیچ کدام از ما نبود که دعایی را که ذکر کرده بود به یاد نداشته باشیم، ولی همگی از یادمان رفت که این امر را به یاد

یکدیگر آوردیم تا اینکه در آخر آن روز ابوعلی محمودی گفت: ای قوم، آیا این شخص را می‌شناسید، به خدا سوگند، این صاحب زمان شماست، گفتیم: ای اباعلی، چگونه دانستی؟

وی گفت که مدّت هفت سال به درگاه پروردگارش دعا می‌نموده و درخواست می‌کرده که صاحب الزمان را به او نشان دهد.

و نیز گفت: عصر روز عرفه با دوستان گرد هم بودیم، ناگهان درست همان مرد را دیدم که دعایی را که من نیز حفظ بودم، می‌خواند، از او پرسیدم: کیستی؟ فرمود: از مردم. گفتم: از کدامین مردم؟ فرمود: از عرب. عرض کردم: از کدام عرب؟ فرمود: از برترین آنها. عرض کردم: آنان کیانند؟ فرمود: بنی‌هاشم. عرض کردم: از کدام بنی‌هاشم؟ فرمود: از بلندمرتبه‌ترین و ناب‌ترین آنها، عرض کردم: از چه کسی؟ فرمود: از کسی که سرهای کافران را می‌شکافت، و نیازمندان را اطعام می‌نمود، و در حالی که مردم در خواب بودند شبها به نماز مشغول می‌شد. دانستم که علوی است و به همین خاطر او را دوست داشتم. سپس او را از پیش رویم گم کردم، و ندانستم که چگونه رفت. از مردمی که گرداگرد او بودند پرسیدم: آیا این علوی را می‌شناسید؟ گفتند: بله، هر سال با ما پیاده حجّ بجا می‌آورد. از روی تعجب، به خود گفتم: سبحان الله، به خدا سوگند، که من اثر و ردّ پای شخصی را نمی‌بینم. تا اینکه غمگین و اندوهگین بر فراقش به سوی مُزْدَلِفَه روانه شدم، و آن شب را خوابیدم، ناگهان رسول خدا (ﷺ) را دیدم. به من فرمود: ای احمد، کسی را که می‌خواستی دیدی؟ عرض کردم: ای آقای من، چه کسی را؟ فرمود: کسی را که عصر و شام گذشته دیدی، صاحب زمان تو بود.

وقتی ما این جریان را از وی شنیدیم، او را سرزنش کردیم که چرا ما را آگاه ننمودی، وی گفت: این امر را زمانی که به ما بازگو کرد فراموش نموده بود.

توضیح یک نکته از حدیث گذشته

درباره‌ی این سخن در حدیث گذشته که: حضرت دو لنگِ ناصح داشت از بعضی از اهل حجاز پرسیدیم. وی گفت: لباسهایی از یَمَن آورده می‌شود که بدان ناصح گفته می‌شود، و آنها را گاهی سفید و گاهی رنگارنگ درست می‌کنند. و صاحب کتاب الصَّحاحُ فِي اللُّغَةِ گفته که ناصح بانون والِف، وصاد وحاء بدون نقطه یعنی خالص²³⁷.

(231) در برخی از نسخه‌ها به جای يَغْبُطُنِي لَفْظِيَّعِينِي آمده است که ظاهراً اشتباه کاتب و ناسخ می‌باشد.

(232) به جای این کلمه در برخی از نسخه‌ها «يُرْفُتْأَمَدَه» آمده است که ظاهراً درست نیست.

(233) غافر (40): 60

(234) غافر (40): 60.

(235) بقره (2): 186.

(236) زمر (39): 53.

(237) صحاح، ماده‌ی نصح، ج 1، ص 411.

دعا برای جبران غفلتها و گناهان قلبی در نماز

25 - از دیگر تعقیبات مهم بعد از فراغت از نمازها، جهت تلافی و جبران غفلتها و گناهان قلبی که در نماز حاصل می‌شود، خواندن دعایی است که در کتاب احمد بن عبدالله بن خانبه آمده، هم او که جدّ سعیدم ابوجعفر طوسی در کتاب الفهرست ذکر کرده که از اصحاب مورد اعتماد ماست، و عمل به دعاهایی که کتابش متضمّن آن است، روایت شده است²³⁸.

سعید بن عبدالله اشعری می‌گوید: احمد بن عبدالله بن خانبه کتابش را بر مولایمان ابی محمد حسن بن علی بن محمد عسکری (علیه السلام) عرضه کرد، و حضرتش آن را قرائت نمود، و فرمود: صحیح است و بدان عمل کنید. احمد بن خانبه در کتابی که بدان اشاره شد و در زمینه دعا و مناجات است، گفته است: نمازگزار بعد از فراغت از نماز بگوید:

اللَّهُمَّ، لَكَ صَلَّيْتُ، وَإِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَ فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي مَا عَلِمْتَ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَةِ وَ السَّهْوِ وَالْغَفْلَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالنَّسْيَانِ وَالْمُدَافَعَةِ وَالرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةَ وَ الرَّيْبَ وَ الْفِكْرَ [بِ: الْفِكْرَةِ] وَ الشُّكَّ وَ الْمَشْغَلَةَ [وَ الشَّيْبَةَ] وَ اللَّحْظَةَ الْمُلْهِبَةَ عَنْ إِقَامَةِ فَرَائِضِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ مَكَانَ نُقْصَانِهَا تَمَامًا، وَ عَجَلَتِي تَنْبِيئًا وَ تَمَكُّنًا، وَ سَهْوِي تَيْقُظًا، وَ غَفْلَتِي تَذَكُّرًا، وَ كَسَلِي نَشَاطًا، وَ فُتُورِي قُوَّةً، وَ نِسْيَانِي مُحَافَظَةً، وَ مُدَافَعَتِي مُوَاطَبَةً، وَ رِيَاءِي إِخْلَاصًا، وَ سُمْعَتِي تَسْتُرًا، وَ رَيْبِي بَيَانًا، وَ فِكْرِي خُشُوعًا، وَ شَكِّي يَقِينًا، وَ تَشَاغُلِي فَرَاغًا، وَ لِحَاطِي خُشُوعًا، فَإِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ، وَإِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَ وَجَّهَكَ أَرَدْتُ، وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ طَلَبْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَ دُعَائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَهً تُكْفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي، وَ تُضَاعِفُ بِهَا حَسَنَاتِي، وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي، وَ تُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَ تَحْطُّ بِهَا وَزْرِي، وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا يَنْقَطِعُ عَنِّي.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاتِي إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا²³⁹ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ
 الَّذِي أَكْرَمَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَهُ، اللَّهُمَّ، كَمَا أَكْرَمْتَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ إِلَّا لَكَ،
 فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصُنَّهُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَّا مِنْكَ [يا: لك]، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِنُقْضَانِهَا. وَمَا سَهَى عَنْهُ قَلْبِي مِنْهَا
 فَتَمِّمْنَهُ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ، فَصَلِّ [يا: صل] عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ، وَ
 أَوْلَى الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ، وَ ذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَ أَهْلَ الذِّكْرِ
 الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ، وَ الْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَالَاتِهِمْ وَ مَعْرِفَةِ حَقِّهِمْ، وَ أَهْلَ الْبَيْتِ
 الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 وَاجْعَلْ ثَوَابَ صَلَاتِي وَ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ
 كُلَّهُ خَالِصًا مُخْلِصًا يُوَافِقُ [يا: يوافق] مِنْكَ رَحْمَةً وَاجَابَةً، وَأَفْعَلْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ
 مِنْ خَيْرٍ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا ذَا الْمَنِّ
 الَّتِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي
 مِنْ أَمَنِ بَيْتِكَ فَهَدَيْتَهُ، وَ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ، وَ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَ رَغِبَ إِلَيْكَ
 فَأَرْضَيْتَهُ، وَ أَخْلَصَ لَكَ فَأَنْجَيْتَهُ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَهْلِنَا دَارَ
 الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ، لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ، وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الدَّلِيلِ الْفَقِيرِ [يا: الفقير الدليل]، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
 آلِهِ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي، وَ تَقْلِبْنِي بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ، مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَ عَجَزَتْ مِنْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ أَمْرِ
 تَعْلَمُ فِيهِ صَلَاحَ أَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي يَا لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ فِي عَافِيَةٍ، مَا شَاءَ اللَّهُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا
 بِاللَّهِ.

- خداوندا، تنها برای تو نماز گزاردم، و فقط تو را خواندم، و در نماز و دعایم هر چه از کاستی و شتاب و سهو و غفلت و تبلی و سستی و فراموشی و حواس پرتی و ریاء و سمعه و دو دلی و اندیشه و شک و مشغله [یا: عمل زشت و ناپسند] و سرگرمی و نگاه باز دارنده و سرگرم کننده از برپا داشتن فرایضت می دانی، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و به جای نقص و کاستی آن تمام و کمال قرار ده، و عجله و شتابم را استواری به ثبات و، و سهوم را به هوشیاری، و غفلتم را به تذکر و به یاد بودن، و تبلی ام را به نشاط و شادابی، و سستی ام را به نیرومندی، و فراموشی ام را به حفظ، و حواس پرتی ام را به مواظبت و نگاهداری، و و ریایم را به اخلاص، و سمع ام را به پوشانیدن [اعمالم از مردم]، و دو دلی ام را به روشنگری، و اندیشه ام را به فروتنی، و شکم را به یقین، و مشغول بودنم را به آسودگی، و نگاه کردنم را به خشوع و خضوع مبدل گردان. زیرا من تنها برای تو نماز گزاردم، و فقط تو را خواندم، و روی [و اسماء و صفات و خشنودی] تو را اراده نمودم، و به سوی تو متوجه شدم، و به تو ایمان آورده و بر توکل نمودم، و آنچه را که در نزد توست درخواست نمودم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من در نماز و دعایم رحمت و برکتی قرار ده که بدیها و گناهانم را بدان پوشانده، و کارهای نیکم را دو چندان گردانده، و درجه و پایه ام را بالا برده، و مقام و منزلتم را گرامی، و رویم را سپید گردانیده، و بار گناهانم را بریزی. و آنچه را که در نزد توست برای من، از آنچه که پایان می پذیرد بهتر گردان.

سپاس خداوندی را که نمازم را از سوی من ادا نمود براستی که نماز، نوشته و واجبی با وقت معین برای مؤمنان است. ای مهربانترین مهربانها، سپاس خدایی را که ما را به این رهنمون شد، و اگر خدا هدایت نمی فرمود، ما نمی توانستیم

هدایت پذیر گردیم. ستایش خداوندی را که رویم را از سجده کردن برای غیر خود گرامی داشت. خداوندا، چنانکه رویم را از کرنش نمودن برای غیر خود گرامی داشته‌ای، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و آن را از مسألت نمودن از غیر خود محفوظ بدار. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و نماز را از من با نیکوترین پذیرش بپذیر، و مرا به کمبود و کاستی آن مؤاخذه فرما، و آنچه که دلم از آن سهو نموده به رحمت کامل گردان. ای مهربانترین مهربانها.

خداوندا، [یس] بر محمد و آل محمد درود فرست، همان فرمانروایانی که به پیروی از آنان دستور داده‌ای، و خویشاوندانی که امر به رسیدگی آنان فرموده‌ای، و نزدیکان [پیامبر اکرم ﷺ] که به مودت و مهربانی ایشان فرمان داده‌ای، و اهل ذکری که دستور به پرسیدن از ایشان داده‌ای، و سروران و سرپرستانی که به موالات و دوستی و شناختن حقشان دستور داده‌ای، و اهل بیتی که پلیدی را از ایشان دور و به گونه‌ی ویژه‌ای پاکیزه‌شان نمودی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و ثواب نماز و ثواب گفتارم و ثواب نشستیم را خشنودی‌ات و بهشت قرار ده، و همه‌ی اینها را خالص و پاکیزه و بی‌آلایش گردان، به گونه‌ای که با رحمت و اجابتی از جانب تو سازگار گردد، و تمام خیراتی را که از تو درخواست نمودم دربارهی من انجام ده، و از فضل خویش افزون گردان، بی‌گمان من به سوی تو میل و رغبت دارم، ای مهربانترین مهربانها، ای صاحب بخششی که هرگز بخششات بریده نمی‌گردد، ای صاحب نیکی‌ای که هرگز نیکی‌ات گسسته نمی‌گردد، ای صاحب نعمتی که هیچگاه نعمتت به شمار در نمی‌آید، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از کسانی که به تو ایمان آورده، و در نتیجه هدایشان

نمودی، و بر تو توکل نموده و کفایتشان فرمودی، و از تو درخواست نموده و عطایشان فرمودی، و به تو گرایید و خشنودشان گردانیدی، و [اعمال] خود را برای تو خالص گردانید و نجاتشان دادی قرار ده، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به فضل خود ما را در خانه‌ی جاودانی‌ای جای ده که هیچ رنجوری و ستوهی به ما در آن نرسد.

خدایا، از تو همانند درخواست شخص - ذلیل نیازمند [یا: نیازمند ذلیل] مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و تمام گناهانم را ببامری، و با برآورده نمودن همه‌ی خواسته‌هایم برگردانی، براستی که تو بر هر چیز توانایی. خداوندا، هر چیزی که درخواستم از آن کوتاه، و نیرویم از آن ناتوان گشته، و هوشیاری و ذهنم به آن نرسیده، در تمام اموری که صلاح امر دنیا و آخرتم را در آن می‌دانی، پس بر محمد و آل محمد درود فرست - ای خداوندی که معبودی جز تو نیست، به حق اینکه معبودی جز تو نیست - به رحمت همراه با عافیت آن را برای من انجام ده، آنچه خدا خواست همان می‌شود، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خدا.

دعای گذشته به روایت دیگر

این دعا از اوّل تا جمله **كَانَتْ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ** از مولایمان علیّ بن طالب (علیه السلام) نیز روایت شده، و این دو روایت باهم اختلاف دارند. در ادامه‌ی روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است: سپس بگو:

يَا اللَّهُ الْمَانِعُ قُدْرَتُهُ خَلْقَهُ، وَالْمَالِكُ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَالْمُتَسَلِّطُ بِهَا فِي يَدَيْهِ، كُلُّ مَرْجُوٍّ دُونَكَ يُخَيَّبُ رَجَاءَ رَاجِيهِ، وَ رَاجِيكَ مَسْرُورٌ لَا يُخَيَّبُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ رِضَا لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ فِيهِ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ تُحِبُّ أَنْ تُذَكَّرَ بِهِ وَ بِكَ يَا اللَّهُ، فَلَيْسَ يَعْدِلُكَ شَيْءٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ تَحُوطَنِي وَ إِخْوَانِي وَ وُلْدِي، وَ تَحْفَظَنِي بِحِفْظِكَ، وَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَ كَذَا.

- ای خداوندی که با قدرتت مخلوقات را منع نموده و به واسطه‌ی آن مالک سلطنت و فرمانروایی گشته، و در دو دست [جمال و جلال] خویش تسلط و چیرگی داری، هرکسی غیر تو که به او امید بسته می‌شود امیدوارانش را نومید می‌گرداند، ولی امیدوار به تو هرگز نومید و محروم نمی‌گردد. از تو به [حق] هر خشنودی که از هر چیزی که در آن هستی داری، و به هر چیزی که دوست داری به آن یاد شوی، و به تو ای خدا که هیچ چیز با تو برابری نمی‌کند، درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و من و برادران و فرزندانم را نگاهداری نموده، و به حفظ خویش محافظت نمایی، و حاجتم را درباره‌ی فلان چیز و فلان چیز برآورده سازی.

و هر خواسته‌ای داشتی ذکر می‌کنی، زیرا روایت شده که پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: هر کس این دعا را، بخواند پیش از اینکه از جایش تکان خورده و جای دیگر برود، حاجتش برآورده می‌شود.

آخرین دعا در تعقیب نماز

26 - از تعقیبات مهمّ خواندن دعایی که است که در پایان تعقیبات و دعاها بعد از نماز خوانده می‌شود. در روایت آمده که: لازم است این دعا در آخر دعاها خوانده شود:

اللَّهُمَّ، إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ إِلَيْكَ، وَأَقْبَلْتُ بِدُعَائِي عَلَيْكَ، رَاجِئاً إِجَابَتَكَ، طَامِعاً فِي مَغْفِرَتِكَ، طَالِباً مَا وَأَيْتَ بِهِ عَلَيَّ نَفْسِكَ، مُسْتَنْجِزاً [يَا: مُتَنَجِّزاً] وَعَدَدَكَ، إِذْ تَقُولُ: أَدْعُونِي، أَسْتَجِبْ لَكُمْ²⁴⁰ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَقْبِلْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ، وَاغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاسْتَجِبْ دُعَائِي، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ،

- خداوندا، برآستی که روی و تمام وجودم را به سوی تو نمودم، و با دعا کردنم بر تو روی آوردم، در حالی که امید به اجابت، و طمع در آمرزشت داشته، و آنچه را خودت بر خودت روا دانسته و وعده داده‌ای، درخواست نموده، و وفای به وعده‌ات را جویایم. زیرا خود فرمودی که: مرا بخوانید، تا دعای شما را اجابت نمایم. پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و به روی [واسماء و صفات]ات بر من روی آور، و بی‌آمرز و مورد رحمت خویش قرار ده، و دعایم را مستجاب گردان. ای معبود عالمیان.

سجده‌ی شکر، و آداب ظاهری و معنوی آن

27 - وقتی از خواندن این دعا فراغت پیدا کردی، مانند کسی که آگاهانه سجده می‌کند، و با خضوع و سجده کردن خواهان قُرب به خداوندگار و معبودش می‌باشد، سجده‌ی شکر بجا آور، و بسان بنده‌ی حقیر [و نیازمندی که خواهان داخل شدن به محضر قرب مولای عظیم و بزرگ خویش است خود را آماده و مُهیا نما؛ و حدّ اقل حضور قلب داشته باش و خواطر خود را جمع کن، و گرنه] اگر سجده را با حالت غفلت بجا آوری، مانند کسی خواهی بود که به هلاکت گرفتار شده، و یا خود را به خطر انداخته است، ببین سجده‌ی مولایمان امام کاظم (عَلَيْهِ السَّلَام) را که برای تو روایت خواهیم نمود چگونه بوده و چه ذلّت و خاکساری و بندگی‌ای را دربرداشته است. و حضرتش الگویی است که بندگان را به سوی خداوند - جلّ جلاله - خوانده و رهنمون می‌گردد، و نگو که: من توان پیمودن این راه را ندارم. بلکه به خود بگو: وای بر تو، چگونه می‌گویی که من نمی‌توانم؟ و حال آنکه اگر در پیشگاه پادشاه بزرگی ایستاده بودی، مانند بنده‌ی ذلیل و خاکسار می‌شدی، پس همان گونه که برای بنده‌ای از بندگانِ مولایت خاکساری می‌نمایی، تذلّل و افتادگی‌ات برای خدا نیز چنین باشد، که اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. و اگر نمی‌توانستی، مانند آن تذلّل را در برابر بنده‌ای از بندگانِ سلطانِ عالمیان انجام نمی‌دادی. و اگر آنان به تو می‌گفتند که هیچ ترسی از ناحیه‌ی ما نداشته باش و از سوی ما در امان هستی، بر تذلّل و خضوع و فروتنی تو در محضرشان افزوده می‌شد، تا به این وسیله به سوی آنان و محبتشان تقرّب بجویی.

پس حال که مقام و منزلت بنده‌ای از بندگان در نزد نَفْسِ تو بالاتر از حرمت سلطان دنیا و آخرت می‌باشد، خویش را معذور بدان، و حال که سجده‌ی ویژه‌ی درگاه الهی در بردارنده‌ی خضوع و فروتنی‌ای است که ذکرش خواهد آمد، پس شایسته است که تو نیز صاحب گناهان و جنایات هستی، بیم و خشوع و فروتنی مضاعف داشته باشی.

سجده‌ی شکر امام کاظم (علیه السلام)

بعد از نماز 28 - در روایت آمده که حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) به سوی بعضی از املاک او رفتیم تا اینکه حضرت به نماز ظهر ایستاد وقتی از نماز فراغت پیدا کرد، به سجده رفت، شنیدم که آن بزرگوار با صدای انده‌ناک و در حالی که اشکها در چشمش حلقه زده بود، می‌فرمود:

رَبِّ، عَصِيَّتِكَ بِلِسَانِي، وَلَوْ شِئْتَ وَ عَزَّتِكَ لِأَخْرَسْتَنِي، وَ عَصِيَّتِكَ بِيَصْرِي، وَلَوْ شِئْتَ وَ عَزَّتِكَ لِأَكْمَهْتَنِي [يا: لَكَمَهْتَنِي]، وَ عَصِيَّتِكَ بِسَمْعِي، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عَزَّتِكَ لِأَصْمَمْتَنِي، وَ عَصِيَّتِكَ بِيَدِي، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عَزَّتِكَ لَكَنَعْتَنِي، وَ عَصِيَّتِكَ بِرِجْلِي، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عَزَّتِكَ لِجَدَمْتَنِي، وَ عَصِيَّتِكَ بِفَرْجِي، وَ لَوْ شِئْتَ وَ عَزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي، وَ عَصِيَّتِكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ، وَ لَيْسَ هَذَا جَزْأَوْكَ مِنِّي.

- پروردگار، با زبانم از تو نافرمانی نمودم به عزتت سوگند اگر خواسته بودی مسلماً لالم نموده بودی، و با دیده‌ام معصیت تو را نمودم، به عزتت سوگند، اگر خواسته بودی بی‌گمان نابینایم فرموده بودی، و با گوشم نافرمانی تو را نمودم، به سربلندی‌ات سوگند، اگر مشیئتت تعلق گرفته بود حتماً ناشنایم نموده بودی، و با دستم معصیت تو را نمودم، به سرافرازی‌ات سوگند، اگر خواسته بودی مسلماً دست مرا شل و خشک فرموده بودی، و با پایم معصیت نمودم، به عزتت سوگند اگر خواسته بودی آن را قطع [و یا به بیماری جذام گرفتارم] نموده بودی، و با عورتم معصیت تو را نمودم، به عزتت سوگند اگر می‌خواستی مسلماً نازایم می‌فرمودی، و با تمام اعضاء و جوارحم که آنها را من ارزانی داشتی گناه تو را نمودم، و این پاداش مناسب تو نبود.

راوی گوید: شمردم حضرت هزار بار **الْعَفْوُ الْعَفْوُ** فرمود، سپس طرف راست صورت خود را بر زمین گذاشت، و شنیدم که با صدای حزن آلود سه بار فرمود:

بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي، عَمِلْتُ سُوءًا، وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
غَيْرُكَ، يَا مَوْلَايَ، [يا مَوْلَايَ].

- به گناهم در نزد اعتراف نمودم، عمل زشت انجام دادم و به خود ستم
نمودم، پس مرا بی‌آمرز، که جز تو گناهان را نمی‌آمرزد، ای مولای من، [ای آقای
من].

سپس طرف چپ صورت خود را به زمین گذاشت. شنیدم که سه بار فرمود:

إِرْحَمْ مَنْ أَسَاءَ وَأَقْتَرَفَ، وَاسْتَكَانَ وَأَعْتَرَفَ.

- رحم آر بر کسی که عمل بد انجام داده و مرتکب گناه شد، و فروتنی و
خاکساری نموده و اعتراف کرد.
سپس سر از سجده برداشت.

اعمال بعد از سجده‌ی شکر

29 - وقتی سر از سجده برداشتی، آنچه را که در روایت آمده که: پیامبر اکرم (ﷺ) همواره وقتی می‌خواست از جایی که نماز خوانده بود بر خیزد، دست راستش را بر پیشانی‌اش می‌کشید و می‌فرمود:

لَكَ الْحَمْدُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، إِذْهَبْ عَنِّي الْغَمَّ وَالْحُزْنَ وَالْفِتْنَ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ.

- حمد و ستایش تنها تو راست، و معبودی جز تو که آگاه به نهان و آشکار، و رحمت گستر و مهربان [ویژه به مؤمنان] هستی، وجود ندارد، غم و اندوه و فتنه‌ها و گرفتاریها و امتحانات آشکار و نهان را از من برطرف فرما. و فرمود: هیچ یک از امت من این را نمی‌گویند، مگر آنکه خداوند هر چه می‌خواهد به او عطا می‌فرماید.

و نیز در حدیث دیگری آمده است که: وقتی خواستی این کلمات را بگویی، سه بار دست راست خویش را بر جای سجدهات بکش و در هر بار دستت را بر صورتت بکش، و در هر بار کلمات مذکور را بگو.

30 - اگر درد و بیماری داشته باشی، آنچه را که از امام صادق (ع) روایت شده انجام بده، که حضرت (ع) فرمود: دعایی است که در تعقیب هر نمازی که می‌خواهی از آن خارج گردی، خوانده می‌شود. پس اگر درد و بیماری داشتی وقتی نمازت را تمام کردی، دستت را بر سجده گاهت از زمین بکش و این دعا را بخوان، و هفت بار دستت را بر جای درد بکش، و در آن حال بگو:

يا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا، [وَ ارْزُقْنِي كَذَا وَ كَذَا]، وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا.

- ای خدایی که زمین را بر روی آب [و هوا] گسترانیده و آن را پوشاندی، و هوا را با آسمان بر بسته و مسدود نمودی، و نیکوترین نامها [و کمالات] را برای خویش برگزیدی، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن، [و فلان چیز و فلان چیز را روزی ام گردان]، و از فلان چیز و فلان چیز عافیت بخش.

31 - همچنین جدّ سعیدم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - فرمود: و مستحبّ است که نمازگزار در سجده‌ی شکر برای برادران مؤمن خود دعا نماید، و نیز بگوید:

اللَّهُمَّ، رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيْلِ الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَاللَّيْلِ إِذَا يَسُرُّ، وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَفْعَلْ بِي وَ بِفُلَانٍ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

- خداوندا، ای پروردگار سپیده دم [روز دهم ذی الحجّه] و شبهای دهگانه‌ی [نخست ذی الحجّه] و آن [روز] زوج و فرد [یعنی روز ترویبه که زوج هشتم ذی الحجّه است و روز عرفه که فرد و نهم ذی الحجّه می‌بارد] و پروردگار آخر شب و پروردگار هر چیز و معبود تمام اشیاء و آفریننده تمام موجودات و فرمانروای و هرچیز، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من و به فلانی هر چه را که خود زیننده‌ی آن هستی بکن، و آنچه را که ما سزاوار آنیم مکن، که تو اهل تقوی و نگاهداری و زیننده‌ی آمرزش می‌باشی.

سپس سر از سجده بردار و بگو:

اللَّهُمَّ، أَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ السَّعَادَةَ فِي الرُّشْدِ وَإِيمَانَ الْيُسْرِ وَفَضِيلَةَ فِي النَّعْمِ وَ
هِنَاثَةً فِي الْعِلْمِ، حَتَّى تُشَرِّفَهُمْ عَلَى كُلِّ شَرِيفٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبِ كُلِّ
حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، لَمْ يَخْذُلْنِي عِنْدَ شَدِيدَةٍ، وَ لَمْ يَفْضَحْنِي [سِوَاءَ] بِسْرِيرَةٍ²⁴¹
فَلَيْسِيْدِي الْحَمْدُ كَثِيْرًا.

- خداوندا، نیکبختی در رشد و هدایت، و راحتی ایمان، برتری در نعمتها، و
گواری بدون سختی و رنج در دانش را به محمد و آل محمد عطا فرما، تا اینکه
آنان را بر هر بزرگی برتری دهی. ستایش خدا را، [که] سرپرست هر نعمت، و
صاحب هر نیکی، و منتهای هر میل و رغبت است، [هم او که] در هر سختی و
ناگواری مرا بی‌یاور نگذاشت، و به واسطه‌ی باطن و درون [و صفات بد] مرا
رسوا نفرمود، پس ستایش فراوان تنها برای آقا و سرورم می‌باشد.

سپس بگو:

اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَ لَمْ أَكُنْ شَيْئًا مُذْكَورًا، رَبِّ، أَعْنِي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ
بَوَائِقِ الدَّهْرِ وَ نَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَ مُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَ الْآيَامِ، وَ اكْفِنِي شَرَّ
مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، وَ فِي سَفَرِي فَاصْحَبْنِي، وَ فِي أَهْلِي فَاخْلُفْنِي، وَ فِيمَا
رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَ فِي نَفْسِي لَكَ فَذَلِّلْنِي، وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَ إِلَيْكَ
فَحَبِّبْنِي، وَ بِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي، وَ بِسْرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَ مِنْ شَرِّ
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَ لِمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ فَوَقِّفْنِي، وَ مِنْ مَسَاوِي الْأَخْلَاقِ فَجَنِّبْنِي.
إِلَى مَنْ تَكَلَّمْتُ يَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَ أَنْتَ رَبِّي؟ إِلَى عَدُوِّ مَلَكَّتَهُ أَمْرِي، أَمْ إِلَى بَعِيدِ
فَيْتَهَجَّمُنِي [يا: فَيْتَهَجَّمُنِي] فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ يَا رَبَّ فَلَا أَبَالِي، غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ
أَوْسَعُ لِي وَ أَحَبُّ إِلَيَّ. أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، وَ
كُشِفَتْ بِهِ الظُّلْمَةُ، وَ صَلَّحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، مِنْ أَنْ يَحُلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ، أَوْ
يَنْزِلَ بِي سَخَطُكَ، لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

- خداوندا، سپاس تو را همان گونه که مرا آفریدی در حالی که هیچ چیز قابل ذکر نبودم. پروردگار، مرا بر هول و هراسهای دنیا و مصیبتهای روزگار و گرفتاریهای زمانه و ناراحتیهای گلوگیر آخرت و مصیبتهای شبانه روز یاری فرما، و از شر آنچه که ستمگران در زمین انجام می‌دهند کفایت فرما، و در سفرم همراه من، و در خانواده‌ام جانشین من باش، و آنچه را به من روزی دادی پر خیر و برکت گردان، و مرا در نزد خویش ذلیل، و در چشم مردم بزرگ گردان. و در نزد خود مرا محبوب نما، و به واسطه‌ی گناهانم مفتضح، و به جهت کردارم گرفتارم، و به واسطه‌ی درون [و صفات بدم] رسوایم مفرما، و از شر جنّ و انس سلامتم بدار، و به اخلاق نیکو مؤفّق گردان، و از اخلاق ناپسند دورم بدار.

ای پروردگار ناتوانان، مرا به چه کسی مرا واگذار می‌کنی، در حالی که تو پروردگار من هستی؟ (آیا) به دشمن [و شیطان]ی که مالک امرم گردانیده‌ای، یا به شخص دوری بر من هجوم آورد [یا: که با روی ناخوش با من برخورد کند]؟! پس ای پروردگار من، اگر تو بر من خشم نگیری، با کی ندارم، جز اینکه عافیت تو برای من وسیعتر و دوست داشتنی‌تر است. پناه می‌برم به روی [و اسماء و صفات] بزرگواری که آسمانها و زمین بدان روشن گردیده، و تاریکی به واسطه‌ی آن برطرف شده، و امر اولین و آخرین بدان شایسته و درست گشته، از اینکه مشمول غضبت گردم، یا خشمت بر من فرود آید. ستایش مخصوص توست تا اینکه خشنود گردی، و [تا حتی] بعد از خشنودی‌ات. و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به تو.

فضیلت نماز واقعی از دیدگاه روایت

اینک فضیلت نماز کسانی را که به تدبیر خداوند - جلّ جلاله - راضی و خرسند هستند، و به شرطها و پیمانهای خود با خداوند - جلّ جلاله - وفا می‌کنند، ذکر می‌کنیم:

در روایت آمده که ابن عباس گفت: رسول خدا (ﷺ) فرمود: خداوند متعال فرشته‌ای دارد که سخائیل [یا: سنحائیل] نامیده می‌شود، که وقت هر نماز برائت‌های نماز گزاران را از پروردگار عالمیان - جلّ جلاله - می‌گیرد.

پس وقتی مؤمنین صبح بپا خاسته و وضو گرفته و نماز صبح را خواندند، برائتی از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می‌ستاند که در آن نوشته شده است: منم خداوند باقی و پایدار، بندگان و کنیزان من، شمارا در حرز و حراست خود قرار داده و در حفظ و تحت کف و حمایت گردانیدم. به عزّت سوگند، هرگز شما را بی‌یاور نخواهم گذاشت، و تا ظهر گناهانتان آمرزیده است.

و هنگامی که ظهر شد و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت دوم را از خدا - عزّوجلّ - برای آنان می‌گیرد، که در آن نوشته شده: منم خداوند قادر و توانا، ای بندگان و کنیزان من، گناهان شما را به کارهای نیک مبدّل گردانیده، و بدیهایتان را آمرزیدم، و به واسطه خشنودی‌ام، شما را در خانه‌ی جلال و عظمتم داخل گردانیدم.

و هنگامی که عصر شد و بپا خاستند و وضو گرفتند و نماز خواندند، برائت سوم را از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می‌گیرد که در آن نوشته شده: منم خداوند جلیل و بزرگوار، که یادم بزرگ و پاک، و سلطنت و پادشاهی‌ام عظیم است. بندگان و کنیزان من، بدنهای شما را بر آتش حرام گردانیده و شما را در

جایگاه ابرار و نیکان جای دادم، و به رحمت خویش شرّ اشرار را از شما دور نمودم.

و هنگامی که وقت نماز مغرب شد، و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت چهارم را از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می‌گیرد که در آن نوشته شده: منم خداوند جبار بزرگ متعال، بندگان و کنیزان من، فرشتگانم از نزد شما با خرسندی و خشنودی به بالا آمدند، و بر من سزاوار است که شما را خشنود و خرسند گردانم و هرچه را که آرزو دارید در روز قیامت به شما عطا کنم.

و هنگامی که وقت نماز عشا رسید و آنان بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت پنجم را از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می‌گیرد که در آن نوشته شده: منم خدایی که معبودی جز من نیست و پروردگاری جز من وجود ندارد. بندگان و کنیزان من، در خانه‌هایتان طهارت نموده، و به خانه‌های من و مساجد رفتید، و مستغرق در ذکر و یاد من شده، و حقّ مرا شناختید، و نمازهایی که بر شما واجب کرده بودم ادا نمودید، تو را گواه می‌گیرم ای سنحائیل و ای سایر [و یا: همه‌ی] فرشتگانم، براستی که من از آنان خرسند و خشنود گردیدم.

حضرت فرمود: آنگاه سنحائیل هر شب بعد از نماز عشا سه بار ندا می‌کند: ای فرشتگان خدا، براستی که خداوند - تبارک و تعالی - نمازگزاران موحّد را آمرزید. پس هیچ فرشته‌ای در آسمانهای هفتگانه نمی‌ماند مگر اینکه برای نمازگزاران طلب آمرزش و استغفار می‌نماید و برای آنان به مداومت بر نمازگزاردن دعا می‌کند.

پس هر بنده (زن و یا مرد) که نماز شب روزی اش شده، و با اخلاص برای خدا بپا خاسته و وضوی کامل گرفته و با نیت صادق و قلب سلیم و بدن فروتن و چشم اشکبار برای خداوند - عزوجل - نماز بخواند، خداوند تبارک در پشت او نه صف از فرشتگان را قرار می دهد، که در هر صف عده ای که شماره اش را جز خداوند - تبارک و تعالی - نمی تواند بشمارد قرار می گیرند، یک طرف صف در مشرق و دیگری در مغرب قرار دارد. حضرت فرمود: پس وقتی وی از نماز فراغت پیدا کرد، به عدد آنان برای او درجه و پایه ای ایمانی نوشته می شود. راوی حدیث منصور می گوید: وقتی ربیع بن بدر این حدیث را نقل می کرد، می گفت: کجایی تو ای کسی که از این کرم و بزرگواری غفلت داری؟ و کجایی از این برخاستن و عبادت در شب، و از این پاداش فراوان و بزرگ، و از این کرامت و بخشش؟

توضیح نکاتی چند درباره ی حدیث گذشته مبدا گمان کنی به کسی که با حالت غفلت از خداوند - جل جلاله - و همراه با خوار و کوچک شمردن حرمت خداوند - جل جلاله - نماز می خواند نیز این گونه عطا و بخشش می شود، زیرا همان گونه که پیش از این توجّه دادیم نماز این دسته، از بدیها و گناهان محسوب می شود و بنده در هنگام فراغت از این گونه نمازها نیازمند به درخواست عفو و گذشت از درگاه الهی است.

آیا نمی بینی که در همین حدیث چگونه خداوند درباره ی نمازگزارانی که آن نویدها و آن جود و بخشش وعده داده شده می فرماید: براستی که فرشتگانم از نزد شما با خشنودی و رضایت بالا آمدند. و تو خود می دانی که نفس تو به تدبیر خداوند نسبت به خود و عیال و آرزوها و حالاتت خشنود نیست.

و همچنین در آن قسمت حدیث که می‌فرماید: مستغرق در ذکر و یاد من شده و حقم را شناخته و نمازهایی را که بر شما واجب کرده بودم ادا نمودید. و تو می‌دانی که در بیشتر اوقات مستغرق در یاد دنیا هستی، و نسبت به حق خداوند - جلّ جلاله - معرفت نداری، و حداقل آن را مانند بجا آوردن حقّ برخی از بندگان خدا که در نزدت عزیز و ارجمند است، انجام نمی‌دهی.

و نیز آنجا که پیرامون نماز نافله‌ی شب می‌فرماید که: با قلب سلیم و بدن خاشع و فروتن و چشم اشکبار نماز می‌گذارند. و توجه داری که اگر حال تو اینچنین نباشد، تمام نمازت ضایع و نابود، و یا جنایت و گناهی است از ناحیه تو.

فصل بیستم: آداب و اسرار و تعقیبات نافله‌های نماز عصر

اهمیت دعاهای وارده در تعقیب نافله‌های عصر دعاهایی که برای نافله‌های نماز عصر ذکر می‌کنیم، دعاهایی است که مورد نظر پروردگار است، و هرکس آنها را بخواند در مقام استجابت قرار می‌گیرد، لذا باید در اواخر آنها ذکر حوایج مهم را مغتنم شمرد.

کیفیت انجام نوافل عصر

وقتی بنده از تعقیب نماز ظهر به همان صورت که شرح دادیم فراغت پیدا کرد، برای انجام نافله‌های نماز عصر بپا می‌خیزد، و هر دو رکعت آن را به این نیت آغاز می‌کند که: دو رکعت نماز مستحبی بجا می‌آورم، تا بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زبیده‌ی پرستش است عبادت نمایم و تکبیرة الاحرام و **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** می‌گوید و بعد سوره‌ی حمد و بعد از آن هر سوره قرآن را که خواست می‌خواند، و اگر در هر رکعت همراه با حمد، سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ، وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ** را بخواند، پیش از این یعنی هنگام ذکر نافله‌های نماز ظهر - فضیلت آن را یادآور شده و راه عمل به آن را تسهیل نمودیم - بهتر خواهد بود.

وقتی بنده سلام دو رکعت اول از نوافل عصر را گفت و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را به همان کیفیت که گفتیم بجا آورد، بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيمُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمَحْيِ الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْكَرِيمُ، وَ لَكَ الْمَنْ وَ لَكَ الْجُودُ وَالْأَمْرُ

وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا وَاحِدٌ، يَا أَحَدٌ، يَا صَمَدٌ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
كُفُوًا أَحَدٌ، وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلَدًا، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا.

- خداوندا، همانا معبودی جز تو که زنده و پاینده [و بر پا دارنده
مخلوقات] و آگاه و بزرگ و بردبار و بزرگوار و آفریننده و روزی دهنده و زنده
کننده و میراننده و آغاز کننده و نو آفرین هستی، وجود ندارد. حمد و سپاس از
آن توست، و بزرگواری تو راست، و منت و بخشش برای توست، و جود و امر
[و دستور، و یا: عالم امر] تنها برای توست و شریکی برای تو نیست. ای یگانه،
ای بی همتا، ای بی نیاز، ای کسی که نه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای و هیچ کس
همتای تو نیست، و هیچ کس را نه به زنی و نه به فرزندی گرفته‌ای، بر محمد و
آل محمد درود فرست و به من چنین و چنان کن.

سپس بگوید:

يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي، يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، يَا مُؤْنِسِي فِي وَحْشَتِي [يَا: وَحْدَتِي]، وَ
يَا وَكِي نِعْمَتِي، وَ يَا إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي الْأَوْلِيْنَ، إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ
وَ الْأَسْبَاطِ، وَ رَبِّ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - صَلَّى عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَ كَذَا.

- ای توشه و ذخیره‌ی من در هنگام ناراحتی سخت، ای همراه من در هنگام
سختی، ای انیس و مونس من در حال تنهایی، ای سرپرست نعمت من، و ای
معبود من و معبود پدران نخستم حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب
و اسباط، و پروردگار حضرت موسی و عیسی و محمد و آل او - علیه و
آلهم السلام - بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن.

و هر خواسته‌ای که داشت، ذکر می‌کند.

دعای بعد از سلام دو رکعت دوّم در روایتی محمد بن مسلم می گوید: به آن حضرت²⁴² عرض کردم: دعایی به من بیاموز. فرمود: چرا از دعای الحاح غفلت داری؟ عرض کردم: دعای الحاح کدام است؟ فرمود:

اللَّهُمَّ، رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ [وَ مَا بَيْنَهُنَّ]، وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، [وَ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَ ميكائيلَ وَ إِسْرَافيلَ، وَ رَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ]، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ [يَا: تَقُومُ بِهِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ]، [وَ بِهِ تُحْيِي الْمَوْتَى وَ تُمِيتُ الْأَحْيَاءَ]، [وَ تَرزُقُ الْأَحْيَاءَ] [وَ تَفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمِيعِ، وَ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الْأَجَالِ وَ وَزْنَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبِحَارِ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

- خداوندا، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه، و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و هرچه در آنها [و در میان آنها] است، و پروردگار عرش بزرگ [و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار هفت آیه بی در پی - یعنی سوره ی حمد - و قرآن بزرگ، [و پروردگار حضرت محمد خاتم پیامبران، بر محمد و آل او درود فرست، به حق اسم اعظم تو که آسمان و زمین بدان برپاست. [و مردگان را به آن زنده می گردانی، و زندگان را می میرانی،] [و زندگان را بدان روزی می دهی] و میان جمع جدایی افکنده، و میان [امور و یا اشخاص] جدا و پراکنده گرد می آوری، و شماره ی سرآمد عمر و اجل ها و وزن کوهها و پیمانه ی دریاها را به شماره درمی آوری، از تو درخواست می نمایم، ای خداوندی که چنین هستی، که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و به من چنین و چنان فرمایی.

و حاجتت را بخواه [و در آن الحاح و اصرار نما، که این دعای نجات و کامیابی است.

ناگفته نماند که: این دعا در روایت دیگر با الفاظ دیگر و به صورت دیگر روایت شده است.

دعای بعد از سلام دو رکعت سوّم این دعا را جدّم ابو جعفر طوسی ذکر نموده، البتّه با این تفاوت که متن دعای حضرت یوسف (علیّه السلام) را - ذکر نکرده. آنچه که وی - رحمة الله علیه - ذکر فرموده درست به این صورت است:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ، [يُونُسُ] إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ [يَا: تَقْدِرَ] عَلَيْهِ، فَنادَى فِي الظُّلُمَاتِ: أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ [وَكَذَلِكَ نُنْجِي - يَا: تُنْجِي - الْمُؤْمِنِينَ]، فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ، وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ، وَ سَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ، وَ أَنَا أَسْأَلُكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ أَيُّوبُ، إِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ، فَدَعَاكَ: إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ، وَ آتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ، فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ، وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ، وَ سَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ، وَ أَنَا أَسْأَلُكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ]، وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ، إِذْ فَرَّقْتَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَهْلِهِ، وَ إِذْ هُوَ فِي السِّجْنِ، فَإِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ، وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ، وَ سَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ، وَ أَنَا أَسْأَلُكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، [وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا].

- خداوندا، تو را به آنچه که بنده‌ات [حضرت یونس] خواند مسألت دارم، هنگامی که با حالت خشمناک [از عدم هدایت قوم خویش] رهسپار گردید، و گمان کرد که تو بر او تنگ نمی‌گیری، پس در تاریکیها ندا کرد که: معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی تو، براستی که من از ستمکاران هستم پس [دعای] او

را اجابت فرموده و از غم و اندوه رهایی دادی، [و اینچنین مؤمنان را نجات می‌دهی]، زیرا او تو را خواند و بنده‌ی تو بود، و من تو را می‌خوانم و بنده‌ی توام، از تو درخواست نمود و بنده‌ی تو بود، و من بنده‌ی توام و از تو درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و چنانکه برای او اجابت نمودی برای من نیز اجابت فرمایی، و تو را به همان دعایی که بنده‌ات حضرت ایوب خواند می‌خوانم، آن هنگام که رنجوری به او رسید، پس دعا کرد: همانا من به رنجوری مبتلا شدم و تو مهربانترین مهربانها می‌باشی و تو دعای او را اجابت فرموده و رنجوری او را برطرف نموده و خانواده‌ی او و همانند آنها را همراه آنان به او عطا فرمودی، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من تو را می‌خوانم و بنده‌ی توام، و از تو درخواست نمود در حالی که بنده تو بود، و من بنده‌ی توام و از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و چنانکه ناراحتی و مشکل او را گشودی مشکل مرا نیز بگشای، چنانکه برای او اجابت فرمودی برای من نیز اجابت فرمایی، و تو را به همان دعایی که حضرت یوسف به آن خواند می‌خوانم، آن هنگام که میان او و خانواده‌اش جدایی انداختی و نیز در حالی که در زندان بود، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من نیز بنده‌ی توام و تو را می‌خوانم، و او بنده‌ی تو بود و از تو مسألت نموده و من نیز بنده‌ی توام و از تو درخواست می‌نمایم، که بر محمد و آل محمد درود فرستی و چنانکه برای او اجابت فرمودی برای من نیز اجابت فرمایی، و بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن.

و حاجتت را ذکر می‌کنی.²⁴³

دعاهای مختلف حضرت یوسف (علیه السلام) اینک می‌گویم: شاید علت عدم ذکر دعای حضرت یوسف (علیه السلام) در این دعا آن بوده که آن بزرگوار دعاهای

بسیاری در زندان نموده، چنانکه در روایتی آمده که از حضرت صادق (علیه السلام) درباره‌ی دعای حضرت یوسف (علیه السلام) پرسیده شد. فرمود: دعایش بسیار بود، لیکن وقتی زندان برای او سخت شد، به درگاه الهی سجده نمود و عرض کرد:

اللَّهُمَّ، إِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، فَلَنْ تَرْفَعَ لِي إِلَيْكَ صَوْتًا، فَأَنَا أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ.

- خداوندا، اگر گناهانم مرا در نزد تو بی‌آبرو نموده، و مانع آن شده که صدای من به درگاه تو بالا رود، پس من به واسطه‌ی آبروی پیرمرد بزرگوار، حضرت یعقوب به سوی تو متوجه می‌شوم.

سپس امام صادق (علیه السلام) گریست و فرمود: درود و رحمت خداوند بر حضرت یعقوب و یوسف (علیه السلام). ولی من می‌گویم:

اللَّهُمَّ، بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)

- خداوندا، به واسطه‌ی قرار دادن تو و رسالت به تو متوجه می‌شوم.

ناگفته نماند که دیگر - دعای حضرت یوسف (علیه السلام) در حدیث دیگر افزون بر این روایت شده. ابن خارجه می‌گوید: از دگرگونی وضعیتم²⁴⁴ به محضر امام صادق (علیه السلام) گله نمودم. فرمود: چرا از دعای حضرت یوسف (علیه السلام) غفلت داری؟ عرض کردم: دعای ایشان چه بود؟ فرمود: او پیوسته می‌فرمود:

سَكَنَ جِسْمِي مِنَ الْبُلُوِي، وَ سَبَقَنِي لِسَانِي بِالْخَطِيئَةِ، فَإِنْ يَكُنْ وَجْهِي خَلَقَ عِنْدَكَ، وَ حَجَبَتْ الذُّنُوبُ صَوْتِي عَنْكَ، فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ.

- جسمم به واسطه‌ی بلا و گرفتاری از کار باز ایستاده، و زبانه به گناه پیشی گرفته، پس اگر در نزد تو بی‌آبرو شده‌ام، و گناهان مانع رسیدن صدایم به تو شده، پس به واسطه‌ی آبروی پیرمرد بزرگوار حضرت یعقوب به تو متوجه می‌شوم.

وی می گوید عرض کردم: حضرت یوسف (علیه السلام) می گفت: بَوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ مِنْ چِه بگویم؟ فرمود: می گویی:

بَوَجْهِ مُحَمَّدٍ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ.

- به آبروی حضرت محمد - که درود خداوند بر او و بر اهل بیت او باد -
به تو متوجه می شوم.

گفتنی است که دعای حضرت یوسف (علیه السلام) در زندان با الفاظ دیگر نیز نقل شده است.

اما عبارت سَكَنَ جِسْمِي مِنَ الْبَلْوَى شاید در اصل شَكَا جِسْمِي مِنَ الْبَلْوَى:)
جسمم از بلا و گرفتاری به درد آمده و به درگاه تو گله مند است.)
بوده، لیکن من لفظ را به همان صورت که یافتم نقل کردم.

همچنین از بهترین دعاها حضرت یوسف (علیه السلام) در چاه، دعای است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگامی که برادران حضرت یوسف - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وی را در چاه انداختند، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای پسر، چه کسی تو را در این چاه انداخت؟ فرمود: برادران پدری ام به من حسد ورزیدند. گفت: آیا می خواهی از این چاه بیرون آیی؟ فرمود: این امر به دست معبود و خداوند ابراهیم و اسحاق و یعقوب است. جبرئیل گفت: خداوند به تو می فرماید که بگویی:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ [الْمَنَّانُ] أَبْدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا، وَ تَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ.

- خداوندا، همانا از تو درخواست می نمایم - به [حق] اینکه ستایش مختص توست، [و] معبودی جز تو که [بسیار بخشنده ای و] آنوآفرین آسمانها و زمین هستی وجود ندارد، ای صاحب بزرگی و بزرگواری - که بر محمد و آل محمد

درود فرستی، و در امر من گشایش و راه بیرون آمدنی قرار دهی، و چه از آنجا که گمان دارم و چه از آنجا که گمان ندارم، روزی ام دهی.

علت اختلاف دعاهاى حضرت یوسف (علیه السلام) اینک می‌گویم: حضرت یوسف (علیه السلام) به امور گوناگونی امتحان شد، شاید در هر بلا و گرفتاری، دعا یا دعاهاى داشته، و چه بسا که آن بزرگوار دو دعای نخست را که پیشتر ذکر نمودیم در زندان عزیز مصر، و دعای سوّم را هنگام محبوس شدن در چاهی بوده که برادرانش وی را بدان انداخته بودند، خوانده است.]

دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم قابل توجه است که: این دعا، دعای جلیل و عظیمی است، و ما آن را به چندین سند روایت کرده‌ایم، دو طریق آن را در اینجا ذکر می‌کنیم، زیرا در الفاظ دعا که به سندهای مختلف نقل شده، افزونی و کاستی وجود دارد.

اما طریق اول اینک علی بن نصر نامه‌ای به حضرت²⁴⁵ نوشت و از او درخواست نمود که در ذیل آن دعایی مرقوم فرموده و به وی بیاموزد، که در اثر خواندن آن از گناهان محفوظ بماند و نیز جامع بین حوائج دنیا و آخرت باشد. حضرت به خطّ خویش مرقوم فرمود:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ عَنِّي، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ يَا غَايَتَاهُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تَجْعَلَنِي فِي النَّارِ.

- ای خدایی که [اعمال و صفات] زیبا را آشکار نموده و زشت را می‌پوشانی و پرده دری نمی‌کنی، ای کسی که بزرگوارانه در می‌گذری، ای نیکوگذشت، ای صاحب آمرزش گسترده، ای کسی که دو دستت را به رحمت گشاده‌ای، ای

صاحب و همدم هر مناجات و سخن درگوشی، و ای فقهای هر شکایت، ای بزرگوارانه گذشت کننده، ای صاحب بخش بزرگ، ای کسی که پیش از آنکه انسان استحقاق نعمتی را داشته باشد ابتدائاً شروع به عطا کردن آن می‌کنی، ای پروردگار من، ای آقای من، ای مولای من، ای نهایت [آرزوی] من، بر محمد و اهل بیتش درود فرست از تو درخواست می‌نمایم که مرا در آتش [جهنم] قرار ندهی.

سپس هرچه که به ذهنت آمد درخواست می‌کنی.²⁴⁶

دعای گذشته به روایت دیگر

جدّم ابی جعفر طوسی - رحمه الله - دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم از نافله‌های عصر را درست به این لفظ آورده که است: دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم:

یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ، یا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، یا عَظِيمَ الْعَفْوِ، یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، یا صَاحِبَ كُلِّ حَاجَةٍ [یا: نَجْوَى]، یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، یا مُفَرِّجَ كُلِّ كَرْبَةٍ، یا مُقْبِلَ الْعَثَرَاتِ، یا كَرِيمَ الصَّفْحِ، یا عَظِيمَ الْمَنِّ، یا مُبْتَدِئًا بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، یا رَبَّاهُ، یا سَيِّداهُ، یا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ بَعْلِي وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ، الْأَيُّمَةَ الْهَادِيَةَ (عليهم السلام)، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ، أَلَّا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.

- ای خدایی که [اعمال و صفات] زیبا و نیک را آشکار نموده و زشت را می‌پوشانی، ای خدایی که به گناه نمی‌گیری و مؤاخذه نمی‌کنی و پرده نمی‌داری، ای صاحب عفو بزرگ، ای صاحب گذشت زیبا، ای کسی که دو دست [جمال و جلال] خویش را به رحمت گشاده‌ای، ای صاحب و همدم هر خواسته [یا: هر سخن در گوشی]، ای صاحب آمرزش گسترده، ای برطرف کننده‌ی هر ناراحتی سخت و گلوگیر، ای درگذرنده‌ی از لغزشها، ای بزرگوارانه گذشت کننده، ای صاحب بخشش بزرگ، ای کسی که پیش از آنکه انسان استحقاق نعمتها را داشته باشد شروع به عطا کردن آنها و می‌فرمایی، ای پروردگار من، ای آقای من، ای منتهای رغبت من، به [حق] خود و حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد، و موسی

بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و حضرت قائم مهدی (علیه السلام) که امامان هدایتگر می باشند درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و از تو مسألت داریم ای خدا که روی و وجودم را با آتش جهنم زشت نگردانی، و آنچه را که خود زینبدهی آن هستی به من بکنی.

و هر خواسته‌ای داشتی ذکر می‌کنی ²⁴⁷.

دعای دیگر در تعقیب دو رکعت چهارم از نافله‌های عصر

همچنین بگو:

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا حَقًّا، اللَّهُمَّ، أَنْتَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ وَأَنْتَ لِهَذِهِ الْأُمُورِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِينِيهَا، يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ عِنْدِي، يَا قَدِيمَ الْعَفْوِ عَلَيَّ، [يَا مَنْ لَا غِنَى لِمَنْ شَاءَ مِنْهُ،] يَا مَنْ لَا بُدَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مِنْهُ، يَا مَنْ رَزَقَ كُلَّ شَيْءٍ عَلَيْهِ، يَا مَنْ مَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، [وَأَتُوَلَّنِي] وَ لَا تُؤَلَّنِي أَحَدًا مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَ كَمَا خَلَقْتَنِي فَلَا تُضَيِّعْنِي.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَدْعُوكَ لَهُمْ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ، وَ لِرَحْمَةٍ [يَا: لِفَرَجَةٍ] لَا تُتَالُ إِلَّا بِكَ، [وَ لِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ سِوَاكَ، وَ لِمَغْفِرَةٍ لَا تُبَلِّغُ إِلَّا بِكَ] وَ لِحَاجَةٍ لَا يَقْضِيهَا إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ، فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ [إِلْهَامِي الدُّعَاءَ، فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ] الْأَجَابَةَ فِيمَا دَعَوْتُكَ لَهُ، وَ النَّجَاةُ فِيمَا فَرَعْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ، اللَّهُمَّ، إِنْ لَا أَكُنْ [يَا: وَإِنْ لَمْ أَكُنْ] أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ، فَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي، لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا شَيْءٌ، فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتَكَ، يَا إِلَهِي، يَا كَرِيمُ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَنْ تُعْطِيَنِي فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ تُوجِبَ لِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ تُرَوِّجَنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ، وَ تُعِيدَنِي [يَا: تُبْعِدَنِي] مِنَ النَّارِ بِطَوْلِكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنْ غَضَبِكَ وَ سَخَطِكَ عَلَيَّ، وَ تُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَ تُبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي، وَ تَجْعَلَنِي لِأَنْبِعِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآمُنْ عَلَيَّ بِذَلِكَ، وَارْزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ كُلِّ
 مَنْ أَحَبَّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَالتَّقْوِيَةِ
 إِلَيْكَ، وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ، وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ [يا: الرِّضَا بِفَضْلِكَ وَالتَّعْظِيمِ لِأَمْرِكَ]، حَتَّى
 لَا أَحِبُّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ [يا: تَأْجِيلَ] مَا عَجَّلْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

- خدا خدا حقیقتاً و واقعاً پروردگار من است. خداوند، تویی [یاور من]
 برای هر امر بزرگ، و تویی [یاور من] برای این امور، پس بر محمد و آل او
 درود فرست، و درباره‌ی آنها مرا کفایت فرما، این خدایی که بلای تو در نزد من
 زیباست، ای صاحب عفو و گذشت دیرینه و بی آغاز از من، [ای خدایی که هیچ
 چیز بی نیاز از توست]، ای خدایی که همه اشیاء ناچار از توست، ای خدایی که
 روزی همه‌ی موجودات بر توست، ای خدایی که بازگشت همه چیز به سوی
 توست، بر محمد و آل محمد درود فرست [و خود سرپرست من باش]، و
 سرپرستی مرا به احدی از مخلوقات بد خود واگذار مفرما، و چنانکه مرا
 آفریدی ضایع مگردان.

خداوند، تو را برای هم و غم و اندوهی می خوانمت که غیر تو نمی تواند. آن
 را برطرف کند، و برای رحمتی [یا: گشایشی] که جز به وسیله‌ی تو نمی توان به
 آن رسید، [و برای ناراحتی سخت و گلوگیری که جز تو نمی تواند آن را برطرف
 نماید، و برای آمرزشی که جز به تو نمی توان بدان رسید]، و برای حاجتی که جز
 تو نمی تواند آن را برآورده نماید. خدایا، پس چنانکه از شأن تو [این بود که دعا
 را به من الهام فرمودی، پس این نیز از شأن تو باشد که] دعاهایی که به خاطر
 آن تو را خواندم، اجابت فرمایی، و از آنچه که از آن به سوی تو گریختم، نجاتم
 دهی. خدایا، اگر شایستگی آن را ندارم که به رحمتت برسم، مسلماً رحمتت

شایستگی آن را دارد که مرا فراگیرد، زیرا رحمت تو هر چیز را فراگرفته، و من نیز یک چیز هستم، پس رحمتت مرا فرا گیرد، ای معبود من، ای بزرگوار. خداوندا، به روی [و اسماء و صفات] بزرگواریت از تو درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از آتش جهنم آزاد سازی، و به رحمت خویش بهشت را بر من واجب گردانده، و به فضل خویش از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم به ازدواج من درآورده، و به بخشش خود از آتش جهنم پناه داده [یا: مرا از آن دور گردانی]، و مرا از خشم و غضب خود در پناه خویش درآوری، و به آنچه به من قسمت و مقدر فرمودی خرسند، و آنچه را که به من عطا فرموده‌ای پر خیر و برکت، و از سپاسگزاران در برابر نعمت‌هایت بگردانی.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و همه‌ی اینها را بر من منت نه، و دوستی خود و دوستی هرکسی را که تو را دوست دارد، و دوستی هر عملی که مرا به دوستی‌ات نزدیک می‌گرداند، روزی‌ام گردان، و توکل به خود و واگذار نمودن امور به تو و خشنودی در برابر قضاء و اراده‌ی حتمی‌ات و تسلیم [یا: خشنودی به فضل و داده‌ات، و تعظیم] در برابر امرت را بر من ارزانی دار، تا اینکه تعجیل آنچه را که مؤخر داشته‌ای و یا به تأخیر انداختن آنچه را که مقدم داشته‌ای دوست نداشته باشم. ای مهربانترین مهربانها، و بر محمد و آل او درود فرست و به من چنین و چنان کن. و هر امری را که دوست داری ذکر می‌کنی.

(238) الفهرست، ص 70، ص 79.

(239) نساء (4): 103.

(240) غافر (4): 60.

- (241) ظاهراً عبارت به این صورت بوده است: ب [سوء] سریره.
- (242) یعنی ام باقر یا صادق (علیهما السلام).
- (243) مصباح المتهدج، ص 69. و 349 (هر دو شبیه به متن)
- (244) ظاهراً مقصود بیماری است.
- (245) ظاهراً مقصود امام جواد (علیه السلام) است، به جامع الرواة، ج 1، ص 606 رجوع شود. و نیز ناگفته نماند که اسم راوی در یک نسخه‌ی کافی علی بن بصیر، و در نسخه‌ی دیگر آن علی بن نصیر، و در متن فلاح السائل (که ظاهراً سید نسخه‌ی دیگر کافی را داشته و از روی آن نقل فرموده) علی بن نصر است، همچنانکه در جامع الرواة نیز چنین است.
- (246) ناگفته نماند که کافی، ج 2، ص 578، روایت 4 (با اندکی تفاوت در برخی از الفاظ) در برخی از نسخه‌های کتاب این قسمت در آخر طریق دوم آمده است.
- (247) مصباح المتهدج، ص 70.

فصل بیست و یکم: آداب و اسرار نماز عصر

و تعقیبات آن کیفیت انجام نماز عصر وقتی نماز گزار فرصت ممکن را مغتنم شمرد و نافله‌های نماز عصر را انجام داد، لازم است با نیت خالص برای گفتن اذان بپا خیزد، و شمرده شمرده اذان بگوید، و دعای بعد از اذان، و نیز اقامه و دعای بعد از اقامه را به همان صورتی که پیشتر ذکر کردیم بجا آورد، و با گفتن تکبیرهای هفتگانه و دعا‌های ما بین آنها که گذشت شروع کند به وارد شدن در نماز واجب عصر، و آن را به این نیت شروع کند که: نماز واجب عصر را بجا می‌آورم تا بدین وسیله‌ی خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زیننده‌ی پرستش است، عبادت کنم، و بعد تکبیرة الاحرام را گفته و نماز عصر را مانند فریضه‌ی ظهر بجا آورد، و وقتی نماز عصر را به پایان برد و با گفتن سلام - به همان صورتی که ذکر نمودیم - از آن خارج شد، تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می‌گوید، و بعد از آن به تعقیبات مهمّی که در تعقیب نمازهای پنجگانه‌ی واجب ذکر نمودیم، تعقیب نموده، و یا دعا می‌کند.

تعقیبات مخصوص نماز عصر استغفار و آداب باطنی استغفار و حضور قلب

در آن

1 - از جمله تعقیبات و دعاهای مخصوص نماز واجب عصر هفتاد بار از خداوند - جلّ جلاله - طلب آمرزش و استغفار نمودن است. و باید در حال استغفار حالت ظاهری و صورت و قلب و باطن بنده بسان گناهکارانی باشد که از محضر خداوند بزرگی که به تمام اسرا آگاه است، طلب آمرزش و مغفرت می‌کنند، زیرا اگر در حالی که قلبش به غفلت، و عقلش به نسیان و فراموشی مبتلاست، و یا با حالت کسالت و سستی از خداوند - جلّ جلاله - طلب آمرزش نماید، این گونه استغفار خود از جمله گناهان است، و چنین استغفار کننده‌ای همانند کسی خواهد بود که خدا را استهزاء می‌کند و از زود گرفتار شدن به عقوبت ایمن نخواهد بود.

زیرا در روایت آمده که روزی مولایمان امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب (علیه السلام) در میان گروهی از مهاجرین و انصار نشسته بودند. مردی از آن میان گفت:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

- از خدا طلب آمرزش می‌کنم.

حضرت علیّ (علیه السلام) با حالت خشمگین به او روی نموده، و فرمود: وای بر تو، آیا می‌دانی استغفار چیست؟ استغفار اسمی است که بر شش معنی واقع می‌شود:

نخست: پشیمانی از گذشته.

دوم: عزم و تصمیم جدی بر بازگشت نکردن به گناه گذشته.

و سوّم: به هر واجبی که ضایع نموده و بجا نیآورده‌ای توجّه نموده و آن را انجام دهی.

چهارم اینکه: هرچه میان تو و مردم است به مردم برگردانی، تا اینکه خداوند را در حالتی که از گناهان پاکیزه هستی و پیامد گناهی بر تو نیست، ملاقات نمایی.

پنجم اینکه: به گوشتی که به واسطه‌ی حرام خواری بر بدنت روییده توجّه نموده و آن را با غم و اندوه از بین ببری [یا: بگذاری] تا اینکه گوشت دیگر به جای آن بروید.

ششم اینکه: تلخی طاعت را به جسم خود بچشانی، چنانکه شیرینی معصیت را به آن چشانده‌ای، آنگاه در این هنگام می‌گویی:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

فضیلت استغفار بعد از نماز عصر

از جمله روایاتی که پیرامون هفتاد مرتبه استغفار گفتن بعد از نماز عصر نقل شده، این است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس در تعقیب نماز عصر هفتاد بار از خداوند طلب آمرزش نماید، خداوند گناهان پنجاه [یا: پنج] سال او را می‌آمرزد، و اگر این اندازه گناه نداشت پدر و مادرش را می‌آمرزد، و اگر آنها نداشتند بستگان او را می‌آمرزد، و اگر نداشتند همسایگانش را می‌آمرزد.

و در روایت دیگر آمده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر هفتاد بار از خداوند متعال طلب آمرزش نماید، خداوند هفتصد گناه او را می‌آمرزد. سپس فرمود: و کدامیک از شما در شبانه روز هفتصد گناه مرتکب می‌شوید؟!

همچنین در روایت دیگر آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر هفتاد بار از خداوند آمرزش خواهی نماید، خداوند هفتصد گناه او را می‌آمرزد

فضیلت و آداب قرائت سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** در تعقیب نماز عصر

2 - از تعقیبات مهمّ نماز عصر، ده بار قرائت نمودن سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** است؛ پس وقتی خواستی آنها را بخوانی، لازم است که حالت مانند کسی باشد که در پیشگاه پادشاه زمینها و آسمانها قرار گرفته، و کلام او - جلّ جلاله - را در محضرش با هیبت و احترام و تعظیم او قرائت می‌نماید، و نیت می‌کند که: عبادت او - جلّ جلاله - را می‌نمایم از آن جهت که زیننده‌ی پرستش است، نه برای ثواب و پاداش در خانه‌ی جاودانی [یعنی دار آخرت].

از جمله روایاتی که پیرامون قرائت آن نقل شده، این است که حضرت ابی جعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر، ده بار سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** را قرائت کند، مانند اعمال همه خلائق برای او محسوب خواهد شد.

دعا برای حضرت مهدی (علیه السلام)

3 - از دیگر تعقیبات مهم بعد از نماز عصر، اقتدا به مولایمان موسی بن جعفر امام کاظم (علیه السلام) در دعا برای مولایمان حضرت مهدی (علیه السلام) است. هم او که چنانکه پیش از این ذکر کردیم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بشارت او را به اُمّتش داده است. درودها و رحمتها و سلام و برکتهای خداوند بر جدش حضرت محمد باد، و خداوند اینها را به خدمت آن بزرگوار برساند!

چنانکه یحیی بن فضل نوفلی می گوید: در بغداد، بعد از فراغت حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) از نماز عصر به خدمت آن بزرگوار وارد شدم، و دیدم که دستهای خویش را به سوی آسمان بلند نموده، و شنیدم که می فرمود:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَتُقْصَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَ الْخَلْقَ بَعِيرٍ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيئَةُ [يا: الْمَشِيئَةُ] وَإِلَيْكَ الْبَدَأُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقَ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقَ الْبَعْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُنَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَغْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاتُ، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ، كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغُلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمُخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

- تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، که آغاز و پایان و آشکار و نهان می باشی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که افزونی و کاستی اشیا

به توست، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، که مخلوقات را بدون یاری و نیاز به غیر آفریدی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که مشیت و خواست از تو و آغاز هر چیز به سوی توست، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، که پیش از پیش و آفریننده‌ی قبل هستی، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که بعد از بعد و آفریننده‌ی بعد هستی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست و هرچه را بخواهی محو و یا اثبات می‌فرمایی، و کتابِ مادر در نزد توست، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که نهایت و وارث هر چیز هستی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که هیچ چیز نه کوچک و نه بزرگ بر تو پوشیده نمی‌ماند، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که زبانهای گوناگون بر تو مخفی نمی‌ماند، و صداهاى مختلف تو متشابه نمی‌گردد، و هر روز در شأن و کاری هستی، و هیچ کاری تو را از کار دیگر مشغول نمی‌سازد، آگاه به غیب و امور مخفی‌تر از آن، و بسیار پاداش دهنده [روز] جزا، و تدبیر کننده‌ی امور، برانگیزاننده تمام کسانی که در قبرها هستند، زنده کننده استخوانهای پوسیده می‌باشی. از تو به اسم مکنون پوشیده و در گنجینه‌ات که زنده و پابرجا [و برپا دارنده‌ی همه مخلوقات] است و هرکس تو را به آن بخواند محروم نمی‌گردد، درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و در فرج انتقام گیرنده از دشمنانت تعجیل فرموده، و به وعده او وفا نمایی. ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

وی می‌گوید عرض کردم: برای چه کسی دعا فرمودید؟ فرمود: برای مهدی آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). و افزود:

پدرم فدای کسی که شکمش فراخ، و ابروانش، ابروانش پیوسته، ساقهای پایش باریک، فاصله ما بین دو شانهاش دور، و رنگ چهره‌اش گندمین و میان

سیاه و سفید است، و با وجود رنگ گندمی، زردیی به واسطه‌ی بیداری شب پیوسته بر او نمایان است.

پدرم فدای کسی که شبها در حالی که در سجده و رکوع است ستارگان را می‌پاید، پدرم فدای کسی که در راه خشنودی خدا، سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای در او اثر نمی‌گذارد، هم او که روشنی بخش تاریکی است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌نماید.

[راوی می‌گوید:] عرض کردم: خروج آن بزرگوار کی خواهد بود؟ فرمود: هنگامی که لشگرها را در آنبار برکناره‌ی رود فرات و صرّاء و دجله، و نیز ویران شدن پل کوفه، و سوختن برخی از خانه‌های کوفه را مشاهده نمودی، هر گاه اینها را دیدی، مسلماً خداوند آنچه را که می‌خواهد انجام خواهد داد، هیچگاه امر خداوند مغلوب نمی‌گردد چیره گشته و حکم و فرمان او به تأخیر نمی‌افتد.

دعا جهت زدودن گناهان

4 - از تعقیبات مهمّ نماز عصر برای کسانی که می‌خواهند نامه‌ی عملشان را که متضمّن گناهان است از بین ببرند، این است که در روایت آمده که امام صادق (علیه‌السلام) به نقل پدر بزرگوارش از رسول خدا (ﷺ) فرمود که: هر کس بعد از نماز عصر هر روز ده بار بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ [الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ] ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَ
أَسْأَلُهُ أَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٍ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِنٍ مُسْتَجِيرٍ
لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا.

- از خداوندی که معبودی جز او نیست و زنده و پابرجا و [بر پا دارنده‌ی همه مخلوقات و رحمت گستر و مهربان،] و صاحب عظمت و بزرگواری است طلب آمرزش می‌نمایم، و از او درخواست می‌نمایم که همانند پذیرش توبه‌ی بنده‌ی خاضع فقیر درمانده‌ی بیچاره‌ی ذلیل و فروتن و پناه آورده‌ای که هیچ سود و زیان و مرگ و زندگانی و محشور و زنده شدن [در روز قیامت] را برای خود قادر نیست، توبه‌ام را بپذیرد.

خداوند متعال فرمان می‌دهد که نامه‌ی عمل او را هر چه باشد پاره نمایند.

آداب باطنی دعای گذشته

پیش از این تو را از صفت استغفار کنندگان آگاه ساختیم، و حدیث مولایمان امیرالمؤمنین علیّ - (علیه‌السلام) و سلامه - را برای تو روایت نمودیم، اینک به این حدیث که از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل شده نگاه کن و با تمام توان مراعات ادب نموده و در گفتن این سخن که می‌گویی: همانند بنده‌ی ذلیل و خاکسار توبه می‌نمایم صادق باش، و ذلّت و خواری بر حاجت و بر زبان حال تو آشکار

گردد، و هنگام گفتن این سخن که مانند بنده‌ی خاضع و فروتن توبه می‌کنم، خضوع و فروتنی بر چهره‌ی گفتار و کردارت نمایان باشد، و هنگام گفتن مانند بنده‌ی فقیر و نادار توبه می‌کنم صورت درخواست و مسألتت بسان، بنده‌ی فقیر و نادار در برابر مولای بی‌نیاز و بزرگ باشد، و وقتی می‌گویی مانند بنده‌ی بسیار نیازمند توبه می‌کنم باید حالت همانند افراد بسیار حاجتمند باشد که چیزی را از بزرگترین بزرگان خواهانند، و هنگام گفتن این سخن که: همانند بنده‌ی مسکین و بیچاره توبه می‌کنم باید نشانه‌ی بیچارگی و نیاز و ذلت و خواری همراه با صدق و انابه بر قلب و چهره و اعضا و جوارحت نمودار باشد، و وقتی می‌گویی: مانند بنده‌ی پناه آورنده توبه می‌کنم باید مانند کسی که بیم و هراس بزرگ بر او احاطه نموده و در اثر آن به سوی مولای خویش می‌گریزد، و بسان کسی که نه قدرت بر سود و زیان خویش دارد، و نه توان دفع چیزی را از خود، و در تمام حالات با دل و تن و گفتار و کردار، به سوی خداوند - جلّ جلاله - گریخته و پناهنده‌شوی.

پس ای بنده اگر در این سخنان صادق باشی، خداوند - جلّ جلاله - اهلّیت آن را دارد که دو فرشته گمارده شده بر تو را فرمان دهد که نامه‌ی عملت را که متضمّن گناهان و جنایات است از بین برند، بنابراین گمان مکن که اگر این سخنان و استغفارها را با حال غفلت و به دروغ بگویی، از جنایات و گناهان بسیار سالم مانده و رها خواهی شد.

دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نماز عصر

5 - از دیگر تعقیبات مهم، اقتدا به مولایمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خواندن دعاهاى ایشان در تعقیب نمازهای پنجگانه است، از آن جمله دعای حضرتش در تعقیب نماز عصر، که به این صورت است:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعُدْوِ وَالْأَصَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ، [وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَشِيًّا] ²⁴⁸ حِينَ تَظْهَرُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ [وَالْجَبْرُوتِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ.

اللَّهُمَّ، إِنَّ ذَنْبِي أَمْسَى مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَخَوْفِي [أَمْسَى] مُسْتَجِيرًا بِأَمْنِكَ، وَفَقْرِي أَمْسَى مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، وَذُلِّي أَمْسَى مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ، تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ عَظَمَ عَفْوُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، [وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ]، وَجَهَكَ رَبَّنَا أَكْرَمَ الْوُجُوهِ، وَ جَاهُكَ أَعْظَمَ الْجَاهِ، وَ عَطَيْتُكَ أَفْضَلَ الْعَطَاءِ، تَطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَ تُغْنِي فَتَغْفِرُ، وَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَ تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَ تُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ، وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ، وَ تَشْفِي السَّقِيمَ، [وَلَا يُجَازِي] إِلَّا تَكَ أَحَدٌ، وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

- پاک و منزّه است خداوند، ستایش خدای را، و معبودی جز خداوند نیست، و خدا بزرگتر است، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ، پاک و منزّه است خداوند در صبح و عصرها، پاک و منزّه است خداوند در شامگاه و پگاه، پس پاک و منزّه است خدا هنگامی که شب و

هنگامی که صبح می‌کنید، [و ستایش خدا را در آسمانها و زمین وقت شبانگهان و هنگامی که ظهر می‌کنید، پاک و منزّه است] پروردگارت، پروردگار [صاحب صفت] عزّت و سرافرازی از آنچه او را بدان توصیف می‌کنند، و درود بر پیامبران فرستاده شده، و سپاس برای خداوندی که پروردگار عالمیان است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب مُلک و ملکوت است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب عزّت و سلطه و سرکشی است، پاک و منزّه است خداوند زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد، پاک و منزّه است خداوند پا بر جای دایمی، پاک و منزّه است خداوندی که زنده پا بر جا و بر پا دارنده‌ی همه‌ی مخلوقات می‌باشد، پاک و منزّه است خداوند بلند مرتبه‌ی برتر، پاک و منزّه و برتر است خداوند، [و بسیار منزّه و پاکیزه‌ی از هر عیب و نقص است پروردگار فرشتگان و رُوح.

خداوندا، براستی که گناهم با پناهنده شدن به عفو تو شب نموده، و خوف و هراسم با پناهنده شدن به ایمنی تو شب نموده، فقر و نیازمندی‌ام با پناهنده شدن به بی‌نیازی‌ات شب نموده، و خواری و ذلّتم با پناهنده شدن به عزّت و سرافرازی‌ات شب نموده، خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا بیامرز، و به من رحم آر، براستی که تو ستوده و بزرگ و والایی، خداوندا، نور تو تمام و کامل است لذا هدایت فرمودی پس ستایش مخصوص توست، و بردباری‌ات بزرگ است لذا عفو فرمودی پس ستایش مختصّ توست، [و دست - رحمتت را گشاده ای لذا عطا فرمودی پس ستایش مخصوص توست،] و ای پروردگار ما، روی [و اسماء و صفات] تو گرامی‌ترین رویها، و جاه و منزلت تو بزرگترین منزلتها، و عطای تو برترین عطاست، ای پروردگار ما، اطاعتت می‌کنند و سپاس می‌گزاری، و معصیتت می‌کنند و می‌آمیزی، و بیچاره و درمانده را اجابت می‌فرمایی، و رنجوری و گرفتاری را برطرف و از ناراحتی سخت و

گلوگیر نجات می‌بخشی، و فقیر و نیازمند را بی‌نیاز می‌گردانی، و بیمار را
بهبودی بخشیده، و هیچ کس نمی‌تواند پاداشِ [نعمت‌های تو را بدهد.] و تو
مهربانترین مهربانها می‌باشی.

دعای حضرت زهراء (علیها السلام) در تعقیب نماز عصر

6 - از جمله تعقیبات مهم نماز عصر، خواندن دعای حضرت زهرا، فاطمه، سرور زنان (علیها السلام) است که حضرتش آن را در ضمن دعاهاى خود برای نمازهای پنجگانه می خواند، به این صورت که:

سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفَى [يا: لَا يَخْفَى] عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لِأَنْعَمِهِ، وَلَا جَاحِدًا لِفَضْلِهِ، فَالْخَيْرُ مِنْهُ وَهُوَ أَهْلُهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ مَنْ خَلَقَ مِمَّنْ أَطَاعَهُ وَ مِمَّنْ عَصَاهُ، فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنَّهُ، وَإِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَامٍ [يا: يُرِيدُ ظُلْمًا] لِلْعَبِيدِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانِ، الرَّفِيعِ الْبُنْيَانِ، الشَّدِيدِ الْأَرْكَانِ [يا: الْأَمْكَانِ]، الْعَزِيزِ السُّلْطَانَ، الْعَظِيمِ الشَّانِ، الْوَاضِحِ الْبُرْهَانَ، الرَّحِيمِ الرَّحْمَانَ، الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي احْتَجَبَ عَن كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَةِ الرُّبُوبِيَّةِ وَ قُدْرَةِ الْوَحْدَانِيَّةِ، فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ، وَ لَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ، وَ لَمْ يَتَوَهَّمْهُ اعْتِبَارٌ، لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ.

اللَّهُمَّ، قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَ تَسْمَعُ كَلَامِي، وَ تَطَّلِعُ عَلَى أَمْرِي، وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي، وَ لَيْسَ يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي، وَ قَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي طَلِبَتِي، وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي، وَ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسْأَلَتِي، وَ سَأَلْتُكَ لِفَقْرٍ وَ حَاجَةٍ وَ ذَلَّةٍ وَ ضِيقَةٍ وَ بُؤْسٍ وَ مَسْكَنَةٍ، وَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي، وَ لَا أَجِدُ مَنْ يَغْفِرُ لِي غَيْرَكَ، وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَن عَذَابِي، وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَاسْأَلُكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَ غِنَائِكَ [يا: غِنَاكَ] عَنِّي، وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، وَ قَلَّةِ امْتِنَاعِي مِنْكَ، أَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا دُعَاءً وَافِقَ مِنْكَ إِجَابَةً، وَ مَجْلِسِي هَذَا مَجْلِسًا وَافِقَ مِنْكَ رَحْمَةً، وَ طَلِبَتِي هَذِهِ طَلِبَةً وَافِقَتْ نَجَاحًا، وَ مَا خَفَّتْ عُسْرَتُهُ مِنَ الْأُمُورِ فَيَسِّرُهُ، وَ مَا خَفَّتْ عَجْزُهُ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَوَسِّعُهُ، وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ فَاعْلِبْهُ، آمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ هَوْنٌ

عَلَى مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ، وَكَشِفِ عَنِّي مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ، وَيَسِّرْ لِي مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ،
آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ، انزِعِ الْعُجْبَ وَالرِّيَاءَ وَالْكَِبْرَ وَالْبَغْيَ وَالْحَسَدَ وَالضُّعْفَ وَالشَّكَّ وَالْوَهْنَ وَ
الضَّرَّ وَالْأَسْقَامَ [يا: الْإِنْتِقَامَ] وَالْخِذْلَانَ وَالْمَكْرَ وَالْخُدَيْعَةَ وَالْبَلِيَّةَ وَالْفَسَادَ مِنْ سَمْعِي وَ
بَصَرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، وَخُذْ بِنَا صِيَّتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.
اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ ذُنُوبِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَآمِنْ رَوْعَتِي،
وَاجْبُرْ مُصِيبَتِي، وَأَغْنِ فَقْرِي، وَيَسِّرْ حَاجَتِي، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاجْمَعْ شَمْلِي، وَكْفِنِي
مَا أَهْمَنِي، وَمَا غَابَ عَنِّي وَمَا حَضَرَنِي وَمَا أَتَخَوَّفُهُ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ، فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَالْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَأَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ
عَلَيْهَا، فَرَقًا مِنْكَ وَخَوْفًا وَطَمَعًا، وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَلَا يُخَيِّبُ
الدُّعَاءَ، فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَمُوسَى كَلِيمِكَ، وَعِيسَى رُوحِكَ، وَمُحَمَّدٍ
صَفِيِّكَ وَنَبِيِّكَ (صلى الله عليه وآله وسلم) أَنْ لَا تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي، حَتَّى تَقْبَلَ
تَوْبَتِي، [وَأَتْرَحَمَ عَثْرَتِي]، وَتَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

اللَّهُمَّ، اجْعَلْ ثَأْرِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ عَادَانِي، اللَّهُمَّ، لَا تَجْعَلَ
مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَلَا تَجْعَلَ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي، اللَّهُمَّ، أَصْلِحْ لِي دِينِي
الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي
إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي [مِنْ كُلِّ شَرٍّ،
اللَّهُمَّ، إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ، فَاعْفُ عَنِّي، اللَّهُمَّ، أَحْيِنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَ
تَوَفَّنِي إِذَا كَانَتْ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي، وَأَسْأَلُكَ خَشِيَّتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَالْعَدْلَ فِي
الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَأَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَبِيدُ، وَقُرَّةَ عَيْنٍ
لَا تَنْقَطِعُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ، وَأَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْتَهْدِيكَ لِإِرْشَادِ أَمْرِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، اللَّهُمَّ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَ
ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ،
وَ صَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ، وَخُرُوجًا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ²⁴⁹

مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَأَشْهَدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ، أَنْكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ لِشَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ (صلى الله عليه وآله وسلم)، وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا كَاتِبَ قَبْلِ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ، وَالْمُكَوِّنَ لِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْكَاتِبَ بَعْدَ مَا لَا يَكُونُ شَيْءٌ، اللَّهُمَّ، إِلَى رَحْمَتِكَ رَفَعْتُ بَصْرِي، وَإِلَى جُودِكَ بَسَطْتُ كَفِّي، فَلَا تَحْرِمْنِي وَأَنَا أَسْأَلُكَ، فَلَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَسْتَغْفِرُكَ، اللَّهُمَّ، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنَّكَ بِي عَالِمٌ، وَلَا تُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَى قَادِرٌ، بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ، ذَا الرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ وَالصَّلَاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ [الزَّائِكَةِ]، صَلِّ عَلَى أَكْرَمِ خَلْقِكَ عَلَيْكَ، وَأَحَبِّهِمْ إِلَيْكَ، وَأَوْجَهِهِمْ لَدَيْكَ، مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، الْمَخْصُوصِ بِفَضَائِلِ الْوَسَائِلِ، أَشْرَفِ وَأَكْرَمِ وَأَرْفَعِ وَأَعْظَمِ وَأَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى مُبَلِّغِ عَنكَ، وَمُؤْتَمِنِ عَلَى وَحْيِكَ. اللَّهُمَّ، كَمَا سَدَدْتَ بِهِ الْعَمَى، وَفَتَحْتَ بِهِ الْهُدَى، فَاجْعَلْ مَنَاهِجَ سُبُلِهِ لَنَا سُنَنًا، وَحُجَجَ بُرْهَانِهِ لَنَا سَبَبًا، نَأْتَمُّ بِهِ إِلَى الْقُدُومِ عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ مِلْأَ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمِلْأَ طِبَاقِهِنَّ وَمِلْأَ الْأَرْضِ السَّبْعِ وَمِلْأَ مَا بَيْنَهُمَا وَمِلْأَ عَرْشِ رَبِّنَا الْكَرِيمِ، وَمِيزَانَ رَبِّنَا الْغَفَّارِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِ رَبِّنَا الْقَهَّارِ، وَمِلْأَ الْجَنَّةِ وَمِلْأَ النَّارِ، وَعَدَدَ النَّارِ وَالْمَاءِ، وَعَدَدَ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى.

اللَّهُمَّ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَمَنِّكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَفَضْلِكَ وَسَلَامَتِكَ وَذِكْرَكَ وَنُورَكَ وَشَرَفَكَ وَنِعْمَتَكَ وَخَيْرَتَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ، أَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ الْعُظْمَى وَكَرِيمَ جَزَائِكَ فِي الْعُقْبَى، حَتَّى تُشْرِفَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَا إِلَهَ الْهُدَى، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ [وَأَنْبِيَائِكَ] وَرُسُلِكَ، سَلَامٌ عَلَى جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَحَمَلَةِ الْعَرْشِ وَمَلَائِكَتِكَ [الْمُقْرَبِينَ]، وَالْكَرَامِ الْكَاتِبِينَ وَالْكَرُوبِيِّينَ، وَسَلَامٌ عَلَى مَلَائِكَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَسَلَامٌ عَلَى أَبِينَا آدَمَ وَعَلَى أُمَّنَا حَوَّاءَ، وَسَلَامٌ عَلَى النَّبِيِّينَ أَجْمَعِينَ وَالصُّدِّيقِينَ وَعَلَى [الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ أَجْمَعِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَحَسْبِيَ اللَّهُ، وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا.

- پاک و منزّه است خداوندی که گناهان دلها را می‌داند، پاک و منزّه است خداوندی که عدد گناهان را بشمار درمی‌آورد، پاک و منزّه است خداوندی که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر او مخفی نمی‌ماند، و ستایش خداوندی را که مرا ناسپاس نعمتها و مُنکر فضل خود قرار نداد، پس خیر از اوست، و تنها و او زیبنده‌ی آن است، سپاس خدا را به خاطر حجت رسایش بر تمام آنچه خلق فرموده چه کسانی که او را اطاعت می‌کنند و یا از او نافرمانی می‌کنند، پس اگر مهربانی می‌کند از بخشش اوست، و اگر عذاب می‌فرماید به خاطر اعمالی است که خود آنان پیش فرستاده و انجام داده‌اند، و خداوند هیچ ستمی را نسبت به بندگان [اراده] نمی‌فرماید، ستایش خداوندی را که بلند مرتبه و بلند پایه و سخت پا بر جا [و متمکن از امور] و دارای فرمانروایی سرافراز، و شأن عظیم، و دلیل و برهان روشن، و مهربان و رحمت گستر و نعمت دهنده و بسیار بخشنده است. سپاس خدایی را که خود را از هر آفریده‌ای که او را به حقیقت ربوبیت و قدرت وحدانیت می‌بیند محبوب فرموده، و لذا دیدگان او را نمی‌بینند، و اخبار به او احاطه ندارند، و با هیچ مقداری نمی‌توان او را سنجید، و با هیچ امتحان و سنجش نمی‌توان او را توهّم نمود، زیرا او پادشاه جبار و سرکش است.

خداوندا، براستی که جایگاه مرا می‌بینی، و سخنم را می‌شنوی، و بر امرم اطلاع داری، و به آنچه که در نفسم می‌گذرد آگاهی، و هیچ چیز از امرم بر تو مخفی نیست، و بی‌گمان [به خاطر برآوردن] خواسته‌ام به درگاه توستافتم، و حاجتم را از تو درخواست، و درباره‌ی درخواستم به تو تضرّع و زاری می‌نمایم، و به خاطر فقر و حاجت و ذلت و تنگدستی و سختی و بیچارگی از تو مسألت

می‌نمایم، و تویی پروردگار بخشنده‌ی آمرزش، تو کسی غیر من را می‌بایی که عذابش نمایی، ولی من کسی غیر تو را نمی‌یابم که مرا بی‌آمرزد، و تو از عذاب من بی‌نیازی، ولی من به رحمتت نیازمندم، پس به خاطر نیازمندی‌ام به تو و غنای تو از من، و قدرتت بر من و قدرت سرییچی نداشتن و گریختن من از تو، مسألت دارم که این دعا را با اجابت کردنت، و این نشستم را با رحمتت و موافق و قرین، و درخواستم را با کامیابی و برآوردن آن سازگار و قرین گردانی، و اموری را که سختی آن پنهان است بر من آسان فرما، و اشیایی را که ناتوانی‌اش مخفی است بر من وسیع گردان، و هرکس از میان همه‌ی خلائق اراده‌ی بدی به من کند، پس خود بر او غلبه فرما، اجابت فرما، ای مهربانترین مهربانها، و اموری را که از سختی آن می‌ترسم بر من راحت گردان، و از هر امری که از ناراحتی آن بیم دارم برطرف فرما، و از هر چه که از مشکل بودن آن می‌هراسم بر من آسان فرما. اجابت فرما ای پروردگار عالمیان،

خداوندا، به خود بالیدن و ریاء و کبر و ستم و حسد و ناتوانی و شک و سستی و ضرر و بیماریها [یا: انتقام] و شکست و مکر و فریب و گول زدن و گرفتاری و تباهی را، از گوش و چشم و همه‌ی اعضاء و جوارحم برکن، و [موی] پیشانی [و تمام وجود] مرا به سوی آنچه که دوست می‌داری و موجب خشنودی توست بگیر [و بکش] ای مهربانترین مهربانها.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و گناه‌ها را بیامرز، و عیبم را ببوشان، و ترسم را ایمنی بخش، و گرفتاری‌ام را برهم آور، و ناداری‌ام را بی‌نیاز، و حاجتم را آسان برآورده ساز، و از لغزشم درگذر، و پراکندگی و پریشانی‌ام را گردآور، و هر چه را که مایه‌ی غم و اندوه و موجب اهتمام من

است چه اموری که بر من پوشیده است و یا [در ذهنم] حاضر است، و هر چه را که از آن هراس دارم، کفایت فرما، ای مهربانترین مهربانها.

خدایا، امورم را به تو واگذار نمودم، و پشتم را به پناه تو درآوردم، و به واسطه‌ی جنایات و گناهایی که بر نفس خویش نمودم، از روی ترس و هراس از تو و طمع و آرزوی [تو] آن را به تو تسلیم نمودم، و تویی خداوند بزرگواری که امید هیچ کس را قطع نمی‌فرمایی، و دعای هیچ کس را نومید و محروم نمی‌نمایی، پس به حق خلیلت حضرت ابراهیم، و کلمیت حضرت موسی، و رُوح حضرت عیسی، و برگزیده و پیامبرت حضرت محمد (ﷺ) درخواست می‌نمایم که روی [و اسماء و صفات]، بزرگواریت را از من برنگردانی، تا اینکه توبه‌ام را پذیرفته [و بر اشک چشمم رحم آری]، و گناه‌ام را بیامرزی، ای مهربانترین مهربانها، و ای فرمانروا ترین فرمانروایان.

خداوندا، انتقام مرا از کسانی که به من ستم روا داشته‌اند بگیر، و مرا بر کسانی که با من سر ستیز دارند پیروز گردان، خدایا، مصیبت مرا در دینم قرار مده، و دنیا را بزرگترین هم و غم و [نهایت] اندازه‌ی دانشم قرار مده، خداوندا، دینم را که مایه‌ی نگاهداری امور من است، و دنیایم را که معاش و روزگزاران من در آن است، و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است اصلاح فرما، و زندگانی [دنیا] را برای من [مایه‌ی] افزونی از هر خیر و خوبی قرار ده، و مرگ را آسودگی از هر شرّ و بدی بگردان. خداوندا، براستی که تو بسیار گذشت کننده هستی، و عفو و گذشت را دوست می‌داری، پس از من درگذر، خدایا، تا زمانی که زندگانی را برای من خیر می‌دانی زنده‌ام بدار، و هنگامی که مردن به خیر من است، جان مرا بستان، و هراس از خود را در نهان و آشکار، و عدل و داد در حال خشم و خرسندی را از تو خواستارم، و میانه روی در حال فقر و غنی را از تو مسألت

دارم، و از تو درخواست می‌نمایم نعمت [معنوی] ای را که هرگز از بین نمی‌رود، و نور چشمی را که هرگز تمام نمی‌شود، و خشنودی بعد از قضا و اراده‌ی حتمی‌ات را از تو مسألت دارم، و لذت نظر به روی [و اسماء و صفات] ات را از تو می‌خواهم.

خداوندا، براستی که برای ارشاد امرم از تو طلب هدایت می‌نمایم، و به تو پناه می‌برم از شرّ نفسم، خدایا، عمل بد انجام دادم، و به خود ستم نمودم، پس مرا بیامرز، که گناهان را جز تو نمی‌آمرزد، خداوندا، همانا از تو زود رسانیدن عافیت، و شکیبایی بر بلایت، و خروج از دنیا به سوی رحمتت را درخواست می‌کنم، خداوندا، براستی تو و ملائکه و حاملان عرش و تمام کسانی را که در آسمانها و در زمین هستند گواه می‌گیرم که مسلماً تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست و یگانه هستی و شریکی برای تو وجود ندارد، و اینکه حضرت محمد (ﷺ) بنده و فرستاده توست، و از تو درخواست می‌نمایم به اینکه سپاس برای توست، و معبودی جز تو که نو آفرین آسمانها و زمین هستی وجود ندارد، ای کسی که پیش از آنکه چیزی باشد بوده‌ای، و پدید آورنده‌ی همه چیز هستی، و بعد از آنکه هیچ چیز نخواهد بود نیز خواهی بود، خداوندا، به سوی رحمتت چشم به بالا نموده‌ام، و به سوی بخشش دستم را گشاده‌ام، پس مرا که از تو درخواست می‌نمایم محروم گردان، و مرا که از تو طلب آمرزش می‌نمایم عذابم مفرما، خداوندا، پس مرا بیامرز، که به من آگاهی، و عذابم مفرما که بر من قادر و توانایی. به مهر و رحمتت، ای مهربانترین مهربانها.

خداوندا، ای صاحب رحمت واسعه و درود [و رحمت ویژه] سودمند بلند پایه [و پاکیزه]، درود [و رحمت ویژه] خود را بر گرامی‌ترین مخلوقات و محبوبترین آنها در نزد خود و آبرومندترین آنها در پیشگاهت، یعنی حضرت

محمد (ﷺ) بنده و فرستاده‌ات که به برترین دستاویزها مخصوص گردانیده‌ای، بفرست، [همانند] برترین و گرمی‌ترین و بلند پایه‌ترین و بزرگترین و کاملترین درودی را که بر [هر] مبلغ از ناحیه‌ی خود و امانت دار وحیات فرستاده‌ای، خداوندا، چنانکه کوری [و گمراهی] را به او بر بسته، و [راه] هدایت را به واسطه‌ی او گشودی، پس راههای روشن او را، راه و روش ما، و حجتهای دلیل قطعی او را وسیله و دستاویز ما قرار ده، تا برای راه سپردن و وارد شدن بر درگاهت به آن بزرگوار اقتدا نماییم. خداوندا، ستایش برای تو به اندازه‌ی پُری آسمانهای هفتگانه و پُری طبقات آنها، و به اندازه‌ی پُری زمینهای هفتگانه و پُری میان آسمانها و زمینها، و به اندازه‌ی پُری عرش پروردگار بزرگوارمان، و به اندازه‌ی سنجش پروردگار بسیار آمرزنده‌ی مان، و به شماره‌ی کلمات پروردگار قهار و چیره‌ی مان، و به اندازه‌ی پُری بهشت و پُری آتش جهنم و به شماره‌ی خاک و آب، و به عدد آنچه که دیده می‌شود و یا دیده نمی‌شود.

خدایا، و درودها و برکتها و بخشش و آمرزش و رحمت و خشنودی و فضل و سلامتی و یاد و نور و برتری و نعمت و برگزیدگی‌ات را بر محمد و آل محمد قرار ده، چنانکه حضرت ابراهیم و آل ابراهیم را مورد درود و برکت و رحمت خویش قرار دادی. براستی که تو ستوده و بلند پایه هستی. خداوندا، بزرگترین وسیله و گرمی‌ترین پاداشت را در جهان بازبین و قیامت به حضرت محمد (ﷺ) ارزانی دار، تا اینکه او را در روز قیامت بر همگان برتری بخشی، ای معبود و خداوند هدایت، خدایا، بر محمد و بر آل محمد و بر تمام فرشتگان [و پیامبران] و فرستادگانت درود فرست. سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و فرشتگانت مقرب و [فرشتگان] بزرگوار نویسنده‌ی [اعمال بندگان] و سروران ملائکه و مقربین آنها، و سلام بر تمام فرشتگانت. و

سلام بر پدرمان حضرت آدم (عَلَيْهِ السَّلَامُ) و بر مادرمان حوّا، و سلام بر تمام پیامبران و صدیقان و بر گواهان [اعمال] و [بر] صالحان، و سلام بر تمام پیامبران فرستاده شده، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است. و هیچ دگرگونی و نیرویی جز به خداوند بلند پایه بزرگ نیست، و خداوند مرا بس است، و چه وکیل و کارگزار خوبی، و درود و سلامتی و امنیتی [مطلق] بسیار خداوند بر حضرت محمد و آل او باد.

7 - و از جمله تعقیبات مهم، دعاهایی است که پیش از این از امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در تعقیب تمام نمازهای واجب ذکر کردیم.

دعای امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) در تعقیب نماز عصر 8 - از دیگر جمله تعقیبات مهم، باز دعای امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بعد از نماز عصر است، به این صورت که:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا يُغْشَى، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ وَمَا أَطْرَدَ الْخَافِقَانِ، وَمَا حَادَا الْحَادِيَانِ، وَمَا عَسَسَ لَيْلٌ، وَمَا اذْلَهَمَ ظِلَامٌ، وَمَا تَفَسَّ صُبْحٌ، وَمَا أَضَاءَ فَجْرٌ، اللَّهُمَّ، اجْعَلْ مُحَمَّدًا خَطِيبَ وَقْدِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ، وَالْمَكْسُوءَ حُلَّ لَ الْأَمَانِ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالنَّاطِقَ إِذَا خَرَسَتْ الْأَلْسُنُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ، اللَّهُمَّ، أَعْلِ مَنْزِلَتَهُ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَ أَظْهِرْ حُجَّتَهُ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ، وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ، وَ اغْفِرْ مَا أَحْدَثَ الْمُحَدِّثُونَ مِنْ أُمَّتِهِ بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْنِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، وَ أُوْرِدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ الْإِفْضَالِ وَ الْإِنْعَامِ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بَغَيْرِ الْحَقِّ، وَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ مَا لَمْ تُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا، أَوْ أَقُولَ عَلَيْكَ مَا لَمْ أَعْلَمْ، اللَّهُمَّ، إِنِّي

أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ
إِثْمٍ، وَأَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي صَلَاتِي وَدُعَائِي بَرَكَاتٌ تُطَهِّرُ بِهَا
قَلْبِي، وَتُؤْمِنُ بِهَا رَوْعَتِي، وَتَكْشِفُ بِهَا كَرْبِي، وَتَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِي، وَتُصَلِّحُ بِهَا أَمْرِي، وَ
تُغْنِي بِهَا فَقْرِي، وَتَذْهَبُ بِهَا ضُرِّي، وَتُفَرِّجُ بِهَا هَمِّي، وَتُسَلِّي بِهَا غَمِّي، وَتَشْفِي بِهَا
سُقْمِي، وَتُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِي، وَتَجْلُو بِهَا حُزْنِي، وَتَقْضِي بِهَا دِينِي، وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِي، وَ
تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا كَرْبًا إِلَّا
كَشَفْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا سُقْمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا
أَذْهَبْتَهُ، وَلَا حُزْنَ إِلَّا سَلَّيْتَهُ، وَلَا ذِينًا إِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا كَفَيْتَنِيهِ، وَلَا حَاجَةً إِلَّا
قَضَيْتَهَا، وَلَا دَعْوَةً إِلَّا أَجَبْتَهَا، وَلَا مَسْأَلَةً إِلَّا أَعْطَيْتَهَا، وَلَا أَمَانَةً إِلَّا أَدَيْتَهَا، وَلَا فِتْنَةً
إِلَّا صَرَفْتَهَا، اللَّهُمَّ، اصْرِفْ عَنِّي الْعَاهَاتِ وَالْآفَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ مَا أُطِيقُ وَمَا لَا أُطِيقُ صَرْفَهُ
إِلَّا بِكَ.

اللَّهُمَّ، أَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأَمْسِ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ
أَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَمْسِي فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، وَأَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا
بِعِزِّكَ، وَأَمْسِي ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا بِقُوَّتِكَ، وَأَمْسِي وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ
الدَّائِمِ الْبَاقِي. يَا كَاتِبًا 250 قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ، وَاصْرِفْ عَنِّي وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ، شَرُّ
كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَشَرُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ [يا: جَابِرٍ] وَعَدُوِّ
قَاهِرٍ، وَحَاسِدٍ مُعَانِدٍ، وَبَاغٍ مُرَاصِدٍ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَّةِ وَمَا دَبَّ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ،
وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَفَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَأَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ
الَّتِي لَا تُرَامُ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي غَمًّا وَلَا هَمًّا وَلَا مُتْرَدِيًّا وَلَا رَدْمًا وَلَا غَرْقًا
وَلَا حَرْقًا وَلَا عَطْشًا وَلَا صَبْرًا [يا: ضَيْرًا] وَلَا قَوْدًا وَلَا أَكِيلَ السَّمْعِ، وَأَمْتَنِي عَلَى
فِرَاشِي فِي عَافِيَةٍ، أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ أَهْلُهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ: كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ

مَرَّضُوصٌ²⁵¹ مُقْبِلِينَ غَيْرِ مُدْبِرِينَ، عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ (صلى الله عليه وآله وسلم)، قائماً بحَقِّكَ غَيْرَ جَاحِدٍ لِّآلَائِكَ، وَلَا مُعَانِدٍ لِّأَوْلِيَائِكَ، وَلَا مُوَالِيًا لِأَعْدَائِكَ، يَا كَرِيمُ. اَللّهُمَّ، اجْعَلْ دُعَائِي فِي الْمَرْفُوعِ الْمُسْتَجَابِ، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَاغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ مَا وَلَدَا وَ مَا وَلَدْتُ وَ مَا تَوَالَدُوا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، وَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا.

- ستایش خدایی را که پروردگار عالمیان است، و درود خداوند بر حضرت محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاک او، خداوندا، بر حضرت محمد درود فرست در شب هنگامی که می پوشاند، و بر او درود فرست در روز هنگامی که روشن می نماید، و بر او درود فرست در آخرت و دنیا، و بر او درود فرست تا زمانی که شب و روز آشکار می گردند، و مشرق و مغرب در پی هم می آیند، و دو ستاره ی مشخص طلوع می کنند، و شب روی می آورد و می رود، و شدیداً تاریک می گردد، و صبح آشکار گشته و سپیده دم روشن می گردد. خداوندا، حضرت محمد (ﷺ) را سخنور مؤمنانی که بر تو وارد می شوند قرار داده، و هنگامی که در پیشگاهت می ایستد، جامه های نفیس ایمنی را بر تنش بپوشان، و هنگامی که زبانها لال می شوند زبان او را به مدح و ثنای بر خویش بگشای، خداوندا، مقام و منزلت او را بلند، و پایه اش را رفیع، و دلیلش را آشکار گردان، و شفاعتش را بپذیر، و او را به مقام محمود و جایگاه ستوده ای که وعده اش داده ای برانگیز، و آنچه را بدعت گزاران و نو آوران از اُمّتش بعد از او بدعت گذاری نموده اند، بیامرزش [و محو فرما]. خدایا، از سوی من به روح محمد و آل محمد درود و سلام برسان، و از آنان بر من درود و سلام بسیار وارد گردان، ای صاحب عظمت و بزرگواری و بخشش و انعام،

خدایا، به تو پناه می‌برم از فتنه‌های گمراه‌کننده، آشکار و نهان آنها، و از گناه و تجاوز به ناحق و اینکه آنچه را که دلیلی برای آن نازل فرموده‌ای شریک تو قرار دهم، یا درباره‌ی تو سخنی را که از آن آگاهی ندارم بگویم، خداوندا، از تو رحمت‌های لازم و آمرزش‌های حتمی، و غنیمت برگرفتن از هر کار نیک، و سلامتی از هر گناه را درخواست می‌نمایم. و راه یافتن به بهشت و رهایی از آتش جهنم را از تو می‌خواهم.

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و در نماز و دعایم برکتی قرار ده که به وسیله‌ی آن دلم را پاکیزه گردانیده، و هراسم را ایمنی بخشیده، و ناراحتی سخت و گلوگیرم را برطرف، و گناهم را آمرزیده، و امورم را اصلاح، و فقر و ناداری‌ام را مبدل به بی‌نیازی، و رنجوری و گرفتاری‌ام را مرتفع، و ناراحتی‌ام را برطرف نموده، و اندوهم را تسلی داده، و بیماری‌ام را بهبودی بخشیده، و ترسم را ایمنی داده، و حزن و اندوهم را برطرف، و بدهی‌ام را ادا نموده، و پراکندگی و پریشانی‌ام را جمع، و رویم را سپید گرداند، و آنچه را که در نزد توست برایم خیر قرار ده،

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و هیچ گناهی برای من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی، و هیچ ناراحتی سخت مگر اینکه برطرف نموده باشی، و هیچ خوف و هراسی مگر اینکه ایمنی بخشیده، و هیچ بیماری مگر اینکه بهبود ساخته باشی، و هیچ ناراحتی مگر اینکه برطرف نموده باشی، و هیچ غمی مگر اینکه مرتفع ساخته باشی، و هیچ اندوهی مگر اینکه تسلی داده باشی، و هیچ بدهکاری مگر اینکه ادا نموده باشی، و هیچ دشمنی مگر اینکه مرا از آن کفایت نموده باشی، و هیچ حاجتی مگر اینکه برآورده باشی، و هیچ دعایی مگر اینکه اجابت نموده باشی، و هیچ خواسته‌ای مگر اینکه عطا فرموده باشی، و هیچ

امانتی مگر اینکه ادا فرموده باشی، و هیچ امتحان و گرفتاری مگر اینکه جلو آن را گرفته باشی، خداوندا، تمام آسیبها و آفات و گرفتاریها، چه آنچه را که توان مرتفع ساختن آن را دارم و چه ندارم، از من بازدار.

خداوندا، ظلم من با پناهنده شدن به عفو تو، و گناهانم با پناهنده شدن به آمرزش، و خوف و هراسم با پناهنده شدن به امن و امان تو، و ناداری‌ام با پناهنده شدن به بی‌نیازی‌ات، و خواری‌ام با پناهنده شدن به سرافرازی‌ات، و ناتوانی‌ام با پناهنده شدن به نیروی تو، و روی [و وجود] پوسنده و فانی شونده‌ام با پناهنده شدن به روی [و اسماء و صفات] جاودان و پاینده‌ی تو شب نموده، ای خداوندی که پیش از هر چیز بوده‌ای، و ای پدید آورنده‌ی هر چیز، بر محمد و آل محمد درود فرست و از من و از خانواده و مال و دارایی و فرزندانم و تمام خویشان و بستگانی که به واسطه‌ی ایشان ناراحت می‌شوم و از برادرانم در راه تو، شرّ هر شرّ رسان، و شرّ هر سرکش خیره سر و شیطان گردنکش، و پادشاه و فرمانروای ظالم [یا: سرکش]، و دشمن چیره، و حسود ستیزه جو، و ستمکاری که در کمین است، و از شرّ هر حیوان زهرآلود و غیر سمّی و تمام آنچه که در شب و روز می‌جنبند. و از شرّ گناهکاران عرب و عجم و گناهکاران و فاسقان جنّ و انس بدور دار، و به زره آهنین محفوظ تو که هیچ کس و چیز نمی‌تواند آهنگ آن را بکند پناه می‌برم، و از تو درخواست می‌نمایم که مرا با حالت غمناک و اندوهگین و یا در حالتی که از جایی پرت شده و بیافتم، و یا دیواری خراب شود و بر روی من بریزد، و یا غرق شوم، و یا بسوزم، و یا در حالت تشنگی و یا در حالتی که به زور نگاهم دارند و بکشند، [و یا: در حالتی که به من آسیب برسانند و کشته شوم] و یا مرگم به خاطر قصاص و یا خوراک درندگان کردم، مَمیران. و در رختخوابم در حالت عاقبت یا

در صفی که اهل آن را در کتاب خود ستوده و فرموده‌ای: به گونه‌ای که گویی ساختمان صُربین هستند بمیران، در حالتی که روی [به دشمن] باشیم نه در حال پشت کردن و فرار و گریز از آنها، و نیز در حالتی که در طاعت تو و پیروی رسولت (ﷺ) بوده، و به حقّ تو قیام نموده [و آن را بجا آوریم] بدون اینکه نه نعمتهایت را انکار نماییم، و نه با دوستانت دشمنی داشته باشیم، و نه با دشمنانت دوستی کنیم. ای بزرگوار.

خداوندا، دعای مرا در میان دعا‌های بالا برده شده و مستجاب قرار ده، و مرا در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاہت بگردان، آنان که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند، و من و پدر و مادر و تمام فرزندان آنها و مرا و تمام کسانی را که از مردان و زنان مؤمن تولّد یافته‌اند، بیامرز، ای بهترین آمرزندگان، و ستایش برای خداوندی که نماز دیگری را که نوشته‌ی معین و وقت دار برای مؤمنین است، از ناحیه‌ی من برآورده ساخت.

9 - از دیگر تعقیبات مهمّ دعای مولایمان حضرت مهدی (عج) است که را پیش از این تعقیب تمام نمازها ذکر و روایت کردیم.

10 - از جمله تعقیبات مهمّ، دعای احمد بن عبدالله بن خانبه است که بیشتر در تعقیب نماز ظهر یادآور شدیم، و آن بعد از همه نمازها برای جبران گناهان و جنایات خوانده می‌شود.

کیفیت سجده‌ی شکر در تعقیب نماز عصر

11 - وقتی بنده از تمام این امور به صورتی که ذکر نمودیم، یا به هر اندازه که برای او مقدور بود، و خداوند جلّ جلاله توفیق آن را به او عنایت فرمود و از آن خشنود می‌گردد - فراغت پیدا نمود، لازم است که سجده‌ی شکر را به کیفیتی که در تعقیب نماز ظهر بر آن آگاهی دادیم، همراه با ذلت و خاکساری بندگی برای عظمت الهی بجا آورد.

بعد سجده بجا آور و بگو آنچه را که روایت شده مولایمان علی بن الحسین -

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - همواره در سجده صد بار می‌فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا.

- از روی شکر و سپاسگزای ستایش خدا را می‌نمایم.

و پس از هر ده بار گفتن آن، می‌فرمود:

شُكْرًا لِلْمُجِيبِ

- سپاس می‌گزارم خداوندی را که اجابت می‌نماید.

سپس می‌فرمود:

يَا ذَا الْمَنِّ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، وَلَا يُخْصِيهِ غَيْرُهُ، وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ

أَبَدًا، يَا كَرِيمٌ، يَا كَرِيمٌ، يَا كَرِيمٌ.

- ای خداوندی که صاحب بخشش جاودانی‌ای که هیچگاه پایان نپذیرفته، و

غیر تو نمی‌تواند آن را به شماره درآورد، و ای صاحب نیکی‌ای که هیچگاه

تمام نمی‌شود، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار.

بعد دعا و تضرع نموده و حاجت خویش را ذکر می‌نمود، آنگاه می‌فرمود:

لَكَ الْحَمْدُ إِنَّ أَطْعَمْتَنِي، وَلَكَ الْحُجَّةُ إِنَّ عَصَيْتُكَ، لَا صُنْعَ لِي وَلَا لغيرِي فِي إِحْسَانِ

مِنْكَ إِلَيَّ فِي حَالٍ [يَا: حَالِي] الْحَسَنَةِ، يَا كَرِيمٌ، يَا كَرِيمٌ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ

صِلْ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتِكَ وَ أَسْأَلُكَ مَنْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ أِبْدَأْ بِهِمْ وَ ثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ.

- اگر اطاعت تو را نمودم سپاس برای توست، و اگر معصیت تو را نمودم حجت و برای توست، در احسان و نیکوکاری از ناحیه‌ی تو به من در هنگام انجام حسنه و کار نیک [و یا حال نیکم] نه من و نه دیگر هیچ نقشی نداریم، ای بزرگوار، ای بزرگوار، بر محمد و اهل بیت او درود فرست. و به رحمتت، تمام آنچه را که درخواست نموده و می‌نمایم، به تمام مردان و زنان مؤمنی که در قسمت‌های مشرق و مغرب زمین قرار دارند، برسان، و نخست به آنان عنایت فرما، و در مرحله‌ی دوم به من بده.

آنگاه سمت راست صورت خویش را بر زمین گذارده و می‌فرمود:

اللَّهُمَّ، لَا تَسْلُبْنِي مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ وِلَايَتِكَ وَ وِلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

- خداوندا، آنچه را که از ولایت و دوستی خود و ولایت محمد و آل محمد - که درود بر او و ایشان باد - بر من ارزانی داشته‌ای، باز مگیر. بعد سمت چپ صورت خویش را بر زمین می‌نهد و مثل آن را می‌فرمود. (بایان روایت)

12 - سپس هر حاجتی را که دوست داشتی درخواست می‌نمایی، و اگر خواستی در حال سجده می‌گویی:

اللَّهُمَّ، لَكَ قَصَدْتُ، وَ إِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ وَ أَرَدْتُ، وَ بِكَ وَنَقْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ أَنْتَ عَالِمٌ بِمَا أَرَدْتُ.

- خدایا، تنها قصد و آهنگ تو را نمودم، و به تو تکیه کردم و تو را اراده نمودم، و فقط به تو اعتماد نموده و بر تو توکل کردم، و تو نسبت به آنچه که اراده نموده‌ام آگاه هستی.

زیرا در روایت آمده که: هرکس آن را بگوید، سر از سجده بر نمی‌دارد، مگر اینکه حاجت و خواسته‌اش برآورده می‌گردد. ان شاء الله تعالی.

(248) ظاهراً لفظ وَ از اینجا افتاده است.

(249) در نسخه‌ای این لفظ نیز با «کآمده که ظاهراً درست نیست.

(250) در برخی از نسخه‌های کتاب به جای کَأْتِنَا لَفْظاً كَافِيَا آمده است که ظاهراً اشتباه است.

(251) صفّ (61): 4.

اعمال بعد از سجده‌ی شکر و اتمام نماز

13 - وقتی سر از سجده برداشتی، سه بار دستت را بر جای سجدهات بکش، و در هر بار آنچه را که پیش از این بعد از سجده‌ی نماز ظهر ذکر نمودیم بگو، و دست بر صورتت بکش.

14 - اگر درد و یا بیماری داشته باشی، هفت بار دست بر جای سجدهات بکش و در هر بار آنچه را که یادآور شدیم بگو، و دستت را بر جایی که بیمار است بکش، ان شاء الله برطرف می‌شود.

15 - بعد از خواندن نماز در مسجد با حضور قلب و طهارت باطن، اعمّ از مسجدهای خاصّ، یا جایگاه مخصوص نمازگزاردن در خانه یا مسجد حضور در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - هنگام جدا شدن به این نیت جدا شو: برای امتثال امر خداوند - جلّ جلاله - در انجام اعمال شایسته‌ای که او - جلّ جلاله - امر فرموده، از پیشگاه او برمی‌خیزم، در حالی که مقصودم از این بندگی خالصانه‌ی او - جلّ جلاله - اوست از آن جهت که او در هر حال زینده‌ی پرستش است.

16 - همچنین بگو آنچه را که روایت شده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ﷺ) فرمودند: وقتی نمازتان را خواندید و از مسجد بیرون آمدید، بگویید:

اللَّهُمَّ، دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ، وَصَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ، وَأَنْتَشَرْتُنِي فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَاسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ، الْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ وَاجْتِنَابَ مَعْصِيَتِكَ وَالْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.

- خداوندا، مرا خواندی و دعوتت را اجابت نمودم، و نماز واجبت را خواندم، و چنانکه امر فرمودی [بعد از خواندن آن] بر روی زمین [دنبال کار خود] رفتم، پس از فضل تو، و به واسطه‌ی رحمتت، عمل کردن به طاعت و عبادتت، و اجتناب کردن از معصیتت، و از روزی به اندازه‌ای که مرا از مردم بی‌نیاز کند، درخواست می‌نمایم.

اینک می‌گوییم: بنابراین، شایسته است که بنده بعد از خواندن نماز عصر و اظهار خاکساری و ذلت برای خدا و یاد او، هنگام جدا شدن از آن توجه داشته باشد که هرگز از خاکساری بندگی خداوند و از اطلاع و آگاهی و اشراف احاطه‌ی علوم ربّانی او جدا نمی‌گردد، و نیز توجه داشته باشد که بعد از این در هیچ حرکت و سکونی که با خداوند معامله می‌کند آزاد و رها گذاشته نشده، بلکه از او خواسته‌اند که در تمام تصرفات و کارهایش عابد خداوند - جلّ جلاله - باشد.

در برخی از حکایت‌های اهل مراقبه آمده که بعضی از آنان همراه با دوستی که مدّت زمانی با او مصاحبت اختیار نموده بود با عده‌ای در کشتی‌ای که در آن گندم بود نشسته بودند، و گندم مال هیچیک از این دو نفر نبود، یکی از روی غفلت از گندم برداشت و یک دانه از آن را خورد، دوستش به او نگاه کرد و گفت: این چه کاری است؟ وی گفت: از نفس خویش غافل شدم. رفیقش به او گفت:

إِمَّا تَقُومُونَ كَذًا، أَوْ فَاقَعُدُوا عَنْ تَعَبٍ أَوْ رَدِّ سَاقٍ أَوْ لَوْ شُرِّفُ الْإِنْسَانُ وَهُوَ وَاوَدَعُ مَا كُلُّ مَنْ رَامَ السَّمَاءَ يَصْعَدُ وَ مَسَحَتْ غُرَّةَ سَبَّاقٍ [یا: سیّاف] يَدُ لَقَطَعَ الصَّمْصَامُ وَهُوَ مُعْمَدٌ - یا چنین [جوانمردانه] برخیزید و گرنه بنشینید، چنین نیست که هرکس آهنگ آسمان را کرد بتواند بالا برود.

به این صورت که ابتدا رنج و سختی را تحمّل و پا فشاری و استقامت کنید،
که تنها در این صورت است که شخص پیشرو در مسابقه [یا: شمشیر زن یکتا]
به جایزه‌ی نفیس دست می‌یابد.
اگر انسان با وجود رها کردن و ترک طلب، شرافت و برتری می‌یافت، مسلماً
شمشیر تیزی که در غلاف است، نیز می‌بُرد.

فصل بیست و دوم: محاسبه و اصلاح نامه‌ی عمل و ادعیه‌ی هنگام غروب

آفتاب

لزوم محاسبه و توبه از گناهان در روایت آمده که حضرت ابی الحسن ماضی امام کاظم - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فرمود: هرکس در هر روز، خود را محاسبه نماید، از ما نیست، پس اگر کار نیکی انجام داده باشد از خداوند طلب می‌کند که آن را افزایش دهد، و اگر کار بدی کرده باشد، از خداوند طلب آمرزش نموده و توبه می‌کند.

و نیز در حدیث است که حسن بن علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرمودند: بنده، مؤمن نمی‌شود، تا اینکه سخت‌تر از حساب کشی‌ای که شریک از شریک خود، و مولی از برده‌اش می‌کشد، از نفس خود حساب بکشد...

بر این پایه، می‌گوییم: اگر در هر روز هنگام نزدیک غروب آفتاب در حالی باشی که از هر چه که مقتضی استحقاق عقوبت یا سرزنش یا نکوهش است سالم و ایمن باشی، بنده‌ی نیکبختی هستی. هر چند این مقام برای غیر معصوم بعید است، زیرا مولایمان امیرالمؤمنین - (عَلَيْهِ السَّلَامُ) - وقتی در نهج البلاغه دنیا را توصیف می‌فرماید، و ذکر می‌کند که پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - آن را دشمن می‌داشت، و حقیر و کوچک می‌شمرد، و همچنین خداوند - جلّ جلاله - آن را برای اولیا و ویژگیان و دوستانش دشمن و بد می‌داند، آن بزرگوار (عَلَيْهِ السَّلَامُ) می‌فرماید: اگر جز این خصلت در ما نبود که هرچه را که خداوند دشمن می‌دارد دوست می‌داریم، و هرچه را که خداوند کوچک و بی‌ارزش می‌داند بزرگش

می‌شماریم، بی‌گمان همین برای دشمنی و ستیز با خداوند و بیرون آمدن از تحت فرمانش کافی بود.²⁵²

اینک چگونه است حال ما که چیزهای دیگری را بر این مصائب و گرفتاریها افزوده‌ایم، به گونه‌ای که توکلیمان بر حول و قوه و نیرو خود و بر اموال و آرزوهای دست‌نیافتنی از آرامشمان به خداوند - جلّ جلاله - که مالک همه‌ی بخششهاست، قوی‌تر است، و نیز اطمینان قلبی‌مان به نویدهای بندگان از اطمینانمان به نوید خداوندی که پادشاه آخرت است قوی‌تر، و بیم و هراسمان از وعده‌ی کیفر مردمان از وعده‌ی عذاب خداوندی که پادشاه شبها و روزهاست بر ما سخت‌تر است، و مقصودمان از دوستی یکدیگر شیرین‌تر و قوی‌تر از دوستی مان با خداوند یا دوستی خداوند - جلّ جلاله - با ما است، و نزدیکی به یکدیگر برای ما مهمّ‌تر از نزدیکی جستن به درگاه خداوند - جلّ جلاله - یا قُرب او به ما است، و روی آوردن و توجّه‌مان به یکدیگر از اقبال و توجّه بر خداوند - جلّ جلاله - یا طلب توجّه او بر ما کاملتر است، و مدح همدیگر در نفوسمان مؤثرتر از مدح و ستایش او - جلّ جلاله - یا طلب مدح و ثنای او ما را می‌باشد، و نکوهش همدیگر در نزدمان سخت‌تر از سرزنش خداوند - جلّ جلاله - ما را، یا نکوهش برخی از دشمنان او - جلّ جلاله - او را می‌باشد، زیرا ما گاهی با برخی از کافرانی که خدا را نکوهش می‌کنند مصاحبت می‌کنیم، و اُنس‌مان به مصاحبت با کسی که در حقّ ما اعمال نیکی را انجام می‌دهد بیشتر از مصاحبت با کسی است که در حقّ خداوند - جلّ جلاله - چنین می‌کند، و اُنس‌مان به یکدیگر از اُنس به جلال و حضور خدا بر ما کاملتر است. و نیکوکاری‌مان به یکدیگر در دلمان از احسان خداوندی که از اندک شکر نعمت او ناتوانیم بزرگتر است، و درخواست حوایج دیگران از ما و انجام دادن آنها

برای بندگان برای ما آسانتر از بجا آوردن واجبات یا مستحبات یا پیروی از خواسته‌ی خداست. و به دیگر بیماریهای عقلی که مضمون این کتاب مجال آن را ندارد، قبلاً هستیم، در حالی که کتاب خداوند - جلّ جلاله - نسبت به پیروان این آیین مبین اسلام چنین مطالبی را نمی‌پسندد، و می‌فرماید:

وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ²⁵³

- [بگو: ای اهل کتاب...] و اینکه ما یکدیگر را به عنوان پروردگاران غیر خدا نگیریم.

همچنین در روایت آمده که مولایمان علیّ (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: اما بعد، براستی که خداوند - تبارک و تعالی - حضرت محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) را به حق برانگیخت، تا بندگان را از پرستش بندگان به پرستش خویش، و از وفای به پیمانهای بندگان به عمل به پیمانهای خود، و از اطاعت بندگان به طاعت و عبادت خود، و از ولایت [یعنی دوستی و یا سرپرستی] بندگان به ولایت خویش بیرون آورد.

و نیز در بعضی از احادیث دیدم که: خداوند - جلّ جلاله - به بعضی از پیامبران و خواصّ درگاهش از ظلم و ستم بندگان نسبت به مقام مقدّسش گله و شکوه می‌نماید.

براستی اگر گله و شکوه از بیان و گفتار خداوند صادر نشده باشد، زبان حال او چگونه شکایت نماید؟ در حالی که ما به اعمال زشتی که شرح دادیم متّصف هستیم. و نادانی بندگان و بردگان به آنجا رسیده که خداوند - جلّ جلاله - به تنهایی آنان را آفرید، و هیچ کس در آفرینش و تقدیر امور آنان شریک او نبود، آنگاه هم او - جلّ جلاله - به منظور آگاهانیدن آنان نسبت به یگانگی اش - جلّ جلاله - در پدید آوردن و تدبیرشان فرمود:

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ، فَلَوْلَا تَصَدَّقُونَ، أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ، أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ!²⁵⁴

- ما شما را آفریدیم، پس چرا باور ندارید؟ پس آیا ندیدید که شما منی بودید، آیا شما آن را [به صورت انسان] خلق می‌کنید، یا اینکه آفریده‌ی مایم؟! و نیز او - جلّ جلاله - فرمود:

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ²⁵⁵.

- آنان را بر آفرینش آسمانها و زمین و یا بر آفرینش خودشان آگاه نگردانیدم.

و پیش از آفرینش آنان، زمینها را برای آنان آماده، و آسمان را سقف محفوظ قرار داد، و ستونی برای آن قرار نداد، و کوهها را به عنوان میخهای محافظ زمین قرار داد، و جویها را در آن روان ساخت، و درختان را برای آنان نشانده، و شب و روز برایشان در پی هم آورد، و مسکن و خانه و دیگر چیزهایی را که در طول زندگی‌شان بدان نیازمند هستند کاملاً برای آنان مهیا نمود.

وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ²⁵⁶.

- و اگر بخواهید نعمت خدا را به شماره درآورید، نمی‌توانید، برآستی که انسان بسیار ستمکار و ناسپاس است.

سپس آنان را با نرمی و آرامش و اکرام تربیت نمود، و بعد از بلوغ به نیکویی و احترام با ایشان معامله نمود و او - جلّ جلاله - فرمود:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ، وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ²⁵⁷.

- و برآستی که پسران [و فرزندان] آدم ((عَلَيْهِ السَّلَام)) را گرامی داشتیم، و آنها را در خشکی و دریا حمل نمودیم.

وهنگامی که سوء عبودیت نمودند، با گذشت و چشم پوشی با آنان معامله نمود.

ولی آنان نه حق آفرینش خدا را شناختند، و نه به حقوق پرورش او اعتراف نمودند، و نه حقوق مصاحبت نیکوی او را مراعات کردند، و نه از ستر و پوشش

و بردباری او حیا کردند، و نه حق پادشاهی و سروری او را به خاطر مقام بزرگش بجا آوردند، و نه به خاطر اقبال و توجه او، و یا به جهت بخشش و نویدها، و یا به جهت تهدید و وعده‌ی عذابش برای انجام حق بندگی‌اش بپا خاسته‌اند. و کار به آنجا رسید که مانند آزادگان در خویش تصرف می‌نمائید، لذا بر چهره‌ها و حرکتها و سکنااتشان اثر حضور در محضر مولایشان را - که همواره آنان را می‌بیند - مشاهده نمی‌نمایی تا خاکساری بندگی و شکست و انکسار بر آنان نمایان باشد. و این از سخت‌ترین خطر هاست.

سپس تا وقت معین دار دنیا را به آنان عاریه و امانت داد، و با دستور دادن و فرستادن پیامبر و کتاب آسمانی آنان را آگاهانید که آن را از ایشان خواهد گرفت و به دیگران خواهد داد، ولی آنان مانند مالکان در آن تصرف نمودند. و هنگامی که پیکش، یعنی فرشته مرگ به دستور او به سوی آنان می‌آمد، مانند ستیزه جویان و ناخوشایندان از آن بیرون می‌آیند.

و اموالی را به آنان عاریه و امانت داد، تا در راه خشنودی‌اش از آن بهره بگیرند، ولی آنان مانند کسی که دست دیگری بالای دستش نیست و هیچ مولایی هم او را نمی‌بیند تصرف می‌کنند، و آن را علیه او به ملک خویش درمی‌آورند، تا اینکه سوء ادبشان در پیشگاه خداوند به آنجا رسیده که وقتی کتابی برای آنان فرستاد، و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را به عنوان پیامبر برانگیخت، و آن بزرگوار از آنان اموالی - کم و یا زیاد - را خواست تا آن را در آبادانی آخرتشان صرف کنند، از صرف کردن آن اموال بدشان آمد، به گونه‌ای که گویی آن را به دیگری می‌دهند، و گویا که آنان مالک آن هستند و خداوند - جل جلاله - از آنان به عاریه چیزی می‌طلبد. و این از جمله هلاکتهای عظیم و بزرگ است.

و نیز سوء بندگی، آنان را به آنجا رسانید که خود را شریک مالک زندگانی و مرگشان قرار دادند، و با اراده‌ها و ناخوشایندیهایشان، با خواستهای و ناخوشایندیهای او - جلّ جلاله - ستیزه جویی نموده، و سرانجام سوء بندگی‌شان به آنجا رسید که مولایشان را از مقام الهیت برکنار شمرده، و از تدبیر و کارسازی او جز آنچه که با هوا و هوسشان [یا: خشنودی‌شان] موافق باشد، ناخشنود شدند، به گونه‌ای که گویا می‌خواهند تدبیر دنیا و آخرت به سود آنان و به دستشان باشد.

نتیجه اینکه: هرکس این راه را ببیماید، یا حالش اندکی کمتر از آن و مشابه آن باشد، رویش در نزد کسی که بر اسرار او آگاهی دارد سیاه، و نامه‌ی عملش در نزد خدا و فرشتگان نگاهبان بر او در شبانه روز، سیاه خواهد بود.

در روایتی آمده که مولایمان علیّ (علیه السلام) فرمود: هیچ ایمان همراه با یقین شبیه‌تر به شکّ و تردید، برای انسان ندیدم که هر روز افرادی را در قبرها به ودیعه می‌گذارد و تشییع می‌کند، ولی باز به سوی فریب دنیا بازمی‌گردد، و از میال میل نفسانی و گناهان خود دست برنمی‌دارد.

بنابراین، اگر فرزند بیچاره‌ی آدم هیچ گناهی نداشت که واری شود، و هیچ حسابی نداشت که به واسطه‌ی آن مورد بازخواست قرار گیرد، جز مرگ - که امور گرد آمده‌ی او را پراکنده، و جمع او را جدا می‌سازد، و فرزندانش را یتیم می‌نماید - بی‌گمان شایسته بود که با تحمّل سخت‌ترین رنج و دشواری و آزرده‌گی از آن بیم داشته و پرهیزد. و حال آنکه ما چنان از مرگ غفلت داریم که گویی هرگز بر ما فرود نخواهد آمد، و مانند مردمانی که به ماندگاری در دنیا یقین دارند، به دنیا و شهوات آن آسوده‌ایم، و همانند عده‌ای که نه امید به حساب دارند و نه بیم از عذاب، از معاصی و گناهان غفلت داریم.

و این حال ماست که حضرت با این اشاره و عبارت روشن، بر اساس ضرب
المثل عربی که **إِيَّاكَ أَعْنَى**، و **وَأَسْمَعِي يَا جَارَةٌ**:
(مقصودم تو هستی، ولی تو بشنو ای زن همسایه.)
بدان اشاره نموده است.

از آنجا که حضرت ائمه (علیهم السلام) از فرجام حال ما آگاهی دارند، و جریان و
امور بندگان به ایشان واگذار شده است، لذا به هرچه که خداوند - جلّ جلاله -
و رسولش آنان را مطلع ساخته، اشاره کرده‌اند تا آغاز نامه‌ی عمل بندگان و
خاتمه‌ی عمل آنان خیر باشد، و اعمال ما بین آن دو آمرزیده گردد:

1 - از آن جمله در حدیث است که امام باقر (علیه السلام) به نقل از پدر
بزرگوارش امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: فرشته‌ای بر بنده گمارده شده که
نامه‌ی عمل او را می‌نویسد، پس اوّل و آخر آن را با عمل نیک پُر کنید، تا
اعمال میان آن دو برای شما آمرزیده شود.

2 - به خطّ همچنین در روایتی آمده که امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر
بزرگوارش فرمود: هیچ روز بر فرزند آدم نمی‌گذارد مگر اینکه آن روز می‌گوید:
ای فرزند آدم، من روز نو و جدید هستم، و بر ضرر تو شهادت خواهم داد، پس
در من عمل خیر انجام ده، تا در روز قیامت به نفع تو شهادت دهم، براستی که
هرگز و هیچگاه مرا نخواهی دید.

3 - در روایت آمده که حضرت جعفر بن محمد به نقل از پدر
بزرگوارش (علیه السلام) فرمود: براستی که وقتی شب فرا می‌رسد، با صدایی بلند که
همه‌ی خلایق جز جنّ و انس می‌شنوند، ندا می‌کند که: ای فرزند آدم، براستی که
من آفریده‌ای نو هستم، و بر تمام اموری که در من واقع می‌شود شهادت خواهم
داد، پس از من بهره بگیر، که اگر آفتاب طلوع کند، دیگر هیچگاه به دنیا

بازگشت نمی‌کنم، و هیچ کس نمی‌تواند در من کار نیکی انجام داده و یا از کار بد و گناهی توبه نماید؛ و هنگامی که شب سپری می‌شود و پشت می‌کند، روز نیز به این همین صورت سخن می‌گوید.

لذا می‌گوییم: وقتی اواخرِ روز این بنده‌ی پرلغزش فرا رسید، و او سوء بندگی و اصرار بر گناهان که ذکر نمودیم داشت، لازم است که با قلب خویش به سوی درِ رحمت پروردگارش روی آورده، و جنایاتی را که در طول روز در باطن و ظاهر انجام داده به یاد بیاورد، و مانند بنده‌ی ذلیل در پیشگاه خداوند مالک و توانا و قاهر از آن توبه نماید.

در مرحله‌ی بعد، اگر آنچه را که در روز انجام داده به یادش نیامد، این نشانه‌ی کم‌اعتنایی او نسبت به خداوندی است که بر اسرار آگاهی و اشراف دارد، به هر حال در این صورت اجمالاً از تمام گناهان باطنی و ظاهری و اولین و آخرین آنها توبه می‌نماید.

در مرحله‌ی سوم، اگر نفسش با اخلاص باطن و صدق نیت را بر توبه از گناهان، با ظاهرش موافق ندید، باید بیم آن را داشته باشد که خداوند از او قصاص نموده و به واسطه نابودی و تباهی و ویرانی دنیا نابود شود، و با این حالت در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - بایستد، و از او درخواست عفو نماید، زیرا گاهی مولی با اینکه بنده‌اش ناخشنود است، او را عفو می‌نماید.

و بالاخره نه اگر باطنش صدق نیت داشت و نه حالت توبه جنایتکاران با وجود اصرار بر گناه و نیز بسان گناهکاران سرکش و نافرمان اراده‌ی کامل در اخلاص طلب عفو با حالت ذلت و خاکساری نداشت، باید مانند کسی که خود را تسلیم مولایش نموده و گردنش را دراز کرده، خویشتن را نسبت به جنایتی که نموده در جایگاه قصاص قرار دهد، و با حالت کسی که در برابر خداوندگار

اعظم بزرگوار تسلیم و ذلیل است با رعایت آداب اهل مناجات با خداوند که ما پیش از توصیف نمودیم²⁵⁸ او را بخواند.

ناگفته نماند که: اگر همنشین با اهل غفلت بودی، مبادا که به جای اشتغال به مولایت که مالک سعادت‌مندی تو در دنیا و دین است، به آنان مشغول گردی. کیفیت محاسبه و مناجات با پروردگار باید هنگام حساب کشیدن از خود، عقل و دلت نسبت به خداوند - جلّ جلاله - که از غیب و نهان آگاه است، و برای دو فرشته نگاهبان [اعمال] حضور و توجه داشته باشد، و همانند حساب کشیدن مولی از برده‌اش و یا صاحب کالای از کارگری که برای او کار می‌کند و یا بسان حساب کشیدن شریک از شریک خود که بر تمام اموری که برای او رُخ داده اطلاع دارد، از خود محاسبه نما، و آگاه و متذکر باش که انکار کردن و خود را به غفلت زدن برای تو سودمند نیست، بلکه مقتضای آن خشم و غضب خداوندی است که برای او محاسبه می‌کنی، و کاملاً از اعمال تو آگاه است.

سپس با عقل خویش متذکر باش که اعضا و جوارحت، در مقام شکایت از تو به واسطه بکار گرفتن آنها در غیر آنچه برای آن آفریده شده‌اند، شکایت‌هایی به درگاه خداوند متعال دارند، و همچنین از تو نسبت به تمام کسانی که به ادای حق آنها مکلف بودی و انجام ندادی شکایت و گله گذاری می‌کنند. پس حال که اعضا و جوارح با تو از دَرِ عَدَلِ درآمدند، تو نیز همراه با آنها به این صورت از خود و آنها به درگاه خداوند متعال گله گذاری کن و عرضه بدار و همه را از باب فَضْلِ بر خدا عرضه کن، پس بگو:

خداوندا، من جهت محاسبه در محضر تو آماده شده‌ام، ولی نه قدرتی برای حضور در پیشگاهت برای حساب کشی تو دارم، و نه جرأتی بر آشکار شدن اعمال بدم، لذا من به یاد حضرت تو هستم، به جهت امتثال امر و تعظیم قدرت

بر این کار اقدام نمودم، و نخست چیزی که می‌گویم این است که: من عملی ندارم که مورد پسند درگاه تو باشد؛ زیرا می‌بینم که نشاطِ نَفْسِ من برای خواسته‌های فراوان خود و کسانی که در نزد من ارجمند هستند، از نشاطم برای طاعت و عبادت بیشتر است، و می‌بینم که بیشتر خواسته‌هایی که بدان نشاط پیدا می‌کنم همه و یا بیشتر سودش برای دیگری است، و من با سرگرم شدن به آنها مقداری از عمر خویش را تلف نموده و به بیهوده صرف نمودم، در حالی که قدرت آن را داشتم که در آن مدّت برای تو عمل و به سود خود عمل کنم؛ بنابراین، در معامله‌ی با تو بدّ تدبیری داشتم، و هیچ عمل مورد پسند در برابر جلال و عظمت و نعمت برای من باقی نمانده است.

ای آقای من، همچنین تاب تحمل عقاب و توبیخ و عدم احسان یا خوار نمودن را ندارم و دستم از آن تهی است، و تو خود فرموده‌ای که

وَأِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ²⁵⁹

- و اگر بدهکار تنگدست باشد، تا زمان توانگری او انتظار بکشید.

و این تنگدستی مرا امید توانگری نیست، و بزرگواری و بردباری و عفو تو زبنده‌ی پذیرش عذرِ پوزش خواهان است. چگونه در زندان خشم یا عذاب تو محبوس باشم، در حالی که خود طلبکار و شاهد تنگدستی‌ام می‌باشی؟! و با عقلم که به نور خویش بر من ارزانی داشته‌ای، دریافته‌ام که وقتی بنده از مولای خود به سوی او بگریزد، یا در پیشگاهش تسلیم شود، یا از خشم او به عفو و گذشتش پناه ببرد، یا به خاطر غضب آقایش، بر خود خشمگین گردد، و با واسطه قرار دادن کسانی که در نزد او ارجمند هستند به او توسّل جوید، یا از درِی وارد شود که آقایش کسانی را که از آن در به محضرش وارد می‌شوند مورد مرحمت خویش قرار می‌دهد، مسلماً شایسته‌ی کامیابی و دست یافتن به رحمت یا عفو یا خشنودی مولایش می‌گردد.

و من نیز به خاطر مهالکی که بر من احاطه نموده، همه‌ی این راهها را به سوی حلم و بردباری‌ات پیموده‌ام، و از دری داخل شده‌ام که قوم حضرت ادریس و قوم حضرت یونس (علیهم‌السلام) از آن وارد شدند و آنان را مورد مرحمت خویش قرار داده، و به واسطه‌ی خشم پیامبرت بر آنها، بر عذاب آنان اصرار نمودی. و از دری وارد شده‌ام که ابلیس با علم به اصرار ورزی پیوسته‌اش بر نافرمانی‌ات از تو مهلت خواست، و تو خواسته‌اش را اجابت نمودی. و بر دری ایستاده‌ام که هدایت و عنایت خویش را از آن بر ساحران و افسونگران فرعون آغاز نمودی، تا اینکه از دوستان تو گردیدند با وجود اینکه از دشمنان تو بودند، و بر همان در ایستاده‌ام که هدایت و عنایت را بر امتهای پیامبران پیشین که پیوسته بر پرستش بُتها روی آورده و مستحقّ نابودی بودند، آغاز فرمودی، پس از روی خشم و غضب پیامبر را به سوی آنان گسیل داشتی که ایشان را راهنمایی کرد، تا اینکه عده‌ی بسیاری از آنان از اولیاء و عزیزان درگاہت گردید. و بر درِ رحمت رسالت حضرت محمّد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ایستاده‌ام، و به وسیله‌ی رحمت او یاری می‌جویم و امیدوارم که گناهانم بیشتر از اُمّت حضرت موسی (علیہ‌السلام) نباشد، آنان که گوساله پرست بودند، و گفتند:

إِذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا²⁶⁰

- تو همراه پروردگارت بروید و با او بجنگید.

و گفتند:

أَرْنَا اللَّهَ جَهْرَةً²⁶¹

- خدا را آشکارا به ما نشان بده.

ولی با وجود این همه گناه، حضرت موسی (علیہ‌السلام) از آنان شفاعت نمود، به حدّی که در تورات دیدم که وی به تو جلّ جلالک - عرض کرد: اگر شفاعت مرا درباره‌ی آنان نمی‌پذیری، نام مرا از رسالت و پیامبری محو فرما. و تو ای

خدا، - شفاعت او را پذیرفتی و با اینکه مرده بودند زندشان گردانیدی، و آنان را بسانی کسانی که معصیت تو را می‌نمایند توصیف نمودی، پس ما به واسطه‌ی تو به رسولت حضرت محمد (ﷺ) متوجه می‌شویم تا شفاعت ما را به تو ببذیرد و شفاعتش را درباره‌ی ما ردّ نفرمایی.

و با این همه واسطه، به اندازه‌ی جنایات و گناهانم، و به اندازه‌ای که به خاطر نافرمانی‌ها و گناهانم حرمتت را دریدم (هر چند نیست به آن جاهل بودم)، و حرمت رسولت و شریعتت و حرمت ویژه‌گان درگاهت و حرمت قرآنت را شکستم و به مقام بزرگت اهانت نموده و کوچک شمرم، به سوی تو توبه می‌کنم. پس اگر توبه‌ام را ببذیری که چه خوب، وگرنه پس از من درگذر، که گاهی مولی با اینکه از برده‌اش ناخشنود است او را عفو می‌کند، یا حداقل بر من خشم مگیر، زیرا کسی که بر عذاب و عقوبت کردن قادر نباشد یا وقتی که جانی از او سرپیچی کند، خشمگین می‌گردد، و تو قادری و من تسلیم تو، ای آقای من.

تو آگاهی که شیطان، دشمن من و دوست، و اگر با تسلط دادن او بر من، مرا مؤاخذه نمایی، او به من و به جناب تو شماتت می‌نماید. و اگر از عذاب کردن من ناگزیری، تقاضا دارم که عذاب من تنها از سوی تو باشد، نه به دست دشمن تو و من.

و از آنجا که نسبت به من نیکی می‌کنی و گناهانم را می‌پوشانی، دریافتم که نفس من نسبتی با تو دارد و بر درگاه تو درآویخته است، و دیده و شنیده‌ام که پادشاهان از کسانی که به آنان وابسته شده و نسبتی داشته باشند، درمی‌گذرند، و عقل گواهی می‌دهد که عفو و گذشت از صفتهای کمال است، و تو به داشتن صفتهای کمال زبیده‌تری، پس اگر واسطه‌ها و درخواستهای من در نزد تو کوچک و بی‌اهمیت است، پس در دفتری که در آن - آرزو شوندگان نسبت به

آرزو کنندگان، و درخواست شوندگان نسبت به درخواست کنندگان، و نیکوکاران نسبت به بدکاران، و نیرومندان نسبت به ناتوانان، و توانگران نسبت به نیازمندان، و سرافرازان نسبت به افتادگان، و فرزندگان نسبت به نابخردان، و پادشاهان نسبت به زیردستان، و آقایان نسبت به بردگان و اطرافیانشان، و بزرگان نسبت به فرومایگان، و میهمان داران نسبت به میهمانان، و پناه آورده شدگان نسبت به کسانی که در همسایگی آنان درآمده و به آنان پناه آورده‌اند - سفارش شده، و به طور کلی در سفارش هر اهل کمال نسبت به اهل نقصان از من یاد کن.

ای آقای من، این سفارشها و مرحمتها مرا نیز فرا می‌گیرد، به رشته‌های این اخلاق بزرگمنشانه چنگ می‌زنم، زیرا تو - جَلَّ جَلَالُكَ - بالاترین صفات کمال را دارا هستی، و من در اعمال و حالاتم به صفات نقصان متصف هستم. و نیز می‌بینم که بندگان را به عفو و گذشت سفارش، و بر آن پاداشها و عطایای فراوان عطا نمودی، و کسانی را که خشم خود را فرو برده و از مردم گذشت می‌کنند ستوده‌ای، و تو نسبت به عفو و گذشت زیبنده تری. و این بنده‌ات کلماتی را می‌گوید که هرکس آنها را بگوید، مشمول مرحمتها و استجابتهای تو را، خواهد شد. می‌گویم:

رَبَّنَا، ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا، وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا، لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ²⁶²

- پروردگارا، ما به خود ستم نمودیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نیآوری، مسلماً از زیانکاران خواهیم شد.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ²⁶³

- معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، براستی که من از ستمکاران بودم.

رَبِّ، إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ²⁶⁴

- پروردگارا، بی گمان رنجوری بر من رسیده، و تو مهربانترین مهربانها می باشی.

رَبَّنَا، إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ، أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ، فَآمَنَّا، رَبَّنَا، فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكْفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَقَّنا مَعَ الْأَبْرارِ، رَبَّنَا، وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ²⁶⁵

- پروردگارا، شنیدیم که ندا برآورنده‌ای برای ایمان آوردن صدا می‌کند که: به پروردگارتان ایمان بیاورید، و ما ایمان آوردیم. پروردگارا، پس گناهانمان را بپامرز، و بدیهایمان را بیوشان، و ما را با ابرار و نیکان بمیران، پروردگارا، و آنچه را که به فرستادگانت وعده دادی به ما نیز ارزانی دار، و در روز قیامت رسوایمان مگردان، براستی که تو هرگز خلف وعده نمی‌نمایی.

و آخرین سخنی که می‌گویم این است: ای آقای من، هیچ چیز از آنچه را که با تو گفتگو نمودم، و یا به واسطه‌ی آن به درگاه تو چنگ زدم، نمی‌دانستم. تو بودی که مرا با بردباری و بزرگواری و رحمتت آشنا فرمودی، تا اینکه زبانم برای توسل به مهر و رأفت گشوده شد، پس تمام آنچه را که سزاوار کسی است - که نیکوکاری چیزی از او نمی‌کاهد، و محروم گردانیدن دیگران چیزی بر او نمی‌افزاید هم او که به بندگان جنایتکارش راههای درخواست نمودن از خود را می‌آموزد، و آنان را آگاه می‌کند که چگونه بخواهند که درهای رحمتش را بگشاید، و نسبت به آنان به اندازه‌ای بردبار است که آنان با او گفتگو نموده و تسلیم او می‌شوند - نسبت به من شایسته‌ترین امور به صفت‌های کمال و شیوه‌های زیباییت را روا دار. که تو مهربانترین مهربانها و بزرگوارترین بزرگوارترین‌ها و دلسوزترین مالکان می‌باشی.

خداوندا، براستی که من تو را خواندم و به تو امید بستم، اگر بر من روی آورده و توجه نموده‌ای بر من رحم فرما، و دعایم را مستجاب نما، و امیدواری‌ام

را به خاطر مشرف گردانیدن من به اقبال و توجّه خود تصدیق فرما. و اگر هنگام گفتگوی من با مقام بزرگ خود، از من روی گردانده‌ای، پس به خاطر نابودی و هلاکت من به واسطه‌ی اعراض خود از من، با رحمت واسعه و بخششی که داری، بر من رحم آر، که در تضرّع و زاری در پیشگاهت، با واسطه قرار دادن کسانی که در نزد تو ارجمند هستند به تو متوجّه شده‌ام، پس اگر ایشان به من توجّه دارند، به خاطر آن بزرگواران بر من رحم کن، و اگر به خاطر تو از من روی گردان شده‌اند، پس به خاطر حرمت وفای آنان به خود در روی گردانیدن از من، مرا مورد رحمت خویش قرار ده، و در زیر سایه‌ی رحمت خویش و عنایت آنان داخل گردان.

اعمال وقت غروب آفتاب

1 - امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود: پس هنگامی که رنگ آفتاب دگرگون شد، خداوند - عزوجل - را یاد کن، و اگر با گروهی همنشین باشی که تو را سرگرم و از یاد خدا مشغول کنند، برخیز و دعا کن.

2 - همچنین از جمله اعمال وقت دگرگون شدن آفتاب به واسطه‌ی غروب آن، این است که آنچه را از امام باقر (علیه السلام) روایت شده انجام دهی و بگویی که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همواره وقتی آفتاب بر سر قلّه‌ی کوه سُرخ می‌شد، چشمانش پر از اشک می‌گردید و می‌فرمود:

[أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمَسْتُ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمْنِكَ، وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي] مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الْكَرِيمِ. اللَّهُمَّ، الْبِسْنِي عَافِيَتِكَ، [وَ عَشْنِي بِرَحْمَتِكَ]، وَ جَلَلْنِي كَرَامَتِكَ، وَ عَشْنِي رَحْمَتِكَ [يَا: بِرَحْمَتِكَ]، وَ قِنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ.

- [ظلم و ستم من با پناهنده شدن به عفو تو، و گناهانم با پناهنده شدن به آمرزشت، و [خوف و هراسم با پناهنده شدن به امنیت تو، و خواری‌ام با پناهنده شدن [به عزت و سرافرازی‌ات و فقر و ناداری‌ام با پناهنده شدن به بی‌نیازی‌ات، و روی و وجود پوسنده و نابود شونده‌ام با پناهنده شدن به روی و اسماء و صفات] پاینده و گرامی‌ات شب نموده، خداوندا، عافیتت را به من بیوشان، و به رحمتت مرا فراگیر، و کرامتت را به تم کن، و رحمتت را بر من بیوشان، و از شر مخلوقات جنیان و انسانها نگاه دار، ای خدا، ای رحمت گستر، ای مهربان.

3 - و نیز هنگام غروب آفتاب و بعد از طلوع فجر، تسبیح و تهلیل بگو، چنانکه در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: حضرت علی (علیه السلام)

وقتی صبح می‌کرد، می‌فرمود، خوش آمدید ای دو فرشته‌ی نگاهبان بزرگوار، ان شاء الله بر شما املا می‌کنم آنچه را که شما دوست می‌دارید، بنویسید، بعد تا طلوع آفتاب مشغول تسبیح و تهلیل می‌شد و بعد از عصر تا غروب آفتاب نیز چنین می‌کرد.

4 - بگو آنچه را که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هرکس هنگام غروب آفتاب در هر روز بگوید:

يا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ (ﷺ)، إِخْتِمَ لِي فِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ، وَ شَهْرِي بِخَيْرٍ،
وَ سَنَّتِي بِخَيْرٍ، وَ عُمْرِي بِخَيْرٍ.

- ای خدایی که پیامبری را به حضرت محمد (ﷺ)، خاتمه دادی، این روز و ماه و سال و عمرم را به خیر و خوبی خاتمه ده.

و در آن شب یا در جمعه همان هفته، یا در آن ماه، یا در آن سال بمیرد، وارد بهشت می‌گردد.

5 - همچنین پیش از غروب، صد بار تکبیر خداوند - جلّ جلاله - را بگو، زیرا در روایت آمده که حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) فرمود: صد بار اللهُ أَكْبَرُ گفتن پیش از غروب آفتاب، برتر از آزاد نمودن صد برده است.

و نیز در حدیث است که امام باقر (ع) فرمود: هرکس پیش از طلوع و غروب آفتاب، صد بار اللهُ أَكْبَرُ بگوید، مانند پاداش کسی که صد برده آزاده کرده برای او نوشته می‌شود.

6 - بگوید آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: چه خوب است که هنگام صبح و شام، سه بار بگوید:

اللَّهُمَّ، مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، نَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، وَلَا تُرِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي،
وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ، اْمُدِّدْ

لی فی عُمْرِي، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي، وَأَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَإِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمَّ
الْكِتَابِ شَقِيًّا، فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.

- خداوندا، ای گرداننده و زیر و رو کننده‌ی دلها و دیدگان، قلبم را بر دینت
استوار گردان، و دلم را بعد از آنکه هدایت فرمودی منحرف مفرما، و رحمتی از
جانب خویش به من ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده‌ای، و مرا به
رحمت خویش از آتش جهنم در پناه خویش درآور. خداوندا، عمر مرا طولانی
گردان، و روزی‌ام را وسعت ده، و رحمتت را بر من بگستران، و اگر در نزد تو
در و کتابِ مادر بدبخت هستم، پس مرا سعادت‌مند قرار ده، که تو هر چه را
بخواهی محو و یا ثابت می‌گردانی، و کتابِ مادر تنها در نزد توست.

7 - بگو آنچه را که روایت امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: دعا کردن پیش از
طلوع و غروب آفتاب، سنت واجب است، یعنی سپیده دم و غروب آفتاب که ده
بار می‌گوید [یا: می‌گویی]:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، [وَ يُمِيتُ وَ
يُحْيِي]، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست،
فرمانروایی تنها مختصّ اوست، و ستایش برای اوست، زنده می‌کند و می‌میراند
[و می‌میراند و زنده می‌گرداند]، و او خود زنده‌ای است که نمی‌میرد، خیر و
خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و بر هر چیز قادر و تواناست.

و نیز ده بار می‌گوید: [یا: می‌گویی]:

أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللَّهَ
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

- به خداوند شنوای دانا پناه می‌برم از وسوسه‌ها و خطورات شیطانها، و به خدا پناه می‌برم از اینکه [در دل] من حضور پیدا کنند، براستی که خداوند تنها شنوایی داناست.

9 - و بگو آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: هنگام صبح و شام، دست خویش را بر سر بگذار و بر صورت خود بکش و بعد همهی محاسن خود را به دست بگیر و بگو:

أَحْطَتُ عَلَى نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي مِنْ غَائِبٍ وَ شَاهِدٍ، بِاللَّهِ الَّذِي [يَا: بِالَّذِي] لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ. [مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ، وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ، وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا، وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ].

- محیط و حافظ خود و خانواده و دارایی و فرزندانم چه غایب باشند و چه حضور داشته باشند، قرار دادم خداوندی را که که معبودی جز او نیست، آگاه به نهان و آشکار رحمت گستر، مهربان، زنده، برپا [و برپا دارندهی همه مخلوقات] می‌باشد، نه چرت و نه خواب او را می‌گیرد، تمام آنچه در آسمانها و زمین است برای اوست، [کیست که در نزد او جز به اذن او وساطت نماید؟] [امور] پیشاپیش و پشت سر آنان را می‌داند، و آنها به هیچ اندازه از علم او احاطه ندارد، مگر به اندازه‌ای که او بخواهد، کرسی [علم] او آسمانها و زمین را فرا گرفته، و نگاه داشتن آنها برای او سنگین و سخت نیست، و او بلند پایه و بزرگ است.]
که اگر آن را هنگام صبح بگویی، خداوند تا شب خود و اهل و مال و فرزندان را نگاه می‌دارد، و اگر شب بگویی تا صبح محفوظ می‌مانی.

10 - بگو آنچه را که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: حضرت نوح (ع) از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ بِي مِنْ عَافِيَةٍ وَ [يا: أو] نِعْمَةٍ، فَي دِينَ أَوْ دُنْيَا، فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

- خدایا، همانا تو را گواه می‌گیرم که هیچ عافیت و [یا: یا] نعمتی درباره‌ی دین یا دنیا به من شب و صبح ننموده [و در شب و روز شامل من نشده] مگر اینکه تنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری در هر حالتی مخصوص توست.

جدّ نیکبختم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - در این روایت بعد از لَكَ الْحَمْدُ، وَ لَكَ الشُّكْرُ افزوده است:

حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا.

: (تا اینکه خشنود گردی، و تا حتی بعد از خرسندی‌ات.)

11 - همچنین در روایت آمده که رسول خدا (ﷺ) فرمود: هرکس هنگام شام و صبح یک بار بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ، [و] سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ.

- همراه با ستایش خداوند، او را به پاکی می‌خوانم، [و] پاک و منزّه است خداوند بزرگ.

خداوند، فرشته‌ای را که جاروبی از نقره دارد به بهشت گسیل می‌دارد، تا از خاکِ بهشت که مُشک بسیار خوشبوست، برای او جارو کند، سپس درختی برای او بنشاند، آنگاه دیواری بر گردِ آن می‌کشد، بعد درِی بر آن بگذارد، سپس آن را قفل کند و بر آن در بنویسد: این بوستانِ فلانی پسر فلانی است.

و نیز در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس بدون شگفت²⁶⁶
بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ.

خداوند، هزار گناه او را محو نموده، و هزار حسنه و کار نیک برای او ثبت، و
شفاعت هزار نفر برای او می نویسد، و هزار درجه پایه‌ی ایمانی او را بالای
می برد، و از آن کلمه پرنده‌ی سفیدی می آفریند که پرواز می کند و تا روز قیامت
می گوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ.

و ثواب آن برای گوینده‌ی آن نوشته می شود.

دعای عَشْرَات

12 - جدّم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - در ضمن دعاهاى وقت غروب، دعای عَشْرَات را نیز نقل نموده، و آن با چندین مورد که آن را ذکر کرده‌ایم تفاوت دارد. فرموده است: مستحبّ است که هنگام صبح و شام دعای عَشْرَات خوانده شود، و بهترین وقت خواندن آن بعد از عصر روز جمعه است. و آن دعا به این صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْأُبْحَارِ، سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ. وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُهَيَّمِ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ رَبِّي الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبْحَانَ قُدُّوسٍ رَبِّنَا وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَلَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَخَيْرٍ وَبَرَكَاتٍ وَعَافِيَةٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَخَيْرَكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَافِيَتِكَ بِنِجَاةٍ مِنَ النَّارِ، وَارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ وَفَضْلَكَ وَكَرَامَتَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي. اللَّهُمَّ، بِنُورِكَ اهْتَدَيْتُ، وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْتُ، وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيََاءَكَ وَرُسُلَكَ وَ
 حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ، بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ وَحَدَكَ لِشَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،
 تُحْيِي وَتُمِيتُ [وَتُمِيتُ] وَتُحْيِي، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَالنُّشُورَ حَقٌّ،
 وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا، وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ
 أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا حَقًّا، وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ هُمُ الْأَئِمَّةُ الْهُدَاةُ الْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ الضَّالِّينَ وَلَا
 الْمُضِلِّينَ، وَأَنَّهُمْ أَوْلِيَاؤُكَ الْمُصْطَفُونَ، وَحِزْبُكَ الْعَالِمُونَ، وَصَفْوَتُكَ وَخَيْرَتُكَ مِنْ
 خَلْقِكَ، وَنُجَبَاؤُكَ الَّذِينَ أَنْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَاخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى
 عِبَادِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَى الْعَالَمِينَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَالسَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ، اكْتُبْ لِي هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتَّى تُلَقِّنِيهَا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، إِنَّكَ عَلَى مَا
 تَشَاءُ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَلَا يَنْفَدُ آخِرُهُ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
 تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِيهَا، وَتُسَبِّحُ لَكَ الْأَرْضُ وَمَنْ عَلَيْهَا، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
 سَرْمَدًا أَبَدًا لَا انْقِطَاعَ وَلَا نَفَادَ، وَلَكَ يَنْبَغِي وَإِلَيْكَ يَنْتَهِي، فِيَّ وَعَلَى وَلَدَى وَمَعِيَ وَ
 قَبْلِي وَبَعْدِي وَأَمَامِي وَفَوْقِي وَتَحْتِي، وَإِذَا مِتُّ وَبَقِيتُ فَرْدًا وَحِيدًا، وَلَكَ الْحَمْدُ إِذَا
 نُشِرْتُ وَبُعِثْتُ يَا مَوْلَايَ، اللَّهُمَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ
 نِعْمَائِكَ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَاهُ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ
 أَكْلَةٍ وَشَرِبَةٍ وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسْطَةٍ وَفِي كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
 خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا
 أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيئَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا آخِرَ لِقَائِهِ إِلَّا رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى
 حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ،
 وَلَكَ الْحَمْدُ وَارِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ، وَلَكَ
 الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ
 قَدِيمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ، وَفِي الْحَمْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ، قَسَائِمَ الْمَجْدِ، وَلَكَ

الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ، وَ مُنَزَّلَ الْآيَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ عَظِيمِ
الْبَرَكَاتِ، مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، وَ مُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ
حَسَنَاتٍ، وَ جَاعِلَ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ.

اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ غَافِرَ الذَّنْبِ وَ قَابِلَ التَّوْبِ، شَدِيدَ الْعِقَابِ، ذِي الطَّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ، إِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا
تَجَلَّى، وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ،
وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ النَّوَى وَ الْحِصَى وَ النَّوَى، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا فِي جَوْفِ الْأَرْضِ، وَ لَكَ
الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْزَانِ مِيَاهِ الْبِحَارِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ أَوْرَاقِ الْأَشْجَارِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا
عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ
عِلْمُكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ الْهَوَامِّ وَ الطَّيْرِ وَ الْبَهَائِمِ وَ السَّبَاعِ، حَمْدًا كَثِيرًا
طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَى، وَ كَمَا يَنْبَغِي لِكْرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلَالِكَ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، پاک و منزّه است خداوند، و ستایش
مخصوص اوست، و معبودی جز خدا نیست، و خداوند بزرگتر است، و هیچ
تحوّل و قدرتی نیست مگر به وسیلهی خداوند بلند مرتبهی بزرگ، پاک و منزّه
است خداوند در تمام لحظات شب و اطراف [و آغاز و پایان و دیگر اوقات
]روز، پاک و منزّه است خداوند در هنگام صبح و لحظات عصر، پاک و منزّه
است خداوند در شام و صبح، پاک و منزّه است خداوند هنگامی که شب و یا
صبح می‌کنید، و ستایش مخصوص اوست، در آسمانها و زمین و شامگاهان و
هنگامی که ظهر می‌کنید، زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون آورده، و
زمین را بعد از مرگش زنده می‌گرداند، و شما نیز اینچنین از قبر بیرون آورده
می‌شوید. پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگارِ صفت عزّت و سرافرازی از
آنچه که او را بدان توصیف می‌نماید، و سلام بر پیامبران فرستاده شده، و ستایش
خداوندی را که پروردگارِ عالمیان است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب

[عالم] مُلک و ملکوت است، پاک و منزّه است خداوندی که دارای [صفت
[سرافرازی و سرکشی و جباریت است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب
[صفت] کبریاء و بزرگمنشی و عظمت است، پادشاه و فرمانروای حقّ و چیره و
مسلّط، و پاکیزه از تمام آلائشها، پاک و منزّه است خداوند، پادشاه زنده‌ای که
هرگز نمی‌میرد، پاک و منزّه است خداوند، پادشاه زنده پاکیزه از تمام کاستیها،
پاک و منزّه است خداوند پا برجای جاودانی، پاک و منزّه است خداوند جاودان
پا برجا، پاک و منزّه است پروردگار بزرگم، پاک و منزّه است پروردگاری که
بلند مرتبه‌ترین است، پاک و منزّه است خداوندی که زنده‌ی پا برجا و برپا
دارنده‌ی تمام مخلوقات است، پاک و منزّه است خداوندی که بلند مرتبه و بلند
مرتبه‌ترین است. او پاک و منزّه و بلند مرتبه است. بسیار منزّه و بسیار پاکیزه از
هر گونه نقص و کاستی است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و رُوح، پاک و
منزّه است خداوند جاودانی که هرگز غفلت نمی‌ورزد، پاک و منزّه است خداوند
آگاه بدون اینکه کسی به او را آموخته باشد، پاک و منزّه است آفریننده‌ی آنچه
که دیده می‌شود و دیده نمی‌شود، پاک و منزّه است خداوندی که دیدگان را
درک می‌نماید، و دیدگان نمی‌توانند او را درک کنند، و تنها اوست که باریک بین
و کاردان است.

خداوندا، صبح نمودم در حالی که از ناحیه‌ی تو در نعمت و خیر و برکت و
عافیت قرار دارم، پس بر محمّد و آل او درود فرست، و نعمت و خیر و برکات و
عافیتت را همراه با نجات از آتش جهنّم، بر من کامل گردان، و شکر و عافیت و
فضل و کرامتت را همواره تا زمانی که پاینده و زنده‌ام داشته‌ای، روزی فرما،
خداوندا، تنها به نور تو هدایت پذیر گشتم، و به فضل تو بی‌نیاز گشتم، و به
نعمت تو صبح و شام نمودم.

خداوندا، براستی که تو را شاهد می‌گیریم، و تو برای شهادت کفایت می‌کنی، و نیز فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و حاملات عرشت و ساکنان آسمانها و زمین و تمام مخلوقات را گواه می‌گیرم که بی‌گمان تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، یگانه‌ای و شریکی برای تو وجود ندارد، و اینکه حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بنده و فرستاده‌ی توست، و تو بر هر چیز توانایی، زنده می‌کنی و می‌میرانی، [و می‌میرانی] و زنده می‌کنی. و گواهی می‌دهم که بهشت و آتش جهنم و زنده و برانگیخته شدن در قیامت حق است، و قیامت خواهد آمد و شکّی در آن نیست، و اینکه خداوند تمام کسانی را که در قبر هستند برمی‌انگیزاند، و گواهی می‌دهم که علی بن ابی طالب حقّاً و حقّاً امیر مؤمنان است، و امامانی که از نسل و فرزندان اویند، امامان و هدایت‌گران و هدایت یافتگانی هستند که نه گمراهند و نه دیگران را گمراه می‌کنند، و اینکه آن بزرگواران دوستان برگزیده، و حزب غالب، و منتخب و برگزیده تو از میان مخلوقات، و برگزیدگانی هستند که ایشان را برای [تبیین و اقامه‌ی] دینت برگزیده، و از میان مخلوقات مختص گردانیده، و بر بندگانت برگزیده، و حجّت بر عالمیان قرار داده‌ای، که درودهای تو بر همه‌ی آنان باد، و سلام و رحمت و برکات بر ایشان.

خداوندا، این شهادت را در نزد خود برای من بنویس، تا اینکه [هنگام مرگ] در حالی که از من خشنودی، آن را به من تلقین و تفهیم نمایی، براستی که تو بر هر چیز توانایی. خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که اول آن بالا رفته و آخرش پایان نپذیرد، خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که آسمان دو سوی خود را برای تو پایین آورده و فروتنی نماید، و زمین و ساکنان آن به پاکی یادت کنند. خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی بی‌آغاز و

جاودانی که هیچ گاه گسسته نگردد و پایان نپذیرد و سزاوار تو بوده و به تو منتهی گردد، [ستایش] که در وجود من باشد و بر من سایه افکند و در نزد و همراه و پیش و بعد از من و در پیشاپیش و بالای سر و زیرم را فراگیرد، و هنگام مردن و تک و تنها ماندنم با من باشد، و ستایش مخصوص توست در هنگامی که از قبر برانگیخته و زنده می شود ای مولای من، خداوندا، ستایش و سپاسگزاری مخصوص توست، به تمام و همگی ستایشها بر تمام نعمتهایت، تا اینکه حمد و سپاس به آنچه که تو - ای پروردگار ما، - دوست می داری و خرسندی منتهی گردد. خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که با جاودانگی تو جاودانه باشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که پایانی جز علم و آگاهی تو نداشته باشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که سرآمدی جز مشیت تو برای آن نباشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که گوینده اش فرجامی جز خشنودی تو را نداشته باشد، و تنها تو را ستایش می کنم به خاطر بردباری ات با وجود آگاهی ات، و تنها تو را می ستایم به خاطر عفوت با وجود قدرتت، و فقط تو را ستایش می نمایم ای برانگیزاننده [و پدید آورنده ای] ستایش، و تو را سپاس ای وارث ستایش، و تو را سپاس ای نو آفرین ستایش، و تو را سپاس ای منتهای ستایش، و تو را سپاس ای نو آفرین ستایش، و تو را سپاس ای خریدار ستایش، و تو را سپاس ای سرپرست ستایش، و تو را سپاس می گویم ای کسی که از دیرباز ستوده ای، و تو را می ستایم ای کسی که وعده ات راست است، و به ستایشت وفا می نمایی [یا: ستایش را کامل می گردانی]، لشگرت نیرومند و سرافراز، و بلند پایگی ات پابرجاست. و تو را می ستایم ای بالا برنده ای درجات ایمانی، اجابت کننده ای دعاها، و فرو فرستنده ای نشانه های روشن از بالای آسمانهای هفتگانه، تو که برکاتت بزرگ است، و نوره را از میان

تاریکیها بیرون آورده، و کسانی را که در تاریکیها هستند به سوی روشنایی بیرون می‌کشی، و بدیها را به کارهای نیک مُبَدَّل نموده، و نیکیها را درجه‌های ایمانی قرار می‌دهی.

(252) نهج البلاغه، خطبه 160 (با تفاوت در الفاظ).

(253) آل عمران (3): 64.

(254) واقعه (56): 57 تا 59.

(255) کهف (18): 51.

(256) ابراهیم (14): 34.

(257) اسراء (17): 70.

(258) به فصل رجوع شود.

(259) بقره (2): 280.

(260) مائده (5): 24.

(261) نساء (4): 153.

(262) اعراف (7): 23.

(263) انبیاء: (21) 87.

(264) انبیاء (21): 83. البته اول آیه شریفه لفظ ربّ ندارد.

(265) آل عمران (3): 193 و 194.

(266) یعنی بدون اینکه از بسیار ثواب داشتن این عمل شگفت زده شود، بلکه به پادشاهای بسیار آن اعتقاد داشته باشد، و احتمال دارد که لفظ «مِنْ غَيْرِ عَجْبٍ» باشد که در این صورت به معنای این است که: بدون اینکه به خود بیالذ و عَجَب داشته باشد.

خداوندا، ستایش مخصوص توست ای آمرزنده‌ی گناه و پذیرنده‌ی توبه، و ای کسی که دارای کیفر سخت هستی و در عین حال دارای بخششی، معبودی جز تو نیست، و بازگشت همگان تنها به سوی توست. خداوندا، تنها تو را می‌ستایم هنگامی که شب می‌پوشاند، و فقط تو را می‌ستایم هنگامی که روز

روشن می‌گردد، و ستایش مخصوص توست در آخرت و اُولی [یعنی دنیا]، و تنها تو را می‌ستایم به شماره‌ی تمام ستارگان و فرشتگانی که آسمان هستند، و ستایش تو را به اندازه‌ی تمام خاکها و سنگریزه‌ها و هسته‌ها، و ستایش تو را به شماره‌ی آنچه در درون زمین است، و ستایش تو را به اندازه‌ی وزن آبهای تمام دریاها، و ستایش مخصوص توست به شماره‌ی برگهای تمام درختان، و ستایش مخصوص توست به شماره‌ی تمام موجوداتی که بر روی زمین قرار دارند، و ستایشی تو را به شماره‌ی آنچه که کتاب [و دانش] تو به شماره درآورده، و تنها تو را می‌ستایم به شماره‌ی آنچه که علم تو بر آن احاطه نموده، و تنها تو را می‌ستایم به شماره‌ی تمام انسانها و جنیان و حشرات و پرندگان و حیوانات و درندگان، ستایشی فراوان و پاکیزه و مبارک، به همان صورتی که - ای پروردگار ما، - دوست می‌داری و خرسندی، و به همان صورت که بزرگی روی [و اسماء و صفات] و سربلندی عظمت تو را سزاوار است.

سپس ده بار می‌گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

- معبودی جز خدا نیست، که یگانه است و شریکی برای او وجود ندارد، پادشاهی و فرمانروایی ستایش تنها از آن اوست، و تنها اوست باریک بین و کاردان.

و ده بار می‌گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند نیست، که یگانه است و شریکی برای او وجود ندارد، فرمانروایی و سلطنت و ستایش تنها از آن اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، و

می میراند و زنده می گرداند، و او خود زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و هم او بر هر چیز تواناست.

و ده بار می‌گویی:

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

- آمرزش می‌طلبم از خداوندی که معبودی جز او نیست، هم او که زنده و پابرجا [و برپا دارنده‌ی همه‌ی مخلوقات] است، و به سوی او توبه و بازگشت می‌کنم.

و ده بار می‌گویی: يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ.:

(ای خدا، ای خدا.)

و ده بار می‌گویی: يَا رَحْمَنُ، يَا رَحْمَنُ.:

(ای رحمت گستر، ای رحمت گستر.)

و ده بار می‌گویی: يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ.:

(ای مهربان، ای مهربان.)

و ده بار می‌گویی: يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ.:

(ای نوآفرین آسمانها و زمین.)

و ده بار می‌گویی: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.:

(ای صاحب صفت بزرگی و بزرگواری.)

و ده بار می‌گویی: يَا حَنَّانُ مَنَّانُ.:

(ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده.)

و ده بار می‌گویی: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ.:

(ای زنده، ای پابرجا و برپا دارنده‌ی همه‌ی مخلوقات.)

و ده بار می‌گویی: يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.:

(ای زنده، ای که معبودی جز تو نیست.)

و ده بار می‌گویی: **يَا اَللّٰهُ، لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ:**

(ای خدایی که، معبودی جز تو نیست.)

و ده بار می‌گویی: **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ:**

(به نام خداوند رحمت گستر مهربان.)

و ده بار می‌گویی: **اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ:**

(خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست.)

و ده بار می‌گویی: **اٰمِیْن، اٰمِیْن.**

(اجابت فرما، اجابت فرما.)

و ده بار می‌گویی: **اَللّٰهُمَّ، يَا اَللّٰهُ، اِفْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ:**

(خداوندا، ای خدا، آنچه را که تو خود اهل آن هستی با من بکن.)

و ده بار سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ** را می‌خوانی.

و بعد از اینها می‌گویی:

**اَللّٰهُمَّ، اصْنَعْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ، وَلَا تَصْنَعْ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ، فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوٰی وَّ اَهْلُ
الْمَغْفِرَةِ، وَاَنَا اَهْلُ الذُّنُوْبِ وَّ الْخَطَايَا، فَاَرْحَمْنِيْ يَا مَوْلَايَ، وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ.**

- خداوندا، هر چه تو خود اهل و زبیده‌ی آن هستی با من بکن، و آنچه را

که من اهل آن هستم با من بکن، زیرا براستی که تو اهل تقوی و نگاهداری [از

گناهان] و شایسته‌ی آمرزشی، و من اهل گناهان و اشتباهات هستم، پس ای

مولای من، تو که مهربانترین مهربانان هستی، بر من رحم آر.

و ده بار می‌گویی:

**لَا حَوْلَ وَّ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلٰی الْحَيِّ الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ، وَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ
يَتَّخِذْ وِلْدًا، وَّلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ، وَّلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلٰلِ، وَّ كَبْرُهُ تَكْبِيْرًا.**

- هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به [وسیله‌ی] خداوند، توکل بر زنده‌ای که

هرگز نمی‌میرد، و ستایش مخصوص خداوندی که هیچ کس را به فرزندگی

نگرفته، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی
خواری و ذلت برای او نیست، و او را بزرگتر بدان بزرگتر دانستن ویژه‌ای.

(پایان دعای عشرات)²⁶⁷

دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در لیلۃ المَبِیت

13 - و همچنین بگو آنچه را که مولایمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام خوابیدن در رختخواب رسول خدا (ﷺ) به منظور حفاظت ایشان از کید دشمنان با خون دل و تمام وجودش فرمود، که آن از دعاهای مهمّ وقت صبح و شام است.

در روایت آمده که وقتی امام جعفر بن محمد صادق (علیه السلام) وارد عراق شدند (آن هنگام که منصور او را خواسته بود)، مردم به سوی او گرد آمده و عرض کردند: ای مولای ما، تربت مولایمان امام حسین (علیه السلام) که مایه‌ی شفابخش از هر درد و بیماری است، آیا موجب ایمنی از هر ترس و بیم نیز هست؟ حضرت فرمود: بله، هرگاه یکی از شما خواست که ایمن از هر خوف و ترس باشد، باید تسبیحی از تربت او را برگرفته و سه بار دعای لیلۃ المَبِیت حضرت علی (علیه السلام) در رختخواب رسول اکرم (ﷺ) را بخواند، و آن دعا به صورت است:

أَمْسَيْتُ - اللَّهُمَّ، مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ الْمَنِيْعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرٍ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ، مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ، بِلِبَاسِ سَابِغَةِ [حَصِينَةَ]، وَ لَأَءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ (عليهم السلام) مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدِيئِي، بِجِدَارِ حَصِينِ الْأَخْلَاصِ فِي الْأَعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ إِلَيْهِمْ، أُوَالِي مَنْ وَالُوا، وَ أَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَعِزَّنِي اللَّهُمَّ، بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ، حَجَزَتْ الْأَعَادِي عَنِّي بِيَدَيْعِ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ ²⁶⁸ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا، وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا، فَأَغْشَيْنَاهُمْ، فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.

- خداوندا، شب نمودم در حالی که به حرمت استوار و والای تو که مغلوب و با حيله دگرگون نمی‌گردد، [ویا: کسی و یا چیزی نمی‌تواند آن را قصد کند،] چنگ زده و پناه بردم، از شر هر ستمگر و غاصب و هر رخداد و مصیبت از ناحیه‌ی تمام کسان و چیزهایی که آفریدی، چه لب بسته و خاموش باشند [یعنی جمادات] و چه گویا باشند، از هر امر ترسناکی، با پوشیدن لباس کامل [استوار] ولایت و دوستی اهل بیت پیامبرت (ﷺ) در حالی که از هرکس که قصد آزار مرا بکند در پناه دیوار استوار مخلصانه اعتراف کردن به حق آنان و چنگ زدن به ریسمانشان خود را پوشانده و حفظ می‌نمایم، و یقین دارم که مسلماً حق برای آنان و با آنان و در ایشان [و به واسطه‌ی آنهاست، هرکس را که ایشان دوست دارند دوست دارم، و از هرکس کناره گرفتند، کناره می‌گیرم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و ای خدا، مرا به واسطه‌ی ایشان] از گزند تمام اموری که از آن پرهیز دارم، در پناه خویش درآور، ای بزرگ، تمام دشمنانم را به وسیله‌ی خداوندی که نوآفرین آسمانها و زمین است، از خود دور نمودم، براستی که ما از پیشاپیش و از پشت سر آنان سدی قرار دادیم، و در نتیجه روی آنان را پوشانیدم، لذا ایشان نمی‌بینند.

سپس تسبیح را بوسیده و بر چشمانش قرار داده و بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ
 أُمَّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَآمَانًا مِنْ كُلِّ
 خَوْفٍ، وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

- خداوندا، به حق این تربت و به حق صاحب آن و به حق جد و [به حق] پدر و به حق مادر و [به حق] برادر، و به حق فرزندان پاکیزه‌اش، از تو درخواست می‌نمایم که آن را مایه‌ی بهبودی از هر درد و بیماری، و ایمنی از هر بیم، و محافظت از هر بدی قرار دهی.

سپس آن را در گریبان [یا: در جبین و دو طرف پیشانی] خود بگذارد. و اگر این کار را هنگام صبح انجام دهد تا هنگام شام پیوسته در امان خواهد بود، و اگر آن را شبانگاه انجام دهد تا صبح پیوسته در امان خدا خواهد بود.

14 - نیز بخوانی دعایی را که جدّم ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی آن را

برای قرائت در وقت غروب ذکر کرده، که:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ خَيْرَ مَا فِيهَا، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ لَيْلَتِي هَذِهِ وَ شَرِّ مَا فِيهَا. اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَكْتُبَ عَلَيَّ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَكْفِنِي خَطِيئَتَهَا وَ إِثْمَهَا، وَ أَعْطِنِي يُمْنَهَا وَ بَرَكَتَهَا وَ عَوْنَهَا وَ نُورَهَا. اللَّهُمَّ، نَفْسِي خَلَقْتَهَا وَ بَيَدِكَ حَيَاتُهَا وَ مَوْتُهَا، اللَّهُمَّ، فَإِنْ أَمْسَكْتَهَا، فَإِلَى رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةِ، وَ إِنْ أَرْسَلْتَهَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لَهَا وَ ارْحَمْهَا.²⁶⁹

- خداوندا، براستی که از تو درخواست می‌نمایم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و از تو مسألت دارم خیر این شب و خیر آنچه را که در آن هست، و به تو پناه می‌برم از شرّ این شب و شرّ آنچه که در آن است، خداوندا، براستی که به تو پناه می‌برم که خطا یا گناهی را بر من بنویسی. خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و مرا از خطا و گناه کردن در آن [یعنی شب یا روز] کفایت فرما، و میمنت و برکت و یاری و نور آن را به من عطا فرما، خداوندا، این نفس من است که تو آن را آفریده‌ای، و زندگانی و مرگ آن به دست توست. خداوندا، پس اگر آن را [در این دنیا] نگاه داشتی، پس به سوی خشنودی و بهشتت [روانه ساز]، و اگر آن را [به سوی عالم آخرت] روانه ساختی، پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و آن را بیمارز و مورد رحمت خویش قرارده.

15 - و نیز بگو:

رَبِّيَ اللَّهُ، حَسْبِيَ اللَّهُ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، أَشْهَدُ وَأَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، اللَّهُمَّ، أَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآمِنِي، فَإِنَّكَ لَا تُخَذِلُ مَنْ آمَنَتْهُ، اللَّهُمَّ، أَمْسِي جَهْلِي مُسْتَجِيرًا بِحِلْمِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعُدْ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ وَفَضْلِكَ. إِلَهِي، أَمْسِي فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِعِنَاكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْهَنِيِّ الْمَرِيِّ. إِلَهِي، أَمْسِي ذَنْبِي مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا وَلَا أُرْتَكِبُ بَعْدَهَا مُحْرَمًا. إِلَهِي، أَمْسِي ذَلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي. إِلَهِي، أَمْسِي وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَفْنَى، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْرُنِي مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَمِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْيُسْرُ وَالْعَافِيَةُ وَالنَّجَاحُ وَالرِّزْقُ الْكَثِيرُ الطَّيِّبُ الْحَلَالُ الْوَاسِعُ. اللَّهُمَّ، بَصِّرْنِي سُبُلَهُ، وَهَيِّءْ لِي مَخْرَجَهُ وَمَنْ قَدَّرْتَ لَهُ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى مَقْدَرَةٍ بِسُوءٍ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُذْهُ عَنِّي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَالْجَمِّ لِسَانَهُ، وَاقْصُرْ يَدَهُ، وَأَخْرِجْ 270 صَدْرَهُ، وَأَمْنَعُهُ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ أَوْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ أَوْ شَيْءٍ مِمَّا خَوَّلْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَأَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ بِسُوءٍ، يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِرْضَ عَنِّي، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِرْحَمْنِي، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَبَّ عَلَيَّ. يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِقَضَاءِ حَوَائِجِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.²⁷¹

- پروردگار من خداست، او مرا کافی است، تنها بر او توکل نمودم، و اوست پروردگار عرش عظیم الهی، هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به خداوند، هر چه خدا خواست همان می‌شود، گواهی می‌دهم و آگاهی دارم که براستی خداوند بر هر چیز تواناست، و مسلماً علم خداوند به هر چیز احاطه نموده است، و شماره‌ی هر چیزی را احصاء نموده است. خداوندا، براستی به تو پناه می‌برم از شرّ نفّسم، و از شرّ هر جنبنده‌ای که پروردگارم [موی] پیشانی او را برگرفته [و] زمام اختیار او به دست خداست]، بی‌گمان پروردگارم بر راه راست استوار است. خداوندا، خوف و هراس من با پناهنده شدن به ایمنی بخشی تو شب نموده، پس بر محمّد و آل او درود فرست و مرا ایمنی بخش، زیرا هرکس را که تو امان دهی خوار و محروم نمی‌گردانی، خداوندا، نادانی من با پناهنده شدن به بردباری تو شب نموده، پس بر محمّد و آل او درود فرست و با بردباری و تفضّل را بر من روی آر، معبود من، ناداری من با پناهنده شدن به غنای تو شب نموده، پس بر محمّد و آل او درود فرست، و از فضل روزی گسترده و لذیذ و گوارایت برخوردارم نما، ای معبود من، گناهم با پناهنده‌ی شدن به آموزش تو شب نموده، پس بر محمّد و آل او درود فرست و مرا بیامرز، آمرزشی حتمی و قطعی که هیچ گناهی را باقی نگذاری، و بعد از آن هیچ حرامی را مرتکب نشوم. معبود من، خواری و ذلّت من با پناهنده شدن به سرافرازی تو شب نموده، پس بر محمّد و آل او درود فرست، و در خشنودی خویش ناتوانی مرا نیرومند گردان. معبود من، روی [و تمام وجود] یوسنده و نابود شونده‌ام با پناهنده شدن به روی [و اسماء و صفات] جاودانی و پاینده‌ات که هیچگاه از بین نمی‌رود و نابود نمی‌گردد شب نموده، پس بر محمّد و آل او درود فرست، و مرا از عذاب آتش جهنّم و از شرّ دنیا و آخرت در پناه خویش درآور.

خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و دری را که در آن توانگری و تندرستی و کامیانی و روزی بسیار پاکیزه‌ی حلال و وسیع در آن است به روی من بگشای، خداوندا، مرا نسبت به راههای آن بینا گردان، و راه بیرون آمدن از آن را برای من مهیا کن. و هر کدام از آفریدگانت را که قدرت دادی که به من بدی رساند، پس بر محمد و آل او درود فرست، و او را در رابطه‌ی با من از پیشاپیش و از پشت، و از سمت راست و از سمت چپ، و از بالا و زیرش بگیر، و زبانش را لگام بند، و دستش را کوتاه نما، و سینه و دلش را تنگ فرما، و او را جلوگیری کن که به من یا به کسی از بستگانم و کسانی که امورشان مورد اهتمام من است، و یا چیزی که تو به من عطا فرموده و روزی داده و بر من ارزانی داشته‌ای، (چه اندک باشد و چه بسیار) بدی رساند، ای کسی که نسبت به من از رشته‌ی رگ [گردن] نزدیکتر هستی، ای کسی که میان انسان و دل او حایل می‌گرددی [و از خود او به وی نزدیکتری]، ای کسی که در تماشاگاه بالاتر قرار داری، ای کسی که هیچ چیز مشابه تو نیست، و تنها تو شنوا و آگاه می‌باشی.

ای کسی که معبودی جز تو نیست، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، از من خرسند باش، ای کسی معبودی که جز تو نیست، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، بر من رحم آر، ای کسی که معبودی جز تو نیست، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، توبه‌ی مرا بپذیر، ای کسی که معبودی جز تو نیست، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، مرا از آتش جهنّم آزاد فرما، ای کسی که معبودی جز تو نیست، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، تفضّل فرما و حوایج دنیوی و اُخروی‌ام را برآورده ساز، براستی که تو بر هر چیز توانایی.

16 - همچنین بگو:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى نَفْسِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ،
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبِّ
 الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ
 أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ.

- ستایش برای خداوند به شماره تمام آفریدگانش، و ستایش برای خدا مثل آنچه که آفریده است، و ستایش برای خدا به اندازه‌ی پُری آنچه که خلق فرموده، و ستایش برای خداوند به اندازه‌ی کشش کلمات [و موجودات] اش، و ستایش برای خداوند به اندازه‌ی وزن عرش الهی، و ستایش برای خداوند به اندازه‌ی خشنودی وجود او، معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلند مرتبه‌ی بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینها و تمام آنچه که در آن دو هستند، و پروردگار عرش عظیم می‌باشد. خداوند، براستی که من به تو پناه می‌برم از گرفتار شدن به بدبختی [یا رنج]، و به تو پناه می‌برم از شماتت دشمنان، و به تو پناه می‌برم از ناداری و هر بار سنگین، و به تو پناه می‌برم از بد منظری در رابطه با بستگان و دارایی فرزندانم.

سپس ده بار بر پیامبر اکرم (ﷺ) صلوات بفرست.

17 - و نیز بخوان دعایی را که روایت شده امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: اگر این کلمات را بگویم، دیگر باکی ندارم، هرچند تمام انس و جنّ علیه من گرد هم آیند، و آنها به این صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ، بِاللَّهِ، وَ مِنَ اللَّهِ، وَإِلَى اللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ، إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي، وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ

خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي، وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ
قُوَّتِكَ، فَإِنَّهُ لَاحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

- به نام خدا، به [وسیله‌ی] خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، خداوندا، خود را تنها به تو سپردم، و روی [و تمام وجود]م را تنها به سوی تو نمودم، و امورم را فقط به تو واگذار نمودم، پس با حفظ ایمان مرا از پیشاپیش و از پشت و از راست و چپ و از بالا و زیر نگاه دار، و به حول و قدرت خویش [شیطان و تمام دشمنان] را از من دور بدار، زیرا مسلماً هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به خداوند بلند پایه‌ی بزرگ.

18 - و نیز بخوان دعایی را که روایت شده که حضرت ابالحسن امام کاظم (ع) می‌فرمود: هنگام شام و غروب آفتاب و پشت کردن روز شب کردی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ، وَيَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورَ. وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَبَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَمِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَبَطَّنَ، وَمِنْ شَرِّ مَا كَانَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ أَبِي مَرْءَةٍ وَمَا وَلَدَ، وَمِنْ شَرِّ الرَّسَيْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَمَا لَمْ أَصِفْ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، ستایش خداوندی را که هیچ کس را به فرزندی نگرفته، و هیچ شریکی در فرمانروایی و سلطنت ندارد، ستایش خداوندی را که توصیف می‌کند ولی توصیف نمی‌شود، و می‌داند و کسی نمی‌تواند چیزی را به او بیاموزد، از خیانت چشمها و آنچه که دلها آن را می‌پوشاند آگاه است، و پناه می‌برم به روی [و اسما و صفات] بزرگوار خداوند، و به نام بزرگ خداوند، از شرّ تمام آنچه که آفریده و خلق نمود، و از شرّ آنچه

که در زیر خاک است، و از شرّ آنچه که آشکار و یا پنهان است، و از شرّ آنچه در شب و روز است، و از شرّ ابی مرّه و فرزندان او، و از شرّ رسیس و از شرّ آنچه که توصیف نمودم و یا توصیف نمودم، ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است.

و فرمود: آنها [یعنی ابی مرّه و رسیس و..] از درندگان و از شیطانهای رانده شده و از ذریّه وی هستند.

توضیح برخی از عبارات دعای گذشته صاحب صحاح آورده که: ابن قتره - با کسر قاف و تاء دو نقطه بر روی آن - مار خبیث است²⁷² بنابراین، ممکن است که مقصود از این دعا، پناه بردن از شرّ آن باشد؛ و نیز امکان دارد که مقصود ابلیس و ذریّه‌ی آن باشد و حضرت آن را به مار خبیثی که ذکر شد، تشبیه فرموده باشد؛ در بعضی از نسخه‌ها نیز ابی مرّه آمده که آن به صواب نزدیک‌تر است؛ زیرا این دعا پناه بردن به خدا از شیطان و ذریّه‌ی اوست، و دیگر اینکه هیچگاه ابوقتره استعمال نمی‌شود بلکه می‌گویند: ابوقتره، چنانکه شیخ طوسی در مصباح کبیر²⁷³ در دعا و حرز روز چهارشنبه به این صورت ذکر نموده است.

اما درباره‌ی اینکه فرمود وَ مِنْ شَرِّ الرَّسِيسِ، صاحب صحاح²⁷⁴ آورده که: رُسُّ الْمَيْتِ یعنی میت در قبر گذاشته شد، و رَسٌّ و قَدْ رَسَسْتُ بَيْنَهُمْ نیز به معنای آشتی دادن مردم، و همچنین به معنای افساد و دو به هم زنی آمده و از اَضْدَاد است، و شاید مقصود از آن پناه بردن از فساد و تباهی و از مرگ و امور مربوط به آن باشد.

19 - از جمله دعاهای سرّ این است: ای محمّد، هرکس از گزند موجودات خزنده زمینی مانند درّنده و حشرات [یا: مارهای سمّی و خطرناک افعی] بترسد، در مکانی که بیم وجود آن می‌رود بگوید:

یا ذاریء ما فی الأرضِ منها، لعلمک بما یكونُ مما ذرّات، لک السلطانُ علی کُلِّ منْ دُونک، اِنّی اَعُوذُ بِعِزَّتکَ وَ قُدْرَتکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ مِنْ الصُّرِّ فی بَدَنی مِنْ سَبْعِ اَوْ هَامَّةٍ اَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ، یا خالِقها بِفِطْرَتِہ، اِرْداها عَنّی، وَاخْجُزْها وَ لا تُسَلِّطْ عَلَیَّ، وَ عافِنی مِنْ شَرِّها وَ بَأْسِها، یا اَللّهُ، یا ذا العِلْمِ العَظِیمِ، حُطِنی بِحِفْظِکَ مِنْ مَخاوِفِی، یا رَحِیمُ.

- ای خداوندی که تمام آنچه را که از آنها [یعنی درندگان و حشرات خطرناک و مارها] آفرید، به خاطر علم و آگاهی‌ات به آنچه که از سوی آفریدگانت انجام می‌پذیرد، که تنها تو بر تمام موجودات غیر خود سلطنت و فرمانروایی داری، برستی که من پناه می‌برم به عزّت و قدرتی که تو بر هر چیز داری، از آسیب در بدنم، از هر درّنده یا حشرات خطرناک و سمّی و مار یا هر عارضه‌ای از سایر جنبنندگان، ای خدایی که با نوآفرینی خویش آنها را آفریدی، آنها را از من دور کن و جلوگیری فرما و بر من مسلّط مگردان، و از شرّ و عذاب آن عافیت بخش. ای خدا، ای کسی که صاحب آگاهی عظیم هستی، به حفظ و نگاهداری خویش مرا از تمام آنچه که بیم و هراس دارم، حفظ فرما، ای مهربان.

ای محمّد، هرکس از امتّ تو خواهان آن باشد که من از او نگاهداری نموده و یاری کنم، هنگام صبح و شام و وقت خوابیدن بگوید:

آمَنْتُ بِرَبِّي، وَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ عِلْمٍ وَوَارِثُهُ، وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ. رَبُّ، أَشْهَدُ اللَّهَ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَالذُّلِّ وَالصَّغَارِ، وَأَعْتَرِفُ بِحُسْنِ صِنَائِعِ اللَّهِ إِلَيَّ، وَأَبُوءُ عَلَى نَفْسِي بِقَلَّةِ الشُّكْرِ لَهُ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ فِي يَوْمِي هَذَا وَلَيْلَتِي هَذِهِ، بِحَقِّ مَا يَرَاهُ لَهُ حَقًّا عَلَى مَا يَرَاهُ بِهِ مِنِّي لَهُ رِضَى، إِيمَانًا وَإِخْلَاصًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَ إِيقَانًا بِلَا شَكٍّ وَلَا ارْتِيَابٍ. حَسْبِيَ إِلَهِي مِنْ كُلِّ مَنْ دُونَهُ، وَاللَّهُ وَكَيْلِي عَلَى كُلِّ مَنْ سِوَاهُ. آمَنْتُ بِسِرِّ عِلْمِ اللَّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، وَأَعُوذُ بِمَا فِي عِلْمِ اللَّهِ كُلِّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ. سُبْحَانَ الْعَالَمِ بِمَا خَلَقَ، اللَّطِيفُ فِيهِ، الْمُحْصِي لَهُ، الْقَادِرُ عَلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ.

- ایمان آوردم به پروردگارم، و او همان خدایی است که معبودی جز او نیست و معبود هر چیز و منتهای هر دانش و وارث آن و پروردگار هر چیز است، پروردگارا، تو را گواه می‌گیرم که نفسم بنده و ذلیل و کوچک توست، و به کارهای نیک و عطایایی که خداوند نسبت به من ارزانی داشته اعتراف می‌نمایم، و نیز بر کمی شکر و سپاسگزاری‌ام در برابر آن اعتراف می‌نمایم، و در این روز و در این شب، به حق تمام آنچه که حقی برای او قایل است نسبت به تمام آنچه که به واسطه‌ی آن از من برای او خشنودی و خرسندی می‌طلبد، از خداوند، ایمان و اخلاص و روزی وسیع و یقین بدون شک و دودلی را خواهانم. معبود من از تمام آنچه که مادون او هستند برای من کافی است، و خداوند وکیل و کارگذار من است بر تمام ماسوای خود. ایمان آوردم به سرّ و آشکار علم الهی، و پناه می‌برم به تمام آنچه که در علم خداست از تمام بدیها. پاک و منزّه است خداوندی که نسبت به آنچه که آفریده آگاه، و لطیف، و شمارنده و قادر است. آنچه خدا خواست [همان می‌شود]، هیچ قدرتی نیست مگر به خدا، از خداوند آمرزش می‌طلبم، و بازگشت همه تنها به سوی اوست.

زیرا هرگاه این کلمات را بگویند، او را در میان مخلوقات صاحب جاه و منزلت گردانیده، و دل‌های آنان را نسبت به وی مهربان می‌گردانم، و دین او را محفوظ می‌دارم.

ای محمد، هرکس از اُمت تو بخواهد که هیچ کس تسلط بر او نداشته باشد، و من او را از شرور و بدیها کفایت نمایم، بگویند:

يَا قَاضِيَا عَلَى الْمُلْكِ لِمَا دُونَهُ، وَ مَانِعَا مِنْ دُونِهِ نَيْلَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ مُلْكِهِ، وَيَا مُغْنِيَا أَهْلَ التَّقْوَى بِإِمَاطَتِهِ الْأَذَى فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَنْهُمْ، لَا تَجْعَلْ وَلَايَتِي فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ، وَ اسْتَفْعِ بِنِوَاصِي أَهْلِ الْخَيْرِ كُلِّهِمْ إِلَيَّ، حَتَّى أَنْالَ مِنْ خَيْرِهِمْ خَيْرَهُ، وَ كُنْ لِي عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ مُعِينًا، وَ خُذْ لِي بِنِوَاصِي أَهْلِ الشَّرِّ كُلِّهِمْ، حَتَّى أُعَافِيَ مِنْ شَرِّهِمْ كُلِّهِمْ، وَ كُنْ لِي مِنْهُمْ فِي ذَلِكَ حَافِظًا، وَ عَنِّي مُدَافِعًا مُعِينًا، حَتَّى أَكُونَ آمِنًا بِأَمَانِكَ.

- ای خداوندی که نسبت به مادون خود فرمان می‌رانی، و جز خویش را از نیل به فرمانروایی و سلطنتت جلوگیری می‌نمایی، و ای کسی که بادور کردن آسیب و اذیت از اهل تقوی در تمام امور، ایشان را بی‌نیاز می‌گردانی، سرپرستی مرا در امور دینی و دنیوی و اخروی به هیچ کس غیر خودت قرار مده، و [موی] پیشانی [و زمام امور] همه اهل خیر را به سوی من بگیر و بکش، تا اینکه به خیر آنان نایل گردم، و مرا نسبت به آنان در این باره یاری فرما، و [موی] پیشانی [و زمام امور] تمام اهل شرّ در رابطه‌ی من بگیر، تا اینکه از همه شرور آنان در عاقبت باشم، و در این باره‌ی خود نگاهدار من باش، و از من دفاع نموده و یاری فرما، تا اینکه به امان تو ایمن و آسوده گردم.

زیرا هرکس این کلمات را بگوید، کید و مکر مکاران و فریبکاران به او آسیبی نمی‌رساند، و مسلماً من خود به او ایمنی می‌بخشم.

ای محمد، به کسانی که خواهان قرب و نزدیکی جستن به من هستند، بگو: یقیناً بدانید که این کلام، برترین چیزی است که شما بعد از انجام واجبات می‌توانید به وسیله آن به سوی من نزدیکی بجوید، به این صورت که بگویند:

اللَّهُمَّ، إِنَّهُ لَمْ يُمَسِّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَعْلَمُ أَنَّهُ مُقَصِّرٌ فِي مَعْرِفَتِكَ وَطَاعَتِكَ مِثْلَ تَقْصِيرِي، أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صُنْعًا، وَلَا لَهُ أَدْوَمُ كَرَامَةً، وَلَا عَلَيْهِ أَثِينٌ فَضْلًا، وَلَا بِهِ أَشَدُّ تَرْفُقًا، وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيْطَةً، وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعْطُفًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَإِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدِّدُونَ مِثْلَ تَعْدِيدِي؛ فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ، أَنِّي أَشْهَدُكَ بِنَيْتِهِ صِدْقَ بَأْنِ لَكَ الْفَضْلَ وَالطُّوْلَ فِي إِعْطَائِكَ عَلَيَّ وَقَلَّةِ شُكْرِي لَكَ عَلَيْهَا، يَا فَاعِلَ كُلِّ مَا أَرَادَهُ، طَوْفَنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ سَخَطِكَ فِيهَا لِقَلَّةِ الشُّكْرِ، وَأَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِتْمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الرَّحْمَةِ، أَنْظِرْنِي خَيْرَكَ، لَا تُقَابِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي، وَامْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ، وَاجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ خَالِصًا، وَلَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً وَلَا فَخْرًا وَلَا رِيَاءً يَا كَرِيمُ.

- خداوندا، براستی که هیچ کدام از مخلوقات را نمی‌شناسم که بسان کوتاهی من در شناخت و طاعتت شب نموده باشد و تو نسبت به او نیکویی نموده و پیوسته بر او کرامت فرموده، و بروشنی تفضل فرموده، و به شدت مورد رفیق و مدارای خویش قرار داده، و سخت از او محافظت نموده، و بر او به شدت عطف و مهربانی نموده باشی، هر چند همه‌ی مخلوقات مثل برشمردن من، نعمتهایت را به شمار درآورند [و بدان اعتراف نمایند.]، پس ای کسی که گواهی تو کافی است، خود گواه باش که براستی من با نیت صادقانه تو را گواه می‌گیرم که بی‌گمان تو نسبت به من تفضل نموده و انعامت را بخشیدی، و من کم شکر آن را نمودم، ای خدایی که هر چه را بخواهی انجام می‌دهی، ایمنی از مشمول ناخشنودی و غضب تو قرار گرفتن به واسطه‌ی کمی سپاسگزاری‌ام را بر گردنم بیاویز، و به واسطه‌ی رحمت و اسعوات مرا مستوجب افزونی‌ای از نعمت کاملت

بگردان، و مهلت استفاده از خیرات را به من بده. و به واسطه‌ی بدی باطنم، مرا مورد مقایسه و سنجش [و محروم کردن از نعمت] رفتار منما، و دلم را برای پذیرش خشنودیات بگشای، و اعمالی را که بر اساس دین تو برای نیل به قربت انجام دادم خالص گردان، و آن را ملازم شبهه و فخر و ریاء مگردان. ای بزرگوار.

زیرا هرگاه این کلمات را بگویند، تمام اهل آسمانها او را دوست داشته و وی را شکور و بسیار سپاسگزار می‌نامند.

ای محمد، هرکس از امت تو بخواهد که هیچ مانعی میان من و او نباشد، و هرچه را که خواست - خواه بزرگ باشد یا کوچک، در نهان باشد و یا در آشکارا، به من حاجت داشته باشد یا به غیر من - اجابت نمایم، بگوید: آنچه را که ما پیش از این در اواخر تعقیب جزء اول این کتاب ذکر نمودیم، و در آنجا برای عمل به آن ترغیب و تشویق نمودیم - که در اینجا از ذکر آن خودداری می‌کنیم - به این صورت که بگوید:

يا اللَّهُ الْمَانِعُ قُدْرَتُهُ خَلْقَهُ، وَالْمَالِكُ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَ الْمَتَسَلِّطُ بِمَا فِي يَدَيْهِ، كُلُّ مَوْجُودٍ دُونَكَ يُخَيِّبُ رَجَاءَ رَاجِيهِ، وَ رَاجِيكَ مَسْرُورٌ لَا يُخَيِّبُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ رِضَى لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ فِيهِ، وَ كُلِّ شَيْءٍ تُحِبُّ أَنْ تُذَكَّرَ بِهِ، وَ بِكَ يَا اللَّهُ، فَلَيْسَ يَعْذِلُكَ شَيْءٌ، أَنْ تَحُوطَنِي وَ الْوَالِدِيَّ وَ الْوَالِدِيَّ وَ مَالِي، وَ تَحْفَظَنِي بِحِفْظِكَ، وَ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَ كَذَا.

- ای خداوندی که قدرتت مخلوقات را مانع گردیده است، و سلطنت آنها را در ملک خویش درآورده، و به آنچه که در حضور توست، مسلط هستی، هر موجودی غیر از تو امید و ارانش را نومید می‌گرداند، ولی کسی که به تو امید دارد، نومید و محروم نمی‌گردد، از به تمام خشنودیهای که از تمام اشیاء داشته‌ای، و تمام اموری را که دوست می‌داری به آن یاد شوی، و به تو ای خدا

که هیچ چیز همتای تو نیست، خواهانم که مرا و پدر و مادر و فرزندان و اموالم را به حفظ خویش محافظت و نگاهداری نمایی، و حاجتم را درباره‌ی... و برآورده فرمایی.

زیرا هرکس این را بگوید، پیش از آنکه از انتقال که در آن دعا خوانده، حاجت او را برآورده می‌نمایم.

20 - و نیز بگوید:

اللَّهُمَّ، مَا قَصَرْتَ عَنْهُ مَسْئَلَتِي، وَ عَجَزْتَ عَنْهُ قُوَّتِي، وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي، تَعَلَّمْ فِيهِ صَلَاحَ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَفْعَلْهُ بِي بِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ فِي عَافِيَةٍ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- خدایا، هرچه را که درخواست من از آن کوتاه و نیروییم ناتوان گردیده، و هوش و ذهنم به آن نمی‌رسد، و تو می‌دانی که صلاح امر آخرت و دنیای من در آن است، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و آن را به واسطه‌ی رحمت خویش همراه با عافیت برای من بکن، به [واسطه‌ی] اینکه معبودی جز تو نیست، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار [صفت] عزّت و سربلندی است از آنچه که او را بدان توصیف می‌نمایند، و سلام بر پیامبران فرستاده شده، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است.

پایان بردن روز با استغفار

21 - اینک می‌گوییم: شایسته است که محاسبه‌ی روز را به هر اندازه از استغفار که توان آن را داری به پایان ببری، زیرا روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ﷺ) فرمود: خوشا به حال کسی که در نامه‌ی عمل او در روز قیامت در زیر هر گناه، **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** دیده شود.

حالت توجّه و توسّل در پایان روز

22 - و نیز ناگفته نماند که: اگر در هنگام محاسبه‌ی دو فرشته نگاهبان، باطنت صادق و نیتت خالص باشد که در سفری که از ابتدای هستی و پیمودن راه به سوی روز موعودت داری، میهمان خدا، یا میهمان پیامبر اکرم (ﷺ)، یا میهمان یکی از ائمه (علیهم‌السلام) هستی، و نیز در حکم ضیافت بر سر سفره‌های آن رحمت و مهربانی صادق باشی، پس بر آن دو فرشته سلام می‌گویی، سلامی همراه با تصدیق و تسلیم، یا بسان سلام رفیق بر رفیق خود، و هنگام محاسبه با زبان ادب و مراقبه می‌گویی: من میهمان خداوند - جلّ جلاله -، یا میهمان رسول خدا (ﷺ)، یا میهمان افرادی از خواصّ و اولیای خدا هستم که در ضیافت خدایند، و میهمان در حکم میهماندار است، و نسبت من به کسی که در حکم ضیافت و میهمانی اویم واگذار شده است؛ پس شما دو فرشته، نامه‌ی عمل مرا از دست کسی که من در پناه و تحت حمایت و بر سر سفره‌اش هستم، بگیرید.

و نیز توجّه داری که شایسته است میهماندار، از رسوایی و خواری و تمام آسبیهایی که به میهمان می‌رسد جلوگیری کند، زیرا میهمان به رسمان او چنگ زده، آیا نشنیده‌ای که حضرت لوط (علیه‌السلام) فرمود:

وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ²⁷⁶

- و در رابطه‌ی با میهمانم، مرا رسوا ننمایید.

پس امید است که خداوند - جلّ جلاله - به خاطر بزرگداشت کسی که تو در ضیافت اوئی، بر نامه‌ی عمل تو قلم عفو کشیده و آن را از رحمتش پُر کند؛ یا اینکه میهماندار شفاعت تو را بنماید و خداوند - جلّ جلاله - به واسطه‌ی شفاعت او تو را مورد عفو و گذشت خویش قرار دهد.

خداحافظی از دو فرشته روز

23 - سپس چنانکه در آغاز روز بر آن دو فرشته نگاهبان اعمال سلام دادی، آن دو وداع و خداحافظی کرده و آنها را به خداوند - جلّ جلاله - می‌سپاری، و با مصاحبت نیکو در ظاهر و باطن از آنها جدا می‌شوی، به خاطر اینکه خداوند - جلّ جلاله - حفظ احترام فرستادگان و نگاهبانانش را واجب فرموده است. و همه اینها را به نیت خدمت و بندگی خداوند - جلّ جلاله - و اینکه از جمله عبادتهای اوست انجام می‌دهی.

24 - اعمال مربوط به هنگام داخل شدن در مسجد تا هنگام وارد شدن در نماز، در فصل چهاردهم گذشت، پس هرگاه خواستی نماز مغرب، یا مغرب و عشا را در مسجد بخوانی، به آنچه گذشت عمل کن.

فصل بیست و سوم: کیفیت ملاقات با دو فرشته‌ی نگاهبان بر اعمال و نحوه‌ی انجام نماز مغرب و تعقیبات آن

اهمیت استقبال از دو فرشته‌ی نگاهبان اعمال ای بنده، اگر مسلمان بوده و به قرآن باور داشته باشی، یقیناً در دل خویش، اعتقاد و تصدیق فرمایش خداوند - جلّ جلاله - را می‌یابی، آنجا که می‌فرماید:

إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ، كَرَامًا كَاتِبِينَ²⁷⁷

- براستی که بر شما نگاهبانانی گمارده شده، که بزرگوارانی هستند که [اعمال شما را] می‌نویسند.

و همان گونه که اگر بدانی از سوی بعضی از پادشاهان دنیا - که از بندگان پادشاه عالمیان هستند - پیکری به سوی تو خواهد آمد، خود را برای ورود آن آماده می‌کنی، برای فرا رسیدن آن دو فرشته نیز خود را آماده می‌کنی، و ورود و حضور آن دو، اهمیتی در دلت پیدا می‌کنند که به وسیله آن می‌توان بر تصدیق تو به سرور فرستادگان خدا (ﷺ) رهنمون شد، زیرا برخی از بندگان عارف خداوند - جلّ جلاله - هستند که با اسباب و وسایلی که به عبارت و بیان نمی‌توان آن را دریافت، از وقت حضور و بازگشت آن دو فرشته در شام و صبح آگاه می‌گردند، بلکه اگر خداوند - جلّ جلاله - بخواهد می‌تواند تو را نیز از آن آگاه گرداند تا اینکه بروشنی آن را بدانی، زیرا او - جلّ جلاله - به کسانی که پیرامون تقسیم رحمتها بر او خرده می‌گیرند، می‌فرماید:

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ؟ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ²⁷⁸

- آیان آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند، ماییم که روزی و گذران زندگی آنان را در زندگانی دنیا تقسیم نموده، و درجات و پایه‌های برخی را بالاتر از بعضی دیگر قرار دادیم.

ولی اگر در آغاز شب و یا روز، اهمیتی در قلب خویش برای آن دو فرشته‌ی نگاهبان نیافتی، نسبت به درمان دین و عقل خود دست توّسل به خداوند - جلّ جلاله - بزن، که در این صورت مسلماً از لحاظ دین و یقین و قلب و باطن مریض هستی.

و مبدا بگویی: من با فلانی و فلانی را بوده و شبانه روز با آنها مصاحبت نموده‌ام، ولی ندیده‌ام که آنان نسبت به این دو فرشته اهتمام و توجّه داشته و ارزشی برای آنها قایل باشند؛ زیرا اگر به کتاب و رسول خدا باور داشته باشی، به اهل غفلت التفات نکرده، و به آنان اقتدا نمی‌کنی، و تنها به آنچه که عقلاً و نقلاً ثابت است عمل می‌کنی؛ زیرا بیشتر مردم در این زمانه در غفلت هولناکی هستند که خداوند - جلّ جلاله - به آنان لطف فرموده و با عنایاتی که او - جلّ جلاله - شایسته‌ی آن است غفلت آنان را جبران نموده است.

پیش از این، تو را بر حقیقت آنچه که هنگام وداع این دو فرشته در وقت غروب آفتاب گفته می‌شود، آگاهانیدیم، و آن را با استفاده عقل و نقل روشن ساختیم، و آن حجّت خداوند عَلَامُ الْغُیُوب است بر هرکسی که به او رسیده باشد.

کیفیت ملاقات و سلام به دو فرشته‌ی نگاهبان بر اعمال اینک می‌گویم: پس هرگاه سرخی آفتاب از افق مشرق - البتّه با نبود موانع مشاهده‌ی آن - برطرف شد، یا در هنگام وجود موانعی که مانع از شناخت آن وقت می‌گردد، ظنّ غالب به از بین رفتن آن حاصل شد، و وقت حضور دو فرشته‌ی شب بر اساس

روایات منقول رسید، اگر آن را از طریق مرحم ربّانی در نیافتی، همانند آغاز روز بر آن دو سلام بگو، و خداوند - جلّ جلاله - را گواه بگیر، و آن دو را بر آنچه که دو فرشته‌ی روز را بر آن شاهد گرفتی، شاهد بگیر. که در روایت آمده که علیّ (علیه السلام) هماره وقتی شب فرا می‌رسید، می‌فرمود:

مَرْحَبًا بِاللَّيْلِ الْجَدِيدِ، وَ الْكَاتِبِ وَالشَّهِيدِ، اُكْتُبَا: بِسْمِ اللّٰهِ.

- خوش آمد شب نو و دو فرشته نویسنده و گواه. بنویسید: به نام خدا. سپس ذکر خداوند - عزوجلّ - را می‌گفت. و اگر خواستی، سلام بر آن دو را به بعد از نماز مغرب تأخیر بیانداز که این نیز در بعضی از روایات نقل شده است.

همچنین در روایتی آمده که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) [همواره وقتی که هنگام شام می‌شد می‌فرمود:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَذْهَبَ بِالنَّهَارِ وَ جَاءَ بِاللَّيْلِ، سَكَنًا، نِعْمَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا، اَللّٰهُمَّ، اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِيْنَ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ عَافَانِيْ فِيْ يَوْمِيْ هَذَا، فَرَبُّ مُبْتَلٰى قَدْ اِبْتُلٰى فِيمَا مَضٰى مِنْ عُمْرِيْ، اَللّٰهُمَّ، عَافِنِيْ فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ وَ فِي الْاٰخِرَةِ، وَ قِنِيْ عَذَابَ النَّارِ.

و هنگامی که صبح می‌شد نیز مثل آن را می‌فرمود، البته به جای وَ جَاءَ بِاللَّيْلِ وَ جَاءَ بِالنَّهَارِ می‌فرمود.

نحوه‌ی سپردن اعمال قضا شده به فرشتگان که من وقتی برخی از دعاها و عبادتهای روز تا فرا رسیدن شب را فراموش می‌کنم، آنها را انجام داده و قضا می‌کنم و بر دو فرشته‌ی شب سلام گفته و آن دو را به خداوند - جلّ جلاله - سوگند می‌دهم که هنگام نوشتن آنچه که تدارک نموده و قضا کرده‌ام، از خداوند - جلّ جلاله - بخواهند که به دو فرشته‌ی روز اطلاع دهند که آن را درجای خود از عمل روز بنویسند؛ و همچنین وقتی چیزی از عبادات شب را فراموش

می‌کنم، در روز آن را تدارک نموده و از دو فرشته روز درخواست می‌کنم که به دو فرشته‌ی شب اطلاع دهند که آنچه را که قضا نموده‌ام در جای خود بنویسند، تا جای آن خالی نماند.

دعای وقت شنیدن اذان صبح و مغرب سپس به همان صورتی که در کیفیت اذان نماز ظهر ذکر شد، برای نماز مغرب اذان بگو، و بعد از اذان و یا پیش از آن - به حسب توفیق و امکان - بگو آنچه را که روایت شده که حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: حضرت جعفر بن محمد (علیهما السلام) پیوسته می‌فرمود: هرکس هنگامی که اذان صبح و اذان مغرب را شنید این دعا را بخواند، و سپس در همان روز یا شب بمیرد، از توبه کنندگان نوشته می‌شود، به این صورت که بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبَالِ لَيْلَتِكَ وَ إِذْبَارِ نَهَارِكَ وَ حُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَ أَصْوَاتِ دُعَاتِكَ [دُعَاتِكَ] وَ تَسْبِيحِ مَلَائِكَتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُتُوبَ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

- خداوندا، به واسطه‌ی روی آوردن شب و پشت کردن روز و حضور [وقت] نمازهایت و صداهای دعا کنندگان [یا: دعایت] و تسبیح ملائکه‌ات، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و توبه مرا بپذیری، براستی که تو بسیار بخشنده‌ی مهربان می‌باشی.

دعای بعد از فراغت از اذان اینک می‌گوییم: وقتی از اذان و این دعا فراغت پیدا کردی، بگو آنچه را که حسن بن معاویه بن وهب به نقل از پدرش می‌گوید که هنگام غروب به خدمت امام صادق (علیه السلام) وارد شدم، و دیدم که حضرت اذان گفته و نشسته‌اند، و شنیدم که دعایی را می‌خوانند که مثل آن را نشنیده بودم. ساکت شدم، تا اینکه آن بزرگوار از نماز فراغت پیدا کردند، سپس عرض کردم: ای سرور من، دعایی از شما شنیدم که هرگز مثل آن را نشنیده بودم.

فرمودند: این دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) است در شبی که در رختخواب رسول خدا (ﷺ) خوابیدند، و به این صورت:

يا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعَى، يا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى، يا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ إِلَهٌ يُتَّقَى، يا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُغْشَى، يا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُنَادَى، يا مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَيَّ كَثْرَةَ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا، يا مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَيَّ عِظَمَ الْجُرْمِ إِلَّا رَحْمَةً وَعَفْوَاً، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْخَيْرِ وَالْكَرَمِ.

- ای خداوندی که پروردگاری همراه تو وجود ندارد تا خوانده شود، ای خدایی که آفریننده‌ای برتر و بالای تو نیست که از او نرسیده شود، ای خداوندی که معبودی غیر تو که انسان از او بیم و هراس داشته و پرهیز نماید، وجود ندارد و ای خدایی که وزیری نداری که تو را پنهان نگاه دارد، ای خدایی که دربان‌ی نداری تا آن [به جای تو] خوانده شود، ای کسی که بسیار درخواست نمودن جز بر بزرگواری و بخشش تو نمی‌افزاید، ای خدایی که بزرگی جرم و گناه جز بر رحمت و گذشت تو افزون نمی‌کند، بر محمد و آل محمد درود فرست، و آنچه را که خود سزاوار آن هستی با من بکن، که تو اهل تقوی و نگاهداری و اهل آمرزش هستی، و تو زینده‌ی بخشش و خیر و بزرگواری می‌باشی.

توضیح دو نکته پیرامون حدیث گذشته

الف - آنچه که روایت این دعا متضمّن آن است که مولایمان امام صادق (ع) بعد از اذان مغرب جلوس فرمودند، معلوم است که آن بزرگوار در تمام اوقات حقیقتاً به اسرار الهی - جلّ جلاله - آشنا تر هستند، ولی روایاتی نقل شده که مضمون آن این است که: [بهتر است که بین اذان و اقامه‌ی نماز مغرب نشینند، و ظاهر عمل گروهی از اهل توفیق نیز بر آن استوار است، ولی شاید نشستن بین اذان و اقامه‌ی مغرب گاهی از اوقات، و یا برای گروهی مخصوص افضل باشد.

ب - اینکه حضرت - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمود: این دعای مولایمان امیرالمؤمنین (ع) بود در شبی که در رختخواب رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) خوابیدند منافاتی با دعای [لَيْلَةُ] الْمَبِيتِ که پیش از این²⁷⁹ ذکر و نقل نمودیم ندارد، بلکه امکان دارد که مولایمان امیرالمؤمنین (ع) به حسب حدیث منقول، به هر دو صورت دعا نموده باشند.

²⁶⁷ در برخی از نسخه‌های کتاب، دعای عشرات ذکر نشده است و تنها آمده که: مستحبّ است دعای عشرات را بخواند، زیرا آن از جمله دعاهایی است که در هنگام شام و صبح خوانده می‌شود. و در برخی از نسخه‌ها افزوده شده است: و ذکر آن در تعقیب نماز صبح و نیز در بهترین جایی که مستحبّ است خوانده شود، یعنی در اعمال بعد از عصر روزهای جمعه، خواهد آمد. ان شاء الله جلّ جلاله.

(268) بیس (36): 9.

(269) رجوع شود به مصباح المتهدّد، ص 90.

- (270) این لفظ ظاهراً در اصل «أَخْرَجِيوَدَه» است، که در نسخه برداری اشتباهاً به این صورت نوشته شده است، لذا ترجمه نیز بر اساس «أَخْرَجِيوَدَه» نه «أَخْرَجِيوَدَه»
 (271) مصباح المتهدج، ص 90.
- (272) صحاح، مادهی قتر، ج 2، ص 786.
- (273) مصباح المتهدج، ص 479 - البته در نسخهی چاپ شدهی مصباح المتهدج نیز ابن قتره آمده است، و در نسخهی مؤلف به همان صورتی که در متن آمده، بوده است.
- (274) صحاح، مادهی «رَسَس»، ج 3، ص 934.
- (275) تنها برخی از این دعاها مربوط به اعمال وقت صبح و شام است، و شاید نظر مؤلف بزرگوار این بوده که همهی آنها به خاطر اهمیتشان در صبح و شام خوانده شود.
- (276) هود (11): 78.
- (277) انفطار (82): 10 و 11.
- (278) زخرف (43): 32.
- (279) به فصل بیست و دوّم رجوع شود.

کیفیت اقامه و نماز مغرب

وقتی بنده از اعمال بعد از اذان - که در اذان ظهر گذشت - و از دعایی هم اکنون یادآور شدیم فراغت پیدا کرد، باید برای گفتن اقامه بیا خیزد، و آن را با توضیحی که گذشت بگوید، و بعد از آن به کیفیت که گفتیم و روایت نمودیم، دعا کند.

اینک می‌گوییم: اگر عادت به سهو در نماز مغرب داشته باشد، باید در رکعت اول و دوم از آن، سوره‌هایی را که قرائت کند که عمر بن یزید می‌گوید به محضر امام صادق (علیه السلام) از سهو کردن در نماز مغرب شکایت نمودم. حضرت فرمود: آن را با قرائت سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ** بجا آور، و من چنین کردم، و آن موضوع رفع شد.

سپس با تکبیرهای هفتگانه و دعاهای آن به همان صورتی که پیش از این ذکر نمودیم توجه نموده، و نیت کند که: نماز واجب مغرب را به صورت ادا و به جهت وجوبش و برای اینکه بدین وسیله عبادت خداوند - جلّ جلاله - بنمایم، از آن جهت که او زینده‌ی پرستش است، بجا می‌آورم. و تکبیرة الاحرام را - که از جمله تکبیرات هفتگانه است - بگوید، و سه رکعت را به صورت نماز ظهر و بر همان ترتیبی که شرح دادیم بجا آورد، جز اینکه حمد و سوره را در دو رکعت اول و دوم در اینجا بلند و به صورت جهری قرائت می‌کند، و در رکعت سوم سوره‌ی حمد را با حالت اخفات و آهسته می‌خواند²⁸⁰

و هنگامی که دو سجده‌ی رکعت سوم انجام داد بر نمی‌خیزد، بلکه به همان صورت که در تشهد باید نشست می‌نشیند، و به همان صورتی که در تشهد دوم نماز ظهر ذکر نمودیم تشهد بجا می‌آورد، و سلام می‌گوید.

تعقیبات مخصوص نماز مغرب

1 - سپس به همان صورتی که در روایت آمده سجده شکر بجا می‌آورد. علی بن جهم می‌گوید: حضرت ابوالحسن موسی (علیه السلام) را دیدم که بعد از خواندن سه رکعت نماز مغرب، سجده نمود. عرض کردم: فدایت گردم، دیدم که شما بعد از خواندن سه رکعت نماز مغرب سجده نمودید، فرمود: مرا دیدی؟ عرض کردم: بله. فرمود: پس آن را ترک مکن، زیرا دعا در آن حالت مستجاب می‌گردد.

2 - وقتی سلام نماز مغرب را گفت، دستهایش را همراه با گفتن تکبیرهای سه گانه بالا می‌برد، و دعاها و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) و تعقیبات مهمی را که بعد از نمازهای واجب بجا آورده می‌شود و ما مشروحاً آن را ذکر نمودیم، می‌گوید.

3 - سپس دو فرشته‌ی نگاهبان را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: در هر شام و صبح در تعقیب نماز واجب مغرب و نماز صبح ده بار بگو:

أَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

- از شیطان رانده شده، به خدا پناه می‌برم.

سپس بگو:

أُكْتُبُ رَحِمَكُمَا اللَّهُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَمْسَيْتُ وَأَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا، عَلِيٌّ دِينَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) وَ سُنَّتِهِ وَ عَلِيٌّ دِينَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ سُنَّتِهِ. وَ عَلِيٌّ دِينَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَام) وَ سُنَّتِهَا، وَ عَلِيٌّ دِينَ الْأَوْصِيَاءِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) وَ سُنَّتِهِمْ، أَمْنْتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلَانِيَتِهِمْ، وَ بَيْعَتِهِمْ وَ شَهَادَتِهِمْ، أَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ وَ يَوْمِي هَذَا مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ

مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ وَالْأَوْصِيَاءُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ)، وَارْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا فِيهِ،
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

- بنویسید که خداوند شما را رحمت کند،: به نام خداوند رحمت گستر
مهربان، شب و صبح نمودم در حالی که بر اساس دین و آیین حضرت محمد
(ﷺ)، و بر اساس آیین و شیوهی حضرت علی (ع)، و طبق آیین و
روش حضرت فاطمه (ع) و بر آیین و راه و روش اوصیاء (ع)، به خدا
ایمان آوردم. ایمان آوردم به باطن و ظاهر و نهان و آشکار ایشان، و در این
شب و این روزم از تمام آنچه که حضرت محمد و علی و فاطمه و اوصیاء
(ﷺ) از آن پناه بردند، به خدا پناه می‌برم، و نسبت به آنچه بدان میل و
رغبت داشتند، به خدا میل و رغبت دارم، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز
به [وسیله] خدا.

4 - سپس می‌گویی آنچه را روایت شده که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:
هرکس بعد از نماز صبح و بعد از نماز مغرب، پیش از آنکه پاهایش را جمع
کند، یا با کسی سخن بگوید، یک بار بگوید:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا
تَسْلِيمًا، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ.

- براستی که خداوند و فرشتگانش بر پیامبر اکرم درود و رحمت می‌فرستند،
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستاده و کاملاً تسلیم او شوید.
خداوند، بر حضرت محمد پیامبر اکرم و بر فرزندان او و بر اهل بیتش درود
فرست.

خداوند متعال صد حاجت او را برآورده می‌سازد، که هفتاد حاجت آن
آخری²⁸¹ و سی حاجت آن حاجت دنیوی است.

5 - و نیز می‌گوید آنچه که روایت شده حضرت ابی الحسن امام رضا (علیه السلام) فرمود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هر کس بعد از نماز مغرب در حالی که پاهایش را جمع کرده، و پیش از سخن گفتن، و بعد از نماز صبح پیش از سخن گفتن، هفت بار بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به [وسیله‌ی] خداوند بلند مرتبه و بزرگ.

خداوند متعال هفتاد نوع از انواع بلا و گرفتاری را از او دور می‌سازد، که کمترین آنها جذام و پیسی و شرّ سلطان و فرمانروا و شیطان است.

6 - و نیز در روایت آمده که امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود رسول خدا (ﷺ) فرمودند: هر کس نماز صبح را بخواند و پیش از خم کردن زانوهای و راحت نشستن ده بار بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست، و فرمانروایی از آن اوست، و ستایش مختصّ اوست، زنده می‌گرداند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند، و او خود زنده‌ای است که نمی‌میرد، و خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و او بر هر چیز تواناست.

و هنگام غروب آفتاب [و یا: بعد از نماز مغرب] مانند آن را بگوید، هیچ بنده‌ای به عملی برتر از عمل او با خداوند - عزّوجلّ - ملاقات نمی‌نماید، مگر کسی که عملی مانند او را بجا آورده باشد.

7 - و همچنین بعد از نماز مغرب و نماز صبح می‌گوید:

سُبْحَانَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِيغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعاً، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا إِلَّا أَنْتَ

- پاک و منزهی تو، معبودی جز تو نیست، تمام گناهانم را بیامرز، زیرا جز تو کسی همه‌ی گناهان را نمی‌آمرزد.

زیرا در ضمن روایتی به نقل از امام باقر (ع) از پیامبر اکرم (ص) (بدین مضمون) آمده است که: وقتی بنده این را گفت، خداوند - جلّ جلاله - به فرشتگان نویسنده‌ی اعمال می‌فرماید: در برابر این شناختی که بنده‌ام دارد که همه‌ی گناهان را جز من کسی نمی‌تواند بی‌آمرزد، مغفرت و آمرزش برای او بنویسید.

8 - می‌گوید آنچه را که محمد بن جعفری به نقل از پدرش نقل کرده که: چشمم خیلی درد می‌کرد، در محضر امام صادق (ع) از آن شکایت نمودم، فرمود: آیا دعایی برای دنیا و آخرت و برای درمان درد چشمت به تو نیاموزم؟ عرض کردم: بله، فرمود: در تعقیب نماز صبح و مغرب بگو:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (ع)، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي.

- خداوندا، به حق محمد و آل محمد (ع) از تو درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و از تو مسألت دارم که در دیده‌ام نور، و در دینم بصیرت و روشندلی، و در قلبم یقین، و در عملم اخلاص، و در نفسم سلامتی، و در روزی‌ام وسعت قرار دهی، و سپاسگزاری به درگاہت را تا زمانی که مرا زنده و پاینده داشته‌ای همواره [آرزانی‌ام داری].

فاصله بین نماز مغرب و عشا، وقت مخصوص مناجات با خدا اینک می‌گوییم: پیش از خواندن نافله‌های نماز مغرب، تعقیب نماز مغرب را طول نده، زیرا برترین وقت بر انجام نافله‌های نماز مغرب تا پیش از زوال سُرخِ آفتاب از اُفقگاه غروب آفتاب می‌باشد، و گروهی از عارفان در بین نماز مغرب و عشا با غیر خدا - جلّ جلاله - سخن نمی‌گفتند، زیرا آن وقت، وقتِ مختصّ به مناجات با خداوند علامّ الغیوب و وقت کامیابی و برآورده شدن حوایج است، بلکه اگر نمازگزار بیم آن را داشته باشد که به خاطر مشغول شدن به خواندن این دعاها، سُرخِ آفتاب پیش از خواندن نافله‌ی مغرب از اُفق مغرب از بین برود، دعاهای وقت‌گیر را به بعد از نافله‌های مغرب به تأخیر می‌اندازد، که بنابر برخی از روایات تأخیر آن فضیلت دارد و مستحبّ است.

حدّ اقل اگر ترک سخن گفتن با غیر خدا - جلّ جلاله - تا خواندن نماز واجب عشا برای او بیشتر نبود، بکوشد که با غیر خداوند - جلّ جلاله - سخن نگوید تا اینکه چهار رکعت نافله مغرب را بخواند، در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس نماز مغرب را بخواند و بعد تعقیب آن را بجا آورد و سخن نگوید تا اینکه دو رکعت نماز بخواند، آن دو در علیین برای او نوشته می‌شوند، و اگر چهار رکعت بخواند، یک حجّ و عُمره نیکو برای او نوشته می‌شود.

فصل بیست و چهارم: آداب اسرار و ادعیه و نافله‌های مغرب و ادامه‌ی

تعقیبات نماز مغرب

وقتی بنده از آنچه ذکر نمودیم فراغت پیدا نمود، باید برای بجا آوردن نماز نافله مغرب بپا خیزد، که چهار رکعت است، هر دو رکعت با یک سلام و دعاهایی بعد از آن.

سوره‌های مخصوص نافله‌های مغرب درباره‌ی سوره‌هایی که در چهار رکعت نمازهای نافله مغرب قرائت می‌شود، در روایت آمده که حاتم بن فرج می‌گوید: از حضرت ابالحسن موسی بن جعفر (علیه‌السلام) درباره‌ی سوره‌هایی که در چهار رکعت [نافله‌های نماز مغرب] خوانده می‌شود، پرسیدم، حضرت (علیه‌السلام) به خطّ خویش مرقوم فرمود: در رکعت اول سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و در رکعت دوم سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ**؛ و در رکعت سوم، آیاتی از اول سوره‌ی بقره و وسط همان سوره، یعنی آیات **و إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ**²⁸² و سپس پانزده بار سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**، را قرائت می‌نماید، و در رکعت چهارم، آیه‌ی **الکرسی** و آخر سوره‌ی بقره²⁸³ و سپس پانزده بار **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را می‌خواند.

و در روایت دیگری نیز درباره‌ی سوره‌هایی که در دو رکعت نخست نوافل مغرب قرائت می‌شود، آمده است: در رکعت اول از نافله‌های مغرب، سوره‌ی حمد و سه بار **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**، و در رکعت دوم سوره‌ی حمد و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** خوانده می‌شود.

چنانکه درباره‌ی دو رکعت سوّم و چهارم، روایت شده که: حضرت ابی الحسن امام کاظم و امام باقر (علیه‌السلام) همواره در دو رکعت سوّم و چهارم نافله‌های مغرب، در رکعت سوّم سوره‌ی حمد و اول سوره‌ی حدید، تا **عَلِيمٌ**

بِذَاتِ الصُّدُورِ²⁸⁴ و در رکعت چهارم سوره‌ی حمد و آخر سوره‌ی حشر²⁸⁵ را
قرائت می‌فرمودند.

دعای مخصوص آخرین سجده‌ی نافله‌های مغرب

درباره‌ی دعایی را که در آخرین سجده‌ی نافله‌های مغرب خوانده می‌شود و فضیلت آن، در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس در آخرین سجده‌ی از نافله‌ی بعد از [نماز] مغرب شب جمعه (و اگر در هر شب آن را انجام دهد، افضل و بهتر خواهد بود) هفت بار بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ [وَأُتَمِّمُكَ الْقَدِيمِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِي الْعَظِيمَ]، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ

- خداوندا، همانا به روی [و اسما و صفات] بزرگواریت و به اسم بزرگ [و فرمانروایی دیرینه و بی آغازت از تو مسئلت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی، و گناه بزرگ مرا بیامرزی]، که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌آمرزد. نماز را تمام می‌کند، در حالی که خداوند او را مورد مغفرت خویش قرار داده است.

و در روایت دیگری آمده که: آن با شصت حجّ از دورترین شهرها برابر است.

کیفیت دو رکعت نخست نافله‌های نماز مغرب این دو رکعت را به این نیت شروع می‌کنی: نماز نافله‌ی مغرب را به گونه‌ی استجابی و به منظور اینکه بدین وسیله عبادت خداوند - جلّ جلاله - را بکنم از آن جهت که زینده‌ی پرستش است، بجا می‌آورم، سپس هفت تکبیر افتتاح را همراه با دعا‌های آن به صورتی که در رکعت اول از نافله‌های نماز ظهر شرح دادیم بجا می‌آوری، و به همان کیفیت که ذکر کردیم توجّه می‌کنی، و بعد از توجّه سوره‌ی حمد و بعد از حمد یکی از سوره‌هایی را که روایت کردیم برگزیده و قرائت می‌نمایی.

و وقتی از رکعت اول نماز نافله‌ی مغرب بپا خاستی، سوره‌ی حمد و هر کدام از سوره‌هایی که در دو روایت ذکر نمودیم برگزیده و قرائت می‌کنی، سپس رکعت دوم را به همان کیفیت که در رکعت اول نافله‌های نماز ظهر بیان نموده و توضیح دادیم، کامل نموده و سلام نماز را می‌گویی.

و وقتی سلام نماز را گفتی به همان صورتی که پیش از این ذکر کردیم سه بار تکبیر می‌گویی، و انجام تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) نیز به کیفیت گذشته مستحب است.

آنگاه بعد از این دو رکعت، این دعا را می‌خوانی:

اللَّهُمَّ، إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، وَإِلَيْكَ الرَّجْعِي وَالْمُنْتَهَى، وَإِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيَى، وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ، إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذَلُّ وَنَخْزَى، وَأَنْ نَأْتِيَ مَا عَنْهُ تَنْهَى، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَأَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْهُورِ الْعَيْنِ وَبِعِزَّتِكَ، وَاجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِي عِنْدَ كِبَرِ سِنِّي، وَأَحْسَنَ عَمَلِي عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي، وَأَطْلُبْ فِي طَاعَتِكَ وَ مَا يُقَرِّبُ مِنْكَ وَ يُحْطَى عِنْدَكَ وَ يُزَلَّفُ لَدَيْكَ عُمْرِي، وَأَحْسَنَ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي مُعَوْنَتِي، وَلَا تَكْلِنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَ تَفَضَّلْ [يا: أَفْضَلُ] عَلَيَّ بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ اِبْدَأْ بِوَالِدَيَّ وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي، وَ ثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، بی‌گمان تو می‌بینی و دیده نمی‌شود، و در چشم انداز بالاتر قرار داری، و بازگشت و سرانجام [همگان] فقط به سوی توست، و مسلماً مرگ و زندگانی برای توست، و آخرت و دنیا از آن توست، خدایا، به تو پناه می‌بریم از اینکه خوار و رسوا گشته و آنچه را که از آن نهی فرموده‌ای مرتکب شویم، خداوندا، براستی از تو مسألت می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و به رحمت بهشت را از تو خواهانم، و به قدرتت از آتش جهنم به تو پناه می‌آورم،

و به عزّت از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی از تو درخواست می‌نمایم، و وسیع‌ترین روزی‌ام را در هنگام فزونی عمرم، و نیکوترین عملم را در هنگام نزدیکی سرآمد عمرم قرار ده، و عمرم را در طاعتت و آنچه که مرا به تو نزدیک گردانیده و در نزدت بهره‌مند، و در پیشگاهت برخوردار از منزلت می‌گرداند، طولانی گردان، و در همه‌ی حالات و امورم مرا نیکو یاری فرما، و به هیچ یک از مخلوقات و امگذار، و تفضّل فرموده و همه‌ی حوائج در دنیا و آخرت را برآورد ساز، و در تمام آنچه از تو برای خود درخواست نمودم نخست به والدین و فرزندان و تمام برادران مؤمنم آغاز کن، [و به ایشان عطا فرما] و در مرحله‌ی دوّم به من [عطا فرما]. به رحمت، ای مهربانترین مهربانها.

کیفیت انجام دو رکعت دیگر نافله‌های مغرب سپس برای خواندن دو رکعت آخر از نافله‌های مغرب بپا می‌خیزی. و نیت این دو مانند نیت دو رکعت نخست می‌باشد. آنها را با تکبیرة الاحرام آغاز نموده، و سوره‌ی حمد و یک سوره از دو روایتی که ذکرش گذشت، برگزیده و بعد از حمد قرائت می‌کنی، و به همان صورتی که در دو رکعت اوّل نافله‌های ظهر ذکر نمودیم رکوع و سجده بجا می‌آوری.

سپس برای خواندن رکعت دوّم نافله‌ی مغرب برخاسته، و سوره‌ی حمد، و یک سوره از دو روایت را برگزیده و قرائت می‌کنی، و مثل قنوت نافله‌های ظهر قنوت می‌کنی، رکوع، و سجده‌ی نخست و بعد سجده‌ی دوّم و دعای مخصوص آن (یعنی: **اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ** هفت بار تا آخر) بر آن می‌افزایی، می‌نشینی و تشهد را به صورت کامل گفته، و سلام نماز و تکبیرهای سه گانه را می‌گویی، و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را به صورتی که گذشت انجام می‌دهی.

آنگاه بعد از این دو رکعت، این دعا را خوانده و می‌گوی:

اللَّهُمَّ، بِيَدِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ
الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخِذْلَانِ وَالنَّصْرِ، وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيَاةِ، وَ
بِيَدِكَ مَقَادِيرُ الصَّحَّةِ وَالسُّقْمِ، وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، [وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْجَنَّةِ
وَالنَّارِ]، وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَارِكْ لِي فِي
دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَبَارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَجَمِيعِ
مَا حَوَّلْتَنِي وَرَزَقْتَنِي وَأَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَمَنْ أَحَدْتَنِي بَيْنِي وَبَيْنَهُ مَعْرِفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ،
وَاجْعَلْ مَبْلَهُ إِلَيَّ وَمَحَبَّتَهُ لِي، وَاجْعَلْ مُنْقَلَبَنَا إِلَى خَيْرِ دَائِمٍ وَنَعِيمٍ لَا يَزُولُ، اللَّهُمَّ، صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، [وَأَقْصِرْ أَمَلِي عَنْ غَايَةِ أَجَلِي، وَاشْغَلْ قَلْبِي بِالْآخِرَةِ عَنِ الدُّنْيَا، وَ
أَعِنِّي عَلَى مَا وَطَّفْتَ عَلَيَّ مِنْ طَاعَتِكَ، وَكَلَّفْتَنِيهِ مِنْ رِعَايَةِ حَقِّكَ، وَأَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ
الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَأَنْوَاعِهِ، خَفِيٍّ وَمُعْلَنِهِ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَتَقَبَّلْ عَمَلِي، فَضَاعِفُهُ لِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ، وَيَدْعُوكَ رَغْبًا وَ
رَهْبًا، وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [يَا: وَآلِهِ] وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ
مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَ
شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ. اللَّهُمَّ، وَآيْمَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَرَادَنِي أَوْ أَحَدًا مِنْ أَهْلِي وَوَلَدِي وَ
إِخْوَانِي وَ أَهْلِ حُزَانَتِي بِسُوءٍ، فَإِنِّي أَذْرَأُكَ فِي نَحْرِهِ 286 وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ، وَ
أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [يَا: آلِهِ]، وَ خُذْهُ [عَنِّي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ
مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ] [وَمِنْ تَحْتِهِ]، وَ أَمْنَعْنِي مِنْ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ
مِنْهُ سُوءٌ أَبَدًا، بِسْمِ اللَّهِ، وَبِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، إِنَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ
اللَّهَ بِالْعُزْمَةِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي فِي كَنَفِكَ وَ
حِفْظِكَ وَحِرْزِكَ وَحِيَاطَتِكَ وَجِوَارِكَ وَأَمْنِكَ [وَأَمَانِكَ] وَعِيَاذِكَ وَمَنْعِكَ، عَزَّ
جَارُكَ، وَجَلَّ تَنَازُوكُكَ، وَامْتَنَعَ عَائِدُكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

وَاجْعَلْنِي وَإِيَّاهُمْ فِي حِفْظِكَ وَ مُدَافَعَتِكَ وَ وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرٍّ الشَّيْطَانِ وَالسُّلْطَانِ، إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ أَشَدُّ تَنْكِيلًا، اللَّهُمَّ، إِنْ كُنْتُ مُنْزَلًا بِأَسَا مِنْ بَأْسِكَ، وَ نِقْمَةً مِنْ نِقْمَتِكَ بِيَّاتًا، وَ هُمْ نَائِمُونَ أَوْ ضَحَى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَاجْعَلْنِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي فِي دِينِي فِي مَنَعِكَ وَ كَنَفِكَ وَ دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمَشْرِقِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الْبَاقِي الْكَرِيمِ، وَ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ، وَ صَلَّحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْ تُصَلِّحَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَ تُعْطِينِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَ تُصْرِفَ عَنِّي الشَّرَّ كُلَّهُ، وَ تُقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا، وَ تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي، وَ تَمَنَّأَ لِي: [مَنْ] عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ تَطَوُّلاً مِنْكَ، وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ، وَ تُرَوِّجَنِي مِنَ الْحَوْرِ الْعَيْنِ، وَ أَبْدَأَ بِوَالِدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَ أَخَوَاتِي الْمُؤْمِنَاتِ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي، وَ ثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، اندازه‌ها و مقادیر شب و روز و آفتاب و مهتاب، و بی‌نیازی و ناداری، و شکست و پیروزی، و مرگ و زندگانی، و بهبودی و بیماری، و خیر و شر، [و بهشت و آتش جهنم] و دنیا و آخرت تنها به دست توست. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و دین و دنیا و آخرت را برای من پرخیر و برکت گردان، و در اهل و مال و دارایی و فرزندان و برادرانم و همه‌ی آنچه را که به من عنایت و روزی نموده و ارزانی داشته‌ای و هرکس از مؤمنان که میان من و او آشنایی ایجاد کرده‌ای، مبارک گردان. و نسبت به من متمایل، و دوستدارم قرار ده، و بازگشت ما را به سوی خیر جاودانی و نعمت [معنوی] ای که از بین نمی‌رود، قرار ده، خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، [و] آرزویم را کوتاه [تر] از فرجام سرآمد عمرم بگردان، و دلم را با مشغول شدن به آخرت از دنیا بازدار، و مرا بر آنچه از طاعتت موظف، و بر رعایت حقوقت مکلف نموده‌ای، یاری فرما، و آغازها و پایان‌های خیر و خوبی را از تو مسألت دارم،

و به تو پناه می‌برم از شرّ، و انواع مخفی و آشکار آن، خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و عمل مرا بپذیر، و آن را مضاعف و دو چندان گردان، و از کسانی قرار ده که در خیرات و خوبیها پیشی گرفته، و با حالت رغبت و هراس تو را می‌خوانند، و از فروتنان درگاهت قرار ده.

خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست و از آتش جهنّم رهایم فرما، و روزی حلالّت را بر من وسعت ده، و شرّ فاسقان جنّ و انس، و شرّ گناهکاران عَرَب و عَجَم، و آسیب هر آسیب رسان را از من دور فرما. خداوندا، و هرکس از مخلوقاتت که بخواهد که به من، یا هرکدام از خانواده و فرزندان و برادرانم و خویشان و بستگانم که به خاطر آنان ناراحت می‌شوم، بدی برساند، من به واسطه‌ی تو بر سینه‌ی او [دست ردّ زده و] دورش می‌نمایم، و از شرّ آن به تو پناه می‌برم، و به تو بر او یاری می‌جویم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و او را از پیش روی و پشت سر و سمت راست و چپ و بالا [و زیرش] بگیر، و نگذار که هیچگاه از ناحیه‌ی او بدی و آسیبی به من برسد. به نام خدا، و به [وسیله‌ی] خدا، بر خدا توکل نمودم، برآستی که هرکس بر خداوند توکل نماید، خدا او را کفایت می‌کند، بی‌گمان خداوند کار خود به آخر می‌رساند، و خداوند برای هر چیز اندازه مشخصی قرار داده است.

خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و من و خانواده و فرزندان و برادرانم را در تحت حمایت و حفظ و نگاهداری و محافظت و همسایگی و امن [و امان] و پناهندگی و باز دارندگی خویش قرار ده، همسایه‌ی تو سربلند، و ثنایت بزرگ، و پناهنده‌ی به تو دور از دسترس [همگان] است، و معبودی جز تو نیست. پس بر محمد و آل او درود فرست و من و آنان را از هر بدی، و شرّ شیطان و پادشاه و فرمانروا، و در تحت حفظ و حمایت و دفاع و آن دبعه‌ها و

سپرده‌هایت که هرگز ضایع نمی‌شود و از بین نمی‌رود، قرار ده، که تو سخت نیرومندتر و بازدارنده‌تر و سخت‌ترین سزا دهندگان می‌باشی. خداوندا، اگر خواستی سختی و گرفتاریی از سختیها و گرفتاریهایت و نعمتی از نعمت‌هایت را شبانگهان و در حالی که آنان [یعنی مردم] در خوابند، یا در روز در حالی که در حال سرگرمی و بازی هستند، فرو فرستی، پس بر محمد و آل او درود فرست، و من و خانواده و فرزندان و برادران دینی‌ام را در تحت بازدارندگی و حمایت و سپر محفوظ و استوار خویش قرار دهی.

خدایا، به نورِ روی [و اسماء و صفات]ات که روشن و زنده و قیوم [و بر پا و برپا دارنده‌ی مخلوقات] و پاینده و بزرگوار است، از تو درخواست می‌نمایم، و به نورِ روی [و اسماء و صفات] بسیار پاکیزه از هر عیب و کاستی‌ات که آسمانها و زمین بدان روشن، و امر اولین و آخرین بر آن شایسته گشته و اصلاح می‌یابد، از تو مسئلت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی، و تمام حالات و امورم را اصلاح فرمایی، و همه‌ی خیر و خوبی را به من عطا فرمایی، و از همه‌ی بدیها باز داشته، و تمام خواسته‌هایم را برآورده ساخته، و دعایم را اجابت فرمایی و از روی بخشش از ناحیه‌ی خود، بهشت را بر من ارزانی بدار [یا: بدار]، و مرا از آتش جهنم در پناه خویش درآوری، و از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی به ازدواجم درآوری، و در تمام آنچه از تو برای خود درخواست نمودم به پدر و مادر و برادران و خواهران مؤمنم آغاز فرما، و بعد به من عطا فرما، به رحمتت ای مهربانترین مهربانها.

ادامه‌ی تعقیبات مخصوص نماز مغرب²⁸⁷

دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تعقیب نماز مغرب

1 - از تعقیبات مختص به نماز مغرب، دعایی است که از مولایمان امیرمؤمنان (علیه السلام) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب نقل شده، که از آن جمله دعای بعد از نماز مغرب است به این صورت:

اللَّهُمَّ، تَقَبَّلْ مِنِّي مَا كَانَ صَالِحًا، وَاصْلِحْ مِنِّي مَا كَانَ فَاسِدًا، اللَّهُمَّ، لَا تُسَلِّطْنِي عَلَى فِسَادٍ مَا أَصْلَحْتَ مِنِّي، وَاصْلِحْ لِي مَا أَفْسَدْتَهُ مِنْ نَفْسِي، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بَدَنِي بِعَافِيَتِكَ، وَنَالَتُهُ يَدِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، وَبَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَعَةِ رِزْقِكَ، وَاحْتَجَبْتُ فِيهِ عَنِ النَّاسِ بِسِتْرِكَ، وَاتَّكَلْتُ فِيهِ عَلَى كَرِيمِ عَفْوِكَ. اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ، وَنَدِمْتُ عَلَى قَطْعِهِ، وَاسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ وَأَنَا عَلَيْهِ، وَرَهَيْتُكَ وَأَنَا فِيهِ، ثُمَّ رَاجَعْتُهُ وَعُدْتُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ عَمِلْتُهُ [يا: عَلِمْتُهُ] أَوْ جَهَلْتُهُ، ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسَيْتُهُ، أَخْطَأْتُهُ أَوْ تَعَمَّدْتُهُ هُوَ مِمَّا لَا أَشْكُ أَنَّ نَفْسِي مُرْتَهَنَةٌ بِهِ، وَإِنْ كُنْتُ نَسَيْتُهُ وَغَفَلْتُ عَنْهُ. اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ جَنَيْتُهُ عَلَى [يا: عَلَى نَفْسِي] بِيَدِي، وَآثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِي، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِعَيْرِي، أَوْ اسْتَعْوَيْتُ فِيهِ مَنْ تَابَعَنِي، أَوْ كَابَرْتُ [يا: دَابَرْتُ] فِيهِ مَنْ مَنَعَنِي، أَوْ قَهَرْتُهُ بِجَهْلِي، أَوْ لَطَفْتُ [يا: نَطَقْتُ] فِيهِ بِحِيلَةٍ غَيْرِي، أَوْ اسْتَزَلَّنِي إِلَيْهِ مَيْلِي وَهَوَايَ، اللَّهُمَّ، أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ، فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ، وَشَارَكَنِي فِيهِ مَا لَمْ يَخْلُصْ لَكَ، وَاسْتَغْفِرُكَ مِمَّا عَقَدْتُهُ عَلَى نَفْسِي ثُمَّ خَالَفَهُ هَوَايَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْتِنِنِي مِنَ النَّارِ، وَجُدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْبَاقِي الدَّائِمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِنُورِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، وَكَشَفَتْ بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَدَبَّرَتْ بِهِ أُمُورَ الْجِنِّ وَالنَّاسِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ[عَلَى] آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُصَلِّحَ شَأْنِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

- خداوندا، عمل صالح مرا از من بپذیر، و اعمالم فاسدم را اصلاح فرما، خدایا، مرا بر تباه نمودن آنچه که اصلاح فرمودی مسلط مگردان، و هر چه را که

فاسد نمودم اصلاح فرما، خداوندا، بی گمان از هر گناهی که بدنم به واسطه تندرستی دادن تو قدرت بر آن پیدا نموده، و به فضل نعمت بدان دسترسی پیدا کردم، و به وسعت روزی‌ات دستم را به سوی آن دراز و به پوشش تو آن را از مردم پنهان نمودم، و در [حال انجام] آن بر عفو و گذشت بزرگوارانه‌ات تکیه نمودم، طلب آمرزش می‌نمایم. خداوندا، از هر گناهی که از آن توبه نمودم و بر انجام آن پشیمان شدم، و در حال انجام آن از تو شرم نموده و بیم داشتم، سپس رجوع نموده، و به سوی آن بازگشتم، آمرزش خواهی می‌کنم. خدایا، از هر گناه که جاهلانه و [یا: آگاهانه] و یا با نادانی، با متذکر بودن و یا در حال فراموشی، و به خطا و یا عمداً انجام دادم و شک ندارم که وجود من در گرو آن است، هرچند آن را فراموش نموده، و از آن غفلت ورزدم، از تو طلب آمرزش می‌نمایم. خداوندا، از هر گناهی با دست خود بر خویش جنایت نمودم، و شهوت و میل نفسانی‌ام را مقدّم داشتم، یا برای دیگری کوشیدم، یا پیروان خویش را گمراه نمودم، یا بر کسی که مانع من بود بزرگمنشی [یا: پشت] نموده و ستیزه کردم، یا با نادانی‌ام بر او چیره گشتم، یا با چاره جویی و حیل‌های کس دیگر آن را به نرمی و آرامی مرتکب شدم [یا: بدان زبان گشودم]، یا میل و خواست و هوا و هوسم مرا به سوی آن لغزانیده و کشانید، از تو آمرزش می‌طلبم، و خداوندا، از هر عملی که تنها روی [و اسما و صفات و خشنودی] تو را قصد نمودم، ولی قصد دیگری را که خالص برای تو نبود [در اثنای] عمل با آن آمیخته و شریک شد، آمرزش می‌طلبم. و از هر پیمانی که با خویش بستم و سپس میل و هوا و هوسم با آن مخالفت نمود، طلب آمرزش می‌نمایم. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از آتش جهنم رها گردان، و فضل خویش را بر من ارزانی دار، خداوندا، به [واسطه‌ی] روی [و اسما و صفات] بزرگوار پاینده‌ی

جاودانیات که آسمانها و زمین را بدان روشن گردانیده، و تاریکیهای خشکی و دریا را برطرف نموده، و امور جنیان و انسانها را تدبیر فرمودی، از تو درخواست می‌نمایم که بر محمد و [بر آل محمد درود فرستی، و حال و کار مرا اصلاح فرمایی، به رحمت ای مهربانترین مهربانها،

دعای حضرت فاطمه‌ی زهراء (علیها السلام) در تعقیب نماز مغرب

2 - و نیز از جمله‌ی تعقیبات مختصّ به فریضه‌ی مغرب، دعایی است که از مولایمان فاطمه زهراء (علیها السلام) در تعقیب نمازهای پنجگانه روایت شده، و آن این است که:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُحْصَى [يا: لَا يُبْلَغُ] مِدْحَتَهُ الْفَائِلُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُحْصَى نِعْمَاءُهُ الْعَادُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُؤَدَّى حَقَّهُ الْمُجْتَهِدُونَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الطَّوْلِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْبِقَاءِ الدَّائِمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُدْرِكُ الْعَالِمُونَ عِلْمَهُ، وَلَا يَسْتَخْفُ الْجَاهِلُونَ حِلْمَهُ، وَلَا يَبْلُغُ الْمَادِحُونَ مِدْحَتَهُ، وَلَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ صِفَتَهُ، وَلَا يُحْسِنُ الْخَلْقُ نِعْتَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ وَالْعِزَّةِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْجَلَالِ وَالْبَهَاءِ وَالْمَهَابَةِ وَالْجَمَالَ وَالْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ وَالْمِنَّةَ وَالْعَلْبَةَ وَالْفَضْلَ وَالطَّوْلَ وَالْعَدْلَ وَالْحَقَّ [وَالْخَلْقَ] وَالْعُلَاوَ الرَّفْعَةَ وَالْمَجْدَ وَالْفَضِيلَةَ وَالْحِكْمَةَ وَالْغِنَاءَ وَالسَّعَةَ وَالْبَسْطَ وَالْقَبْضَ وَالْحِلْمَ وَالْعِلْمَ وَالْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ وَالنِّعْمَةَ السَّابِغَةَ وَالنِّسَاءَ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ وَالْآلَاءَ الْكَرِيمَةَ، مُلِكُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَمَا فِيهِنَّ، تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلِمَ أَسْرَارَ الْغُيُوبِ، وَأَطَّلَعَ عَلَى مَا تُجْنَى [يا: تَجْنَى] الْقُلُوبُ، فَلَيْسَ عَنْهُ مَذْهَبٌ وَلَا مَهْرَبٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ [الَّذِي] الْمُتَكَبِّرِ فِي سُلْطَانِهِ، الْعَزِيزِ فِي مَكَانِهِ، الْمُتَجَبِّرِ فِي مُلْكِهِ، الْقَوِيَّ فِي بَطْشِهِ، الرَّفِيعَ فَوْقَ عَرْشِهِ، الْمُطَّلِعَ عَلَى خَلْقِهِ، وَالْبَالِغَ لِمَا أَرَادَ مِنْ عِلْمِهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِكَلِمَاتِهِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ الشَّدَادُ، وَثَبَّتَتِ الْأَرْضُونَ الْمَهَادُ، وَأَنْتَصَبَتِ الْجِبَالُ الرُّوَاْسِي الْأَوْتَادُ، وَجَرَتِ الرِّيَّاحُ اللُّوَاقِحُ، وَسَارَ [يا: سَارَتْ] فِي جَوْ السَّمَاءِ السَّحَابُ، وَوَقَّتْ عَلَى حُدُودِهَا الْبِحَارُ، وَوَجَلَّتِ الْقُلُوبُ مِنْ [يا: عَنْ] مَخَافَتِهِ، وَأَنْقَمَعَتِ الْأَرْبَابُ لِرُبُوبِيَّتِهِ، تَبَارَكَتْ، يَا مُخْصِي قَطْرِ الْمَاءِ وَوَرَقِ الشَّجَرِ، وَمُحْيِي أَجْسَادِ الْمَوْتَى لِلْحَشْرِ، سُبْحَانَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ.

مَا فَعَلْتَ بِالْغَرِيبِ الْفَقِيرِ إِذَا أَتَاكَ مُسْتَجِيرًا مُسْتَعِينًا، مَا فَعَلْتَ بِمَنْ أَنَاخَ بِفِنَائِكَ، وَ
 تَعَرَّضَ لِرِضَاكَ، وَ عَذَا إِلَيْكَ، فَجَنَّا 288 بَيْنَ يَدَيْكَ، يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، لَا
 يَكُونَنَّ - يَارَبِّ، - حَظِّي مِنْ دُعَائِي الْحَرْمَانَ، وَلَا نَصِيبِي مِمَّا أَرْجُو مِنْ مَنَّكَ الْخِذْلَانَ،
 يَا مَنْ لَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ وَلَا يَزُولُ، كَمَا لَمْ يَزَلْ قَائِمًا عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ
 جَعَلَ أَيَّامَ الدُّنْيَا تَزُولُ، وَ شُهُورَهَا تَحُولُ، وَ سِنِيهَا 289 تَدُورُ، وَ أَنْتَ الدَّائِمُ لَا تُبْلِيكَ
 الْأَزْمَانَ، وَلَا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ، يَا مَنْ كُلَّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَدِيدٌ، وَ كُلَّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتِيدٌ،
 لِلضَّعِيفِ وَالْقَوِيِّ وَالشَّدِيدِ، قَسَمْتَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ الْخَلَائِقِ، فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّةِ وَالْعُصْفُورِ.
 اللَّهُمَّ، إِذَا ضَاقَ الْمَقَامُ بِالنَّاسِ، فَنَعُوذُ بِكَ فِي ضَيْقِ الْمَقَامِ، اللَّهُمَّ، إِذَا طَالَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ
 عَلَى الْمُجْرِمِينَ، فَقَصِّرْ [طُولَ] ذَلِكَ الْيَوْمِ عَلَيْنَا، كَمَا بَيْنَ الصَّلَاةِ إِلَى الصَّلَاةِ. اللَّهُمَّ، إِذَا
 دَنَتْ الشَّمْسُ مِنَ الْجَمَاعِمِ فَكَانَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْجَمَاعِمِ مَقْدَارُ مِيلٍ، وَ زِيدَ فِي حَرِّهَا حَرٌّ
 عَشْرٍ سِنِينَ، فَإِنَا نَسْأَلُكَ أَنْ تُظِلَّنَا بِالْغَمَامِ، وَ تَنْصِبَ لَنَا الْمَنَابِرَ وَالْكَرَاسِيَّ، نَجْلِسُ عَلَيْهَا
 وَ النَّاسُ يَنْطَلِقُونَ فِي الْمَقَامِ، آمِينَ، رَبَّ الْعَالَمِينَ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ، بِحَقِّ هَذِهِ الْمُحَامِدِ إِلَّا
 غَفَرْتَ لِي، وَ تَجَاوَزْتَ عَنِّي، وَ أَلْبَسْتَنِي الْعَافِيَةَ فِي بَدَنِي، وَ رَزَقْتَنِي السَّلَامَةَ فِي دِينِي،
 فَإِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَنَا وَائِقٌ بِإِجَابَتِكَ إِيَّايَ فِي مَسْأَلَتِي، وَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَالِمٌ بِاسْتِمَاعِكَ
 دَعْوَتِي، فَاسْتَمِعْ دُعَائِي، لَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَلَا تَرُدِّ ثَنَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي، أَنَا مُحْتَاجٌ
 إِلَى رِضْوَانِكَ، وَ فَقِيرٌ إِلَى غُفْرَانِكَ، أَسْأَلُكَ وَلَا آيِسُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَدْعُوكَ وَ أَنَا غَيْرُ
 مُحْتَرِزٍ مِنْ سَخَطَتِكَ، رَبِّ، فَاسْتَجِبْ لِي، وَ آمِنُ عَلَى بَعْفُوكَ، تَوَفَّنِي مُسْلِمًا، وَ أَحْقِنِي
 بِالصَّالِحِينَ، رَبِّ، لَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ يَا مَنَّانُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي مَخْذُولًا، يَا حَنَّانُ، رَبِّ،
 أَرْحَمَ عِنْدَ فِرَاقِ الْأَحْيَةِ صِرْعَتِي، وَ عِنْدَ سُكُونِ الْقَبْرِ وَحْدَتِي، وَ فِي مَفَازَةِ الْقِيَامَةِ
 غُرْبَتِي، وَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَوْثُوفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتِي، رَبِّ، أَسْتَجِيرُكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي [يَا: وَ
 أَجِرْنِي]، رَبِّ، أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِدْنِي، [رَبِّ] أَفْرَعُ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَأُبْعِدْنِي، رَبِّ،
 أَسْتَرْحِمُكَ مَكْرُوبًا فَارْحَمْنِي، رَبِّ، أَسْتَعْفِرُكَ لِمَا جَهَلْتُ فَاعْفِرْ لِي، قَدْ أBRَزَيْتِي الدُّعَاءُ
 لِلْحَاجَةِ إِلَيْكَ، فَلَا تُؤَيِّسْنِي يَا كَرِيمُ، [يَا] ذَا الْأَلَاءِ وَالْإِحْسَانِ وَ التَّجَاوُزِ، يَا سَيِّدِي، يَا بَرُّ،
 يَا رَحِيمُ، اسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِينَ إِلَيْكَ دَعْوَتِي، وَ أَرْحَمِ بَيْنَ الْمُتَنَجِّسِينَ بِالْعَوِيلِ عَبْرَتِي،

وَاجْعَلْ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْيَا رَاحَتِي، وَاسْتُرْ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ
عَوْرَتِي، وَاعْظِفْ عَلَيَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحِيداً إِلَى حُفْرَتِي، إِنَّكَ أَمَلِي وَمَوْضِعُ طَلِبَتِي، وَ
الْعَارِفُ بِمَا أُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسْأَلَتِي، فَاقْضِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ [حَاجَتِي]، فَإِلَيْكَ
الْمُسْتَكِي، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَالْمُرْتَجَى، أفرُّ إِلَيْكَ هَارِباً مِنَ الذُّنُوبِ فَاقْبَلْنِي، وَالتَّجِيءُ
مِنْ عَدْلِكَ إِلَى مَغْفِرَتِكَ فَأُدْرِكْنِي، وَالتَّاذُبِ بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَاْمُنْعِنِي، وَاسْتَرْوِحْ
رَحْمَتِكَ مِنْ عِقَابِكَ فَجَنِّني، وَأَطْلُبُ الْقُرْبَةَ مِنْكَ بِالْإِسْلَامِ فَقَرِّبْنِي، وَمِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ
فَآمِنِي، وَفِي ظِلِّ عَرْشِكَ فَظَلِّلْنِي، وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي، وَمِنَ الدُّنْيَا سَالِماً
فَجَنِّني، وَمِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ فَأَخْرِجْنِي، وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبَيِّضْ وَجْهِي، وَحِسَاباً
يَسِيراً فَحَاسِبْنِي، وَبِسِرِّ آثِرِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ عَلَى بِلَاتِكَ فَصَبِّرْنِي، وَكَمَا صَرَفْتَ عَنْ
يُوسُفَ السُّوءِ وَالْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَلَا تُحْمَلْنِي، وَإِلَى دَارِ
السَّلَامِ فَاهْدِنِي، وَبِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِي، وَبِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَتَبَتَّنِي، وَمِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
فَاحْفَظْنِي، وَبِحَوْلِكَ وَفُوتِكَ وَجَبْرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي، وَبِحِلْمِكَ وَعِلْمِكَ وَسَعَةِ
رَحْمَتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ فَجَنِّني، وَجَنَّتِكَ الْفِرْدَوْسَ فَاسْكِنْنِي، وَالنَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي،
وَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَالْحِقْنِي، وَمِنَ الشَّيَاطِينِ وَأَوْلِيَائِهِمْ وَمِنْ شَرِّ
كُلِّ ذِي شَرٍّ فَكُنِّني، اللَّهُمَّ، وَأَعْدَائِي وَمَنْ كَادَنِي بِسُوءٍ إِنْ أَتَوْا بَرّاً فَجَبِّنْ شَجِيعَهُمْ، فَضِّ
جُمُوعَهُمْ [يا: جَمْعُهُمْ]، كُلِّ [يا: كَلَّلْ] سِلَاحَهُمْ، عَرِّقْ دَوَائِهِمْ، سَلِّطْ عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ
وَالْقَوَاصِفَ أَبَداً حَتَّى تَصْلِيَهُمُ النَّارَ، أَنْزِلْهُمْ مِنْ صِيَاصِيهِمْ، أَمَكِّنَا مِنْ نَوَاصِيهِمْ، آمِينَ، رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً يَشْهَدُ الْأَوْلُونَ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ سَيِّدِ
الْمُتَّقِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ مِفْتَاحِ الرَّحْمَةِ.

اللَّهُمَّ، رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ
وَ رَبَّ الْحَلِّ وَ الْحَرَامِ [يا: الْأَحْرَامِ]، بَلِّغْ [يا: أَبْلِغْ] رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، سَلَامٌ
[يا: السَّلَامُ] عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ
عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، فَهُوَ كَمَا وَصَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رُوُوفٌ رَحِيمٌ،

اللَّهُمَّ، أَعْطِهِ أَفْضَلَ مَا سَأَلَكَ، وَأَفْضَلَ مَا سُئِلْتَ لَهُ، وَأَفْضَلَ مَا هُوَ مَسْتَوِلٌ لَهُ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ، آمِينَ، رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- سپاس خدایی را که گویندگان نمی‌توانند به مدح و ثنای او را به شماره
درآورند [یا: بدان نایل گردند]، و ستایش خداوندی را که شماره کنندگان
نمی‌توانند نعمتهای او را به شماره درآورند، و حمد و سپاس خداوندی را که
کوشش کنندگان در عبادت نمی‌توانند حقّ او را ادا نمایند، و معبودی جز
خداوندی که اوّل و آخر است وجود ندارد، و معبودی جز خداوندی که آشکار و
نهان است، وجود ندارد، و معبودی جز خداوندی که میراننده و زنده کننده است
وجود ندارد، و خداوند بزرگتر و صاحب بخشش است، و خداوند بزرگتر و
صاحب پایدگی و جاودانگی است، و ستایش خداوندی که دانشمندان به دانش
او نمی‌رسند، و جاهلان نمی‌توانند از بردباری او بکاهند، و ستایشگران
نمی‌توانند به مدح و ثنای او برسند، و توصیف کنندگان نمی‌توانند او را
[آنچنانکه هست] توصیف نمایند، و مخلوقات نمی‌توانند نعت و صفت او را نیکو
ادا نمایند. و سپاس خدایی را که صاحب مُلک و ملکوت و عظمت و تسلّط [و
سرافرازی] بزرگمنشی و جلال و بهاء و حُسن و هیبت و بزرگی و جمال و
سرافرازی و قدرت و تغییر دهندگی و نیرو و منّت و چیرگی و فضل و بخشش
و عدل و داد و حقّ [و آفرینندگی] و بزرگی و رفعت و بلند پایگی و فضیلت و
فرزانگی و بی‌نیازی و وسعت و بسط و قبض، و بردباری و علم و حجّت رسا و
نعمت فراگیر و ثنای نیکوی زیبا و نعمتهای گرامی، و مالک [یا: پادشاه] دنیا و
آخرت و بهشت و آتش جهنّم و هر چه در آنهاست، می‌باشد. بلند مرتبه و پاک
و منزّه باد خداوند.

- (280) یعنی اگر خواست در رکعت سوّم به جای تسبیحات اربعه، سوره‌ی حمد را بخواند، آن را به صورت آهسته و اخفاتی می‌خواند.
- (281) در برخی از نسخه‌ها: هفتاد حاجت دنیوی، و سی حاجت اُخروی آمده است.
- (282) بقره: 163 - ظاهراً تمام این آیه و آیه 164 منظور است.
- (283) ظاهراً دو آیه آخر سوره بقره یعنی از آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ... تا آخر سوره منظور است.
- (284) یعنی تا آخر آیه ششم از این سوره‌ی مبارکه.
- (285) ظاهراً مقصود آیات 21 و 22 و 23 و 24 یعنی از لَوْ أُنزِلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ تا آخر سوره می‌باشد.
- (286) در برخی از نسخه‌های به جایی این کلمه، نَحْوَهُ آمده است که ظاهراً درست نیست.
- (287) با توجّه به مطلبی که مؤلف بزرگوار در آخر فصل بیست و سوّم بدان اشاره فرمودند، ادامه‌ی تعقیبات نماز مغرب را در این فصل و بعد از خواندن نافله‌های نماز مغرب ذکر فرموده‌اند، رجوع شود.
- (288) در برخی از نسخه‌ها به جای این کلمه فَحَنَّا آمده است که ظاهراً درست نیست.
- (289) در برخی از نسخه‌ها به جای این کلمه سَنِينَهَا آمده که ظاهراً درست نیست، زیرا سَنِينٌ ملحق به جمع سالم و مذکر است و هنگام اضافه نون آن حذف می‌شود.

سپاس خدایی را که به اسرار نهانی آگاه، و بر گناہانی که دلها آن را پنهان می‌دارند [یا: مرتکب آن می‌شوند] مطلع است، و لذا هیچ راه گریز و محل فراری از او نیست، ستایش خدایی را که در سلطنت خود متکبر، و در مقام و منزلتش سرافزار، و در فرمانروایی‌اش سرکش، و در گرفتن و مؤاخذہ‌اش نیرومند، و بر فوق عرش خود بلند پایه، و بر مخلوقاتش اطلاع و اشراف دارد، و آگاهی‌اش به هر چه که بخواهد می‌رسد، سپاس خداوندی را که به کلمات او آسمانهای استوار برپا گشته، و زمینهای هموار و آماده، ثابت و پابرجا هستند، و کوههای ثابت و میخ‌گون ایستاده، و بادهای آبدستن‌کننده وزیدن گرفته، و ابرها در جو و هوای آسمان سیر نموده، و دریاها بر حدود و مرزهای خود ایستاده، و دلها از ترس و هراس او لرزان، و صاحبان و پرورش دهندگان در برابر ربوبیت و تدبیر او سرشکسته و ذلیل هستند، بلند مرتبه و منزهی ای به شمار در آورنده‌ی قطره‌های باران و برگهای درختان، و زنده‌کننده‌ی پیکرهای مردگان برای حشر و زنده شدن، پاک و منزهی تو، ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

با غریب و بیگانه فقیری که با حالت پناهنده شدن و یاری جویی از تو، به درگاه تو روی آورد چه می‌کنی؟ با کسی که خود را به آستانه و درگاهت انداخته، و خواهان خشنودی تو بوده، و در پیشگاهت زانو زده و از آنچه بر تو پوشیده نیست، به تو گله و شکایت نماید، چه می‌کنی؟ پس ای پروردگار من، مباد که بهره‌ی من از دعایم، محرومیت، و نصیبم از آنچه از بخشش تو امیدوارم، شکست و خذلان باشد. ای خداوندی که پیوسته بوده‌ای و همچنان هستی و خواهی بود، چنانکه هر نفسی آنچه را که کسب نموده و عمل می‌کند، به تو برپاست، ای کسی که دنیا را به گونه‌ای قرار دادی که از بین رفته و ماههایش

متحوّل گشته، و سالهایش گردش می‌کند، و تنها تویی که ماندگار و جاودانی هستی و زمانها تو را پوسیده و کهنه، و روزگاران دگرگون نمی‌سازد. ای خداوندی که هر روزی در نزد تو نو، و هر روزی‌ای در نزد تو (برای ناتوان و قوی و نیرومند) آماده است، روزیها را میان آفریدگانت قسمت فرموده و بین گرد و گنجشک یکسان قرار داده‌ای.

خداوندا، آن هنگام که جا بر مردم تنگ می‌شود از تنگی جا به تو پناه می‌بریم، خدایا، هنگامی که روز قیامت بر مجرمان و گناهکاران طولانی می‌گردد، پس [درازی] آن روز را بر ما مانند فاصله دو نماز، کوتاه گردان، خداوندا، هنگامی که آفتاب نزدیک جمجمه‌ها می‌گشته و فاصله‌ی میان آن و جمجمه‌ها به اندازه‌ی یک میل [و فاصله دیدن چشم] می‌گردد، و در سوزش آفتاب به اندازه‌ی سوزش ده سال افزون می‌گردد، از تو درخواست می‌کنیم که با ابر بر ما سایه افکنده، و در حالی که مردم در آنجا در رفت و آمد هستند، منبرها و صندلی‌هایی برای ما قرار دهی که بر آن بنشینیم. اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان، خداوندا، به حقّ این ستایشها از تو مسئلت دارم که مرا بی‌آمرزی، و از من درگذری، و لباس عافیتت را به تنم بیوشانی، و سلامتی در دینم را روزی‌ام کنی، زیرا من در حالی که به اجابت تو اعتماد دارم از تو درخواست می‌نمایم، و در حالی که به شنیدن دعایم آگاهم به درگاه تو دعا می‌کنم، پس دعایم را بشنو، و امیدم را قطع، و مدح و ثنایم را ردّ مکن، و دعایم را نومید و بی‌پاسخ مگذار، که من به خشنودی تو محتاج و به آمرزشت نیازمندم. از تو درخواست می‌کنم در حالی که از رحمتت نومید نیستم، و تو را می‌خوانم در حالی که از سخط و ناخوشایندی‌ات نمی‌هراسم [و امید خشنودی‌ات را دارم]، پروردگارا، پس برای من اجابت فرما، و عفو و گذشتت را به من منتّ نه، و در حالی که تسلیم تو

هستم جانم را بستان، و به صالحان ملحق فرما، پروردگارا، فضلت را از من باز مدار، ای بسیار بخشنده، و با حالت شکستگی و خذلان مرا به خود وامگذار، ای بسیار مهربان، پروردگارا، هنگام جدایی دوستان بر به زمین افتادم، و هنگام آرام و خاموش بودن قبر بر تنهایی‌ام، و در صحرای قیامت بر غُرَبتم، و در پیشگاهت در حالتی که برای حساب کشی می‌ایستم بر نیاز و حاجتم به تو رحم آر. پروردگارا، به تو پناه می‌آورم از آتش جهنم [پس] پناهم ده، پروردگارا، و به تو پناه می‌برم از آتش پس مرا در پناه خود درآور، [پروردگارا] و از شر آتش به تو یاری می‌جویم پس از آن دورم بدار، پروردگارا با حالت ناراحتی سخت از تو طلب مهربانی می‌نمایم، پس بر من رحم آر، پروردگارا، به واسطه‌ی عمل جاهلانهم از تو طلب آمرزش می‌نمایم، پس مرا ببخشای. دعا کردن به واسطه‌ی نیازم به تو مرا از منزل بیرون کشیده، پس مرا نومید مگردان. ای بزرگوار ای صاحب نعمتها و نیکوکاری و گذشت، ای آقای من، ای نیکوکار، ای مهربان، در میان زاری کنندگان به درگاهت دعایم را مستجاب گردان، و در میان سخت گریه کنندگان با فریاد و صدای بلند بر اشک چشمم رحم آر، و هنگام بیرون آمدن از دنیا آسودگی‌ام را در ملاقات با خود قرار ده، و میان مردگان - ای کسی که امید بزرگ به او بسته می‌شود، - عورت [و: عیب] مرا پیوش، و هنگامی که به تنهایی در گودال قبرم قرار می‌گیرم، بر من مهربان باش، که تویی آرزو و جایگاه خواسته و مقصودم، به آنچه که در متوجه ساختن خواسته‌ام به تو اراده نموده‌ام آگاهی داری، پس [آن را] برآورده ساز، ای برآورنده‌ی خواسته‌ها [خواسته‌ام را] برآورده ساز، پس تنها به تو گله نموده و تنها از تو یاری می‌جویم و به تو امیدوارم، از گناهانم به سوی تو می‌گریزم پس مرا بپذیر، و از دست عدالتت در پناه آمرزش تو در آمده‌ام، پس مرا دریاب، و از دست

گرفتن با صولت تو به عفو و گذشت پناه می‌برم پس مرا بازدار، و از دست [عقابت به رحمت احساس آسودگی و راحتی می‌نمایم پس مرا رهایی ده، و با تسلیم [تو شدن یا: اسلام آوردن] نزدیکی به تو را خواهانم پس مرا به خود نزدیک گردان، و از هراس و هنگامه‌ی بزرگ [روز قیامت] ایمنم گردان، و در سایه‌ی عرش خود قرار ده، و دو بهره‌ی کامل از رحمت را به من ارزانی دار، و با سلامتی از دنیا نجاتم بخش، و از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و در روز قیامت رویم را سپیده گردان، و آسان حساب کشی بفرما، و به واسطه‌ی درونم [و اعمال و صفات پنهانم] رسوایم مفرما، و بر گرفتاریات شکیبیا گردان، و چنانکه بدی و ناپسندی را از حضرت یوسف [علیه‌السلام] دور داشتی، آن را از من نیز دور دار، و هر چه را که توان آن را ندارم بر دوشم مننه، و به سوی خانه‌ی سلامتی و ایمنی [یعنی بهشت] هدایت فرما، از قرآن بهره‌مندم گردان، و با گفتار [و اعتقاد] استوار، ثابت و استوارم گردان، و مرا از [گزند] شیطان رانده شده محافظت فرما، و به دگرگونی و قدرت و عظمت مصون و محفوظم بدار، و به بردباری و آگاهی و وسعت رحمت از جهنم نجاتم بخش، و در بهشت فردوس ساکنم گردان، و نگریستن به روی [و اسماء و صفات]ات را روزی‌ام گردان، به پیامبرت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ملحق فرما، و از شیطانها و دوستان آنان و از شرّ هر آسیب رسان کفایتم فرما، خداوندا، و دشمنانم و هرکس را که خواست بدی به من برساند، اگر از راه خشکی آمدند، دلاورشان را ترسو، گروههایشان [یا: گروهشان] را پراکنده، جنگ افزارشان را کند، و پای چهار پایانشان را قطع، همواره بادهای تند و شکننده را بر آنان مسلط گردان، تا اینکه آنان را داخل آتش جهنم بفرمایی، آنان را از دژهایشان

فرود آور، ما را از [گرفتن موی] پیشانی شان متمکن گردان. اجابت فرما. ای پروردگار عالمیان.

خداوندا، بر محمد و بر آل محمد درود فرست، درود و رحمتی که پیشینیان همراه با ابرار و نیکان و سرور اهل تقوی و خاتم پیامبران، و راهبر خیر و کلید رحمت الهی آن را مشاهده نمایند. خداوندا، ای پروردگار خانه‌ی محترم، و ماه محترم، و پروردگار مشعر محترم، و پروردگار کین [خانه‌ی کعبه] و مقام [حضرت ابراهیم (علیه السلام)]، و پروردگار حل [زمینهای غیر از حرم و خانه کعبه] و حرم، درود و سلام ما را به روح حضرت محمد [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] [برسان. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای امانت دار خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبدالله [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ]]، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، زیرا چنانکه خود او را توصیف فرمودی، نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است، خداوندا، برترین درخواستهایی را که خود او از تو درخواست نموده و برترین تقاضاهایی را که دیگران برای او تقاضا نموده و تا روز قیامت درخواست می‌کنند، به او عطا فرما. اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان.

دعای امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نماز مغرب

3 - و نیز از جمله تعقیبات نماز مغرب، دعای مخصوص به نماز مغرب از روایت معاویه بن عمار از امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب است، به این صورت:

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ، الطُّهْرِ الطَّاهِرِ، الْخَيْرِ الْفَاضِلِ، خَاتَمِ أَنْبِيَائِكَ، وَ سَيِّدِ أَصْفِيَائِكَ، وَ خَالِصِ أَخْلَائِكَ، ذِي الْوَجْهِ الْجَمِيلِ، وَ الشَّرَفِ الْأَصِيلِ، وَ الْمَنِيرِ [يا: الْمُنِيرِ] النَّبِيلِ، وَ الْمَقَامِ الْمُحْمُودِ، وَ الْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ، وَ الْحَوْضِ الْمَوْرُودِ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ، وَ جَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ، وَ نَصَحْ لِأُمَّتِهِ، وَ عَبْدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ، وَ صَلِّ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ، الَّذِينَ أَنْتَجَبْتَهُمْ لَدِينِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، وَ ائْتَمَنْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَانَ عِلْمِكَ، وَ تَرَاجِمَةَ كَلِمَاتِكَ، وَ أَعْلَامَ نُورِكَ، وَ حَفَظَةَ سِرِّكَ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اللَّهُمَّ، أَنْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ، وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ، وَ تَحْتَ لَوَائِهِمْ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ، وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ، وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ [يا: ذَهَبَ] بِالنَّهَارِ بِقُدْرَتِهِ، وَ جَاءَ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً، وَ جَعَلَهُ لِبَاساً وَ سَكناً، وَ جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ آيَتَيْنِ [يا: دَائِمَتَيْنِ] لِيُعْلَمَ بِهِمَا عَدَدُ السَّنِينَ وَ الْحِسَابِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى إِقْبَالِ اللَّيْلِ وَ إِدْبَارِ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ [عَلَى] آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَ أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي، وَ أَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي، وَ اجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَ اجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَ اكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَوْلِيَائِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا، وَ وَقْفِنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، يَا كَرِيمُ، أَمْسَيْتُ، وَ الْمَلِكُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَ مَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي وَ هَذَا اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ، فَاعْصِمْنِي فِيهِمَا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا تُرِيهِمَا [يا: لَا تُرِيهِمَا]

جُرْأَةً مِّنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ، وَلَا رُكُوبًا مِّنِّي لِمَحَارِمِكَ، وَاجْعَلْ [عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولًا، وَسَعْيِي مَشْكُورًا، وَيَسْرَلِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ، وَسَهِّلْ لِي مَا صَعُبَ] عَلَيَّ أَمْرَهُ، وَأَقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَى. وَآمِنِّي مَكْرَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَلَا إِلَى أَحَدٍ مِّنْ خَلْقِكَ، يَا كَرِيمُ.

اللَّهُمَّ، افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ حَتَّى أَعِيَ وَحَيِّكَ، وَأَتَّبِعَ كِتَابِكَ، وَأُصَدِّقَ رُسُلَكَ، وَأَوْمِنَ بِوَعْدِكَ، [وَأَخَافُ وَعِيدَكَ]، وَأُوفِيَ بِعَهْدِكَ، وَأَتَّبِعَ أَمْرَكَ، وَاجْتَنِبَ نَهْيَكَ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَلَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ، وَلَا تَحْرِمْنِي عَفْوِكَ، وَاجْعَلْنِي أُوَالِي أَوْلِيَاتِكَ، وَأُعَادِي أَعْدَائِكَ، وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْخُشُوعَ وَالْوَقَارَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ (صلى الله عليه وآله وسلم). اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ [يَا: لَا تَشْبَعُ]، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَصَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ، [وَأَعْمَلٍ لَا يَنْفَعُ]، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرْكِ الشَّقَاءِ وَجَهْدِ الْبَلَاءِ وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَ مِنْ عَمَلٍ لَا يُرْضَى، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَالْقَهْرِ وَالْعَذْرِ وَ مِنْ ضَيْقِ الصَّدْرِ وَ مِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ الدَّاءِ الْغَضَالِ وَ غَلْبَةِ الرَّجَالِ وَ حَيَبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ النَّظَرِ فِي النَّفْسِ وَالذِّينِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ وَ عِنْدَ مُعَانِيَةِ الْمَوْتِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ إِنْسَانٍ سَوَاءٍ وَ جَارٍ سَوَاءٍ وَ قَرِينٍ سَوَاءٍ وَ يَوْمٍ سَوَاءٍ وَ سَاعَةٍ سَوَاءٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقًا²⁹⁰ يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ، وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا.

- خداوندا، بر حضرت محمد مژده و بيم دهنده، چراغ روشن، پاک و پاکیزه، خیر افزون، خاتم پیامبران و سرور برگزیدگان، و ناب دوستانت، صاحب چهره‌ی زیبا و شرافت ریشه‌دار و منبر [یا: روشنگر] بزرگوار، و جایگاه

ستوده، و سرچشمه‌ی نمایان، و حوضی که [پیروان واقعی‌اش] بر آن وارد می‌شوند، درود فرست، خدایا، بر حضرت محمد درود فرست چنانکه رسالت خویش را تبلیغ، و در راه تو جهاد و کوشش، و نسبت به اُمت خویش خیر خواهی نمود، و تا هنگام فرا رسیدن یقین [یعنی مرگ] تو را پرستید، و بر خاندان او که پاکیزگان و نیکان و تقوا پیشگان و ابرار و خوبان هستند، هم آنان که ایشان را برای دین خود انتخاب، و از میان مخلوقات برگزیدی، و امین بر وحی خویش قرار داده، و گنجینه داران علم و ترجمه کنندگان و شارحان کلمات، و پرچمها و نشانه‌های نور خویش و نگاهبانان اسرار قرار دادی، و پلیدی را از ایشان بر طرف نموده، و به گونه‌ی ویژه‌ای پاکیزه نمودی، درود فرست. خدایا، ما را به واسطه‌ی دوست داشتن آنان سود بخش، و در میان گروه ایشان و زیر پرچمشان محشور گردان، و بین ما و ایشان جدایی میانداز، و به واسطه‌ی ایشان در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاهت] که نه بیمی برایشان است، و نه انده‌گین می‌شوند، قرار ده.

سپاس خدایی را که روز را به قدرت خویش برد، و شب را با رحمتش به عنوان آفریده‌ی نو آورد، و آن را پوشاننده‌ی [عیب و نقص] و مایه‌ی آرامش قرار داده، و شب و روز را به عنوان دو نشانه [یا: گردش کننده به صورت مُستمر] قرار داد، تا شماره‌ی سالها و حساب به وسیله‌ی آن دو معلوم گردد، سپاس خداوند را به خاطر روی آوردن شب و پشت کردن و سپری شدن روز، خداوندا، بر محمد و [بر] آل محمد درود فرست، و دینم را که مایه‌ی عصمت و نگاهدارنده‌ی امورم، و دنیایم را که گذران زندگانی من در آن است، و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است اصلاح فرما، و زندگانی را برای من مایه‌ی فزونی در هر خیر، و مرگ را آسودگی از بدی قرار ده، و امور دنیا و آخرتم را به آنچه

دوستان و برگزیدگان از بندگان صالح خویش را کفایت فرمودی، کفایت فرما، و شرّ آن دو [یعنی دنیا و آخرت یا: شب و روز] را از من بازدار، و مرا به آنچه که تو را از من خشنود سازد مؤفّق گردان، ای کریم، شب کردم در حالی که فرمانروایی و آنچه در شب و روز است. برای خداوند یگانه قهار و بسیار چیره می‌باشد، خداوندا، من و این شب و روز دو آفریده از آفریده‌های تو می‌باشیم، پس به قدرت خویش مرا در آن دو [از گناه] نگاه دار، و جرأت و دلیری بر [انجام] گناهانت و ارتکاب محرمات را از من به آن دو نشان نده، و [عملم را در آن دو مقبول و کوششم را مورد سپاس خویش قرار ده، و هرچه که از مشکلی و سختی آن هراس دارم بر من آسان گردان، و آنچه امر آن بر من [مشکل است راحت بفرما]، و با [عمل] نیکوتر آن را به پایان بر، از مکر خویش ایمن ساز، و پرده‌ام را ندر، و یادت را فراموشم منما، و میان من و حول و قوّهات چیزی را حایل مگردان، و هیچگاه به اندازه‌ی چشم بر هم زدنی به خود و به هیچ کدام از مخلوقات واگذار مکن. ای بزرگوار.

خداوندا، گوشه‌های دلم را برای [دریافت] یادت بگشای تا وحیات را دریافته، و از کتابت پیروی، و پیامبرانت را تصدیق نمایم، و به وعده‌ات ایمان آورده [و از وعده‌ی عذابت بیم داشته]، و به پیمان‌ت وفا نموده، و از دستورت پیروی کنم، و از آنچه نهی نموده‌ای پرهیز نمایم. خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و روی‌ات را از من برمگردان، و فضلت را از من باز مدار، و مرا از عفو محروم منما، و چنانم قرار ده که دوستانت را دوست، و دشمنانت را دشمن بدارم، و بیم و هراس از خود و میل و رغبت به سویت و خشوع و وقار و تسلیم در برابر امرت و تصدیق به کتابت و پیروی از سنّت و روش پیامبرت (ﷺ) را روزی‌ام گردان. خداوندا، به تو پناه می‌برم از نفسی که [به

چیزی [بسند نمی‌کند، و از شکمی که سیر نمی‌گردد، و از چشمی که اشک نمی‌ریزد، و دلی که فروتن و خاشع نمی‌گردد، و نمازی که بالا برده نمی‌شود] [و پذیرفته نمی‌گردد]، [و عملی که سودمند نیست] و دعایی که شنوده نمی‌شود، [و مورد اجابت قرار نمی‌گیرد]، و به تو پناه می‌برم از قضاء [و اراده‌ی حتمی] بد، و پیوستن [ویا: پیامد] بدبختی، و بلای طاقت فراسا و بسیار سخت، و شماتت و شادمانی دشمنان، و از عملی که مورد پسند تو نباشد. و به تو پناهنده می‌برم از کفر و فقر و چیرگی و فریب خوردن و از دل‌تنگی و از پراکندگی امور و از درد و بیماری سخت و غالب، و غلبه‌ی مردان [و دشمنان] [و بد عاقبتی و بد منظری درباره‌ی خود و دین و خانواده و مال و دارایی و فرزند و هنگام مشاهده‌ی مرگ. و به خدا پناه می‌برم از انسان بد، و همسایه‌ی بد، و دوست و همراه بد، و روز بد و ساعت و لحظه‌ی بد، و از شرّ هر چه در زمین وارد و از آن خارج می‌گردد، و از شرّ آنچه از آسمان فرود آمده و به سوی آن بالا می‌رود، و از شرّ پیشامدها و گرفتاریهای شب و روز، مگر پیشامدی که همراه با خیر و خوبی وارد شود، و از شرّ هر جنبنده‌ای که تو [موی] پیشانی آن را گرفته‌ای، براستی که پروردگرم بر راه است استوار است. پس خداوند خود تو را از [شرّ] آنها کفایت خواهد نمود و اوست شنوا و آگاه، سپاس خدایی را که نماز [دیگری] را که به عنوان نوشته [و واجب] [معین و وقت دار بر مؤمنان نوشته و واجب فرموده، از ناحیه‌ی من برآورده ساخت.

وقت انجام سجده‌ی شکر

4 - هنگامی که از تعقیب نماز فراغت پیدا کردی، اگر خواستی هم اکنون دو سجده‌ی شکر را به کیفیتی که ذکر خواهیم نمود، بجا آور، و اگر خواستی آن را به بعد از فراغت از تمام اعمال و نمازها و دعا‌های بین نماز مغرب و عشا تأخیر ببانداز، به گونه‌ای که سجده‌ی شکر آخرین عمل تو در بین نماز مغرب و عشا باشد، پس اگر خواستی دو سجده‌ی شکر را به این صورت انجام بده:

کیفیت انجام دو سجده‌ی شکر ابو عبیده می‌گوید: شنیدم که امام باقر (ع) :

در حال سجده²⁹¹ می‌فرمود:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ، وَ حَسَبْتَنِي حِسَابًا يَسِيرًا.

- به حق حبیب حضرت محمد (ص) از تو درخواست می‌نمایم که

بدیهایم را [به کارهای نیک] مبدل فرموده، و از من حساب کشی آسان نمایی.

سپس در سجده‌ی دوّم فرمود:

اللَّهُمَّ، بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِلَّا كَفَيْتَنِي مَوْزَنَةَ الدُّنْيَا وَ كُلِّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ.

- خداوندا، به حق محبوبت حضرت محمد (ص) [از تو درخواست

می‌نمایم] که سختی دنیا، و تمام هول و هراسها را تا رسیدن به بهشت از من

کفایت فرمایی.

سپس در سجده‌ی سوّم فرمود:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لَمَّا غَفَرْتَ لِي الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْقَلِيلَ، وَ قَبَلْتَ مِنْ عَمَلِي الْيَسِيرَ.

- به حقّ حبیبیت حضرت محمد (ﷺ) از تو تقاضا دارم که گناهان فراوان و اندک مرا آمرزیده، و عمل اندکم را از من بپذیری.

سپس در سجده‌ی چهارم فرمود:

اللَّهُمَّ، بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (ﷺ)، لَمَّا أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ، وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سُكَّانِهَا، وَ لَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفْعَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

- خداوندا، به حقّ محبوبیت حضرت محمد (ﷺ) [از تو درخواست می‌نمایم] که مرا داخل بهشت نموده، و از ساکنان آن قرار داده، و به رحمت خویش، از زبانه‌های فراگیرنده‌ی آتش [جهنّم] نجاتم بخشی.

(پایان روایت مذکور)

اشکال و جواب

اگر به ذهن کسی خطور کند که در این روایت نیامده که این دو سجده شکر برای نماز مغرب است.

در جواب گفته می‌شود: از اینکه اصحاب و راویان ما آن را در دو سجده‌ی شکر بعد از نماز مغرب آورده و آن دو را برای مغرب تعیین کرده‌اند، معلوم می‌شود که آن از طریق روایت دیگری به آنها رسیده است.

5 - پیش از این در تعقیب سجده نماز ظهر آنچه را که هنگام بلند کردن سر از سجده گفته و بدان عمل می‌شود، ذکر نمودیم، بنابراین به هر مقدار از آن که در مورد عموم سجده‌ی شکر نمازهای واجب می‌باشد، عمل شود.

فصل بیست و پنجم: نمازهای مستحبی بین نافله‌های نماز مغرب، و نماز عشا و فضیلت آنها فضیلت نماز مستحبی بین نماز مغرب و عشاء در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارش (علیه السلام) فرمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در ساعت غفلت نماز بخوانید، اگر چه دو رکعت باشد، زیرا این دو رکعت انسان را در دار کرامت الهی وارد می‌کنند.

همچنین در روایت دیگر در فضیلت آن آمده است که: امام صادق (علیه السلام) به روایت از پدر بزرگوارش (علیه السلام) فرمود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در ساعت غفلت نماز نافله بخوانید، هر چند دو رکعت مختصر باشد، زیرا این دو رکعت انسان را در دار کرامت الهی وارد می‌کنند. عرض شد: ای رسول خدا، ساعت غفلت کجا است؟ فرمود: بین مغرب و عشا.

نمازهای مستحبی بین نماز مغرب و عشا اینک نمازهایی را که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود، با استفاده از روایات برگزیده و ذکر می‌کنیم:

1 - در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس بین نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز بخواند، به این صورت که در رکعت اول سوره‌ی حمد و فرمایش خداوند متعال را بخواند که می‌فرماید:

وَذَٰلْتُنَّ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ: أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ، وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ، وَكَذَٰلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ.²⁹²

- و ذوالنون [یعنی حضرت یونس (عَلَيْهِ السَّلَام)] را [به یاد آور] آن هنگام که خشمگین [از عمل قوم خویش] رهسپار شد، و گمان نمود که ما نمی‌توانیم بر او تنگ بگیریم، پس در میان تاریکیها ندا داد که: معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، براستی که من از ستمکاران بودم، پس [دعای] او را اجابت نموده، و او را از غم و اندوه نجات بخشیدیم، و اینچنین مؤمنان را رهایی می‌بخشیم.
و در رکعت دوم، سوره‌ی حمد و فرمایش خداوند متعال را بخواند که می‌فرماید:

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.²⁹³

- و کلیدهای غیب در نزد اوست و جز او از آن آگاه نیست، و تمام آنچه را که در خشکی و دریاست می‌داند، و [تا حتی] هیچ برگی [از درخت] نمی‌افتد مگر اینکه به آن آگاه است، و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و یا خشکی نیست مگر اینکه در کتاب مُبیین [الهی] وجود دارد.
و وقتی از قرائت آن فراغت پیدا کرد، دستهای خود برای قنوت را بالا برده و بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
[يا: آلِ مُحَمَّدٍ]، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

- خداوندا، به [حق] کلیدهای غیب که جز تو آن را نمی‌داند، از تو خواهانم
که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و به من چنین و چنان کنی.²⁹⁴
و بعد بگوید:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي، وَالْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي، تَعَلَّمُ حَاجَتِي، فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ - ﷺ - لِمَا قَضَيْتَهَا لِي.

- خدایا، تویی سرپرست نعمت، و توانا بر [برآوردن] خواسته‌ام، حاجتم را
می‌دانی، پس به حق محمد و آل محمد - که سلام بر او و ایشان باد - از تو
خواهانم که آنها را برای من برآورده سازی.

و حاجت خویش را از خداوند - جلّ جلاله - بخواهد، خداوند هرچه را که
خواسته به او عطا می‌فرماید، زیرا پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: دو رکعت غُفْلَه
را ترک نکنید، و آن دو ما بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شوند.

2 - از امام صادق از پدر بزرگوارش از جدّ بزرگوارش از پدر بزرگوارش
نقل شده که امیر المؤمنین (ﷺ) فرمود: هنگام وفات رسول خدا (ﷺ)
به او عرض کردیم: ای رسول خدا، سفارشی به ما بفرما. فرمود: شما را سفارش
می‌کنم به خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا، به این صورت که در رکعت
اول سوره‌ی حمد و ده بار سوره‌ی إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا، و در رکعت دوم
سوره‌ی حمد و پانزده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را قرائت می‌کنی.

زیرا هرکس این را در هر ماه انجام دهد، از تقوی پیشگان خواهد بود، و اگر
در هر سال انجام دهد از نیکوکاران خواهد بود، و اگر در هر جمعه و هفته‌ای
یک بار انجام دهد از نمازگزاران خواهد بود، و اگر در هر شب انجام دهد، در

بهشت جای مرا تنگ خواهد نمود²⁹⁵ و ثواب آن را جز خداوندی که پروردگار عالمیان است، نمی تواند به شماره در آورد.

3 - روایت شده که بعضی از موالی ما و ائمه (علیهم السلام) درباره ی گفتار خداوند متعال که می فرماید:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً²⁹⁶

- و براستی که پدیده [و نماز] شب از لحاظ موافقت [زبان با دل] سخت تر، و از لحاظ گفتار استوارتر است.

فرمود: [مقصود از آیه ی شریفه] همان دو رکعت بعد از مغرب است، که در رکعت اول سوره ی فاتحة الكتاب و ده آیه از اول سوره ی بقره و آیه ی سخره²⁹⁷ و آیه ی إلهكم إله واحد تا آخر یعنی تا: لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ²⁹⁸ و پانزده بار سوره ی قل هو الله أحد؛ و در رکعت دوم سوره ی فاتحة الكتاب و آیه الكرسي²⁹⁹ و آخر سوره ی بقره از لله ما فی السموات تا آخر سوره³⁰⁰ و پانزده بار سوره ی قل هو الله أحد را قرائت می کنی. و بعد از خواندن آن دو رکعت، هر دعایی که خواستی می کنی. حضرت فرمود: هر کس این را انجام دهد و بر آن مواظبت نماید، خداوند در برابر هر نماز برای او ششصد هزار حج می نویسد.

این نماز به طریق دیگر نیز روایت شده که مطلبی افزون بر این دارد به این صورت که در آن آمده است: بعد از گفتن سلام نماز بگو:

اللَّهُمَّ، مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ [و وَايِكَ]، وَلَا تُرِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، وَ أَجْرُنِي مِنْ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ، اْمُدِّدْ [إِلَى] فِي عُمْرِي، وَ أَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ شَقِيًّا، فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا؛ فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ، وَ عِنْدَكَ أُمَّ الْكِتَابِ.

- خداوندا، ای گرداننده و زیر و رو کننده‌ی دلها و دیدگان، قلبم را بر دینت و دین پیامبرت [و ولی] ات استوار گردان، و دلم را بعد از آنکه هدایت فرمودی، منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده‌ای، و مرا به رحمت خویش از آتش جهنم در پناه خویش درآور. خداوندا، عمر مرا طولانی گردان، و رحمتت را بر من بگستران، و برکاتت را بر من فرودآور، و اگر در نزد تو در کتاب مادر [علم تو] بدبخت هستم، پس مرا سعادت‌مند قرار ده، که تو هرچه را بخواهی محو و یا ثابت می‌گردانی، و کتاب مادر تنها در نزد توست.

و ده بار بگو: **أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ:**

(به خدا پناه می‌برم از آتش جهنم.)

و ده بار بگو: **أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ:**

(از خدا بهشت را خواهانم.)

و ده بار بگو: **أَسْأَلُ اللَّهَ الْحُورَ الْعِينِ:**

(از خدا حورعین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را خواهانم.)

4 - روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس بعد از نماز مغرب چهار رکعت نماز بخواند، و در هر رکعت از آن پانزده بار **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** قرائت کند، وقتی نماز را تمام می‌کند، بین او و خداوند متعال گناهی نمی‌ماند که خدا آن را نبخشیده باشد.

5 - روایت شده که امام رضا (علیه السلام) فرمود: هرکس نماز مغرب را بخواند و

بعد از آن چهار رکعت نماز بخواند، و سخن نگوید تا اینکه ده رکعت دیگر

نماز بخواند، به این صورت که در هر رکعت سوره‌ی **فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ**

أحد را قرائت کند، برای او برابر با [یا: به منزله‌ی] آزاد کردن ده برده خواهد بود.

6 - منقول است که امام صادق (علیه السلام) فرمود رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: نماز نافله بخوانید، اگر چه دو رکعت مختصر باشد، زیرا آن دو انسان را در دار کرامت الهی وارد می‌کنند. عرض شد: ای رسول خدا، مقصود از این دو رکعت مختصر چیست؟ فرمود: دو رکعتی که در آن تنها حمد را قرائت می‌کنی. عرض شد: ای رسول خدا، کی بخوانم؟ فرمود: بین نماز مغرب و عشا. ما به خاطر ترس از تنگی وقت و عدم درک اول وقت نماز عشا تنها به برخی از نمازها و دعاهای بین نماز مغرب و عشا که روایت شده، بسنده نمودیم، البتّه آنچه ذکر کردیم برای کسی که آنها را با ادب و اخلاص در عبادات انجام دهد، کفایت می‌کند.

آخرین تعقیب نماز مغرب از امور مهمّ ختم کردن آخر تعقیب نماز مغرب است به دعایی که ذکر آن در آخر دعاهای نماز ظهر گذشت، یعنی همان دعای ابن خانبه که برای جبران و اصلاح غفلتها و جنایتها و گناهان قلبی است که در نماز از انسان صادر می‌شود.

فصل بیست و ششم: آداب و اسرار و تعقیباتِ مخصوص نماز عشا

بهترین وقت نماز عشا با فضیلت‌ترین و بهترین وقت نماز واجب عشاء درست بعد از برطرف شدن سرخی شامگاه از اُفق مغرب می‌باشد، پس اگر تا اوّل زوال آن به نمازهای نافله یا تعقیب نماز مغرب مشغول بودی عده‌ای از اهل عمل از نیکان [یا: اهل عمل به احادیث مأثوره] به روایاتی که راویان مورد اعتماد درباره‌ی دعاها و نمازهایی که بین نماز مغرب و عشا نقل کرده‌اند اعتماد دارند [و اعتنایی به گذشتن اوّل وقت فضیلت نماز عشا نمی‌کنند]، زیرا به خاطر وجود روایات روشن که امر به انجام آن نمازها و دعاها می‌کنند، ناگزیر وقت انجام آنها [و تأخیر نماز عشا] نیز باید مورد اجازه باشد.

کیفیت انجام نماز عشاء

هنگامی که بنده از فراغت از تمام اعمالی که خداوند - جلّ جلاله - او را موفّق نمود، بر اساس راهنمایی خداوند، باید برای گفتن اذان نماز عشا بپا خیزد، و به کیفیتی که گذشت اذان گفته، و اعمالی را که بعد از اذان نقل نمودیم انجام دهد، سپس در گفتن اقامه نیز بر اساس آنچه که شرح دادیم عمل نموده، و بعد نماز واجب عشا را - با گفتن تکبیرهای هفتگانه و دعاهای بین آنها و توجه آغاز می‌نماید به این نیت که: نماز واجب عشا را به گونه واجب، و برای اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زبیده‌ی پرستش است عبادت نمایم، بجا می‌آورم. و با گفتن تکبیرة الاحرام داخل نماز می‌شود، و چهار رکعت نماز به صورت نماز ظهر با رعایت امور مهمی که در آنجا یاد آور شدیم بجا آورد، البته در اینجا حمد و سوره‌ی دو رکعت نخست را بلند و به صورت جهری قرائت می‌نماید، و سوره‌ی حمد دو رکعت آخر 301 را آهسته و به صورت اخفاتی قرائت می‌نماید، و تشهّد و سلام نماز و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را به همان صورت که پیش از این گفتیم، بجا می‌آورد، و تعقیبات نمازهای واجب عمل می‌کند، که ما تعقیبات پسندیده‌ای را در تعقیب نماز ظهر ذکر نموده و روایت کردیم.

تعقیبات مختص به نماز عشا دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تعقیب نماز عشا 1 - از تعقیبات مهم بعد از نماز عشا، دعای مختص به این نماز فریضه از دعاهای مولایمان علی بن ابی طالب (علیه السلام) در تعقیب نمازهای پنجگانه‌ی واجب است، به این صورت:

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْرَسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ اَكْفُنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَ اغْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، اللَّهُمَّ،
 احْفَظْنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعِ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ نِعْمِكَ، اللَّهُمَّ، تَوَلَّنِي فِيْمَا
 عِنْدَكَ مِمَّا غَبْتُ [يا: رَغَيْتُ] عَنْهُ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيْمَا حَضَرْتَهُ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ
 الذُّنُوبُ، وَلَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، إِغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَأَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، إِنَّكَ أَنْتَ
 الْوَهَّابُ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ فَرَجًا قَرِيبًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. وَأَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ
 الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ.

اللَّهُمَّ، اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْثِرُ ذِكْرَكَ، وَيَتَابِعُ شُكْرَكَ، وَيُلْزِمُ عِبَادَتَكَ، وَيُؤَدِّي أَمَانَتَكَ،
 اللَّهُمَّ، طَهِّرْ لِسَانِي مِنَ الْكُذْبِ، وَقَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ، وَبَصْرِي مِنَ
 الْخِيَانَةِ، إِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، اللَّهُمَّ، رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا
 أَظَلَّتْ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقَلَّتْ، وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَّتْ، وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَ
 إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَوَّلَ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرَ كُلِّ شَيْءٍ، وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ
 وَإِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُتَوَلَّنِي بِرَحْمَتِكَ، وَتُشْمِلَنِي بِعَافِيَتِكَ، وَتُسْعِدَنِي بِمَغْفِرَتِكَ، وَلَا تُسَلِّطْ
 عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ، إِلَيْكَ فَقَرَّبْنِي، وَعَلَى حُسْنِ الْخُلُقِ فَقَوِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
 فَسَلِّمْنِي، وَفِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَ [أَطْرَافِ] النَّهَارِ فَاحْرُسْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَ
 إِخْوَانِي وَجَمِيعِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَاحْفَظْنِي، وَأَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِسَائِرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 الْمُؤْمِنَاتِ، يَا رَبَّ [يا: وَلِي] الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا نِعْمَ
 الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، [يا: رَحِيمُ]، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
 وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ.

- خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به وسیلهی چشم [و ذاتت]

که هرگز به خواب نمی رود، از من پاسداری نما، و به حمایتت که هرگز کسی
 نمی تواند قصد آن را بکند، مورد حمایت خویش قرار ده، و به قدرتت بر من از

من درگذر. ای صاحب بزرگی و بزرگواری، خداوندا، از پیشامدهای بزرگ شب و روز و از جور و ستم هر ستمگر، و رشک و حسادت هر رشک برنده، و تجاوز هر تجاوزگر به تو پناه می‌برم. خدایا، مرا درباره‌ی خود و خانواده و مال و تمام آنچه از نعمتهایت بر من ارزانی داشته‌ای محافظت بفرما، خدایا، پیرامون آنچه که در نزد توست و من اطلاعی از آن [یا: گرایشی به آن] ندارم خود سرپرست و متولی من باش، و در آنچه از آن اطلاع دارم مرا به خودم وامگذار، ای خدایی که گناهان آسیبی به تو نمی‌رساند، و آمرزش از تو نمی‌کاهد، آنچه را که ضرری به تو ندارد بیامرز، و آنچه را که از تو چیزی نمی‌کاهد به من عطا فرما. براستی که تویی بسیار بخشنده هستی. خداوندا، گشایش زودرس و شکیبایی زیبا و روزی فراوان و عفو و گذشت و عافیت در دنیا و آخرت را از تو مسألت دارم. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و من و پدر و مادر و مردان و زنان مؤمن، زندگان و مردگانش را بیامرز.

خدایا، مرا از کسانی قرار ده که بسیار به یاد تو بوده و پیوسته شکر گزار، و همواره ملازم عبادت بوده، و امانت تو را ادا می‌نمایند، خداوندا، زبانم را از دروغ، و دلم از نفاق و دو رویی، و عملم را از ریاء، و دیده‌ام را از خیانت پاکیزه گردان، زیرا تو به خیانت چشمها و آنچه که دلها آن را مخفی می‌دارند آگاهی، خداوندا، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و آنچه آنها بر آن سایه افکنده، و پروردگار زمینهای هفتگانه و تمام آنچه که آنها آن را حمل می‌کنند، و پروردگار بادهای و آنچه که آنها آن را پراکنده می‌کنند، و پروردگار و معبود همه‌ی اشیاء و اول و آخر هر چیز، و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و معبود حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب (علیهم‌السلام)، از تو می‌خواهم که بر محمد و

آل محمد درود فرستی، و به رحمت خویش مرا سرپرستی نموده، و عافیتت را شامل حالم گردانیده، و به آمرزشت نیکبخت گردانیده، و هیچ کس از مخلوقات را بر من چیره نگردانی.

خداوندا، پس مرا مقرب درگاه خود، و بر اخلاق نیک استوارم گردان، و از شرّ و گزند شیطانهای جنّی و انسی سلامت بدار، و در اوقات و لحظات شب و [اول و آخر و لحظات] روز پاسم بدار، و مرا درباره‌ی خود و خانواده و مال و دارایی و فرزندان و برادران و همه آنچه بر من ارزانی داشتی محافظت بفرما، و من و پدر و مادر و همه‌ی مردان و زنان مؤمن را بیمارز، ای سرپرستی کننده‌ی [یا: ای پروردگار] اعمال پایدار صالح، برستی که تو بر هر چیز توانایی، ای بهترین سرپرست و بهترین یاری گر، به رحمتت ای مهربانترین مهربانها [ای مهربان] سپاس خداوندی را که پروردگار عالمیان است، و درودهای او بر سرورمان حضرت محمد و پیامبر اکرم، و آل و عترت پاک او باد.

دعای حضرت زهرا (علیها السلام) در تعقیب نماز عشا

2 - نیز از تعقیبات مهمّ بعد از نماز عشا، دعای مخصوص به این فریضه از ادعیه‌ی مولایمان فاطمه (علیها السلام) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب می‌باشد، به این صورت:

سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِأَمْرِهِ وَ مَلِكِهِ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَرْزَاقِهَا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسِي مَنْ ذَكَرَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ، وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ، وَ حَاصِرِ الْبِحَارِ، وَ نَاصِدِ الْجِبَالِ، وَ بَارِي الْحَيَوَانِ، وَ خَالِقِ الشَّجَرِ، وَ فَاتِحِ يَنَابِيعِ الْأَرْضِ، وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ، وَ مُسِيرِ السَّحَابِ، وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَعْوَارِ الْأَرْضِ مُتَصَاعِدَاتٍ فِي الْهَوَاءِ، وَ مُهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ، الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ، وَ بِشُكْرِهِ نَسْتَوْجِبُ [یا: تُسْتَوْجَبُ] الزِّيَادَاتِ، وَ بِأَمْرِهِ

قَامَتِ السَّمَاوَاتُ، وَبِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَّاتُ، وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَّوَاتِ، وَالطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ،

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، مُنْزِلِ الْآيَاتِ، وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ، سَاتِرِ الْعَوْرَاتِ، قَابِلِ الْحَسَنَاتِ، مُقْبِلِ الْعَثَرَاتِ، مُنْفَسِ الْكُرْبَاتِ، مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ، مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ، [وَقَاضِي الْحَاجَاتِ]، مُحْيِي الْأَمْوَاتِ، إِلَهٍ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ وَ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ وَ قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ بَرَكَةٍ وَ زِيَادَةٍ وَ رَحْمَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ فَرِيضَةٍ وَ سَرَّاءٍ وَ ضَرَّاءٍ، وَ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ، وَ مُصِيبَةٍ وَ بَلَاءٍ، وَ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ، وَ غِنَاءٍ وَ فَقْرٍ، وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ، وَ كُلِّ مَثْوَى وَ مُتَقَلِّبٍ وَ مَقَامٍ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي عَائِدٌ بِكَ فَأَعِدْنِي، وَ مُسْتَجِيرٌ بِكَ فَأَجِرْنِي، وَ مُسْتَعِينٌ بِكَ فَأَعِنِّي، وَ مُسْتَعِيثٌ بِكَ فَأَعِثْنِي، وَ دَاعِيكَ فَأَجِبْنِي، وَ مُسْتَغْفِرُكَ فَأَغْفِرْ لِي، وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَأَنْصُرْنِي، وَ مُسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي، وَ مُسْتَكْفِيكَ فَكَفِنِي، وَ مُلْتَجٍ إِلَيْكَ فَأَوِّنِي، وَ مُتَمَسِّكٍ بِحَبْلِكَ فَاعْصِمْنِي، وَ مُتَوَكِّلٍ عَلَيْكَ فَكَفِنِي، وَ اجْعَلْنِي فِي عِبَادِكَ [يَا: عِيَاذُكَ] [وَجِيوَارِكَ وَ حِرْزِكَ [يَا: حَوْزِكَ] وَ كَهْفِكَ [يَا: كَنْفِكَ] وَ حِيَاطَتِكَ 302 وَ حِرَاسَتِكَ وَ كَلَائِتِكَ وَ حُرْمَتِكَ [يَا: حَرَمِكَ] وَ أَمْنِكَ وَ تَحْتَ ظِلِّكَ وَ تَحْتَ جَنَاحِكَ، وَ اجْعَلْ عَلَيَّ [جُنَّةً] [وَأَوَاقِيَةً مِنْكَ، وَ اجْعَلْ حِفْظَكَ وَ حِيَاطَتَكَ وَ حِرَاسَتَكَ وَ كَلَائِتَكَ مِنْ وَرَائِي وَ أَمَامِي وَ عَن يَمِينِي وَ عَن شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ حَوَالِي، حَتَّى لَا يَصِلَ أَحَدٌ مِنْ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِ وَ آذَائِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ، اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ وَ بَغْيَ الْبَاغِينَ وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ حِيلَةَ الْمُخْتَالِينَ وَ غِيْلَةَ الْمُغْتَالِينَ وَ غِيْبَةَ الْمُغْتَابِينَ وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَ جَوْرَ الْجَوَّارِينَ وَاعْتِدَاءَ الْمُعْتَدِينَ وَ سَخَطَ الْمُسَخِطِينَ [يَا: الْمُتَسَخِّطِينَ] وَ تَسَخُّبَ الْمُتَسَخِّبِينَ [يَا: وَ سُخْتِ الْمُسُخِّتِينَ] 303، وَ صَوْلَةَ الصَّائِلِينَ وَ اقْتِسَارَ الْمُقْتَسِرِينَ وَ غَشْمَ الْغَاشِمِينَ وَ خَبْطَ الْخَابِطِينَ وَ سِعَايَةَ السَّاعِينَ وَ نَمَامَةَ النَّمَامِينَ، وَ سِحْرَ السَّحْرَةِ وَ الْمَرْدَةَ وَ الشَّيَاطِينَ، وَ جَوْرَ السَّلَاطِينَ وَ مَكْرُوهُ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ
وَالْأَرْضُ، وَاشْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمُ، وَسَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَوَجَلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ، وَخَضَعَتْ لَهُ
الرِّقَابُ، وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْمَوْتَى، أَنْ تَغْفِرَ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ،
عَمْدًا أَوْ خَطَأً، سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا وَهَدْيًا وَنُورًا وَعِلْمًا وَفَهْمًا، حَتَّى
أُقِيمَ كِتَابَكَ، وَأُحِلَّ حَلَالَكَ، وَأُحْرَمَ حَرَامَكَ، وَأُودَى فَرَائِضَكَ، وَأُقِيمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ (ﷺ).

اللَّهُمَّ، أَحِقْنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ، وَاخْتِمِ لِي عَمَلِي
بِأَحْسَنِهِ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ، اللَّهُمَّ، إِذَا فَنِيَ عُمْرِي، وَتَصَرَّمَتْ أَيَّامُ حَيَاتِي، وَكَانَ لَا
بُدْلَى مِنْ لِقَائِكَ، فَاسْأَلُكَ يَا لَطِيفُ، أَنْ تُوَجِّبَ لِي مِنْ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَغْفِرُنِي بِهِ الْأَوْلُونَ
وَالْآخِرُونَ. اللَّهُمَّ، اقْبَلْ مِدْحَتِي وَالتَّهْفَافِي، وَارْحَمْ ضِرَاعَتِي وَهَتَافِي، وَإِقْرَارِي عَلَى
نَفْسِي، وَاعْتِرَافِي، فَقَدْ أَسْمَعْتُكَ صَوْتِي فِي الدَّاعِينَ، وَخُشُوعِي فِي الضَّارِعِينَ، وَ
مِدْحَتِي فِي الْقَائِلِينَ، وَتَسْبِيحِي فِي الْمَادِحِينَ، وَأَنْتَ مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَمُغِيثُ
الْمُسْتَغِيثِينَ، وَغِيَاثُ الْمَلْهُوفِينَ، وَحِرْزُ الْهَارِبِينَ، وَصَرِيخُ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُقِيلُ الْمُذْنِبِينَ، وَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، وَالسَّرَاحِ الْمُنِيرِ، وَعَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَالتَّيْبِينَ.

اللَّهُمَّ، دَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ، وَبَارِي الْمَسْمُوكَاتِ، وَجِبَالِ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا شَقِيهَا وَ
سَعِيدِهَا، اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَرَأْفَةَ [يا: رَوَافِهِ] تَحِيَّاتِكَ، عَلَى
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ، وَالذَّابِّ عَنْ حَرَمِكَ،
وَالصَّادِعِ بِأَمْرِكَ، وَالْمُشِيدِ [يا: الْمُسْنِدِ] بِآيَاتِكَ، وَالْمُوفِي لِنَذْرِكَ، اللَّهُمَّ، فَأَعْطِهِ بِكُلِّ
فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ، وَنَقِيبَةٍ [يا: مَنْقَبَةٍ] مِنْ مَنَاقِبِهِ، وَحَالٍ مِنْ أَحْوَالِهِ، وَمَنْزِلَةٍ مِنْ مَنْزِلِهِ،
رَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا، وَعَلَى [كُلِّ] مَكْرُوهٍ بِلَايِكَ صَابِرًا، وَلِمَنْ عَادَاكَ مُعَادِيًا،
وَلِمَنْ وَالَاكَ مُوَالِيًا، وَعَمَّا كَرِهْتَ نَائِيًا، وَإِلَى مَا أَحْبَبْتَ دَاعِيًا، فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِكَ، وَ
خَصَائِصَ مِنْ عَطَائِكَ وَحَبَائِكَ تُسْنَى بِهَا أَمْرُهُ، وَتُعْلَى بِهَا دَرَجَتُهُ مَعَ الْقَوَامِ بِقِسْطِكَ،
وَالذَّابِّينَ عَنْ حَرَمِكَ، حَتَّى لَا يَبْقَى سَنَاءٌ وَلَا بَهَاءٌ وَلَا رَحْمَةٌ وَلَا كَرَامَةٌ إِلَّا خَصَصْتَ
مُحَمَّدًا بِذَلِكَ، وَآتَيْتَهُ مِنْهُ الذُّرَى، وَبَلَّغْتَهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَى، آمِينَ، رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَجَمِيعَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَاجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَحِفْظِكَ وَعِزِّكَ وَمَنْعِكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، حَسْبِي أَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، رَبَّنَا، عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا، وَإِلَيْكَ أَنبْنَا، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، رَبَّنَا، لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا، وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ، إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا، إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، رَبَّنَا، افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، رَبَّنَا، إِنَّا آمَنَّا، فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا، وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا تَخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا، لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا، رَبَّنَا، وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا [إِصْرًا]، كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا، وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَاعْفُ عَنَّا، وَاعْفِرْ لَنَا، وَارْحَمْنَا، أَنْتَ مَوْلَانَا، فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، رَبَّنَا، آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا برَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا.

- پاک و منزّه است خداوندی که هر چیز در برابر عظمت او فروتن هستند، پاک و منزّه است خداوندی که همه اشیاء در برابر سرافرازی او خاکسارند، پاک و منزّه است خداوندی که همه چیز برای امر و فرمانروایی او خضوع دارند، پاک و منزّه است خداوندی که تمام امور با گذاشتن زمام و مهار و تمام اختیار خویش در دست او، تسلیم او هستند، ستایش خداوندی را که هرکس را که به یاد او باشد فراموش نمی‌کند، سپاس خدایی را که هرکس او را بخواند محروم نمی‌گرداند، سپاس خدایی که هرکس بر او توکل نماید کفایت می‌فرماید، سپاس خداوندی را که نگاهدارنده‌ی آسمان و گستراننده‌ی زمین و بازدارنده و فراگیرنده‌ی دریاها و چیننده‌ی کوهها و پدید آورنده‌ی حیوانات و آفریننده‌ی درختان و گشاینده‌ی چشمه‌های زمین و تدبیر کننده‌ی امور و راننده‌ی ابرها و روان کننده‌ی باد و آب و آتش از قعر و ژرفای زمین به صورت متصاعد در

هوا، و فرود آورنده‌ی گرما و سرماست، خداوندی که به نعمت او اعمال شایسته، کامل گشته، و به شکر او مستحقّ افزونیها می‌گردیم [یا: انسان مستحقّ آن می‌گردد]، و به امر او آسمانها برپا، و به سربلندی او [کوههای] استوار استقرار داشته، و حیوانات وحشی در بیابانها، و پرندگان در لانه‌هایشان [در کوهها و دیوارها] تسبیح او را می‌گویند.

ستایش خدایی را که بالا برنده‌ی درجات، نازل کننده‌ی نشانه‌های روشن، گسترش دهنده‌ی برکات، پوشاننده‌ی عیبها، قبول کننده‌ی کارهای نیک، درگذرنده‌ی لغزشها، برطرف کننده‌ی ناراحتیهای سخت و گلوگیر، فرو فرستنده‌ی برکات، اجابت کننده‌ی دعاها، [و برآورنده‌ی حوائج]، زنده کننده‌ی مردگان می‌باشد، و معبود تمام کسانی است که در زمین و آسمانها هستند. سپاس برای خداوند به خاطر هر حمد و ذکر و شکر و شکیبایی و نماز و زکات و قیام [شب زنده‌داری] و عبادت و سعادت‌مندی و برکت و افزونی و رحمت و نعمت و کرامت و هر امر واجب و در حال خوشحالی و رنجوری، و سختی و فراخی، و مصیبت و بلا، و مشکل و راحتی، و بی‌نیازی و نیازمندی و بر هر حال و در هر لحظه و زمان و در هر حال اقامت و رفتن و ایستادن.

(290) این لفظ در برخی از نسخه‌های طارق آمده است که ظاهراً درست نیست، زیرا استثناء و منصوب است.

(291) ظاهراً مقصود از چهار سجده‌ای که ذکر می‌شود، همان دو سجده شکر است، منتهی به این ترتیب: 1 - سجده کردن بر پیشانی، 2 - سجده با سمت راست صورت را، 3 - سجده با سمت چپ صورت، 4 - و در آخر با سجده کردن با پیشانی.

(292) انبیاء (21): 87 و 88.

(293) انعام (6): 59.

(294) به جای این کلمه، حاجت خود را ذکر می‌کنی.

- (295) کنایه از اینکه: در مقام و منزلت به من مُلْحَق می‌شود.
- (296) مزْمَل (73): 6.
- (297) ظاهراً منظور آیه‌ی شریفه 54 سوره‌ی اعراف می‌باشد.
- (298) ظاهراً مقصود آیه‌ی 163 و 164 سوره‌ی بقره است.
- (299) مقصود آیات 254 و 255 و 256 و 257 سوره‌ی بقره می‌باشد.
- (300) یعنی از اوّل تا آخر سوره‌ی بقره. آیه‌ی 283.
- (301) یعنی اگر خواست به جای تسبیحات اربعه، سوره‌ی حمد بخواند.
- (302) در برخی از نسخه‌های به جای این کلمه حِیَاطِکَ آمده است که ظاهراً درست نیست.
- (303) در برخی از نسخه‌ها نیز تَسْحُبُ الْمُتَسَحِّبِینَ آمده است که ظاهراً درست نیست.

خداوندا، من به تو پناهنده می‌شوم پس مرا پناه ده، و در حمایت تو درمی‌آیم
پس مرا در تحت حمایت درآور، و به تو یاری می‌جویم پس یاری‌ام فرما، و به
تو یآوری می‌خواهم پس یآوری‌ام کن، و تو را می‌خوانم پس پاسخم ده، و از
تو آموزش خواهی می‌نمایم پس بیامرزم، و از تو یاری و کامیابی می‌جویم پس
پیروزم گردان، و از تو طلب هدایت می‌کنم پس هدایتم فرما، و از تو طلب
کفایت می‌نمایم پس کفایتم فرما، و به تو پناه می‌آورم پس پناهم ده و درآغوشم
بگیر، و به ریسمان تو چنگ می‌زنم پس محفوظم بدار، و بر توکل می‌نمایم پس
کفایتم فرما، و مرا در میان بندگان [یا: در پناهندگی] و همسایگی و حفظ [یا:
حوزه و پیرامون] و در پناه [یا: حمایت] و نگاهداری و پاسداری و محافظت و
حُرمت و اُمْنِیت و زیر سایه [رحمت]ات و زیر پَر [حمایت]ت قرار ده، و بر من
[سپری] محافظت کننده از جانب خویش قرار ده، و حفظ و حمایت و حراست
و مراعات نمودنت را از پشت و پیش رو و از راست و از چپ و از بالای سر و
از زیر و اطرافم قرار ده، تا هیچ یک از مخلوقات نتواند بدی و اذیت و گزند
به من برساند. معبودی جز تو که بسیار بخشنده، نو آفرین آسمانها و زمین،
صاحب بزرگی و بزرگواری هستی، وجود ندارد. خداوندا، مرا از حسادت و
رشک حسودان و تجاوز تجاوز کنندگان و افسون افسونگران و مکر
مکرکنندگان و حيله حيله گران و فریب فریب دهندگان [و یا به فریب و
کُشتن ترور کنندگان]، و غیبت غیبت کنندگان و ستم ستمگران، و جور جائران،
و تجاوز تجاوز کنندگان، و خشم خشم گیرندگان، و تکبّر و ناز به خود
بالندگان، [یا: نابود کردن از بین برندگان]، و تاختن و زبردستی تازندگان، و
وادار کردن وادار کنندگان، و ظلم و ستم ظالمان و غاصبان، و زدن و آزار

رسانیدن زندگان، و سعایت و بدگویی سعایت کنندگان و سخن چینی و دو بهم زنی سخن چینان و جادوی جادوگران و سرکشان و شیطانها، و جور و ستم پادشاهان و بدی و گزند عالمیان کفایت بفرما.

خداوندا، به آن اسم محزون و پوشیده‌ی پاک پاکیزه‌ای که آسمانها و زمین به آن برپاست، و تاریکیها به آن روشن است، و فرشتگان برای آن تسبیح می‌گویند، و دلها از آن لرزان و هراسانند، و گردنها در برابر آن خاضع و فروتن هستند، و مردگان را به آن زنده می‌گردانی، از تو می‌خواهم که هر گناهی را که در تاریکیهای شب و روشنایی روز، عمداً یا از روی خطا، و پنهانی و یا آشکارا انجام داده‌ام بیامرزی، و یقین و هدایت و نور و آگاهی و فهم و دریافتی به من ارزانی داری تا اینکه کتابت را بپا داشته، و حلالیت را حلال، و حرمت را حرام بدانم، [ویا: به حلالیت عمل کنم، و از حرمت بپرهیزم] و فرایض و واجبات را ادا، و سنت و روش پیامبرت حضرت محمد (ﷺ) را برپا دارم.

خدایا، مرا به گذشتگان از صالحین محلق فرما، و از صالحین باقیمانده قرار ده، و عملم را به نیکوترین اعمال ختم بفرما، براستی که تو بسیار آمرزنده‌ی مهربان هستی، خداوندا، هنگامی که عمرم به پایان رسیده، و روزهای زندگانی‌ام سپری می‌گردد، و چاره‌ای از ملاقات با تو ندارم، از تو درخواست می‌نمایم که ای لطیف، منزلت و جایگاهی از بهشتت را به من عطا بفرمایی که اولین و آخرین به واسطه‌ی آن بر من رشک برند، خداوندا، مدح و ثنا و از اندوه شعله‌ور شدنم را بپذیر، و بر خاکساری و زاری و فریاد و اقرار و اعتراض علیه خویش رحم آر، که صدایم را در میان دعا کنندگان، و فروتنی‌ام را در میان زاری کنندگان، و مدح و ثنایم را در میان گویندگان، و تسبیحم را در میان ستایشگران به تو شنوایم. و تو اجابت کننده‌ی [دعای] درماندگان و بیچارگان، و یاری

کننده‌ی کمک جویان، و یاوری کننده‌ی غمگینان و ستمدیدگان، و پناهگاه گریختگان، و فریادرس مؤمنان، و درگذرنده از لغزش گناهکاران می‌باشی. و درود خداوند بر مژده و بیم دهنده و چراغ نورانی [حضرت رسول اکرم (ﷺ)] و بر همه‌ی فرشتگان و پیامبران.

خداوندا، ای گستراننده‌ی زمینها، و پدیدآورنده‌ی آسمانها، و کسی که همه‌ی دلها (بدبخت و نیکبخت) را بر فطرت [توحید] خویش سرشته‌ای، برترین درودها و بالنده‌ترین برکات و با رأفت‌ترین درودهایت را بر بنده و رسول و امین بر وحی، با پردازنده‌ی حجّت و دلالت، و کسی که از حرم [و احکام] تو دفاع نمود و امر تو را فیصله داد، و آیات را بنیان نهاد و بالا برد [یا: اقامه و پابرجا نمود]، و به عهد و پیمانت وفا نمود. خداوندا، پس در برابر هر فضیلت از فضائل و فرایستگی‌هایش، و هر روش و اخلاق ستوده از روشهای ستوده‌اش، و هر حال از حالاتش و هر منزلت از منزلتهایش که تو حضرت محمد (ﷺ) را در آن یاریگر خویش، و صابر در برابر گرفتاری‌ات، و ستیزه‌جو با دشمنان، و دوست با دوستان، و کناره‌گیر از هرچه که ناخوشایند توست، و خواننده به سوی آنچه که دوست داری دیدی، برتریهایی از پاداشت، و عطایا و بخششهای ویژه‌ات به او عطا فرما، به گونه‌ای که به واسطه‌ی آن مقام او را والا گردانیده، و درجه و پایه‌ایش را با کسانی که برای [اجرای] قسط و داد [تو] بپا می‌خیزند و از حرم [و احکام] تو دفاع می‌کنند بالا بر، تا اینکه هیچ بلندپایگی و فروغ و رحمت و کرامت نباشد مگر اینکه حضرت محمد (ﷺ) را بدان ویژه گردانیده، و اوج آن را به او عطا فرموده، و او را به مقامات والا رسانیده باشی. اجابت فرما. ای پروردگار عالمیان.

خداوندا، براستی که من دین و خود و تمام نعمتهایی را که بر من ارزانی داشته‌ای به تو می‌سپارم، و مرا در کنف و حمایت و حفظ و سرفرازی و بازدارندگی خویش قرار ده، که همسایه تو سربلند، و مدح و ثنایت بزرگ، و نامها [و کمالات] ات پاکیزه است، و معبودی جز تو وجود ندارد، در حال خوشی و رنجوری، و سختی و فراخی زندگی مرا برایم کافی هستی و چه وکیل و کارگذار خوبی، پروردگارا، تنها بر تو توکل نمودیم، و به سوی تو [با تمام وجود] رجوع نمودیم، و بازگشت [همه موجودات] به سوی توست. پروردگارا، ما را گرفتار [و مورد آزمایش] کسانی که کفر ورزیدند قرار مده، و بی‌آمرزمان، پروردگارا، براستی که تویی سربلند و فرزانه. پروردگارا عذاب جهنم را از ما دور دار، که عذاب آن [همانند طلبکار] پیوسته ملازم انسان است، براستی که جهنم بد جای ماندن و ایستادن است، پروردگارا، بین ما و قوممان به حق داوری فرما، و تو بهترین داوران می‌باشی، پروردگارا، [براستی که] ما ایمان آوردیم، پس گناهانمان را ببامرز، و بدیهایمان را بپوش، و با ابرار و نیکان بمیران، پروردگارا، آنچه را که درباره‌ی ما به فرستادگانت وعده دادی به ما عطا فرما و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، براستی تو هرگز خلف وعده نمی‌فرمایی، پروردگارا، اگر فراموش نمودیم یا خطا و اشتباه نمودیم بر ما مگیر [و عذاب مفرما]، پروردگارا، و بر ما مَنِه [هر امری را که بازدارنده‌ی - از خیرات - و سختی است، چنانکه بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی، و بر دشمنان منہ] آنچه را که توان و طاقت آن را نداریم، و از ما درگذر، و بیامرز، و رحم آر، تویی مولی و سرپرست ما، پس ما را بر گروه کافران یاری بخش و پیروز گردان، پروردگارا، هم در دنیا و هم در آخرت به ما نیکی عطا فرما، و به

رحمت خویش از عذاب آتش [جهنم] نگاه دار. و درود و سلامتی و ایمنی ویژه‌ی خداوند بر سرورمان حضرت محمد، پیامبر اکرم و خاندان پاکیزه او باد.

دعای امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نماز عشاء

3 - همچنین از تعقیبات مهم بعد از نماز عشاء، دعای مختص به این فریضه از دعا‌های مولایمان امام صادق (علیه السلام) است که معاویة بن عمار در تعقیب نمازها روایت نموده، و آن دعا به این صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً تُبَلِّغُنَا بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَ تُنَجِّنَا بِهَا مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتَّى أَتَّبِعَهُ، وَ أَرِنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا حَتَّى أُجْتَنِبَهُ، وَ لَا تَجْعَلْهُمَا عَلَيَّ مُتَشَابِهَيْنِ، فَاتَّبِعْ هَوَايَ بَعِيرٍ هُدَى مِنْكَ، فَاجْعَلْ هَوَايَ تَبَعًا لِرِضَاكَ وَ طَاعَتِكَ، وَ خُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي، وَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اهْدِنِي فِي مَنْ هَدَيْتَ، وَ عَافِنِي فِي مَنْ عَافَيْتَ، وَ تَوَلَّنِي فِي مَنْ تَوَلَّيْتَ، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا أَعْطَيْتَ، وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَ تُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْكَ.

تَمَّ نُورُكَ اللَّهُمَّ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ عَظَّمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتُشْكِرُ، وَ تُعْصَى رَبَّنَا فَتَسْتُرُ وَ تَغْفِرُ، أَنْتَ كَمَا أَثْبِتَ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَ الْجُودِ، لَيْبِكَ وَ سَعْدِيكَ، تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ، لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي [فَارْحَمْنِي، وَ أَنْتَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فُتِبْ عَلَيَّ يَا: فَاعْفِرْ لِي] إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ بَيِّتِنِي [يَا: تُبَيِّتُنِي] مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ ، وَ صَبِّحْنِي ³⁰⁴ مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ ، وَ اسْتُرْنِي مِنْكَ بِالْعَافِيَةِ ، وَ ارْزُقْنِي تَمَامَ الْعَافِيَةِ ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ ، وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ . اللَّهُمَّ ، إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلَ حُزَانَتِي وَ كُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ [بِهَا] عَلَيَّ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَ أَمْنِكَ وَ كَلَاتِكَ وَ حِفْظِكَ وَ حِيَاطَتِكَ وَ كِفَايَتِكَ وَ سِتْرِكَ وَ ذِمَّتِكَ وَ جِوَارِكَ وَ وَدَائِعِكَ ، يَا مَنْ لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ ، وَ لَا يُخَيِّبُ سَأَلُهُ ، وَ لَا يَنْفَذُ مَا عِنْدَهُ ، اللَّهُمَّ ، إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ أَعْدَائِي وَ كُلِّ مَنْ كَادَنِي وَ بَغَى عَلَيَّ . اللَّهُمَّ ، مَنْ أَرَادَنَا فَارِدُهُ ، وَ مَنْ كَادَنَا فَكِدُهُ ، وَ مَنْ نَصَبَ لَنَا فَخْذَهُ يَا رَبِّ أَخَذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ .

اللَّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنْ [جَمِيعِ] الْبَلِيَّاتِ وَ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ النَّقْمِ وَ لُزُومِ السَّقَمِ وَ زَوَالِ النِّعَمِ وَ عَوَاقِبِ التَّلَفِ ، مَا طَغَى بِهِ الْمَاءُ لِنُغْصَبِكَ ، وَ مَا عَتَتْ بِهِ الرِّيحُ عَنِّ أَمْرِكَ ، وَ مَا أَعْلَمُ وَ مَا لَا أَعْلَمُ ، وَ مَا أَخَافُ وَ مَا لَا أَخَافُ ، وَ مَا أَحْذَرُ وَ مَا لَا أَحْذَرُ ، وَ مَا أَنْتَ بِهِ أَعْلَمُ ، اللَّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ فَرِّجْ عَنِّي ، وَ نَفِّسْ غَمِّي ، وَ سَلِّ حُزْنِي ، وَ اكْفِنِي مَا ضَاقَ بِهِ صَدْرِي ، وَ عَيْلَ بِهِ صَبْرِي ، وَ قُلَّتْ فِيهِ حِيلَتِي ، وَ ضَعُفَتْ عَنْهُ قُوَّتِي ، وَ عَجَزَتْ عَنْهُ طَاقَتِي ، وَ رَدَّتْنِي فِيهِ الضَّرُورَةُ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأَمَالِ وَ خَيْبَةِ الرَّجَاءِ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَيْكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اكْفِينِي يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ ، إِكْفِنِي كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى لَا يَبْقَى شَيْءٌ ، يَا كَرِيمٌ .

اللَّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ (صلى الله عليه وآله وسلم) مَعَ التَّوْبَةِ وَ النَّدَمِ . اللَّهُمَّ ، إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي ، وَ اسْتَكْفِيكَ مَا أَهَمَّنِي وَ مَا لَمْ يُهَمِّنِي [يَا: مَا لَا يُهَمِّنِي] ، أَسْأَلُكَ بِخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ، الَّذِي لَا يَمُنُّ بِهِ سِوَاكَ ، يَا كَرِيمُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا .

- به نام خداوند رحمت گستر مهربان، خداوند، بر محمد و آل او چنان درودی فرست که ما را به واسطه‌ی آن به خشنودی و بهشتت نایل گردانده، و از

ناخوشایندیات و آتش [جهنم] رهایی دهی. خداوند بر محمد و آل محمد درود فرست و حق را به من حق نشان ده تا از آن پیروی نمایم، و باطل را باطل بنمایان تا از آن اجتناب کنم، و آن دو را بر من مُشْتَبِه مگردان تا بدون هدایت از جانب تو از هوای خویش تبعیت نمایم. پس هوا و هوسم را پیرو رضا و طاعت خود بگردان، و برای نفس خود از نفس من خشنودی‌ایش را بگیر، و به اذن خود مرا در آنچه که در آن اختلاف [نظر] وجود دارد به حق، هدایت فرما، براستی که تو هرکس را بخواهی به راه راست هدایت می‌فرمایی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا در میان کسانی که هدایت فرمودی هدایت فرما، و در میان کسانی که عافیت دادی عافیت بخش، و در میان آنان که سرپرستی نمودی سرپرستی نما، و در آنچه عطا فرمودی مبارک گردان، و از شر آنچه قضا و اراده‌ی حتمی فرمودی نگاه دار، که تو قضا و اراده‌ی حتمی می‌فرمایی و کسی علیه تو قضا نمی‌تواند بکند، و همه را در پناه خویش در می‌آوری، و کسی نمی‌تواند [چیزی را] علیه تو در پناه خویش درآورد.

خدایا، نورت کامل گشته و لذا هدایت نمودی پس سپاس تو را، و حلم و بردباری‌ات بزرگ گردید و لذا گذشت فرمودی پس سپاس تو را، و دست [رحمت]ات را گشودی، و لذا عطا فرمودی پس سپاس تو را، ای پروردگار ما، اطاعتت می‌کنند و سپاسگزاری می‌کنی، و ای پروردگار ما، نافرمانی‌ات می‌کنند و می‌پوشانی و آمرزی، تو همچنانی که خویش را به کرم و بخشش ستوده‌ای، آری و آری. بلندمرتبه و پاک و منزّه‌ی، هیچ پناهگاه و راه نجاتی از تو جز به سوی تو وجود ندارد. معبودی جز تو نیست، خداوندا، همراه با ستایشت تو را به پاک‌ی [منزه بودن از هر عیب و نقص] می‌خوانم، عمل بد انجام داده و به خویش ستم نمودم پس [بر من رحم آر، و تو مهربانترین مهربانها می‌باشی، معبودی جز

تو نیست، خداوندا، همراه با ستایشت، تو را به پاکی یاد می‌کنم، عمل بد انجام دادم و به خود ستم نمودم] پس مرا بی‌آمرزای بهترین آمرزندگان، معبودی جز تو نیست همراه با ستایشت تو را به پاکی یاد می‌کنم، عمل بد انجام داده و به خود ستم نمودم، پس توبه مرا بپذیر [یا: مرا بی‌آمرز]، که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی، معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی تو، براستی که من از ستمکاران بودم، پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگار صفت سرافرازی از آنچه که او را بدان توصیف می‌نمایند، و سلام و درود بر پیامبران فرستاده شده، و ستایش خداوندی را که پروردگار عالمیان است.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و بر من همراه با عافیت از جانب خود شب و صبح نما، و با عافیتی از جانب خود بر من بیوشان، و تمام و کمال و دوام عافیت و شکر بر عافیت را روزی‌ام گردان، خداوندا، خود و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و خویشان و بستگانی که به واسطه‌ی آنان ناراحت می‌گردم و هر نعمتی را که بر من ارزانی داشته‌ای به تو می‌سپارم، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا در تحت حمایت و امنیّت و نگاهداری و حفظ و مراعات و کفایت و پوشش و ضمانت و همسایگی و حمایت و سپرده‌های خود قرار ده، ای خدایی که سپرده‌های تو گم و نابود نمی‌شود، و هرکس از تو درخواست نماید نومید نمی‌گردد، و هرچه در نزد توست پایان نمی‌پذیرد، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، به [وسیله‌ی] تو بر سینه‌های دشمنانم و تمام کسانی که می‌خواهند مرا فریب داده [ویا به من آسیبی برسانند] و ستم کنند، دست ردّ می‌زنم، خداوندا، هرکس اراده‌ی [آسیب رساندن] به ما را داشته باشد تو خود او را اراده نمودن [و به او آسیب رسان]، و هرکس بخواهد مرا فریب دهد [ویا بدی برساند]، تو خود او را بفریب [ویا بدی برسان] و

هرکس دشمن ما باشد ای پروردگار من، او را همانند گرفتن شخص سربلند و نیرومند بگیر.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و [تمام] گرفتاریها و آفات و آسیبها و کیفرها و بیماری‌های پیوسته، و از دست رفتن نعمتها و عاقبتهای امور که تلف و نابودی منجر می‌گردد، آنچه که آب به خاطر غضب و خشم بر آن طغیان نموده، و یا به واسطه‌ی امرت باد بر آن تند وزیده، و آنچه را که می‌دانم یا آگاهی ندارم، و از آن بیم دارم و یا بیم ندارم، و پرهیز می‌نمایم و یا پرهیز نمی‌نمایم، و تمام آنچه را تو به آن آگاهی برطرف فرما. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و همّ و اندوهم را برطرف و غم را زایل، و حزن و اندوهم را تسلی داده، و آنچه را که دلم به واسطه‌ی آن تنگ گشته و صبر و شکیبایی‌ام به آخر رسیده، و بیچاره شده‌ام، و نیرویم ناتوان گردیده، و طاقتم عاجز گشته، و ضرورت و ناچاری هنگام بریدن آرزوها و نومید شدن امید از خلق، مرا به سوی تو باز گردانیده، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از آنها کفایت فرما، ای کسی که از هر چیز کفایت می‌نمایی، و هیچ چیز نمی‌تواند از تو کفایت کند، تمام چیزها را کفایت فرما تا اینکه هیچ چیز نماند، ای بزرگوار.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و حجّ خانه‌ی محترم خود و زیارت قبر پیامبرت (ﷺ) را همراه با توبه و پشیمانی روزی‌ام گردان. خداوندا، خود و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و برادرانم را به تو می‌سپارم، و از تو نسبت به هر چیز که مورد اهتمام من است و مرا به غم و اندوه و می‌دارد و یا نمی‌دارد طلب کفایت می‌نمایم. به [حق] برگزیده‌ات از مخلوقات [رسول اکرم (ﷺ)] که هیچ کس غیر تو نمی‌تواند بر او منت

گذارد، درخواست می‌نمایم. ای بزرگوار، سپاس خداوندی را که نماز [دیگری] را که بر مؤمنین نوشته و واجب معین و وقت دار بود، از ناحیه من برآورده ساخت.

کیفیت انجام سجده‌ی شکر بعد از نماز عشا

4 - بعد به حسب امکان و عنایت خداوند - جلّ جلاله - اگر خواستی، می‌توانی هم اینک سجده‌ی شکر را بجا آوری، و یا بعد از نماز و تیره و نافله‌ی نماز عشا. به هر حال در حال سجده بگو:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ أَنْتَ، انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَ مِنْكَ مِنْكَ، يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ، يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ [لَهُ]، يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ، 305 يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ [يَا: الْعَطَاءِ] إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا، يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا، [يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا]، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ]

- خداوندا، تنها تو تو، امیدم جز از تو، از تو، از تو بریده شده، ای بی‌همتا، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی غیر تو برای تو نیست؟ ای خدایی که بسیاری دعا جز بر بزرگواری و جود [یا: عطای] تو نمی‌افزاید، ای کسی که بسیاری دعا جز بر بزرگواری و بخشش تو نمی‌افزاید، [ای کسی که بسیار دعا کردن جز به کرم و بخشش تو نمی‌افزاید]، بر محمد و اهل بیت او درود فرست، بر محمد و اهل بیت او درود فرست، [بر محمد و اهل بیت او درود فرست].

و حاجت خویش را بخواه، بعد طرف راست صورت خود را بر زمین نهاده و مانند گفتار گذشته را بگو، بعد طرف چپ صورت خویش را بر زمین نهاده و مانند آن را بگو، سپس باز پیشانی‌ات را بر زمین گذارده و سجده بجا آور و مانند آن را بگو.

5 - و نیز از دعاهای بعد از نماز عشا برای درخواست وسعت روزی، دعایی است که عبید بن زرارة نقل می‌کند و می‌گوید: در محضر امام صادق (علیه السلام)

بودم که مردی از شیعیان و پیروانش از ناداری و تنگی روزی و اینکه در طلب روزی، شهرها را می‌گردد ولی جز بر فقر و ناداری او افزوده نمی‌گردد، شکایت و گله نمود. حضرت به او فرمود: هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی، به آرامی و تانی بگو:

اللَّهُمَّ، إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي، وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ [تَخْطُرُ] عَلَيَّ قَلْبِي، فَأَجُولُ فِي طَلْبِهِ الْبُلْدَانَ، فَأَنَا فِيهَا أَنَا طَالِبٌ [يَا: أَطْلُبُ] كَالْحَيْرَانِ، لَا أَذْرِي أَفَى سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ، أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ، أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ، وَ عَلَى يَدَيَّ مَنْ، وَ مِنْ قِبَلٍ مَنْ، وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ 306 عِنْدَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِبَيْدِكَ، وَ أَنْتَ الَّذِي تَقْسِمُهُ بِطُفِكَ، وَ تُسَبِّهُ بِرَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ يَا رَبِّ، رِزْقَكَ لِي وَاسِعاً، وَ مَطْلَبَهُ سَهْلاً، وَ مَأْخَذَهُ قَرِيباً، وَ لَا تُعْنِي بِطَلْبِ مَالٍ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقاً، فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي، وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ جُدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

- خداوندا، براستی که من آگاهی به محلّ روزی‌ام ندارم، و تنها به واسطه‌ی خاطره‌هایی که بر دلم [خطور می‌کنند] آن را جستجو می‌نمایم، و در طلب آن در شهرها و آبادیها می‌گردم، پس من در آنچه در طلب آن هستم همانند سرگشته و حیران هستم. نمی‌دانم آیا آن در دشت است یا در کوه یا، در زمین یا در آسمان، یا در خشکی یا در دریا، و بر دستان چه کسی است و از نزد کیست؟ ولی بی‌گمان می‌دانم که علم آن در نزد توست، و اسبابش به دست توست، و تویی که به لطف خویش آن را تقسیم می‌فرمایی، و به رحمت خود جفت و جور می‌نمایی، خداوندا، پس بر محمد و آل او درود فرست، و ای پروردگار من، روزی‌ات را بر من گسترده و جستجوی آن را آسان، و جایگاه گرفتنش را نزدیک گردان، و مرا به طلب آنچه که در آن برای من روزی مقدر نفرموده‌ای به رنج و مشقت نیانداز، زیرا تو از عذاب کردن من بی‌نیازی، و من به رحمت

نیازمندم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و به فضل خویش بر بندهات بخشش فرما، که تو صاحب فضل بزرگ می باشی.

عبید بن زرارۀ می گوید: اندک زمانی بر آن مرد نگذشت که فقر و ناداری اش برطرف شد، و توانگر گردید و حالش نیکو شد.

6 - و از جمله اموری که بر اساس روایات بعد از نماز عشا برای ایمنی گفته می شود، این است که در روایت آمده حضرت ابی جعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر، امام جواد (علیه السلام) می فرمود: هرکس بعد [یا: قبل] از نماز عشاء هفت بار سوره ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** را بخواند، تا صبح در ضمانت خداوند متعال خواهد بود.

7 - و از امور مهمّ این است که در آخر تعقیب نماز عشاء، دعای ابن خانبه را بخواند، که ما آن را بعد از تعقیب نماز ظهر برای جبران و اصلاح غفلتها و جنایات و گناهان قلبی که در نماز واقع می شود، یادآور شدیم.

فصل بیست و هفتم: کیفیت خواندن نماز فرج بعد از نماز عشا در روایتی آمده که عبدالرحمن بن کثیر می گوید: به امام صادق (علیه السلام) از ناراحتی و اندوه سختی که بدان گرفتار شده بودم، گله و شکایت نمودم. حضرت فرمود: ای عبدالرحمن، وقتی نماز عشا را خواندی، دو رکعت نماز بجا آور، سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و بگو:

يَا مُدِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ، وَمُعِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ، قَدْ وَحَقَّكَ، بَلَغَ بِي مَجْهُودِي.

- ای خوار کننده ی هر سرکش، و سرافراز کننده ی هر خوار و ذلیل، به حقّ تو سوگند، که حقیقتاً تاب و توانم به آخر رسیده است.

وی می گوید: بیش از سه شب آن را نگفته بودم که غم و اندوهم برطرف شد و فرج و گشایش برایم حاصل شد.

فصل بیست و هشتم: نمازهای دیگر بعد از نماز عشا

نماز جهت درخواست روزی از آن جمله دو رکعت نماز برای طلب روزی است، که در روایت آمده امام صادق (ع) فرمود: دو رکعت نماز بعد از نماز عشا را ترک نکنید، که موجب جلب روزی است. به این صورت که در رکعت اول سوره حمد و آیه الکرسی و سوره **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ**، و در رکعت دوم سوره حمد و سیزده بار سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را قرائت می‌کنی، و وقتی سلام نماز را گفتی، دستهایت را به سوی آسمان بلند کرده و می‌گویی:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُيُونُ وَلَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ، وَلَا تَصِفُهُ [يَا: لَا يَصِفُهُ] الْوَاصِفُونَ، يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الدُّهُورُ، وَلَا تُبْلِيهِ الْأَزْمِنَةُ، وَلَا تَحْلِيهِ الْأُمُورُ، يَا مَنْ لَا يَذُوقُ الْمَوْتَ، وَلَا يَخَافُ الْفَوْتَ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ، وَلَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا لَا يَنْقُصُكَ، وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ، وَأَفْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا.

- خداوندا، براستی که من از تو درخواست می‌نمایم، ای کسی که چشمها او را نمی‌بینند، و گمانها بر آن وارد نمی‌گردد، و توصیف کنندگان نمی‌توانند او را توصیف کنند، ای کسی که روزگارها او را دگرگون، و زمانها کهنه و پوسیده، و امور او به تحلیه نمی‌برند، ای کسی که مرگ را نمی‌چشی و از دست رفتن و فَوْتَ چیزی بیم نداری، ای کسی که گناهان ضرری به او نمی‌رساند و آمرزش چیزی را از او نمی‌کاهد، بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه را که از تو نمی‌کاهد بر من ببخش، و آنچه را که به تو آسیبی نمی‌رساند بر من بیامرز، و به من چنین و چنان کن.

و به جای این کلمات یعنی کذا و کذا حاجتت را ذکر می‌کنی. حضرت
(علیه السلام) فرمود: هرکس این نماز را بخواند، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او
بنا می‌نهد.

نماز دیگر بعد از نماز عشا

307

از دیگر نمازهای بعد از عشا، نمازی است که در روایت آمده پیامبر اکرم -
صلی الله علیه و آله و سلمو آله - فرمود: هرکس چهار رکعت نماز بعد از نماز عشا
بخواند، به این صورت که در دو رکعت اول سوره‌ی **قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ قُلْ هُوَ
اللَّهُ أَحَدٌ**، و در دو رکعت دوم سوره‌ی **تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَ أَلَمْ تَنْزِيلِ سَجْدَه**
را قرائت کند، مانند این است که چهار رکعت نماز در شب قدر بجا آورده باشد.

فصل بیست و نهم: آداب و تعقیبات نماز و تیره و نافله‌ی عشا

سوره‌هایی که در نماز و تیره قرائت می‌شود 1 - اسماعیل بن عبدالخالق بن عبدربه می‌گوید امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: پدر بزرگوارم همواره بعد از نماز عشا، دو رکعت نماز در حالت نشسته می‌خواند، و صد آیه در آن دو رکعت قرائت می‌نمود، و پیوسته می‌فرمود: هرکس این دو رکعت را بخواند، و صد آیه در آن تلاوت کند، از غافلان نوشته نمی‌شود.

وی می‌گوید: امام باقر (علیه‌السلام) در آن دو رکعت، سوره‌ی واقعه و اخلاص را قرائت می‌فرمودند.

در روایت دیگر پیرامون سوره‌هایی که در نماز و تیره قرائت می‌شود آمده است که حضرت ابی جعفر محمد بن علی امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: هرکس سوره‌ی مُلک را شب بخواند، به قرائت بسیار و پاکیزه عمل نموده، و از غافلان نخواهد بود، و من نیز بعد از نماز عشا آن دو را در حالت نشسته [در نافله عشا] می‌خوانم.

کیفیت نماز و تیره

کسی که می‌خواهد نماز و تیره و نافله‌ی نماز عشا بخواند، چهار زانو می‌نشیند و ابتدا به کیفیت‌ی که در رکعت اول نافله‌های ظهر یادآور شدیم، هفت تکبیر افتتاح و دعا‌های ما بین آنها را بجا آورده و توجه نموده، و سوره‌ی حمد را قرائت می‌کند، و بعد از حمد، یکی از دو سوره‌هایی را از بر اساس روایت یادآور شدیم برمی‌گزیند، و می‌خواند، و بعد تکبیر رکوع را گفته، و در حالت چهار زانو رکوع نموده، و بعد دو سجده را بجا می‌آورد، و وقتی از دو سجده فارغ شد باز چهار زانو می‌نشیند و سوره‌ی حمد و اخلاص را قرائت می‌نماید و دستش را بلند کرده و تکبیر گفته و با گزینش و خواندن برخی از دعا، قنوت بجامی آورد، سپس تکبیر گفته و رکوع و دو سجده را به صورتی که پیش از این بدان اشاره شد انجام می‌دهد، و بعد از دو سجده به همان صورت نشستن تشهد در نماز ظهر می‌نشیند، و به همان ترتیب تشهد بجا آورده، و سلام نماز و سه تکبیر مستحب بعد از نماز، و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می‌گوید.

تعقیب نماز و تیره

بعد از آن دعایی را که جدّ سعادت‌مند ابو جعفر طوسی - رضوان الله علیه -

ذکر نموده، می‌خواند. و آن دعا به این صورت است:

أَمْسِينَا وَ أَمْسَى الْحَمْدُ وَالْعِزَّةُ وَالْكَبْرِيَاءُ وَالْجَبْرُوتُ وَالْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالْجَلَالُ وَ
الْبَهَاءُ وَ التَّقْدِيسُ وَ التَّعْظِيمُ وَ التَّسْبِيحُ وَ التَّكْبِيرُ وَ التَّهْلِيلُ وَ التَّمْجِيدُ أَوْ التَّحْمِيدُ
[وَالسَّمَاخُ وَ الْجُودُ وَ الْكِرَامُ وَ الْمَجْدُ وَ الْمَنُّ وَ الْحَمْدُ وَ الْفَضْلُ وَ السَّعَةُ، وَالْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ،
وَ الْفَتْقُ وَ الرِّتْقُ، وَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَ الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ، وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ، وَ الْخَلْقُ جَمِيعاً
وَ الْأَمْرُ كُلُّهُ، وَ مَا سَمَّيْتُ وَ لَمْ أُسَمِّ، وَ مَا عَلِمْتُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ، وَ مَا كَانَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ،
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ وَنَحْنُ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَفَضْلٍ عَظِيمٍ،
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُوَلِّجُ
 اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَيُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ
 الْحَيِّ، وَيَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. اللَّهُمَّ، بِكَ نُنْسِي، وَ
 بِكَ نُصْبِحُ، وَبِكَ نَحْيِي، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَدُلَّ أَوْ
 أَذَلَّ، أَوْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ، يَا مُصْرَفَ الْقُلُوبِ
 وَالْأَبْصَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [يا: آله]، وَتَبَّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ
 رَسُولِكَ - عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ، لَا تُرْعِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
 رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

اللَّهُمَّ، إِنَّ لَكَ عَدُوًّا لَا يَأْلُو نِي خَبَالًا، حَرِيصًا عَلَى غَيِّ [يا: عَيْنِي]، بَصِيرًا بَعِيْبِي،
 يَرَانِي هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَأَرَاهُمْ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، [وَاعِدْ مِنْهُ أَنْفُسَنَا وَ
 أَهَالِينَا وَأَوْلَادَنَا وَإِخْوَانَنَا وَمَا أَغْلَقْتُ عَلَيْهِ أَبْوَابَنَا وَأَحَاطَتْ عَلَيْهِ دُورُنَا. اللَّهُمَّ، صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ]، وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ كَمَا حَرَّمْتَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ، وَبَاعِدْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ كَمَا
 بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَبَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَابْعَدْ مِنْ ذَلِكَ. اللَّهُمَّ، صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعِدْنِي مِنْهُ وَمِنْ هَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَفِتْنَتِهِ وَدَوَاهِيهِ وَغَوَائِلِهِ وَسِحْرِهِ
 وَنَفْتِهِ [يا: وَنَفْتَتِهِ، يا: فِتْنَتِهِ]. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعِدْنِي مِنْهُ فِي
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَفِي الْحَيَاةِ وَالْمَمَاتِ. بِاللَّهِ أَدْفَعُ مَا أُطِيقُ وَمَا لَا أُطِيقُ، وَمِنْ اللَّهِ
 الْقُوَّةُ وَالتَّوْفِيقُ، يَا مَنْ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَيسِّرْ
 لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ، فَإِنَّ تَيْسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَيْكَ يَسِيرٌ].

اللَّهُمَّ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَيَا مُعْتِقَ الرِّقَابِ، أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَبِيدُ، وَلَا تُغَيِّرُكَ
 الدُّهُورُ وَالْأَزْمَانُ، بَدَتْ قُدْرَتُكَ يَا إِلَهِي، وَلَمْ تُبْدِ هَيْئَةً [يا: هَيْئَتُهُ، يا: هَيْئَتِكَ] فَشَبَّهُوكَ
 يَا سَيِّدِي، وَاتَّخَذُوا بَعْضَ آيَاتِكَ [يا: أَسْمَائِكَ، يا: أَنْبِيَائِكَ] أَرْبَابًا، ثُمَّ لَمْ يَعْرِفُوكَ يَا
 إِلَهِي، وَأَنَا يَا إِلَهِي، بَرِيءٌ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الَّذِينَ بِالشُّبُهَاتِ طَلَبُوكَ، وَبَرِيءٌ
 إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ شَبَّهُوكَ وَجَهَلُوكَ يَا إِلَهِي، أَنَا بَرِيءٌ مِنَ الَّذِينَ بِصِفَاتِ عِبَادِكَ وَ

صَفُوكَ، بَلْ أَنَا بَرِيءٌ مِّنَ الَّذِينَ جَحَدُوكَ وَ لَمْ يَعْبُدُوكَ، وَأَنَا بَرِيءٌ مِّنَ الَّذِينَ فِي أفعالِهِمْ جَوْرُوكَ، يَا إِلَهِي، أَنَا بَرِيءٌ مِّنَ الَّذِينَ بَقَبَائِحِ أفعالِهِمْ نَحْلُوكَ، وَأَنَا بَرِيءٌ مِّنَ الَّذِينَ فِيما نَزَّهُوا عَنْهُ آبائَهُمْ وَأُمَّهاتِهِمْ ما نَزَّهُوكَ، وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ فِي مُخَالَفةِ نَبِيِّكَ وَ آلِهِ (عليهم السلام) خالَفُوكَ، أَنَا بَرِيءٌ مِّنَ الَّذِينَ فِي مُحارَبَةِ أوليائِكَ حارَبُوكَ، وَأَنَا بَرِيءٌ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ فِي مُعانَدَةِ آلِ نَبِيِّكَ (ﷺ) عاندُوكَ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ [عَرَفُوكَ فَوَحَّدُوكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ] لَمْ يُجَوِّرُوكَ وَ عَنِ ذلِكَ نَزَّهُوكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ فِي طاعةِ أوليائِكَ وَ أَصفيائِكَ أَطاعُوكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ فِي خلوَاتِهِمْ وَ فِي آناءِ اللَّيْلِ وَ أَطرافِ النَّهارِ راقِبُوكَ وَ عَبدُوكَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، بِكُما بِكُما.

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذا وَضِعَ عَلَيَّ مِغالِقِ أَبْوابِ السَّماءِ لِلانْفِتاحِ انْفَتَحَتْ. [وَ] أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذا وَضِعَ عَلَيَّ مِضايِقِ الأَرْضِ لِلانْفِراجِ انْفَرَجَتْ، [وَ] أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذا وَضِعَ عَلَيَّ البِأساءُ لِلتَّيسُّرِ [يا: لِلتَّيسُّرِ] تَيْسَّرَتْ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذا وَضِعَ عَلَيَّ القُبُورِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تُمَنِّ عَلَيَّ بِعِتْقِ رِقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ. اللَّهُمَّ، إِنِّي لَمْ أَعْمَلِ الحَسَنَةَ حَتَّى أُعْطِيتَنيها، وَلَمْ أَعْمَلِ السَّيِّئَةَ [يا: الحَسَنَةَ] حَتَّى أُعْلِمْتَنِيها [يا: عَلَّمْتَنِيها]، اللَّهُمَّ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ عُدْ عَلَيَّ عِلْمَكَ بِعِطائِكَ، وَ داوِ دائِي بِدوائِكَ، فَإِنَّ دائِي ذُنُوبِي القَبِيحَةَ، وَ دوائِكَ عَفْوكَ وَ حِلاوَةَ رَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تُفَضِّحَنِي بَيْنَ الجُمُوعِ بِسَريرَتِي، وَ أَنْ أَلقاكَ بِخِزْيِ عَمَلِي، وَ النَّدامَةَ بِخَطِيئَتِي، وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ تُظَهِّرَ سَيِّئاتِي عَلَيَّ حَسَناتِي، وَ أَنْ أُعْطِيَ كِتابِي بِشِمالي، فَيسُودَّ بِها وَجْهي. وَ يعسُرَ بِذلِكَ حِسابِي [يا: حَسَناتِي]، وَ تَرِلَّ [يا: فَتَرِلَّ] بِذلِكَ قَدَمِي، وَ يَكُونُ فِي مَواقِفِ الأَشْرارِ مَوقِفِي، وَ أَنْ أَصيرَ فِي الأَشْقياءِ المُعذِّبِينَ، حَيْثُ لا حَميمَ يُطاعُ، وَ لا رَحمةَ مِناكَ تُدارِكُنِي فَأَهْوى فِي مَهاوِي الغاوينِ. اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أعِزَّنِي مِنَ ذلِكَ كُلِّهِ.

اللَّهُمَّ، بِعِزَّتِكَ الْفَاهِرَةِ وَسُلْطَانِكَ الْعَظِيمِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَدِّلْ لِي الدُّنْيَا
 الْفَانِيَةَ بِالْآخِرَةِ الْبَاقِيَةِ، لَقِّنِي رَوْحَهَا وَرِيحَانَهَا وَسَلَامَهَا، وَاسْقِنِي مِنْ بَارِدِهَا، وَ
 أَظْلِنِي فِي ظِلِّهَا، وَزَوِّجْنِي مِنْ حُورِهَا، وَأَجْلِسْنِي عَلَى أَسْرَتِهَا، وَأَخْذِمْنِي وَلِدَانِهَا، وَ
 أَطِفْ عَلَيَّ غِلْمَانِهَا، وَاسْقِنِي مِنْ شَرَابِهَا، وَأُورِدْنِي أَنْهَارَهَا، وَاهْدِلِي ثِمَارَهَا، وَأِنُونِي [يا:
 وَأَقُونِي³⁰⁸ فِي كَرَامَتِهَا مُخَلِّدًا، لَأَخَوْفَ [عَلَيَّ] بِرُؤُوعُنِي، وَلَا نَصَبُ يَمَسُّنِي، وَلَا حُزْنٌ
 يَعْتَرِينِي [يا: يَغْتَرِينِي]، وَلَا هَمٌّ يُشْغِلُنِي، فَقَدْ رَضِيتُ ثَوَابَهَا، وَآمَنْتُ عِقَابَهَا، وَأَطْمَأْنَنْتُ
 فِي مَنَازِلِهَا، قَدْ جَعَلْتَهَا لِي مَلْجَأً، وَلِلنَّبِيِّ [يا: النَّبِيِّ] [صلى الله عليه وآله وسلم] رَفِيقًا،
 وَلِلْمُؤْمِنِينَ [يا: الْمُؤْمِنِينَ] أَصْحَابًا، وَلِلصَّالِحِينَ [يا: الصَّالِحِينَ] إِخْوَانًا، فِي عُرْفٍ فَوْقَ
 عُرْفٍ حَيْثُ الشَّرْفُ كُلُّ الشَّرْفِ.

اللَّهُمَّ، وَأَعُوذُ بِكَ مَعَاذَةَ مَنْ خَافَكَ، وَالْجَأُ إِلَيْكَ مَلْجَأً مَنْ هَرَبَ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ الَّتِي
 لِلْكَافِرِينَ أَعْدَدْتَهَا، وَلِلخَاطِئِينَ أَوْ قَدَّتْهَا، وَلِلْعَاوِينَ أُبْرَزْتَهَا، وَذَاتِ لَهَبٍ وَسَعِيرٍ وَشَهيقِ
 وَزَفِيرٍ وَشَرَرٍ كَأَنَّهُ جِمَالَاتٌ صُفْرٌ، وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ، أَنْ تَصَلِّيَ بِهَا وَجْهِي، أَوْ تَطْعِمَهَا
 لَحْمِي، أَوْ تُوقِدَهَا بَدَنِي، وَأَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي، مِنْ لَهيبِهَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ
 رَحْمَتَكَ لِي حِرْزًا مِنْ عَذَابِهَا، حَتَّى تُصَيِّرَنِي بِهَا فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، الَّذِينَ لَا يَسْمَعُونَ
 حَسِيسَهَا، وَهُمْ فِيمَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ.

اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْفَوْزِ
 بِالْجَنَّةِ، وَأَمُنْ عَلَيَّ فِي وَقْتِي هَذَا، وَفِي سَاعَتِي هَذِهِ، وَفِي كُلِّ أَمْرٍ شَفَعْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَ
 مَا لَمْ أَشْفَعْ إِلَيْكَ فِيهِ مِمَّا لِي فِيهِ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ، وَالصَّلَاحُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَعِنِّي
 عَلَى كُلِّ مَا سَأَلْتُكَ، أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ، وَإِنْ قُضِرَ دُعَائِي عَنْ حَاجَتِي، أَوْ كَلَّ عَنْ
 طَلِبِهَا لِسَانِي، فَلَا تُقْصِرْ بِي مِنْ جُودِكَ وَلَا مِنْ كَرَمِكَ. يَا سَيِّدِي، فَأَنْتَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ،
 اللَّهُمَّ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَفِّنِي مَا أَهْمَنِي وَمَا لَمْ يُهَمِّنِي، وَمَا حَضَرَنِي وَمَا غَابَ
 عَنِّي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ، وَهَذَا عَطَاؤُكَ وَمَنُكَ، وَهَذَا تَعْلِيمُكَ وَتَأْدِيبُكَ،
 وَهَذَا تَوْفِيقُكَ، وَهَذِهِ رَغْبَتِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَتِي، فَبِحَقِّكَ اللَّهُمَّ، عَلَيَّ مَنْ سَأَلَكَ، وَ
 بِحَقِّ ذِي الْحَقِّ عَلَيْكَ مِمَّنْ سَأَلَكَ، وَبِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ مَا تَشَاءُ، وَبِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

يا حَيُّ، يا قَيُّوْمُ، يا مُحْيِيَ الْمَوْتِ، يا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ الْقاَئِمُ على كُلِّ نَفْسٍ بما كَسَبَتْ،
اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ على مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ، وَّ اَنْ تُعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ، وَّ تَكَلِّمَنِي مِنَ الْعارِ، وَّ
تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرارِ، فَاِنَّكَ تُجِيبُ وَّ لا يُجارُ عَلَيْكَ.

اَللّهُمَّ، صَلِّ على مُحَمَّدٍ وَّ آلِ مُحَمَّدٍ، وَّ اَعِزَّنِي مِنَ سَطَوَاتِكَ، وَّ اَعِزَّنِي مِنَ سُوءِ
عُقُوْبَتِكَ، اَللّهُمَّ، ساقْتِنِي اِلَيْكَ ذُنُوْبِي، وَّ اَنْتَ تَرَحُّمُ مَنْ يَتُوْبُ، فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ وَّ آلِهِ،
وَ اغْفِرْ لِي جُرْمِي، وَّ ارْحَمْ عِبْرَتِي، وَّ اَجِبْ دَعْوَتِي، وَّ اَقِلْ عَثْرَتِي، وَّ اَمُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ،
وَ اجِرْنِي مِنَ النَّارِ، وَّ زَوِّجْنِي مِنَ الْحُوْرِ الْعِيْنِ، وَّ اَعْطِنِي مِنْ فَضْلِكَ، فَاِنِّي بِكَ اِلَيْكَ
اَتُوْسَلُّ، فَصَلِّ على مُحَمَّدٍ وَّ آلِهِ، وَّ اَقْلِبْنِي مَوْفُوْرَ الْعَمَلِ بِغُفْرانِ الزَّلَلِ بِقُدْرَتِكَ، وَّ لا تُهِنْنِي
فَاهُونَ على خَلْقِكَ، وَّ صَلِّ على مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَّ آلِهِ الطَّاهِرِيْنَ، وَّ سَلِّمْ تَسْلِيْمًا.

- شب کردیم در حالی که حمد و عظمت و کبریاء و تسلط و بردباری و
دانش و جلال و حُسن و زیبایی و تقدیس و تعظیم و تسبیح و تکبیر و تهلیل و
تمجید [و تحمید] و سخاوت و جود و بزرگواری و بزرگی و بخشش و حمد و
فضل و گستردگی و حول و قوه و قدرت و شکافتن و به هم آوردن و بستن، و
شب و روز، و تاریکیها و روشنایی، و دنیا و آخرت، و همه‌ی مخلوقات و تمام
[عالم] امر و آنچه که نام بردم و آنچه نام نبردم، و آنچه که می‌دانم و آنچه که
نمی‌دانم، و آنچه که بوده و آنچه که هست، برای خداوند، پروردگار عالمیان شب
نمودند.

سپاس خدایی را که روز را برد و شب را آورد، در حالی که ما در نعمت و
عافیت و فضل بزرگ او قرار داریم، ستایش خداوندی را که تمام آنچه در شب
و روز آرام گرفته برای اوست و او شنوای آگاه است. سپاس خدایی را که شب
را در روز، و روز را در شب وارد نموده، و زنده را از مرده، و مرده را از زنده
بیرون آورد، و هرکس را که بخواهد بدون حساب و شماره، روزی می‌دهد، و
هم او به آنچه در دلهاست آگاه است. خداوندا، به تو شب نمودیم، و به تو صبح

نمودیم، و به تو زنده‌ایم و به تو می‌میریم، و بازگشت [همه‌ی موجودات] به سوی توست. خداوندا، به تو پناه می‌برم از اینکه خوارگردم یا دیگری را خوار نمایم، یا گمراه‌گردم و یا دیگری را گمراه نمایم، یا ستم‌کنم یا مورد ستم دیگری قرار گیرم، یا عمل جاهلانه انجام دهم و یا دیگری مرا نسبت به من عمل نابخردانه انجام دهد [و یا دیگری مرا به جهل و نادانی نسبت دهد]. ای گرداننده و زیر و رو کننده‌ی دلها و دیدگان، بر محمد و آل او درود فرست، و قلبم را بر طاعتت و اطاعت از رسالت - که سلام بر او و خاندان او باد، - استوار گردان، خداوندا، بعد از هدایت دل‌هایمان آنها را منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به ما ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده‌ای.

خداوندا، تو دشمنی داری که از هیچ تباهی و هلاکت و کاستی من کوتاه نمی‌آید، و شدیداً متمایل به گمراه کردن [یا: چشم زخم زدن به] من است، عیب‌هایم را می‌داند، و او و گروه او از آنجا که من نمی‌بینم، مرا می‌بینند. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست [و خودمان و خانواده‌ها و بستگان و فرزندان و برادرانمان و تمام آنچه که درهای خانه‌هایمان را به روی آن بسته‌ایم و خانه‌هایمان آنها را فراگرفته از شر او پناه ده. خدایا، بر محمد و آل او درود فرست] و چنانکه بهشت را بر او حرام فرموده‌ای، ما را بر او حرام فرما، و میان ما و او دوری افکن، چنانکه بین مشرق و مغرب و بین آسمان و زمین دوری افکنده‌ای و دورتر از اینها. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از وسوسه و عیبجویی و آشوب‌گری و گرفتاریهایش و تباهیها و جادو دمیدنش [یا: فتنه و آشوب او] در پناه خویش درآور، خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از او در دنیا و آخرت، و در مردن و زندگانی در پناه خویش درآور. تنها به خدا دفع می‌کنم آنچه را که توان آن را دارم و یا ندارم، و قدرت و

توفیق تنها از ناحیه‌ی خداست، ای خدایی که آسان نمودن مشکل بر تو آسان است، [یر محمد و آل او درود فرست، و آنچه را که از مشکل بودن آن می‌هراسم بر من آسان گردان، زیرا آسان نمودن امور مشکل بر تو راحت است.] خداوندا، ای پروردگار پروردگاران، و ای آزاد کننده‌ی بردگان، تویی خداوندی که همواره بوده‌ای و نابود نمی‌گرددی، و روزگار و زمانها تو را دگرگون نمی‌سازد، قدرتت آشکار گشته، ای معبود من، و چگونگی [با چگونگی‌ات] برای آنان آشکار نگشته، لذا تو را ای سرور من، [به مخلوقات] تشبیه نموده‌اند، و برخی از نشانه‌های روشنات [یا: اسماء و کمالات، و یا پیامبرانت] را به پروردگاری و خدایی گرفته‌اند، آنگاه ای معبود من، تو را شناخته‌اند، و ای معبود من، من در این شب از کسانی که تو را با شبهات جستجو می‌کنند بی‌زاری می‌جویم، و از کسانی که تو را [به مخلوقات] تشبیه نموده و نسبت به تو جاهل هستند، بی‌زاری می‌جویم ای معبود من، من از کسانی که تو را به صفات بندگانت توصیف نموده‌اند بی‌زاری می‌جویم، بلکه از کسانی که منکر تو شده و تو را نپرستیده‌اند، بی‌زاری می‌جویم، و از کسانی که نسبت جور و ستم در افعالت به تو می‌دهند، بی‌زاری می‌جویم، و از کسانی که پدران و مادرانشان را از اموری منزّه می‌دانند، که تو را از آنها منزّه نمی‌دانند، بی‌زاری می‌جویم، و از کسانی که با مخالفت کردن با پیامبر و آل او (علیهم‌السلام)، با تو مخالفت نمودند، بی‌زاری می‌جویم، من از کسانی که با دشمنی کردن و جنگیدن با دوستانت، با تو جنگیدند بی‌زاری می‌جویم، و از کسانی که با دشمنی خاندان پیامبرت (ﷺ) با تو ستیز و دشمنی نمودند بی‌زاری می‌جویم. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از کسانی قرار ده که [تو را شناخته و به یگانگی خوانده‌اند، و از کسانی قرار ده] که نسبت جور

و ستم به تو روا نداشتند، و از همه اینها تو را پاک و منزّه داشتند، و از کسانی قرار ده که با اطاعت از دوستان و برگزیدگان از تو اطاعت نمودند، و از کسانی قرار ده که در خلوتها و در اوقات و لحظات شب و آغاز و پایان [و تمام لحظات] روز مراقب تو بوده و تو را عبادت کردند، ای محمد، ای علی، به شما دو بزرگوار، به شما دو بزرگوار [توسّل می‌جویم]. خداوندا، در این شب، به آن اسم تو که هرگاه برای گشوده شدن کلیدهای بسته‌ی درهای آسمان بر آنها گذاشته شود، بازمی‌گردد، مسألت دارم، [و] به آن اسم تو که هرگاه بر شکافته شدن تنگیهای زمین بر آنها گذاشته شود، شکافته می‌شود، و به آن اسم تو که هرگاه بر آسان گردیدن مشکل و سختی بر آن نهاده شود، آسان می‌گردد، و به آن اسم تو که هرگاه برای بیرون آمدن و زنده شدن مردگان بر قبرها نهاده شود، قبرها شکافته شده و مردگان برانگیخته می‌گردند، مسئلت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و با آزاد کردن من از آتش جهنّم در این شب بر من منت نهی، خدایا، من عمل نیکی انجام ندادم مگر اینکه تو آن را به من عطا فرمودی، و عمل بدی انجام [یا: نیکی] ندادم مگر اینکه تو آن را به من آموختی، خداوندا، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و علم و آگاهی‌ات را به خاطر عطا و بخشش به من ارزانی دار، و دردم را درمان فرما، که درد من گناهان زشت، و دواي آن عفو و گذشت و شیرینی رحمت توست. خداوندا، به تو پناه می‌برم از اینکه مرا در میان گروهها [ی مردم در روز قیامت] به واسطه [آشکار ساختن] باطنم رسوایم سازی، و با رسوایی عمل و پشیمانی به واسطه‌ی گناهم با تو ملاقات نمایم، و به تو پناه می‌برم از اینکه بدبهايم را بر کارهای نیکم غالب کنی، و نامه‌ی عملم به دست چپم داده شود، و در نتیجه رویم سیاه گردیده و به واسطه‌ی آن حساب کشی از من [یا: کارهای نیکم] سخت گردد، و به جهت آن

گامم بلغزد، و جایگاهم در میان جایگاه اشرار و بدان باشد، و در میان بدبختانی که عذاب می‌شوند قرار گیرم، آنجا که نه دوستی است که اطاعت شود [و کسی درباره‌ی رهایی من به سخن او گوش کند]، و نه رحمتی از جانب تو که مرا دریابد، تا اینکه مبادا در درّه‌های گمراهان سقوط کنم. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از همه‌ی اینها پناه ده.

خداوندا، به عزت چیره و فرمانروای بزرگت بر محمد و آل او درود فرست، و دنیای فانی را برای من به خانه‌ی آخرت پایدار مبدل فرما، و با نسیم [و یا: رحمت] و بوی خوش و سلامتی آن از من استقبال فرما، و از آب خنک آن سیرابمان نما، و در سایه‌های آن قرار ده، و و حور و زنان سیاه و درشت چشم بهستی را به ازدواجمان درآور، و بر تختهایش بنشمانمان، و بچه‌های بهستی را خدمتکاران قرار ده، و نوجوانان آن را بر دور ما بگردان، و از نوشیدن و شراب آن سیرابمان فرما، و در جویهای بهستی داخل، و [شاخه‌های] میوه‌های بهستی را برای ما آویزان [و از آن بهره‌مند] بگردان، و در کرامت بهستی به صورت جاودانی محفوظ بدار [یا: نیرومند گردان]، به گونه‌ای که هیچ بیمی مرا هراسناک ننموده، و هیچ رنج و سختی به من نرسد، و هیچ اندوهی برایم پیش نیاید، و هیچ هم و غمی مشغولم نسازد، در حالی که به ثواب بهشت خشنود، و از عذاب آن ایمن، و در منزلهایش آرام بگیرم، در حالی که آن را پناهگاه من، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رفیق و همدم، و مؤمنان را یاران، و شایستگان را برادرانم قرار داده‌ای، در طبقات بالای خانه‌های بهستی، در جایگاه شرافت و برتری کامل قرار گیرم.

خداوندا، و همانند کسی که از تو بیم دارد به تو پناه می‌برم، و بدان کسی که از آتشی که برای کافران آماده نموده، و برای گناهکاران شعله‌ور ساخته، و برای

گمراهان آشکار فرموده‌ای، آتشی که دارای زبانه و شعله و صدای بلند و آتشپاره‌هایی بسان شترهای زرد رنگ دارد، به سوی تو می‌گریزم. و به تو پناه می‌برم ای خدا، از اینکه روی مرا به [آتش] آن بسوزانی، یا گوشتم را به آن بخورانی، یا بدنم را به آن شعله‌ور سازی، و به تو پناه می‌برم ای معبود من، از سوزش آن، پس بر محمد و آل او درود فرست، و رحمت خود را پناهگاه و محافظ من از عذاب آن قرار ده، تا اینکه به واسطه‌ی آن مرا در میان بندگان شایسته که حتی صدای حرکت آن را نمی‌شنوند، و جاودانه در دلبخواه خویش هستند، قرار دهی.

خداوند، بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه را که از تو درباره‌ی امر دنیا و آخرت درخواست نمودم همراه با راه یابی به بهشت برای من انجام ده. و در این همین وقت و همین ساعت و لحظه، و در تمام اموری که تو را واسطه قرار دادم، و یا واسطه قرار ندادم، و مایه‌ی نجات من از آتش و به صلاح من در دنیا و آخرت است، بر من منت نه، و مرا بر تمام آنچه که درخواست نمودم منت نهاده و یاری بخش. خداوندا، و اگر دعایم از حاجتم کوتاه یا زبانم از درخواست آن درمانده است، بخشش و بزرگواری‌ات را بر من کوتاه مفرما، ای آقای من، زیرا تو دارای فضل بزرگ هستی، خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و تمام اموری را که مرا به غم و غصه واداشته و یا نداشته [و مورد اهتمام من است و یا نیست] و در ذهن من حاضر است و یا حاضر نیست، و آنچه که تو به آن از من آگاهتری، کفایت فرما خداوندا، و این دعا نیز عطای تو و از ناحیه‌ی توست، و این به آموختن و تأدیب توست، و این به توفیق توست، و این حاجت و اظهار میل و رغبت من به سوی توست، پس به حق خود خداوندا، بر تمام کسانی که از تو درخواست نمودند، و به حق هر صاحب حقی

بر تو از کسانی که از تو درخواست نمودند، و به قدرتت بر هر چه خواهی، و به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، ای زنده، ای قیوم [و برپا دارنده‌ی همه‌ی مخلوقات] ای زنده کننده‌ی مردگان، ای کسی که معبودی جز تو نیست، و هر چه را که نفسها انجام می‌دهند به تو برپاست، از تو درخواست می‌نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از آتش جهنّم آزاد فرموده، و از ننگ نگاه داشته، و با ابرار و نیکان داخل بهشت بگردانی. زیرا تو پناه می‌دهی و کسی نمی‌تواند دیگری را علیه تو به پناه خود درآورد.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از تاختن‌ها و باخشم و چیرگی گرفتن‌ها و از عاقبت بد آن در پناه خویش درآور. خداوندا، گناهانم مرا به سوی تو رانده، و تو به هرکس که توبه نماید رحم می‌آوری، پس بر محمد و آل او درود فرست و جرم مرا ببامرز، و بر اشک چشمم رحم آر، و دعایم را اجابت فرما، و لغزشم را نادیده بگیر، و بهشت بر من ارزانی دار، و از آتش جهنّم در پناه خویش درآور، و حورعین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را به ازدواج من درآور، و از فضل خویش به من ارزانی دار، زیرا من به واسطه‌ی قرار دادن تو به سوی تو متوسّل شده‌ام، پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا همراه با عمل فراوان، به واسطه آمرزیدن لغزشهایم به قدرتت برگردان، و مرا خوارمکن، تا مبادا در نزد مردم خوار گردم، و بر حضرت محمد پیامبر اکرم و خاندان پاکیزه او درود و رحمت و سلامتی و امنیت ویژه بفرست.

304) به جای این لفظ در برخی از نسخه‌ها «صَبِيحَتِي آمده است که ظاهراً درست نیست.

305) در برخی از نسخه‌ها اینجا اشتباه است که اصلاح شد.

306) در برخی از نسخه‌ها به جای این کلمه اشتباهاً عَلْمِيهِ آمده است.

307) بر خلاف عبارت عنوان اصلی فصل در اینجا و مقدمه کتاب، که نمازها آمده است، تنها یک نماز در اینجا ذکر شده است، لذا احتمال دارد که یا عنوان فصل نیز یک نماز بوده و در کتابت به جای الصَّلوة، الصَّلوات نوشته شده باشد، و یا مؤلف بزرگوار می‌خواسته نمازهای را ذکر نماید، ولی تنها به یکی بسنده نموده است.

308) در برخی از نسخه‌ها نیز به جای این کلمه، آتونی آمده است که ظاهراً درست نیست.

فصل سی‌ام: نمونه‌ای از حالات معصومین (علیهم‌السلام) در شب و اعمال و آداب پیش از خواب پرهیز از گناه

در شب ای کسی که ادعا می‌کنی مسلمان هستی، و کتاب خدا و رسول او را تصدیق نموده، و باور داری که ملائکه‌ای بر تو گمارده شده که هرچه را که انجام می‌دهی و می‌گویی می‌نویسند، و خداوند - جلّ جلاله - از پشت سر آنان، بر تمام آنچه که بر فرشتگان نگاهبان اعمال آشکار و پنهان است مراقب بوده و آگاهی و اشرف دارد، و تاریکی شب نمی‌تواند چیزی را از او - سبحانه - بپوشاند، و نیز باور داری که خداوند همنشین بندگان خویش است، و هر عملی را که انجام می‌دهند می‌بیند، اگر همان گونه که ادعا می‌کنی به این امور اعتقاد داری، مبادا تاریکی شب را غنیمت شمرده و مهیای رهسپار شدن در راههای هلاکت بار سوء ادب گردی، [یا: همچنان در راههای هلاکت بار سوء ادب رهسپار شوی].

زیرا اگر در خودداری کردن از عمل، میان عمل شب و روز فرق بگذاری، بدان که مسلماً بنی آدم و مردم را می‌پرستی، یا احترام آنها در نزد تو بیشتر از خداوندی که مالک و جبار و قهار و آگاه از اسرار است، می‌باشد. لذا وقتی شب تو را از دید آنان می‌پوشاند، مولایی که همواره تو را می‌بیند، در نزدت کوچک و بی‌ارزش می‌گردد. اگر چنین هستی، و خود را عاقل می‌دانی، چگونه خود را مسلمان می‌شماری؟ و به حکم کدام عقل و دل امید سلامتی در روز حساب را می‌داری؟ آیا نشنیده‌ای که خداوندی - جلّ جلاله - به صراحتی که تأویل بردار نیست، تصریح می‌نماید که - با وجود خیانتی که داری، و [اعمال] خویش را

مردم پنهان می‌داری، ولی از آن مقام بزرگ و والا پنهان نمی‌کنی - مثل تو را دوست نمی‌دارد، آنجا که می‌فرماید:

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَانًا أَثِيمًا،
يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ، وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ، وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ،
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا. ها، اَنْتُمْ هُوَلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، فَمَنْ
يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟³⁰⁹

- و در دفاع از کسانی که در اندیشه‌ی خیانت به خویش هستند، مجادله ممکن، [زیرا] براستی که خداوند هرکس را که بسیار خیانت کننده و گناهکار باشد دوست نمی‌دارد، آنان [اعمال] خود را از مردم پنهان می‌دارند، ولی از خدا پنهان نمی‌کنند، در حالی که او همراه با آنهاست، هنگامی که شب را با گفتاری که خداوند از آن ناخشنود است، به سر می‌آورند، و خداوند به اعمالی که انجام می‌دهید احاطه دارد، هان، شما در زندگانی دنیا در دفاع از آنان مجادله می‌کنید، پس در روز قیامت چه کسی در دفاع از آنها با خدا مجادله خواهد نمود؟

ای بنده‌ی بیچاره، مگر ممکن است خداوند - جلّ جلاله - تو را دوست نداشته باشد و تو مسلمان باشی؟ پس در بهبودی بیماری‌های دل و دین خود تأمل نما، که درد و بیماری‌ات بزرگ و پنهان است، و نیز بیاندهی که چرا هدایت پذیر نگشته و به کسانی که می‌گویی به انوارشان رهنمونم، و از راه و روش آنان پیروی می‌نمایم اقتدا نمی‌نمایی، و نیز نظر کن ببین حالات و اوصاف آنان در شب - که تو آن را با غنیمت شمردن غفلت‌ها و در راهی شدن در طلب شهوت‌های خویش، مانند چهارپایی که لزوم تکلیف از آنها برداشته شده، ضایع می‌کنی - چگونه بوده است؟

نمونه‌ای از حالات معصومین (علیهم‌السلام) در شب بیداری پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و گروهی از مؤمنان

1 - از آن طبرسی در کتاب تفسیر خود در تفسیر فرمایش خداوند متعال که

می‌فرماید:

قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ³¹⁰

- شب را [برای انجام عبادت] برخیز، جز اندکی از آن را، نصف آن...

روایت نموده که: پیامبر اکرم (ﷺ) و گروهی از مؤمنان، از ترس اینکه مبدا اندازه‌ی بین نصف و یک سوّم و دو سوّم شب را³¹¹ رعایت نکنند، تا صبح به عبادت مشغول می‌شدند تا اینکه خداوند بر آنان تخفیف داد. و فاصله‌ی بین این تکلیف و تخفیف آن ده سال بود.³¹²

حدیث فوق را ابومحمد جعفر بن احمد بن علی قمی نیز در کتاب الْمُنبِئُ عَنْ زُهْدِ النَّبِيِّ (ﷺ) به طور مشروح ذکر نموده است.

نمونه‌ای از شب بیداری و حالات امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

2 - روایت شده که: مولایمان علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) پیوسته تمام شب را نماز می‌خواند، و ساعت به ساعت بیرون می‌آمد و به آسمان می‌نگریست و قرآن تلاوت می‌نمود.

نوف می‌گوید: شبی حضرت بعد از گذشت پاسی از شب³¹³ از کنار من گذشت و فرمود: ای نوف، آیا خوابیده‌ای یا بیداری؟ عرض کردم: بیدار هستم، و مراقب شما هستم. سپس حضرت (ﷺ) فرمود: ای نوف، خوشا به حال کسانی که نسبت به دنیا زاهد و بی‌میل، و به آخرت رغبت دارند. آنان که وقتی تاریکی شب ایشان را فرا می‌گیرد، زمین را به عنوان فرش و زیرانداز، و خاک آن را به عنوان رختخواب، و آب آن را به عنوان عطر، و قرآن را به عنوان روپوش، و دین³¹⁴ را به عنوان زیرپوش خویش برگزیده، و دنیا را بر اساس شیوه‌ی حضرت مسیح عیسی بن مریم - ﷺ - رها کرده‌اند.

3 - همچنین در روایت آمده که حبه عرنی می‌گوید: وقتی من و نوف در محوطه‌ی مسجد [یا: کاخ حکومتی] خوابیده بودیم، که ناگهان در اواخر شب امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را دیدیم که مانند شخص واله و سرگشته دست خویش را بر دیوار گذاشته و این آیه را تا آخر تلاوت می‌فرمود که:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ³¹⁵

- براستی که در آفرینش آسمانها و زمین...

وی می‌گوید: حضرت این آیات³¹⁶ را می‌خواند و بسان شخص عقل پریده می‌گذشت. تا اینکه فرمود: ای حبه، آیا خوابیده‌ای یا بیداری، عرض کردم: بیدارم. شما که چنین می‌کنید، پس ما چگونه باید باشیم؟ چشمانش پر از اشک شد و گریست. و سپس فرمود: ای حبه، خداوند را مقامی است، و ما را در پیشگاه او جایگاهی است، که هیچ کدام از اعمال ما بر او پوشیده نیست. ای حبه، خداوند نسبت به تو و من از رشته‌ی رگ گردان نزدیکتر است. ای حبه، هیچ چیز نمی‌تواند من و تو را از دید خداوند پنهان دارد.

سپس فرمود: ای نوف، آیا خوابیده‌ای؟ نوف که خوابیده بود از خواب بیدار شد و عرض کرد: نه خیر، یا امیرالمؤمنین، بیدار نیستم، امشب بسیار گریستم. حضرت فرمود: ای نوف، اگر در این شب از خوف خداوند - عزوجل - بسیار گریستی، فردای قیامت در پیشگاه خداوند - عزوجل - چشمانت روشن خواهد شد. ای نوف، هیچ قطره‌ای از چشم انسان به خاطر ترس از عظمت خدا به زمین نمی‌ریزد، مگر اینکه دریاهاى آتش جهنم را خاموش می‌سازد. ای نوف، هیچ کس مقام و منزلتش بزرگتر و والاتر از کسی که از ترس از عظمت خدا بگریزد، و در راه خشنودی خدا دوست و یا دشمن ندارد، وجود ندارد. ای نوف، هرکس در راه خرسندی خدا دوست ندارد، هیچ کس را بر محبت او مقدم نخواهد

داشت، و هرکس در راه خشنودی خدا دشمن بدارد، خیری به دشمنان خویش نمی‌رساند. اینجاست که به حقایق ایمان کاملاً نایل خواهید شد.

سپس حضرت آن دو را پند و اندرز داد و موعظه نمود و در اواخر گفتارش فرمود: پس از خداوند بیم داشته و بپرهیزید، که من شما را بیم دادم. سپس در حال عبور می‌فرمود: خداوندا ای کاش می‌دانستم که در حال غفلت‌هایم آیا از من روی گردانی، یا به من می‌نگری؟ و ای کاش می‌دانستم که در خواب طولانی و شکر و سپاس اندکم در برابر نعمتهایت، حالم چگونه است؟

حبه می‌گوید: به خدا سوگند، حضرت پیوسته بر این حال بود، تا اینکه سپیده دم طلوع کرد.

4 - از دیگر صفات مولایمان علیؑ در شب مطالبی است که نوف برای معاویه بن ابی سفیان ذکر نمود که: در هیچ شبی برای حضرتش رختخواب پهن نشد، و هرگز در شدت گرما و روزهای بسیار گرم غذا میل ننمود؛ زیرا روزه بودند.

و نیز نوف گفت: گواهی می‌دهم، که براستی آن بزرگوار را در حالی که شب پرده‌های تاریکی خود را افکنده بود، و ستارگان غروب کرده بودند، دیدم که ایستاده و محاسن شریف خویش را با دست گرفته و همانند مار گزیده [ویا شخصی که سخت مجروح باشد] به خود می‌پیچید و بسان شخص اندوهناک [و مصیبت زده] گریه می‌نماید.

این حدیث، مشهور و معروف است، و می‌ترسیم که تو ای بنده، به خاطر تطویل، از اموری که موجب قرب تو نسبت به خداوندی که مالک برانگیخته نمودن مردگان است، خسته و ملول گردی. لذا از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

اشکال و جواب، و حالات شیعیان واقعی در شب

مبادا سخن کسی را قبول کنی که می‌گوید: این، تکلیف ابرار و بزرگان است، و ما در بندگی و کوشش در عبادات به پیروی از ایشان مکلف نیستیم.

اگر ترس آن را نداشتم که به واسطه‌ی نقل کلام خداوند - عزوجل - و ویژگیان درگاهش، به ستوه بیایی و رنجیده شوی، و در نتیجه به جهت کراهت داشتن از اموری که تو را به محبت الهی نزدیک می‌گرداند، به هلاکت مبتلا گردی، مسلماً صفات پاکیزه‌ی شیعیان و پیروان واقعی آن بزرگواران را به طور مفصل برای تو بیان نموده، و آیات بسیار را ذکر روایات فراوانی را نقل می‌کردم، ولی اینک تنها یک حدیث را می‌آورم، که برای هرکس که دلش حافظ حقایق باشد کافی است:

ابی المقدم می‌گوید: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: ای ابا المقدم، شیعیان و پیروان علی (علیه السلام) تنها کسانی هستند که رنگ پریده [و یا: لاغر]، و بدنهایشان آب رفته و خشکیده، و لبانشان [از بسیار ذکر گفتن] خشکیده، شکمهایشان تو رفته، رنگهایشان پریده و چهره‌هایشان زرد باشد. و هنگامی که تاریکی شب آنان را فرا می‌گیرد، زمین را به عنوان رختخواب برگزیده، و با پیشانی‌هایشان به زمین روی آورده و سجده می‌کنند. سجده‌هایشان زیاد و طولانی، و اشکهایشان فراوان، و دعایشان بسیار، و گریستنشان بسیار است، مردم شادمانند و ایشان نگران.

نمونه‌ای از حالات امام حسن (علیه السلام)

5 - در حدیث است که مولایمان امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدر بزرگوارم به نقل از پدرش (علیه السلام) فرمود: حسن بن علی (علیه السلام) عابدترین و زاهدترین و برترین مردم در زمان خویش بود، و وقتی حجّ بجا می‌آورد، پیاده حجّ می‌نمود، و چه بسا پا برهنه می‌رفت، و هنگامی که از مرگ یاد می‌نمود³¹⁷ می‌گریست، و هرگاه از قبر یاد می‌فرمود گریه می‌نمود، و هنگامی که از برانگیخته و زنده شدن مردگان در قیامت یاد می‌کرد می‌گریست، و وقتی گذشتن از [بیل] صراط را یاد می‌نمود گریه می‌کرد، و هرگاه عرضه شدن بر خداوند را به یاد می‌آورد با صدای بلند فریاد برآورده و به واسطه‌ی آن بی‌هوش می‌گردید، و هرگاه به نماز می‌ایستاد در پیشگاه پروردگارش - عزوجل - فرایص³¹⁸ آن بزرگوار می‌لرزید، و وقتی از بهشت و آتش جهنم یاد می‌کرد، بسان شخص مار گزیده [ویا: شخصی که سخت مجروح باشد] به خود می‌پیچید، و از خداوند بهشت را درخواست نموده و از آتش جهنم به خدا پناه می‌برد، و همواره پس از قرائت آیه‌ای از کتاب خدا که در آن **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا،** بود، می‌فرمود: **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ، لَبَّيْكَ:**

(آری، خداوندا، آری.)، و در هیچ حالی دیده نشد مگر اینکه به یاد خداوند سبحان مشغول بود، و صادق‌ترین مردم از لحاظ و گویش، و شیوا و رساترین آنان از لحاظ گفتار بود. (روایت طولانی است)

کثرت عبادت امام حسین و امام زین العابدین (علیه السلام) 6 - باز مطلبی ذکر شده که به علی بن الحسین (علیه السلام) عرض شد: چقدر فرزندانِ پدرت کم است؟ حضرت فرمود: جای شگفت است که چگونه فرزند دار شده، زیرا آن بزرگوار

در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می‌خواند، پس کی برای نزدیکی با همسر فراغت پیدا می‌کرد؟

حدیث هزار رکعت نماز خواندن، درباره‌ی خود امام زین العابدین (علیه السلام) نیز روایت شده است.

حالت امام صادق (علیه السلام) در حال کتبیگ گفتن

7 - منقول است که مالک بن انس فقیه مدینه گفت: به خدمت جعفر بن محمد (علیه السلام) وارد می‌شدم، و آن بزرگوار برای من بالش پیش می‌آورد و از من تعظیم می‌نمود و می‌فرمود: ای مالک، براستی که من تو را دوست می‌دارم، و من از این شادمان می‌شدم و حمد و ستایش خدا را بجا می‌آوردم. وی می‌گوید: حضرت (علیه السلام) همواره از یکی از سه خصلت خالی نبود: یا روزه بود، و یا در حال قیام برای خواندن نماز و عبادت، و یا در حال ذکر خدا، و آن بزرگوار از عبادت کنندگان و زاهدان بزرگ، و از عظمت خداوند - عزوجل - خوف داشت، و با همنشینان خود بسیار سخن می‌گفت و خوش مجلس و پُرفائده بود. هرگاه می‌گفت: رسول الله (ﷺ) فرمود گاه رنگش سبز و گاه زرد می‌شد، و چنان چهره‌ی حضرت متغیّر می‌شد که هرکس او را می‌شناخت، گویی در آن حال او را نمی‌شناسد. یک سال همراه با او حجّ بجا آوردم، هنگامی که شترش در جایگاه بستن احرام ایستاد، هربار که می‌خواست **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ، لَبَّيْكَ**: (آری، خداوندا، آری.) بگوید، صدایش در گلوش قطع می‌شد، و نزدیک بود که از شترش به زمین بیافتد، به او عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، از گفتن آن ناگزیری فرمود: ای پسر ابی عامر، چگونه جسارت کنم و **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ، لَبَّيْكَ** بگویم، در حالی که می‌ترسم خداوند عزوجل بفرماید: **لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ**. [

ناگفته نماند: که ما در کتاب **تَقْرِيبُ السَّالِكِ إِلَى خِدْمَةِ الْمَالِكِ** نیز گوشه‌ای از صفات مقتدایان معصومین (علیهم السلام) بر این شیوه‌ی از کوشش بسیار و زیبا در عبادت خداوند بوده‌اند، چه آنان که ذکر نمودم، و چه کسانی را که ذکر نمودم، یاد کرده‌ام.

کمترین عمل در شب اینک می‌گویم: اگر توفیق پیمودن این راه با بهره‌گیری از مرکب شب برای تو میسر شد، همان گونه باش که مولایمان علی بن ابی طالب (علیه السلام) بیان فرموده، و معرفت به مولایی که در پیشگاهش قرار داری، اقتضا می‌کند. که آن بزرگوار (علیه السلام) فرمود: اگر از انجام کار خیر ناتوان گشتی، از انجام دادن کار شرع عاجز باش.

امتحان نفس اکنون می‌گویم: نفس خویش را که می‌خواهد بخوابد و به همین خاطر از خدمت و بندگی مالک و سلطان خویش کاهلی و تنبلی می‌نماید، امتحان کن و ببین که آیا ادعایش درست است، و یا به باطل و دروغ ادعا می‌کند، به این صورت که ببین اگر یکی از دوستان یا بعضی از خادمان پادشاهان دار فریب دنیا به سوی تو بیاید، یا حاجت کوچکی از حواجی خرد و بی ارزش دنیوی را که تو آن را از دنیا می‌خواهی، - دنیایی که لذت‌ش فانی و پیامدها و گناهانش می‌ماند - برای تو پیش می‌آمد، آیا تنبلی و خوابیدن را بکلی ترک نمی‌گفتی؟ پس حال که این را از نفس خویش شناختی، بر حال آن گریه کن، زیرا یا قلب تو مریض است، یا در عقاید دینی ات ضعیف هستی، پس به درگاه خداوند - جل جلاله - توبه نما، و از او درخواست کن که از تو در گذشته، و سعادت‌مندی دینی و دنیوی ات را کامل گرداند، که آن دو تنها در مراقبه و پاییدن مقام جلیل الهی حاصل می‌شود.

علت خواب ماندن از نماز شب حال می‌گویم: اگر خواب ماندی و مانند شخص درمانده خواب بر تو غلبه کرده، در این صورت اگر خواب ماندنت به خاطر گناهی نباشد که خداوندی که به نهانها آگاه است، به واسطه‌ی آن تو را از خلوت و مناجاتی که هر دوستی با محبوبش دارد رانده باشد، معذور خواهی بود.

زیرا در حدیث آمده که: خداوند - جلّ جلاله - به واسطه‌ی عقوبت گناهان، بنده را از خدمت و بندگی خویش به خواب می‌زند. در این باره نظر کن به روایتی که از مولایمان امام صادق (علیه السلام) نقل شده: که مردی به حضرتش عرض کرد: سفارشی به من بفرما. حضرت فرمود: تو را به تقوای خداوند سفارش می‌نمایم، و اینکه هرگاه به رختخواب می‌روی، تمام اعمال خیر یا شری را که در روز انجام داده‌ای و نیز هرچیز پاکیزه و پلیدی را که در شکم خویش داخل کرده‌ای به یادآور.

توجّهات معنوی و توبه در هنگام خوابیدن

توجّه داشته باش که وقتی خواستی بخوابی - چه خواب بر تو غلبه باشد، و یا در حالت اختیار بوده و میل تمایل به خوابیدن داشته باشی - بدان که خواب عبارت است از مرگ و نبود بیداری، و وفات و از کار افتادن اعضا و جوارح از زندگانی استقامت و ایستادگی در انجام امور مربوط به خود. خداوند - جلّ جلاله - در این باره می‌فرماید:

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ، وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ، ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ. ³¹⁹

- و اوست خداوندی که شب [و هنگام خواب، جان شما را] کاملاً می‌گیرد، و به تمام گناہانی که در روز انجام می‌دهید، آگاه است، سپس شما را در روز برمی‌انگیزاند.

بر این پایه، خداوند - جلّ جلاله - خواب را وفات، و بیداری را برانگیختن و زندگانی قرار داده. و آگاه هستی که شخص خوابیده مانند شخص کور و کر و لال و زمین گیر و و گرفتار به بیماری رماتیسم می‌گردد، و عقل و تمام بهره‌های اعضا و جوارحش را که به وسیله‌ی آن با مولای علام الغیوب خویش معامله می‌نمود، از دستش می‌رود، و گویی وقتی که می‌خواهد اختیار افراد تحت تکفل و اموال و حوایج و امور ضروری او از دست او خارج می‌شود، و نمی‌داند که بر آنها چه خواهد گذشت، و نیرویی برای نگهداری نفس خویش و حفظ امور مهمّی که بدان اشاره نمودیم باقی نمی‌ماند. و اگر آنها را به وسیله قفل و پاسبان هم مصون سازد، وقتی خوابید ممکن است در هر حال خلاف آنچه را که اراده نموده، واقع شود.

بنابراین، هنگامی که می‌خوابی، گویی که به مصیبه‌های هولناکی مبتلا، و در گرفتاریهای فراموش کننده واقع شده‌ای، و جز خداوند - جلّ جلاله و تقدّس

کَمَالُهُ - نمی‌تواند با بیدار نمودن و عافیت بخشیدن به اعضا و جوارح و کمال زندگانی و برگرداندن نیروی گوش و چشم و زبان و عقل و تمام [یا: سایر] مقاصد را که به واسطه خوابیدن، پراکنده و پیریشان گشته، امور پراکنده‌ی تو را جمع سازد.

از این رو، به پیشگاه خدا توبه نما، توبه‌ای که از هر کوتاهی که پیش از خوابیدن داشتی، خالص و پاکیزه باشد. و اگر به خاطر قلّت معرفت به مولایت که تو را می‌بیند، نفس و عقل و قلبت در توبه حقیقی با تو موافقت نمودند، از رحمت و بخشش خدا طلب عفو و گذشت بنما، که او - جلّ جلاله - که خداوندگار بردبار و مهربان و شفیق است، بر اساس نیکبها و بخششهایی که به بندگان خود دارد، زینده‌ی آن است که بر تو نیز تفضل نماید.

و اگر بسان شیوه‌ی جنایتکاران و گناهکاران در نزد بزرگترین مالکان که سیطره و چیره‌گی دارد، طلب عفو و گذشت نمودی، پس حداقل مانند تسلیم شدن و سرسپردگی شخص بیچاره و نیازمند و ذلیل خود را تسلیم خدا نموده، و دین و نفس و مال و افراد تحت تکفل و آرزوهای خویش و هر چیزی را که بدان نیازمندی، در تحت نگاهداری آن خداوند مهربان و بردبار و بزرگواری که در پیشگاهش بسیار گستاخی و سوء ادب نموده‌ای، در آورده و تسلیم اوساز. و در باطن توجّه داشته باش که تمام آنچه را که خداوند به تو بخشیده و تو در نزد او به ودیعه گذاری، در حقیقت ملک اوست، و تو در نزد او به عاریت و ودیعه گذاری؛ بنابراین حتی در ذهن و خاطر و یا در دل خویش با مالکیت او مخالفت منما، تا مبادا خود را شریک خداوند شمرده، و به هلاکت مبتلا گشته و خشنودی او از دستت برود.

بی‌گمان اگر این سفارش مرا بپذیری و توبه یا طلب عفو نموده، و یا چنانکه گفتیم خود را تسلیم خداوند نمایی، و به شرحی که ذکر کردیم، همه چیز خود را در نزد او به ودیعه گذاری، خداوند حافظ و نگاهبان تو بوده، و از تو حمایت نموده و پناه خواهد داد، و هیچ فساد و تباهی در هیچ امری در کم و زیاد و کوچک و بزرگ، بر تو وارد نخواهد شد.

در بعضی از اخبار دیدم که مردی می‌گوید: عقربی نایابی را دیدم که بر پشت لاک پشتی سوار شده و لاک پشت آن را از یک سوی رود نیل به سوی دیگر که من در آنجا بودم، می‌گذارند، وقتی آن را به کنار آب رسانید، عقرب بر زمین فرود آمد، و من دنبال آن روانه شدم، و با خود گفتم که این عقرب جریانی دارد، تا اینکه به پایین تنه‌ی درختی رسید و از آن بالا رفت و بر روی شاخه‌ای رفت که ماری بر روی آن آویزان بود و جوانی در زیر آن خوابیده بود، عقرب دم مار را گزید، به گونه‌ای که مار مرده به زمین افتاد. این امر در نظر من بسیار بزرگ آمد، به سوی آن جوان آمدم و بیدارش نمودم و گفتم: به این مار که خداوند تو را از آن سالم نگاه داشت نگاه کن، و این ابیات را برای او خواندم:

یا نَائِمًا وَالْجَلِيلُ يَحْرُسُهُ كَيْفَ تَنَامُ الْعُيُونُ عَنْ مَلِكٍ مِمَّا [إِبْلَاقِي] فِي حِنْدِسِ الظُّلَمِ
تَأْتِيكَ مِنْهُ فَوَائِدُ النِّعَمِ؟ - ای به خواب رفته‌ای که خداوند بزرگ، تو را از
اموری که در تاریکیهای بسیار شدید برای تو پیش می‌آید، پاس می‌دارد.

چگونه چشمهایت از توجه به پادشاهی که بهره‌های نعمتها از سوی او به تو می‌آید، به خواب می‌رود؟

و نیز در کتاب الْيَاقُوتُ الْأَحْمَرُ تألیف احمد بن حسن اهوازی آمده که: از بعضی از غلامان [و پسران نوجوان خدمتکار] برخی از که کسرایان شنیدم که گفت: هرگز کسری نخواهید مگر اینکه پیش از خوابیدن برای خداوند - عزوجل

- سجده نمود، و از او خواست که بعد از مرگش او را زنده بدارد. و مقصودش از مرگ، خوابیدن، و از زندگانی، بیداری بود.

اینک می‌گوییم: اگر پادشاهی که به جای اشتغال به خداوند به غیر او مشغول شده و به او - جلّ جلاله - معرفت و آگاهی نداشت مانند تو معرفت و شناخت داشت، مسلماً بهتر از تو با خداوند معامله می‌نمود، پس عذر تو در غفلت از مالک دنیا و آخرت چیست؟

ناگفته نماند که اگر فرضاً بعد از عمل به آنچه که پیشتر ذکر نمودیم، در حال خواب ضرری متوجه تو شد، و برخی از چیزهایی را که تحت تصرف توست از دست رفت، شاید این برای آن باشد که خداوند - جلّ جلاله - می‌خواهد با این کار نشانه‌های خود را در برگرداندن آن به تو نشان دهد، چنانکه نسبت به کسانی که بر مالک روز جزا توکل نموده‌اند، چنین شده و خداوند آیات خود را نشان داده، نقل شده است که:

عرب بیابان نشینی به در مسجد الحرام آمد و شتر خود را رها نمود گفت: خداوندا، این شتر و بار آن را در حفظ و نگاهداری تو درآورده، و در نزد تو به ودیعه می‌گذارم. و وارد مسجد الحرام شد، و طواف نمود و بیرون آمد و شتر را پیدا نکرد، و ایستاد و گفت: پروردگارا، چیزی از مال من دزدیده نشده، بلکه مال تو دزدیده شده است، زیرا اگر اعتماد نداشتم که تو شتر و بارش را حفظ می‌کنی، آن را رها نمی‌کردم. و امثال این سخنان را تکرار می‌کرد. و مردم از سخن گفتن او با خداوند - عزوجلّ - تعجب می‌کردند، تا اینکه ناگهان مردی - که با یک دست افسار شتر را گرفته و دست دیگرش بریده بود - پیش آمد، و به عرب بیابان نشین گفت: شتر را بگیر، که من از آن خیر ندیدم. گفت: جریان تو چگونه بود؟ گفت: با آن به پشت کوه رفتم و پنهان شدم، ولی ناگهان سواری

که نمی‌دانم از کجا رسید، فرود آمد و مرا پریشان نمود و از جایم بلند کرد و دستم را قطع نمود و دستور داد که شتر را بازگردانم.

من نیز به یاد ندارم که هیچگاه چیزی را به خداوند - جلّ جلاله - سپرده باشم و آن چیز گم شده باشد. واگر هم به خاطر ارتکاب گناهی گم شده، هنگامی که از رحمت حضرتش اعاده‌ی سپرده‌ام را خواسته‌ام، آن را به من بازگردانده و محجوب و محروم نساخته [یا: شرمسار ننموده]، و بر طبق گناهی که باعث گم شدن آن از پناهگاه نگاهداری‌اش شده، با من معامله ننموده است.

در سال 627 هجری قمری راهی حجّ شدم، و تمام آنچه را که همراهم بود به حفظ و پاسداریِ مراحم الهی سپردم، ولی تازیانه‌ای که از چوب بادام تلّخ همراهم بود و به کجاوه بسته شده بود هنگام سیر شبانه به زمین افتاد، هنگامی که روز روشن شد و فرود آمدم دیدم که تازیانه گم شده است، به دوست همراهم - که مردی علوی بود و علی بن زکی رحمه الله نام داشت - گفتم: تازیانه من گم شده، در جستجوی آن باش. وی از گفته‌ی من تعجب کرد و گفت: تازیانه‌ای را که دیشب در راهپیمایی سریع حاجیان افتاده جستجو کنم؟ گفتم: بله، زیرا من هرچه را که همراهم بود به خداوند - جلّ جلاله - سپرده‌ام، و او - جلّ جلاله - از آنها نگاهداری می‌کند. وی گفته‌ی مرا نپذیرفت و آفتابه‌ای برداشت و رفت تا به دور از دید حاجیان به دستشویی برود، ولی در حالی که تازیانه در دستش بود آمد. گفتم: چگونه آن را پیدا کردی؟ گفت: دیدم که بر روی کوزه‌ی مردی آویزان است، گفتم این تازیانه از آن فلانی است و دیشب در راهپیمایی شبانه افتاده است. گفت: بله، ما آن را شب یافتیم و برداشتیم، بگیر و برای او ببر.

و اگر امثال این امور را که برایم اتفاق افتاده ذکر کنم، خسته و ملول
می‌گردی.

آداب و اعمال پیش از خواب

الف - آداب وقت در قرار گرفتن در رختخواب

1 - وقتی به صورتی که گفتیم عمل نموده و به کیفیت‌ی که توضیح دادیم همه‌ی وسایلی و امور مربوط به خویش را نزد خدا به ودیعه گذاشتی، مانند وضوی نماز، طهارت نموده و سپس برخیز به سوی رختخواب یا هر جا که می‌خواهی بخوابی.

2 - هنگام قرار گرفتن در رختخواب بگو آنچه را که نقل شده امام صادق

(علیه السلام) فرمود: هنگامی که در رختخوابت جای گرفتی می‌گویی:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِكَمَالِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِجَبْرُوتِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِمَلَكُوتِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) - مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ، وَ مِنْ شَرِّ الْهَامَةِ 320 وَ السَّامَةِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

- پناه می‌برم به عزت و سربلندی خداوند، و پناه می‌برم به قدرت الهی، و پناه می‌برم به کمال خدا، و پناه می‌برم به تسلط و چیرگی خداوند، و پناه می‌برم به سرکشی و عظمت خداوند، و پناه می‌برم به فرمانروایی و چیرگی بزرگ الهی، پناه می‌برم به دفع و جلوگیری خدا، و پناه می‌برم به جمع و گردآوردن خدا، و پناه می‌برم به سلطنت [ویا: مالکیت] خداوند، و پناه می‌برم به رحمت خدا، و پناه می‌برم به رسول خدا (ﷺ) - از شر تمام آنچه خداوند خلق فرموده و پدید آورده و به وجود آورده، و از گزند حشرات غیر سمی و سمی و از آسیب گناهکاران جن و انس، و از شر گناهکاران عرب و عجم، و از شر هر جنبنده‌ی

در شب و روز که [موی] پیشانی [و تمام اختیار] آن به دست دوست، برآستی که پروردگار من بر راه راست استوار است.

و در ادامه‌ی دعا هرکس را که خواستی به پناه خداوند درآور.

3 - در روایت آمده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پیوسته در جنگ

و یا مسافرت هنگام فرا رسیدن شب می فرمود:

يا أَرْضُ، رَبِّي وَ رَبُّكَ اللهُ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ وَ شَرِّ مَا فِيكَ، وَ شَرِّ مَا خُلِقَ فِيكَ، وَ شَرِّ مَا دَبَّ عَلَيْكَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ وَ أَسْوَدٍ وَ حَيَّةٍ وَ عَقْرَبٍ، وَ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ، وَ مِنْ شَرِّ الْوَالِدِ وَ مَا وَكَلَدَ

- ای زمین، پروردگار من و تو خداست. به خدا پناه می برم از شر تو و شر هرچه در توست، و شر هرچه در تو خلق شده، و شر هر چه بر روی تو می جنبد، به خدا پناه می برم از شر هر شیر و مار بزرگ و مار و عقرب و از ساکنان آبادیها و از شر انسانهایی که زاده و زاییده شده اند.

4 - همچنین از جمله اعمال بنده در هنگام قرار گرفتن در رختخواب باید

این باشد که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس هنگامی که در رختخواب قرار می گیرد یازده بار **قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ** بخواند، گناهِش آمرزیده شده، و شفاعت او درباره‌ی همایشگانش پذیرفته می شود، و اگر صد بار قرائت کند، گناهان پنجاه سال آینده‌ی او آمرزیده می گردد.

5 - و نیز هنگامی که در رختخواب رفتی بگو آنچه را که در روایت آمده که

امام صادق (ع) فرمود: هرکس هنگام جای گرفتن در رختخوابش بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّكَ أَفْتَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ.

- خداوندا، تو را گواه می گیرم که طاعت و پیروی از حضرت علی بن ابی

طالب و امامان و فرزندان او ((ع)) را بر من واجب فرمودی.

و همه ائمه [علیهم السلام] تا امام عصر خویش را یکایک نام ببرد، و بعد در همان شب جان بسپارد، وارد بهشت می‌گردد.

اعمال و آداب بعد از دراز کشیدن در رختخواب

1 - وقتی در هنگام نشستن در رختخواب و جایگاه خوابیدن خود اموری را که یادآور شدیم، گفتی، توجه داشته باش که تو بنده‌ی مملوک ناچیزی هستی که می‌خواهی بخوابی و پاهایت را دراز کنی، و در حرکات و سکناات خویش در پیشگاه خداوندی که مالک عظیم و بزرگ است احساس راحتی کنی، پس در گفتار و کردار مؤدب باش. زیرا به هرچه بیشتر مؤدب باشی و اظهار خاکساری نمایی مولایت اهلّیت آن را دارد، و مقام تو کوچکتر و پست‌تر از آن است، و نیز با حالت تسلیم و واگذاری و توکل [به خداوند و با هر حالت دیگر که در این مقام شایسته است، بر سمت راست بدن خویش دراز بکش.

2 - بگو آنچه را که در روایت آمده امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرگاه در رختخواب خویش قرار گرفتی، بر سمت راست بدن خویش دراز بکش و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم).
اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَ
الْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَ رَهْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، [وَ أَسَلَمْتُ
نَفْسِي إِلَيْكَ]. اللَّهُمَّ، آمَنْتُ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلْتَهُ.

- به نام خدا، و به [وسیله‌ی] خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (ﷺ). خداوند، همانا من خویشتن را تسلیم تو نمودم، و روی [و تمام وجود]م را به سوی تو متوجه ساختم، و امورم را به تو واگذار، و پشتم را به پناه [نیروی] تو درآوردم، از روی میل و رغبت [به تو] و بیم و هراس از تو. هیچ پناهگاه و راه تجاتی از تو نیست جز به سوی تو، [و نفس خویش را تسلیم تو

نمودم. [خدایا، به تمام کتابهایی که فرو فرستاده و به هر پیامبری که گسیل داشتی ایمان آوردم.

سپس سوره‌ها و آیات ذیل را قرائت بکن:

3 - سورهی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.

4 - دو سورهی معوذتین.

5 - آیه الکرسی سه بار.

6 - آیه سَخَرَهُ 321.

7 - آیهی شَهِدَ اللَّهُ 322.

8 - سورهی إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر یازده بار.

9 - سپس سی و چهار بار تکبیر و سی و سه مرتبه تسبیح و 33 بار حمد

می‌گویی. و این همان تسبیح حضرت زهرا، فاطمه (علیها السلام) است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به آن حضرت آموخت.

10 - سپس بگو:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ [وَيُمِيتُ وَ يُحْيِي]، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- معبودی جز خداوند یگانه نیست و شریکی برای او وجود ندارد،

فرمانروایی تنها از آن اوست، و ستایش مختص اوست، زنده می‌گرداند و

می‌میراند، [و می‌میراند و زنده می‌گرداند] و خود او زنده‌ای است که هرگز

نمی‌میرد، و تمام خوبی به دست [جمال] اوست، و بر هر چیز تواناست.

11 - بعد بگو:

أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ - مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مَا ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ أَنْشَأَ وَ صَوَّرَ، وَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ شَرِّهِ وَ فَرَعِهِ [يا: قَرَعِهِ] وَ مِنْ شَرِّ شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ، وَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ [يا: التَّامَّاتِ] مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ

وَاللَّامَةِ وَالْخَاصَّةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، [وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ وَمَا يَلِجُ فِيهَا]، وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَطَوَارِقِ النَّهَارِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، بِاللَّهِ وَبِالرَّحْمَنِ اسْتَعْنَتْ، وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، حَسْبِيَ اللَّهُ، نَعْمَ الْوَكِيلُ.

- پناه می‌برم به خداوندی که آسمان را از اینکه جز به اجازه‌ی او بر زمین بیافتد، نگاه می‌دارد، از شرّ هرچه آفریده و خلق فرموده و پدید آورده و ایجاد و صورتگری نموده، و از [گزند] شیطان و سهیم شدن و گمان [یا: تسلّط] او، و از شرّ شیطانهای انسی و جنّی، و پناه می‌برم به کلمات کامل خداوند از شرّ حشرات سمّی و غیر سمّی و هر ترس و هراس [ویا: چشم زخم] و شرّ مخصوص، و از آسیب تمام آنچه که از آسمان فرو می‌آید، و یا به آنجا بالا می‌رود، [و از شرّ آنچه که از زمین بیرون آمده و در آن فرو می‌رود]. و از شرّ پیشامدهای شبانه و روزانه، مگر پیشامدی که خیر همراه خود بیاورد، و تنها به خداوند رحمت گستر یاری می‌جویم، و تنها بر او توکل نمودم، خداوند مرا بس است و چه کار گذار و وکیل خوبی.

12 - سپس دست راست خویش را زیر سر گذاشته و بگو دعایی را که نقل شده امام باقر (علیه السلام) فرمود: شخصی که می‌خواهد بخوابد هنگامی که انسان دست راستش را زیر سرش گذاشت، بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَالْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ، رَهْبَةً وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ.

- به نام خدا، خداوندا، براستی که من خویشتن را تسلیم تو نمودم، و روی [و تمام وجود]م را متوجّه تو نمودم، و امورم را به تو واگذار نموده، و پشتم را در پناه تو درآورده، و بر تو توکل نمودم، از روی بیم و هراس [از تو] و میل و

رغبت به سوی تو. هیچ پناهگاه و راه نجاتی از تو نیست جز به سوی تو، به کتابی که فرو فرستادی و پیامبری که گسیل داشتی ایمان آوردم.

بعد تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) را بگو:

البته ما بیشتر مشابه این دعا را در هنگام دراز کشیدن بر سمت راست بدن ذکر نمودیم، ولی این روایت اضافه دارد، و مختص به وقت گذاشتن دست راست بر زیر سر است.

13 - و نیز هنگام قرار گرفتن در محل خواب بگو آنچه را که نقل شده امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس هنگامی که در خوابگاه و محل دراز کشیدن خویش قرار می گیرد، سه مرتبه بگوید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخَبَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ،
[وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عُصِيَ فَغَفَرَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عُذِبَ فَشَكَرَ]، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي
الْمَوْتَى، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- ستایش خداوندی را که [از همه ی موجودات] برتر و بلند مرتبه است و لذا [بر آنها] چیره است، و سپاس خدایی را که در باطن [اشیاء] نفوذ کرد و لذا به باطن آنها آگاهی دارد، و ستایش خداوندی را که دارنده و خداوندگار [تمام موجودات] هست و لذا [بر هر چیز] تواناست، [و سپاس خداوندی را که معصیت و نافرمانی او را می کنند و او می آمرزد، و ستایش خدایی را که او را می پرستند و او شکرگزاری می نماید]، و سپاس خدایی را که مردگان را زنده می گرداند، و هم او بر هر چیز تواناست.

مانند روزی که از مادرش زاده شده، از گناهان بیرون می آید.

(309) نساء(4): 107 تا 109.

(310) مزمل (73): 2 و 3.

- (311) که خداوند در آیه شریفه فوق و ادامه آن دستور داده که مؤمنان به اندازه‌ی نصف و یا یک سوّم و یا دو سوّم شب را به عبادت مشغول شوند.
- (312) تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 569.
- (313) عبارت حدیث بعد هُدُوِّ مِنَ اللَّيْلِ است که به گذشت ساعتی از شب، و یا اوّل شب، و یا بخشی مانند یک سوّم و یا یک چهارم از آن، معنی شده است.
- (314) در خصال ص 337، روایت 40، آمده است: و دعا را به عنوان زیرپوش
- (315) آل عمران: 190.
- (316) ظاهراً مقصود آیات 190 تا آخر آیه شریفه 194 می‌باشد.
- (317) و یا: یاد می‌شد، و همینطور احتمال دارد که تمام جملات بعدی به صورت مجهول ترجمه شود، یعنی هرگاه از قبر یاد می‌شد... و هنگامی که از برانگیخته و زنده شدن مردگان در قیامت یاد می‌شد... (تا آخر).
- (318) فرایص یعنی گوشت میان پهلو و شانه، و یا گوشت میان پستان و شانه.
- (319) انعام (6): 60.
- (320) این در نسخه‌ای «العامة آمده که ظاهراً درست نیست.
- (321) آیه‌ی 54 از سوره‌ی اعراف (7).
- (322) آیه‌ی 18 و 19 از سوره‌ی آل عمران (3).

توجّهات و حالات و اعمال مؤلف

³²³ در هنگام خوابیدن اینک می‌گوییم: اگر خواستی، مانند برخی از بندگان خدا که می‌شناسم باش، که با اجازه خداوند و رعایت ادب با او می‌خوابد، و با توجّه به خدا روبه سوی قبله قرار می‌گیرد، و مانند زنان فرزند مرده که دست بر گونه می‌گذارند، دستش را زیر سرش می‌گذارد، به خاطر اینکه بسیاری از اموری را که که او را به خدا نزدیک می‌کند، از دست داده و در عزای آنها نشسته است. و نیتش از این خوابیدن آن است که بدین وسیله در حال بیداری بر طاعت و عبادت خداوند جلّ جلاله و بر بندگی و خاکساری برای خدا که در حال بیداری از او خواسته شده، نیرو برگیرد، و گویی که کوه گناهان قلبی‌اش بر بالای سر او برده شده تا از دستِ خشم خدا بر سر او بیافتد، چنانکه برای بنی اسرائیل رخ داد، آنجا که خداوند - جلّ جلاله - می‌فرماید:

وَ إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ، كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ³²⁴.

- و [به یاد آر] آن هنگام را که کوه را برکنده و مانند ابر هولناکی بر بالای سرشان نگاه داشتیم. و چنانکه بنی اسرائیل از بیم فرو افتادن کوه بر زندگانی فانی و ناپایداریشان خاکساری نموده و تسلیم شدند، صاحب کوه گناهان نیز بیم آن را دارد که کوه گناهان بر سرش فرو بیافتد و تمام زندگانی و سعادت‌مندی حیات فانی و باقی‌اش را نابود سازد.

و آن بنده هنگامی که دست راست خویش را بر زیر سرش گذاشت اعمال

زیر را به ترتیب انجام می‌دهد:

1 - قرائت سوره‌ی حمد سه مرتبه.

2 - قرائت سوره‌ی قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ یازده بار.

3 - قرائت سوره‌ی إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ یازده مرتبه]

- 4 - قرائت سورهی اَلْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ یک بار.
- 5 - قرائت سورهی قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ سه بار.
- 6 - قرائت سورهی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ سه بار.
- 7 - قرائت سورهی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ سه بار.
- 8 - خواندن آیه الكرسی یک مرتبه.
- 9 - خواندن آیهی شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تا آخر. 325
- 10 - قرائت آیهی لَوْ أَنزَلْنَا [هَذَا الْقُرْآنَ]... تا آخر سورهی حشر.
- 11 - قرائت آیهی إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا³²⁶
- 12 - قرائت آیات سَخَرَهُ³²⁷.
- 13 - قرائت آیهی آمَنَ الرَّسُولُ تا آخر سورهی بقره.
- 14 - قرائت اواخر سورهی كهف یعنی آیه: قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ [يُوحَىٰ إِلَيَّ] تا آخر سوره.

15 - سپس می گوید:

اللَّهُمَّ، لَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَوَلَّ عَنِّي وَجْهَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي عَلَى تَمَرْدِي، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ، وَأَيِّقْظِنِي مِنْ رَقَدَتِي، وَ سَهِّلِ الْقِيَامَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْكَ، وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَالصَّلَاةَ وَالِدُّعَاءَ وَالشُّكْرَ [يا: الشُّكْرَ وَالِدُّعَاءَ] حَتَّى أَسْأَلَكَ فَتُعْطِيَنِي، وَأَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي، وَاسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

- خداوندا، مرا از مکر و فریبت ایمن مگردان، و یادت را از یادم مبر، و روی [و اسماء و صفات] ات را از من برمگردان، و پرده [ستاریتت] را دربارهی [گناهان] من مَدِر، و به واسطه سرکشی ام مگیر، و از غافلان قرار مده، و از خواب [غفلتم] بیدار فرما، و برخاستن [برای عبادت] در این شب را در

محبوبترین اوقات در نزد خود برای من آسان فرما، و در آن یادت و نماز و دعا و سپاسگزاری [یا: سپاسگزاری و دعا] را روزی ام گردان، تا اینکه از تو درخواست نمایم و عطایم فرمایی، و بخوانمت تا اجابت نمایی، و طلب آمرزش کنم تا بیامرزی، براستی که تویی بسیار آمرزنده‌ی مهربان.

16 - بعد برای ترس از محتلم شدن می‌گوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ، وَمِنْ [شَرِّ الْأَحْلَامِ]، وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْبِقِظَةِ وَالْمَنَامِ.

- خداوندا، به تو پناه می‌برم از محتلم شدن [و دیدن خواب شیطانی] و [از رؤیاهای بد]، و اینکه شیطان در بیداری و خواب با من بازی کند.

17 - سپس برای همین منظور آیه‌ی قُلْ مَنْ يَكْلُوْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنْ

الرَّحْمَنِ 328

را تا آخر قرائت می‌کند.

18 - و بعد آخر سوره‌ی بنی اسرائیل یعنی آیات ذیل را تلاوت می‌کند:

قُلْ: ادْعُوا اللَّهَ، أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ، أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ، وَلَا تُخَافُوا بِهَا، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا، وَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ، وَكَبَّرَهُ تَكْبِيرًا.³²⁹

- بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست، و نمازت را نه بلند بخوان و نه آهسته، و راهی میان این دو را بجوی، و بگو: ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست، و او را به گونه ویژه‌ای بزرگتر بدان.

19 - سپس تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می‌گوید، و این آخرین چیزی
است که وی هنگام خوابیدن می‌گوید.

فضیلت و آثار و فوائد اعمال وقت خواب

در فضیلت هرکدام از اینها که آن بنده‌ی خدا بدان عمل نموده و بر اساس هدایت خداوند - جلّ جلاله - مرتّب نموده روایت نیز وارد شده، و برای هرچه قرائت نموده فواید و آثار عظیمی است که با ذکر و به شماردرآوردن آنها کتاب مبسوط می‌شود. [لذا به ذکر برخی از آن روایات بسنده می‌کنیم]:

فضیلت تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)

1 - درباره‌ی عملی که آن بنده در پایان اعمال در هنگام خوابیدن انجام می‌دهد، یعنی تسبیح حضرت زهرا، فاطمه - (علیها السلام) - روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی به رختخواب می‌روید، یک فرشته‌ی بزرگوار و یک شیطان ناپاک و سرکش و شروری باشتاب به سویتان می‌آیند، فرشته می‌گوید: روز خویش را با عمل خیر ختم کن، و شب خود را با عمل خوب آغاز نما، و شیطان می‌گوید: روز خود را با گناه ختم کن، و شب خود را با گناه آغاز کن.

و افزود: اگر شخص از فرشته‌ی بزرگوار اطاعت کند و روز خود را با یاد خدا به پایان برد و وقتی وارد جایی که می‌خواهد بخوابد شد، شب خود را با یاد خدا آغاز نماید و سی و چهار بار تکبیر و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار حمد بگوید، فرشته، شیطان را از او درو می‌راند، و شیطان دور می‌شود، و تا هنگام بیدار شدن از خواب آن فرشته از او نگاهداری می‌کند.

و وقتی بیدار شد، شیطان با شتاب به پیش آمده و مشابه سخنی را که پیش از به خواب رفتن به وی گفت می‌گوید، و فرشته نیز مانند همان سخنی که پیش از خوابیدن به وی گفت می‌گوید، اگر بنده به همان صورتی که نخست خدا را یاد کرد، خداوند - عزوجل - را یاد کند، فرشته، شیطان را از او دور می‌راند، و شیطان بدور می‌رود، و خداوند - عزوجل - در برابر این عمل، عبادت یک شب را برای او می‌نویسد.

همچنین در از حضرت علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا، امام هادی (علیه السلام) درباره‌ی آنچه که اهل بیت (علیهم السلام) هنگام خوابیدن انجام می‌دهند. آمده ما اهل بیت در هنگام خوابیدن ده کار را پیوسته انجام می‌دهیم:

طهارت، و گذاشتن دست راست زیر سر، و سی‌وسه بار تسبیح خدا، و سی‌وسه بار حمد، و سی‌وچهار بار تکبیر گفتن، و رو به سوی قبله می‌خوانیم، و فاتحه‌الکتاب، و آیه‌الکرسی، و آیه‌ی **شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ** تا آخرش را قرائت می‌کنیم. و هر کس این کارها را انجام دهد، حظّ و بهره‌ی آن شب را برگرفته است.

حدیث فوق به همین صورت به دست ما آمده که راوی ابتدا ده خصلت را ذکر نموده، ولی در تفصیل نه خصلت را برشمرده است. گویا یا در اجمال و یا تفصیل سهو نموده است. و ظاهراً اشتباه در تفصیل است، زیرا اعمال ائمّه (علیهم‌السلام) در وقت خوابیدن همان گونه که روایت نمودیم، بیشتر از نه خصلت است، و شاید سهو کرده و قرائت سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** را ذکر ننموده است.

اینک فضیلت برخی از اموری که پیش از این به صورت مختصر ذکر نمودیم، به تفصیل یادآور می‌شویم:

فضیلت قرائت سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** فضیلت یازده صد بار قرائت کردن سوره‌ی **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** به صورتی که روایت نمودیم گذشت، اما درباره‌ی فضیلت یازده بار خواندن سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ** ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق (علیه‌السلام) شنیدم که می‌فرمود: هرکس هنگام خوابیدن یازده بار سوره‌ی **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** را قرائت کند، خداوند یازده فرشته را بر او می‌گمارد تا او را از تمام شیطانهای راند شده تا صبح حفظ کنند.

فضیلت قرائت سوره‌ی **الْهَكْمُ التَّكَاثُرُ** در روایت آمده که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود رسول خدا (ﷺ) فرمودند: هرکس هنگام خوابیدن سوره‌ی **الْهَكْمُ التَّكَاثُرُ** را بخواند، از شرّ عذاب قبر محفوظ می‌ماند.

فضیلت قرائت آیهی **إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ...** روایت شده که حضرت ابی الحسن رضا به نقل از پدر بزرگوارش (علیه السلام) فرمود: هرکس هنگام خوابیدن آیهی **إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا**³³⁰ (براستی که خداوند آسمانها و زمین را از اینکه از بین بروند نگاه می‌دارد، و اگر از بین بروند هیچ کس جز او نمی‌تواند آن دو را نگاه دارد، براستی که او بردبار و بسیار آمرزنده است.) را قرائت کند، هرگز سقف خانه بر روی او فرو نمی‌ریزد.

فضیلت قرائت آیه‌ی **الكرسى** و معوذتین ولید بن صبیح می‌گوید شهاب بن عبدربه به من گفت: سلام مرا به امام صادق (علیه السلام) برسان، و به حضرتش عرض کن که در خواب مبتلا به ترس و هراس می‌شوم. وی می‌گوید: گفتار او را به حضرت عرض کردم. فرمود: به او بگو وقتی وارد رختخواب شد، حتماً معوذتین و آیه‌ی **الكرسى** را بخوان. و آیه‌ی **الكرسى** افضل است.

و نیز در روایت دیگر درباره‌ی کسی که در خواب گرفتار ترس می‌شود، آمده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس که مبتلا به ترس [در خواب] باشد، هنگام خوابیدن ده بار بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ

- معبودی جز خداوند نیست که یگانه است و شریکی ندارد، زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌گرداند، و او زنده‌ای است که نمی‌میرد.

و تسبیح حضرت زهرا (علیه السلام) را بگوید، خوف و هراسش برطرف می‌شود. فضیلت قرائت آخر سوره‌ی بنی اسرائیل و کهف: در روایت آمده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: [قرائت آیات ذیل] برای اُمت من، سبب ایمنی از دزدیده شدن است:

قُلْ: ادْعُوا اللَّهَ، أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ، أَيَّامًا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ، وَلَا تُخَافِتْ بِهَا، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا، وَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ، وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا.³³¹

- بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست، و نمازت را نه بلند بخوان و نه آهسته، و راهی میان این دو را بجوی، و بگو: ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست، و او را به گونه ویژه‌ای بزرگتر بدان.

و هرکس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند:

قُلْ: إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ، فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ، فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا، وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.³³²

- بگو: من تنها بشری همانند شما هستم، [ولی] به من وحی می‌شود که بی‌گمان معبودتان معبود یگانه است، پس هرکس به ملاقات با پروردگارش امید دارد، باید عمل شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.

نوری برای او بالا رفته و تا مسجد الحرام گسترده می‌شود، در حالی که در باطن آن نور فرشتگانی هستند که تا صبح برای او استغفار می‌کنند.

ترس از ایمنی از احتلام

در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش (ع) از حضرت علی - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فرمود: هرکس از محتلم شدن بیم داشته باشد بگوید:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأَحْتِلَامِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ، وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي
الْبِقِظَةِ وَالْمَنَامِ.³³³

- خداوندا، همانا به تو پناه می‌برم از جنب شدن در خواب، و از شر خوابها، و اینکه شیطان در بیدار و خواب مرا به بازی بگیرد.

ایمنی از دزد روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: سوگند به خدایی که حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به حق برانگیخت و اهل بیت (ع) او را گرمی داشت، هر چیز که در جستجوی آن هستید - مانند: محفوظ ماندن و سوختن و غرق شدن و در گلو ماندن چیزی و به سرقت رفتن یا تلف شدن چهار پا از صاحبش، یا گم شدن چیزی مانند گریختن برده [یا: گم شدن چیزی از دم دست و کنار انسان] - در کتاب خداوند متعال وجود دارد. پس هرکس بخواهد که از آن آگاه شود، درباره‌ی آن از من پرسد، مردی برخاست و عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، مرا از به سرقت رفتن خبر ده، پی در پی شبانه اشیایی از من به سرقت می‌رود. حضرت فرمود: وقتی در رختخواب جای گرفتی، بخوان:

قُلْ: ادْعُوا اللَّهَ، أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ [أَيَّامًا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ، وَلَا تُخَافُوا بِهَا، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا، وَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ، وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا].³³⁴

- بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست، و نمازت را نه بلند بخوان و نه آهسته، و راهی میان این دو را بجوی، و بگو: ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و

فرزندی نگرفت، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست، و او را به گونه ویژه‌ای بزرگتر بدان.

در امان ماندن از کشته شدن [یا: سرقت] روایت شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: قرائت: قُلْ ادْعُوا اللَّهَ، أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ برای امت من، مایه‌ی ایمنی از شمشیر و کشته شدن [یا: به سرقت رفتن] است. و آیه شریفه را قرائت فرمود.

اعمال دیگر پیش از خواب

اینک اعمالی را که انسان در برخی از اوقات هنگام خواب بدان نیازمند پیدا می‌کند، ذکر می‌کنیم:

اعمالی جهت دفع بی‌خوابی 1 - وقتی انسان خواست بخوابد ولی به خاطر ابتلا به بیماری و عدم تندرستی نتوانست بخوابد، روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی مبتلا به بی‌خوابی شدی، بگو:

سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّانِ، دَائِمِ السُّلْطَانِ، عَظِيمِ الْبِرْهَانِ، كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ.

- پاک و منزّه است خداوند ارجمند [ویا: صاحب شأن]، فرمانروای جاودانی، صاحب دلیل و برهان بزرگ، که هر روز و پیوسته به کاری مشغول است.

2 - در روایت دیگر درباره‌ی رفع بی‌خوابی و زود به خواب رفتن آمده که: موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر می‌گوید: پدرم به نقل از پدرش از اجمعی (علیه السلام) - به ما نقل کرد که: حضرت فاطمه (علیها السلام) از بی‌خوابی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گله نمود. حضرت فرمود: دختر عزیزم، بگو:

يَا مُشَبِّعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ، وَيَا كَاسِيَ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ، وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ، وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ، سَكِّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةَ، وَأَذِّنْ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا.

- ای سیرکننده‌ی شکمهای گرسنه، و ای پوشاننده‌ی تن‌های برهنه، و ای آرام‌کننده‌ی رگهای زننده، و ای به خواب برنده‌ی چشمهایی که به خواب نمی‌رود، رگهای زننده [بدن] مرا را آرام فرما، و زود به چشمم اجازه خوابیدن بده.

و حضرت فاطمه (علیها السلام) آن را گفت و بی‌خوابی را که از آن رنج می‌برد برطرف شد.

3 - در روایت دیگر پیرامون دفع بی‌خوابی و زود به خواب رفتن آمده که خالد بن ولید به بی‌خوابی مبتلا شد. رسول اکرم (ﷺ) به او فرمود: آیا کلماتی به تو نیاموزم که وقتی گفتی به خواب بروی، عرض کرد: بله. فرمود بگو:

اللَّهُمَّ، رَبَّ السَّمَوَاتِ وَمَا أَظْلَلَتْ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقْلَتِ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّتْ، كُنْ حِرْزِي مِنْ خَلْقِكَ جَمِيعاً، أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدُهُمْ أَوْ أَنْ يَطْعَى. عَزَّ جَارُكَ، وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

- خداوندا، ای پروردگار آسمانها و هرچه که آنها بر آن سایه افکنداند، و پروردگار زمینها و هرچه آنها آن را حمل می‌کنند، و پروردگار شیطانها و آنچه که آنها گمراهش می‌کنند، تو خود پناهگاه و چشم آویز من باش از اینکه احدی از مخلوقات مرا بر کاری که [توان آن ندارم] اودار و یا بر من سرکشی نماید. همسایه‌ی تو سربلند است، و معبودی جز تو وجود ندارد.

دعایی جهت در امان ماندن از گزند حیوانات سمّی

4 - درباره‌ی آنچه که هنگام خوابیدن برای درخواست روزی و ایمنی از گزند حیوانات سمّی گفته می‌شود، در روایت است که حضرت علی بن حسین (علیه السلام) فرمود: هرکس وقت وارد شدن در رختخواب بگوید:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ، اللَّهُمَّ، رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبِّ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ [یا: الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ].

- خداوندا، تویی اولی که هیچ چیز پیش از تو نیست، و تویی آشکاری که هیچ چیز برتر و بالای تو نیست، و تویی باطنی که هیچ چیز پایین‌تر از تو [در اشیاء نفوذ نکرده و] نیست، و تویی آخری که هیچ چیز بعد از تو نیست، خداوندا، ای پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه، و پروردگار تورات و انجیل و زبور و فرقان [یا: قرآن] استوار، به تو پناه می‌برم از شرّ هر جنبنده‌ای که [موی] [پیشانی] [و تمام اختیارش را] گرفته‌ای، براستی که تو بر راه راست استوار هستی.

خداوند، فقر و ناداری را از او دور نموده، و از گزند و آسیب رساندن هر جانوری به او جلوگیری می‌نماید.

ذکر عملی جهت خواب دیدن رسول خدا (ﷺ) 5 - وقتی خواستی رسول خدا (ﷺ) را در خواب ببینی، [به این صورت عمل کن] که روایت شده امام صادق (علیه السلام) فرمود! هرکس خواست سرورمان رسول خدا (ﷺ) را در خواب ببیند، نماز عشا را بخواند و غسل پاکیزه‌ای بنماید،

و چهار رکعت با چهارصد بار آیه الکرسی³³⁵ بخواند، و بعد از نماز هزار بار بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) صلوات بفرستد، و با جامه‌ی پاکیزه‌ای که در آن - نه با حرام و نه با حلال - آمیزش نموده باشد، شب را بسر برد، و دست راست خویش را زیر سمت راست صورت خود گذاشته و صد بار تسبیح **سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.**: (پاک و منزّه می‌دانم خدا، و ستایش مخصوص اوست، و معبودی جز خدا نیست، و خداوند بزرگتر است، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خدا.) و صد بار **مَاشَاءَ اللَّهِ:** (هر چه خدا خواست همان می‌شود.) بگویند، مسلماً پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را در خواب می‌بیند.

ذکر عملی جهت ابلاغ سلام به خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (6 - هرگاه خواستی که عرض سلام تو به خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برسد، به گونه‌ای که گویی به حضرتش سلام داده باشی، عملی را که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده انجام بده، که فرمود: هرکس بعد از رفتن به رختخوابش سوره‌ی **تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ** را بخواند و بعد چهار بار بگوید:

اللَّهُمَّ، رَبَّ الْجَلِّ وَالْحَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً وَ سَلَامًا: (خداوندا، ای پروردگار [سرزمین] جَلِّ و حَرَم و شهر حرام، از سوی من به روح حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) درود و سلام برسان.) خداوند دو فرشته را بر او می‌گمارد تا به خدمت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده و به خدمتش عرض کنند: ای محمد، فلانی پسر فلانی سلام و رحمت و برکات الهی را بر تو فرستاد.

دعایی جهت خواب دیدن امیرالمؤمنین (علیه السلام)

7 - و وقتی خواستی مولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - صلی الله علیه و آله - را در خواب ببینی، هنگام خوابیدن [یا: هنگام دراز کشیدن، یا دراز کشیدن در رختخواب] بگو:

اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ، وَأَيَادِيهِ بِاسِطَةٌ لَا تَنْقُضِي، أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كُفِيَ، أَنْ تُرِينِي مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي مَنَامِي.

- خدایا، از تو درخواست می‌نمایم، ای کسی که لطفش خفی، و نعمتها و عنایتهايش گسترده و پایان ناپذیر است، به لطف خفی ای که به هیچ بنده‌ای لطف نفرمودی مگر اینکه او کفایت شد، از تو مسئلت دارم که مولایم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را در خوابم به من نشان دهی.

ذکر عملی جهت به خواب دیدن اموات فامیل 8 - هر کس بخواهد میت فامیل خود را در خواب ببیند، در روایتی از بعضی از ائمه (علیهم السلام) نقل شده که فرمود: وقتی خواستی میت فامیل خود را در خواب ببینی، با طهارت به خواب رفته و بر سمت راست بدن خود دراز بکش، و پس از گفتن تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام)، بگو:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ الْحَيُّ [يَا: الْحَدُّ] الَّذِي لَا يُوصَفُ، وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَتِ الْأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُودُ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَ مَنْجَاهَهُ، وَ مَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، فَاسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ أَسْأَلُكَ [ب] بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، وَ بِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ، وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ [يَا: الَّذِي] جَعَلْتَهُمَا

سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِمُ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تُرِينِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا.

- خداوندا، تو حدّ زنده‌ای [یا: در حدّی] هستی که نمی‌توان توصیفت نمود، و ایمان از ناحیه‌ی تو شناخته می‌شود، تمامی اشیاء از تو به ظهور رسیده و به سوی تو بازمی‌گردد، لذا هر کدام از آنها که [به تو] روی آورد، تو پناهگاه و محلّ نجاتش هستی، و هر کدام که پشت کند هیچ پناهگاه و محلّ نجاتی از تو جز به سوی تو نخواهد داشت، پس به [حقّ] اینکه معبودی جز تو نیست از تو درخواست می‌نمایم، و به [حقّ] بسم الله الرحمن الرحيم، به حقّ حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) سرور پیامبران، و به حقّ حضرت علیّ بهترین اوصیاء، و به حقّ حضرت فاطمه، سرور زنان عالم، و به حقّ امام حسن و حسین که آن دو بزرگوار را آقای جوانان اهل بهشت - که سلام بر همه‌ی آنان باد - گردانیدی، مسألت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی، و او را در همان حالتی که در آن است، به من بنمایانی.

ان شاء الله حتماً او را می‌بینی.

اعمالی جهت بیدار شدن برای دعا و استغفار و نماز شب و اموردیگر

درباره‌ی بیدار شدن برای هر امری، و یا برای خصوص دعا و استغفار و روایاتی وارد شده است، از آن جمله:

9 - برای بیدار شدن برای هر امری منقول است که امام باقر (ع) فرمود: هر بنده‌ای تصمیم بگیرد که هر ساعت و لحظه‌ای که خداوند بهتر از آن آگاه است بیدار شود، خداوند دو فرشته به او می‌گمارد تا او را در آن ساعت و لحظه حرکت دهند.

10 - باز برای بیدار شدن برای هر امری، عامر بن عبدالله بن جذاعه [یا خدا] می‌گوید³³⁷ هر بنده‌ای هنگامی که در رختخواب می‌رود، آخر سوره‌ی کهف را بخواند، در همان ساعت و لحظه‌ای که می‌خواهد بیدار می‌شود.

11 - در روایتی پیرامون بیدار شدن برای خصوص دعا و استغفار، نقل شده که حضرت ابی الحسن اول امام کاظم (ع) فرمود: هرکس خواست شب بیدار شود. هنگام خوابیدن بگوید:

اللَّهُمَّ، لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ، وَأَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي، وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِيَنِي، وَأَسْتَغْفِرُكَ وَتَغْفِرَ لِي [یا: فَتَغْفِرْ لِي]، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،

- خداوندا، یادت را از فراموشم منما، و از مکر و فریبت ایمن نگردان، و از غافلان قرار مده، و در محبوبترین ساعتها و لحظات در نزد خود بیدارم بفرما، [تا اینکه] تو را در آن بخوانم تا برایم اجابت نمایی، و درخواست نمایم تا عطا فرمایی، و از تو طلب آمرزش نمایم [تا] بیامرزی، که گناهان را جز تو نمی‌آمرزد. ای مهربانترین مهربانها.

حضرت فرمود: خداوند متعال دو فرشته را بر او می‌گمارد تا او را بیدار نمایند، اگر بیدار شد [که شد]، وگرنه خداوند به آنان دستور می‌دهد که برای او استغفار نمایند. و اگر در آن شب مُرد، در حال شهادت جان می‌سپارد، و اگر بیدار شد، هر چه که در آن وقت [یا: در آن جا] از خداوند متعال بخواهد به او عطا می‌فرماید.

12 - و در پیرامون بیدار شدن برای شب بیداری و عبادت در شب، آمده که حضرت جعفر بن محمد به نقل پدران بزرگوارش (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود که رسول خدا (ﷺ) فرمودند: هرکس خواست هر مقدار از شب را بیدار شود، وقتی در جایی که می‌خواهد بخوابد دراز کشید، بگوید:

اللَّهُمَّ، لَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ. أَقُومُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَاعَةً كَذَا وَكَذَا..

خداوند، فرشته‌ای را بر او می‌گمارد که او را در همان لحظه بیدار نماید.

13 - و از جمله روایات مربوط به بیداری برای نماز، اینکه صفوان بن یحیی می‌گوید: شنیدیم که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌فرمود: هرکس خواست شب برای نماز برخیزد و خواب نرود، هنگام رفتن به رختخوابش بگوید:

اللَّهُمَّ، لَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَوَلَّ عَنِّي وَجْهَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَى تَمَرُدِي، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ، وَأَبْقِظْنِي مِنْ رَقْدَتِي، وَسَهِّلْ لِي الْقِيَامَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْكَ، وَارْزُقْنِي فِيهَا الصَّلَاةَ وَالشُّكْرَ وَالدُّعَاءَ، حَتَّى أَسْأَلَكَ فَتُعْطِيَنِي، وَأَدْعُوكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي، وَأَسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ.

- خداوند، مرا از مکر و فریبت ایمن مگردان، و یادت را فراموشم مکن، و روی از من مگردان، و پرده‌ی [ستاربت] را مَدَر، و به خاطر سرکشی‌ام مرا

مگیر، و از غافلان قرار مده، و از خواب بیدارم کن، و بیدار شدن در این شب را در بهترین اوقات در نزد تو برای من آسان گردان، و در آن وقت نماز و شکر و دعا را روزی ام فرما، تا اینکه از تو درخواست نمایم و به عطا کنی، و تو را بخوانم و اجابت نمایی، و از تو طلب آمرزش کنم و مرا بیامرزی، برآستی که تویی بسیار آمرزنده و مهربان.

اعمال هنگام پهلو به پهلو شدن در رختخواب اینک آنچه را که بنده بعد از خوابیدن و هنگام پهلو به پهلو شدن در رختخواب و پیش از نشستن باید بگوید، ذکر می‌کنیم:

1 - ابوبصیر می‌گوید: امام باقر (علیه السلام) پیرامون فرمایش خداوند - تبارک و تعالی - که فرمود:

كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ³³⁸ (آنان همواره بخش اندکی از شب را نمی‌خوابیدند). فرمود: این گروه می‌خوابیدند، ولیکن هرگاه که پهلو به پهلو می‌شدند، می‌گفتند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ.: (ستایش خدا را، و خداوند بزرگتر است).

2 - در روایت دیگر پیرامون آنچه که هنگام پهلو به پهلو شدن بر رختخواب گفته می‌شود، آمده است که احمد بن عبد ربّه خانبه کرخی در کتاب مملیات خود آورده - هم او که به گفته خود کتابش را بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد بن عسگری، امام هادی (علیه السلام) عرضه کرد، و حضرت آن را مشاهده نمود و فرمود: صحیح است و بدان عمل کنید. البتّه در روایتی که پیشتر نقل کردیم، راوی عرضه‌ی کتاب احمد بن خانبه بر مولایمان امام هادی (علیه السلام)، کس دیگری غیر از احمد بن خانبه بوده است - در هر حال، احمد بن خانبه در

کتابی که بدان اشاره کردیم آورده که: وقتی از خواب بیدار شدی و بر رختخواب
پهلوی به پهلو کردی، بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ
إِلَهُ الْمُرْسَلِينَ، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّعَةِ وَ مَا فِيهِنَّ، وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّعَةِ وَ مَا
فِيهِنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

- معبودی جز خداوند زنده پابرجا [و برپا دارنده‌ی همه‌ی مخلوقات] وجود
ندارد، و او بر هر چیز تواناست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار
[عالمیان و معبود پیامبران فرستاده شده است، پاک و منزّه است خداوندی که
پروردگار] آسمانهای هفتگانه و هرچه در آنها وجود دارد و پروردگار زمینهای
هفتگانه و هرچه که در آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می‌باشد، و
سلام بر پیامبران فرستاده شده، و ستایش مخصوص خداوندی که پروردگار
عالمیان است.

ذکر عملی هنگام دیدن رؤیای ناخوشایند اینک عملی را که اگر انسان در
حال خواب، رؤیای ناخوشایندی را دید آن باید انجام دهد و بگوید، ذکر
می‌کنیم:

1 - در روایت آمده که امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی انسان در حال
خواب چیزی را که از آن کراهت دارد دید، باید از سمتی از بدنش که بر روی
آن خوابیده به طرف دیگر برگردد و بگوید:

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ، لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا، وَ لَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ³³⁹.

- سخن در گوشه و خصوصی گفتن تنها از ناحیه‌ی شیطان است، تا کسانی
را که ایمان آورده‌اند اندوهگین نماید، ولی، هیچ ضرر و آسیبی جز به اذن
خداوند، به آنها نخواهد رسانید.

بعد بگوید:

أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ، وَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

- پناه می‌برم به آنچه که فرشتگان مقرب الهی و پیامبران فرستاده شده و بندگان شایسته‌ی خدا پناه بردند، از شر آنچه که در خواب دیدم و از شر شیطان رانده شده.

2 - و نیز در روایت دیگر جهت دفع رؤیای بد آمده که امام باقر و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: [یا: امام باقر به نقل از امام صادق (علیه السلام) فرمود: حضرت فاطمه (علیه السلام) به رسول خدا (ﷺ) از آنچه که در خواب مشاهده می‌نمود گله نمود، آن بزرگوار به او فرمود: وقتی اینچنین دیدی بگو:

أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ، مِنْ شَرِّ رُؤْيَايَ الَّتِي رَأَيْتُ، أَنْ تَضُرَّنِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ.

- پناه می‌برم به آنچه که فرشتگان مقرب الهی و پیامبران فرستاده شده و بندگان شایسته‌ی الهی به آن پناه بردند، از شر رؤیایی که دیدم، به اینکه مبادا در دین و دنیا به من ضرر برساند.

و سه بار بر سمت چپ خود آب دهان بیانداز.

3 - در روایت دیگر درباره‌ی دفع رؤیای بد - که کلمات بیشتری را در بردارد - منقول است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر در خواب چیز بدی دیدی، هنگامی که بیدار شدی بگو:

أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَالْأئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ، وَمِنْ شَرِّ رُؤْيَايَ، أَنْ تَضُرَّنِي، وَمِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ³⁴⁰.

سپس سه مرتبه بر طرف چپ خود آب دهان بیانداز.

خاتمه‌ی جلد اوّل کتاب

از آنجا که دیدم اگر همه این کتاب، یعنی فَلَاحُ السَّائِلِ وَنَجَاحُ الْمَسْأَلِ فِي عَمَلِ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ لِأَصْحَابِ الْإِتْمَامِ فِي الصَّلَوَاتِ را در یک جلد جمع آوری کنم، حمل و نقل آن بر عبادت‌کنندگان دشوار خواهد بود، و نیز به نظرم آمد که خواب - که آداب آن را مشروحاً ذکر نمودیم - انسان را از عبادت و دیگر امور جدا می‌کند، لذا جزء اوّل این کتاب را پیرامون آدابی که از ابتدای کتاب تا هنگام خوابیدن ذکر شد، مرتّب گردانیدم، و جلد دوّم را با ذکر ادبی از پیامبر اکرم - علیه افضل الصّلاة والسّلام - هنگامی که شخص با تندرستی و در حالی که مقصودش کاملاً برآورده شده از خواب بیدار می‌شود و می‌نشیند، شروع خواهم نمود.

ان شاء الله.

و صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

(323) البتّه مؤلف بزرگوار - رضوان الله تعالى عليه - نامی از خود نیاورده‌اند، و فرموده‌اند که برخی ازبندگان خدا را می‌شناسم که این اعمال را هنگام خوابیدن انجام می‌دهند، ولی به احتمال قوی قریب به یقین، مقصود خود ایشان هستند.

(324) اعراف (7): 171.

(325) سوره‌ی آل عمران (2): آیه 18 و 19.

(326) سوره‌ی فاطر (35): آیه‌ی 41.

(327) آیه 54 از سوره‌ی اعراف (7).

(328) انبیاء (21): 42 - و بقیه‌ی آیه شریفه چنین است: بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ. و ترجمه مجموع آن به این صورت است که: بگو: کیست که در شب و روز شما را از خداوند رحمت گستر محافظت نماید، بلکه ایشان از یاد پروردگارشان روی گردانند.

(329) سوره‌ی اسراء (یا بنی اسرائیل: 17): 110 و 111 -

(330) فاطر (35): 41 .

(331) اسراء (یا: بنی اسرائیل: 17): 110 و 111.

(332) کهف (18): 110.

(333) عین این دعا همراه با ترجمه‌اش در ص 596 گذشت.

(334) اسراء (17): 109 و 110.

(335) ظاهراً به این صورت که: در هر رکعت بعد از سوره‌ی حمد، صد بار آیه‌ی الکرسی را بخواند.

(336) حِلَّ به سرزمینهای غیر حَرَم گفته می‌شود و حَرَم سرزمینهای اطراف خانه‌ی کعبه تا محدودده‌ی مشخص می‌باشد.

(337) این روایت را در کافی، ج 2، ص 632، روایت 21، عبداللّه بن جذاعه از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده است، البتّه در آنجا لفظ هنگامی که در رختخواب می‌رود ذکر نشده است.

(338) ذاریات (51): 17.

339

(مجادله (58): 10.

(340) پناه می‌برم به آنچه که فرشتگان مقرب درگاه الهی و پیامبران فرستاده شده و بندگان شایسته‌ی خدا و پیشوایان راه دان و هدایت یافته به آن پناه بردند، از شرّ آنچه که دیدم، و از شرّ رؤیایم، به اینکه مبادا به من ضرر برساند، و از شرّ شیطان رانده شده.

فهرست مطالب

3	شرح حال کوتاه مؤلف
6	سید بن طاووس از دیدگاه بزرگان
9	سید بن طاووس از دیدگاه عالمان ربّانی معاصر
18	مقدمه‌ی مؤلف
23	سبب تألیف کتاب
28	دفع یک شبهه
37	جلالت و توثیق ابن سنان
39	اسناد روایات این کتاب
41	روش تألیف این کتاب
45	فهرست جزء اوّل و دوّم کتاب
50	فصل اوّل: عظمت نماز و پیامدهای سبک شمردن آن
52	فصل دوّم: شرایط نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت باز می‌دارد
54	کیفیت نیت در عبادات
55	فصل سوّم: فضیلت و آثار دعا از دیدگاه قرآن
58	فصل چهارم: فضیلت و آثار دعا از دیدگاه روایات
63	فصل پنجم: برتری دعا و مناجات از تلاوت قرآن
67	فصل ششم: شرایط اجابت دعا از دیدگاه عقل
70	مقدم داشتن مقصود حضرت حقّ و اشتغال به یاد او
73	فصل هفتم: شرایط اجابت دعا از دیدگاه روایات
75	بجا آوردن مدح و ثنای خداوند - جلّ جلاله - پیش از درخواست حوایج
78	- پاکیزه بودن از مظالم بندگان در حال دعا

79	معذور ندانستن ظالم در ظلم خود.
80	جَبَّار و سرکش نبودن.
81	دعا با قلب پاک و نیت صادق.
82	پرهیز از گناه بعد از دعا، تا مبادا گناهانش او را از نیل به آرزویش باز دارد.
83	توبه از گناهان و صلاح و صدق در حال دعا.
87	حضور قلب، و تمایل نداشتن به دنیا.
88	عدم غفلت و اشتغال نداشتن به امور بیهوده.
88	ترک نکردن امر به معروف و نهی از منکر.
88	نفرت نکردن بر دوست.
88	پاکیزگی خوراک و پرهیز از حرام خوری.
89	داشتن انگشتی نقره با نگین فیروزه.
89	داشتن انگشتی عقیق.
89	دعا نکردن پیرامون قطع ارتباط با خویشاوندی که قطع آن جایز نیست.
		در نظر داشتن مقصود خداوند - جلّ جلاله - از دعا و مقدم داشتن آن بر خواست
89	خود.
91	فصل هشتم : فواید مناجات بسیار و فضیلت دعا.
99	فصل نهم : احکام و آداب مقدمات طهارت و ادعیه آن.
101	احکام و آداب هنگام رفتن به توالت
103	آداب و ادعیهی هنگام رفتن به توالت
106	شرایط آب
108	فصل دهم : آداب معنوی طهارت از دیدگاه عقل
110	فصل یازدهم : احکام و آداب و ادعیهی وضو کیفیت وضو گرفتن
113	احکام و آداب وضوء
114	مُبطلات وضوء
115	فصل دوازدهم : احکام و آداب تیمّم بدل از وضو

116.....	کیفیت تیمم.....
117	فصل سیزدهم : احکام و آداب غسل از دیدگاه عقل و نقل آداب معنوی غسل
118.....	احکام واجب بر جنب.....
119.....	کیفیت غسل.....
121.....	احکام غسلهای مخصوص زنان.....
123.....	تفصیل احکام حیض.....
127.....	غسلهای مستحبی.....
129.....	غسل میت و امور قبل و بعد از آن مرگ در دیدگاه توده‌ی مردم.....
131.....	مرگ در دیدگاه اولیاء.....
133.....	اصلاح اعمال و آمادگی برای مرگ.....
135.....	احکام و آداب نوشتن وصیت نامه.....
138.....	ذکر امور مورد نیاز در حال مرگ.....
144.....	وظایف دیگران نسبت به محتضر.....
145.....	ذکر تفصیلی مطالب گذشته.....
147.....	استحباب تهیه کفن از لباس احرام.....
149.....	آماده کردن کفن و نگاه کردن به آن.....
151.....	احکام و آداب.....
155.....	گذاشتن نگین انگشتر عقیق در دهان میت.....
158.....	اعمال وقت احتضار.....
161.....	چگونگی غسل دادن مردگان.....
164.....	چگونگی کفن کردن میت.....
166.....	احکام نماز میت.....
168.....	کیفیت انجام نماز میت.....
172.....	تسلیت و اندوه گساری.....
174.....	کیفیت دفن اموات.....

182.....	اشکال و جواب
184.....	با وفا بودن نسبت به اموات
	فصل چهاردهم: احکام و آداب تیمم بدل از غسل، و شرایط لباس و مکان نماز، و
186.....	ادعیهی هنگام ورود به مسجد
187.....	کیفیت تیمم بدل از غسل
189.....	شرایط لباس و مکان نماز
190.....	صدق در پوشیدن لباس و مقصود از آن
191.....	اخلاص و حضور قلب
193.....	ذکر فضیلت بعضی از مساجد و تفاوت نماز خواندن در آنها
194.....	کیفیت دخول در مسجد کیفیت
199.....	فصل پانزدهم: تعیین نخستین نماز واجب
202.....	معنای وُسْطَى
203.....	فصل شانزدهم: اعمال وقت زوال آفتاب و ظهر
209.....	فصل هفدهم: اسرار نماز و ذکر نافله‌های ظهر
211.....	2 - ذکر تکبیرة الاحرام
212.....	معنای تکبیر
213.....	مقصود از صدق در گفتن تکبیر
215.....	3 - ذکر توجّه و گفتن وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
217.....	حضور قلب در هنگام ورود در نماز
219.....	اختلاف حالات نمازگزاران در هنگام دخول در نماز
221.....	4 - آداب ستایش و ثنای پروردگار
223.....	5 - آداب در هنگام گفتن: اِيَّاكَ نَعْبُدُ، وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
225.....	6 - آداب نمازگزار در دعاهای نماز
227.....	7 - ذکر آداب معنوی قرائت قرآن
229.....	8 - آداب معنوی رکوع

232	9 - آداب سجده
244	معنای صحیح محبت و خشنودی و خشم و غضب پروردگار
246	10 - تشهد و گواهی دادن به یگانگی خداوند - جلّ جلاله -
248	11 - شهادت به رسالت حضرت محمد بن عبدالله
250	12 - صلوات بر حضرت محمد (ﷺ)
251	13 - سلام نماز
253	اعمال و صفاتی که موجب عدم قبولی اعمال می‌گردد
259	مقدمات ورود در نماز
259	1 - علت تعیین اوقات مشخص برای نمازهای پنجگانه
262	2 - عظمت نماز از دیدگاه روایات
264	3 - سوره‌هایی که به طور عموم در نافله‌ها قرائت می‌شوند
265
267	5 - شناخت قبله در روایات
269	راههای تشخیص قبله
270	احکام دیگر قبله
271	6 - مواردی که توجه به هفت تکبیر افتتاح مستحب
272	اشکال و جواب
279	7 - کیفیت انجام نافله‌های ظهر
286	تعقیبات و دعاهای نافله‌های ظهر
306	فصل هیجدهم: آداب و اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات
316	وقت اذان ظهر
317	کیفیت و بخشی از احکام اذان و اقامه
319	اعمال بین اذان و اقامه از دیدگاه روایات
324	دعای بعد از اقامه
326	فصل نوزدهم: آداب و اسرار نماز ظهر و تعقیبات آن نماز

- 335..... حالات معصومین (علیهم السلام) در شروع نماز
- 337..... [کیفیت] انجام نماز ظهر
- 341..... تعقیبات مشترک نمازهای واجب
- 346..... فضیلت تسبیح فاطمه‌ی زهراء (علیها السلام)
- 347..... فضیلت تسبیحات اربعه در تعقیبات نماز
- 348..... دعایی جهت محفوظ ماندن از خطرات
- 351..... دعایی جهت آرزویش گناهان
- 352..... دعا برای طول عمر
- 354..... دعا جهت حفظ
- 355..... دعا جهت برآورده شدن حوائج
- 357..... دعای امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نمازها
- 360..... دعا برای حضرت مهدی (علیه السلام)
- 363..... دعای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تعقیب نماز ظهر
- 365..... دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تعقیب نماز ظهر
- 368..... دعای حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) در تعقیب نماز ظهر
- 375..... دعاها‌ی امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب
- 383..... دعای حضرت مهدی (علیه السلام) در تعقیب نمازهای واجب
- 389..... دعا برای جبران غفلتها و گناهان قلبی در نماز
- 395..... آخرین دعا در تعقیب نماز
- 396..... سجده‌ی شکر، و آداب ظاهری و معنوی آن
- 398..... سجده‌ی شکر امام کاظم (علیه السلام)
- 400..... اعمال بعد از سجده‌ی شکر
- 404..... فضیلت نماز واقعی از دیدگاه روایت
- 408..... فصل بیستم: آداب و اسرار و تعقیبات نافله‌های نماز عصر
- 408..... کیفیت انجام نوافل عصر
- 417..... دعای گذشته به روایت دیگر

422	فصل بیست و یکم: آداب و اسرار نماز عصر
	تعقیبات مخصوص نماز عصر استغفار و آداب باطنی استغفار و حضور قلب در آن
423
425	فضیلت استغفار بعد از نماز عصر
427	دعا برای حضرت مهدی (عج)
430	دعا جهت زدودن گناهان
432	دعای امیرالمؤمنین (ع) بعد از نماز عصر
435	دعای حضرت زهراء (ع) در تعقیب نماز عصر
449	کیفیت سجده‌ی شکر در تعقیب نماز عصر
452	اعمال بعد از سجده‌ی شکر و اتمام نماز
	فصل بیست و دوم: محاسبه و اصلاح نامه‌ی عمل و ادعیه‌ی هنگام غروب آفتاب
455
470	اعمال وقت غروب آفتاب
476	دعای عشرات
487	دعای امیرالمؤمنین (ع) در لیلَةُ الْمَبِیت
496	مجموعه دعاهای سر
502	پایان بردن روز با استغفار
503	حالت توجّه و توسّل در پایان روز
504	خداحافظی از دو فرشته روز
	فصل بیست و سوم: کیفیت ملاقات با دو فرشته‌ی نگاهبان بر اعمال و نحوه‌ی
505	انجام نماز مغرب و تعقیبات آن
510	توضیح دو نکته پیرامون حدیث گذشته
512	کیفیت اقامه و نماز مغرب
513	تعقیبات مخصوص نماز مغرب

فصل بیست و چهارم: آداب اسرار و ادعیه و نافله‌های مغرب و ادامه‌ی تعقیبات	
نماز مغرب	518
دعای مخصوص آخرین سجده‌ی نافله‌های مغرب	520
دعای امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تعقیب نماز مغرب	527
دعای حضرت فاطمه‌ی زهراء (علیها السلام) در تعقیب نماز مغرب	530
دعای امام صادق (علیه السلام) در تعقیب نماز مغرب	540
وقت انجام سجده‌ی شکر	545
اشکال و جواب	547
فصل بیست و ششم: آداب و اسرار و تعقیباتِ مخصوص نماز عشا	553
کیفیت انجام نماز عشاء	554
کیفیت انجام سجده‌ی شکر بعد از نماز عشا	573
فصل بیست و هشتم: نمازهای دیگر بعد از نماز عشا	576
نماز دیگر بعد از نماز عشا	577
فصل بیست و نهم: آداب و تعقیبات نماز وُتیره و نافله‌ی عشا	578
کیفیت نماز وُتیره	579
فصل سی‌ام: نمونه‌ای از حالات معصومین (علیهم السلام) در شب و اعمال و آداب پیش	
از خواب پرهیز از گناه	591
اشکال و جواب، و حالات شیعیان واقعی در شب	596
نمونه‌ای از حالات امام حسن (علیه السلام)	597
حالت امام صادق (علیه السلام) در حال کُنیک گفتن	599
توجّهات معنوی و توبه در هنگام خوابیدن	602
آداب و اعمال پیش از خواب	608
اعمال و آداب بعد از دراز کشیدن در رختخواب	611
توجّهات و حالات و اعمال مؤلف	616
فضیلت و آثار و فوائد اعمال وقت خواب	620

- 621..... فضیلت تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)
- 625..... ترس از ایمنی از احتلام
- 627..... اعمال دیگر پیش از خواب
- 629..... دعایی جهت در امان ماندن از گزند حیوانات سمّی
- 631..... دعایی جهت خواب دیدن امیرالمؤمنین (علیه السلام)
- 633..... اعمالی جهت بیدار شدن برای دعا و استغفار و نماز شب و امور دیگر
- 638..... خاتمه‌ی جلد اوّل کتاب
- 640..... فهرست مطالب